

فتاویٰ
دارالعلوم
دیوبند
فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

تصحیح ترجمہ و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد احمد الحقانی الأفغانی رحمۃ اللہ علیہ

جلد سوم (۳)

مکتبہ حنفیہ

کاسی روڈ ، کوئٹہ . فون: 081-2662510

آگاهی: جمله حقوق برای ناشر محفوظ است.

© All Rights Reserved for publisher.

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اول

حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأول ۱۴۳۱ \ مارچ ۲۰۱۰

مکتبہ خانفییہ	Maktabah Hanafiyah
مؤسسه انتشارات	Publishing Organization
العلم کمپیوٹرز	AL - ILM Computers
کمپوزنگ ادارہ	Composing Organization

کاسی روڈ، حاجی غیبی چوک، کوئٹہ، شماره تلفون: 0812662510 Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone :

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 کونته، پاکستان، شماره تلفون:

فہرست فتاویٰ دار العلوم دیوبند جلد سوم

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	چواری مسلمان در جماعت شریک	۳۰	الباب خامس فی الامامۃ
۳۳	شدہ میتواند یانہ	۳۰	فصل اول جماعت و اہمیت آن
۳۴	دلائل کراہیت جماعت دوم		اگر در قریہ نماز جماعت نمیشود پس
۳۵	ترک نمودن جماعت		بہ مسجد محلہ دیگر رفتن ضرور است
	مرد مصاب بہ جذام برای شرکت در	۳۰	یانہ؟
۳۶	جماعت بہ مسجد نیاید		اگر بہ مسجد کسی نمیآید آیامردن بعد
	در یک مسجد دو آذان و دو جماعت		از دادن آذان بہ مسجد دیگر برای جماعت
۳۶	رواست یاخیر	۳۰	رفته میتواند
	گر تنها طفلہا مقتدیان باشند نیز	۳۰	ماندن از جماعت بخاطر عذر
۳۷	جماعت میشود	۳۰	نماز فرض بہمراہ ہمسر شدہ میتواند
	کسیکہ آذان را بشنود و باز ہم	۳۱	اشتراک مریض معفن بہ جماعت
۳۷	بمسجد نہ آید آیا نماز او میشود یانہ؟		قصہ ترک نمودن نماز جماعت و گناہ
۳۷	در خانہ جماعت باز نان و ثواب آن	۳۱	آن
	بہ خاطر دشمنی با امام ترک کردن	۳۱	اختلاف در جماعت دوم و جواب آن
۳۸	جماعت مناسب نیست		حکم آن شخص چیست کہ بخاطر تنگی
	دروقت تعلیم دین ترک نمودن	۳۲	جای جداگانہ نماز بخواند
۳۹	جماعت درست است یانہ		در بازار کلائیکہ یک مسجد باشد در آن
۴۰	در یک مسجد دو جماعت	۳۲	وقت چہ کند
۴۰	انتظار یک نماز خوان چطور هست		اگر مسجد را رها کند و پیوستہ جماعت
	اگر در وقت جماعت کسی سنت	۳۲	بان نماید چطور هست
۴۰	میخواند امام انتظارش را بنماید یانہ		ثواب جماعت بہ وجود چہ اندازہ مقتدیان
	بسبب عذر مجال ترک نمودن نماز	۳۳	بدست میاید
۴۱	جماعت هست یاخیر		کسیکہ بسبب واردات (جن) قادر بہ
۴۱	بسبب تکبر ترک نمودن جماعت روا	۳۳	خواندن قرأت و تشہد نباشد چہ کند

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
	اگر جدا از جماعت کدام نماز ادا	۴۱	نیست
۴۸	شود میشود یانه	۴۲	رفتن زنان به عیدگاه برای نماز
	وقتی جماعت استاد بود جماعت دیگر		ازواج مطهرات در جماعت شریک
۴۸	ایستادن چطور هست	۴	میشدند یانه
	بالای سقف حجره مسجد جماعت	۴۲	در جماعت دوم شرکت کرده شود یانه
۴۸	کردن	۴۳	وقت تکبیر اولی از کجا تا کجا است
	سوختاندن خانه تارک جماعت جائز		در جماعت از سر کرده شده شرکت
۴۸	نیست	۴۳	نمودن فرض ادا میشود یانه
	این گفتار که در خانه نماز خواندن		در کدام جائیکه امام ومؤذن تعین نباشند
۴۸	کبیره است چه طور هست	۴۳	در آنجا جماعت دوم رواست یانه
۴۹	باران و خنک سخت عذر هست یانه		با مخالفت به بدعتیها در جماعت امام
۴۹	انتظار امام یا مقتدی درست است یانه	۴۳	سابق فرقی میآید یانه
	وقتی در حرم شریف جماعت اول پیدا		جماعت دوم جائز است یانه وبعد از
	انشد پس آبادر جماعت دوم شریک		جماعت نماز جداگانه در مسجد بهتر
۴۹	شود یانه	۴۴	است یا در خانه باجماعت
	بعد از جماعت آیا به یکدرجه جدا		اگر کدام شخص قبل از آمدن امام نماز
۵۰	جدا نماز خوانده میشود	۴۴	بخواند آن نماز در جماعت نیست
	در ابتداء اقامت استاده شدن امام		وقتی امام مقرر شده بسبب نه آمدن
۵۱	و مقتدی چه مصلحت دارد	۴۵	مقتدی تنها نماز خواند چه حکم دارد
	ایا با شریک شدن شیعه در جماعت		در وقت یک جماعت جماعت دیگر
۵۱	سنی ها کدام نقص پیدا میشود	۴۵	روا است یانه
	کسیکه نماز جماعت را از دست داد		کسیکه جماعت رانه یافت وی در کدام
	اوبه تنهایی در مسجد نماز بخواند و یا	۴۵	جا نماز بخواند
۵۱	در خانه جماعت نماید		منع کردن کسیکه از وی خطر مختل
۵۲	در مسجد جماعت دوم و جمعه دوباره		ساختن امن وامان و فساد باشد از جماعت
۵۲	بخطا فسخ ملا نماز در خانه	۴۶	چه گونه هست

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۵۸	امامت در غیاب امام معین	۵۲	اشتراک مہتر در نماز جماعت
۵۸	بسبب خوف فساد ترک کردن جماعت	۵۲	در جای اہاد نہ شدہ شہر نماز واذان
۵۸	مسجد درست است یا نہ	۵۳	بسبب تجارت ترک نمودن جماعت
۵۸	جماعت کردن زنہا در تراویح	۵۳	حکم تارک جماعت
۵۸	ثواب نماز تنہائی درخانہ زیاد است		بہ سبب جنگ با امام ترک کردن
۵۸	یا در مسجد	۵۳	جماعت
۵۸	فضیلت نماز خواندن در جنگل برای		بعد از دور دادن یک سلام درجماعت
۵۸	یک نفر است ویا برای جماعت	۵۴	شریک شدن صحیح نیست
	جماعت دوم مکروہ تحریمی است	۵۴	چرا در مکہ مکرمہ چہار جای نماز ہست
۶۰	و یا تنزیہی	۵۴	شرح مسجد قارۃ الطريق
	در مکان سکونت جماعت دوم مکروہ		جذامی در جماعت شریک شدہ میتواند
۶۰	است یا نہ	۵۴	یا نہ
۶۰	امام در محراب چگونہ استاد شود		در یک مسجد جماعت میسر نہ شد آیا
	در میان یک جماعت تلاش جماعت	۵۴	بہ مسجد دیگری برود
۶۱	دیگر	۵۵	سرعت در جماعت
	در دوران جماعت نماز جماعت		اول از صحرا گشت فارغ شود باز نماز
۶۱	کنندگان دیگر میشود یا نہ	۵۵	بخواند
۶۱	ترک نمودن اقتداء		بہ سبب نہ داشتن استعداد مقرر نمودن
۶۱	با دو مرد جماعت میشود یا نہ		امام بند کردن جماعت در بعضی مسجدا
	رفتی کہ بعد از سلام اول در جماعت	۵۶	چطور ہست
۶۲	شریک شد چی حکم دارد	۵۶	ترک نمودن مسجد درست نیست
۶۲	نماز در مسجد جور شدہ بہ حرام	۵۶	بخاطر نگہداری خانہ ترک نمودن جماعت
۶۳	الفصل الثانی: استحقاق امامت	۵۷	مراعات کردن مرد شریک در جماعت
	در موجودیت امام کسی دیگری را	۵۷	تاخیر در جماعت
۶۳	امام ساختن		دروقت دور دادن سلام گشتاندن تکبیر
۶۳	یک شخص از جنابت تیمم کرد	۵۸	تحریمہ و در جماعت شریک شدن

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	بدون اجازہ امام مقرر کسی حق		و دیگر ازیب وضوئی درینہا امامت
۷۰	امامت را دارد	۶۳	کدام بہتر است
۷۰	درری امام غیر اصلح		وقتی در حال بی وضوئی وجنابت
۷۱	امام تنخوا دار در حکم اجیر است	۶۳	جماعت داده شود چه کند
	بدون اجازہ امام امام شدن شخص		بدون سبب شرعی نہ خواندن نماز در
۷۱	دیگر	۶۴	عقب امام
	وقتی کوت پوشید امامت او درست		اگر امام قرابت بہتر کردہ نمیتواند انتظار
۷۲	است یانہ	۶۴	قارئ مناسب ہست
	امام تنخوانی روزہا حاضری را گرفته		اگر اکثریت بہ کدام سبب امام راعزل
۷۲	میتواند یانہ	۶۴	کند
۷۳	افضل امام جور شود	۶۵	دعوی امامت امام وانکار مقتدیان
۷۳	امامت کوتاہ کنندہ ریش		وقتی در امامت اختلاف بود ترجیح بہ
	باموجودیت قاضی نکاح امامت شخص	۶۵	کی بدهند
۷۳	دیگر درست است یانہ	۶۶	امامت غیر معزز
	بہ قاضی نکاح هیچ استحقاق شرعی	۶۷	امامت عید گاہ
۷۴	امامت نیست		امام کم علم باوجود عالم بزرگ امامت
	درین وقت سند سابقہ قضاء بکار	۶۷	میکند
۷۴	میاید یانہ		بہتر در میان صاحب علم کم وعلم زیاد
۷۴	نیابت در وقت، انکار امام ومؤذن	۶۷	کدام ہست
	در میان عالم بیٹا وعالم نابینا کدامش		در میان دو شخص ذیل مستحق امامت
۷۴	احق بالامامت است	۶۷	کیست
	مولوی احق بالامامت است ویا حافظ		آیا بعد از امام ہمہ پسرانش مستحق
۷۵	قرآن کریم		امامت ہستند ویا کسی کہ مرد او را
۷۵	مراعات کردن مقتدی	۶۸	مقرر کنند
	در میان حافظ دیندار ونیمہ ملای	۶۸	رخصتی کردن امام
۷۶	فاسق، چہ کسی احق بالامامت ہست	۶۹	امامت ارثی نیست

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۸۱	امامت او چگونه است		این غلط است کہ تنها سادات مستحق
۸۱	امامت متعہ کننده	۷۶	امامت اند
۸۱	امامت زانی و سگریتی	۷۶	درمیان سہ نفر ذیل لائق امامت کیست
۸۲	امامت کور (نابینا)		مردم الفضل در پشت سر امام کم رتبہ
	امامت کسیکہ پسرانش کارہای گناہ	۷۷	از آنها اقتدا کنند یا نہ
۸۲	میکند	۷۷	بدون رضای قوم ساختن امام
۸۲	امامت بازیگر شطرنج		یک شخص اذان و اقامت را کردہ
۸۲	امامت سوالگر	۷۷	میتواند
	امامت صاحب بواسیر درست است	۷۷	مسئلہ نیابت در خطبہ
۸۳	یا نہ		کسیکہ قبل از فرض سنت مؤکد خواندہ
۸۳	امامت بیان کننده حدیث بہ دروغ	۷۸	نخواست امام شدہ میتواند یا نہ
	امامت امامیکہ بعض مقتدیہا از او		اذان قبل از صبح صادق و مسلسل بہ آن
۸۴	ناراض باشد چطور است	۷۸	جماعت
۸۴	امامت فلج شدہ		کدام یکی از حافظ بی خیر از مسائل نماز
	امامت کسیکہ بہ او شک سلسل		و ناظرہ خوان باخیر از مسائل نماز لایق
۸۴	بول میآید	۷۹	امامت است
	امامت امامیکہ درمہمانی خود شراب		درمیان فقیر و سیکہ کدام یکی احق
۸۴	راتیار کند چگونه است	۷۹	بامامت است
	امامت شخصیکہ ترغیب نگہداری	۷۹	ترجیح در امامات
۸۵	زن بی نکاح را میدہد	۷۹	امامت قاری خوش اواز
۸۶	امامت دیوانہ و صاحب عقیدہ غلط	۸۰	درین دو امامت کدام یکی بہتر است
۸۸	امامت زانی در مسجد	۸۰	امامت کی درست و از کی درست نیست
۸۸	امامت مؤذن		اگر کسی بہ شخص حرام زادہ بگوید
	امامت کسیکہ مسولیت خود را در	۸۰	امامت او چہ گونه است
۸۹	ماموریت ادا نمیکند	۸۰	امامت غسل و ذابح
۸۹	امامت گیرندہ فائدہ از گروی	۸۱	کسیکہ چہار مذهب را گمراہی میگوید

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۹۶	پیغمبر ﷺ ہمہ چیزها را داشت	۸۹	اقتداء بہ امامیکہ سخن اورا مردم قبول ندارند
۹۷	امامت کسیکہ عالم بری را گرنگ میگوید	۸۹	امامت کُتله
۹۷	امامت کسیکہ دردہن دندان داشته نباشد	۹۰	امامت قتلیکہ صرف توبہ کردہ باشد چگونہ است
۹۷	امامت عاق	۹۰	امامت لنگ درست است یا نہ
۹۷	امامت ہاشمیکہ مال زکوٰۃ رامیخورد	۹۰	امامت امامیکہ دعوت خانہ شرابی را میخورد
۹۸	امامت مریض	۹۰	حکم امامیکہ دعوت زن مرتدرا میخورد
۹۸	امامت اختیار کنندہ خلوت بازن بیگانہ	۹۱	حق بستن نکاح وامامت عیدھا
۹۸	امامت بیست و پنج سالہ کہ ریش او مکمل نیست	۹۱	اگر تنها یک شخص بالای امام تہمت ببندد امامت این امام چطور ہست
۹۸	امامت تمیز نہ کنندہ میان الف و عین	۹۲	امامت نابالغ
۹۹	امامت کسیکہ حج بالایش فرض است وحج نمیکند	۹۲	امامت بی ادبی کنندہ بہ استاد
۹۹	امامت شخصیکہ سنی نیست و تحت تأثیر شیعہ است	۹۳	امامت ازار پوش پائین از بجلک
۱۰۰	نکاح بستن بہ سوگندزن جرم نیست	۹۳	امامت شخصیکہ تنہا بہ آب استنجامیکند
۱۰۱	برای امامت ریش دراز بہتر است و یا ریش کوتاہ	۹۴	امامت کسیکہ زن بالایش ادعای زنا بکند
۱۰۱	بہ سبب گمان امامت را ترک نماید یا نہ	۹۴	امامت استعمال کنندہ سیاہی موی
۱۰۲	امامت نفع گیرندہ از گروی مکروہ تحریمی است	۹۵	امامت کسیکہ بہ شعبہ عقیدہ دارد
۱۰۲	بعد از امامت نماز خفتن امامت فرض این نماز را دوبارہ کردہ میتواند یا نہ	۹۵	امامت کسیکہ اسباب مسجدرا درخانہ خود استعمال میکند
		۹۶	امامت کسیکہ از ترس رنجیدن مردم بہ سخن خلاف شریعت سکوت میکند
		۹۶	امامت کسیکہ از مسائل متکرر شود
		۹۶	امامت شخصیکہ عقیدہ داشتہ باشد کہ

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۰۸	امامت نابینا		امامت نافرمانی کننده پدر و مادر واجتناب
۱۰۹	امامت درباره عید	۱۰۲	نه کننده از منکرات
۱۰۹	امامت عکس گیرنده بعد از توبه		امامت کسیکه ازار شش گروه برادر را
	امامت پدرش که پسرش زنا کرده	۱۰۳	میپوشد
۱۰۹	باشد چطور است		امامت کسیکه در پشت سابق نسب او
۱۰۹	امامت شرابی	۱۰۳	خراب باشد
۱۱۰	امامت شیعه امامیه		امامت شخصیکه زن بالای او تهمت
	امامت کسیکه بالایش شک خائن	۱۰۳	بیند
۱۱۰	بودن باشد	۱۰۴	امامت امام پول گیرنده از فاحشه ها
	امامت کسیکه علماء دیوبند را کافر		دراز ساختن رکوع و سجده ، امامتش
۱۱۰	میگوید	۱۰۴	چطور است
	امامت معلم اطفال در مکتب ابتدائی	۱۰۴	دراز کردن قرائت
۱۱۰	دولتی	۱۰۵	غیر حاضری امام
	امامت شخصیکه زن اوبی راه		طبع خوشی امام بعد از نماز خفتن و حاضر
۱۱۱	رسرکش باشد	۱۰۵	نه شدن او در نماز صبح
۱۱۱	امامت قاضی با عزت		امامت کسیکه بیوه جوان را از نکاح
	امامت کسیکه دختر خود را به قادیانی	۱۰۵	منه میکند
۱۱۲	بدهد	۱۰۵	امامت مخالف خلافت
۱۱۲	امامت غیر مقلد غیر متعصب		امامت مامور کار و بار سودی و خود
	امامت شخصیکه ادعای مردن در	۱۰۶	گیرنده سود
۱۱۲	روز معین را میکند		امامت کسیکه نکاح مطلقه را بپذیرد
۱۱۳	امامت غلط خوان		حلاله بسته میکند و شرح وقایع را بر تائب
۱۱۳	امامت شخصیکه مادر را میزند	۱۰۷	کند
	امامت شخصیکه از حکومت برطانیه	۱۰۷	امامت خائن و غاصب
۱۱۳	مکتوب گرفته باشد		نکاح دختر حنفی به همراه شیعه و امامت
۱۱۴	امامت فاسق متهم	۱۰۷	بسته کننده این نکاح

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۲۰	امامت گیرندہ رخت	۱۱۴	امامت تارک نماز صبح
۱۲۰	امامت تقاعدگی زندہ از دولت	۱۱۵	امامت گویندہ مشرک بہ صاحب ہدایہ
۱۲۰	امامت نقل کنندہ دوکان بہ نمایش گاہ	۱۱۵	امامت لنگ
۱۲۱	امامت غیر مقلد	۱۱۵	امامت شخص متہم
	ترک نمودن ثنا از سوی امام چگونہ	۱۱۵	امامت مبتلا بہ بواسیر
۱۲۱	است	۱۱۵	امامت مخالف سخن حق
	اقتداء بہ امامیکہ یک رکعت وتر	۱۱۶	امامت ترتیل کنندہ درقرآن
۱۲۱	میخواند	۱۱۶	امامت اجازہ کنندہ شیعہ ہا
۱۲۱	شوہر درتراویح بہ زن اقتداء کند یا نہ	۱۱۶	امامت مسلمان جدید
۱۲۲	امامت بازیگر شطرنج	۱۱۶	امامت معذور
۱۲۲	امامت عضو پارلمان	۱۱۷	انتخاب امام
۱۲۲	امامت عنین	۱۱۷	امامت استعمال کنندہ الیوم
۱۲۲	امامت مصلح	۱۱۷	امامت خوانندہ غلط
۱۲۲	امامت شخصیکہ دختر رقاصہ است		امامت کسیکہ نکاح زن شوہر دار رامی
۱۲۳	امامت دشنام دہندہ	۱۱۷	ہندد (ہستہ میکند)
	امامت کسیکہ توانائی سجدہ کردن		امامت شخصیکہ نکاح زن باشوہر را ہا
۱۲۳	را ندارد چطور است؟	۱۱۷	شخص دیگری ہستہ کند
	امامت کسیکہ خواستہ غلط را قبول	۱۱۸	امامت معالج
۱۲۳	نمیکند	۱۱۸	امامت امام مبتدع
۱۲۳	امامت قاتل زن بد روش	۱۱۸	امامت بدعتی
۱۲۴	امامت صاحب عقائد غلط		امامت کسیکہ درعروس آوری (شانجی)
۱۲۴	امامت دوکاندار	۱۱۸	سورنا از مونہ میبرند
۱۲۴	امامت غلط خوان	۱۱۹	امامت خادم مسجد
۱۲۵	امامت موجی (کھنہ دوزی) وغسال	۱۱۹	نماز عالم درپس ناظرہ خوان
	امامت کسیکہ درپشت ہیچ کس	۱۱۹	امامت شمس العلماء
۱۲۵	نماز نمیخواند	۱۱۹	امامت خلل انداز درنکاح بیوہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۳۱	امامت دروغ گوی و فریب دهنده		امامت کسیکه فیصله جمعیت علماء
۱۳۱	تفصیل امامت کور	۱۲۵	هند را غلط میگوید
	شخصی که دور وقت رادریک مسجد	۱۲۵	امامت ختنه کننده
	وسه وقت را درمسجد دیگر امامت	۱۲۶	امامت عالم معذور
۱۳۲	میکند	۱۲۶	امامت عالم سیاح
۱۳۲	امامت باکلاه و بحث درآن		امامت شخصیکه مخالف انگلیس را
	امامت کسیکه بدون طلاق دادن زن	۱۲۶	کافر می پندارد
۱۳۲	را ترک شده نگهداری میکند	۱۲۷	امامت نادان و مبتدع
	امامت شخصیکه رسول الله ﷺ را		امامت کسیکه درخانه شرابی سکونت
۱۳۳	غیب دان میندارد	۱۲۷	میکند
	امامت کسیکه عروسی دختر خود را		امامات نیکه نمبروار نماز میدهند
۱۳۳	نمیکند و بچه هایش ناروا است	۱۲۸	و نمازهای وسطی را نه میخوانند
۱۳۳	امامت تنقیص کننده درتول		امامت کسیکه به نام انگلیسها و ایصال
۱۳۴	اقتداء امام زانی	۱۲۸	ثواب انها قرآن شریف میخواند
	امام ساختن کسیکه درمرده هندو	۱۲۸	امامت مخالفت کننده فتوی
۱۳۴	اشتراک میکند چطور است		امامت شخصیکه حمایت کننده شرک
۱۳۴	امامت تیمم کننده	۱۲۹	و بدعت باشد
۱۳۵	امامت نر ماده		امامت کسیکه یک بازویش قطعه شده
	امامت شخصیکه بنام زنش عخط کسی	۱۲۹	و کور باشد
۱۳۵	دیگر برآید	۱۲۹	امامت کسیکه زنش تی تی میکند
	امامتیکه ازشاهدی راستین شانه خالی	۱۳۰	امامت کسیکه چادر درنماز میپوشد
۱۳۵	میکند		اگر در مسجد منزل زیر پای امام خالی
۱۳۵	امامت منکرین حدیث	۱۳۰	باشد
۱۳۶	امامتیکه بالایش شبه زنا باشد	۱۳۰	امامت جذامی
۱۳۶	کسیکه به غلطی نماز را به جنابت داد	۱۳۰	امامت زنا کار و چلباز
۱۳۶	بالای امامیکه عیبهای ذیل باشد امامتش	۱۳۱	امامت نکاح خوان حرام

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
	امامت کسیکه اشباه بول خورد داشته باشد	۱۳۶	درست است یا نه
۱۴۳	امامت کسیکه حضرت محمد ﷺ را اولاد مشرک بگوید درست است یا نه؟	۱۳۷	امامت کسیکه موهای پائین از ناف را نه می تراشد
۱۴۳	امامت کسیکه به گرفتن اجوره مسئله شرعی را تعلیم می دهد	۱۳۸	امامت مرد لنگ
۱۴۴	امامت مخالفت کننده بدعت	۱۳۸	امامت کسیکه قاتل حیات بعد الوفات برای اولیاء نیست
۱۴۴	کسیکه میگوید بدن آنحضرت (ص) در شب معراج به بدن خدا پیوست شد	۱۳۹	امامت امامیکه مال مسجد را بالای خود مصرف میکند چطور هست
۱۴۵	امامت کسیکه در عروسی اولاد خود دو لک میزند	۱۳۹	امامت ساعت ساز و دروغگو
	امامت کسیکه جور کننده تصور و مجسمه باشد	۱۳۹	امامت امامیکه بالایش تهمت بدون ثبوت بسته شود
۱۴۵	امامت خواب شونده در نماز	۱۴۰	امامت کسیکه شریعت را به صفت حکم قبول نه میکند
۱۴۶	امامت درناپاکی	۱۴۰	امامت و سر پرستی کسیکه رواج را به شریعت ترجیح می دهد
۱۴۶	امامت شیعه تبرائی	۱۴۱	نماز در پس کوتاه کننده ریش
۱۴۷	امامت گوینده سجده به غیر الله	۱۴۱	امامت شخصیکه به همراهی مرزائی ارتباط داشته باشد
	امامت طفلیکه پرورش در خانه رقاصه شده باشد	۱۴۲	امامت کر
۱۴۸	امامت کسیکه زن سود خور دارد	۱۴۲	هرگاه بالای امام شبه شود
۱۴۸	امامت کهنه دوزیکه در طفولیت مسلمان شده درست است یا نه	۱۴۲	امامت کسیکه بسبب اوپره و جنبه جور میشود
۱۴۸	امامت کسیکه مفتدیهای خود را منافقین میگوید درست است یا نه	۱۴۲	مقصد از ادنی حال
۱۴۸		۱۴۲	امامت حافظیکه پاینده نماز است و شامیانه (مهما نخانه) خود راه کرایه می دهد درست است یا نه؟

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۵۳	درست است یانه		هرگاه درخفتن رمضان جماعت را یکی
	امامت معذور برای غیر معذور درست		و تراویح را دیگری بدهد این جائز است
۱۵۳	است یانه	۱۴۸	یا نه
	امامیکه مرده جذامی را بیرون کند		در تکبیرات انتقالی جهر واجب است یا
	وامر سرختاندنش را بدهد امامت وی	۱۴۹	سنت
۱۵۴	درست است یانه		در پس بی ادبی کننده مسجد نماز جائز
۱۵۴	امام ساختن دزد چطور است	۱۴۹	است یانه
	امامت کسیکه قادر به جماع نیست	۱۴۹	امامت زانی توبه کننده جائز است یانه
۱۵۴	درست است یانه	۱۵۰	آیا امامت مرد ریش سفید مکروه است
	کسیکه موی سفید را سیاه میکند	۱۵۰	نماز حنفی در پس شافعی جائز است یانه
۱۵۵	امامت وی جائز است یانه		امامت کر، شل و جفلی کننده جائز
	امامت شخصیکه دست راستش به	۱۵۰	است یانه
۱۵۵	نرمی گوش نمیرسد جائز است یانه	۱۵۱	امامت زانی درست است یانه
	امامت نگاه کننده زن بدون نکاح	۱۵۱	امامت دارنده عقیده غلط چطور است
۱۵۶	درست است یانه	۱۵۱	امامت حافظ ناسنت درست است یانه
	امامت بچه جائز زن نو مسلمان شده		امامت بسر کننده دستار سبز یا نارنجی
۱۵۶	درست است یانه	۱۵۲	درست است یانه
	امامت کسیکه تا شانه موی میماند		کسیکه امام قانونی راه زور دور کند
۱۵۷	جائز است یانه		و خودش دعوه امامتی را کند نماز در پس
	امامت کسیکه از زخمش آب زرد	۱۵۲	وی جائز است یانه
۱۵۷	میآید جائز است یانه	۱۵۲	امامت واذان یک شخص چگونه است
	امامت کسیکه حال پدرش معلوم		امامت شخصیکه تهدید قتل میدهد
۱۵۷	نباشد درست است یانه	۱۵۳	چگونه است
۱۵۷	اقتداء شافعی المذهب		امامت شخصیکه یک انگشت بریده
۱۵۸	اقتداء شاهر	۱۵۳	شده باشد چطور است
۱۵۸	به همراه تنها لنگ و دسمال نماز	۱۵۳	امامت کسیکه برای ظالم دعاخیر میکند

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	واجب رامیکند اقتداء وی راکسی	۱۵۸	درست است یانہ
۱۶۳	دیگر کردہ نمیتواند	۱۵۹	امامت جورکنندہ دلدان ساخته گی
	نماز فرض خوان درپس تراویح خوان	۱۵۹	امامت چل باز درست است یانہ
۱۶۴	درست نیست		امامت کسیکہ بخاطر دفع کردن ظلم
	اقتداء نماز خوان پیشین درپس نماز	۱۵۹	دروغ بگوید چگونه است
۱۶۴	خوان عصر شدہ نمیتواند		زنہا در خانہ نزدیک بہ امام مسجد
	امامت کسیکہ مولود مروجہ و قوالی	۱۵۹	اقتداء کردہ میتواند
۱۶۴	وغیر را میکند درست است یانہ؟		امام شدن کسیکہ پاهایش قطعہ شدہ
	واگر مجبوریت باشد باز چہ کردہ	۱۶۰	باشد چگونه است
۱۶۴	شود		نماز در پس شہادت دہندہ راستین
	اگر درپس رافضی نماز خواند نمازش	۱۶۰	درست است یانہ
۱۶۵	میشود یانہ	۱۶۰	امامت فایدہ گیرندہ بہ آیات قرانی
	امامت بچہ کم عمر واگر وی درقرآن	۱۶۰	امامت توبہ کنندہ از عمل سفلہ (بیکارہ)
۱۶۵	غلطی میکند چطور است		امامت کسیکہ جنازہ خدمتگار رامیکند
	اقتداء استاد درپس شخص نشستنہ	۱۶۱	جائز است یانہ
۱۶۶	درست است یانہ		وقتی امام در اوقات مکروہہ جماعت
۱۶۶	نماز درپس غیرمقلد درست است یانہ	۱۶۱	میدہد مقتدیہا چہ کنند
	امامت وشاہدی کسیکہ مردہ را	۱۶۲	امامت پیستدار
۱۶۶	غسل میدہد درست است یانہ	۱۶۲	امامت قادیانہ درست نیست
	امامت کسیکہ زن طلاق شدہ بہ	۱۶۲	عالم اقتداء جاہل را کردہ میتواند یانہ
	طلاق مغلظ را بدون حلالہ نگاہ میکند		امامت کسیکہ تنہا بہ آب استنجا میکند
۱۶۷	درست است یانہ	۱۶۲	چگونه است
	کسیکہ اسپہای رختی تیار کند واز		اقتداء صاحب ترتیب درپس کسیکہ
	بہ تماشا گذاشتن وی پیسہ کمائی	۱۶۳	نمازہایش فوت میشود
۱۶۷	میکند امامت وی چگونه است	۱۶۳	اقتداء مسبوق
۱۶۷	امامت نعرہ پرست چگونه است	۱۶۳	بسیب ترک واجب کہ شخصی اعادہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۱۷۲	تلقین بی حیاتی میکند	۱۶۷	امامت حافظ نابینا درست است یا نہ
	امامت غلطی کنندہ غلطیکہ مفسد		امامت فائدہ گیرندہ از زمین گروی
۱۷۲	صلۃ است درست است یا نہ	۱۶۸	چگونه است
۱۷۲	امامت تحویل دہندہ پول دربانک		درموجودیت شیخ سید کسی دیگری
۱۷۳	امامت بدون دستار		امام شدہ میتواند یا نہ و امامت تاجر جائز
۱۷۳	امامت قادیانی درست است یا نہ	۱۶۸	است یا نہ
	امامت ساختن کسیکہ خلفاء ثلاثہ		امامت کسیکہ مریض قطرہ باشد جائز
۱۷۳	راجاہل میگوید چگونه است	۱۶۸	است یا نہ
	امامت اشتراک کنندہ درمیملہ ہا	۱۶۹	امامت شکرانہ خور درست است یا نہ
۱۷۳	درست است یا نہ	۱۶۹	نماز در عقب الیونی جائز است یا نہ
	درپس تراشدہ ریش تراویح درست	۱۶۹	امامت قاتل و قیمازاباز چطور است
۱۷۴	است یا نہ		امامت گیرندہ قرضہای سودی و وفا نہ
	امامت بی احترامی کنندہ مسجد	۱۶۹	کنندہ بہ وعدہ درست است یا نہ
	و گواہی دہندہ دروغ درست است		امامت متہم بہ زنا کہ کسی شاہد نباشد
۱۷۴	یا نہ	۱۷۰	چگونه است
	امامت کسیکہ بہ عروسی (توی)		نماز درپس تعزیرہ پرست مشرک درست
	کردن دختر خود امادہ نباشد چطور	۱۷۰	است یا نہ
۱۷۴	است	۱۷۰	امامت زانی و لوطی درست است یا نہ
	اگر خانن و بینماز امامت عیدہا را		نماز درپس عین درست است یا نہ میان
۱۷۵	میکند چہ حکم است	۱۷۱	نامرد پیدائشی و عارضی فرق ہست یا نہ
	کسیکہ کوشش خلاص شدن از فشار		چیزیکہ امام میخواہد تلاوت خواہد
۱۷۵	ناروا را میکند امامتش چگونه است		کرد و یا موافق ایت مقتدی و امامت
	امامت بستہ کنندہ نکاح زن غیر	۱۷۱	صاحب ساز و سرود مکروہ است یا نہ
۱۷۶	مطلقہ جائز است یا نہ	۱۷۱	اقتداء امام خلاف مسلک
	حکم امامت رشوت خور و دروغگوی	۱۷۲	امامت حافظ محتاط نابینا درست است
۱۷۶	چیست	۱۷۲	امامت آن شخص چگونه است کہ بہ زنها

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	امامت کسیکہ دختر خود را بہ شیعہ		در موجودیت استاد امامت شاگرد درست
۱۸۲	عروسی کرد چطور است	۱۷۷	است یا نہ
	در پس قائل بہ فاتحہ خلف الامام	۱۷۷	امامت زانی و بدعتی جائز نیست
۱۸۲	نماز میشود یا نہ	۱۷۷	امامت کسیکہ بزہارا ذبح میکند
	امامت بدعتی تعزیرہ دار درست است	۱۷۸	امامت تاجر عالم و حافظ جائز است یا نہ
۱۸۳	یا نہ	۱۷۸	نماز در پس فقیر درست است یا نہ
	امامت کسیکہ تنہا بہ آب استنجاء	۱۷۸	امامت داماد شیعہ ہا
۱۸۳	میکند چطور است		امامت مرتبہ خوان و صاحب تعزیرہ چطور
۱۸۳	امامت قطعہ باز جائز است یا نہ	۱۷۸	است
۱۸۳	امامت اجورہ گیرندہ جائز است یا نہ		کسیکہ تنہا بہ گفتار زن نکاح بستہ کند
	امامت فحش گو و نقال درست است	۱۷۹	امامت وی درست است یا نہ
۱۸۳	یا نہ		امامت قرض گیرندہ باسو درست است
۱۸۴	حکم امامت بدعتی چیست	۱۷۹	یا نہ
۱۸۴	امامت ریش تراش جائز است یا نہ		نماز فاضل در پس مفصول درست است
۱۸۵	امامت اختیار کنندہ تہذیب ہندو	۱۷۹	یا نہ
	امامت تعزیرہ دار و استعمال کنندہ	۱۷۹	حق امامت برای کیست
۱۸۵	رنگ سیاہ	۱۸۰	امامت فتنہ انگیز درست است یا نہ
	درخانہ کسیکہ رواجہای غلط میشود		امامت کسیکہ نہ مقلدو نہ غیر مقلد باشد
۱۸۵	و آنها منع نمیکند و امامت آنها	۱۸۰	چطور است
	امامت بدکار و فاسق مکروہ تحریمی	۱۸۰	امامت دروغگو درست است یا نہ
۱۸۶	است		امامت بی خبر از مسائل وہی دین چگونه
	امامت مجبوراً ادا کنندہ سود بخاطر	۱۸۰	است
۱۸۶	خلاصی قرض پدر درست است یا نہ		امامت امامیکہ جاہلانہ جواب میدہد
	امامت کوسہ بست دو سالہ مکروہ	۱۸۱	چطور است
۱۸۶	است یا نہ	۱۸۱	امامت خود غرض چطور است
۱۸۷	امامت کسیکہ از مسائل خبر نباشد	۱۸۱	امامت زانی درست است یا نہ

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	امامت گیرنده سود به حیلہ وبہانہ	۱۸۷	درست است یانہ
۱۹۲	درست است یانہ		بہمراہ کسیکہ ملوث باشد اقتداء وی
۱۹۲	امامت تطبیق کنندہ قانون	۱۸۷	درست است یانہ
۱۹۳	امامت کسیکہ ریش اش نہ باشد		نماز دستار دارہا در پس امام ہی دستار
	بہ نارضایت بدون دلیل یک شخص	۱۸۷	صحیح است یانہ
۱۹۳	بالای امامت کدام اثر نماید	۱۸۷	امامت خائن وفاسق درست است یانہ
۱۹۳	امامت جرمانہ کنندہ نا روا		کدام نمازی را کہ در امامت بدعتی
۱۹۴	امامت زن	۱۸۷	خواند آیا اعادہ آن ضروری است
	امامت خورندہ دعوت زنہای رقاصہ		امامت کسیکہ نماز جمعہ را در ہندوستان
۱۹۴	درست است یانہ	۱۸۹	جائز نمیداند درست است یانہ
۱۹۴	امامت باغبان درست است		بعد از توبہ کردن ازدروغ امامت درست
۱۹۵	امامت صاحب بواسیر عارضی	۱۸۹	است یانہ
۱۹۵	امامت فقیر چوپان جانوران		امامت آواز خوان حرفوی درست است
	از امامیکہ دل صفاء نباشد نماز در	۱۸۹	یانہ
۱۹۵	پس وی جائز است یانہ		امامت توبہ کنندہ از رقص و سرود درست
۱۹۵	اقتداء غیر مقلد درست است یانہ	۱۹۰	است یانہ
	امام ساختن مشتبہ و بدنام چطور		امامت تلاوت کنندہ غلط درست است
۱۹۶	ہست	۱۹۰	یانہ
۱۹۶	امام ہیبت جائز است یانہ	۱۹۰	امامت شخص گمانی چگونہ است
۱۹۷	معذور و امامت وی چہ حکم دارد	۱۹۰	امامت غیر مقلد جائز است یانہ
	امامت غیر مقلد کہ تقلید ائمہ اربعہ		امامت و نماز خانہ سمائی انگریزہا
۱۹۸	راکفر و شرک میگوید چہگونہ است	۱۹۱	درست است یانہ
۱۹۸	امامت تغیر دہندہ قومیت		امامت گویندہ کافر بہ بزرگان دین درست
۱۹۸	امامت بستہ کنندہ گلہار چہرہ ہا	۱۹۱	است یانہ
۱۹۹	امامت ساختن رافضی چگونہ ہست	۱۹۲	امامت حقیر و رسوا درست است یانہ
۱۹۹	امامت فراموش کنندہ قرآن و نازک	۱۹۲	امامت متہم

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۰۵	هست یانه	۱۹۹	جماعت چگونه هست
۲۰۶	امامت بسته کننده نکاح غیر مطلقه	۱۹۹	امامت شخصی دروغگو چه حکم دارد
	امامت قرآن خوانهای مختلف یکی		امامت پیره دار بیرق غوث پاک جائز
۲۰۶	برای دیگر	۱۹۹	هست یانه
۲۰۸	امامت گوینده آمین بالجهر		امام ساختن اختیار کننده حیثیت مالکانه
۲۰۸	امامت صاحب رفع الیدین	۲۰۰	ناجائز با ملکیت مسجد چگونه هست
۲۰۸	آمین بالجهر درست هست یانه		امامت گیرنده پول بالای توی (عروسی)
	امام ساختن امامیکه از تبلیغ حق	۲۰۰	دختر خود جائز هست یانه
۲۰۹	ممانعت میکند چطور است		کسیکه دعوت عملی کننده رسمها
۲۰۹	امامت ظالم		ورواجها را میخورد حکم امامت وی
	در موجودیت خواننده صحیح امامت	۲۰۱	چیست
۲۱۰	خواننده غلط		امامت استعمال کننده افیون به طور
۲۱۱	امامت زناکار که توبه کرده باشد	۲۰۱	علاج
	بسبب شبه اعاده جماعت و شریک		در وقت شدن شهوت امام شدن چطور
۲۱۱	شدن در آن	۲۰۲	هست
۲۱۱	تاخیر نمودن در قومه رکعت دوم		امامت کسیکه از بجلک ها ازار را
۲۱۲	امامت بدعتی و متکبر	۲۰۳	پائین میدارد
۲۱۲	پابند بودن امام به شریعت لازم هست	۲۰۳	امامت خورنده جهنگار چطور هست
۲۱۳	امامت مستور الحال		امامت جوان مسلمان جدید که ختنه
۲۱۳	اقتداء مسبوق درست نیست	۲۰۳	نشده باشد چطور است
	لنگی که استاد شده نمیتواند اقتداء		امامت کسیکه پابند نماز و روزه نباشد
۲۱۳	وی چگونه هست	۲۰۴	و میکند درست هست یانه
	وقتی در پهلوی صحیح خوان که غلط	۲۰۴	امامت تجلیل کننده (دها) و شیر پرست
	خوان بیاید و نماز را شروع کند چی	۲۰۵	دراز کردن رکوع و سجده چطور هست
۲۱۴	حکم هست	۲۰۵	در امامت لنگ که کدام خرابی نیست
۲۱۴	امامت تلف کننده حق مسجد	۲۰۵	امامت پیروی کننده تنها یک امام جائز

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
	امام شدن گزینہ کلمات بد چطور		امامت بدقولارہ بد شکل چیچک روی
۲۲۱	ہست	۲۱۴	وزکوۃ خور
	نماز غیر معذورین در پس معذور	۲۱۵	درپس بندی نماز میشود یا نہ
۲۲۱	درست نیست		درپس نابینا شاہدی دہندہ بہ دروغ
	امامت وکیل اصطلاحی درست است	۲۱۵	نماز میشود یا نہ
۲۲۲	یا نہ		خواندن نماز درپس اولاد ولد الزنا
۲۲۲	امامت پیر فاسق جائز است یا نہ	۲۱۵	درست ہست یا نہ
	امامت کسیکہ در میلاد شریک	۲۱۵	اقتداء عنین جائز ہست یا نہ
۲۲۲	نمیشود		امامت شاگردیکہ مخالفت استاذ خود را
۲۲۳	امامت عرس کنندہ و بینندہ سینما	۲۱۶	میکند درست است یا نہ
	امامت گیرندہ قرض سودی و ارتباط		نماز درپس قاتل علم غیب و معتقد
۲۲۳	دارندہ بہ شیعہ ہا	۲۱۶	احمد رضا درست ہست یا نہ
	امامت قولاً و عملاً مظاہرہ کنند	۲۱۷	عقیدہ متعلق بہ روح نبوت و امامت وی
۲۲۳	خلاف ریش	۲۱۷	امامت ممانعت کنندہ بہ عقیدہ غلط
	ہر گاہ امام بہ وقت معین نرسد چہ	۲۱۸	امامت لامذہب
۲۲۴	کردہ شود		در پس قابل فاتحہ خلف الامام نماز
	غیر مقلد چگونہ است و امامت انہا	۲۱۸	میشود یا نہ
۲۲۴	جائز ہست یا نہ	۲۱۹	امام کردن غیر مقلد چطور ہست
	امامت زیر پا کنندہ حق بطریق ناروا		در صورت فاسق شدن امام جماعت جدا
۲۲۵	درست است یا نہ	۲۱۹	کردہ شود یا نہ
	کسیکہ مسلمان جدید را بہ شرکت		امامت شخصیکہ در میان زنہا غیر محرم
	در نماز عید نمیگذارد چطور است	۲۱۹	مینشیند
۲۲۵	امامت وی جائز است یا نہ	۲۲۰	امامت باغبان و سیاہ رنگ و غیرہ
	امامت قبضہ کنند حقہای دیگران	۲۲۰	امامت شخص دروغگو
۲۲۶	جائز است یا نہ		امامت کسیکہ دست راستش خشک
۲۳۷	کسیکہ ارکان نماز را نمیشناسد لائق	۲۲۰	باشد و ہمہ کارہا را بہ دست چپ میکند

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۳۲	امامت ولد الزنا غیر صالح	۲۲۷	امامت هست یا نه
۲۳۳	درپس شیعه نماز میشود یا نه	۲۲۷	شرائط امام شدن چیست
	نام اهل السنة والجماعة از کدام وقت		امامت نگهدار زن طلاق شده جائز است
۲۳۳	گذاشته شده	۲۲۷	یا نه
	کسیکه نه شیعه و نه اهل السنة باشد		به سبب مصلحت اجتماعی امام ساختن
۲۳۳	امامت ری چطور است	۲۲۸	خارجی درست است یا نه
	کسیکه تعزیه مرثیه میکند آیا وی اهل		بعد از توبه کردن امامت گنهگار چگونه
۲۳۳	سنت است	۲۲۹	است
	ساخت و باخت بهمراهش درست	۲۲۹	امامت جذامی و سود خور
۲۳۳	است یا نه		امامت کسیکه گاوهای دزدی را ذبح
	تا و دادن دستمال راعمامه گفته خواهد	۲۲۹	میکند چطور است
۲۳۴	شد یا نه		امامت کسیکه پاکی و ناپاکی اش مشتبه
	زن کدام امام که ساری بسته میکند	۲۲۹	است
۲۳۴	امت وی جائز است یا نه	۲۳۰	امامت ولد الزنا
	امامت طلب کننده امداد از غوث	۲۳۱	تعریف فاسق و فاجر و امامتش
۲۳۴	الاعظم درست است یا نه		هرگاه بدون امام معین شده کسی دیگر
	امامت کسیکه بسبب فسق وی مردم		امام شود و نماز را شروع کند و امام بپاید
۲۳۴	ناراض باشند چه حکم دارد	۲۳۱	وی چه کند
۲۳۵	امامت تارک جماعت جائز است یا نه	۲۳۱	نماز درپس هر مسلمان جائز است
	امامت نکاح کننده منکوحه مرد	۲۳۱	در امامت اعتبار به ذات است یا به علم
۲۳۵	بیگانه درست است یا نه		امامت شخص فیشنی و یک چشمه
	حکم امامت کسیکه در وی این	۲۳۱	درست است یا نه
۲۳۵	اوصاف باشد چیست	۲۳۱	امامت دیوانه
	نماز حنفی در پس شافعی جائز است	۲۳۲	امامت کل درست است یا نه
۲۳۶	یا نه	۲۳۲	زن امام شده میتواند یا نه
۲۳۷	امامت نافرمان مادر و پدر	۲۳۲	یک امام در دو جا امام شده میتواند یا نه

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۴۲	را مینوسید چگونه است	۲۳۷	نماز مقلد درپس غیر مقلد
	نماز فرض گذارد در پس نفل گذار	۲۳۷	امامت گواهی دهنده به دروغ
۲۴۲	نه میشود	۲۳۷	امامت ولد الزنا و نابالغ
	اگر امام نیت اقتداء هیچ کس را هم	۲۳۸	امامت لنگ
۲۴۲	نه کند نماز مقتدی میشود	۲۳۸	امامت آدم صاحب سوزاک
	هرگاه ماهر فن تجوید نباشد امامت		امامت کسیکه در روز شکی روزه نمی
۲۴۲	وی درست است یانه	۲۳۸	گیرد
۲۴۳	نماز حنفی درپس غیر مقلد میشود یانه	۲۳۹	امامت بچه باز بعد از توبه
	امامت ولد الزناء دیندار درست است	۲۳۹	امامت غیر مقلد
۲۴۳	یانه	۲۳۹	امامت قادیانی
	امامت امامیکه در روزهای عید به	۲۳۹	امامت نابالغ در تراویح
	همراه سرود و باجه میرود و سود خور		امامت کسیکه بالایش تهمت غلط بسته
۲۴۳	نیز هست چگونه است	۲۳۹	شود درست است
	امامت کسیکه به پدر دشنام میدهد		امامت کسیکه درپایش کجی باشد
۲۴۳	درست است یانه	۲۴۰	چگونه است
	امامت مسافریکه سه رکعت خوانده		امامت صاحب داغ سفید در زیر ناف
۲۴۴	باشد اقتداء وی درست است یانه	۲۴۰	درست است یانه
۲۴۴	امامت شونده ساز و سرود		به سبب ترک واجب که اعاده کدام
۲۴۴	امامت سوالگران حرلوی		نمازها میشود کسیکه در جماعت اول
۲۴۴	امامت تعلیم دهنده قصدی مسئله غلط	۲۴۰	شریک بود نماز خوانده میتواند یانه
۲۴۴	امامت امام تنخوادار		وقتی به امام مریض شبه لظره باشد وی
۲۴۵	امامت دیوث	۲۴۰	چه کند
۲۴۵	امامت زانی	۲۴۱	امامت ظالم و غائن درست است یانه
۲۴۶	بسیب امام فاسق جماعت دوم		نماز در پس یک چشمه درست است
	نماز در پس امام تنخوادار روا است	۲۴۱	یانه
۲۴۶	یانه	۲۴۲	امامت کسیکه به مزدوری کاغذات سودی

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۲۵۷	نماز درپس غیر مقلد درست است یا نہ		در میان امام معین و مقتدی عالم کدام
	فصل چہارم: صف، اقتداء و مقام امام	۲۴۶	یک مستحق امامت است
۲۵۸	و مقتدی		شخصی تنہا نماز میخواند و دیگری
	ہر گاہ در صف اول جای نباشد شخص	۲۴۷	مقتدی وی گشت و استاد شد
۲۵۸	تنہا چہ کند	۲۴۷	نماز فرض خوان درپس نقل خوان
	اگر در صف بالغ و نابالغ یکجا شود	۲۴۷	امامت کسیکہ در نماز حرکت میکند
۲۵۸	حرج نیست	۲۴۷	امامت غسال سوالگر
۲۵۸	الصاق کمبین در رکوع و سجود	۲۴۸	امامت ولد الزنا
	قبل از پہلوی امام صرف یک شخص		این گفتار چطور است کہ من بہ شما
	باشد باز دیگر مردم بیایند چہ خواهند	۲۴۸	نماز شمارا میدہم
۲۵۹	کرد	۲۴۹	امامت ریش تراش
۲۵۹	مقتدیہا چگونہ استاد خواهند شد		در موجودیت امام معین امامت شخصی
	یکسان بودن در صف چطور خواهد	۲۴۹	دیگر بدون اجازہ وی
۲۵۹	بود		پس از اذان در جماعت تاخیر شود یا
	صفہای درمیانی را خالی گذاشتن و در	۲۵۰	فورا خواندہ شود
۲۵۹	عقب استاد چگونہ است		ہر گاہ بہمراہ زن کسی دیگری یک
	در عقب پردہ اقتدا کردن درست		شخص نکاح کند امامت وی چطور
۲۶۰	است یا نہ	۲۵۰	است
۲۶۰	نابالغ تنہا در کجا استاد شود		در رابطہ بہ امامت عالم ولد الزنا فیصلہ
	ہر گاہ صف بالغان پورہ نباشند و بستر	۲۵۱	بفرمائید
	صف نابالغ پورہ شود شخص پسان	۲۵۱	دارندہ صفات ذیل قابل تولیت است یا نہ
۲۶۰	آمدہ کدام جا شامل شود	۲۵۲	تصفیہ این جنگ چیست
	بہ مانند دسٹمال در صف مستحق		نماز در پس قیثہ باز (تاش) جائز است
۲۶۰	جای میگردد یا نہ	۲۵۶	یا نہ
	در صف تنگی (ضیقی) پیدا کردن	۲۵۷	ہر گاہ امام مریض بیرون شدن
۲۶۱	چطور است	۲۵۷	ہوا نماز داد حکم آن چیست

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۶۶	استاد شدن چطور است		هرگاه بچه ها از یک اضافه باشند در
۲۶۷	صف نابالغها در کجا باشد	۲۶۱	عقب استاده شوند
	یکجا کردن پای یک مقتدی به		استاد کردن بچه بی ریش در صف چطور
۲۶۷	مقتدی دیگر چطور است	۲۶۲	است
	صف مکمل بودیک شخص آمد		بودن نابالغ در صف اول و بالغ در پشت
	و در پشت سر جدا استاد شد چه حکم	۲۶۲	سر این درست است یا نه
۲۶۷	است	۲۶۳	جماعت زن و شوهر درست است یا نه
	هرگاه نابالغ تنها باشد در صف بالغان		هرگاه امام بالای مصلی باشد و مقتدیها
۲۶۸	استاد خواهد شد	۲۶۳	بالای فرش باشند این درست است یا نه
	در کدام جای صف ثواب زیاد است		اگر امام بالای تخت باشد و مقتدیان
۲۶۸	حکم بدست آوردن جا در مسجد	۲۶۳	بالای فرش باشند حکم چیست
	ثواب پیش آمدن به مسجد خواهد	۲۶۳	حکم استادان مقتدی در در چیست
۲۶۸	بود یا نه		اگر سبب منیر در صف فاصله باقی بماند
	حکم خروج معتکف برای ضرورت	۲۶۴	چه کرده شود
۲۶۹	از مسجد		اگر مقتدی خودش جانماز هموار میکند
	هیچ ثبوت اذان به طرف راست	۲۶۴	حکم چیست
۲۶۹	واقامت به طرف چپ نیست		پستر از صف جدا استادان و نماز خواندن
	به سبب باران صرف چهار انگشت	۲۶۵	چطور است
۲۷۰	پشت سر صف درست است یا نه		بخطا بر کردن صف خالی بالای سر
	هرگاه در درون (داخل) مسجد جای	۲۶۵	کسی گذاشتن چطور است
	نماند مقتدیها در دروازه ها استاد		برای مقتدی کمی بعد تر از امام استاد
۲۷۰	شوند یا نه	۲۶۵	شدن چطور است
	هرگاه صف هاکم بر پا شد سجده		نابسامانی در راست و چپ امام در صف
۲۷۰	بالای فرش کرده میشود	۲۶۶	توازن و در جهر و سر تکبیرهای انتقالات
	استاد شدن امام در دروازه یا محراب	۲۶۶	فاصله میان امام و مقتدی
۲۷۰	چطور است چون بمقتدیها اشکار شود	۲۶۶	در عیدها به همراه یکسان و کمی بعدتر

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۷۷	داخل ضروری است		دو نفر نماز میخواند که شخص سوم
	آنطرف مسجد در سایه اقتداء درست	۲۷۱	آمد امام پیش میشود یا مقتدی پس آید
۲۷۷	است یانه		ابا در جماعت چسپاندن پای یک مقتدی
	اقتداء امامیکه حالش معلوم نباشد	۲۷۱	یا مقتدی دیگر در قیام ضروری است
۲۷۷	درست است یانه		مخنت در جماعت مردها شامل شده
	شرکت بجه های بی ریش در صف	۲۷۱	میتواند یانه
۲۷۸	اول		وقتی در صف اول جا باشد یا قطع کردن
	زن خود یا زنهای محرم در برابر	۲۷۲	صفوف بعدی به آنجا رفته میتواند یانه
۲۷۸	استاده شده میتواند یانه		با گذشتن از صف اطفال پیش رفته میتواند
	وقتی امام در دالان باشد و مقتدیها در	۲۷۲	باخیر
۲۷۸	صحن باشد آیا این مکروه است		مقتدیها در جماعت با چسپاندن شانه
	یک شخصی در آخر نماز آمد و در	۲۷۲	استاد میشوند یا با چسپاندن پاها
۲۷۹	صف جای نیست وی چه کند	۲۷۳	حدود شرعی القداء چیست
	وقتی مقتدیها تنها به یک جانب امام	۲۷۳	در پس امام چطور مرد استاد شوند
	استاد میشوند و به جانب دیگر استاد	۲۷۳	مطلب الصاق کعبین چیست
۲۷۹	نمیشوند چه حکم است		وقتی بهمراه امام یک شخص باشد
	اقتداء امام مسجد در چنان جا درست	۲۷۳	و دیگر نباید چه کند
۲۸۰	نیست که در میان آنها راه حائل باشد		به سبب مجبوری در مدرسه پائین اقتداء
	استاد شدن امام در میان ستونها چطور	۲۷۵	درست است یانه
۲۸۰	است		آیا جدا از پیش روی محراب جماعت
	زن غیر بهمراه برقع (جادری) اقتداء	۲۷۶	کردن مکروه است
۲۸۰	کرده میتواند یانه		در جماعت صفها بهر دو طرف امام
۲۸۱	سیده کردن صفها چطور است	۲۷۷	یکسان باشند
	مقتدی رکوع و سجود و ایکجا بهمراه		چون یک طرف صحن زیاد باشد لحاظ
۲۸۱	امام خواهد کرد و یا بهمراه توقف	۲۷۷	کردن مابین صحن مناسب است
۲۸۱	با یکجا استاد شدن بهمراه امام نواز	۲۷۷	اگر بیرون جماعت میشود آیا بند کردن

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
	شد تنها اعاده امام از جانب همه کافی	۲۸۱	میشود یا نه
۲۸۶	نخواهد بود	۲۸۱	اقتداء در مکان دیگر درست است یا نه
	اگر مقتدی قبل از امام سلام بگرداند		بعد از نماز دادن به امام معلوم شد که
۲۸۶	چه حکم است	۲۸۲	ضرورت غسل بود حالا چه کند
	قطع کردن تنخواه (معاش) به غیر	۲۸۲	فصل خامس پیروی امام ومسائل دیگر
۲۸۷	حاضری امام		مقتدیان بعد از پوره کردن درود، دعاء،
	فصل سادس احکام مدرک، لاحق	۲۸۲	سلام بگرداند یا فوراً بهمراه امام
۲۸۷	ومسبوق		بد دعا کردن امام به مخالف خود چطور
	مقتدیا به غلطی در رکعت سوم	۲۸۲	است
۲۸۷	نشستند وامام استاد بودن نماز میخواند	۲۸۳	دو امام در یک مسجد
۲۸۷	امامت مسبوق	۲۸۳	نماز در لباس ناپاک
	لاحق چگونه نماز را پوره کند		امامت حالت ناپاکی واحکام متعلق به
۲۸۸	اگر امام لاحق را خلیفه بسازد وی	۲۸۳	آن
۲۸۸	نماز را چگونه پوره خواهد کرد	۲۸۴	درباره تشهد متابعت امام
	وقتی امام سوره الناس را خوانده باشد		امامیکه به سبب ترک کردن قعده اخیر
	مقتدی مسبوق کدام سوره خواهد		اعاده نماز را کرد همگی در آن شریک
۲۸۸	خواند	۲۸۴	شده میتواند
	مسبوق نماز باقی خود را چگونه پوره		قعده اخیر را هم کرد مگر به سبب
۲۸۹	کند		ترک کردن واجب اعاده میکند درین
	وقتی امام مسالر باشد مسبوق چطور		برای عموم مردم شرکت درست است
۲۸۹	نماز خود را تمام خواهد کرد	۲۸۴	باخیر
	وقتی کدام مقتدی در حال خواندن	۲۸۵	کمک بچه های یتیم امام
	قرائت امام شریک شود برایش		وضوء امام در نماز شکست و کسی را نه
۲۹۰	خواندن ثنا لازم نیست		گفت اعاده این نماز بالای هریک
-	کسیکه در رکوع شریک شود برای	۲۸۵	ضروری است
۲۹۰	وی ثنا نیست	۲۸۶	اگر به کدام سبب نماز جماعت باطل

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۹۵	مسواک زده می تواند یانه	۲۹۰	مسبوق در سلام سجده سهریه امام اقتداء نه کند اما سجده کند
	مسبوق به فراموشی سلام گشتاند وقتی متوجه کرده شد رکعت باقی		کسی قبل از سلام شریک شونده تشهد را پوره کند یا بعد از سلام فوراً استاد شود
۲۹۵	راتمام کرد نمازش شد	۲۹۰	وقتی مسبوق به فراموشی به همراه امام سلام بگرداند باز بعد از بیاد آمدن استاد شود بالکل وی سجده سهر است
	اگر لاحق رکعت از دست رفته خود را مانند مسبوق تمام کند چه حکم است	۲۹۱	با باطل شدن نماز امام نماز مسبوق هم باطل است
۲۹۶	امامیکه بی روضه شد و خلیفه گرفت	۲۹۱	اگر مسبوق در رکعت زاید اقتداء کرد نمازش باطل است
۲۹۶	حال وقتی بیاید اقتداء کند یا امام شود	۲۹۲	وقتی مسبوق به فراموشی سلام گشتاند ودعاء کرد باز بیادش آمد چه کند
	مسبوق اقتداء کننده به امام مسافر چگونه نماز خود را تمام کند	۲۹۲	مسبوق در قعده اخیر امام تنها التحیات بگوید
۲۹۶	وقتی دو رکعت به همراه امام از کسی فوت شده باشد وی در آن هر دو الحمد و سوره را بخواند	۲۹۲	مسبوق همراه امام التحیات بگوید بعد از سلام گفتن امام اقتداء درست نیست
۲۹۶	اگر در نماز صبح مسبوق رکعت باقی را به قرائت جهری تمام کرد درست است	۲۹۳	در نماز جهری مسبوق قرائت جهری خواهد کرد یا سری
۲۹۷	اگر قبل از رکوع شریک شد مسبوق نیست	۲۹۳	در یافت کننده یک رکعت در نماز چهار رکعتی قرائت را در کدام جای سه رکعت باقیمانده بخواند
۲۹۷	در قعده اولی مقتدی تشهد را پوره نه کرده بود که امام خبیست مقتدی چه کند	۲۹۴	مقتدیهای مقیم در پس مسافر نماز باقی مانده را چگونه تمام کند
۲۹۷	یک بنده تنها یک رکعت به همراه امام چه وقت قاعده خواهد کرد	۲۹۴	کدام لاحق که وضویش بشکند در وضوء
۲۹۸	اگر در رکعت سابق مسبوق یک فرض بماند وی چه خواهد کرد	۲۹۵	

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۰۲	خواہد کرد		مسبوق شامل شونده در مسجد ثناء راجہ
	اگر یک رکعت را یافت رکعت های	۲۹۸	وقت خواهد خواند
	باقی را چگونه پورہ کند و تعوذ		مسبوقیکہ در رکعت اخیر لاحق شود
۳۰۲	والتحیات را در کجا خواهد خواند	۲۹۸	نماز را چگونه تمام خواهد کرد
	وقتی در رکعت دوم شامل شود		صحت نماز مسبوق موقوف بہ صحیح
	رکعت اول را چگونه ادا کند قرائت	۲۹۹	نماز امام است
۳۰۳	بخواند یانہ	۲۹۹	مسبوق چہ وقت لنا خواهد گفت
	وقتی در رکعت سوم شریک شد		کسیکہ در رکعت دوم شریک شود ثناء
۳۰۳	در رکعت باقی قرائت میخواند یانہ	۲۹۹	را خواهد گفت یانہ
	اگر کسی در رکعت دوم شریک		کسی را کہ دو رکعت شام بہمراہ امام
	شد مگر بہمراہ امام سلام گشتانند		تنہا حاصل شود وی در قعدہ بہمراہ امام
۳۰۳	حالا چہ کند	۳۰۰	تنہا التحیات میخواند یا درود و غیرہ ہم
	امام در رکوع بود کہ یک شخص		چون مسبوق بہ فراموشی سلام بگردانند
	آمد بہ تکبیر تحریمہ در رکوع برود		باز بہ یاد دادن کسی بخیزد و نماز را تمام
۳۰۳	یا تکبیر رکوع را نیز بگوید	۳۰۰	نماید نمازش شد یا نہ
	کہ در رکوع شریک شود بعد از		مسبوق بعد از سلام اول امام استاد
	تحریمہ دستہا رابستہ کردہ باز رکوع	۳۰۰	میشود یا بعد از دوم
	کند یا بدون بستن دستہا بہ رکوع		وقتی مسبوق افتداء امام مسافر را بکند
۳۰۳	برود		وی نماز باقی خود را چگونه تمام
	مسبوق سلام گشتانند و دعا کرد	۳۰۱	خواہد کرد
۳۰۳	باز کسی برایش یاد داد چہ کند	۳۰۱	افتداء مسبوق درست نیست
	مسبوق در قعدہ بہمراہ امام چہ		وقتیکہ امام بہ سبب شکستن وضوء
	خواہد گفت وبہ ہمراہ امام سجدہ		مسبوق را خلیفہ سازد وی نماز را چگونه
۳۰۵	سہر خواہد کرد یانہ	۳۰۱	تمام خواہد کرد
۹	الباب السادس فی الحدث فی الصلاة		اگر کسی در رکعت اخیر عصر یا شام
۳۰۵	اگر دو دوران نماز وضوء بشکند چہ	۳۰۲	شریک شد نماز باقی را چگونه تمام

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۰۶	اگر وضوء امام درحالت سجدہ بشکند خلیفہ چه کند	۳۰۵	کردن ضرور است
	اگر در وقت تلاوت سورہ وضوء امام شکست و خلیفہ آن سورہ را یاد	۳۰۵	اگر امام در نماز ہی وضوء شود خلیفہ گرفتن درست است ضروری نیست
۳۰۷	نداشت پس چه کند	۳۰۶	مسیوق خلیفہ شدہ میتواند
		۳۰۶	اگر وضوء مقتدی صف پیش بشکند وی چگونه برآید

منع شد فہرست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتاوی دار العلوم دیوبند (مکمل ومدلل) جلد سوم

الحمد لله رب العلمین والصلوة والسلام علی سید المرسلین ، وعلی آله وصحبه اجمعین .
 شکر و سپاس بی پایان الله تعالی را که با رحمت و مهربانی بی انتهای خود توفیق پوره کردن بخش سوم را برایم عطا نمود . و بالذاته تپ و تلاش خود بکدام مقداری که میتوانستم از جانب خود در آن تقصیر نه نموده ام ، اینکه بکدام اندازه کامیاب بودم ؟ فیصله آنرا اصحاب فضل و کمال خواهند کرد . بنده ناچیز طالب العلم درجه ادنی بوده ، البته ذوق و علاقه کم و بیش خواندن ، نوشتن و مطالعه را دارد ، و قتیکه این کار بسیار مهم و علمی برایم سپرده شده بود . خدا میداند ولی همدمی این فکر برایم اطمینان داد که این خدمت برایم بدون خواست و خواهش سپرده شده بهمراه این ، این حدین نیز پیش رویم بود که رحمت عالم ﷺ به حضرت عبد الرحمن بن سمره رضی الله عنه فرموده بودند : لا تسال الامارة فانک ان أعطيتها عن مسئلة وکلت اليها ران أعطيتها عن غیر مسئلة أعنت عليها . متفق علیه (مشکوٰۃ کتاب الامارة ص ۳۲۰) ترجمه : خواست و هوس امارت (مستولیت) را مکن ، زیرا که اگر بخواست تو برایت سپرده شود پس از همکاری محروم خواهی شد و اگر بدون مطالبه و خواست این خدمت برایت سپرده شود پس الله تعالی کمک ترا میکند . مسرورم که چنین شد الله تعالی مرا همکاری کرد و کدام کاریکه از مدت زمانی معطل شده بود بالای آن بالادستی حاصل شد دعا مینمایم که این کار بسر رسیده و جلدهای متباقی آن نیز چاپ و طبع شود و در مطالعه مسلمانان قرار گیرد . بارسیدن باینجا شفقت و دلسوزی بی پایان استادان گرامی یادم میآید کسانی که از برکت دعا و توجهات خصوصی آنها برایم شوق علم و فن نصیب شد ، إله العالمین این خدمت ناچیزم را قبول فرمائید ، و مردم را موقع استفاده اعظمی نصیب فرمائید و این را برای مرتب (ترتیب دهنده) ذریعه پیروزی هر دو گیتی بگرداند . ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم .

خواستگار دعا

محمد ظفیر الدین غفرله ، پوره نور دیهاری ، دار الافتاء دار العلوم دیوبند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى.

الباب الخامس في الامامة

فصل اول: جماعت واهمیت آن

اگر در قریه نماز جماعت نمیشود پس به مسجد محله دیگر رفتن ضرور است یا نه؟ سوال:

(۵۱۳) وقتی که در مسجد محله انتظام نماز جماعت نباشد پس آیا در مسجد محله دیگر با جماعت نماز خواندن روا است یا نه؟

جواب: حق مسجد محله خود زیاد هست پس برای مرد مناسب نیست که مسجد محله خود را ترک کند و به مسجد دیگر برود در شامی از خانه منقول هست که اگر در مسجد محله خود نمازش تنهائی بیاید هم در آنجا اذان دهد و نماز بخواند و به مسجد دیگر نرود: لان له حقا علیه فهو يؤديه ^(۱) الخ. فقط

اگر به مسجد کسی ننماید آیا مؤذن بعد از دادن آذان به مسجد دیگر برای جماعت

رفته میتواند؟ سوال: (۵۱۴) یک مرد در مسجد مؤذن است و به این مسجد کدام نماز خوان ننماید عموماً مؤذن تنها نماز میخواند آیا این مؤذن پس از اذان در مسجد خود برای جماعت به مسجد دیگر رفته میتواند؟

جواب: برای مؤذن لازم هست که بعد از آذان دادن در همین مسجد نماز بخواند فقط.

ماندن از جماعت بخاطر عذر: سوال: (۵۱۵) برای قوم کالان به لحاظ حالات امنیتی و یا به دلایل دیگر ترس است که اگر به خاطر نماز شام و خفتن و صبح به مسجد برود پس خدا ناخواسته تاوان بدنی برایش خواهد رسید برایش رواست که نمازها متذکره را در خانه خود بخواند و یا نه؟

جواب: بسبب عذر مذکور ترک کردن جماعت رواست. ^(۲) فقط

نماز فرض بهمراه همسر (بی بی) شده میتواند: سوال (۵۱۶) بهمراه همسر خود نماز خوانده میتواند یا نه و همسر به چه اندازه دور استاده شود؟

(۱) بل فی الخاتبة اولم یکر لمسجد منزله مؤذن فانه یذهب الیه ویؤذن فیہ ویصلی ولوکان وحده لان له حقا علیه فیؤديه. (رد المحتار باب ما یبعد الصلوة الخ مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۹۱۷. ط.س. ج ۱ ص ۹۰۹. ظفر

(۲) بل فی الخاتبة الخ نفس العارة والمرجع ظفر مفتاحی.

جواب: اگر یکجا نماز میخوانند پس زن را عقیر استاد نمایند.

اشتراک مریض متعین به جماعت: سوال: (۵۱۷) یکمرد از دیر زمانی از بد بوئی دهن شکایت دارد به هر دو طرف مقتدیان ضرر میباشد پس برای او شرکت کردن در نماز مناسب است و یا تنها بدون جماعت نماز خواندن؟

جواب: در شامی هست: وكذلك الحق بعضهم من بقیه بخر اوبه جرح اورائحة الى ان قال وقوله وَلَقَدْ ولیقعد فی بینه، صریح فی ان اكل هذه الاشياء عذر فی التخلف عن الجماعة ^(۱) الخ، پس معلوم شد که این آدم در نماز جماعت شریک نشود و جداگانه نماز بخواند فقط.

قصداً ترک نمودن نماز جماعت و گناه آن: سوال: (۵۱۸) کسیکه عمداً جماعت را ترک و در خانه نماز میخواند حکم چیست؟

جواب: کسیکه بدون ضد بترک نماز جماعت اصرار میورزد فاسق هست: فی البحر لا تقبل شهادته اذا ترکها استخفافاً بذالك ومجانة اما اذا ترکها سهوا او بتاویل ککون الامام من اهل الاهواء ولا یراعی مذهب المقتدی فلا.

اختلاف در جماعت دوم و جواب آن: سوال: (۵۱۹) جماعت دوم در مسجد قریه روا است یا نه؟ اگر روا نیست پس دلیل ناروا بودنش چیست؟ امام ابو یوسف جانش میگوید و اکثر فقهاء این قول را درست گفته اند جوابش چیست؟

جواب: جماعت دوم در مسجد قریه مکروه است: قال المحقق الشامي: ولنا انه عليه الصلاة والسلام كان خرج ليصل بين قوم فعاد الى المسجد وقد صلى اهل المسجد فرجع الى منزله فجمع اهله وصلى بهم، ولوجاز ذلك لما أختار الصلاة في بيته على الجماعة في المسجد ولأن في الاطلاق هكذا لتقليل الجماعة معنى فانهم لا يجتمعون اذا علموا انها لا تفوتهم الخ ومثله في البدائع وغيره. ومقتضى هذا الاستدلال كراهة التكرار في مسجد المحلة ولو بدون اذان يؤيده ما في الظهيرية لو دخل جماعة المسجد بعد ما صلى فيه اهله يصلون وحداً وهو ظاهر الرواية. ^(۲) ازین روایت درست و قوی کراهیت اشکار میشود زیرا که ظاهر الروایة این است پس روایت امام ابو یوسف در مقابل ظاهر الروایة قابل نخواهد بود و دیگر اینکه هرگاه میان مکروه بودن و مکروه

(۱) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة الخ مطلب فی احکام المسجد ج ۱ ص ۶۱۹، ط.س. ج ۱ ص ۶۶۱، طعیر

(۲) رد المحتار باب الامامة مطلب تکرار الجماعة ج ۱ ص ۵۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳، طعیر

نہوں عارض بیاید ترجیح بہ مکروہ بودن میباشد، کما بین فی موضعہ، وتحقیق زیاد این موضوع در رسالہ حضرت مولینا رشید احمد گنگوہی بنام (القطوف الدانیۃ فی کراہیۃ الجماعۃ الثانیۃ) دیدہ شود.

آن شخصی چیست کہ بخاطر تنگی جای جداگانه نماز بخواند؟ سوال: (۵۲۰) یک آدم

تنہا در مسجد و یا میدان نماز فرض ادا مینماید و یک مقتدی نیز ہمراش هست این ہردو در جای بلندی هستند کہ اگر مرد سوم اقتدا نماید و ہمراہ شان استاد شود ترس افتادن موجود است درین حالت مرد سوم کمی یک جانب شد و جدا نماز را شروع کرد نماز او خواہد شد یا نہ؟
جواب: برای مرد سوم مناسب است کہ باین امام اقتدا نماید اگر چہ بخاطر مانع مذکور پستر (عقب) جدا استاد شود و اگر چنین نکرد و تنہا نماز خواند باز ہم میشود. ^(۱)

در بازار کلاسیکہ یک مسجد باشد در انوقت چہ کند؟ سوال: اگر بازار بزرگ با اندازہ

یک میل باشد و در ان فقط یک مسجد باشد پس آیا بالای ہمہ مردم بازار خواندن نماز با جماعت لازم است و یا تنہا بالای مردم دورا دور مسجد؟

جواب: بالای ہمہ مردم خواندن نماز باجماعت سنت مؤکدہ است اما بہ کسیکہ کدام چیز عذر مانند مریض، یا باران، یا سردی سخت و غیرہ باشد پس برای آنہا ترک کردن جماعت باکی ندارد. ^(۲) درمختار.

اگر مسجد را رها کند و پیوستہ جماعت بآن نماید چطور هست؟ سوال: (۵۲۲) ہمیش

مسجد را ترک کردن و در فاصلہ چند متری آن در خانہ خود دوامدار برنامہ جماعت را تیار کردن روا است و یا نہ؟

جواب: این روا نیست و رها نمودن مسجد بقسم دوامدار گناہ است و اصرار بآن فسق است: قال فی الأجناس: لا تقبل شہادتہ ^(۳) شامی، فقط.

(۱) ولی الفقیہ لو القدی واحد یا غیر لواء ثالث. یجذب المقتدی الخ مقتضای ان الثالث یقتدی مناخرا ومقتضی القرون بنعمہ الإمام انہ یقوم بحسب المقتدی الاول والذی یتظہر انہ ینتہی للمقتدی التاخر اذا جاء ثالث الخ وهذا کله عند الامکان والا تعین المسکن. (رد المحتار باب

الامامہ ج ۱ ص ۵۳۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸، طفر

(۲) ولی البدائع تعجب الجمعۃ عن الرجال الفقلاء الباقین الاحرار القادرین علی الصلوۃ بالجماعۃ عن غیر مخرج الخ وتسقط الجماعۃ بلا عذر حتی لا یجیب علی المریض الخ والصحیح انہا تسقط بالمطر والظن والبرد الشدید والظلمۃ الشدیدۃ کذا فی التبین. (عمالگیری مصری الباب

الخامس فی الامامۃ ج ۱ ص ۷۷، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۸۲....۸۳، طفر

(۳) رد المحتار. باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۱۸، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۴، طفر

ثواب جماعت به وجود چه اندازه مقتدیان بدست میآید: سوال: (۵۲۳) (۱) ثواب جماعت با موجودیت چند نفر حاصل میشود اگر همراه امام یکمرد باشد پس باز هم ثواب خواهد بود یا نه؟

سوال: (۵۲۴) (۲) مقتدیان بکدام فاصله از امام استاده میشوند؟

جواب: (۱) اگر همراه امام یک مقتدی باشد جماعت خواهد شد و ثواب آن حاصل خواهد شد. **جواب: (۲)** مقتدیاها از امام باندازه فاصله گیرند که با سهولت سجده آنها شود فقط.

گسیکه بسبب واردات (جن) قادر به خواندن قرائت وتشهد نباشد چه کند: سوال: (۵۲۵)

ما قولکم رحمکم الله فی رجل استولی علیہ الواردات حتی لم یقدر علی القراءة والتشهد وخرج کلمة هل من مزید، یا الله اکبر، یا لا اله الا الله، من فمه بلا اختیار منه وامام الناس یصلی بالجماعة یجب علیہ الدخول فی صلوٰتہم بالجماعة او یجب علیہ الانحراف عن الجماعة عسی ان یجد وقتا یؤدی الصلوة بقرآنة تشهد ؟

جواب: یجب علیہ الدخول فی الجماعة قال علیہ الصلاة والسلام اذا اقيمت الصلاة فلا صلاة الا المكتربة، وقال علیہ الصلاة والسلام فعلیک بالجماعة فانما یاکل الذنب القاصية، الحديث، فالشیطان ذنب الانسان یسؤل له ویصدّه عن ذکر الله والمسابقة الی الخیرات، فالواردات المقبولة ما تدعوه الی اتباع السنة السنیة لا ما تمنعه عن القربات فلا یحرف عن الجماعة ویجتهد بقدر الوسع ان یریل تلك الواردات یتای باوراد الصلوة فما فوت بالاخیار لا یأخذ به. فقط والله اعلم **جواری مسلمان در جماعت شریک شده میتواند یانه؟ سوال: (۵۲۶)** خدمه مسلمان (خدمتگار) مردمیکه کثافات را جاروب و دور میکند در مسجد باجماعت نماز خوانده میتواند یا نه؟ و در حوض مسجد وضوء کرده میتواند یانه؟

جواب: خدمه مسلمان در مسجد باجماعت نماز خوانده میتواند و در حوض آن وضوء کرده میتواند ^(۱) فقط در وقت آمدن به مسجد توجه کنند که لباس صفا و ستره و پاک برتن داشته باشند که در آن پلیدی و بد بوئی نباشد و این کار برای هر شخصی ضروریست. والله اعلم

(۱) مانند دیگر مسلمانان نماز خوان آنها نیز همد و یسبکله بالای عقال و بالغان مسلمان دیگر شرکت در نماز جماعت واجب است همچنان بالای آنها نیز واجب است: تجب الجماعة علی الرجال العقال البالغین الاحرار القادرین علی الصلوة بالجماعة من غیر حرج. (عالمگیری معری باب خمس ج ۱ ص ۷۷، ط. ماجدیه ج ۱ ص ۸۲). ظفر

دلائل کراہیت جماعت دوم: سوال: (۵۲۷) دلیل کراہیت جماعت دوم چیست؟

جواب: اقوال فقہاء وائمة بحیث دلیل برای تقلید کنندگان بسنده است پس ہر گاہ در ظاہر الروایۃ عند الحنفیۃ کراہیت جماعت دوم در مسجد قریہ ہست بمثلکہ در شامی نقل شدہ پس اضافہ ازین برای مقلدین ہیچ دلیلی نیست. در شامی نقل شدہ: ومقتضی هذا الاستدلال کراہۃ التکرار فی مسجد المحلۃ ولو بدون الأذان ویؤیدہ ما فی الظہریۃ: لو دخل جماعۃ المسجد بعد ماصلي فیہ أهلہ یصلون وحدانا وهو ظاہر الروایۃ الخ وکمی پیش ازین مذکور است: ثم قال فی الاستدلال علی الإمام الشافعی النافی الکراہۃ ما نصہ ولنا انه علیہ الصلاۃ والسلام کان خرج لیصلح بین قوم فعاد الی المسجد وقد صلی فیہ اهل المسجد فرجع الی منزله فجمع اهلہ وصلی بہم ولو جاز ذلک لما اختار الصلاۃ فی بیتہ عن الجماعۃ فی المسجد ولان فی الاطلاق (ای فی تجویز الجماعۃ الثانیۃ) ہکذا تقلیل الجماعۃ معنی فانہم لا تفرقہم ^(۱) الخ پس از عمل کردن رسول اکرم ﷺ وتصریح فقہاء کراہیت جماعت دوم در مسجد قریہ ثابت شد. درین صورت اگر برخی از روایات جواز موجود باشد پس نخست جواز بہمراہ کراہیت جمعہ میشود. پس در آنجا شاید جوازمع الکراہت مراد باشد، نتیجہ این کہ این کراہیت تنزیہی باشد بہرحال جماعت دوم از کراہیت تحریمی ویا تنزیہی خالی نیست، ودیگر اینکہ در کدام جاکہ میان کراہت وعدم کراہیت تصادم بیاید پس بہ کراہیت ترجیح دادہ میشود: لأن دفع المضار اولی من جلب المنافع، وھمین مضمون است کہ حضرت مولانا گنگوہی رحمۃ اللہ علیہ در رسالہ خود (کراہت جماعت ثانیۃ) شرح فرمودہ اند ودر آن جواب آن روایت حدیث وفقہ را دادہ اند کہ از آن جواز فہمیدہ میشود حضرت مولانا محمد قاسم صاحب نانوتوی رحمۃ اللہ علیہ درین رابطہ سخن قاطع ارشاد فرمودہ اند آنہا فرمودہ اند: در عدم جواز جمع دوم یک دلیل بمن اشکار شد ویک دلیل بہ حضرت مولانا احمد علی محدث سہارنپوری رحمۃ اللہ علیہ شخصیکہ استاد حضرت مولانا نانوتوی است. دلیلی کہ بہ حضرت مولانا نانوتوی معلوم شد قصہ صلاۃ خوف است کہ بہمراہ همان زد وخورد وغالمغال کہ حالت جنگ است باز ہم یک جماعت کردہ شد ونماز گذاران دو گروپ کردہ شد ودر میان نماز باین اندازہ شور خوردن ورفت وآمد رزا کردہ شد اما اجازہ جماعت دوم دادہ نشد در حالیکہ این اسان بود کہ یک امام بہ یک گروپ نماز جماعت راپورہ میکرد وامام دیگر

بعد از آن گروپ دوم نماز رابه جماعت پوره می‌کرد و فرمود این دلیل اشکار تر است. و چون این نماز به زمانه حضور ﷺ خاص نه بلکه حالا نیز چنین حکم است پس گفته نمی‌شود که این کار بخاطری بود که بهمگی فضیلت اقتداء رسول اکرم ﷺ پیدا شود. و دلیلی که حضرت مولانا احمد علی رحمۃ اللہ علیہ فرموده اند دقیق است مولانا احمد علی صاحب فرموده اند: که مسئله اینست که در کدام مسجد یک، یک دفع نماز باجمع خوانده شده باشد پس در آن مسجد باز نماز جماعت و جمعه درست نیست. همچنان در شامی ^(۱) و غیره تصریح است که بعد از جمعه دروازه های مسجد بسته شود. نشود که باز چند مردمی بیایند و جمعه دیگر بنمایند. پس وقتی مایان درین سبب و دلیل دقت کنیم که علت عدم جواز چیست؟ در حالیکه همه شرایط نماز جمعه علی حالها موجود است. مصر هست، إذن عام نیز هست، نماز گذار نیز وجود دارد، دریک شهر تعدد جمعه نیز درست است مع هذا چه سبب است که بار دوم جماعت نماز جمعه دریک مسجد درست نباشد؟ پس سوای این هیچ سبب نیست که برای جمعه جماعت نیز شرط است. پس معلوم شد که جماعت ثانیه جماعت مشروعه نیست پس هرگاه آن جماعت معتبره نشد پس یک شرط جمعه فوت شد حالا اشکار شد که جماعت ثانیه دریک مسجد درست نیست، و هو کما قال رحمۃ اللہ علیہ فقط.

توبہ نمودن جماعت: سوال: (۵۲۸) شخصی ازدو سال باینسو با تواتر در مسجد اذان می‌دهد و یک ساعت قبل از اذان به مسجد می‌آید و بخاطر شوق و علاقه باذان کارهای خیر ذیل را انجام میداد:

(۱) به مسافریں مسجد نان دادن، (۲) به تیل، گوگرد التابه (کوزه ها) و فرش و غیره مسجد توجه نمودن (۳) به همراه امام مسجد همکاری کردن و غیره کارهای خوب شخصی دیگری او را از اذان دادن منع کرد بهمین سبب او از همه کارهای فوق دست برداشت حتی که آمدن به مسجد را ترک کرد و در خانه خود نماز می‌خواند شرعاً چه حکم است؟

جواب: ثواب اذان دادن در احادیث بسیار زیاد آمده. باین شرط که اذان را بروقت و بطریقه صحیح ادا نماید لکن ثواب زیاد از اذان در نماز باجماعت هست، و تاکید این بسیار زیاد است پس مؤذن مذکور را اگر مردم بکدام سبب از اذان منع کرده باشند به وی روا نیست که نماز

(۱) والظاهر انه یطلق ایضاً بعد إقامة الجمعة للتلاصق فيه احدهم بها. (ردالمحتار باب الجمعة ج ۱ ص ۷۶۶، ط. س ج ۲ ص ۱۵۷). غیر

باجماعت درمسجد را رها نماید این بسیار کار بد است ^(۱) البتہ اگر مؤذن مذکور آذان صحیح میداد و بوقت آن آذان میداد و لوجه الله آذان میداد و درشوق آذان کارهای خیر دیگر رانجام میداد و هرگونه خبر گیری مسجد را مینمود پس بدون سبب منع کردن او از آذان بد است بالای مردم محله و مسجد لازم است که او را از آذان دادن منع نکند لکن اگر بکدام دلیل وی را منع کرده باشند پس این مؤذن باید ببیند که به موجب حدیث شریف: إنما الأعمال بالنیات، برای وی ثواب نیت یک میرسد و نماز جماعت و کار خیر دیگر را ترک نمودن مناسب نیست زیرا که این کار کم فہمی است کہ ہرگاہ یک کار بہ او بند شود پس ہمہ کارہای ثواب و ضروری امور شرعیہ یعنی جماعت و غیرہ را نیز ترک نماید. فقط

مرد مصاب بہ جذام برای شرکت درجماعت بہ مسجد نیاید: سوال: (۵۲۹) جذام مرض ساری است یا نہ؟ اگر مرد مجزوم میخواد نماز باجماعت بخواند و مردم از او نفرت دارند باساس این مجبوریست برای وی روا است کہ درخانہ خود نماز بخواند و یاخیر؟ و گناہ ترک نماز جماعت بدوش کی خواهد بود؟ و این کہ مشہور است کہ جذامی را بسر نیزہ دادن طعام حکم شدہ کدام اصلی دارد؟

جواب: درباره جذامی همان حکم است کہ بہ مسجد نیاید و درجماعت شریک نشود و در خانہ نماز بخواند پس بالای وی هیچ گناہی از ترک کردن نماز باجماعت نیست بلکہ برای وی حکم همین است و شریک شدن درجماعت برای وی مکروہ و گناہ است درمختار. ^(۲) فقط

دریک مسجد دو آذان و دو جماعت روا است یاخیر؟ سوال: (۵۳۰) اگر درمسجدی امام حنفی باشد و از مدتی مردانی ازیک گروپ غیر مقلد درانجا نماز خواندن شروع کرد و آمین بالجہر و غیرہ میکنند و امام مسجد باساس و گمان معنای صحیح چیزی وظیفہ شیئاً اللہ را میگوید بدین سبب او را غیر مقلدین مشرک میگویند و نماز خواندن را در پشت او ترک نمودن سخن تاجای رسید کہ درین مسجد یک گروپ جدا نماز و آذان را شروع کردُ حالا درین مسجد دو آذان و دو جماعت ادا میشود چنین کردن شرعاً روا است و یا نہ؟ و امام سابق را مشرک گفتن چہ

(۱) والجماعة سنة مؤكدة للرجال وقيل واجبة وعليه العامة (در مختار) لال في شرح السنة والاحكام تدل على الوجوب من ان تاركها بلا عذر يطرأ وتروى شهادته ويأثم الجهران بالسكوت عنه الخ (رد المحتار). باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۰. ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷ طغیر

(۲) وسمع منه اى المسجد وكذا كل مؤذن (در مختار) وكذلك القصاب والسكك والمجذوم والابرص اولى بالالتحاق (رد المحتار). باب فيفسد الصلوة وما يكرهه من طلب في احكام المسجد ج ۱ ص ۶۱۹. ط.س. ج ۱ ص ۶۶۱ طغیر

حکم دارد؟

جواب: دو آذان و دو جماعت در یک مسجد روا نیست ^(۱) و امام مذکور مشرک نیست او را مشرک گفتن غلط است البتہ برای این امام مناسب است کہ وظیفہ شیائے اللہ و التارک نماید زیرا این وظیفہ روا نیست و برای امام احتراز کردن و از چنین کارهای مشتبہ مناسب است فقط

گرتنہا طفلہا مقتدیان باشند نیز جماعت میشود: سوال: (۵۳۱) ہر گاہ مقتدیان بالغ پیدا نشود آیا بہ مقتدی شدن تنہا طفلہا ثواب جماعت حاصل خواہد شد یا خیر؟

جواب: اگر مقتدی بالغ ہیج نبود پس باجور شدن طفلہا بصفقت مقتدی ثواب جماعت دادہ خواہد شد فقط.

کسیکہ آذان را بشنود و باز بمسجد نہ آید آیا نماز او میشود یا نہ؟ سوال: (۵۳۲) اگر یک شخص قریہ آذان را میشنود و بہ مسجد نیاید و در جماعت شریک نمیشود و در خانہ نماز میخواند پس حکم او چیست؟ و نماز وی میشود یا خیر؟

جواب: نماز خواندن باجماعت واجب و تارک آن فاسق است بہ مردم محلہ لازم است کہ بہ اورتاکید نماز باجماعت را بنمایند والا آنها نیز گنہگار خواہند بود برای تارک قصدی نماز جماعت احکام بسیار سخت است حتی کہ فقہاء نوشتہ اند کہ بدون عذر تارک جماعت را جزا دادہ شود و گواہی اش معتبر نیست ^(۲) لکن نمازش میشود ضرورت قضائی خواندنش نیست ^(۳) فقط.

درخانہ جماعت با زنان و ثواب آن: سوال: (۵۳۳) درخانہ جماعت کردن بازنان رواست یا نہ؟ دربخش ۱۱ زیر بہشتی هست کہ درجائیکہ ہیج مرد نباشد ونہ کدام زن محرم مانند خواہر و مادر امامت تنہا زنان مکروہ تحریمی است، اگر کدام مرد یازن محرم باشد پس مکروہ نیست، اگر برخی مردم چنین جماعت راست بداند و بہمراہ ہمسر و یازن محرم خود جماعت

(۱) اهل المسجد اذا صلوا باذان وجماعة يكره تكرار الاذان والجماعة في: دعالگیری. الباب الثاني في الاذان ج ۱ ص ۵۱، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۵۴ ظہر

(۲) وتتمصيل لفضيلة الجماعة بصلوة مع واحد (أي من الصبيان) الا في الجمعة لا لا تصح بلالة منهم. والاشياء والنظائر احكام الصبيان ص ۴۸۰ ظہر

(۳) فسن اوتجب لمرءه نظهر في الائمه بتركها مرة على الرجال العفلاء المألين الاحرار القادرين على الصلاة بالجماعة من غير حرج ولو لفته ندب طلبها في مسجد اعم الا المسجد الحرام ونحوه (در مختار) قال في النهر الا ان هذا يقتضي الاتفاق على ان تركها مرة بلاعذر يعرر وترد شهادته وبالم الجبران بالسكون عنه (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۱، ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ص ۱۴ ص ۵۵۴، ۵۵۵ ظہر

بخواند پس از وعید ترک کردن جماعت خلاص میشود و یانه؟ اگر جماعت در خانه سنت باشد پس در یک حدیث که رسول الله ﷺ اراده سوختاندن اسباب و خانه ها را چرا فرمودند؟ هدف اینکه برخی مردها با سنت مؤکد گفتن جماعت در خانه ادا میکنند حکم چیست؟

جواب: جماعت جداگانه زنان مکروه تحریمی است لهذا زنان جماعت نکنند یعنی قسمیکه امام نیز زن باشد جماعت نکنند: ویکره تحریم جماعه النساء الخ کما تکره امامه الرجال لهن فی بیت لیس معه رجل غیره ولا محرم منه کاخته و زوجته ^(۱) الخ ترجمه این نیز همان است که مسئله را از بخش ۱۱ زیور بهشتی نقل نموده پس این نیز درست است پس اگر در مسجد جماعت پیدا نشود پس باچنان کردن از وعید ترک جماعت خلاص شده میتواند. الفرض اصل اینست که بمسجد برود و در جماعت شریک شود اگر تصادفا در مسجد جماعت میسر نشد پس در خانه زنان و طفلها را شامل نماید و جماعت کند بمنظوریکه در درمختار هست و از حدیث سوختاندن خانه ها ثابت میشود که برای مردان بدون عذر در خانه جماعت کردن روا نیست بلکه به مسجد بیایند و در جماعت شریک شوند و اگر کدام وقت اتفاقا جماعت پیدا نشد پس در صورت مذکوره در خانه جماعت بخواند. این نیست که مسجد ترک کردن و در خانه ها جماعت کردن سنت است چنین نیست ، همچنان شامی این واقعه را نوشته است که یک مرتبه رسول ﷺ برای صلح در میان یک قوم تشریف برده بودند وقتی بمسجد رفتند جماعت خلاص شده بود در آنوقت آنحضرت در خانه خود اهل و عیال را جمع کرده بهمراه آنها نماز را بجماعت ادا فرمود ^(۲) و از این نیز ثابت شد که جماعت کردن در خانه در حالتی هست که در مسجد جماعت پیدا شود لفظ.

به خاطر دشمنی با امام ترک کردن جماعت مناسب نیست: سوال: (۵۳۴) مؤذنیکه که اعتراض دارد که ملا امام همراه دشمنی دارد و بدین سبب در عقب امام نماز نمیخواند همیشه جدا نماز میخواند نمازش میشود یانه و گناه بالایش هست یا نه و اذانش مکروه است یانه؟

جواب: این عذر ترک نمودن جماعت شرعا لغو و غلط هست و عادات ساختن ترک جماعت

(۱) البرالمختار هامش و المختار. باب الإمامة ص ۵۲۸ ج ۱ و ص ۵۲۹ ط. س. ج ۱ ص ۵۶۵. ظفر

(۲) حدیث احراق اینست: عن ابي هريرة (رضی الله عنهما) قال قال رسول الله ﷺ والذي نفسي بيده لقد هممت أن آمر بحطب ليعطب لم آمر بالصلاة فيؤذن لها ثم آمر رجلا فيؤم الناس ثم أخالف إلى رحا ل. وفي رواية: لا يشهدون الصلاة فأحرق عليهم بيرتهم الخ وراه البخاري و مسلم نحوه (مشكوة باب الجمعة وفضلها فصل اول ص ۹۵) ظفر

برای ہمیش باعث فسق و گناه است و آذان فاسق مکروه است و اعاده آن مستحب هست؛ و بعد آذان الجنب الخ درمختار، زاد القهیجانی: والفاجر والراکب والقاعد الخ شامی^(۱) اگر آن نماز وی که تنها میخواند روا میشود ولی از ثواب جماعت محروم میماند و بسبب ترک نماز جماعت گنهگار هست.

دروقت تعلیم دین ترک نمودن جماعت درست است یا نه؟ سوال: (۵۳۵) اگر زید تعلیم

درین دین را میدهد و نماز جماعت خفتن میماند درین حالت چه حکم است؟

جواب: در دومختار نقل شده که بعضی علماء ترک نمودن جماعت را بسبب علم فقه و مطالعه آن جواز داده اند و حصول علم مذکور را بصفّت عذر قبول کرده اند یعنی از جمله عذرهاییکه بسبب آن اگر احیاناً جماعت ترک شود پس حرج نیست مشغولیت در علم فقه است ولی اگر باترک نمودن جماعت اصرار میورزد پس معذور نیست و واجب التعلّیز هست.^(۲) فقهاء که فرموده اند که جماعت دوم در مسجد قارعة الطریق روا است و تعریف آن را چنین کرده اند که: مسجدیکه امام ومؤذن مشخص نباشد، باساس این تعریف شاید درین شب و روز در اکثر جاها هیچ یک چنان مسجدی پیدا نه میشود که امام ومؤذن در آن تعیین نباشد پس جماعت ثانی اصلاً جائز نخواهد بود، و در اکثر قریه ها امام ومؤذن تعیین نمیشد پس ازین تعریف لازم میشود که در آنجا در هر مسجد جماعت دوم جائز باشد برایم این شبهه است که آیا این تعریف بمثل تعریف مصرکه نیست که باعتبار زمانه خود فقهاء انرا تعریف کرده اند؟

جواب: قاعده کلیه فقهاء اینست که در مسجد یک امام ومؤذن مقرر باشد آنجا جماعت دوم مکروه است خواه آن مسجد های شهرها باشد و یا مسجد قریه ها، پس مشکلی نیست مطابق همین قاعده عمل شود.^(۳) فقط

(۱) رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۹۵ ، ط. س. ج ۱ ص ۳۹۳. ظهیر

(۲) للاحبب (الجماعة علی مریض الخ و کذا اشتغاله بالقله لا یفره کذا جزم به الباقی تعالی للیسی ای الا اذا و اضبط تکسلا فلا یقدر و یحذر ولو باطل المال یعنی بحیثه عند مدة ولا تقلل شهادته (والمراد المختار علی هامش رد المحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۰ ، ط. س. ج ۱ ص

۵۵۵) ظهیر

(۳) و بکره تکرار الجماعة باذان و امامة فی مسجد محله لا فی مسجد طریق اومسجد لا امام له ولا يؤذن (درمختار) قوله بکره تعریماً لقول الکافی لا یجوز و المجمع لا یباح. و شرح الجامع الصغیر انه بدعة کما فی رسالة السندی . قوله باذان الخ عبارة فی الخزانة اجمع مما هنا ونصها: و بکره تکرار الجماعة فی مسجد محله باذان و امامة الا اذا صلی بهما فیه او لا غیر اهله او اهله بمخالفة الاذان ولو کرر اهله بدونها او کان مسجد طریق جاز اجتماعاً کما فی مسجد لیس له امام ولا مؤذن و صلی والناس فیه لفرجا الخ و الدراد بمسجد المحله ما له امام =

دو رکعت مسجد دو جماعت: سوال: (۵۳۷) اینجا بخاطری فطاری روزه به مسجد نان آورده میشود باذان شام الفطار میشود و خوردن شروع میکنند کہ درآن اکثر مردم پائین می نشینند و روزه را الفطار میکنند بعد از آذان باتوقف ده (۱۰) دقیقه جماعت استاده میشود و برخی از حضرات بالای چت الفطار میکنند ہر نماز خوان از الفطار با اطمینان فارغ میشود و در جماعت شامل میشود ولی حضرات بالای چت در جماعت شامل نمیشوند و قیتکہ در پائین جماعت شد پس حضرات چت جماعت دوم میکنند آیا این جائز است یا نہ؟

جواب: بہتر اینست کہ در جماعت اول داخل شوند و در وقت جماعت در خورد و نوش مصروف نشوند إلا بضرورۃ و برای مردم پائین مناسب است کہ اندکی دیگر توقف کنند تا ہم مردم باطمینان چیزی خوراک نمایند و در جماعت شامل شوند. (۱) فقط

انتظار یک نماز خوان چطور ہست: سوال: (۵۳۸) یک شخصی است برخی اکثر از شب روز او در مسجد میگذرد اگر گاہگاہ وی در وقت نماز بیرون از مسجد در کار شخصی خود قسمی مشغول شود کہ هیچ فکر وقت معین نماز نیابد، در حالیکہ در مسجد نماز با اساس حساب ساعت بہ وقت معین ادا میشود و ہمہ مردم بہ مسجد آمدند و وقت مقرر نماز نیز شد پس آیا خبر ساختن بار دوم این شخص بعد از آذان ضرور است یا نہ؟ و در انتظار وی تأخیر نمودن جماعت صحیح است یا نہ؟ و بدین تأخیر در جماعت کلیہ نوع کراہیت میآید یا خیر؟

جواب: در حالت ذکر شدہ در خبر کردن دوبارہ هیچ باکی نیست و اگر بہ سبب وی و یا کسی دیگری باین اندازہ تأخیر در جماعت کردہ شود کہ وقت مکروہ نشود و بہ دیگران تکلیف نباشد پس در آن نیز حرجی نیست (۲) فقط

اگر در وقت جماعت سنت میخواند امام انتظارش را بنماید یا نہ: سوال: (۵۳۹) نماز پیشین دوبجہ خواندہ میشود سہ دقیقه بہ دوبجہ باقی بود کہ شخصی نیت سنت را بست و در رکعت سوم بود کہ دو بجہ پورہ شد آیا درین صورت برای امام اجازہ این قدر تأخیر ہست و یا نہ

= و جماعة مطہرون الخ و مقتضى هذا الاستدلال كراهة التكرار في مسجد المحلة ولو بدون الاذان (رد المحتار باب الامامة مطلب في تكرار الجسعة في المسجد ج ۱ ص ۵۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۲) الا في مسجد على طريق للاساس بالكل (در مختار) هو مائس له امام وموذن، واتب (رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۶۷، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۵) ظهير

(۱) و تكرار الجماعة الخ في مسجد محلة (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۲) ظهير

(۲) والتوب حسن عند المتأخرين الخ وينظر المؤذن الناس الخ عالمگیری ج ۱ ص ۵۴، ط. ماجدہ ج ۱ ص ۵۶، ظهير

کہ آنشخص چہار رکعت را پورہ کند؟

جواب: بلی بآن اندازہ اجازہ ہست ^(۱)۔ فقط

بسیب عذر مجال ترک نمودن نماز جماعت ہست یا خیر: سوال: (۵۴۰) پیوستہ بہ خانہ زید یک مسجد ہست کہ درآن پنج وقت اذان میشود ودر بعضی وقت ہا درمسجد نمبر دہشام زدن نیز میاید جماعت کنندہ گان بالکل احترام مسجد رانمی نمایند زید تعلیم یافتہ از مسئلہ ہا باخبر ہست لکن بخاطر ادای نمازبہ جماعت بہ مسجد نمی آید ازطرف زید دروقت اعتراض چنین جواب دادہ میشود کہ چون آداب واحترام مسجد مراعات نمیشود واز مسجد تفریح گاہ جور شدہ وبہ فہماندن نیز مردم ازحرکتہای باز نمیآیند بدین سبب من نماز خواندن درخانہ را بہتر میدانم بعضی مردم میگیرند کہ بہ تارک جماعت باندازہ زنا بامادر گناہ حاصل میشود وایا این درست است؟ ویا ازچنین انسان اصلاً نمازش نمیشود؟

جواب: اگر نیت زید خالص باشد ودرحقیقت بہ دلائل مذکورہ نماز را درخانہ میخواند پس ممکن عنداللہ ازگرفت خداوند نجات یابد۔ بہر حال احتیاط درین است کہ در مسجد باجماعت نماز بخواند واین گفتار بعضی مردم کہ گناہ ترک نمودن جماعت طوریت کہ بہمراہ مادرخود زنا نماید غلط ہست تارک جماعت بدون عذر گنہکار میشود ونمازش میشود واگر یک عذر درست باشد ویا امام مبتدع وفاسق باشد پس باترک نماز جماعت گنہکار نمیشود اگر چہ اشتراک درجماعت بہتر است۔

بسیب تکبر ترک نمودن جماعت روا نیست: سوال: (۵۴۱) یک شخص ازمدت زیادی باینسو امام مسجد ہست ہیچ کار خلاف شریعت نمیکند پس کدام شخصیکہ درعقب ہمین نماز نمیخواند بہ سبب تکبر کہ من ازین امام عالم بہتر ہستم علمم کہ زیاد نیست ولی اعمالم ازامام مسجد بہتر ہست یعنی من ہیچگاہ تحیۃ المسجد راترک نہ نمودہ ام وامام چند مرتبہ ترک نمودہ ومن نوافل زیاد میخوانم پس این شخص جماعت راترک میکند وتنها نماز میخواند۔



جواب: برای شخص مذکور ترک نمودن جماعت بخاطر سبب ذکر شدہ درست نیست وعذر





(۱) فتن او لجب الخ علی الرجال العلاء البالغين الاحرار القادرين علی الصلاة بالجماعة من غیر حرج (در مختار) فالجرح یرفع الاتم ويرخص فی ترکها الخ فی نور الابحاح وانقطع عن الجماعة العذر من اعذارها وکانت نیت حضورها یصلح له توبتها علی حسب فتن او مبتدع بال فضل الجماعة (در مختار) اذان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد۔ ردالمحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۱۸، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۴، ط.

وی غلط هست و در شامی هست که: برای ترک کنندہ بدون عذر جماعت جزا داده میشود و شاعدی وی مردود هست: کما نقل عن شرح المنیة والاحکام تدل علی الوجوب من ان تارکها بلا عذر یعزر وترد شهادته^(۱) الخ. فقط.

رفتن زنان به عیدگاه برای نماز: سوال: (۵۴۲) برای زنان رفتن به عیدگاه برای نماز، بمثل مردان درست است یا نه؟

جواب: درین زمانہ بلکہ از بسیار قبل رفتن زنان به عیدگاه جهت اشتراک در نماز متنوع و مکروه است در زمانہ صحابہ کرام این کار منع شده بود کما ورد فی الحدیث^(۲) در درمختار هست کہ: ویکرہ حضورہن الجماعۃ ولو لجمعة او عید او وعظ الخ^(۳).

ازواج مطہرات در جماعت شریک میشدند یا نہ؟ سوال: (۵۴۳) ازواج مطہرات  و مستورات خواص صحابہ  در جماعت نمازهای پنجگانه و جمعه و عید اشتراک میکردند و یا نہ؟

جواب: در زمانہ رسول اکرم  زنان در نمازهای پنجگانه و جمعه و عیدها حاضر میشدند ولی بمثل مردھا پایند نبودند و بعد از نزول ایہ حجاب در آن بسیار سختی شد حتی کہ حضرت عمر  زنان را از نماز خواندن در مسجد منع کردند پس زنان در حضور حضرت عائشہ شکایت کردند کہ رسول اللہ  اجازه فرمودہ اند و عمر رض منع میکند پس حضرت عائشہ (رض) دفاع از زنان را نہ نمود بلکہ تائید حضرت عمر (رض) را فرمود و گفت: اگر رسول اللہ  حالت زنان را مشاهده مینمود کہ فعلاً هست پس حتماً آنها را منع میفرمودند. ^(۴) فقط.



در جماعت دوم شرکت کرده شود یا نہ؟ سوال: (۵۴۴) جماعت دوم مکروه هست وقتی شخصی بہ مسجد قریہ برسد و جماعت دوم آمادہ باشد و یا استادہ باشد پس شریک شود و یا بہ مسجد دیگری برود کہ گمان شرکت در جماعت در آن باشد برود؟

جواب: بہ مسجد دیگر برود و یا اگر میشود بہمراہ مردمان دیگر در جای دیگری جماعت نمایند.

(۱) رد المحتار، باب الامامة ج ۱ ص ۵۱۶، ط. م. ج ۱ ص ۵۵۲. ظہیر

(۲) بہید مسلم شریف را باب خروج النساء الى المسجد صلحہ ۱۸۳ جلد ۱ و مشکوٰۃ باب الجماعۃ. ظہیر

(۳) الترمذی المختار علی هامش رد المحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۹، ط. م. ج ۱ ص ۵۶۹. ظہیر

(۴) عن حمرة بنت عبد الرحمن انها سمعت عائشة زوج النبي  تقول لو ان رسول الله  رأى ما أحدث النساء لمنهن المسجد كما تمنعت نساء بني اسرائيل قال فقلت لعمره النساء بنی اسرائیل صنعن المسجد قالت نعم (مسلم باب خروج النساء الى المساجد ج ۱ ص ۱۸۳). ظہیر

(۱) فقط.

وقت تکبیر او از کجا تا کجا است: سوال: (۵۴۵) ثواب تکبیر اولی تا کدام وقت میباشد؟**جواب:** تا شامل شدن در رکوع رکعت اول ثواب تکبیر اولی حاصل خواهد شد کما فی الشافی.

وقیل بادراک لرمکة الاولی وهذا اوسع وهو الصحیح، شامی صفحه (۳۵۳) جلد ۱ فقط.

در جماعت از سر کرده شده شرکت نمودن فرض ادا میشود یا نه: سوال: (۵۴۶) وقتی نماز

با جماعت خوانده شد و در چیزی نقصان سرزد که به همراه آن اعاده نماز ضرور هست حال آن که

کدام نماز دوباره خوانده میشود نماز گذار نو در آن شریک شده میتواند و نماز خود را خوانده

میتواند یا نه؟

جواب: اگر در دفعه اول بالکل نماز نه شده بود مثلاً باطل شده بود پس نماز خوانان جدید

در وقت اعاده نماز ادا میشود. و اگر سبب ترک کدام واجب اعاده نماز واجب بود پس نماز

اشخاص نو گذار نخواهد شد. (۲) فقط

در کدام جائیکه امام ومؤذن تعیین نباشند در آنجا جماعت دوم روا است یا نه: سوال:

(۵۴۷) در مساجد این جا عموماً نه اوقات جماعت مقرر هست و نه امام ومؤذن تنها در وقت شاه

به تعداد مردها میآیند پس درین مساجدها جماعت دوم روا است یا نه؟

جواب: در مسجدیکه امام ومؤذن و جماعت تعیین نباشد جماعت دوم جائز هست. (۳) فقط**با مخالفت به بدعتیها در جماعت امام سابق فرقی میآید یا نه:** سوال: (۵۴۸) اگر یک

شخص از پانزده یا بیست سال باینسو در یک مسجد امام باشد برخی از مردم بخاطر نفسانیت و یا

بسبب اختلاف در عقاید در حالیکه امام متبع سنت است خارج کنند و این گروه بدعتیها جدید

و بدون این گروه همه مقتدیها به امام راضی هستند و گروه بدعتیان با اساس ضد امام دلخوا خود را

(۱) وإذا فاتته الجماعة لا يجب عليه الطلب في مسجد آخر بلا خلاف بين أصحابنا لكن إن أتى مسجداً آخر لم يصل به مع الجماعة لحسن وإن صلى في مسجد حبه لحسن وذكر اللقنوي أنه يجمع فيه أهله ويصلي بهم. (دعالمگیری مصری فصل فی الإمامة ص ۷۷ ج ۱، ط. ماجدی

ج ۱ ص ۸۲، ۸۳) ظفر

(۲) والمختار انه جابر للاول لان الفرض لا يكرر (في المختار) اي الفعل الثاني جابر للاول بمنزلة الجبر بسجود السهر وبالاول يخرج عن المبهة وان كان على وجه الكراهة على الاصح كذا في شرح الاكمل على اصول البزدوی. (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج ۱

ص ۴۶۶، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۷) ظفر

(۳) ويكره تكرار الجماعة باذان والامة في مسجد محلة لا في مسجد طريق او مسجد لا امام له ولا مؤذن (الدر المختار على هامش ردالمحتار. باب الإمامة ص ۵۱۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۲) ظفر

استاد مینماید و بجای امام اول جماعت میکنند، بعد از آن امام سابق جماعت میخواند آیا نماز امام سابق درست است یا نه؟ و اگر در یک وقت امام نو و سابق با قرائت جهری جماعت میکنند پس نماز کی میشود و نماز چه کسی نمیشود؟

جواب: جماعت امام سابق بدون کراهیت درست هست و آن جماعت دوم نیست، بلکه گناه بی اتفاقی به دوش این فرقه بدعتیها هست، و بالای امام آنها هست و جماعت آنها معتبر نیست دریکجا ادا کردن دو جماعت نیز گناه است بالای امام نو و مقتدیهای بدعتی آن در جماعت امام سابق هیچ کراهیت نیست^(۱).

جماعت دوم جائز است یا نه؟ و بعد از جماعت نماز جداگانه در مسجد بهتر است یا

در خانه با جماعت: سوال: (۵۴۹) جماعت دوم در مسجد جائز است یا نه و بعد از ادا کردن نماز جماعت نماز جداگانه در مسجد ادا کردن بهتر است و یا در جنگل و یا خانه به جماعت ادا کردن نماز بهتر است؟ و در جنگل و یا خانه گفتن اذان و اقامت بهتر هست یا نه؟ ادا کردن جماعت دوم بر سقف مسجد و یا بالای حوض مسجد و یا در کدام اطاق ریزه گک دیگر جائز است یا نه؟

جواب: در جنگل و یا خانه نماز با جماعت بهتر است: در جنگل یا خانه اذان و تکبیر کردن بهتر است، تنها تکبیر کردن نیز کافی است و اگر در خانه میخواند پس اذانی که در مسجد شده همان کافیت تنها تکبیر بگوید در میان صحن مسجد که کدام حوض است و یا سقف مسجد همه در حکم مسجد است. بلی در اطاقک و غیره بیرون هست در آن جماعت دوم جائز است.^(۲) فقط

اگر کدام شخص قبل از آمدن امام نماز بخواند آن نماز در حکم جماعت نیست:

سوال: (۵۵۰) اگر امام یک مسجد در وقت صبح نا وقت میآید، یک مقتدی وقتی میاید و او در نماز جهراً قرائت میخواند و یک نماز خوان جاهل به همراه این مقتدی شریک نه میشود بلکه انتظار امام را مینماید این کاروی روا است یا نه؟

(۱) ولو علی بعض اهل المسجد امامة و جماعة ثم دخل المؤذن والإمام وبلغت الجماعة فالجماعة المستحبة لهم والکراهة للاولی کذا فی المصنوعات، عالمگیری مصری باب لائی فی الاذان ص ۵۱ ج ۱، ط ماجدیه ج ۱ ص ۵۴ ظفر

(۲) قال علیه الصلاة والسلام صلوة الجماعة تفضل صلوة الفرد سبع وعشرين درجة، مشکوٰۃ ص ۹۵ ثم لهما سنة للصلوات الخمس اداء اولها اذا صليت بجماعة، کبری ص ۳۵۷، ولا یکره ترکهما لمن یصلی فی المصر إذا وجد فی المحلة ولا لفرق بین الواحد والجماعة والافضل ان یصلی بالاذان والإمامة وإذا لم یؤذن فی تلك المحلة یکره له ترکهما ولو ترک الاذان وحده لا یکره ولو ترک الإقامة یکره ویکره للمسافر ترکهما وإن کان وحده ولو ترک الإقامة أجزأه ولو لک یکره لأن اذن والإمام لهما حس. عالمگیری ص ۵۲ مطبوعه هند، ماجدیه

جواب: جماعت نخست آنست که امام محله بهمراه مردم محله اداء میسازد پس به این نماز گذار نادان لازم است که انتظار جماعت امام محله را بکند. ^(۱) فقط

وقتی امام مقرر شده بسبب نه آمدن مقتدی تنها نماز خواند چه حکم دارد: سوال:

(۵۵۱) یک مسجدیکه از ابادی فاصله داشته باشد و بدین سبب اکثرا درین مسجد جماعت نه میشود پس آیا بالای خالد (که امام مقرر هست) درین صورت درانجا بانماز خواندن گناه ترک جماعت نخواهد بود؟

جواب: درین صورت بالای خالد گناه ترک نمودن جماعت نیست بلکه هرگاه کتبی نه آید پس خالد اذان و اقامت نماید و تنها نماز بخواند و باین عمل برای وی ثواب جماعت حاصل میشود و حق مسجد نیز ادا میشود. ^(۲)

در وقت یک جماعت دیگر روا است یانه: سوال: (۵۵۲) درمسجد زقتی جماعت اهل حدیث ادا میشود و نماز نیز جهریست آیا درین وقت برای حنیفها روا است که جماعت دیگر بکنند یانه؟

جواب: غیر مقلد را امام ساختن مناسب نیست و اگر امام شد نماز درعقب وی روا است اما احتمال کراهیت و فساد هست جماعت جدا گانه درهمین مسجد مناسب نیست، اگر جماعت دیگر میخواند درجای دیگر بخواند ^(۳) فقط.

کسیکه جماعت رانه یافت وی در کدام جا نماز بخواند: سوال: (۵۵۳) برای منفردیکه جماعت دست نداد برای وی ادا کردن فرض او در مسجد بهتر است و یا در خانه؟

جواب: اگر بیرون از مسجد جماعت میشد بهتر است ^(۱) ورنه جای بهتر برای ادای فرایض مسجد هست: فی روایة انس أن أصحاب رسول الله ﷺ كانوا إذا فاتتهم الجماعة في المسجد صلوا في المسجد فرادی ^(۲) الخ شامی.

(۱) لو صلى بعض اهل المسجد باقامة وجماعة ثم دخل المؤذن والامام وبقية الجماعة لالجماعة المستحبة لهم والكرهه للاولى. (عالمگیری مصری. باب الاذان ص ۵۱ ج ۱، ط: ماجده ج ۱ ص ۵۴) ظفر

(۲) بل في الخاتمة لو لم يكن لمسجد منزله مؤذن فانه يذهب اليه ويؤذن فيه ويصلي ولو كان وحده لان له حقا عليه فيزديه (رد المحتار. باب مايفسد الصلوة ومايكروه فيها، مطلب في احكام المسجد ص ۶۱۷ ج ۱، ط: ج ۱ ص ۶۵۹) ظفر

(۳) دراصل جماعت امام مقرر معتبر است: ولو صلى بعض اهل المسجد باقامة وجماعة ثم دخل المؤذن والامام وبقية الجماعة لالجماعة المستحبة لهم والكرهه للاولى كذا في المضمرات (عالمگیری مصری باب ثانی اذان ص ۵۱ ج ۱، ط: ماجده ج ۱ ص ۵۴) ظفر

منع کردن کسیکه از وی خطر مختل ساختن امن وامان و فساد باشد از جماعت چه گونه

هست: سوال: (۵۵۴) اگر به واسطه یک نماز خوان درامن خلل واقع میگردد و اندیشه شر و فساد باشد و بابه عموم نماز خوانان بگونه تکلیف و اذیت میرسد پس آیا منع کردن این شخص از جماعت بخاطر حفظ امنیت و انسداد شر و فساد خلاف شریعت است؟

جواب: شخصیکه در حفظ امنیت خلل اندازی میکند و باعث شر و فساد میباشد و به عموم مردم نماز گذار ضرر و تکلیف میرساند و عمل کرده اوموجب مصروفیت میباشد، منع کردن آن مطابق قانون شریعت هست، احادیث آثار و گفتارهای فقهاء به این حکم واضح دلالت میکنند. رسول الله ﷺ خورنده سیرخام پیاز را از مسجد منع کرده، بلکه از مسجد اخراجش نموده، همچنان آنحضرت ﷺ آن زن را که عطر استعمال کرده باشد از خوف فتنه از آمدن به مسجد منع کرده همچنان آنحضرت ﷺ درباره آنانیکه از پیش روی نماز خوان تیر میشود که دران احتمال آمدن فرق در خشوع و خضوع نماز گذار هست اگر چه نماز نمیشکنند، فرموده است: ادرءوا ما استبطعم فلیدفعه فان ابی قلیقاتله فانما هو شیطان. ونحو ذالک، همچنان آنحضرت ﷺ آن شخص را که در مسجد بسوی قبله تف کرده بود از امامت دور کرد و او را مؤذی خدا و رسول گفت و عید الله ابن مسعود مردمانی را که در مسجد جمع شده بودند و باواز بلند در ذکر ورد مشغول بودند بدعتیها گفت و از مسجد بیرون شان ساخت، و فقهاء نیز تصریح کرده اند: کسیکه سیر خام و پیاز خورده باشد و همچنان گنده دهن، که از دهن وی بوی بخراب بیرون میشود، و جذامی و مبروص یعنی مریض پسی، و ماهی فروش، و هر چیز ضرری اگر چه آن به زبان ضرر میرساند منع نمودن از آمدن به مسجد ضرور هست بگونه نمونه ملاحظه نمائید چند روایات و عبارات محدثین و فقهاء را:

عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ من اكل هذه الشجرة فلایقرین مسجدنا ولا یؤذینا بریح الثوم، ورواه مسلم. وعن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال انکم ایها الناس تاکلون شخیترین لا اراهما الاخبین هذا البصل والثوم رأیت رسول الله ﷺ اذا وجد ریحها من الرجل فی المسجد امر

(۱) انه علیه الصلوة والسلام کان خرج لصلح بین قوم فعاد الی المسجد ولقد صلی اهل المسجد فخرج الی منزله فجمع اهلہ وصلى...

(ردالمحتار باب الامانة ص ۵۱۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳) ظفر

(۲) ردالمحتار. باب الاذان مطلب فی کراهة تکرار الجماعه فی المسجد ص ۳۹۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۳. ظفر

به فاخرج الى البقيع فمن اكلها فليمتها طبقاً. رواه مسلم، نوری در شرح مسلم مینویسد که: فلا یقرین المساجد هذا تصریح بالنهی عن اكل الثوم ونحوه عن دخول كل مسجد وهذا مذهب العلماء كافة. ^(۱) وحافظ ابن حجر در فتح الباری مینویسد: والحق بعضهم بذلك من يفیه بخر او جرح او رائحة، وزاد بعضهم فالحق اصحاب الصنائع كالسماک والعايات كالمجدوم، ومن يؤذى الناس بلسانه، ^(۲) الخ، وعن ابی هريرة رضی اللہ عنہ قال قال رسول الله ﷺ ایما امرأة اصاب بخوراً فلا تشهد معنا العشاء الاخر رواه مسلم. ^(۳) وعن ابی سعید قال قال رسول الله ﷺ لا یقطع الصلوة شیء وادعوا ما استطعتم فانما هو شیطان رواه ابوداؤد. ^(۴) وعن ابی سعید قال قال رسول الله ﷺ اذا صلی احدکم الى شیء یسیره من الناس فاراد احد ان یجتاز بین یدیه فلیدفعه فان ابی فلیقاتله فانما هو شیطان. رواه البخاری ^(۵)، وعن ابی سہلہ السائب بن خلاد هو رجل من اصحاب النبی صلی الله علیه وسلم ان رجلاً ام قوماً فبصق فی القبلة ورسول الله صلی الله علیه وسلم ینظر فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم حين قرع لا یصلی لکم فاراد بعد ذلك ان یصلی لہم فمنعوه وأخبروه بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم فذكر ذلك لرسول الله صلی الله علیه وسلم فقال نعم وحبست أنه قال إنک آذیت الله ورسولہ. ابوداؤد. ^(۶)، عن ابن مسعود رضی اللہ عنہ انه سمع قوماً اجتمعوا فی مسجد یهللون ویصلون علیه والسلام جہراً فراح الیهم وقال ما عهدنا ذلك علی عہدہ علیہ الصلاة والسلام وما اراکم الا مبتدعین فما زال یذكر ذلك اخراجهم من المسجد. رواه الطبرانی. در درمختار امده: واکل نحو ثوم یمنع عنه وكذلك مؤذ ولو بلسانہ. آہ، او بہ رد المختار کی دی: وكذلك الحق بعضهم بذلك من يفیه بخر او بہ جرح لہ رائحة، وكذلك القصاب والسماک، والمجدوم والابرص أولى بالالحاق. وقال سحنون لا أرى الجمعة علیہما واحتج بالحديث والحق بالحديث کل من آذى الناس بلسانہ وبہ آفتی ابن عمر وهو اصل فی نفی کل من یأذى بہ، آہ ونحو ذلك فی مجالس الابرار وغیره. ^(۷) فقط والله تعالی اعلم.

(۱) مسلم باب نهی من اكل ثوماً او بصلاً الخ عن حضور المسجد ص ۲۰۹ ج ۱ وص ۲۱۰ ج ۱. ظہیر

(۲) شرح نوری علی مسلم ص ۲۰۹ ج ۱. ظہیر

(۳) فتح الباری شرح صحیح البخاری. ظہیر

(۴) مشکوٰۃ باب الجماعت ص ۹۶. ظہیر

(۵) مشکوٰۃ باب الجماعة ص ۹۶. ظہیر

(۶) مشکوٰۃ باب المساجد ومواضع الصلوة فصل ثالث ص ۷۱. ظہیر

(۷) ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب فی احکام المسجد ص ۶۶۱ ج ۱. ط. س. ج ۱ ص ۶۶۱. ظہیر

اگر جدا از جماعت کدام نماز ادا شود، میشود یا نه: سوال: (۵۵۵) اگر جماعت از دست رفت و کدام شخص بسبب عدم علاقه به جماعت در جماعت شامل نشود و نماز خود را تنها خواند نماز او شد یا نه؟

جواب: نماز او شد اما این مرد گنهکار و فاسق شد ^(۱).

وقتی جماعت استاد بود جماعت دیگر ایستادن چه طور هست: سوال: (۵۵۶) بکر به مسجد وقتی رسید که نماز جماعت شام استاد بود و همراه خود یکمرد دیگر را یکجا کرد و نماز شام را به صدای بلند آغاز کرد مردم از بکر پرسیدند او جواب داد که عقب این امام نماز نه میشود زیرا که وی در روز جمعه فاتحه نمیخواند درباره بکر چه حکم است؟

جواب: درین حالت بکر سخت گنهکار و فاسق مقصر و تفرقه انداز هست که مخالفت جماعت را مینماید و در میان مسلمانان اختلاف میاندازد.

بالای سقف حجره مسجد جماعت کردن: سوال: (۵۵۷) اگر در ماه مبارک رمضان به سبب گرمی بالای بام حجره جماعت شود جائز است یا نه؟

جواب: نماز میشود ولی ثواب مسجد حاصل نخواهد شد ^(۲).

سوختن خانه تارک جماعت جائز نیست: سوال: (۵۵۸) (۱) این فتاوی صادر نمودن که کسی در خانه نماز میخواند به مسجد نه میآید حکم است که به خانه اش آتش زده شود چه طور هست؟

این گفتار که در خانه نماز خواندن کبیره است چه طور هست: سوال: (۵۵۹) این گفتار که در خانه نماز خواندن کبیره است چه طور هست؟

جواب: (۱) بیشک در حدیث تهدیداً چنین آمده که رسول الله ﷺ فرمود که من اراده کرده بودم که خانه کسانی را که به نماز نه میآیند بسوزانم لکن بخاطر بسبب زنها و طفلها چنین نکردم ^(۱) الخ ازین اشکار میشود که حالا آتش زدن روانیست زیرا که آنحضرت ﷺ نیز آتش نه زده بود.

(۱) مشکوٰۃ باب المساجد ومواضع الصلوة فصل ثالث ص ۷۱. ظفر

(۲) رد المحتار باب مایفید الصلوة و ما یکره لها مطلب فی احکام المسجد ص ۶۶۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۶۱. والجماعة سنة مؤکدة للرجال. قال الزاهدی ارادوا بالاکتد الوجوب (در مختار) ان هذا يقتضى الاتفاق على ان ترکها مرة بلا عذر یوجب اثماً الخ وقال فی شرح الصلوة والاحکام تدل علی الوجوب من ان تارکها بلا عذر یعز و ترد شهادته و یاتم الجبران بالسکوت عنه. (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۱۶

جواب: (۲) مواظبت کردن قصدی به ترک جماعت بدون عذر گناه کبیره و موجب فسق است، لیکن اگر اتفاقاً یک و یا دو دفعه جماعت ترک شد گناه کبیره نیست^(۱) فقط.

باران و خنک سخت عذر هست یا نه؟ سوال: (۵۶۰) (۱) اگر امام یا مقتدی در روز باران و سردی زمستان گاه گاه در جماعت شریک نشود آیا این عذر کافی است برای ترک جماعت؟
انتظار امام یا مقتدی درست است یا نه؟ سوال: (۵۶۱) (۲) هرگاه وقت جماعت تعیین شده بود آیا انتظار کردن به امام یا مقتدی باندازه پنج دقیقه درست است؟

جواب: (۱) در برخی صورتها سردی شدید و باران عذر شده میتواند برای ترک نماز جماعت.

جواب: (۲) هرگاه در وقت گنجایش موجود است انتظار کردن درست است.^(۳) فقط

وقتی در حرم شریف جماعت اول پیدا نشد پس آیا در جماعت دوم شریک شود یا نه؟ سوال: (۵۶۲) اگر در حرم شریف جماعت شافعی میسر نشد آیا خواندن نماز به تنهایی در مسجد شریف بهتر است و یا در جماعت مالکی یا حنفی شریک شدن بهتر است در جماعت ثانی نماز خواندن بدون کراهیت روا خواهد بود یا نه؟

جواب: خلاصه پرسش این است که اگر بکسی در مسجد حرم محترم جماعت اول پیدا نشد آیا در جماعت دوم مالکی و حنبلی و حنفی شریک شود یا نه؟ حالا در اینجا دو مسئله پیش آمد یکی اینکه اقتدا کردن به صاحب مذهب دیگر که نماز بجماعت ادا شود بهتر است و یا به تنهایی نماز خواندن بهتر است؟ پس درین مسأله اختلاف فقهاء است برخی نماز با جماعت را بهتر میدانند اگر چه امام از مذهب دیگر باشد یعنی شافعی و غیره باشد. پس قوی درین مسئله این است که نماز خواندن با جماعت بهتر است از نماز تنهایی چنانکه علامه شامی بعد از نقل کردن اختلاف فرموده است: فنحصل الی الاقتداء بالمخالف المراءى فی القرائن افضل من الانفراد اذا لم یجد غیره والا فالاقضاء بالموافق افضل^(۴) الخ و مسئله دوم این است که وقتی در حرم شریف جماعت های متعدد ادا میشود اگر چه کسی جماعت اول دست نداد پس شامل شدن در جماعت دوم و سوم

(۱) و لعمريه يظهر فی الاثم بتركها مرة (الدرا المختار علی هامش رد المحتار. باب الامامة ص ۵۱۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۴) ظفر

(۲) قال ان رسول الله ﷺ علمنا سنن الهدى وان من سنن الهدى الصلوة فی المسجد الذی یؤذن فیہ (مشکوٰۃ باب الجماعة) ظفر

(۳) فلاحجب (الجماعة) علی مريض الخ ولاعلى من حال یبینه وینها مظهر لطین ویرشدید وظلمة (الدرا المختار علی هامش رد المحتار. باب

الامامة ص ۵۱۹، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵) ظفر

(۴) رد المحتار باب الامامة مطلب فی الاقتداء بشافعی ونحوه ص ۵۲۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۳. ظفر

وچهارم جائز هست ویا نه؟ وجماعت ثانیہ درحرم شریف روا است ویا خیر؟ وشریک شدن در جماعت دوم بهتر است ویا به تنهایی نماز خواندن بهتر هست؟ درین مسئله نیز اختلاف هست اکثر محققین جماعت دوم و سوم وغیره را درحرم شریف نیز مکروه را میدانند، به نزد آنها آشکار هست که نماز تنهایی از شریک شدن درجماعت دوم بهتر است بمثلیکه حکم مساجد دیگری محلہ وقریہ میباشد. وبعضی علماء میفرمایند که: حکم مسجد حرم شریف به مثل حکم مساجد قریہ نیست بلکه مانند مسجد بالای راه است درانجا جماعت دوم درست است، بدین گونه علامہ شامی بعد از نقل کردن قول محققین که درباره انکار جماعت ثانیہ از آنها منقول شده، فرموده است: لکن یشکل علیہ ان نحو المسجد المکی والمدنی لیس لہم جماعة معلومون فلا یصدق علیہ انہ مسجد محلہ بل ہو کمسجد الشارع وقد مرّ انہ لا کراهة فی تکرار الجماعة فیہ اجماعاً فلیتأمل^(۱) الخ وبعد از آن علامہ موصوف جواز راترجیح داده لکن درحقیقت قول محققین کہ قائل عدم جواز هست راجح معلوم میشود. زیرا تعین امامها ومؤذنها درحرمین شریفین معلوم است وجماعت را همیشه نماز خوان نیز معلوم است اگر چه درایام حج و زیارت جماعت نامعلوم ها اضافه شود: وعن هذا ذکر العلامة الشیخ السندی تلمیذ المحقق ابن الہمام فی رسالہ ان ما یفعلہ اهل الحرمین من الصلوة بائمة متعده وجماعة مترتبة مکروه اتفاقاً ونقل عن بعض مشائخنا انکارہ صریحاً حین حضر الموسم بمکة سنة ۵۵۱ هـ منهم الشریف الغزنوی و ذکر انہ افی بعض المالکیہ بعدم جواز ذلك علی مذهب العلماء الاربعة ونقل انکار ذلك ایضاً عن جماعة من الحنفیة والمالکیة حضروا لموسم سنة ۵۵۱ هـ آھ. واقرة الرملی فی حاشیة البحر^(۲).

ثم نقل العبارة المذكورة سابقاً اعنی لکن یشکل علیہ الخ وقد مرّ الجواب عنہا. فقط

بعد از جماعت آیا به یکدرجہ جدا جدا نماز خواندہ میشود: سوال: (۵۶۳) مشہور است کہ ہرگاہ بعد از ادا شدن جماعت نماز دیگر دو شخص بہ مسجد برای ادای نماز بیاید پس ہر دوی شان جدا جدا در یک درجہ نماز خواندہ نہ میتوانند و نماز شان نمی شود ہر کدام در درجہ جدا نماز بخواند و در نمازهای باقی چنین روا است این درست است یا نہ؟
جواب: چیزیکہ مشہورہست غلط هست مثلیکہ در نمازهای باقی وقتی جماعت میسر نشود وسہ

(۱) رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد ص ۵۱۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳. ظہیر

(۲) رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد ص ۵۱۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳. ظہیر

چهار شخص پسانترا بیابند و در یک درجه نماز خوانده می‌توانند همچنان در هر وقت کرده می‌توانند هیچ سبب فراق نیست.

در ابتداء اقامت استاده شدن امام و مقتدی چه مصلحت دارد: سوال: (۵۶۴) این تعامل

جاری است که در ابتداء اقامت ملا و مقتدی استاد میشود در این چه مصلحت هست؟

جواب: آن مصلحت بخصوص اینست که از احادیث معلوم میشود که قبل از قبل صف‌ها برابر کرده شود پس به (حی علی الفلاح) مقتدیا استادند و به (قد قامت الصلاة) امام تکبیر تحریمه گفت بمثلکه از روایت کتابهای فقه معلوم میشود پس از قبل انتظام برابر کردن و غیره صفوف نخواهد شد در حالیکه بسیار مهم است و امر استادان به (حی علی الفلاح) استحبابی هست و در آن تاویل نیز شده می‌تواند این طور که ازین تأخیر نه کند و در تقدیم هیچ حرج نیست^(۱) فقط.

ایا با شریک شدن شیعه در جماعت سنی ها کدام نقص پیدا میشود: سوال: (۵۶۵) اگر

در جماعت کدام شیعه در میانه استاد شود و نماز بخواند نماز سنیها میشود یا خیر؟ و یا منع کردن وی لازم هست یا نه؟

جواب: درین صورت در نماز سنیها کدام نقص و خلل نخواهد بود لکن برای آینده به این رافضی گفته شود که یا از مذهب خود توبه نماید ورنه به جماعت مسلمانان نه آید و او را مسلمانان در قبرستان خود گور نکنند فقط.

کسیکه نماز جماعت را از دست داد اوبه تنهائی در مسجد نماز بخواند و یا در خانه

جماعت نماید: سوال: (۶۱۵) نماز جماعت از شخصی فوت شد ایا وی در مسجد تنها نماز

بخواند و یا در خانه با جماعت نماز بخواند؟

جواب: اگر در خانه نماز با جماعت ممکن بوده باشد پس این بهتر و افضل هست و چرا چنین نخواهد بود در حالیکه این از رسول الله ﷺ مروی هست بمثلکه در رد المحتار نقل کرده است.^(۲) فقط

(۱) عن النعمان بن بشیر رضی الله عنه قال: کان رسول الله ﷺ یسوي صفوفنا حتی کانوا یسوي بها القداح حتی رأی انا قد علقناہ لم یرج یوما فلما جئ کاد أن یمکر فرأی رجلا یأدبا صدره من الصف فقال: عباد الله لتسون صفوفکم أو لیمخلفن الله بین وجوهکم. رواه مسلم، وعن انس قال البیت الصلاة فالبیل علیہا رسول الله ﷺ برجه فقال البیوا صفوفکم و تراصوا الخ (مشکوٰۃ باب تسوية الصف ص ۹۷ و ص ۹۸). م
(۲) ولنا انه رضی الله عنه کان یرج لیصلح بین فرم فداد الی المسجد و قد علی اهل المسجد فرجع الی مرله فجمع اهلہ و علی. (رد المحتار . باب الامامة ص ۵۱۸ ح ۱۶، ط.س. ج ۴ ص ۵۵۳). طبر

در مسجد جماعت دوم و جمعه دوباره: سوال: (۵۶۷) یک شخص بجهت ضد درین مسجد

نمازهای پنجگانه خود را و نماز جمعه را میخواند جماعت دوم و جمعه دوباره چطور هست؟

جواب: خواندن نماز با جماعت در مسجد قریه مکروه ایست و دوباره خواندن نماز جمعه در همان مسجدیکه نماز جمعه خوانده شده باشد جائز نیست: والظاهر انه یغلق ایضاً بعد اقامة الجمعة لئلا یجمع فیہ احد بعدھا، شامی^(۱) پس کسیکه به سبب ضد چنان میکند سخت گنہگار است.

بغاطر فسق ملا نماز درخانه: سوال: (۵۶۸) به فکر اینکه در عقب امام فاسق نماز مکروه

است درخانه خود و یا در مسجد قبل و یا بعد از جماعت تنها نماز میخواند. آیا جائز هست و یا ناجائز؟ و به تنها خواندن تارک جماعت گفته میشود یا نه؟

جواب: در درمختار هست: وفي النهر عن المحيط: صلی خلف فاسق او مبتدع قال فضل الجماعة^(۲) بالای این عبارت علامه شامی نوشته هست: قوله قال فضل الجماعة الخ أن الصلاة خلفهما أولى من الأفراد الخ پس اشکار شد که از نماز انفرادی بهتر این است که در جماعت مذکوره شریک شود.

اشتراک مهتر در نماز جماعت: سوال: (۵۶۹) یکمردی از قوم مهتر بدون مسلمان شدن اگر

در جماعت نماز شریک میشود آیا شریک کردن ضرور است یا نه او برادری خود را ترک نه میکند؟

جواب: وی را از شریک شدن در جماعت بند نه سازید، نه شود که در وعید: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ^(۳) داخل شوید وی وقتی میخواهد در نماز و جماعت داخل شود که در دل او اسلام باشد و در قوم مهتر بعضی مسلمانها نیز میباشد غالباً وی نیز شاید از کسانی باشد که مسلمانان اند.

در جای آباد نه شده شهر نماز و اذان: سوال: (۵۷۰) یک مسجد در جنگل کنار دریاب واقع

است و آباد نیست و در آن کسی نماز نه میخواند اگر کدام شخصی از شهر و قریه در آن سکونت کند و پنج وقت با گفتن اذان و اقامت نماز میخواند پس برایش ثواب جماعت حاصل خواهد شد

(۱) و الدمخار باب الجمعة تحت قول الماتن والادان المساجد تطلق يوم الجمعة الا الجامع ص ۷۶۶ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۱۵۷. ظفر

(۲) و الدمخار باب الجمعة تحت قول الماتن والادان المساجد تطلق يوم الجمعة الا الجامع ص ۷۶۶ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۱۵۷. ظفر

(۳) سورة البقرة رکوع ۱۴. ظفر

یانه؟ و در حق وی درین مسجد جداگانه نماز خواندن بهتر است و یا به سبب ترک کردن جماعت گنہکار میشود؟

جواب: با خواندن نماز با اقامت و اذان درین مسجد نیز برایش ثواب جماعت حاصل میشود، و آباد ساختن این مسجد از بین رفته بخاطر بعضی دلائل افضل هست و تفصیل این موضوع در کتابهای فقه نوشته شده. ^(۱)

بسبب تجارت ترک نمودن جماعت: **سوال:** (۵۷۱) زید تاجر هست و بالای مزدور و رفیق دیگر خود اعتماد کرده نمیتواند که کاروبار خود را به وی بسپارد او باین مردم سودای خود را بگذارد و بخاطر ادای نماز جماعت به مسجد برود و اگر چنین کند فکرش پراگنده میشود حالا درین باره برای زید چه حکم هست آیا وی در دوکان نماز خواند و یا به مسجد برود؟ زیرا در رفتن به مسجد بسیار تکلیف کردن هست؟

جواب: اگر اندیشه نقصان بود و مسدود ساختن دوکان مشکل بود این مرد در دوکان نماز بخواند کما فی الشامی: قوله و خوف علی ماله ای من لص ونحوه اذا لم یکنه غلق الدکان والبیة مثلا ^(۲) فقط.

تارک جماعت: سوال: (۵۷۲) کدام شخصیکه به همراه برپا شدن جماعت شدن در مسجد تنها نماز میخواند و در جماعت شریک نه میشود حکم آن چیست؟ باین عمل کفر لازم میشود یا نه؟

جواب: کفر لازم نمیشود ولی آن مرد فاسق است توبه نماید: إن تارکها (ای الجماعة) بغیر عذر یعزر وترد شهادته و یائم الجیران بالسکوت عنه. غنیة المستملی ص ۴۷۰.

به سبب جنگ با امام ترک کردن جماعت: سوال: (۵۷۳) یک شخص به همراه امام جنگ نموده است این شخص نماز باجماعت را ترک نموده وقتی که نماز شروع شود وی تنها نماز شروع میکند این شخص گنہکار هست یا نه؟

جواب: در چنین حالت رها کردن جماعت و تنها نماز خواندن سخت گناه است این آدم گنہکار خواهد شد. ^(۳)

(۱) مؤلف مسجد لایحضرت مسجدہ احدی قائلو هو یؤذن ویقیم و یصلی وحده وذلک احب من ان یصلی فی مسجد أخر (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵) ظفر

(۲) رد المحتار باب الإمامة ص ۵۱۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳ ظفر

(۳) ان تارکها (ای الجماعة) من غیر عذر یعزر وترد شهادته و یائم الجیران بالسکوت عنه (غنیة المستملی ص ۴۷۰) ظفر

بعد از دور دادن یک سلام درجماعت شریک شدن نیست: سوال: (۵۷۴) بعد از یک

طرف سلام گفتن امام زید تکبیر تحریمه گفت و در جماعت شامل شد نمازش صحیح شد یا نه؟

جواب: فی الدر المختار: وتقطع التحریمة بتسلیمة واحدة^(۱) الخ پس در صورت مذکوره اقتداء درست نه شد و از سر تکبیر بگیرد و تنها نماز بخواند.

چرا درمکه مکرمه چهار جای نماز هست: سوال: (۵۷۵) چرا درمکه مکرمه چهار جای نماز

برپا شده؟ و درانجا تعدد جماعت چه حکم دارد؟

جواب: درین موضوع اختلاف علماء است بمثلکه درشامی نقل کرده لاکین در آخر آن فرموده: که درمسجد حرام جماعات متعدد مکروه نیست^(۲) فقط.

شرح مسجد قارعة الطريق: سوال: (۵۷۶) جماعت دوم چه حکم دارد ومقصد ازمسجد

قارعة الطريق چیست؟

جواب: مراد ازمسجد قارعة الطريق این هست که درآن جماعت دوم مکروه نیست ودرمسجد محله جماعت دوم مکروه است.^(۳)

جذامی درجماعت شریک شده میتواند یانه: سوال: (۵۷۷) شریک شدن مرد جذامی

درجماعت مناسب است یانه و مردمان دیگر را نفرت کردن مناسب هست یاخیر؟

جواب: جمعه وجماعت ازجذامی ساقط هست بدین سبب وی بجماعت نیاید پس به جذامی ضرور نیست که درجماعت شریک شود وکسانیکه ازمرده جذام زده جدا میباشند وخود را ازوی نگاه میکنند بالای آنها هیچ ملامتی نیست زیرا که حکم گریز کردن وحمایه کردن از وی را رسول الله ﷺ فرموده فقط.

دریک مسجد جماعت میسونه شد آیا به مسجد دیگری برود: سوال: (۵۷۸) اگر دریک

مسجد جماعت پیدا نشد به مسجد دیگر بخاطر گیر کردن جماعت رفتن حظور هست؟

جواب: اگر در یک مسجد جماعت شده بود ودرمسجد دیگر امید یافتن جماعت بود پس رفتن

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ط. س. ص ۴۹۰ ج ۱. ظفر

(۲) ویکره لکوار الجماعات الخ (ردالمحتار) وعن هذا ذكر العلامة الشيخ رحمة الله السدي تلميذ المحقق ابن الهمام ان مايفعله أهل الحرمين من الصلوة بائمة متعددة وجماعات متربة مكروه اتفاقا ونقل عن بعض مشائخنا الكاره صريحا الخ ولد مر انه لاكرهة في لکوار الجماعة فيه اجماعا (ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۱۷ ج ۱. ط. س. ج ۱ ص ۵۵۲) ظفر

(۳) قال في الشامي ومقتضى هذا الاستدلال كراهة التكرار ولو بدون اذان الخ شامی ص ۵۱۶ ج ۱. ظفر

به مسجد دیگر وبا جماعت نماز خواندن بهتر و موجب ثواب هست درسلف اکابر اُمت چنان میکرد که در یک مسجد جماعت میشد به تلاش جماعت به مسجد دیگر میرفتند^(۱) فقط.

سُئَال در جماعت: سوال: (۵۷۹) زید امام یک مسجد هست و برادرش مؤذن است، و مسجد جامع است، نماز خوانان بسیار جمع میشوند، اصولی را که امام و مؤذن وضع نموده اند خلاف نماز گذاران هست، و آن اینکه مؤذن اذان داد امام صاحب حاضر شد، باندازه چهار رکعت درنگ کرد درین وقت معین ممکن نیست اگر ده (۱۰) یا دوازده (۱۲) قیقه درنگ شود همه نماز گذاران یکجا خواهند شد لحظه بعد از آن مردم جمع شدند و یک جماعت بسیار بزرگ باجماعت نماز میخوانند به امام صاحب نیز گفته شد که پانزده دقیقه انتظار بکند که همه نماز گذار جمع شوند ولی وی از کار خود دست نمی کشد. درین صورت این امام چه حکم دارد؟ و جماعت دوم را چه حکم است؟

جواب: برای امام و مؤذن باین اندازه سرعت مناسب نیست، هرگاه در اوقات نمازها توسعه و فراخی است هیچ سبب چنین چالاکی نیست، و انتظار نماز گذار ضروریست، این کارها (یعنی فراغت از استنجاء وغیره) در ظرف نیم ساعت شده میتواند و رعایت کردن نماز گذاران ضرور است، و درین خودنشی و انتظار نکردن مردم محله برای امام بجای ثواب اندیشه گنهکار شدن هست^(۲) مردم محله وی را دور کرده میتوانند برای مردم محله و نماز گذاران مناسب است که اگر امام این چالاکی را ترک نه نماید او را بند کنند و امام دیگر مقرر کنند جماعت دوم مکروه است آنرا هرگز نکند و انتظار امام را بکشید فقط.

اول از صحرا گشت فارغ شود باز نماز بخواند: سوال: (۵۸۰) زید که صبح خیمت اگر بخاطر صحرا گشت کلان به بیت الخلاء میرود نمازش قضاء میشود آیا نخست از بیت الخلاء فارغ شود و یا نماز بخواند؟

جواب: نخست قضاء حاجت نماید باز نماز را قضائی بخواند^(۳) فقط.

(۱) ولولائه تدب طلبها فی مسجد أخر إلا المسجد الحرام ونحوه (درمختار) فلا یجب الطلب فی المساجد بلا خلاف بین اصحابنا بل ان ای مسجدًا للجماعة لحسن وان صلی فی مسجد حیه مفتردا لحسن الخ ورد المختار. باب الامامة جلد اول ص ۵۱۸، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵. ط.

(۲) و یجلس بینهما یقترن ما یحضر الملازمون مرابعا الوقت التدب الالی المغرب فیسکت قلتما قدر ثلاث آیات فصار ویکره الوصل (الدر المختار علی هامش رد المختار. باب الاذان ص ۳۹۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹) نظیر

(۳) فلا یجب (الجماعة) علی مریض الخ او مداعفا احد الاثنین (الدر المختار علی هامش رد المختار. باب الامامة ص ۵۱۹ و ۵۲۰ ج ۱ =

بہ سبب نہ داشتن استعداد مقرر نمودن امام بند کردن جماعت در مسجدها چطور

ہست: سوال: (۵۸۱) اگر در یک شهر بسیار مساجد باشد و نماز گذار کم باشد در هر مسجد طاقت مقرر کردن امام را ندارند اگر با شرکت مردم محلہ متصل در یک مسجد مقرر نمایند و مساجد دیگر را ترک نمایند در یک مسجد بہ جماعت بہمراہ امام مذکور نماز بخوانند چہ حکم دارد؟

جواب: بہتر این است کہ حتی الوسع ہمہ مساجد را آباد بسازند و نماز گذاران کم کم در ہمہ مساجد نماز بخوانند در وقت مجبوری کہ چہ قسم امکان داشت همانطور کنند ^(۱) فقط.

ترک نمودن مسجد درست نیست: سوال: (۵۸۲) نماز خواندن در حمامیکہ از چہار طرف در آن دود می باشد روا است یا نہ؟ مثلاً ادا ساختن نماز چطور است؟ مسجد سابقہ صرف در فاصلہ پانزدہ قدم است در آن مسجد نماز نمیخواند بلکہ از مدت زمانی در آن نماز را معطل کردہ چہ حکم است؟

جواب: معطل کردن مسجد و ویران کردن آن روا نیست اگر چہ نماز در خانقہ بالای حمام روا است لکن ترک نمودن مسجد و درین خانقہ نماز خواندن خوب نیست آباد کردن مسجد محلہ بالای مردم لازم است بدیت این کار کہ مسجد را ترک نماید و خواندن نماز در نزدیک حمامیکہ جای یکجا شدن دود است و بدون ضرورت لازم ساختن این کار بالای کسی مخفی و پُت نیست. ^(۲)

بخطرات نگهداری خانہ ترک نمودن جماعت: سوال: (۵۸۳) آیا ترک کردن نماز جماعت

بدلیل نگهداری خانہ گناہ دارد؟

جواب: ترک نمودن جماعت و تارک شدن جماعت علی الدوام از کبیرہ ہاست و فسق و معصیت

ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵ و ۵۵۶: گرہ الخ وصلاتہ مع مدالۃ الاحیین اواحدهما او الروح للہی (درمختار) الاحیین ای البول والفاظ لان فی العزائین سزاہ کان بعد فروعہ او قبلہ لان شملہ لفظہا ان لم یحذف ثوب الوقت وان اتمھا الم الخ (رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ وما یکرہ لہا ص ۶۰۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۴۱) ظہیر

(۱) و مسجد حہ الفضل من الجامع (درمختار) ای الذی جماعۃ اکثر من مسجد الحی الخ بل فی الخانۃ لولم یکن لمسجد منزله مؤذن لانه ینسب الہ ویؤذن فیہ ویصلی ولوکان وحده لان لہ حقا علیہ فیؤذیہ (رد المحتار) باب ما یفسد الصلوۃ مطلب احکام المسجد ص ۶۱۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵) ظہیر

(۲) ثم الاقرب الخ و مسجد حہ الفضل من الجامع (درمختار) بل فی الخانۃ لولم یکن لمسجد منزله مؤذن لانه ینسب الہ ویؤذن فیہ ویصلی ولوکان وحده لان لہ حقا علیہ فیؤذیہ (رد المحتار) باب ما یفسد الصلوۃ مطلب احکام المسجد ص ۶۱۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۵) ظہیر

است اهتمام جماعت ضروریست. ^(۱)

مراعات کردن مرد شریع در جماعت: سوال: (۵۸۴) امام مسجد مراعات کسی را کرده میتواند یا خیر؟

جواب: فقهاء نوشته اند که امام در بعضی جاها مراعات مرد شریع را نیز کرده میتواند هرگاه از وی اندیشه کدام فساد باشد. ^(۲) فقط

تأخیر در جماعت: سوال: (۵۸۵) در یک کوچه این منطقه ریزه (خورد) واری مسجد هست که در آن صرف پنج یا هفت نفر نماز خوان است درین مسجد پابندی جماعت اوقات پنجگانه هیچ نیست بصورت عموم در وقت اخیر نماز خوانده میشود که در آن بعض وقتها احتمال فوت شدن وقت میباشد، علی الاقل فضلیت جماعت حاصل نمیشود سلام نماز فجر در ماه دسمبر و جنوری، سه، چهار دقیقه پیش از هفت گشتانده میشود و آن قتی هست که بگمان پرسنده که آفتاب از کناره آسمان معلوم میشود، سرخی و روشنی روز بصورت خوب آشکار میشود در جنتری (تقویم) رحمت الله رعداکنپوری در چهارده (۱۴) جنوری سنه ۱۹۱۸ شش بجه و جهل و شش دقیقه آفتاب برآمد نوشته شده و نماز ظهر اکثرا دو بجه و یا سه چهار دقیقه بالا دو بجه خوانده میشود و کم از دو بجه بسیار کم خوانده میشود درین صورت پرسنده که میخواهد در وقت اول نماز بخواند اگر با جمع شدن نماز گزاران نماز خود را تنها بخواند چطور است؟

جواب: مطابق جنتری موجوده و معموله مدرسه ها یعنی ریلوی تایم که در آن به چهارده (۱۴) جنوری آفتاب برآمد رابه هفت بجه و بیست و یک (۲۱) دقیقه درج نموده بلکه از سه جنوری تا هژده (۳ - ۱۸) همین وقت برآمدن آفتاب هست و این جنتری (تقویم) تصدیق شده و تجربه آن از همان سالها است. و وقت اول نماز عصر از چهارده جنوری (۱۴) سیزده دقیقه بالای چهار بجه میباشد و پیش ازین موالی مذهب امام ابوحنیفه وقت آخر نماز پیشین میباشد. پس کدام ساعتیکه موالی ریلوی تایم هست در آن اگر در جنوری تا هفت بجه نماز فجر خوانده شود پس تا این وقت خواندن نماز صبح نیز خوب هست، همچنان تا دوبجه و یا پاو بالا دوبجه وقت نماز

(۱) و الجماعه سنة مژدة للرجال الخ و قبل واجبة و عليه العامة الخ قال فی البحر وهو الرجح عند اهل المنع الخ لمرته نظهر فی الاثم بنزکها مرة الخ (والدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۲) ظفر

(۲) رئیس المحلة لا یستظر عالم یکن شریرا و الوقت منسج (والدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الادان ص ۳۷۲ ح ۱۰ ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰) ظفر

ظہر نیز خوب هست. در حالیکہ ترک نمودن جماعت ہرگز صحیح نیست و واضح باد کہ بنزد احناف خوب اسفار یعنی روشنی کردن در نماز صبح بہتر است. ہکذا فی ردالمحتار^(۱) فقط.

در وقت دور دادن سلام گشتاندن تکبیر تحریمہ و در جماعت شریک شدن: سوال: (۵۸۶)

زید تکبیر تحریمہ گفت و امام سلام گشتاند وزید ہیچ ہمراہ امام در قعدہ شریک نہ شد حالا برای زید گفتن دوبارہ تکبیر لازم است و یا تکبیر تحریمہ قبلی کافیست؟

جواب: وقتی مکمل تکبیر تحریمہ یعنی اللہ اکبر را پیش از گشتاندن سلام امام گفته است وی در جماعت شریک شد وبلاوی وی گفتن دوبارہ تکبیر تحریمہ لازمی نیست: قال فی الحلیۃ عند قول المنیۃ: ولا دخول فی الصلاة الا بتکبیر الافتتاح، شامی.

امامت در غیاب امام متعین: سوال: (۵۸۷) در فتاویٰ رشیدیہ هست کہ اگر چند نفر در وقت

معین در عدم موجودیت امام با جماعت نماز خواندند، امام معین باز بدون کراہت جماعت کردہ میتواند وثواب جماعت بہ جماعت دوم میرسد نہ بہ اول الذکر ولی در درمختار کہ کدام جا شرائط لزوم کراہت امام اعظم و امام ابو یوسف را بیان کردہ در آن جا شرط تعین وقت و یا امام ہیچ نیست درین صورت چہ شود و شرعاً چہ حکم هست؟

جواب: صراحت آن در شامی هست کہ اگر جماعت قبلی را غیر اہل مسجد کردند درین صورت جماعت دوم مکروہ نیست بلکہ درین حالت جماعت دوم معتبر است و جماعت قبلی را ہیچ اعتباری نیست یعنی اینکه مردم مسجد حق جماعت کردن را دارند اگر چہ ثواب جماعت بہ جماعت کنندہ گان اولین نیز حاصل خواہد شد عبارت آن این هست: عبارۃ فی الخزان اجمع مما ہنا ونصہا ویکرہ تکرار الجماعة فی مسجد محلۃ باذان والامۃ الا اذا صلی بہما فیہ اولا غیر اہلہ^(۲) الخ واز عبارات دیگران نیز این مفہوم میشود: ویلیدہ ما فی الظہیریہ ولو دخل جماعة المسجد بعد ماصلی فیہ اہلہ یصلون وحدانا وهو ظاهر الروایۃ^(۳) شامی. درین عبارت بہ قید غیر اہلہ جماعت مردم غیر اہالی مسجد بیرون شد همچنان در باب الاذان هست: وحينئذ فلو دخل

(۱) یستحب الاسفار بالبحر لقوله فقہ: اسفروا بالبحر فانہ اعظم للاجر (ہدایہ کتاب الصلوۃ باب المواقیت ص ۷۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۶). حضرت مفتی صاحب حوالہ جتئی دیوبند را داد و سوال از کاتھوری هست باین سبب مناسب است کہ در دایہوری بہ شش ونہم

بجہ جماعت ختم شود. ظفر

(۲) ردالمحتار باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۱۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳. ظفر

(۳) ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۱۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳. ظفر

جماعة المسجد بعد ما صلى اهلہ فیہ فانہم یصلون وحدانا الخ، معلوم شد چیزی کہ در فتاویٰ رشیدیہ هست درست است.

بسیب خوف فساد ترک کردن جماعت مسجد درست است یا نه: سوال: (۵۸۸) یک

مؤسس مسجد امام مسجد رالت کرد و دشنامش داد بدین سبب بیست نفر مسلمان در خانه نماز جمعه و جماعت را ادا میکنند آیا این روا است یا نه البته بخاطر ترس از فتنه و فساد؟
جواب: درین حال در خانه جمعه و جماعت کردن درست است.

جماعت کردن زنہا در تراویح مکروه است: سوال: (۵۸۹) یک زن حافظ قرآن است اگر

این زن میخواهد کلام ربانی را در تراویح بخواند آیا جماعت زنان شده میتواند یا نه؟
جواب: جماعت زنان مکروه تحریمی است کردنش مناسب نیست. ^(۱)

ثواب نماز تنہائی در خانه زیاد است یا در مسجد: سوال: (۵۹۰) زید در مسجد نماز تنہا

میخواند و بکر در خانه نماز میخواند در ثواب هر دو کدام فرق است؟

جواب: کدام شخصی کہ در مسجد نماز جماعت را ترک مینماید وعادتش نماز خواندن در خانه است وبه ترک کردن جماعت اصرار میکند فاسق است در احادیث آمده کہ نبی ﷺ فرموده اند: اگر فکر طفلها و زنان نہ میبود من خانه های آنانی را کہ به خاطر جماعت بہ مسجد نمی آیند می سوختاندم پس کسی کہ بہ مسجد میآید و تنہا نماز میخواند و مراعات جماعت را نہ میکند وبہ عادت خود جماعت را ترک مینماید و یا در خانه عادت تنہا خواندن را داشته باشد و جماعت را ترک مینماید ہر دو فاسقان اند و ہر دو مرتکب کار حرام اند، درباره این ہر دو کہ فلانی زیاد ثواب دارد و فلانی ندارد گفته نمیشود ہر دو گنہکار است بالای ہر دو لازم است کہ پابندی جماعت را بکنند و نہ در خانہ تنہا نماز بخواند و نہ در مسجد اگر بسبب مجبوری اتفاقاً جماعت فوت شود سخن جدا است. ^(۲)

فضیلت نماز خواندن در جنگل برای یک نفر است و یا برای جماعت؟ سوال: (۵۹۱) (۱)

(۱) و بکرہ تحریمہٗ جماعة النساء ولوفی التراویح فی غیر صلوة جنازة والدر المختار علی ہاشم ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۵۰ ظہر

(۲) قال محمد بنی الاصل اعلم ان الجماعة سنة مؤكدة لا يرخص الترك فيها الا بعلو مرض او غيره الخ ففي العاية قال عامة مشايخنا انها راحة الخ وفي الدائع يجب على الغلاء البالغين الاحرار القادرين على الجماعة من غير حرج انتهى، والادلة تدل على الوجوب الخ وكذا الأحكام تدل على الوجوب من ان تاركها من غير علو يجوز وتروى شهادته ويأثم الجيران بالسكوت عنه. (غنية المستملی فصل فی الامامة ص ۴۷۴ ط

کدام فضیلتی که درباره نماز خواندن در جنگل آمده آیا برای تنها خوان است و یا همراه جماعت؟
و این روشن است که جماعت خواندن در جنگل بسیار مشکل هست؟

جماعت دوم مکروه تحریمی است و یا تنزیہی: سوال: (۵۹۲) (۲) در جماعت دوم کراهت تحریمی است یا تنزیہی و مرتکب مکروه تحریمی کنندۀ کبیره است یا صغیره؟

در مکان سکونت جماعت دوم مکروه است یا نه؟ سوال: (۵۹۳) (۳) خواندن جماعت دوم و یا سوم در خانه سکونت مکروه است یا نه؟

إمام در محراب چگونه استاد شود: سوال: (۵۹۴) (۴) در محراب مسجد برای امام چگونه استاده شدن مناسب است، اگر بالکل در داخل استاد شود مکروه تحریمی است یا تنزیہی با کشیدن کدام اندازه قدم استاد شود؟ به همراه حوالۀ کتابها تحریر نمایند.

جواب: (۱) نماز خواندن در جنگل فضیلت دارد و مقصد آن این نیست که از مساجد زیاد هست، از حدیث شریف خیر البقاع یعنی بهتر در جاها بودن ثابت است^(۱) بلکه مقصد این است که هرگاه کدام شخص در جنگل باشد و وقت نماز بیاید پس در آنجا نماز بخواند و اگر بسیار مردم بود جماعت نمایند و اگر تنها باشد تنها بخواند به مراحل فضیلت حاصل است. در شامی است: و روی فی الخیر ان من صلی علی هیئة الجماعة ای بأذان واقامة ولو کان منفرداً صلت بصلاة صفوف الملائكة الخ.^(۲)

جواب: (۲) قال فی الشامی قوله: ویکره تکرار الجماعة الخ ای تحریمًا لقول الکافی لا یجوز والمجمع لا یباح وشرح الجامع الصغیر انه بدعة الخ. شامی^(۳) ازین عبارت اشکار شد که در جماعت دوم کراهت تحریمه است.

جواب: (۳) مکروه نیست.^(۴)

(۱) رئیس المجلة لا یستظر عالم یکن فیراً والوقت منسج والدور المنعار علی هامش رد المحتار. باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰ ظہیر

(۲) رد المحتار لمصل فی القراءة، قوله ولو منفرداً لانه ان افن والام صلی خلفه من جنود الله ما لا یری طرفاه رواه عبد الرزاق. (رد المحتار باب الاذان ج ۱ ص ۳۹۹، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۴) ظہیر

(۳) رد المحتار مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد، باب الامامة ص ۵۱۶ ج ۱. ظہیر

(۴) ویکره تکرار الجماعة بأذان واقامة فی مسجد محلة، لا فی مسجد طریق اومسجد لا امام له ولا مؤذن (رد المحتار) ولما انه علیه الصلوة ووالسلام کان خرج لیصلح بین قوم لعاد فی المسجد وقد صلی اهل المسجد فرجع الی منزله فجمع اهلہ وصلى الخ (رد المحتار باب الامامة مطلب فی تکرار الجماعة فی المسجد ط.س. ج ۱ ص ۵۵۳) طہیر

جواب: (۴) در درمختار هست: و قیام الامام فی المحراب لا سجوده فيه وقدماء خارجا لان العبرة للقدم^(۱) الخ ازین معلوم شد که اگر پاهایش از محراب بیرون بود کراهیت باقی نه می ماند و در شامی گفته است: و فی حاشیة البحر للرملة الذی یظهر من کلامهم انها کراهیة تنزیهية، فتامل ص نمبر: ۴۳۴، جلد اول.^(۲)

در میان یک جماعت تلاش جماعت دیگر: سوال: (۱) مردی بنام زید با وجود آنکه جماعت به پایان نه رسیده بود تکبیر گفت و جماعت دوم را کرد و این جماعت را صرف باین سبب کرد که امام جماعت اولی غیر مقلد بود یعنی درین مسجد اهل حدیث امام هست وقتی نماز پایان یافت امام غیر مقلد به مقتدیهای جماعت دوم گفت شما نماز را اعاده کنید زیرا که نماز شما باین دلیل نشد که در حدیث شریف آمده: اذا أقيمت الصلاة فلا صلاة الا التي أقيمت، حالا سؤال اینست که در صورت ذکر شده بالا در روشنی این حدیث بطلان این نماز ثابت میشود و یا نه؟ نمازیکه قبل از ختم شدن جماعت اول شروع شده اگر ثابت میشود اعاده اش باجماع است و یا بدون جماعت و اگر ثابت نه میشود پس دلیل عدم جواز دو جماعت یک فرض در یک مسجد و یک وقت چیست.

در دوران جماعت نماز جماعت کنندگان دیگر میشود یا نه: سوال: (۲) در صورت فوق قطع نظر به حدیث از نظر مذهب حنفی آن نماز شد یانه؟ نمازیکه قبل از پایان جماعت اول شروع شده اگر شده به همراه کراهت تحریمی و یا تنزیهی؟

ترک نمودن اقتداء: سوال: (۳) پرسش این است (الف) با وجود قسم خوردن شرعی به سبب رنجیدن شخصی ترک کردن زید اقتدا را (ب) تلاش جدائی جماعت در جماعت اول اشتراک نکردن و قبل از ختم آن شروع جماعت دیگر در نظر مذهب حنفی جائز است یانه؟
با دومرد جماعت میشود یانه: سوال: (۴) در مذهب حنفی بدون از جمعه در نمازهای باقی با دو نفر جماعت میشود یانه؟

جواب: از (۵۹۵ - ۵۹۸) الفاظ حدیث شریف که در مسلم شریف روایت شده این است: اذا أقيمت الصلاة فلا صلاة الا المكتوبة^(۳) ازین حدیث ممانعت این سخن ثابت است که هرگاه

(۲) قال رسول الله ﷺ اذا أقيمت لصلاة فلا صلاة الا المكتوبة، رواه مسلم (مشكوة، باب الجماعة ص ۹۶) طبر

(۳) قال رسول الله ﷺ اذا أقيمت لصلاة فلا صلاة الا المكتوبة، رواه مسلم (مشكوة، باب الجماعة ص ۹۶) طبر

تکبیر نماز گفته شود و نماز جماعت را شروع شود درین جماعت شرکت کردن مناسب است سنت و نفل و غیره خواندن مناسب نیست ولی بسبب احادیث دیگر امام ابو حنیفه رحمۃ اللہ علیہ صبح را مستثنی کرده اند درین وقت ضرورت به نوشتن آن نیست، بهر حال ازین حدیث بطلان نماز دوم آشکار نمیشود حاصل این حدیث تنها این هست که وقتی جماعت استاد شود نماز دیگر نخوانید نه اینکه نماز دیگر باطل خواهد بود این معنای حدیث نیست این غلطی این غیر مقلد هست که حکم بطلان نماز دیگر را کرده بلکه مناسب به وی این بود که بگوید: در دوران یک جماعت کردن جماعت دوم مناسب نه بود، این کار بد شد درآینده چنین مکن غرض اینکه اعاده نماز ضروری نبود مناسب نیست غیر مقلد را امام ساخت، زیرا مردمان غیر مقلد در احادیث همینطور خطا میکنند و به نادانی به مردم مسائل غلط را نشان میدهند و در عقائد آنها تضاد میاشد بدین سبب غیر مقلد را امام گرفتن مناسب نیست و ازین بسیار احتیاط کردن ضرور است تعجب آور است که غیر مقلدین تقلید را شرک میگویند و حنیفها را مشرک میگویند و این حنفیان همین مردم را امامان نمازهای خود بگردانند چون درصورت سوال شده درباره امام غیر مقلد هست لہذا جواب مضامین باقی دو (۲) سوالات ترک کرده شد که هرگاه امامت غیر مقلد درست نیست و دور کردن او ضرور هست پس در رابطه به آن ترک اقتداء زید هیچ بحث نشد.

(۴) میشود. ^(۱) فقط واللہ اعلم

وقتی که بعد از اسلام اول در جماعت شریک شد چه حکم دارد: سوال: (۵۹۹) اگر

یک شخص قبل از پایان یافتن سلام دوم و بعد از سلام اول در جماعت شریک شد برای وی ثواب جماعت حاصل خواهد شد یا نه؟

جواب: این شخص در جماعت شریک نه شد و ثواب جماعت به وی حاصل نشد در درمختار

هست: تنقضي قدوة بالاول ^(۲). الخ فقط

نماز در مسجد جوړشده به حرام مال: سوال: (۶۰۰) یک زن رقاصه بعد از نکاح به همسرش

(۱) واللہ ای الجماعة الثانی واحد مع الإمام ولرمیزا الخ فی مسجدنا وغیره (درمختار) لحدیث الثانی لما لوفهما جماعة (رد المحتار باب الامانة ص ۵۱۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۳۳) ظہیر

(۲) او تقطع به التحريم بتسليمه واحد، برهان وقدمر (درمختار) حیث قال وتنفی قدوة بالاول قبل علیکم الخ للافصح الاقتداء به. بهدھا لاقتضاء حکم الصلاة (رد المحتار مطلب فی وقت ادواک لعدیلة الاقتاح، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۵) ظہیر

مبلغ داد وی بآن مبلغ مسجد ساخت آیا درین مسجد نماز جائز هست و یا تنها درخانه نماز بخواند؟

جواب: درین مسجد نماز میشود و از نماز خواندن تنهایی درخانه باجماعت درین مسجد نماز خواندن باجماعت بهتر است.

الفصل الثانی

استحقاق امامت

در موجودیت امام کسی دیگری را امام ساختن: سوال: (۶۰۱) امام بیرون درصحن است و مردم در داخل مسجد کسی دیگری را بدون اجازه امام به امامت بکنند چطور هست؟

جواب: در موجودیت امام بدون ضرورت وبدون سبب شرعی امام ساختن دیگری خوب نیست کدام شخصی را که مردم امام ساخت در عقب آن نیز نماز درست است بمثلیکه در درمختار هست: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقاً وقال قبيله والخيار الى القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرهم ولو قدموا غیر الاولی اساءوا بلا اثم الخ. ^(۱) فقط

یک شخصی از جنابت تیمم کرد و دیگری از بی وضوئی درینها امامت کدام بهتر است: سوال: (۶۰۲) در شخص که درعلم وتقوی برابر بودند یکی از جنابت و دیگر از بی وضوئی امامت کدام یکی بهتر است؟

جواب: هر دویش یکسان معلوم میشوند. ^(۲) والله اعلم

وقتی درحال بی وضوئی و جنابت جماعت داده شود چه کند: سوال: (۶۰۳) اگر یک امام درحال بی وضوئی و یا جنابت نماز داد علاج این نمازها چطور خواهد شد و قتیکه یادش نبود که کدام کدام نماز خوان بود و بآنها چه گونه اطلاع بدهد؟

جواب: در درمختار هست که اگر امام درحال جنابت و یا درحال بی وضوئی نماز داد بالایش لازم هست که به مقتدیها اطلاع بدهد ^(۳) پس برای امام مذکور مناسب است که حتی الیسع

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفر

(۲) لهذا بواسطة قرعه (پتک) فیصله شود یا اکثریت قریه که کدام طرف بود: فان استورا ففرع بین المستورین او الخیار الى القوم فان اختلفوا

اعبر اکثرهم (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۸، ظفر

(۳) كما يلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث ارجب اولاده شرط اوزن وهل عليهم اعادتها، ان عدل نعم والا ندمت. (الدرالمختار

علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۵۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱، ظفر

کدام مقتدیها نی که برایش یاد است مطلع نه دادن به آنها باکی نیست، اگر باز برایش کدام وقت یاد شد انرا نیز اطلاع بدهد وامام مذکور نیز آن نماز را اعاده نماید وتوبه نماید وازین گناه استغفار بخراهد. فقط

بدون سبب شرعی نه خواندن نماز در عقب امام: سوال: (۶۰۴) این جا دو مخالف هست یک نفر بالای دیگر به ناحق تجاوز میکند فریق دوم طرفدار مظلوم شدند ومقدمه نظامی دائر کردند نزد مظلوم اندیشه پیدا شد اگر به ظالم جزا داده شود برای همیشه من را اذیت خواهد کرد این مظلوم به امام مسجد گفت: اگر در آینده من را اذیت نمیدهد من وی را معافی میدهم امام مسجد از آن ظالم اقرار گرفت برای آینده وقتی برای گروپ دوم آشکار شد که امام مسجد مخالف ما را از مقدمه خلاص کرد نماز خواندن را در عقب ملا ترک کردند آیا اینها مرتکب گناه شدند یا نه؟

جواب: در کتابهای فقه نوشته اند که: اگر امام قصور نداشت ومردم از اقتداء وی بد میرند گناه بالای تارکین است واگر قصور در امام باشد پس برای امام مکروه است که امامت چنان مردمی را بکنند که آنها به امامت وی ناخوش باشند اما در صورت پرسیده شده خطاء امام نیست لذا همان گنہکار اند که از اقتداء به وی اجتناب میکنند، در آینده بر ایشان ضرور است در عقب همین امام نماز بخوانند. ^(۱) فقط

اگر امام قرائت بهتر کرده نمیتواند انتظار قاری مناسب هست: سوال: (۶۰۵) اگر جماعت تیار بود وامام مقرر از قرائت معلومات نداشت یک قاری وضوء میکرد انتظار وی کرده شود یا نه؟

جواب: درین صورت انتظار قاری مناسب وبهتر است. ^(۲)

اگر اکثریت به کدام سبب امام را عزل کنند: سوال: (۶۰۶) در مسجد جامع یک امام از هشت سال باینسو مقرر هست درین دوران یک جوان بی ریش بد معاشی کرد وبه ممبران شکایت کرد سرپرست مسجد وپانزده نفر ممبرها مشوره کردند که امام را دور کنند ودو ممبر

(۱) لو ام لوماً وهم له کارهون انکان الکراهه لفساد فيه الخ کره له ذلک الخ وان هو احق لا والکراهه عليهم (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط. ط. ج ۱ ص ۵۵۹) ظفر

(۲) فتنس اونجب الخ علی الرجال العقلاء البالغين الاحرار القادرين علی الصلاة بالجماعة من غير حرج (درمختار) لمالخرج برنفع الانم وبرخص لی ترکها ولكن بغيره الاصل (رد المحتار باب الامامة ص ۵۱۸ ج ۱، ط. ط. ج ۱ ص ۵۵۴) ظفر

ونماز خوان طرفدار امام اند ووی را دور نه میکنند شرعاً درین حال چه حکم داده میشود؟
جواب: فقهاء نوشته اند که: دور کردن و یا گرفتن امام باختیار مؤسس مسجد و اولاده وی است
 اگر اکثر افراد قوم به امامت یک شخص راضی شدند و امام مقرر کرده قوم اصلح باشد پس آن
 اصلح امام شده میتواند: قال فی الدر المختار البانی للمسجد اولى من القوم بنسب الامام والمؤذن
 فی المختار الا اذا عین القوم اصلح ممن عینه البانی الخ قوله البانی اولى وكذا اولاده وعشيرته
 اولى من غیره الخ^(۱) شامی. درین صورت سوال شده هرگاه اکثریت قوم امام سابق را به سبب
 فسق و شرارت دور کردند و امام دیگری تعیین کردند معتبر است و معزول میشود و سرپرست اگر
 از جانب وقف کننده باشد و به موجب شرط او باشد پس این سرپرست و یامتولی نیز قائم مقام شده
 میتواند.^(۲) فقط

دعوی امامت امام وانکار مقتدیان: سوال: (۶۰۷) اگر یک سجاده نشین خانقاه بخاطر
 سجاده نشینی خود دعوی امامت را کرد و زواران دیگر که صاحب برادری وی و مقتدیان هستند
 امامت او را قبول نه کنند آیا دعوی امامت درست است یا نه؟

جواب: در کتب فقه هست: زیاد حقدار مقرر کردن امام و غیره مؤسس و وقف کننده مسجد
 میباشد، و اگر او نبود اولاد و دوستان او بسیار حقدار اند، بعد ازان کسی را که مردم محله و مسجد
 مقرر کنند همان کس امام میشود، اگر سجاده نشین خانقاه از اولاد وقف کننده هست و بیشک
 وی حقدار است که امام و غیره و مقرر کند لکن دوستان و اقرباء دیگر وقف کننده نیز چنین حق
 دارند درین باره سجاده نشین کدام ترجیح و خصوصیت ندارد.^(۳) فقط

وقتی در امامت اختلاف بود ترجیح به کی بدهند: سوال: (۶۰۸) در مسجد قریه دونفر
 میگویند که شخص پشنهادی ما امام خواهد بود و افراد زیاد جماعت میگویند که کدام شخصی را
 که ما در نظر داریم امام خواهد بود؟

(۱) اگر در فرایات امام کدام غلطی نبود که مفسد الصلاة و غیره بود حکما امام مقرر از شخص دیگر الفضل است: و اعلم ان صاحب البیت
 و مقله امام المسجد الراتب اولى بالامامة من غیره مطلقا (در مختار) ای وان كان غیره من الحاضرين من اعلم واقرا منه (رد المحتار باب
 الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) البته اگر امام بخوشحالی به این لازمی اجازه امامت بدهد برایش اجازت هست و انتظار بهمیر
 است. والله اعلم. ظفر

(۲) رد المحتار، کتاب الوقف بعد مطلب من سعی فی نقض ماتم ص ۵۷۳ ج ۳، ط.س. ج ۴ ص ۴۳۰. ظفر

(۳) ولاية الاذان والامامة لبانی المسجد مطلقا وكذا الامامة لوعدها (در مختار) وفي الاشياء ولد البانی وعشيرته اولى من غیره وفي الوقف ان
 القوم اذا عبروا مؤذنا واماما وكان اصلح مما نصبه البانی فهو اولى (رد المحتار. باب الاذان فروع ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰). ط

جواب: افراد زیاد جماعت کہ کدام شخص را مقرر نمایند همان شخص امام خواهد بود: لأن الاعتبار للأكثر. ^(۱) فقط

امامت غیر معزز: سوال: (۶۰۹) حق امامت بدون از قوم معزز برای قوم دیگر هست یا نه؟ چند نفر میگویند تنها مردان قومهای آئی امامت کرده میتوانند، قوم پیران، سیدها، مُعل، پشتون، و در پشت قوم رذیل نماز روا شده نمیتواند و برای آنها حق امامت حاصل شده نمیتواند؟ اینسخن شرعاً درست است یا نه؟

جواب: استحقاق امامت به هرآن مسلمان هست که اهلیت امام شدن را دارد، سپس به هر اندازه که لوازمات امامت مثل مسائل علم، تجوید، قرائت صلاح و تقوی، در آن زیاد باشد بهمان اندازه وی بهتر والیق بالامامت تصور میشود ^(۲) به مثلیکه در درمختار و غیره است: والاحق بالامامة الاعلم باحكام الصلاة ثم للأحسن تلاوة للقرءاءة، ثم الأورع، الى أن قال ثم الأشرف نسباً ^(۳) الخ از این عبارت روشن شد که ان شخص امام شده میتواند که اهلیت آنرا داشته باشد و از غیر احق بالامامة واولی است ودرین حکم همه اقوام وکسبه کاران یکسان اند، البته اگر همراه شرافت علمی و غیره شرافت نسبی نیز باشد بسیار خوب وافضل است مثلاً امام قریشی، سید، پیر علوی أنصاری باشد از دیگران بهتر است چنانچه مقصد جمله اخیر ثم الاشراف نسباً هست، معلوم شد که گفتار کسانی که میگویند: بدون شیخ، وسید و غیره پشت دیگران نماز نمی شود غلط است. هر قوم که باشد، خواه سید یا پشتون یا پیر و غیره یا جولا ونداف و حجام (دلاک) و غیره باشد که لائق امامت باشد در عقب آن نماز صحیح است، ودرین ها کسیکه زیاد عالم، زیاد قاری، زیاد پرهیزگار باشد وی زیاد حقدار امامت هست، همچنان کسیکه به همراه موجودیت صفت علم، تجوید و تقوی اشرف است باعتبار نصب بهتر است از دیگران ^(۴) بنزد خداوند بسیار معزز کسی

(۱) أو الخيار إلى القوم فإن اختلفوا اعتبر أكثرهم أيضاً. باب الإمامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۸ ظفر

(۲) والاحق بالامامة تقديماً بل نسباً الاعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساد بشرط اجتناب الفواحش الطاهرة وحفظه لمر فرض وليل واحب وليل سنة (درمختار) وعارة الكافي وغيره الاعلم بالنسبة الاولى الا ان يطلع عليه في دينه لان الناس لا يرغبون في الاقتداء به. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷ ظفر

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج ۱. ظفر

(۴) والاحق بالامامة تقديماً بل نسباً الاعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساد بشرط اجتناب الفواحش الطاهرة وحفظه قدر فرض الخ ثم الاحسن تلاوة وتجويد الخ ثم الاسن ثم الاحسن حلماً الخ ثم الاحسن وجهاً اي أكثرهم تهجداً الخ ثم الاشراف نسباً (ردالمحتار على هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰، ۵۲۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷ ظفر

است کہ بسیار پرهیزگار باشد کما قال اللہ تعالیٰ: اِنْ اٰکَرَمْتُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اتَّقَاکُمْ،^(۱) لکن بہمراہ سعادت تقوی اگر شرافت نسبی نیز باشد پس نُورٌ عَلٰی نُورٍ است لکن سبک شمردن کدام مسلمان و کدام کارگر درست نیست. اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اٰخُوۡةٌ رَّا درین موقع باید یاد داشت. فقط

امامت عیدگاہ: سوال: (۶۱۰) یک شخص عیدگاہ ساخت و خودش امام آن شد، چند سال بعد وی یک شخص دیگر را امام کرد و پشت آن نماز ادا کرد حالا امام نخست وفات کرد و او یک پسر دارد، درین حالت حق امامت را چه کسی دارد؟

جواب: حق امامت درین صورت برای بانی عیدگاہ است.

امام کم علم باوجود عالم بزرگی امامت میکند: سوال: (۶۱۱) آیا با موجودیت عالم بزرگ دریکجا امام مقرر بدون اجازه وی امامت کردہ میتواند یانہ؟ اگر نمیتواند آیا بدون اجازه نکاح خوانی چطور کردہ میتواند؟

جواب: از روایات احادیث و فقہ ثابت میشود کہ کدام شخص امام قریہ و مسجد باشد در موجودیت او و خلاف رضای وی کسی دیگر امام نمیشود، و برای نکاح خوانی شارع علیہ السلام قاضی نکاح خوان را معین و مقرر نہ نمودہ بلکہ این کار بہ اولیاء سپردہ شدہ است، کہ تفصیل آن در کتابهای فقہ موجود ہست، قیاس کردن نکاح خوانی بہ امامت درست نیست فقط.

بہتر درمیان صاحب علم کم و علم زیاد کدام ہست: سوال: (۶۱۲) یک شخص از مسائل خوب معلومات دارد و شخص دیگر کم علم است درین ہردو مستحق امامت کیست، نماز را در پشت کم علم بخوانند و یا بسیار علم درست کدام است؟

جواب: زیاد حقدار امامت آن شخص است کہ بہ مسائل نماز بسیار زیاد میفہمد لکن اگر در پشت صاحب علم زیاد نماز بخواند میشود.^(۲)

درمیان دوشخصی ذیل مستحق امامت کیست: سوال: (۶۱۳) حق کامل امامت و غیرہ برای زید از طرف پدرش حاصل شد و در زید ہرگز سخن خلاف شریعت نیست، بلکہ نہایت متقی

(۱) سورۃ الحجرات : ۲. ظہیر

(۲) الأولى بالإمامة أعلمهم بأحكام الصلاة ، هكذا في المعصومات وهو الظاهر . هكذا في البحر الرائق هذا إذا علم من القراءة قدر ما تقوم به سنة القراءة هكذا في التبيين ولم يطمع في دونه الخ ويجتنب الفواشش الظاهرة وإن كان غيره أروع منه وإن كان متبحراً في علم الصلاة لکن لم يكن له حظ في غيره من العلوم فهو أولى الخ دخل المسجد من هو أولى بالإمامة من إمام المحلة لإمام المحلة أولى كذا في التلبيہ (عالمگیری مصری، کتاب الصلوة الباب الخامس فی الإمامة الفصل الثانی من ۷۰ ج ۱، ط. ماجدیہ ج ۱ ص ۸۳) ظہیر

وعالم قرآن وسنت است و قوم نیز به امامت زید خوش هست اگر حق چنین شخص با جبر سلب شود و خالد در موجودیت زید نمازهای پنجگانه و جمعه را بدهد شرعا برای خالد امامت کردن و نماز خواندن مردم در پشت او جواز دارد یا نه؟

جواب: در درمختار هست: واعلم ان صاحب البيت ومظه امام المسجد الراتب أولى بالامامة من غيره مطلقا ای وان كان غيره من الحاضرين من هو اعلم واقرأ منه ^(۱) الخ. معلوم شد که درین صورت اولی بالامامت زید هست، و در حالیکه زید سابق و مقرر شده قوم است امام جور شدن خالد ناجائز و مکروه است. لحدیث ابی داود: ولا يقبل الله صلاة من تقدم قوما وهم له كارهون، درمختار. ^(۲)

آیا بعد از امام همه پسرانش مستحق امامت هستند و یا کسی که مرد او را مقرر کنند:

سوال: (۶۱۴) امام یک مسجد وفات کرد او پنج پسر دارد در آنها یکی بالغ بود بقیه همه نابالغ بودند، مردم قریه با اتفاق برادر کلان را امام کردند و اواز پانزده و شانزده سال به این طرف امامت میکنند حالا که برادران دیگر نیز بالغ و قابل امامت شدند و بالای برادر کلان دعوه میکنند که ما در امامت شریک هستیم اگر به مردم قریه برادران خورد بدون رضای برادر کلان نماز بدهد در عقب آنها نماز جائز است یا نه؟

جواب: فقهاء تصریح فرموده اند که حق مقرر کردن امام از بانی و یا مردم قریه است مردم قریه که کسی را امام کردند وی امام شد، برای برادران خورد پس از بلوغ حق دعوه امامت به این دلیل که امامت از پدر ما بود نیست. البته اگر مردم قریه آنها را نیز لائق امامت ببینند و در امامت شریک شان کنند درست است، رضای برادر کلان ضروری نیست و نماز عقب همه آنانیکه مردم قریه مقرر کرده اند بدون کراهیت درست است ^(۳).

رخصتی کردن امام: سوال: (۶۱۵) اگر امام به همراه گرفتن تنخواه گاه گاه از مسجد غیر حاضر شود چه حکم دارد؟

جواب: در جلد سوم شامی کتاب الوقف است: امام بترک الامامة لزيارة أقرانه فی الرساتیق أسبوعا

(۱) رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۲، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفر

(۲) الدوامتار علی هامش رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفر

(۳) ولی الاشیاء ولد البانی اولی من هم یرحمهم آهد وسیجی فی الوقف القوم اذا عینوا مؤذنا او اماما و کان اصلح مما یصبه البانی فیر اولی. (رد

المختار. باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰. ظفر

أو نحوه أو لمصبية أو لاستراحة لأبأس به ومثله عفو في العادة والشرع^(۱)، حاصل ان این هست که غیر حاضری امام برای ضروریات خود ویا راحت یک هفته یا قریب به آن یعنی کم از پانزده روز عادة و عرفاً و شرعاً جائز است. باز پیش رفته تصریح کرده که اگر در همه سال هفته دو هفته غیر حاضر باشد معاف است، پس حکم صورت مسئله را نیز ازین معلوم کردن لازم است، که گاه گاه غیر حاضری امام معاف خواهد بود.

امامت ارثی نیست: سوال: (۶۱۶) زید امام یک مسجد هست و مسجد پیوست به یک خانقاه بزرگ است مصارف این مسجد از قبیل تیل و چراغ را سرپرستان مسجد به یکجائی مینمایند زید سجاده نشین این خانقاه مقرر است تاحال همه متولیان مسجد او را امام ساخته بودند و در پشت اونماز میخواندند حالا چون دروی بهمه لحاظ برادری و شریعت خرابیهای زیاد پیدا شده، بدعتی نیز هست، و او همراه برادری خود بالکل ویران نموده که بسبب آن بسیار مقتدیان از وی گشته و ناخوش اند در پس او نه میخواهند که نماز بخوانند و در برادری خود کسی دیگری را که در علم از زید بلند است و بدعتی نیز نیست امام میسازند حالا این سجاده امامت را میراث خود میداند و او را نمیگذارد، و در ثبوت امامت خود قدامت سجاده بودن و حقوق را پیش میکند آیا حالا مقتدیهای سر پرست امام را تبدیل کرده میتواند یا نه؟ عذر امام سابق شنیده میشود یا نه؟

جواب: در امامت وراثت نیست بلکه حق مقرر کردن امام نخست به بانی مسجد و اولاده و اقرباء او است بعد ازان حق نماز گزاران و باشندگان قریه است که آنها امام مقرر کنند، بلکه اگر بانی مسجد یک شخص را امام ساخت و او صلاحیت امامت را نداشت و مردم شخص زیاد لائق از او را مقرر کردند همان شخص امام خواهد بود کدامی را که مردم تعیین نموده اند: قال فی الدرالمختار: البانی للمسجد اولی من القوم ینصب الامام والمؤذن فی المختار الا اذا عین القوم اصلح ممن عینه البانی.^(۲) خلاصه این است که هرگاه امام سابق بدعتی شد و نماز گزاران مسجد از وی ناراض بودند بسبب خرابی و دور کردن آن و مقرر کردن لائق تر و آگاه به مسائل نماز را تعیین کردن^(۳) لازم است و امام سابق این حق را ندارد که در مقابل امام تعیین شده از طرف قوم خود را

(۱) و در المختار. کتاب الوقف. مطلب فی غیبة التي يستحق بها العزل عن الوظيفة وما لا يستحق من ۵۶۴ ج ۳. ط. س. ج ۴ ص ۱۶۹. ظفر

(۲) الدرالمختار علی هامش و در المختار. کتاب الوقف ص ۵۷۳ ج ۳. ط. س. ج ۱ ص ۱۴۰. ظفر

(۳) و بکرة امامة الخ مبتدع (الدرالمختار علی هامش و در المختار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱. ط. س. ج ۱ ص ۵۵۸. ۵۵۹. ظفر

حقدار امامت بداند.

بدون اجازة امام مقرر حق امامت راندارد: سوال: (۶۱۷) در یک مسجد که شخص اهل مقرر باشد و در موجودیت او کدھام وقت شخص بهتر از او بیابد و چند نفر مسجد به او بدون اجازة امام مقرر اجازة امامت بدهند آیا این کار آنها جائز است یا نه؟ و این یک سخن مسلم است کہ در میان مردم کدھام شخص کہ صاحب فضیلت زیاد میباشد همان شخص مستحق امامت است آیا این استحقاق ذران مساجد نیز حاصل است کہ از پیش در آن امام مقرر باشد و در همین وقت موجود باشد؟ و این شخص یا فضیلت ضرورت اجازہ گرفتن از امام مقرر را دارد یا نه؟

جواب: در مسجد کہ کدھام امام مقرر باشد و در او اهلیت امامت باشد همین امام نسبت به امام دیگر زیاد مستحق امامت است اگر چه شخص دیگر افضل واعلم، زیات عالم، و اقراء، زیاد قاری باشد لکن اگر چند مقتدی آن شخص دیگر را امام ساختند باکی ندارد، دردمختار و شامی است: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقا، قال الشامی قوله مطلقا ای وان کان غیره من الحاضرين من اعلم واقراء منه وفي التاتارخانية جماعة الضیاف فی دار یرید ان یتقدم احدهم ینبی ان یتقدم المالک فان قدم واحدا منهم لعلمه وکبره فهو افضل^(۱) الخ، از اخیر عبارت معلوم میشود کہ اگر بسیار با فضیلت شخص را کسی مقتدی خود بسازد باکی نیست لکن بهتر این است کہ بدون اجازة امام مقرر شده امامت نشود. فقط واللہ اعلم

دوری امام غیر اصلح: سوال: (۶۱۸) عمرو میگوید کہ مهتمم مدرسه ویا سرپرست مسجد را اختیار گئی است کہ تنخوا خوران اوقاف را بدون دلیل و سبب عذر شرعی از منصب امامت و تدریس دور نماید اگر چه انتخاب کننده گان سرپرست به این کار ناروایی متولی اظهار ناخوشنودی میکنند و او را منع میکنند و عمرو در دلیل دعوة خود این عبارت شامی را پیش میکنند: ولم ار حکم عزله لمدرس وامام ولا لهما، اقول وقع التصريح بذالك في حق الامام والمؤذن ولا ريب ان المدرس كذلك بلا فرق ففي لسان الحکام عن الخانية اذا عرض للامام والمؤذن عذر منعه من المباشرة ستة اشهر للمتولى ان يعزله ويولى غيره وتقدم ما يدل على جواز عزله اذا مضى شهر، یرى، اقول هذا العزل لسبب المقتضى والكلام عند عدمه قلت وسيدكره الشارح عند المؤبدية التصريح بالجواز لو غيره اصلح الخ، زيد میگوید ازین عبارت نیز عذر شرعی ثابت است کہ شش

ماه یا یکماه بدون رخصت و یا بدون مقرر نمودن قائم مقام امام و مدرس بخاطر سستی و تساهل حاضر نیستند که بسبب آن نقصان شدید میرسد این کدام عذر کم است ثبوت خارج کننده بدون عذر شرعی در کجا است؟ و خود ضمیر عند عدمه راجع است به عزل (یعنی ای عند عدم العزل) و عبارت آخر خودش شاهد این سخن هست که متولی محض برای حود اختیار عزل کردن را ندارد درین حالت که حق به جانب هست؟

جواب: از عبارت مذکوره و همچنان از عبارتهای دیگر همین روشن میشود که بدون عذر شرعی متولی را اختیار عزل کردن مدرس و غیره نیست همان در شامی ازین عبارت که: و قلت و سید ذکر الشارح عند المؤیدیه التصریح بالجواز لو غیره. اصلح: ^(۱) این موضوع معلوم میشود که اگر از مدرس و امام موجود زیات لائق و اصلح پیدا شود معزول کردن اول مقرر نمودن دوم که اصلح است درست است

امام تنخوا دار در حکم اجیر است: سوال: (۶۱۹) زید میگوید که امام مسجد نه اخیر است نه مزدور زیرا که برای وی از مال وقف و بیت المال تنخوا حاصل میشود و عمرو میگوید: که امام مسجد اجیر و مزدور هست درین هردو گفتار کدام یکی صحیح است؟

جواب: کدام امامیکه تنخوا میگیرد در اجیر شدن او چیزی تأمل هست. فقهاء اجوره گرفتن به امامت و راجائز نوشته اند و حاصل شدن تنخواه از مال وقف مقتضی آن نیست که آن اجوره نباشد، و تنخواه دار اجیر نباشد. آیا اگر برای تعمیر وقف از مال وقف کارکنان تعمیر مقرر شوند آنها اجیر (گیرنده گان اجوره) نخواهد بود؟ قول عمرو در آن درست است فقط.

بدون اجازه امام امام شدن شخصی دیگر: سوال: (۶۲۰) باشنده گان قصبه یک شخص پابند روزه و نماز و صالح و عالم و برابر ای نمازهای پنجگانه و جمعه ها و عیدها و جنازه ها بصفه امام مقرر کردند امامیکه مسؤولیت خود را برابر بانجام میرساند ولی شخص غیره بدون اجازه امام خطبه گفتن عید را بالای منبر شروع کرد در علم بهمراه امام باندازه ذره مساوی نیست دیگر اینکه مرد دوم پابند روزه و نماز نیست بلکه مرتکب ممنوعات شرع است و همه این حرکات را بخاطر نفس پرستی میکند، حالا باترک نمودن امام صالح گفتن خطبه زید تا کدام جا روا میشود مردیکه پدرش از وی بالکل ناخوش شود باشد و دیدن چهره اش رانیز نه میخواهد و بخاطر انزجار از

وی سکونت جداگانه اختیار نموده آیا وی خطبه های عیدها و جمعه ها را گفته میتواند یانه؟

جواب: قال فی الدرالمختار: واعلم ان صاحب البیت ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقاً الخ ای وان کان وغیره من الحاضرين من هو اعلم واقراً منه ^(۱) الخ شامی. ازین روایت روشن شد که در موجودیت امام معین مسجد برای شخص دیگر اگر چه شخص دوم از امام معین افضل باشد بدون اجازه امام معین امامت کردن مناسب نیست پس هرگاه شخص دوم لائق امامت نیز نیست بلکه فاسق هست و امام معین عالم صالح است به هیچ صورت برای شخص دوم درست نیست که با اساس ضد نفیست امام شود و خطبه بگوید و این کار دلالت به جهالت او میکند و پس فاسق نماز خواندن مکروه تحریمی است: کما حقیقه فی الشامی و شرح المنیة وغیرهما، و شخصیکه پابند نماز و روزه نیز نباشد فاسق بودن او ظاهر است: همچنان عاق پدر فاسق است لیاقت امام شدن را ندارد و در عقب او نماز خواندن مکروه تحریمی است ^(۲) فقط.

وقتی کت بپوشید امامت او درست است یانه؟ سوال: (۶۲۱) اگر امام کوت بپوشد و امامت میکند درست است یانه؟

جواب: امامت او بدون کراهت درست است ^(۳) فقط.

امام تنخوانی روزها حاضری را گرفته میتواند یانه: سوال: (۶۲۲) آیا امام تنخواخور که معاش از جائداد وقف شده مسجد داده میشود به کدام عذر و یا بدون عذر کار امامت کمتر از نصف ماه به سر نه رسانده مستحق گرفتن همه ماه است شرعاً؟ هر وقت تنخوا غیاب بودنش را میگیرد و امام مسجد این دلیل را پیش میکند که: فی القنیة عن باب الامامة امام لوترک لزیارة اقرباله فی الرساتین اسبوعاً اونحوه اولمصیبة اولاستراحة لایباس به عفو فی العادة والشرع وهذا منی علی ان القول بان خروجه لاقول من خمسة عشر يوماً بلاعذر شرعی لایسقط معلومه علی هذا انابت ادون و مساوی بلا اجازه قیم مسجد، استدلال میکند و در استدلال عبارت قنیة را تقدیم میکند و میخواهد باین استدلال تنخوا غیاب خود را بگیرد آیا این داد و گرفت جائز است یانه؟

جواب: فی الشامی: وقد ذکر فی الاشباه فی قاعدة العادة محكمة عبارة القنیة هذه وحملها علی

(۱) ودرالمختار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۲ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفر

(۲) بل منی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه (ای الفاسق) کراهة تحریم (درالمختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱) ظفر

(۳) بحب علی المصلی ان يقدم الظهارة من الاحداث والانتعاش الخ وپسر عورته لقوله لعالی حذا زینکم عند کل مسجد الخ هدایة باب شروط الصلوة ص ۸۷ ج ۱، ودرالمختار ط.س. ج ۱ ص ۶۵۰ ظفر

ان^(۱) یسامح اسبوعاً فی کل شهر^(۲) الخ وقد ذکر روایات جواز الاستنابة ایضاً فلیطالع ثمة، حاصل جواب این است که المعروف کالمشهور به کدام اندازه غیر حاضری که مشهور باشد گرفتن تنخواه آن درست و انابت نیز درست است. فقط

افضل امام جور شود: سوال: (۶۲۳) (۱) زید حاجی است و بسیار پابند پنج وقت نماز هست و سه بجه دارد یکی انها ریش نمی تراشد بلکه ریش دراز دارد در لباس شرعی مانند زید هست، ودوی آن ریش ها را میراشند زید وهرسه پسرش در دوکانداری با دروغ سودا میفروشند آیا درین حالت زید وپسرانش امامت کرده میتواند یانه؟

امامت کوتاه کننده ریش: سوال: (۶۲۴) (۲) زید حافظ است پابند روزه و نماز هست لکن ریش را کمی کوتاه میکند به اندازه یک انگشت میمانش درین حالت درپس زید نماز درست است یانه؟ و اگر کدام مولوی او را دریک گروه بگوید که اوفاسق و یامرتد است چه حکم دارد؟ **جواب:** (۱) در میان زید و اولاده اش که هرکس پابند روزه و نماز باشد و ظاهراً کدام علامه فسق در آن نباشد امامت آن بدون کراهت درست است و اگر کدام کار فسق در آنها باشد امامت آنها مکروه است.^(۳)

جواب: (۲) از یک قبضه کم کوتاه کردن ریش یعنی آنقدر کوتاه کردن ریش که از منشت کم باقی بماند ممنوع است اطلاق فسق بالای چنین تراش کنند و کوتاه کننده صحیح است وی فاسق است و مرتد و کافر گفتن برایش حرام و ناجائز است^(۴) و در مرتد گفتن شدید گناه است برای گوینده و امامت فاسق مکروه است و پشت اون نماز به همراه کراهت ادا میشود و مولوی مرتد گوینده مرتکب سخت معصیت و گناه کبیره است وی باین گفتار فاسق شد توبه نماید^(۵) فقط.

با موجودیت قاضی نکاح امامت شخصی دیگر درست است یانه: سوال: (۶۲۵) با موجودیت قاضی امامت کردن شخص دیگر درست است یا نه؟

(۱) اشاره است بطرف ان عبارت که سائل در سوال بمحالة قبه نقل کرده علامه شامی نیز بعینه همین عبارت را پیش ازین نقل کرده ببینید (رد المحتار کتاب الولف صفحه ۷۹۴ جلد ۳) ظفر

(۲) رد المحتار کتاب الولف مطلب فی الغبة التي یستحق بها العزل الخ ص ۵۶۴ ج ۳ ط.س. ج ۴ ص ۴۱۹. ظفر.

(۳) ویکره امامه عبد الخ وفاسق (رد المحتار) علی هامش رد المحتار. باب الإمامة ص ۵۲۳. ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰. ظفر

(۴) و لباس بتلف الشب و اخل اطراف الحية و البسة فيها القبضة الخ ولذا یحرم علی الرجل قطع لحته (الدور المحتار) علی هامش رد المحتار کتاب المحصر و الاباحة فصل فی الخ ص ۳۵۹ ج ۵. ط.س. ج ۶ ص ۴۰۷. ظفر

(۵) و عزز الشامی بیا کافر و هل یکفر؟ ان اعتقد المسلم کافراً نعم والا لا. به یعنی (ایضاً) باب التعزیر ص ۲۵۳ ج ۳. ظفر

جواب: درین زمانه قاضی شرعی نیست قاضیهای که حالا موجود اند هیچ حق امامت و غیره نیست، تعین نمودن امام ومؤذن نخست حق بانی وواقف مسجد است وبعد از آنها حق مردم اهلی هست که در اولادهای اینها باشد ازین بعد مردم شهر ویا محله که کدام شخص را بصفه امام مقرر کنند همان امام خواهد بود، کذا فی الدرالمختار والشامی^(۱) فقط.

به قاضی نکاح استحقاق شرعی امامت نیست: سوال: (۶۲۶) وقتی بعض مردم از امامت قاضی منکر باشند و برخی متفق باشند و قاضی مصر باشد آیا قاضی برحق است یا نه؟

جواب: برای قاضی عرفی درین باره هیچ استحقاق نیست بلکه موافق تفصیل گذشته برای بانی ویا اولاده اش ویا مردم محل این استحقاق هست که آنها کسی را بخواهند مقرر نمایند. فقط

درین وقت سند سابقه قضا بکار میآید یا نه: سوال: (۶۲۷) مراد از ذکر اقامت جمعه، وعیدها، وجماعات وترغیب و تحریض مردم بطاعات وعبادات درمسند قاضی چیست؟

جواب: کدام وقت که ازطرف شاهان اسلامی قضاة مقرر میشدند درآن این الفاظ نوشته میشد حالا برای آنها درین رابطه کدام حق خاصی نیست وترغیب و تحریض به سوی طاعات را واعظان اسلام میکنند فقط.

نیابت در وقت انکار امام ومؤذن: سوال: (۶۲۸) اگر قاضی از امامت وخطیب از خطابت ومؤذن از اذان انکار نمایند برای قوم حق طلب کردن نائب حاصل است یا چگونه؟ و برای متولی اختیار مقرر کردن امام از پیداوار زمین وقف شده است یا نه؟

جواب: این حتی بعد از بانی و غیره به مردم محله است ازاول برای قاضی کدام استحقاق این نیست البته اگر کسی را بانی و متولی ساخته باشد او موافق شرایط وقف انتظام به مصرف را خواهد کرد. فقط

در میان عالم بینا و عالم نابینا کدامش أحق بالامامت است: سوال: (۶۲۹) یک شخص کور است لکن عالم است و محتاط است، و شخص دیگر بینا است ولی عالم نیست، أحق بالامامت کیست؟

(۱) ولاية الاذان والاقامة لها في المسجد مطلقا وكذا الامامة لوعدا (درمختار) وفي الاشياء ولد الباني وعشيرته اولی من غیرهم اه وسببی فی الوقف ان القوم اذا عيروا مؤذرا اماما ركان اصلح مناصبه الباني فهو اولی و ذكره فی الفتح عن التواهل والقره اه (درمختار) باب الاذان ص ۳۷۲، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۰. طبر

جواب: اگر مرد کور عالم باشد حق امامت برای اوست شامی جلد اول: تبع فی ذلک صاحب البحر قال: قید کراهة امامة الاعمی فی المحيط وغیره بان لا یكون الفضل القوم فان کان افضلهم فہر اولی. ^(۱)

مولوی احق بالامامت است ویا حافظ قرآن کریم: سوال: (۶۳۰) در ارتباط بہ نماز عید میان مسلمانها اختلاف ایجاد شد بعض میگفتند کہ نماز عید را امام صاحب خواهد بود کہ ہمیش نماز میدہد و برخی میگفتند: نماز عید را حافظ صاحب کہ در تراویح ماہ مبارک رمضان قرآن شریف خواندہ بدهد اخر الامر اینکه امام صاحب نماز داد و حافظ صاحب نیت را شکستاند و رفت درین حال چہ باید کرد؟

جواب: جدائی در میان مسلمانها بد است نماز در پشت حافظ صاحب ہم میشود و در پس امام صاحب نیز، نفس پرستی ^(۲) کار بد است کسیکہ بسبب نفس پرستی از جماعت جدا شد و نیت را شکست و رفت وی بد کرد و گنہگار شد توبہ نماید و ہمہ باید بہ اتفاق زندہ گی کنند در میان خود و مناسب است: امام را بہ اتفاق تعین کنند در قانون عالم احق بالامامت است: او الاحق بالامامة تقدیم بل نصب لاعلم باحکام الصلاة فقط صحة وفساداً بہرہما اجتنابہ للفرحاش الظاہرة الخ درمختار.

مراعات کردن مقتدی: سوال: (۶۳۱) امامیکہ بعد از پایان دادن قرائت و رفتن بہ رکوع لفظ اللہ اکبر را بہ اندازہ دراز بگوید کہ اکثر نماز خوانان قبل از او بہ رکوع بروند آیا درین صورت بخاطر مراعات مقتدی خواندن قرائت عادی و تأخیر نہ کردن در رفتن بہ رکوع بالای امام واجب است یا نہ؟ و مراعات مقتدیا حتی الوسع مستحب است یا نہ؟

جواب: بدون شک در چنین مواقع مراعات مقتدیا مناسب است و تکبیر را بسیار دراز نکنند بلکہ کوتاہ بخواند، بخاطر اینکه تکبیر مردم پیشتر ختم نشود و برای مقتدیا مناسب است کہ ^(۳)

(۱) البانی للمسجد اولی من القوم بنصب الامام والمؤذن لی المختار الا اذا عین القوم اصلح ممن عینہ البانی (درمختار) رکذا واولاده وعشرته اولی من غیرہم (ردالمحتار کتاب الوفاء ص ۵۷۳ ج ۳، ط.س. ج ۱ ص ۴۳۰) اوالخیار الی القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرہم (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۸) ظہیر

(۲) بہتر خو اینست کہ انتخاب امام بطور متفق شود بخاطریکہ کدام اختلاف راہ نباید لکن اگر اختلاف پیدا شد باکثریت فیصلہ شود (باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱) ظہیر

(۳) عن انس ؓ صلی با رسول اللہ ﷺ ذات یوم لما قضی صلواتہ الجبل علیہ برجہ فقال ایہا الناس ای امامکم فلا تسبقونی بالركوع ولا بالسجود ولا بالتہام ولا بالتصراف رواہ مسلم، (مشکوٰۃ باب ما علی الامام من المتابعة ص ۱۰۱) ظہیر

تکبیر را پس‌تر شروع کند بخاطریکه از امام پیش نشوند.

درمیان حافظ دیندار ونیمه ملا فاسق چه کسی احق بالامامت هست: سوال: (۶۳۲) زید

در طفولیت قرآن مجید را حفظ کرد همیشه تلاوت میکند و ما تجوز به الصلاة را خوب میشناسد و از قواعد تجوید نیز خبر دارد، و نیک و صالح است و همه نماز خوانان از امامت وی خوشنود هستند در پس او خواندن نماز جائز است یا نه؟ و عمر بعد از خواندن هدایه و مشکوة آنرا فراموش کرده و نماز گذار از امامت وی راضی نیستند و شطرنج میزند و اکثرا نماز جمعه را ترک نموده به شکار میرود در پس چنین شخص نماز جائز است یا نه؟

جواب: درین هر دو امامت شخص اول بهتر است و در پس شخص دوم نماز خواندن مکروه است **هکذا فی کتب الفقه. (۱)**

این غلط است که تنها سادات مستحق امامت اند: سوال: (۶۳۳) برخی از مردم میگویند که

بدون سیدها کسی دیگر مستحق امامت نیست چنین گفتار صحیح است یا غلط؟

جواب: این غلط است که بدون سیدها کسی دیگر مستحق امامت نیست مبنای استحقاق امامت بر علم و فضل و تقوی است، و کدام شخصیکه از مسائل خبر داشته باشد پس اگر چه سید نباشد نسبت به آن سیدی که از مسائل خبر نه باشد احق و اولی است بالامامة کمافی کتاب الفقه (۲).

درمیان سه نفر ذیل لائق امامت کیست: سوال: (۶۳۴) زید، بکر و عمر مامورین یک اداره

هستند زید در سوارها، عمر در عسکرها، بکر در سیتار زدن زید حافظ است و جوان دانه اش پیدا شده پابند روزه و نماز است و از منوعات شرعیه کناره جوئی میکند، اخلاقش خوب است، تلفظ عمر درست نیست، سوره های کوچک و ریزه را نیز نمیخواند، پابند نماز و روزه است بکر نیز مواظب روزه و نماز است اما کسب ستارزدن را میکند، قرآن کریم را صحیح میخواند، درین هر سه مستحق امامت کیست؟

جواب: درین هر سه زید احق بالامامت است و اگر زید نبود و عمر و بکر موجود باشد بکر اگر چه فاسق است به سبب کسب حرام لکن اگر عمر در خواندن قرآن کریم چنان غلطی میکند که

(۱) و بکره امامه عبد الخ و فاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظهیر

(۲) والا حق بالامامة تقدیم بل نصب الاعلم باحكام الصلوة فقط صفة ولسادو بشرط اجتنابه للفواحش الفاهرة الدرالمختار علی هامش

ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۱۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظهیر

بواسطه آن نماز فاسد میشود، امام شدن بکر مناسب است زیرا وی قرآنکریم را درست میخواند اگر چه امامت فاسق مکروه است اما درپس اونماز میشود بخلاف عمر که در پشت او هراس (توس) فاسد شدن نماز است. (۱)

مردم افضل در پشت سر امام کم رتبه از آنها اقتدا کنند یا نه: سوال: (۶۳۵) زید جماعت میدهد و مرد بهتر از او آمدند آیا درجماعت شریک شوند یا نه؟ و نماز شان خواه مکروه نخواهد بود؟

جواب: درنماز آنها هیچ کراهت نخواهد بود و شریک شدن آنها درجماعت ضرور است. (۲)
بدون رضای قوم ساختن امام: سوال: (۶۳۶) آیا محکمه کدام حق شرعی دارد که به زور برای قوم امام رامقرر کند که قوم به امام ساختن خوشود نباشد؟

جواب: محکمه این حق را ندارد زیرا تاوان وفائده آن برای مردم هست، لہذا بدون رضایت قوم محکمه برای آنها هیچکس مقرر نکند و محکمه درین رابطه هیچ حق ندارد کما مر من ان منفعه ذلک ترجع الیہم (۳) فقط.

یک شخص اذان واقامت را کرده میتواند: سوال: (۶۳۷) اگر یک شخص اذان واقامت میکند جائز است یا نه؟

جواب: اگر همان یک آدم اذان هم میگوید و امامت نیز میکند درشریعت درست است بلکه ثواب درهمین زیاد است. (۴)

مسئله نیابت درخطبه: سوال: (۶۳۸) خطیب سابق در موجودیت برادرش برادرزاده خود را نائب مقرر کرد تا پنج شش سال مسؤلیت نیابت را به بسیار دیانت انجام داد حالا خطیب سابق فوت شد و یک دختر ازوی باقیماند باین دختر ازطرف خود نائب مقرر کرده میتواند یا نه؟

(۱) برالحق بالامامة تعلیم بل نصب الاعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساد الخ (الدرالمختار علی هامش ودرالمختار. باب الامامة ص ۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظہیر

(۲) وظلہ امام المسجدالرتب اولی بالامامة من غیرہ مطلقا (درمختار) ای وان کان غیرہ من الحاضرين من هو اعلم واقرأ منه. (ردالمحتار باب الامامة ص ۳۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظہیر

(۳) اوالعیار انی القوم فان اخطفوا اعتبر اکثرهم الخ وام قوما وهم له کارهون لفسادبله الخ کره له ذلک تحریما لحديث ابی داود لا یقل الله صلاة من تقدم قوما وهم لهم کارهون. (الدرالمختار علی هامش ودرالمختار. باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۸) ظہیر

(۴) الافضل کون الامام هو المؤمن وفي الضیاء ان علیه السلام اذن فی سفر بنفسه ولام وصلى الطهر وقد حققناه (الدرالمختار علی هامش ودرالمختار. باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۱) ظہیر

(۲) خطیب در موجودیت خود برادرزاده اش را نائب مقرر کرده و جماعت او را قبول کرده حالا برادرش دعوه دارد دعوی وی صحیح است یا نه؟

جواب: کسی را که خطیب سابق مقرر کرده و قوم و جماعت او را قبول کرده همان شخص مقرر شد زیرا درحقیقت اختیار مقرر کردن امام بعد از بانی و اولاده اش برای قوم و جماعت است لهذا کسی را که قوم قبول کرد هم امام شد حالا دعوهٔ هیچکس قبولی نخواهد بود نه از دختر و نه از برادر زیرا در امامت میراث جاری نمیشود. ^(۱)

کسیکه قبل از فرض سنت مؤکد خوانده نتوانست امام شده میتواند یا نه: سوال: (۶۳۹)

آیا امام پیش از جماعت سنت مؤکد کرده نتوانست امام شده میتواند یا نه؟ در نماز مقتدیان کدام فرقی میآید یا نه؟

جواب: این شخص امام شده میتواند و در نماز مقتدیهایی هیچ خلل و کراهت نخواهد بود فقط ^(۲).

اذان قبل از صبح صادق و مسلسل به آن جماعت: سوال: (۶۴۰) یک شخص بی علم غیر مقلد و شیر سخت طبیعت است به سبب او مردم محله نماز خواندن در مسجد را ترک کردند به همراه آن که امام طالب العلم بر طریقۀ حنفی است ولی به فشار زید رکوع و سجده و قومه و جلسه را در نماز دراز میکند و اذان فجر را بیست دقیقه پیش از صبح صادق میگوید و بمجرد صبح شدن نماز را تنها و یا یک دو نفر بیاورد. و با اثر فشار بالای امام نماز را همراه آنها با جماعت بخواند مقتدیهایی دیگر چه کرده میتوانند؟ آنها جماعت جداگانهٔ دوم بکنند و یا به کدام مسجد دیگر بروند؟

جواب: به نزد احناف اذان قبل از صبح صادق جائز نیست: الا رواية عن الامام الثاني أي أبو يوسف رحمته الله ^(۳) و اسفار در نماز صبح سنت است بالای مقتدیهایی لازم است که این سخنان به امام بگویند اگر امام قبول نکرد او را دور کنند و اگر در دور کردن فتنه بوده مسجد دیگر نماز بخوانند.

(۱) ولاية الاذان والامامة لباني المسجد مطلقا وكذا الامامة لوعدا (در مختار)، (سجیجی فی الوقف ان القوم اذا عبروا مؤذنا واماما وكان اصلح مما نصه الباني فهو اولی. (رد المحتار باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۰۰) ظفر

(۲) والاسق بالامامة المذاعلم باحكام الصلوة فقط صحة ولساد بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الح ومثله امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غيره مطلقا (الرد المحتار علی هامش رد المحتار، باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر

(۳) لیجاد اذان ووقع بعضه ركنا كله بالارلی قبله كالامامة خلاف للثانی فی القصر (در مختار) قوله خلاف للثانی مؤ راجع الى الاذان فقط لان امام يوسف يحوز الاذان قبل الفجر بعد نصف الليل. (رد المحتار باب الاذان ص ۳۵۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۵) ظفر

(۱) فقط

گدام یکی از حافظ بی خبر از مسائل نماز و ناظره خوان باخبر از مسائل نماز لایق امامت

سوال: (۶۴۱) زید حافظ است و زنان او بی حجاب است و از مسائل ضروری بصورت خوب واقف نیست، عمر ناظره خوان است قرآن شریف را درست میخواند و نسبت به زید از مسائل ضروری زیاد خبر دارد و زنهایش باحجاب اند درین حالت حقدار زیاد امامت کیست؟

جواب: درین حالت اگر چه در عقب زید نماز میشود ولی در عقب عمر زیاد بهتر است. و عمر زیاد لائق امامت است. (۲)

در میان فقیر و سید کدام یکی حق بالامامت است: سوال: (۶۴۲) امام یک قوم در یک

مسجد غریب است و در خانه اش پرده نیست، و در مسجد دیگر امام سید هست و در خانه اش پرده نیست ولی او گور است در نماز جمعه به کدام یکی ترجیح است؟

جواب: برای امامت بهتر شخصیت که مسائل نماز برایش معلوم باشد، و صالح و متقی باشد باگور بودن امامت کردن باکی ندارد هرگاه که وی خوب، محتاط و از مسائل خبر باشد خلاصه اینکه اگر این امام از مسائل خبر باشد و شخص نیک باشد همان برای امامت جمعه بهتر است. (۳)

ترجیح در امامت: سوال: (۶۴۳) زید عالم طیب و حافظ است و عمر قاری حافظ قرائت سبعة است مشکوة هدایه جلالین را خوانده برای امامت تراویح کدام یک بهتر است؟

جواب: درین مردود زیاد مستحق امامت تراویح و غیره عمر است زیرا که او در پهلوی حصول علم دین قاری نیز هم است. (۴) فقط

امامت قاری خوش آواز: سوال: (۶۴۴) یک شخص میگوید که در پشت قاری خوش آواز

(۱) والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والختیم به هوالمختار (درمختار) لقوله ﷺ اسبروا بالفجر فانه اعظم لاجور رواه الترمذی واحسنه روی الطحاوی باسناد صحیح (ردالمحتار کتاب الصلوة ص ۳۳۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۲۶) صیر

(۲) والحق بالامامة تقديمًا بل نصبًا الاعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساد بشره احسبه الشواشر نظارة الخ. (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر

(۳) والحق بالامامة تقديمًا بل نصبًا الاعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساد بشره احسبه الشواشر نظارة الخ. (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر

آید. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۴) والحق بالامامة تقديمًا بل نصبًا الاعلم باحكام الصلوة الخ لا. (وتحریر. درمختار) اناد بذالك ان معنى قولهم اقرأ اى اجرد لا اكثرم حفظا ومعنى الحسن فى اللزاة ان يكون عالما بكيفية الحروف والوقوف وما يتعلق بها فيستأنى. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر

نماز خواندن بهتر است، وتوجه او بسوی قرائت میباشد وبه هیچ طرف دیگر توجه نمیکند حتی که بسوی خدا ورسول نیز فکر نمیکند آیا این گفتار او درست است یا نه؟
جواب: گفتارش غلط است نماز در عقب قاری بهتر است، وخوش اوازی خوبائی دیگر است که ستایش آن در احادیث آمده.

دربین دو امامت کدام بهتر است: سوال: (۶۴۵) وقتی در مسجد جامع یک شخص موروثی ومواظبت نه کتندۀ به شریعت است ودر مسجد دیگر شخص پابند شریعت، حافظ، وخوب خبردار از مسائل نماز نماز میدهد در کدام جا نماز خواندن اکمل وافضل است؟
جواب: برای امامت آن شخص بهتر است که باخبر از مسائل نماز وصالح وحافظ است^(۱) لکن بالای مردم حق همان مسجدیست که در محله آنها میباشد ونماز خواندن آنها در همان مسجد محله خودشان بهتر است، وبرای آنها در همان مسجد ثواب جماعت حاصل خواهد شد.

الفصل الثالث

امامت از کی درست واز کی درست نیست

اگر کسی به شخص حرام زاده بگوید امامت اوچه گونه است: سوال: (۶۴۶) کسی به شخص معروف النسب وثابت النسب حرامزاده گفت وشتم نامناسب برایش داد او شرعا فاسق میگردد وامامت او روا است یا نه؟

جواب: در فسق وی وکراهت امامت او سخنی نیست: إلا أن يتوب كذا في كتب الفقه.^(۲)

امامت غسال وذابح: سوال: (۶۴۷) امامت امرده شوی یعنی غسال وذابح درست است یا نه؟

جواب: امامت غسال وذابح درست است نماز خواندن در پشت او جائز است وهیچ کراهت در آن نیست.^(۳) فقط

(۱) والحق بالامامة تقديمها بل نصا الاعلام باحكام الصلوة فقط صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (المرامختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ۵۵۷) فیه کراهة امامة الاعشى فی المحيط وغيره بان لا يكون الفضل القوم فان الضلهم فهو اولی آیه، (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۲) ويكر تقديم الفاسق ايضا لتساهله في الامور الدينية فلا يؤمن من تقصيره في الاتيان بالشروط (غنية المستملی ص ۳۵۱) ظفر

(۳) ذبح کردن ومرده شتن هر دوش روا است خواهی که به مزبور باشد ویا ببلون مزبوری (اجوره) ترسله غسل دادن به مرده در درستار است: والافضل ان يغسل الميت مجانا فان ابغى العاسل الاجر جاز ان كان لم غيره والا لا، لئنه عليه وان يكون حكم الحمل والعقار كذلك (المرامختار علی هامش ردالمحتار. باب الجائز ص ۸۰۴ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۲۹۹) ودر سلسله ذبح است: ويجوز الاستنجاء على الذكاة لان المقصود منها قطع الارواح دون ازالة الروح وذلك بقدر عليه فاشبه القصاص فيما دون النفس كذا في السراح =

کسیکے چہار مذہب را گمراہی میگوید امامت او چگونه است: سوال: (۶۴۸) علماء دین

چہ میفرمایند درباره شخص کہ عقیدہ اش در اشعار ذیل درج است:

بجان نفورز اہل مذاہب شتی کہ غرق بحر ضلال اند و حرق نار ہوا
نہ شافعی نہ حنفی نہ مالکی مذہب نہ نقشبندی و جشتی ونی کذا و کذا
منم کہ غرہ نامہ بنام صاحب نشت علی ولسی ملقب بخاتم الخلفاء

اقتداء کردن در پس چنین شخص جائز است یا نہ؟

جواب: اگر براستی این عقیدہ وی باشد او مذاہب چہارگانہ و مشائخ طریقہ ہای چہارگانہ را ضلال و گمراہی میندازد و بآن معتقد باشد وی فاسق و مبتدع است در عقب وی نماز خواندن مکروہ تحریمی است و عجب نیست کہ بسبب انکار از نصوص قطعیه بہ کفر و ارتداد رسیدہ باشد، درین حال اقتداء بہ وی درست نخواہد بود بہر حال از اقتداء کردن بہ او حذر کردن لازم است، و دور کردن چنین امام واجب است ^(۱) فقط.

امامت متعہ کنندہ: سوال: (۶۴۹) یک شخص در محکمہ قسم نمود کہ ہمراہ یک زن بہ وعدہ نکاح متعہ کردہ ام آیا وی در مذہب حنفی باقی ماند یا نہ؟ و در پس او نماز خواندن چطور ہست؟ و او کہ بدست یک بزرگ بیعت کردہ بود باقیماند یا نہ؟ و تکفین و تجهیز و خواندن نماز جنازہ چنین شخص مناسب است یا نہ؟

جواب: کدام شخصیکہ اقرار این کار بد را میکند فاسق و عاصی است امامتش مکروہ است اگر توبہ کرد حقیقت و بیعت او قائم و امامتش درست است تکفین و تجهیز و نماز جنازہ ہر مسلمان لازم است اگر چہ فاسق و بد کار باشد کما فی الحدیث: صلوا علی کل بر وفاجر. الحدیث ^(۲) فقط.

امامت زانی و سگرتی: سوال: (۶۵۰) دو شخص امامان در مشہد ہستند یکی آن دو بہمراہ

= الوہاح. (عالمگیری کتاب الاجارہ باب سادس عشر ص ۴۳۸ ج ۴، ط.س. ج ۴ ص ۱۰۴) ظفیر

(۱) ویکرہ امامتہ المد الخ و الفاسق الخ و المبتدع الخ (در مختار) اما الفاسق فقد علوا کراہۃ تقدیمہ بانہ لا یہتم لامر دینہ و بان فی تقدیمہ للامامۃ تعظیہ و لد وجب علیہم اہانتہ شرعا و لا یخصی انہ اذا کان اعلم من غیرہ لا تزول العلۃ فلا یؤمن ان یصلی بہم بغیر طہارۃ لہو کالمبتدع نکرہ امامتہ بکل حال، بل مشی فی شرح المنیۃ علی ان کراہۃ تقدیمہ کراہۃ تحریم لما ذکرنا (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ح ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفیر

(۲) شرح فہمہ اکبر ص ۹۶، ظفیر

خوشی خود (خواهر زن) زنا کرد و دیگرش سگرت بنام بیری را میزند امامت اینها درست است یا نه؟ و اگر ایشان از امامت بند شوند خطر فساد کلان است؟

جواب: در پشت فاسق نماز میشود اما مکروه^(۱) است و وقتی در دور کردن امام فاسق فتنه میبازد به وی اقتداء کرده نماز بخواند فقط.

امامت گُور (نابینا): سوال: (۵۵۱) در پس گُور نماز خواندن درست است یا نه؟

جواب: اگر از نجاست محفوظ و به مسائل نماز خبر باشد امامتش درست است^(۲) فقه.

امامت کسیکه پسرانش کارهای گناه می‌کند: سوال: (۶۵۲) (۱) یک شخص چهار پسر

دارد یکی نماز میخواند و بعضی شراب میزند و یکی کار درامه ها را میکند، و این شخص همراه همین پسران رابطه دارد و همه یکجا خورد و نوش مینمایند امامت این آدم درست است یا نه؟

امامت بازیگر شطرنج: سوال: (۶۵۳) (۲) بازی شطرنج چگونه است، و امامت بازیگر شطرنج

جائز و درست است یا نه؟

جواب: (۱) اگر همین شخص خودش نیک و لائق امامت باشد در امامتش هیچ کراهت نیست در صورت احق بالامامت شدن لائق تر است برای امامت شده، قل الله تعالی: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، الآية.

جواب: (۲) به شطرنج بازی کردن به نزد امام ابوحنیفه رحمته الله مکروه تحریمی^(۳) است. عادت کننده آن لیاقت امام شدن را ندارد.

امامت سوانگر: سوال: (۶۵۴) کسیکه سوال میکند و مرده شوی است نماز خواندن در عقب او

درست و صحیح و جائز است یا نه؟

جواب: در حدیث شریف است که: صلوا خلف کل بر وفاجر، یعنی در عقب هر نیک و بد نماز

(۱) والحق بالامامة تقدیماً بل نصاب العلم باحكام الصلاة الخ لم الاحسن ثلاثة وتحويلاً (در مختار) افاد بذلك ان معنى قولهم اقرأ ای اجود لا اكفرهم حفظاً ومعنى الحسن فى الثلاثة ان يكون عالماً بكيفية الحروف والوقف وما يتعلق بها لهستانی. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) طبر.

(۲) وبكره تبرئها امامة عبد الخ واعنى (در مختار) قيد كراهة امامة الاعمى فى المحيط وغيره بان لا يكون الفضل القوم فان كان المفضلهم فهر اولى الخ ورد فى الاعمى نص خاص هو استعماله عليه السلام لان ام مكتوم وعثمان على المدينة وكانا اعميين لانه لم يبق من الرجال من هو اصالح منهما الخ (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶) طبر.

(۳) وبكره تحریمه القلب بالرد وكذا الشطرنج (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الحظر والاباحة ص ۳۴۷ ج ۵) وبكره امامة عبد الخ (فلاسا) (در مختار، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) طبر.

بخوانید، ازین حدیث روشن شد که درپس سوالگر و مرده شوی نماز میشود باید دانست که اولی بالامامت کسی است که از مسائل نماز خبر داشته و صالح باشد و کارهای خلاف شرع نکند فقط.

امامت صاحب بواسیر درست است یا نه: سوال: (۶۵۵) یک شخص مرض بواسیر خونی داشت و هر لحظه ترسی جاری کردن آن بود امامت او با موجودیت امام تندرست درست است یا نه؟

جواب: در وقت موجودیت خوف جاری شدن خون این شخص شرعاً معذور نشده نمیتواند وقتی شرعاً معذور میشود که در همه وقت نماز برایش به اندازه موقع پیدا نشود که وضوء کند و بدون بی وضوء بی این مرض نماز بخواند. و قتیکه هنوز معذور نه شده امامتش درست است و ازین سبب کدام کراهتی در امامت او نیست و کدام وقت که او معذور شود در آن وقت امام تندرست شده نمیتواند درین وقت عذر و امامت او بالکل ناجائز است. قال فی الدر المختار: و صاحب عذر من به سلس البول الخ ان استوعب عذره تمام وقت صلوة مفروضة بان لا يجد فی جميع وقتها زماً يتوضا ویصلي فيه خالياً عن الحدث الخ و هذا شرط العذر فی حق الابتداء و فی حق البقاء کفی وجوده فی جزء من الوقت ولو مرة، در مختار و شامی^(۱) جلد اول ص ۲۰۳، و فی باب الامامة منه ولا طاهر بمعذور هذا ان قارن الوضوء الحديث الخ و صح لو توضأ علی الانقطاع و صلی کذا لک کافتداء بمقتصد من خروج الدم الخ. شامی جلد اول ص ۳۸۹. (۲) فقط

امامت بیان کننده حدیث به دروغ: سوال: (۶۵۶) شخصی احادیث به دروغ میسازد و بیان مینماید و سخنان بسیار خلاف عقائد میگوید در عقب چنین شخص خواندن نماز چگونه است، و این مردم چه حکم دارند؟

جواب: این شخص، کذاب، یا مفتوی، یا دیوانه است که روایات دروغ را بیان میکند و بالای خداوند تعالی و رسول الله ﷺ بهتان بسته میکند و مصداق این وعید میگردد: من کذب علی معتمداً فلیتوباً مقعده من النار^(۳) یعنی کسی که بالای من دروغ میگوید دوزخ را جای خود

(۱) الدر المختار علی هامش و الدر المختار. باب الحيض مطلب فی احکام المعذور ص ۲۸۱ ح ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۰۵. طغیر

(۲) ایضاً باب الامامة ص ۵۴۱، ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸. طغیر

(۳) مشکوٰۃ، کتاب العلم ص ۳۲.

بسازد، این شخص مبتدع و فاسق است، امام ساختن وی درست نیست و در پشت او نماز نخوانید^(۱) فقط.

امامت امامیکه بتضی مقتدیها از او ناراضی باشد چطور است: سوال: (۶۵۷) امام فرائض و واجبات را بروش خوب ادا میکند و مقتدیهای دو گونه است برخی به امامت او خوشنود هست و برخی ناخوش اهتمام کدام گروه خواهد شد و مطلب حدیث ابوداود چیست که میفرماید: ولا یقبل الله صلاة من تقدم قوماً وهم له کارهون؟

جواب: در کتابهای فقه آمده که: اگر در امام کدام نقصان نباشد نارضایت مقتدیها هیچ اثری (تأثیر) بالای نماز ندارد نماز امام بدون کراهت درست است و گناه بالای مقتدیها هست و اگر نقص در امام بود و بسبب آن مقتدیها ناراض باشند بالای امام مؤاخذة است و امام شدن او مکروه است و مورد حدیث: من تقدم قوماً الخ تنها آن امامت است که خلل و نقص داشته باشد و رنه مقتدیها گنہگار اند که بدون دلیل ناراض اند^(۲).

امامت فلج شده: سوال: (۶۵۸) کسیکه به دست و پاها فلج باشد در عقب او نماز میشود یا نه؟ **جواب:** امامت کسیکه به دست و پاهاش فلج باشد بدون کراهت صحیح است^(۳) فقط.

امامت کسیکه به او شک سلسل بول میآید: سوال: (۶۵۹) مرض سلسل بول نیست لکن با فشار دادن ذکر قطره های شامه بیرون میشود و احياناً چنان فکر میشود که قطره های شامه از جای خود بیرون شده اما به دیدن آشکار نمیشود. چنین آدم امامت کرده میتواند یا نه؟ **جواب:** در حالیکه خروج قطره ها نباشد امام شده میتواند و شک و گمان را اعتبار نیست فقط.

امامت امامیکه در مهمانی خود شراب را تیار کند چگونه است: سوال: (۶۶۰) عروسی دختر یک حافظ شد در آن مجلس سازنده گان بودند و غیر مسلم نیز دعوت شده بودند و برای آنها شراب آورده شد و بانها نوشانیده شد آیا درین حالت نکاح شد یا نه و درپس چنین حافظ اقتداء

(۱) ویکره امامة عبد الخ و متدع ای صاحبه بدعة (هم مختار) اما الفاسق الخ ففی شرح المنية ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم رد المحتار باب الامامة ص ۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ طبر

(۲) لوام قوماً وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فيه الا لانهم احق بالامامة منه کره له ذالک تحریمه لحديث ابی دارد لا یقبل الله صلاة من تقدم قوم وهم له کارهون وان هر احق لا والکراهة عليهم (الرد المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۲، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ طبر

(۳) این مسی در عیوب امامت داخل نیست. طبر

میشود یا نه؟

جواب: نکاح شد لاکن این مردم بسبب ارتکاب گناه ها فاسق و عاصی شدند. توبه نمایند و درپس چنین حافظ قرآن اقتداء نمودن مکروه است، تا که توبه نکنند وی را امام نسازید^(۱).

امامت شخصیکه ترغیب نگهداری زن بی نکاح را میدهد: سوال: (۶۶۱) شخصیکه دیگری را ترغیب میدهد تازن نکاح نه شده را درخانه خود او سکونت بدهد امامتش درست است یا نه؟

جواب: چنین شخص لائق امامت نیست و نماز درپس او مکروه است^(۲) فقط.

سوال: (۶۶۲) اگر عقیده یک شخص این باشد که تقلید ناروا و بدعت است، مرزایها (قادیانی) مسلمانان اند و مذهب مقلدین درقرآن نیست امام کردن چنین شخص و یاد کردن ترجمه قرآن از او چگونه است؟

جواب: امام ساختن شخصیکه عقیده اش چنان باشد که در سؤال ذکر است صحیح نیست و خواندن ترجمه، قرآن شریف از او نیز مناسب نیست.^(۳) فقط

سوال: (۶۶۳) (۱) امامت شخصیکه موهای سرش به اندازه ذرا باشد که تاسینه اش میرسد و این موها را بخاطر مکر و فریب نگاه نکرده باشد چگونه است؟

سوال: (۶۶۴) (۲) جاروب زدن، روشن کردن، پوش دادن قبرها و مزارهای انبیاء و اولیاء، غرنها، قطب ها و دیگر بزرگان دین چطور است؟ و در عقب چنین شخص نماز خواندن مناسب است یا نه؟

جواب: (۱) درست است.

جواب: (۲) روشنی کردن بالای قبرها، پوش انداختن و غیره ممنوع و مکروه است و نظیف نگاه

(۱) قال الله تعالى: ولا تعاونوا على الاثم والعدوان، الآية (القرآن) ویکره امامه عبد الخ وفاق (درمختار) من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من يرتكب الكبائر كشارب الخمر والزانی الخ واما الفسق فقد عللوا كراهة تقديمه بانه لا یهدم لامر دینه الخ بل مشی فی شرح النسیة علی ان كراهة تقديمه كراهة تحریم. (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۲) قال الله تعالى: ولا تعاونوا على الاثم والعدوان، الآية ویکره امامه عبد الخ وفاق (درمختار) من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من يرتكب الكبائر كشارب الخمر والزانی الخ واما الفاسق فقد عللوا علی ان كراهة تقديمه كراهة تحریم. (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۳) ویکره امامه عبد الخ وفاق الخ وابتدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الوصول الخ وان انکر بعض معلم من الدین ضرورة کفر بها الخ فلا یصح الاقتداء به اصلا (المر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

کردن آن خوب است در درمختار و شامی هست: تکره السور علی القبور^(۱) انتهی فقط (امامت او مکروه است^(۲) ظفیر).

سوال: (۶۶۵) زید در وقت نماز ظهر به مسجد داخل شد بعد از وضوء و پیش از سنت یک شخص را به نماز فرض دید نیت سنت را کرد و در فرض شریک نشد وقتی سنت رابه پایان رساند انتظار اشخاص دیگر را نمود ولی کسی نه آمد فرض و سنت آخر رابه تنهایی خواند بعد از به پایان رسیدن نماز دوم نماز خوان دیگر آمد و خواستند جماعت با اقامت اداء کنند زید نیز همراه آنها شرکت نمود و اقامت را زید گفت و نیت فرض نماز پیشین را کرد و نماز خواند، زید میگوید که حساب کردن نماز تنهایی در نفل کار اختیاری است، و دو رکعت آخر فرض خالی خوانده میشود و در دو رکعت آخر نفل قرائت سورت به همراه فاتحه نیز واجب هست باین سبب اگر نیت نفل شود نفل ناقص میماند و در رابطه به نقلهای سابق خود نیز میگوید که ناقص مانده ولی ثواب جماعتیکه برای خود و دیگران که از شکستادن نفل بسیار زیاد هست صرف در صورت نخست حاصل شده است و اگر فرضاً در جماعت اخیر برای فرض حاصل نشود ثواب نفل ضرور خواهد بود چون این مسئله اختلافی است برای آن حرف نیت فرض مناسب است و فرض جداگانه را نفل شمردن میباید.

سوال: (۶۶۶) (۱) سنت اول کامل شد یا ناقص، زیرا امام تنها در دو رکعت اول قرائت به همراه فاتحه خوانده.

سوال: (۶۶۷) (۲) بعد از خواندن فرض تنهایی خواندن فرض به همراه جماعت درست است یا نه؟ و اگر فرض نشود ثواب نفل حاصل میشود یا نه؟

سوال: (۶۶۸) (۳) در بار بار خواندن نماز به نیت فرض اعتلاف است یا نه؟

سوال: (۶۶۹) (۴) در همه رکعتهای نفل خواندن سوره به همراه فاتحه واجب است یا خیر؟ اگر واجب باشد آیا نماز مقتدی نفل کننده ناقص بآلی میماند و یا نه؟

جواب: مسئله این است که کسی نماز فرض و اخوانده باشد امام فرض خوانان شده نمیتواند، وقتی زید نماز فرض خود را تنها خواند فرض او ادا شد حالا آن فرض را نفل کرده نمیتواند بلکه

(۱) یعنی ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰. ظفیر

(۲) رد المحتار باب صلاة الجنازة ص ۸۳۹ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۲۳۸. ظفیر

اگر دوباره همین نماز رابخواند نفل خواهد بود و در پس نفل کننده نماز فرض کننده گان نه میشود^(۱) و آنچه نیت سنت را در عقب فرض کننده اول کرده بود و نماز خوانده بود نفل شد^(۲) ولی سنت مؤکدیکه قبل از ظهر است ادا نشد (۱) زیرا این سنت به تنهایی خواندن سنت است^(۳) آن نفل شد سنت پیشین نشد^(۴) (۲) وقتی فرض راتنها بخواند باز امام فرض کننده گان شده نمیتواند البته اگر جماعت فرض باشد، به نیت نفل اقتداء به این امام کرده میتواند^(۵) (۳) بار بار فرض نمیشود کدام فرضیکه اول خواند همان فرض شد اگر پسانتر آنرا باز میخواند آن نفل است^(۶)

(۴) وقتی نفل را تنها میخوانی درهمه رکعتهایش قرائت فرض است و اگر به نفل در عقب کدام فرض خوان استاده شد این نفل صحیح است ناقص نخواهد بود^(۷)

امامت دیوانه و صاحب عقیده غلط: سوال: (۶۷۵) یک شخص بنام حاجی حمایت علی به قوم شیخ زاده عقیده دارد که روح انسان بعد از مرگ در قالب دیگری میآید و آن بقواره او هم شکل او میباشد کسی را میگوید که این پدر پدر کلان من است و کسی را میگوید که این پدر کلانم است خلاصه اینکه همیشه چنین گمان هارا اظهار مینماید و از همین سبب همه مردم از وی نفرت دارند و در پس نماز نمیخوانند و بسیار شوق دور شدن او را دارند بدون گفتن کسی برای نماز دادن استاد میشود؟

جواب: ازین گمان ها و توهمات معلوم میشود که عقل شخص مذکور بجای نیست و او دیوانه است و یا معتوه (اثری) است و در پس معتوه و دیوانه نماز نه میشود. لهذا باسناد این احتمال خواندن نماز در پس او بالکل فاسد است^(۸) و اگر او دیوانه مختل العقل و معتوه نباشد و به همراه ان

(۱) و لا مفروض بتخل و بمفروض فرضاً آخر (الدور المختار علی هامش و المختار باب الامامة ص ۵۴۲ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹) ظهیر

(۲) وضع اقتداء الخ بمفروض (ایضاً) ص ۵۵۲ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۰) ظهیر

(۳) و ضم إليها سادسة الخ لتعبر الركعتان له فلا الخ والركعتان لا تليان عن السنة الرابعة بعد الفرض في الاصح لان المراقبة عليها انما كانت بغيرهمة مبداء (الدور المختار علی هامش و المختار باب سجدة السهر ص ۷۰۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۲ ص ۸۷) ظهیر

(۴) ایضاً. ظهیر

(۵) و لا مفروض بمختل (در مختار ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹) و اذا تمها يدخل مع القوم والذي يعلى مهم ناللة (هدهای ص ۱۳۴ ج ۱) ظهیر

(۶) و اذا تمها يدخل مع القوم والذي يعلى مهم ناللة لان الفرض لا يتكرر لی و لت واحد (هدهای باب ادراك الفريضة ص ۱۳۵ ج ۱) ظهیر

(۷) و القراءة واجبة فی جميع رکعات الفل (هدهای باب الترائل فصل فی القراءة ص ۱۳۱ ج ۱) ظهیر

(۸) و لا یصح الاقتداء بالمجنون المطلق و لا بالسكران (عالمگیری مصری الباب الحامس فی الامامة ج ۱ ص ۷۹، ط. محدثه ج ۱ ص ۸۵، ط.

کہ ہوش و حواسش بجا است و چنین عقیدہ دارد، این عقیدہ خلاف اہل السنۃ والجماعۃ است بلکہ خلاف اسلام است، باین سبب نیز درپس او نماز خواندن مناسب نیست و نمازش نخواہد شد و یا مکروہ تحریمی خواہد بود، زیرا درعقب بدعتی نماز مکروہ تحریمی^(۱) است و در اسلام کسیکہ شبہ باشد و عقائد وی خلاف اسلام باشد درعقب وی نماز خواندن اصلاً صحیح^(۲) نمیشود بہر حال بہر سبب در پس وی باید نماز نہ خواند و او را امام ساختن حرام است برای او گفتہ شود کہ ہرگز امام مشو و او باید ازین کار بند کردہ شود کہ نماز مردم را خراب نسازد، و یا ازعقائد باطلہ خود وافکار دیوانگی توبہ نماید در حدیث شریف آمدہ کہ نماز ان شخص قبول نمیشود کہ بامامت پیش شود و مردم از امامت وی بد میرند، و امام ساختن وی روا نیست، در مختار آمدہ: ولو أم قوماً وهم له کارهون ان کان الکراہۃ لفساد فیہ او لانہم احق بالامامۃ منہ کرہ لہ ذلک تحریماً لحدیث ابی داود: ولا یقبل اللہ صلوة من تقدم قوماً وهم له کارهون.^(۳) فقط

امامت زانی در مسجد: سوال: (۶۷۱) یک امام در داخل مسجد زنا کرد و نفر بیچشم خود او را دید و امام مذکور ہمیش چنین حرکتها را میکند حکم نماز خواندن درپس چنین امام چیست؟

جواب: چنین شخص کہ در این گونه فواحش مبتلا است فاسق و عاصی است و امامت وی مکروہ تحریمی است لازم است کہ او معزول شود^(۴) و امام دیگر صالح و عالم مقرر کردہ شود اگر مکمل عالم نباشد علی الاقل آنقدر باشد کہ از مسائل نماز باخبر باشد و قرآن شریف را صحیح بخواند فقط.

امامت مؤذن: سوال: (۶۷۲) امامت مؤذن جائز است یا نہ؟

جواب: احناف امام شدن مؤذن را افضل میدانند در دُر مختار آمدہ: الافضل کون الامام هو المؤمن^(۵) در دیگر جا در باب الامامت آمدہ: وقول عمر (رض) لولا الخلافۃ لأذنت ای مع الامامۃ اذ الجمع افضل.^(۶)

(۱) ویکرہ امامۃ عبدالخ و مبدع ای صاحب بدعۃ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ط. (۲) وان انکر بعض باعلم من الدین ضرورة الخ فلا یصح الافتداء به اصلاً (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۱، ظہیر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظہیر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظہیر

(۵) ویکرہ امامۃ عبد الخ و فاسق (در مختار) قوله فاسق من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة و عمل المراد به من یرکب الکبائر کتشارب الخمر والزانی بل مشی فی شرح التنبیۃ علی ان کراہۃ تقدیمہ کراہۃ تحریمہ (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ۵۶۰، ط

امامت کسیکے مسؤولیت خود را در ماموریت ادا نمیکند: سوال: (۶۷۳) کسیکے در یک

ادارہ مامور باشد و کار خود را ادا نہ می کند و ماہ بہ ماہ تنخواہ میگیرد امامت او جائز است یا نہ؟

جواب: امامت این شخص بہ دلیل فسق مکروه است. (۱) فقط

امامت گیرنده فائدہ از گروی: سوال: (۵۷۴) (۱) یک شخص زمین را گرو کرد وہ گروی

دار کدام فائدہ غیرہ را مجزا نہ می کند و این کار را روا می شمارد آیا در پس چنین شخص نماز

درست است یا نہ؟

اقتداء بہ امامیکہ سخن اورا مرد قبول ندارند: سوال: (۶۷۵) (۲) ملا بہ مردم قریہ سخن

شریعت را گفت چند نفر قبول نکردند و گفتند: ما رواج خود را ترک نمی کنیم تو امام ما نیستی

باز در پس همین امام نماز می خواند نماز همین مردم در پس همان امام میشود یا نہ؟

جواب: (۱) این تحقیق را شامی نموده کہ فائدہ گرفتن از زمین گروی در سود داخل است و در:

کُل قرض جر نفعا فهو ربوا، داخل است باین اساس کسیکے مرتکب این کار حرام میشود عاصی

و فاسق خواهد بود و در پس فاسق نماز مکروه است. (۲)

جواب: (۲) نماز در پس همین امام صحیح است باقی احکام شریعت قبول نکردن وہ آن عمل

نکردن گناہ است از آن توبہ نماید فقط.

امامت تئله: سوال: (۶۷۶) یک تئله نماز میداد و در پشت سریش چند مقتدیہا بود بعد

از یک رکعت یک عالم بغرض خواندن نماز آمد آیا در جماعت شریک شود یا نہ؟ اگر شریک

شد نماز ہمہ مردم خود باطل نخواهد شد و نماز عالم در پس گُند زبان درست خواهد بود یا نہ؟

جواب: آن عالمیکے پسان آمیدہ اگر بہ تنہائی خود نماز بخواند آن ہم صحیح خواهد شد

و کدام آمیانی کہ از پیش نماز می خواندند نماز آنها نیز صحیح خواهد بود و اگر عالم مذکور بہ

امی نامبرده اقتداء نماید باز نماز هیچکس درست نخواهد بود نہ ازین عالم ونہ ازین آمیانیکہ از

قبل نماز می خواندند چنین عبارت در مختار: او اذا اقتدی امی وقارئی بامی تفسد صلوٰۃ الکُل (۳)

الخ شامل موضوع است: وصحت لو صلی کل من الامی وللقاری وحده فی الصحیح الخ الدر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمختار باب الامامة ص ۳۷۲ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۱. ظہیر .

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمختار باب الامامة ص ۵۱۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۲. ظہیر

(۳) ویکرہ امامہ عبد الخ و فاسق (الدر المختار علی هامش ردالمختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظہیر

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمختار باب الامامة ص ۵۵۴ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۹۲. ظہیر

المختار. فقط^(۱)

امامت قاتلیکه صرف توبه کرده باشد چگونه است: سوال: (۶۷۷) از قاتل قصاص گرفته نشده و بالای مقول خون رابخشش کرده نمی تواند توبه نموده است حالا بعد از توبه بخاطر باقیماندن حق العبد به کردن او فاسق شمرده میشود یا نه؟ و نماز درپس او مکروه است یا نه؟

جواب: در دُر مختار آمده: لا یصح توبۃ القاتل حتی یسلم نفسه للقدود، وهبانیه. در شامی است: ای لا تکفیه التوبۃ قال فی تبیین المحارم: واعلم أن توبۃ القاتل لا تكون بالاستغفار والندامة فقط بل یتوقف علی ارضاء اولیاء المقتول^(۲) الخ بالای اینجا شامی را نیز ببیند، آنقدر سخن معلوم شد که تنها به توبه گناه قتل معاف نمیشود و قاتل فاسق خواهد ماند و نماز درپس او مکروه خواهد بود^(۳) فقط.

امامت لنگ درست است یا نه: سوال: (۶۷۸) در پای یک شخص لنگی موجود است و امام مسجد است لکن قرآن کریم را خوب میخواند در عقب چنین امام نماز خواندن درست است یا نه؟

جواب: در شامی است: وکذا اعرج یقوم لبعض قدمه فالاعتداء بغیره اولی^(۴) تاتارخانیه. ازین روایت معلوم شد که درپس لنگ نماز خواندن باکی ندارد فقط.

امامت امامیکه دعوت خانه شرابی را میخورد: سوال: (۶۷۹) کدام شخصیکه در ماه رمضان و یا در ماه دیگر همیشه آشکارا شراب مینوشد برای امام خورد و نوش و نکاح و جنازه این خانه چگونگی است، و امامیکه این کار را میکند و یا بالای دیگران میکند و از خورد و نوش آن اجتناب نه میکند حکم این امام چیست؟ و حکم رفتن به مجلسیکه در آن چنین مردم در نکاح جنازه و مهمان دعوت شده باشند و یا خود آنها حاضر شوند چیست؟

جواب: شراب خور، و بدون عذر نه گیرنده روزه فاسق و عاصی است بالای مسلمانان لازم است که به همراه او سلام و کلام و خورد و نوش را ترک نمایند^(۵) و بدون شک خواندن نماز جنازه اش

(۱) در همین گروهی نمودن بهمهرا کسی که گرو است یعنی راضی است به چیزی که میگیرد صرف بپوشش ضمانت بهمهرا خود آنرا نگهداری میکند و این هیچ بدی نیست و امامت او جایز است. طبر

(۲) و در المختار کتاب الحایات فصل فیما یرجب القود و ملا برنجی ص ۴۸۴ ج ۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۴۸. طبر

(۳) و بکوه امامه عبد الخ و لاسی (در المختار علی هامش و در المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) طبر

(۴) و در المختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. طبر

(۵) و فی فصول العلامی ولا یسلم علی الشیخ المزارح و الکتاب و الاغنی ولا علی من یسب الناس و یظهر رجوه الاجنبات ولا علی العاسق المعین الخ (و در المختار مطلب المراسع الی بکوه فیها السلام ص ۵۷۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۱۷) طبر

مناسب است، لکن درزندگی بهمرایه وی رفت و آمد کردن مناسب نیست. و کدام امامیکه بدون ضرورت و مجبوری همراه چنین مردم رفت و آمد مینماید و بدون بد شمردن و انکار بهمراهش خورد و نوش میکند او نیز گنهگار است لائق ساختن امامت نیست^(۱) فقط.

حکم امامیکه دعوت زن مرتد را میخورد: سوال: (۶۸۰) یک زن مرتد شده و در حال اسلام فاجره بود و در حال ارتداد نیز بدکار است این زن در یک مهمانی به مردم مذهب خود نان خوراند و برای دو مسلمان یک بز و غیره راداد اگر کدام امام انرا بخورد اقتداء به او جائز خواهد بود یا نه؟

جواب: برای امام مناسب نیست که چنین نان را بخورد بروی لازم است که ازین کار توبه^(۲) نماید و بعد از توبه اقتداء به او جائز است فقط.

حق بستن نکاح و امامت عیدها: سوال: (۶۸۱) قاضی شهر مظفرگر محمد ضیاء الدین بود وی پابند نماز و روزه بود بحیث قاضی شهر حقوق مقررۀ داشت و دوکار به او سپرده شده بود (۱) بستن نکاح (۲) امامت عیدها. که ازین حقوق نسل بعد نسل تالش، هفت پشت مستفید شده زیرا که فیصله کردن از شش هفت پشت در کلان های او روان بود و وفات یافت حالا سه شخص دعوه دارد: (۱) پسر قاضی ضیاء الدین کسیکه پابند روزه و نماز و از مسائل و ارکان نماز خبر دارد و نکاح خوانی و خطبه خوانی را بر سر رسانده میتواند، (۲) یک صاحب دیگری است که در آباء و اجدادش کسی قاضی نگذاشته و خودش سود میگیرد (۳) صاحب سوم برادر کلان شخص ذکر شده است، پابند نماز و روزه است؟ عربی دان است ولی مقلد نیست و همه باشندگان مظفرگر احناف اند درین سه اصحاب تقرر کدام یکی مناسب است؟

جواب: در هر دو کاریکه به قاضی ضیاء الدین سپرده شده بود یعنی امامت عیدها و بستن نکاح وراثت نیست بلکه کسیکه اهل گارها باشد و دروی صفات امامت و قضاء یافته شود او امام و قاضی کرده شود صفات امامت اینست که امام از مسائل نماز خبر داشته باشد صالح و دیندار باشد قرآن شریف را صحیح بخواند، فاسق و بدعتی نباشد، و بسبب اعمال بد و عقائد فاسد او

(۱) و بکرمه امامه عبد الخ و فاسق (در مختار باب الامامة، ط. س. ج. ۱ ص ۵۵۹) ظهیر

(۲) سنن الفقیه ابو جعفر عن اکتساب ماله من امراء السلطان و جمع المال من احد الغرامات المحرمات و غیر ذلك هل یحل لمن عرف ذالک من ضمامه قال احب الی ان لا یأکل منه الخ (رد المحتار باب زکوة الصم مطلب من التصدق من المال الحرام ص ۳۵ ح ۲ . ط. س. ح ۲ ص ۲۹۲) ظهیر

مسلمانهای عام از وی نفرت نداشته باشند زیرا که این کار نیز سبب کراهیت امامت میشود^(۱) و چون عموم مردم شهر احناف و مقلدین امام ابو حنیفه اند بدین سبب شخص غیر مقلد و بدعتی را نباید امام آنها ساخت زیرا او بسبب عدم تقلید یا بدعتها لائق امامت نیست ثانیاً عموم مسلمانها از وی نفوت خواهند داشت، اگر در میان هر سه صاحبان مذکور کدام یک امام و قاضی ساخته میشود پسر قاضی صاحب مرحوم است پسریکه پایند نماز و روزه و از مسائل نماز باخبر و نکاح خوانی را بانجام رسانده میتواند زیاد لائق امام و قاضی جور شدن است زیرا که دوم بسبب^(۲) سود خوری و شخص سوم بسبب عدم تقلید لائق امام شدن احناف اهل سنت نیست^(۳) فقط.

اگر تنها یک شخص بالای امام تهمت ببندد امامت این امام چطور هست: سوال: (۶۸۲)

یک شخص بسیار خوب قران شریف میخواند و شخص شریف است، خلاصه اینکه همه مردم شهر او را قابل امامت میدانند، تنها یک نفر به او تهمت میگوید که عمل جادو منتر میکند امام از این کار انکار میکند حالا بفهمانید که جزای شخصیکه بالای چنین امامی ایکه همه مردم شهر او را خوب میشمارند تهمت مینندد چیست؟

جواب: هرگاه ثبوت اتهامیکه بالای امام زده شده نیست امامت او بدون کراهت صحیح، و الزام تراش فاسق و عاصی است توبه نماید^(۴) فقط.

امامت نابالغ: سوال: (۶۸۳) در پشمت نابالغ نماز میشود یا نه؟

جواب: مذهب صحیح حنفی ها اینستکه اقتداء نابالغ برای بالغان در هیچ یک از فرض و نفل درست نیست، تراویح نیز در پسر نابالغ نمیشود همین مذهب صحیح احناف است و بلوغ در عمر پانزده سالگی میباشد لهذا تا وقتیکه بچه بالغ نه شده باشد او را امام نوازند همینطور قران

(۱) والاحق بالامامة تقديمها بل نصاب الاعمال باحكام الصلوة لفظ صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفواحش الطاهرة وحفظه قدر فرض الخ ولو ام لوما وهم له كارهون ان الكراهة لفساد فيه اولانهم احق بالامامة منه كره له ذالك تحريماً لحدث أبي داود لا يقبل الله صلاة من تقدم قوم وهم له كارهون. والدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷ - ۵۵۹ (ظفر وكذا نكره خلف امرد الخ وشارب الخمر وأكل الربوا) والدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ (ظفر وكذا نكره خلف امرد الخ وشارب الخمر وأكل الربوا) والدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ (ظفر

(۳) وبكره امامة عبد الخ وفساق الخ ومبتدع اى صاحب بدعة الخ وزاد بن ملك ومخالف كشافى الخ (ابيض ج ۱ ص ۵۲۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظفر

(۴) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا (الحجرات: ۲۰) ظفر

شریف اورا درنفل بشوند یعنی این بجه نیت نفل را کرده استاد شود و شنودگان برایش بنشینند و قرآن شریف او را بشنود، هرگاه پانزده ساله شد در تراویح امامش بسازید قال فی الدرالمختار: ولا یصح اقتداء رجل بامرأة وختی وصی مطلقا ولو فی جنازة و نفل الخ ودر شامی است: والمختار انه لا یجوز فی الصلاة کلها الخ فقط.^(۱)

امامت بی ادبی کننده به استاد: سوال: (۶۸۴) گل بابا از مولوی بناء الله یک کتاب حدیث ویک کتاب فقه را خواند بعد از آن به کدام سخن گل بابا به استاد مذکور خود دشنام داد و الفاظ بد برایش گفت مدتی بعد مولوی صاحب وفات نمود حالا درپس گل بابا نماز جائز است یا نه؟
جواب: حالا وقتی استاد مذکور گل بابا وفات نموده به گل بابا گفته شود که برای استاد خود دعا نماید و کدام بی ادبی و گستاخی که کرده از آن توبه کند و استغفار بخواند الله تعالی گناه او را معاف خواهد کرد و استادش خوشحال خواهد شد، بعد از توبه امامت گل بابا بدون کراهت درست است. در درمختار است که اگر درپس فاسق و مبتدع نماز بخواند ثواب و فضیلت جماعت برایش حاصل خواهد شد و در شامی است که ازین روشن شد که نماز خواندن درپشت اینها بهتر است از تنها خوانی عبارت درمختار اینست: صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة الخ قال فی الشامی: أفاد أن الصلاة خلفهما أولى من الافراد الخ^(۲) فقط.

امامت إزار پوش پائین از بجلک: سوال: (۶۸۵) إزار امام از بجلک ها پائین است در وقت رفتن به مسجد به هردو دست إزار را بلند میکند و به سجده می رود و این کار را در هر رکعت نماز دوامدار میکند وقتی به او در این رابطه گفته شد جوابش این بود که: قسم به خدا حالا دوچند میکنم، درین حالت نماز ما مقتدیها خواهد شد؟ و ما درپشت او نماز بخوانیم و یا تنها نماز بخوانیم؟

جواب: امام مذکور نباید چنین کار کرد زیرا که اول اینکه پائین کردن إزار از بجلک ها بیرون از نماز نیز حرام و منع است و این کار سبب فسق امام میشود، و در پس فاسق نماز مکروه است و تا وقتی که فاسق توبه نکرده باشد امام ساختن او مکروه^(۳) است. وثانیا: بار بار چنین حرکات

(۱) ردالمحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۳۹ - ۵۴۰، ط.س. ح ۱ ص ۵۷۶ - ۵۷۷، طغیر

(۲) ردالمحتار باب الإمامة ج ۱ ص ۵۲۵ ح ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۲، طغیر

(۳) ویکره امامه عبد الخ و فاسق ردالمحتار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹، طغیر

کردن در نماز نیز مناسب نیست زیرا که در این کار نیز کراهت است ^(۱) و در بعض حالات خوف فساد نماز است بهر حال منع کردن امام مذکور ازین کار لازم است و اگر منع نه میشود دور کردن او لازم است و اگر قدرت آن نباشد در پشت سر همین امام نماز خواندن بهتر است و ثواب جماعت حاصل میشود ^(۲) فقط.

امامت شخصیکه تنها به آب استنجا میکند: سوال: (۶۸۶) زید میگوید عمر بعد از بول خورد و کلان به کلوخ خود را پاک نه میکند تنها به آب استنجا میکند وی لایق امامت بخاطری نیست که استنجا بالحجر سنت مؤکد است، عمر میگوید: استنجا بالحجر ضروری نیست آیا در نماز خواندن در پشت عمر کدام مشکلی است یا نه؟ به این کار یک مفتی عمر را فاسق گفته بالای او مفتی صاحب جواب ذیل را تحریر فرموده اند؟

جواب: اقول وبالله التوفیق، در شامی هست: ثم اعلم ان الجمع بين الماء والحجر افضل ويليه في الفضل الاقتصار على الماء ويليه الاقتصار على الحجر وتحصيل السنة بالكل وان تفاوت الفضل كما افاده في الامداد وغيره ^(۳) ازین تفصیل علامه شامی معلوم شد که تنها به اکتفاء کردن به آب سنت حاصل میشود و حکم فسق به او موجه نیست و تارک افضل فاسق نمیشود، فالجواب فيه سقم و غلط فقط.

امامت کسیکه زنی بالایش ادعای زنا بکنند: سوال: (۶۸۷) زنی به زبان خود بگوید که فلان مرد همراه زنا کرده آن مرد امام مسجد نیز است حالا در پشت این شخص نماز جائز است یا نه؟

جواب: ثبوت زنا به گفتار زن شده نمیتواند ^(۴) و در امامت او کدام کراهت نمیآید و نکاح زن مذکور به همراه شوهرش قائم است فقط.

امامت استعمال کننده سیاهی موی: سوال: (۶۸۸) کسیکه رومه استعمال میکند وموی را

(۱) ویکره که ای رعه ولو لرباب کثیر کم اذیل وعبه به ابویه (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة ومایکره فیها ص ۵۹۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۴۰) ظفر

(۲) ولی النهر من المحيط صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة (رد مختار) الا ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد لکن لا بتال كما یقال خلف نفی وورع (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۵، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۲) ظفر

(۳) رد المحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۱۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۳۸، ظفر

(۴) تاواریکة چهار شاهد عیبی شاهی ندهند قابل اعتبار نیست: والشهادة علی مراتب منها الشهادة فی الزنا يعتبر فیها اربعة من الرجال للوله تعالی: واللاهی باتنی القاضیه من نساء کم فاستشهدوا علیهن اربعة مکم (هدایه کتاب الشهادات ص ۱۳۸ ج ۳). ظفر

سیاہ میکند در عقب او خواندن نماز درست است یا نه؟
جواب: مکروه است ^(۱) فقط.

امامت کسیکه به شعبه عقیده دارد: سوال: (۶۸۹) زید شعبه بازی میکند بقسم صدقه در سر چارپائی مریض بز را بسته میکند اگر مریض صغیر بود بالای بز سوارش میکند باز آن بز را دفن میکند برای زید چه حکم است؟ آیا بالای وی توبه، وتجديد نکاح لازم است یا نه؟ او را امام ساختن مناسب است یا نه و اگر به مسلمانان گفته شود که تکلیف دادن چنین شخص ضرور است علی الاقل از امامت دور شود و چند نفر جاهل میگویند که مایان به زید ایمان آورده ایم این چگونه است؟

جواب: امام ساختن چنین شخص روا نیست، بلکه مرد صالح، عالم، پرهیزگار را باید امام ساخت و جاهلانیکه طرفدار امامت چنین شخص اند گنهگار اند زیرا در مبتدع و فاسق بودن او هیچ ترددی نیست و امامت فاسق و بدعتی مکروه است و دور کردن چنین امام لازم است کذا فی الشامی ^(۲) فقط.

امامت کسیکه اسباب مسجد را در خانه خود استعمال میکند: سوال: (۶۹۰) کسیکه مسجد را بر باد کرد و خاک و سنگ آنرا در خانه مسکونی مصرف کرد و روزه و نماز را ادا نمیکند و نان خانه کافرها را میخورد و سود میدهد، و خطبه را غلط میخواند استاد شدن این شخص بالای منبر و وعظ کردن و خطبه گفتن و امامت او درست است یا نه؟

جواب: بردن اسباب مسجد بطور غصب و خیانت و مصرف کردن آن در خانه خود، و نه گرفتن روزه، نماز نه خواندن، و به سود دادن به کفار هم و همه حرام است عامل این کارها فاسق است و امامت او مکروه ^(۳) است. و خوردن نان خانه کافران درست است اعتراض کردن به این کاریجا

(۱) و مستحب للرجل غضاب شعره و لحیه و لولیه غیر حرب فی الاصح و الاصح انه لا یغسله و یکره بالسواد و قبل لا الذی المختار: فیه یکره بالسواد ای بغير الحرب الخ و ان البدین نصفه للنساء لمکره و علیه عامة المشایخ و بعضهم تجوزه بلا کراهة روی عن ابی یوسف انه قال کما یحیی ان لعزین لی یصحبها ان لعزین لها (ردالمحتار کتاب الحظر و الاباحه فصل فی البیع ص ۳۷۲ ج ۵، ط.س. ج ۱ ص ۴۲۲) اگر و سه مکروه بگرفته شود امامت او مکروه خواهد بود و نه زیرا که این مسئله احتلائی است. ظفر

(۲) و یکره امامة عبد الخ و فاسق و مبتدع ای صاحب بدعة (درمختار) بل مشی فی شرح المنیه ان کراهة نقدیه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۶۰۰) ظفر

(۳) و یکره امامة عبد الخ و فاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیه ان کراهة نقدیه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۶۰۰) ظفر

است، و خطیب غلط خوان خطبه نباید خطیب مقرر شود فقط.

امامت کسیکه از ترس رنجیدن مزد به سخن خلاف شریعت سکوت میکند: سوال: (۶۹۱)

وقتی عالم سخن خلاف شریعت را می‌شنود و به این سبب آنرا منع نه میکند که مردم از من خفه خواهند شد و به آن خاموشی میکند امامت چنین عالم چطور است؟

جواب: درباره امر بالمعروف در درمختار این تفصیل کرده است که اگر گمان غالب بود که این شخص سخن و حکم شریعت را قبول خواهد کرد، کردن امر بالمعروف و نهی عن المنکر به این شخص واجب است و اگر این گمان بود که این شخص حکم شریعت را قبول نه خواهد کرد واجب^(۱) نیست چنین حکم است در صورت مسئله که اگر گرفتن مفید بود برایش بگوید ورنه خاموش باشد و چرا از طرف عالم دین گمان بمیان یابد که باین سبب خاموش می‌باشد که مردم از من خفه نشود^(۲) فقط.

امامت کسیکه از مسائل منکر شود: سوال: (۶۹۲) عالمیکه سخنان خلاف شریعت را

میشنود و سکوت میکند گویا به سبب لحاظ مردم و کدام مسئله که حق باشد آنرا پُت یعنی مخفی نماید و بی ادبی شریعت را بکند، و چنین میگوید که فتوای شریعت بالای من چه کرده می‌تواند؟

جواب: در عقب شخصیکه مسائل شریعت را قبول نه میکند و الفاظ^(۳) بی ادبی سیگوید خواندن نماز روانیست، در شرح فقه اکبر ص ۲۱۵ است: من أهان الشريعة أو المسائل التي لا بد منها كفر.

امامت شخصیکه عقیده داشته باشد که پیغمبر ﷺ علم همه چیزها را داشت: سوال:

(۶۹۳) اگر کسی عقیده داشته باشد که پیغمبر ﷺ علم کلی یا جزئی داشت در عقب او خواندن نماز درست است یا نه؟

جواب: علم برخی از مغبیبات به رسول الله ﷺ باعلام و تعلیم خداوند ﷻ مسلم و متفق علیه

(۱) رای فی توب عبره جسا مانعا ان غلب علی طئه انه لو احبره ازالها وجب والا فالامر بالمعروف علی هذا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی الاستحشاء ص ۳۲۴ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۵۰) ظهیر

(۲) فالامر بالمعروف علی هذا کذا فی المعانیة و فی فصول الملاهی وان علم انه لا یبطل ولا ینجزر بالقول ولا بالفعل ولو باعلام سلطان اوروچ اودالدله قفوة علی السمع لایلزمه ولا یناهم بترکه، لکن الامر والهی الفضل وان غلب علی طئه انه یضرب به اوبقته لانه یكون شهیداً. (ردالمحتار فصل فی الاستحشاء ص ۳۲۴ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۵۰) ظهیر

(۳) و بکرة امامة عبد الخ و فاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظهیر

است، البتہ داشتن این عقیدہ کہ علم ہمہ مغیبات بہ او بود ویا وی عالم الغیب بالاستقلال بود خلاف عقیدہ اہل سنت والجماعہ است حذر کردن از نماز در پشت چنین شخص لازم است^(۱) فقط.

امامت کسیکہ عالمگیری را گرنگ میگوید: سوال: (۶۹۴) چہ میفرمایند علماء دین دربارهٔ شخصی کہ در جریان بحث بالای مسئلہ بہ بیباکی وبدون ہراس دربارهٔ فتاویٰ عالمگیری کہ کتاب معتمد ومعبر فقہ است میگوید کہ گرنگ است کہ کتاب پیشوای سکھا گرونانک است وباز باین سخن محکم است، در پس چنین شخص نماز درست است یا نہ؟

جواب: چنین شخص فاسق ہست، وسخت گنگار است تا کہ توبہ نہ کند در پشت او نماز نہ خوانید وامامش نسازید علماء توحین کتابہای فقہ را کفر گفتہ اند^(۲)، والعیاذ باللہ تعالیٰ.

امامت کسیکہ دردہن دندان داشتہ نباشد: سوال: (۶۹۵) کسیکہ بہ خاطر خوب نہ شدن بول کلان ویا بسبب کدام علت بچہ گی خریطہ تمباکو را درمقعد خود میماند امامتش چگونہ است، ویا دردہن او یک دندان ہم نیست کہ بسبب آن اداء حروف درست شدہ نمیتواند ویا انگشتہای پایش از زمین بطرف دیگر باشد وخوب شخص روبرو میشود امامتش چگونہ است؟

جواب: درہمہ حالات نماز میشود لکن بہتر اینست کہ چنان شخص امام شود کہ باعث نفرت مقتدیا نشود وآن امام صالح واز مسائل نماز باخبر وقرآن شریف خوب بخواند^(۳) فقط.

امامت عاق: سوال: (۶۹۶) امامت عاق جائز است یا نہ؟

جواب: درحدیث شریف امده: صلوا خلف کل بر وفاجر، الحدیث. عاق چون مسلم است کافر نیست بہ این سبب در پشت او خواندن نماز صحیح است ولی مکروه است زیرا کہ عاق مادر وپدر وعاق یعنی نافرمان استاد فاسق است وامامت فاسق مکروه است^(۴) کذا فی الشامی فقط.

امامت ہاشمیکہ مال زکوٰۃ را میخورد: سوال: (۶۹۷) یک شخص ہاشمی صاحب نصاب

(۱) ویکرہ امامہ عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعہ وہی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول (الدر المختار علی ہاشم والمرتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ - ۵۲۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفر

(۲) ولی التتمۃ من اہان الشریعۃ والمسائل الی لابنہا کفر. شرح فقہ اکبر ص ۲۱۵. ظفر

(۳) والحق بالامامۃ تقدیم بل نصاب الاعلم باحکام الصلوٰۃ فقط صحۃ ولسادہ بشرط اجتنابہ للقواش الخ (الدر المختار علی ہاشم والمرتار باب الامامۃ ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر

(۴) اما الفاسق فقد عللوا الخ (ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

زکاة میگیرد، غزل میخواند، تبله میزند، و برادر سکه خود را رسوا میکند امامت این شخص چه حکم دارد؟

جواب: گرفتن مال زکاة برای غنی ناروا است و ساز و سرود و تبله و غیره حرام است و معصیت است همچنانکه تهمت بستن بالای مسلمان و رسواساختن و عیب جستن مسلمان حرام است مرتکب این کارها فاسق است. و لائق امام شدن نیست در شامی و دیگر کتابهای فقه هست که: امام ساختن فاسق حرام است و نماز خواندن در پس وی مکروه تحریمی است زیرا که فاسق واجب الاطاعة است و امام ساختن او تعظیم او است ^(۱) فقط.

امامت مریض: سوال: (۶۹۸) امام مؤظف مسجد به تب و لرزه مبتلا شده اما حواسش درست است، و علماء هم عصر او در مسجد موجود است در نماز دادن ترجیح به کی است؟ و در اقتداء مقتدیهای عالم در پس امام مریض کدام کراهتی نخواهد آمد؟

جواب: در نماز کدام کراهتی نخواهد بود ^(۲) فقط.

امامت اختیار کننده خلوت با زن بیگانه: سوال: (۶۹۹) امام یک مسجد به یک مرد چهار صد روپیه داد و بالای او زنش را طلاق داد حالا آن زن طلاق شده و امام در یک اطاق به تنهایی زنده گئی میکنند آیا حالا نکاح آنها بعد از گذشت عدت شده میتواند؟ دیگر اینکه امامت او جائز است یا نه؟ زن مذکور رابه مانند کنیز شمار کند یا نه؟

جواب: بعد از عدت نکاح شده میتواند و قبل از نکاح این زن اجنبیه (بیگانه) است خلوت همراهش حرام است ^(۳) و کنیز شمردن او غلط و جهالت است و امام مذکور لائق امامت نیست وی باید از امامت دور شود نماز در پشت او مکروه است. ^(۴)

امامت بیست و پنج ساله که ریش او مکمل نیست: سوال: (۷۰۰) در یک مسجد امامی بیست

(۱) ویکره امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) قوله فاسق من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر الخ بل منی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ - ۵۵۹) ظفر

(۲) ومثله امام المسجد المراتب الأولى بالامامة من غیره مطلقا (در مختار) ای وان کان غیره من الحاضرين من هو اعلم والقرأ منه (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظفر

(۳) وفي الاشياء الغلوة بالاجنبية حرام (الدرا المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی النظر والمس ص ۳۲۳ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۳۶۸) ظفر

(۴) ویکره امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) بل منی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار) باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفر

پنج سال میشود که مقرر است ولی ریش او اشکار نشده درپس چنین شخص نماز رواست یا نه؟ و در شرائط بلوغ شرط است یا ریش؟

جواب: نماز درپس او درست است زیرا بالغ شدن شرط امامت است نه برآمدن^(۱) ریش هکذا فی کتاب الفقه فقط.

امامت تمیز نه کننده میان الف وعین؟ سوال: (۷۰۱) شخصیکه به سبب نادانی در میان الفاظ قرآن شریف فرق کرده نمیتواند میان الف وعین، و ت، و ط، و غیره فرق کرده نمیتواند وزیر و زیر و پیش و انور مال گفته نمیتواند نماز درپس او درست است یا نه؟

جواب: در پس او نماز درست خوانان صحیح نیست^(۲) فقط.

امامت کسیکه بالایش حج فرضی است ولیکن نمیکند: سوال: (۷۰۲) زید در یک قریه امام است بالای زید بسبب نصاب حج فرض است و او حج نمیکند و مانع شرعی نیز نیست دیگر اینکه زید به وسه ریش راسیه میسازد، و ممانعت حدیث را گوناگون تاویل میکند سوم اینکه زید بسیار به رغبت زیاد در جشن صلح سهم گرفت و مردم دیگر را ترغیب اشتراک در آن را داد گویا به پایان یافتن سلطنت اسلامی ترکها و خلافت از طرف وی اظهار خرسندی شد درباره چنین شخص چه حکم است؟ و اقتداء کردن به او جائز است یا نه؟ اگر درپس او نماز نمیشود کار نمازهای سابقه چطور خواهد شد؟

جواب: در درمختار و شامی آمده که سخن بسیار زیاد درست این است که حج بالفور ادا کرده شود یعنی در کدام سال که حج فرض شد در همان سال ادا شود و تاخیر کردن از سال اول گناه صغیره است اگر تا چند سال تأخیر کند فاسق خواهد^(۳) شد. همچنان رنگ سیاه بدون داعی

(۱) رکذا نکره خلف امرد (درمختار) الظاهر انها تنزیهیه ایضا كما قال المرحمتی ان المراد به الصبیح الوجه لانه محل الفتنه وهل یقال لها ایضا اذا کان اعلم القوم بفان الکراهة فان كانت علّة الکراهة خشية الشهرة وهو الظاهر فلا وان كانت غلبة الجهل أو نفرة الناس من الصلاة خلفه فنعم الخ مثل العلامة الشیخ عبد الرحمن بن عیسی المرشدی عن شخص بلغ من السن عشرين سنة و تجاوز حد الإبتات و لم یبت عذاره فهل یخرج بذلك عن حد الأمریة الخ فهل حکمه فی الإمامة کالرجال الکاملین أم لا و اجاب مثل العلامة الشیخ أحمد بن یونس المعروف بابن الشلیبی من متأخري علماء الحنفیة عن مثل هذه المسألة فأجاب بالجواب من غیر کراهة زرد المحتار بالإمامة ج ۱ ص ۵۲۵ ط. م. ج ۱ ص ۵۶۲ ظفر

(۲) ولا غیر الا لایع به ای بالایع علی الاصح كما فی البحر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة مطلب فی الاایع ص ۵۴۴ ج ۱، ط. م. ج ۱ ص ۵۸۱ طبر

(۳) و هو فرض علی الفور و هو الاصح فلاح له تاخیر بعد الامکان الی العام الثاني فاذا آخره وادی بعد ذلك وقع اداء کذا فی الحر الرائق و عالمگیری مصری کتاب المناسک ص ۲۰۲ ج ۱، ط. م. ج ۱ ص ۲۱۶ طفر

شرعی (ضرورت شرعی) مکروه نوشته شده ^(۱) این هردو کار سبب گناهت امامت شخص مذکور است یعنی اگر چه نماز درپس اوادا میشود. لقله بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث نقله فی شرح المنیة ، لیکن مکروه میشود ونمازهاییکه درپس او ادا شده نیز شد، ضرورت اعاده آن نیست ازهمین خاطر کدام شخص صالح عالم راباید امام ساخت زیرا درامام ساختن اوتعظیم اوست وتعظیم فاسق حرام است. ^(۲) واشتراک درجشن صلح را ازین موضوع باید جدا ساخت زیرا اشتراک درین محافل بجهت حکم حکام مجبوری میباشد فی الجملة بالای قوم محض باین سبب حکم فسق کرده نمیشود فقط.

امامت شخصیکه سنی نیست وتحت تأثیر شیعه است: سوال: (۷۰۳) یک شخص رافضی

بود ودرمیان قریب شیعه وسنی امام شد چون اکثر مردم سنی بودند درنماز طریقه سنیها را درپیش گرفت مردمانیکه به شیعه بودن او مینگرند نماز نمیخوانند وبرای تسلی دل خود این پرسش رامطرح میکنند که اگر این امام به آن فرقه از شیعیان لعنت بگوید که بر بی بی عائشه رضی الله عنها تهمت می بندد، وحضرت علی را خدا میداند وسهوه شدن جبریل علیه السلام در آوردن وحی قبول میکنند وبالای صحابه کرام خصوصا شیخین طعن ولعن میگویند براین فرقه به موجب روایات فقهی کافر است وعقیده خود رایبان کند کدام عقیده که ازاهل سنت والجماعة است که چنین مردم کافران اند درآنوقت ما نماز میخوانیم ورنه تسلی ما نمیشود. تا وقتیکه صفائی نکند این شخص انکار میکند که این سخن را هرگز نخواهم زد وازین انکار شک زیاد میشود ازشیعه بودن اوآیا درپس او با وجودیت شخصیکه ازمدت زمانی مردم بدون عذر نماز میخوانند نماز خواندن درست است یا نه؟

جواب: این سخن سنی میبود چرا درکافر وملعون گفتن روافضیکه عقائد آنها به یقین به حد کفر رسیده وبه اتفاق اهل سنت انها کافران اند، تامل وانکارمیکند وقتی این شخص درین رابطه موافقه اهل السنن والجماعة رانمیکند حتماً وی شیعه ررافضی است. ویا طرفدار روافضی است بهرحال

(۱) ریسعجب للرجل غضاب شعره ولحنته الخ ریکره بالسواد وقیل لا (الدور المحتار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی البیع ص ۳۷۵ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۴۲۲) ظہیر

(۲) ریکره امامه عبد الخ رفاق (رد مختار) واما القاسق فقد علوا کراهة تقدیمه بانه لا یمز دینه وان فی تقدیمه للامامة تعظیمه ولد وجب علیهم اعانته شرعا الخ بل مشی فی شرح السنه کراهة تقدیمه کراهة تحریم. (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۶ ص ۵۹۹ - ۵۶۰) ظہیر

(۱) لائق امام کردن (۲) نیست و نگاه کردن امام سابق که کدام سبب کراهت وعدم جواز در او نیست ضرور است.

نکاح بستن به سوگند زن جرم نیست: سوال: (۷۰۴) یک زن سوگند نمود که شوهرم مرا طلاق داده باسای این سوگند قاضی نکاح او را به شخصی دیگری بسته کرد بعد از آن ثابت شد که طلاق نه شده بود مردم خواندن نماز را درپس شخص نکاح کننده ترک کردند بابتن این گونه نکاح امامت نکاح خوان درست است یا نه؟ وزن او طلاق میشود یا نه؟

جواب: با بیان سوگندیه زن که طلاق شوهر سابق را بیان کند بستن نکاح او با شخص دیگر درست است (۳) و باین سبب نکاح خوان قابل دور کردن از امامت نیست و نماز درپس او صحیح است لکن وقتی ثابت شد که آن زن طلاق نه شده درین وقت بیان کردن بطلان نکاح دوم بصف عموم ضروری است و جدا کردن او از شوهر دوم لازم است پس اگر طلاق شد بعد از گذشت عدت باید دوباره نکاح شود و این سخن نیز واضح شد که همسر قاضی صاحب از نکاح او بیرون نشد فقط.

برای امامت ریش دراز بهتر است و یا ریش کوتاه: سوال: (۷۰۵) درقریه ما دو امام است: ف - م، ف که عمرش پنجاه سال، سفید پوش، ریش دراز، حافظ قرآن بابتن جماعت است، و، م، که سی چهل ساله است، ریش را کوتاه میسازد ناظره میخواند، هر وقت از جماعت غائب می باشد یک دفعه جماعت را بدون وضوء داده بود درین حالت امامت چه کسی بهتر است و باید کدام یک امام شود؟

جواب: درین صورت زیاد حقدار امامت (ف) است و درعقب (م) نیز نماز ادا میشود ولی وقتی او دوباره دین محتاج نیست و ریشش موافق شریعت نیست وقتی نماز را بدون وضوء نماز داده نماز درپس او مکروه است ماندن یک قبضه مشمت یعنی ریش سنت است کم کردن از آن درحکم

(۱) و بهذا ظهر ان الرافضی ان كان ممن يعتقد الالوهية في علي عليه السلام وان جبريل غلط في الوحي او كان ينكر صحة الصديق اوليها الهدف الصديق فهو كافر لمخالفة الواطع المعلومة من الدين بالضرورة (رد المحتار كتاب النكاح فصل في المحرمات ص ۳۹۸ ج ۲ ، ط.س. ج ۳ ص ۴۶) ظهير

(۲) و بكرة امامة عبد الخ و لاسق (رد مختار) بل مشي في شرح المنية كراهة لتقديمه كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۵۶۰) ظهير

(۳) و حل نكاح من قالت طلقني زوجي وانقضت عدتي (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الحظر والاباحة فصل في البيع ص ۳۷۱ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۴۲۰) لا تجوز خلف الرافضی والجهمی الخ (عالمگیری مصری باب الامامة ص ۷۸ ج ۱ ، ط.م. ج ۱ ص ۸۴) ظهير

تراش کردن^(۱) ریش است و این حرام است: لَا يُكْرَهُ دَهْنُ شَارِبٍ وَلَا كُحْلٌ إِذَا لَمْ يَقْصُدِ الزَّيْنَةَ أَوْ تَطْوِيلَ اللَّحْيَةِ إِذَا كَانَتْ بِقَدْرِ الْمَسْنُونِ وَهُوَ الْقَبْضَةُ وَأَمَّا الْأَخْذُ مِنْهَا وَهِيَ دُونَ ذَلِكَ كَمَا يَقَعْلُهُ بَعْضُ الْمَغَارِبَةِ، وَمَخْتَلَةُ الرِّجَالِ فَلَمْ يُبَيِّحْهُ أَحَدٌ، وَأَخَذَ كُلُّهَا فَعَلَّ يَهُودُ الْهِنْدِ وَمَحْجُوسُ الْأَعَاجِمِ. (رد المحتار کتاب الصوم، باب ما یفسد الصلوة مطلب فی الاخذ من اللحية ص ۱۵۵ ج ۲، ظفیر)

به سبب گمان امامت و ترک نماز یا نه: سوال: (۷۰۶) از زمان زبیدی امامت می‌کنم حالا بر این چیزی وهم پیدا شده که وضویم شاید شکسته شده باشد به این سبب خواهش دلم این است که تو امامت مکن، و وقتی مردم را جدا جدا به نماز می‌بینم دلم صبر نه می‌شود حکم شرعی چیست؟
جواب: باید هیچ کار به گمان نه شود و چنین وسوسه را باید دفعه کرد و لاجول و لا قوة الا بالله را زیاد بگوید. و تا وقتی که یقین شکست وضوء نباشد تا آن وقت به آن طرف نباید توجه^(۲) کرد و باید امامت نمود در حدیث شریف آمده: تا وقتی که صدای بی وضوئی و یا بدبوئی معلوم نه شده باشد وضوء نه می‌شکند^(۳) فقط.

امامت نفی گیرنده از گروهی مکروه تحریمی است: سوال: (۷۰۷) وقتی شخصی زمین را گرو بگیرد و نفث را می‌خورد امامت او مکروه تحریمی است یا تنزیهی؟
جواب: مکروه تحریمی است کذا فی الشامی^(۴) فقط.

بعد از امامت نماز خفتن امامت فرض این نماز را دوباره کرده می‌تواند یا نه: سوال: (۷۰۸) زید در یک مسجد در پس امام فرض خفتن را خواند بعد از آن در مسجد دیگر امامت فرض را نمود نمازی که دوباره خوانده فرض است یا نه؟
جواب: نماز فرض سابق زید شده بود کدام نمازی را که دوباره کرده نفل شد در پشت او فرض مردم آدا نشد^(۵) فقط.

امامت نافرمانی کننده پدر و مادر و اجتناب نه کننده از منکرات: سوال: (۷۰۹) بکر به قشتی

(۱) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفیر

(۲) البقین لا یزول بالشک الاشباه والظواهر القاعدة الثالثة ص ۷۵، طفیر

(۳) عن ابی هريرة ؓ قال قال رسول الله ﷺ اذا وجد احدكم فی بطنه شئاً فاشك في عليه اخرج به شئاً ام لا ؟ لا يخرج من المسجد حتى يسمع صوتاً او يجد ريحاً رواه مسلم (مشکوٰۃ باب ما یوجب الوضوء ص ۴۰، ظفیر)

(۴) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفیر

(۵) لا مقرر ض بمنعول و معترض فرض آخر لان اتحاد الصلوات شرط عددا و مع ان معاداً ؓ كان یصلی مع السی ؓ معاً و يقوم فرض (البر)

المحار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹، ظفیر

پهلوانان میرود، جائیکه دول زده میشود و منکرات دیگر باشد در میله ها هرگونه کار قبیح باشد تماشای آنرا میکند، تارک جماعت است، و داماد خود عمر را تحریک کرده و نافرمانی پدر خود زید را نموده تا اینکه زید بزدن پدر خود شروع کرد درحالیکه زید قبل از نکاح بسیار فرمانبردار پدر بود و بکر داماد خود عمر را از معافی خواستن از پدر منع کرد و از تعلیم نیز منعش کرد آیا امام ساختن بکر و عمر درست است یا نه و عمر عاق پدر (زید) هست یا نه؟

جواب: عمر موافق بیان پرسنده عاق پدر و نافرمان و شرعاً فاسق و عاصی است امام ساختن او حرام است و نماز درپس او مکروه است همچنان بکر که عمر را به نافرمانی پدر و مادر آماده میسازد و مرتکب منکرات شرعی است فاسق است امام ساختن او حرام و نماز درپشت او مکروه تحریمی است. علامه شامی دلیل کراهت تحریمی نماز در عقب فاسق و حرمت امام کردن آن چنین نوشته است: که فاسق از نظر حدیث واجب الایمانه است و در امام کردن او تعظیم او است بدین سبب امام ساختن او حرام شد عبارت شامی اینست: اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهم بامر دینه و بان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانتة شرعاً^(۱) الخ. فقط

امامت کسیکه ازار شش گروه برادر را میبوشد: سوال: (۷۱۰) اگر ازار شش گره برداشته باشد و از بجلک ها بلند باشد امام آن را بیوشد و نماز بدهد جائز است یا نه؟

جواب: نماز درست است فقط که پوشیدن ازار با پاچه بر (عرض) دار درست است.

امامت کسیکه در پشت سابق نسب او خراب باشد: سوال: (۷۱۱) زید زن خود را طلاق مغلظ داد یک سال بعد شوهرش او را بدون نکاح شرعی در زوجیت خود نگهداشت و ازین زن یک دختر تولد شد به همراه آن کدام مسلمانی نکاح کرد اولادیکه ازین دختر پیدا شده امامت کرده میتواند یا خیر؟ در پشت او نماز جائز است یا نه؟

جواب: اگر این اولاد صالح و قابل امامت بود مثلاً: عالم باشد، از مسائل شریعت خبر باشد در پشت او بدون کراهت درست بلکه بهتر است^(۲) فقط.

امامت شخصی که زن بالای او تهمت ببندد: سوال: (۷۱۲) هنده یک زن بیوه و بازاری است، نسبت حمل حرام خود را به امام میکند و امام انکار مینماید که این زن بالایم تهمت می

(۱) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ح ۱۶ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . طبر

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ح ۱۶ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . طبر

بند چند نفر میخواید امام را دور کنند شرعاً حکم امامت این امام چیست؟
جواب: وقتی که هیچ شهادت زنا موجود نیست زنا و حمل شدن از زنا ثابت ^(۱) نیست و تنها تهمت بستن است در امامت امام کدام کراهت ازین سبب نمیآید. فقط

امامت امام پول گیرنده از فاحشه ها: سوال: (۷۱۳) امام مسجد از آن زنهای پول میگیرد که به راه ناروا یعنی (مُرده گای) گذاره خود را میکند و هرگاه کدام به ولادت بمیرد این امام سیخ آهنی را به تیل شرمش چرب کرده و از وی دور میدهد که از وی بلاجور نشود. و همین عقیده وارثان زن وفات شده میباشد از وی امام بقسم اجوره پول نقد میگیرد، ید مرد و باز مانده گان او به نیت ثواب بدون امام به کدام یتیم مسکین از جمله خیرات رخت و غیره داد آیه نه دادن به امام گناه شد یا ثواب و یا حق این امام بود؟ چنین امام قابل امامت است یا نه؟

جواب: گرفتن از آمدنی حرام برای هیچکس روا نیست ^(۲) بخصوص برای امام لازمست که در چنین چیزها بسیار احتیاط نماید. و کدام زنیکه دردرد اولاد یا نفاس (چهل) بمیرد شهید است، عقیده بلا شدن از او غلط است. ازین گمان باید توبه کرد و برای ایصال ثواب به غریبان یتیمان و مسکینان خیرات دادن ذریعه ثواب است. اما در آن کدام حق خاص ندارد اگر اونیز محتاج و غریب باشد برای او نیز داده شود لکن این گمان که فقط وی مستحق خیرات است و بدون وی به محتاجان و یتیمان دیگر دادن آن حرام است بالکل غلط و مطلق اثم است چنین شخص لائق امام ساختن نیست. ^(۳) فقط

دراز ساختن رکوع و سجده امام چطور است: سوال: (۷۱۴) (۱) امام رکوع و سجده را دراز میکند به همراه آنکه مقتدیها او را منع میکنند لکن امام قبول ندارد شرعاً حکم این امام چیست؟

دراز کردن قرائت: سوال: (۷۱۵) (۲) آیا جائز است که امام قرائت را آهسته بخواند و سورت

(۱) وولد الزنا هذا ان وجد غيرهم والا فلا كراهة (المرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲) ویکره نقدیم الفاسق الخ وولد الزنا بناء علی ان الغالب فی الجهل ایضا اذ لیس له من یحصل علی التخلق بالاخلاق الحمیده من العلم و غیره حتی لو تعلق منه عدم الجهل لا یکره تقدیمه کالعبد والاعرابی لانه لا ځنب له بزنی ابویه ولا ځنر وازرة وذر اخری (هبة المستطی ص ۳۵۱) فی الحال سوال که درباری کسی است او خودش ولد الزنا نیست البته مادرش است. ظفر

(۲) الشهادة فی الزنا یعتبر لولا اربعة من الرجال لقوله لعالی (هدایه کتاب الشهادات ص ۱۳۸ ج ۳) ظفر

(۳) الحرمة لعمد مع العلم بها (درمختار) اما لو رأى المكاش مثلاً يأخذ من أحد شئنا من المكش ثم يعطيه آخر ثم يأخذ من ذالك الآخر فهو حرام (رد المحتار کتاب البیوع باب البیع الفاسد، مطلب الحرمة تمتد ص ۱۸۰ ج ۴. ظفر

نیز دراز که برای مقتدیه‌ها تکلیف باشد یا نه؟

فیہ حاضری امام: سوال: (۷۱۶) (۳) بخاطر کار یک نفر امام در هفته پنج هفت مرتبه غیر حاضر بود درباره وی چه حکم است؟

طبع خوشی امام بعد از نماز خفتن و حاضر نه شدن او در نماز: سوال: (۷۱۷) (۴) اگر امام به همراه دوستان و اشناهای خود می نشیند، که به سبب آن در به خواب رفتن تأخیر می شود و برای نماز صبح (بیدار) خسته نمی تواند و نائب امام به تنخواهی که از طرف مسجد باشد نگاه شود در رابطه به این امام چه حکم است؟

جواب: (۱) بالای امام لازم است که اختصار و تخفیف کند دراز کردن زیاد قرائت و رکوع و سجده خوب نیست کما ورد ^(۱) فی الحدیث.

جواب: (۲) بسیار درازش نکند و از قرائت مسنونه تجاوز نه کند. ^(۲)

جواب: (۳) بهتر این است که به خوشنودی مقتدیه‌ها چنین بکند بدون خوشنودی مقتدیه‌ها چنین نمودن خوب نیست.

جواب: (۴) این خوب نیست نبی ﷺ آنرا خوش نمیکرد ^(۳) فقط.

امامت کسیکه بیوه جوان را از نکاح منع میکند: سوال: (۷۱۸) یک شخص می خواهد یک دختران جوان را نکاح کند اما پدر دختر نه می خواهد در پشت اونماز چطور است؟

جواب: نماز در عقب وی ضحیح است اما با وجود موقع خوب سیال ندادن دختر به نکاح بسیار بد است، چنین نباید کرد (زیرا ارشاد ربانی است: وَالْكُفْرَ الْأَيَّامِي مِنْكُمْ، در ایامی بیوه نیز داخل است).

امامت مخالف خلافت: سوال: (۷۱۹) کسیکه از خلافت رابطه خود را قطع کند و درین رابطه

(۱) و بکفر تحریم تطویل الصلوة علی القوم زائد علی قدر السنة فی قراءة وادکاء رضی القوم اولاً، لاطلاق الامر بالتخفيف (در مختار) لما فی الصحیحین اذا صلی احدکم بالناس للتحقیف فان لهم الضعیف والسلم والكبر و اذا صلی لنفسه فلیطول ماشاء الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۴) ظہیر

(۲) ان التطویل هو الزیادة علی القرآنة المسنونة لانه صلی الله علیه وسلم نهی عنه وقراءته هی المسنونة فلا بد من كون مائنه عنه غیر ماكان دایه الا لضرورة الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۵) ظہیر

(۳) و بکفر اليوم قبلها والحدت بعدها نهی النبی ﷺ عنهما الا حذبا فی غیر لقوله ﷺ (لا سمر بعد الصلوة حتی المشاء الا عبرة الخ) وانما كره الحديث بعدها لانه ربما يؤدي اللغو اوالی تغیرت الصبح اوقام الليل لمن له حادة به و اذا كان لاجابة مهمة فلا بأس الخ (رد المحتار كتاب الصلوة تحت قول وناخير مشاء الى لث الليل ص ۳۴۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۸) ظہیر

کدام کوشش نمیکند و نه درکدام جلسه شریک میشود و اگر از وی از سبب پرسیده شود؟ میگوید این غیر اهم و خلاف مصلحت است و به مردم زیرا تأثیر خود نیز این تلقین را میکند و نژاد پرستی میکند، آیا این شخص مسلمان است؟ و اگر باشد امامت او جائز شده میتواند؟

جواب: این شخص به خطا است و همدردی به اسلام و مسلمین اولین فریضه مسلمان است به همراه مسلمانی همدردی نداشتن به خلافت اسلامی سخت غلطی است اینجا جای تفصیل نیست سخن کوتاه اینست که گمان وی باطل و غلط است باقی تکفیر وی درست نیست و جنگ کردن مناسب نیست و کدام حمله بالای وی نکید و فتنه و فساد زیاد نکید و با صبر و اطمینان کار خود را بکنید کسی شریک شد فبها و کسی شریک نشد مسؤولیت خودش است ضرورت حمله به او نیست فقط.

امامت مامور کاروبار سودی و خودگیرنده سود: سوال: (۷۲۰) یک شخص دربانک رسمی مامور است و قرض سودی میبوسد و خودش نیز سود میگیرد نماز در پشت او مکروه است یا نه؟ و اعاده نماز واجب است یا خیر؟

جواب: در حدیث شریف بالای دهنده و گیرنده و شاهدان و غیره سود لعنت وارد شده و حضرت رسول الله ﷺ فرموده اند: **هُم سَوَاءٌ** یعنی همه گان در گناه یکسان اند، لذا شخص مذکور تا وقتی توبه نه کند به سبب اسق شدن لائق امام شدن نیست و نماز در پس او مکروه تحریمی است **کذا فی الشامی**^(۱) لکن در دیگر جای در مختار نقل کرده که: **صلى خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة افاد ان الصلوة خلفهما أولى من الانفراد**. شامی^(۲) البته این قاعده را نیز فقهاء نوشته اند که: **کل صلوة ادى مع کراهة التحريم تجب اعادته**^(۳) درین باره بعضی فقهاء این تفصیل را نیز فرموده که اعاده در داخل وقت واجب است و بعد از وقت مستحب است امام شافعی این را مرجوح گفته و گفته اند که سخن راجع این است که اعاده در داخل و خارج وقت واجب^(۴) است

(۱) و بکروه امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) بل مشی فی شرح التبه ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ح ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۵۹۰ طهیر

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۲ طهیر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة. مطلب واجبات الصلوة. ص ۴۲۵ ح ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۷ طهیر

(۴) فید فی البحر فی باب قضاء العوائت و وجوب الاعادة فی اداء الصلوة مع کراهة التحريم بما قبل خروج الوقت اما بعد فتستحب . و سبانی الکلام فیه هاک الخ و ترجیح القول الاول بالوجوب فی الوقت و بعده رد المحتار باب صفة الصلوة تحت مطلب کل صلاة اديت مع کراهة التحريم ص ۴۲۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۷ طهیر

البته علمائیکه دراصل اعاده رامتجب میدانند آنها انرا در داخل وقت و بیرون وقت مستحب خواهند خواند فقط.

امامت کسیکه نکاح مطلقه را بدون حلاله بسته میکند و شرح وقایه را پرتاب کند: سوال:

(۷۲۱) امام جمعه که نکاح مطلقه ثلاثه را بدون تحلیل ببندد و بگوید که بنزد من سه طلاق بمشابه یک طلاق رجعی است همراه بحث نمائید بعدا بایک دیوبندی تعلیم یافته بحث بمیان آمد و شرح وقایه تقدیم شد مرد مذکور شرح وقایه را بلند کرده و به صحن مسجد پرتاب کرد و گفت که ملائی دیوبندی و مردمیکه درین مسئله رفقای او هستند همه گئی منافقان اند امامت چنین شخص چه حکم دارد؟

جواب: بسته کننده نکاح زن مطلقه ثلاثه بدون تحلیل بهمراه شوهر اول فاسق است و پرتاب کننده کتاب فقه و منافق گوینده علماء حقانی منافق درجه سخت است بلکه با توهین کتاب های دین بیم کفر است. چنین شخص لائق امامت نیست تا و فقیه که او توبه نکند و ایمان را تجدید نکند او امام ساخته نشود در شامی آمده: **وَأَمَّا الْفَاسِقُ فَقَدْ عَلَّلُوا كَرَاهَةَ تَقْدِيمِهِ بِأَنَّهُ لَا يُهْتَمُّ لِأَمْرِ دِينِهِ ، وَبِأَنَّهُ فِي تَقْدِيمِهِ لِلْإِمَامَةِ تَعْظِيمُهُ ، وَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِمْ إِهَانَتُهُ شَرْعًا ، وَلَا يَخْفَى أَنَّهُ إِذَا كَانَ أَعْلَمَ مِنْ غَيْرِهِ لَا تَزُولُ الْعِلَّةُ ، فَإِنَّهُ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يُصَلِّيَ بِهِمْ بِغَيْرِ طَهَارَةٍ فَهُوَ كَالْمُبْتَدِعِ تُكْرَهُ إِمَامَتُهُ بِكُلِّ حَالٍ** الخ ص ۳۷۶ ج ۱، و فی شرح الفقه الاکبر عن التثمه من أهان الشریعة والمسائل التي لابد منها کفر الخ صفحه ۲۱۵ فقط.

امامت خائن و غاصب: سوال: (۷۲۲) اولاد زید امام محله را چلباز (مکار) میگویند یعنی بخاطر

زدن پول مردم خود را در خانه حکومت غریب نوشته کرده و به آن قسم میکند اگر چه بهمراه او بسیار زیاد مال است همچنان به نزد این امام بسیار مال جمع شده اقتداء چنین غاصب و خائن درست است یا نه؟ در حالیکه مقتدیان از وی نفرت میکنند و اولاد زید به همین سخن ضد میکنند که ما در پس همین امام چلباز نماز عید را خواهیم کرد؟

جواب: شخصی که حقوق مردم و بهمراه توان قرضهای مردم را ادا نمیکند و حقهای مردم را میزند ظالم و فاسق است. در پس او نماز خواندن مکروه است کذا فی الشامی.^(۱)

نکاح دختر حنفی بهمراه شیعه و امامت بسته کننده این نکاح: سوال: (۷۲۳) نکاح دختر

(۱) بل فی شرح المبیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱. ط. س. ح. ۱ ص ۵۶۰) طبر

حتفی و بجہ شیعه درمیان خود میشود یا خیر؟ اگر نه میشود کسیکه نکاحش بسته میکند و اصرار مینماید که میشود حکم او چیست؟ اگر وی امام مسجد باشد درپس او نماز میشود یا نه؟

جواب: رافضی که تبرا (به صحابه بد رد میگوید) کننده باشد بهمراه اونکاح زن مسلمان سنی حتفی نمیشود و اگر نکاح آنها شده باشد یکی از دیگر جدا کرده شوند ^(۱) و امام مسجد که چنین رابسته میکند لائق امام کردن نیست اگر چه نماز درپشت او میشود ولی مکروه است اگر چنین امام توبه نکند لائق دور کردن است ^(۲) فقط.

امامت نایبنا: سوال: (۷۲۴) امامت نایبنا چه حکم دارد؟ گویا مکروه است چرا؟ و هرگاه اعلم از او موجود باشد و از امامت او نفرت میکند چه حکم دارد؟ از نماز خواندن درپس او تنها خواندن بهتر است یا نه؟ صاحب هدایه برای کراهت امام دو وجه ذکر کرده:

جواب: اینکه وی از نجاست دور نمیشود دیگر اینکه مردم از امامت او نفرت میکنند. اگر این دو سبب نه بود امامت گور بدون کراهت درست است ^(۳) درشامی بر امامت بلا کراهت کور استدلال نموده که حضور ﷺ عبدالله بن ام مکتوم و عتبان را امام ساخته بود: لکن ورد فی الاعمی نص خاص هو استخلافه ﷺ لابن ام مکتوم و عتبان علی المدینة و کانا اعمیین لانه لم یبق من الرجال من هو اهلا منهم ^(۴) الخ غرض اینکه هرگاه از کور اعلم (بسیار دانا) موجود است و مردم از امامت کور نفرت دارد بهتر این است که اعمی امام نشود و اگر شد باید نماز درپس او خواند از تنها خواندن نماز در عقب او افضل است بمثلیکه در درمختار و شامی است: صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة الخ قوله: نال فضل الجماعة افاد ان الصلاة خلفها اولی من الانفراد الخ ^(۵) صفحه ۳۷۷ شامی فقط.

(۱) وفي النهر تجوز مناکحة المعتزلة لان لا تکفر الخ (درمختار) وبهذا ظهر ان الرافضی ان کان ممن يعتقد الالوهة فی علی (ع) اوان جبریل غلط فی الوسی ارکان بنکر لصحة الصديق اويلفاد السبدة الصديقة (ع) فهو کافر ورد المختار فصل فی المحرمات ص ۳۹۸ ج ۲ ، ط.س. ج ۳ ص ۴۵ - ۴۶) ظفیر

(۲) ویکره امامة عبد الخ و فاسق (درمختار) بل مشی فی شرح النیة ان کراهة لتقدمه کراهة تحريم ورد المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفیر

(۳) ویکره تقديم عبد الخ والاعمی لانه لا یترقی النجاسة الخ ولان فی تقديم هؤلاء تلبر الجماعة لیکره ، (هدایه باب الامامة ص ۱۱۰ ج ۱) ، ظفیر

(۴) رد المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ ، ظفیر

(۵) رد المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ ، ظفیر

امامت دوباره عید: سوال: (۷۲۵) یک امام مسجد بعد از نماز دادن عید فطر دوباره برای زنان نماز عید راداد شرعاً حکم این کار چیست؟

جواب: امامیکه یک مرتبه نماز عید را داد وی دوباره نماز عید را داده نمیتواند کدام نمازی را که دوباره میدهد نفل است و جماعت نفل مکروه است لهذا این نماز مکروه شد و تنها به زنان جماعت دادن نیز مکروه است کذا^(۱) فی الدرالمختار فقط.

امامت عکس گیرنده بعد از توبه: سوال: (۷۲۶) بخاطر یک رهبر مجلسی جور شده بود باساس دعوت امام صاحب نیز آمده بود بشمول امام عکس همه مجلس گرفته شد به همراه آن که امام صاحب از مسئله خبر نداشت عکس خود را کشید در پشت او نماز میشود یا نه درحالیکه او به خطاء خود اقرار میکند و توبه میکند؟

جواب: خود عکس گرفتن و یا بالای دیگری گرفتن در شریعت حرام است یقیناً که از وی غلطی و گناه شده لکن وقتی که حالا این امام توبه میکند نماز درس او بلا کراهت درست است^(۲).

امامت پدرش که پسرش زنا کرده باشد چطور است: سوال: (۷۲۷) زید به همراه همشیره پدر خود (عمه) زنا کرد و آنرا حامله ساخت و پدرش امام است و زید آب مسجد را پر مینماید درس پدر اوزید نماز میشود یا نه و به آب پر کرده زید وضوء روا است یا نه؟

جواب: باثر بدکاری زید در امامت پدر وی هیچ کراهت نیست و به آب پر کرده زید وضوء جائز است. لکن ضرور است که به چنین شخص اخطار داده شود و بالایش توبه کشیده شود.

امامت شرابی: سوال: (۷۲۸) زید خطیب مسجد شاهی است اما پابند روزه و نماز نیست در ماه رمضان المبارک عادت نوشیدن جای در هتل ها و خوردن تمباکو و نوشیدن قهوه درس راهای عام رادارد علاوه ازیں ها دائم الخمر، و قمار بازی مصروفیت روزانه اش هست و زناکار است، باموجودیت همه این کارها در مسجد جامع خطبه میدهد آیا چنین شخص خطبه گفته میتواند یا نه؟

جواب: نماز خواندن در پشت چنین شخص مکروه است، و حق امام کردن را ندارد، دور کردن

(۱) ولا يفترض بمقتضى وبمقتضى فرضاً لأن اتحاد الصلابة شرط عندنا والدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۲ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹ ظهير

(۲) ولا يطروح بجماعة خارج رمضان أى بكرة لو على سبيل التذاعى بان يفتدى أربعة بواحد وايضاً باب الوتر والرائى ص ۶۳ - ۱۰ ط.س. ج ۲ ص ۴۸ ظهير

او ضرور است، و تا وقتی که از کارهای بد توبه نکند امام ساخته نشود^(۱) فقط.

امامت شیخه امامیه: **سوال:** (۷۲۹) در پشت گروه امامیه که رافضیها نامیده میشوند نماز اهل سنت میشود یا نه؟ و اگر به غلطی در پشت آنها نماز عید را ادا کرده باشد انرا اعاده کند یا خیر؟
جواب: نماز سنی در پشت رافضی نه میشود، اعاده این نماز ضروریست^(۲) و در صورتی نماز عید باز گردانده میشود که بعد از آن جماعت اهل سنت خوانده میشود ورنه نماز عید به تنهایی نه میشود.

امامت کسیکه بالایش شک خائن بودن باشد: **سوال:** (۷۳۰) اگر مردم بالای شخص گمان مثلا خائن شدن را داشتند آیا در عقب او نماز درست است یا نه؟
جواب: نماز^(۳) صحیح است فقط.

امامت کسیکه علماء دیوبند را کافر میگوید: **سوال:** (۷۳۱) امامت شخصی که برخلاف علماء دیوبند نواقص از امام الحرمین گرفته تا کفر میندد و به عدم جواز امامت علماء نزدیک میکند درست است یا نه؟

جواب: این شخص فاسق است لیاقت امام شدن را ندارد، در حدیث شریف آمده (سباب المسلم فسوق) الحدیث، و گزیده بد به علماء اهل حق و تکفیر کنندۀ آن نیز لائق امام شدن نیست و در پشت او نماز جائز نیست^(۴) فقط.

امامت اطفال در مکتب ابتدائی دولتی: **سوال:** (۷۳۲) تعلیم کردن فارسی وارود و حساب و کاروبار سوداگری (تجارت) در مکتب رسمی جائز است یا نه؟ و نماز در پشت امامیکه پسرش در همین جا درس میخواند جائز است یا نه؟

جواب: درین تعلیم و تعلم حرجی نیست و در امامت این امام که پسرش در آنجا درس میخواند هیچ حرج و کراهت و فساد نیست فقط.

(۱) و بکرة امامة عبدالحق و فاسق الخ و کذا تکره حلف امرد الخ و شارب الخمر (درمختار) بل مشی فی شرح المصیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار) باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۲... ط.فیر

(۲) ولا يجوز الصلاة خلف الرافضی و الجهمی و المشبه و من يقول بخلق القرآن (عالمگیری مصری باب الامامة ص ۷۸ ج ۱، ط.م. ج ۱ ص ۸۴ ط.فیر

(۳) البقیة لا یرول بالشک (الاشیاء و النظائر القاعدة الثالثة ص ۷۵ ط.فیر

(۴) و بکرة امامة عبد الخ و فاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المصیة ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة (رد المحتار) باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ط.فیر

امامت شخصیکہ زن او بی راه و سرکشی باشد: سوال: (۷۳۳) زید امام مسجد است، عمر یک روز دید که به خانہٴ زید یک شخص بیگانه رفته بود عمر زید را گفت، زید آن شخص را در جای مخفی شدہ یافت، زید او را ازدست گرفت و بیرون کردش، زن زید بہ آمدن یک مرتبہ دیگر این شخص اقرار کرد اما از کردن کار ناجائز انکار کرد آیا این زن را زید طلاق دادہ میتواند یا نہ؟ واگر طلاق ندهد در پشت اونماز میشود یا نہ؟ عمر بسیار پشیمان است کہ بسبب افشاء کردن راز گنہگار خواہم بود حکم چیست؟

جواب: طلاق دادن ضرور نیست، نگہداشت این زن جائز است ^(۱) ودرپس زید نماز درست ^(۲) است. و عمر نیز خوب کرد زیرا کہ حالا این شخص تنبیہ شد وزید نیز شاید چنین حرکت نخواہد کرد وبالایش توبہ کشیدہ شود فقط.

امامت قاضی با عزت: سوال: (۷۳۴) یک شخص کہ امام مسجد کلانِ ہمہٴ شہر است، مفتی منطقہٴ خود وقاضی محکمہٴ نکاح وطلاق مسلمانان است حالات حساس وخطرناک اسلام، اہل اسلام، شعائر اسلام، اماکن مقدسہ وجزیرة العرب وغیرہ وکوشش وسرگرمی دشمنان اسلام در ازبین بردن اسلام رامی بیند. وبہمراہ باخبر بودن از حکم الہی درعدم موالات (دوستی) باکفار نہ میخواہد وظیفہ شپردہ شدہ از طرف حکومت را یعنی قضائی (باعزت) بخاطر کدام فائدہ خیالی ویا دفع ضرر احتمال ترک کند. بلکہ اوترک کردن آنرا بُرایِ خود باعث ذلت ورسوائی ووجود آن راموجب عزت وفخر میندازد ہرچند مسلمانہا اورا بہ زور، نرمی، ومحبت، درتنہائی ومجالس فہماندند وبسیار زیاد آگاہش ساختند واین کار را ازوی خواستند لاکن بالای وی هیچ اثری نکرد آیا چنین شخص قابلِ امامتی ہست؟ وادا کردن نمازها وجُمعہ ہای او درست است؟ وآیا فتوای اودر مسائل شرعیہ وفصلہ ہایش درمعاملات نکاح وطلاق قابلِ باور واعتماد شدہ میتواند؟ بینوا توجروا.

(۱) لایجب علی الزوج تطليق الفاجرة ولا علیہا سريح الفاجر (الدور المختار علی هامش ردالمحتار فصل فی المحرمات ص ۴۰۲ ج ۴. ط.س. ج ۳ ص ۵۰. ظہیر

(۲) ہرگاہ زن زید خلاف رضای وی حرکت کردہ زید ہیچ گاہ نفاذ البتہ فرص زید این است کہ زن خود را احتیاط بدہد وجنان ہرورگرام امادہ بسازد کہ نہ زن او این جرات راہکند ونہ ہم برایش چنین فرصت بدست آید واگر ان طرف زید درین رابطہ چشم پوشی شد دیوت گفتہ میشود وامامت او مکرورہ خواہد بود وانہ اعلم. ظہیر

جواب: (۱) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله وحده، نمیشود وبالای جماعت فرض است که او را ازین منصب دور کند، دستخط مولانا ابو الکلام آزاد.

جواب: (۲) چنین شخص لائق امام ساختن نیست زیرا که درین قضاءها حکم کردن خلاف شریعت لازم است چنانچه آشکار است وبه مصداق این آیت کریمه که میفرماید: وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^(۱) این شخص فاسق است وامامت فاسق مکروه است کما فی کتب الفقه.^(۲)

امامت کسیکه دختر خود را به قادیانی بدهد: سوال: (۷۳۵) داماد شخصی احمدی (قادیانی) بود وبهمراه آن ارتباط دارد آیا در پشت او نماز میشود یا نه؟

جواب: این شخص لائق امام جور شدن نیست تا وقتی که داماد او بعد از توبه وتجديد ایمان نکاح جدید نه کند ویا دختر خود را از وی جدا نکند^(۳) فقط. (احمدی وقادیانی) بطور اتفاقی کافر است لهذا نکاح دختر مسلمان همراه او جائز نیست وارتیلط گرفتن بهمره او درست نیست، ظفر).

امامت غیر مقلد غیر متعصب: سوال: (۷۳۶) در پشت سر مقلدینکه متعصب ودرباره شان اکابر بی ادب نیست والمه چهارگانه راحق میندازد ورعایت شرائط انرا نیز مینماید شرائطیکه درمذهب امام صاحب نماز به آن فاسد میشود خواندن نماز جائز است یانه؟

جواب: خواندن نماز در پشت چنین مقلدین صحیح است^(۴) به شرطیکه عقائد آنها موافق اهل السنه والجماعة باشد فقط.

امامت شخصیکه ادعای مردن در روز متین را میکند: سوال: (۷۳۷) یک شخص دعوی میکند که من شاید از تاریخ ۲۵ ذی الحجة الی دهم محرم حتما میمرم ولی اوتا حال زنده است. چنین دعواکننده مسلمان باقی میماند یانه؟ ایا نکاح اوبحال خود است یانه؟ امامت اودرست است

(۱) سورة المائدة پاره ۷. ظفر

(۲) وبکوه امامه عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح النبیة ان کراهة نقادیه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار. باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۵۶۰) ظفر

(۳) وبکوه امامه عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح النبیة ان کراهة تحریم ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۵۶۰) ظفر

(۴) ومخالف کشامی لکن فی وتر البحر ان یمن المراتع لم یکره اوعدمها لم یصح وان شک کره والتفصیل فی الشامی (الدر المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲-۵۶۳) ظفر

یانه؟

جواب: این شخص مسلمان هست و کافر نه شده و نکاح اوقافم است اما روا نیست برای او که چنین دعوی بکند این غلطی وی بود چنین ادعا نمودن گناه است بروی لازم است که توبه کند و در آینده چنین ادعا نکند^(۱) اگر وی توبه کند نماز در عقب او بدون کراهت صحیح است^(۲).

امامت غلط خوان: سوال: (۷۳۸) شخصیکه سوره فاتحه را چنین میخواند که ح و میم الرحمن ر ح الرحیم را میشد میخواند: اَيَّاكَ تَعْبُدُ اِنْ اَيَّاكَ رَاہِ نُونِ غَنه و کاف میخواند و اَيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ رَاہِ اِنْ اَيَّاكَ به نون غنه و کاف میخواند و مستقیم را مستکیم میخواند و مشهد را مخفف و مخفف را مشهد و معدود را مقصور و مقصور را معدود میخواند در پشت چنین شخص باموجودیت اقرأ و خواننده صحیح خواندن نماز میشود یانه؟

جواب: امامت این شخص جائز نیست، در حالیکه اقراض و درست خوان موجود باشد در عقب او خواندن نماز درست نیست نه نماز او میشود نه نماز مقتدیان^(۳). فقط

امامت شخصیکه مادر را میزند: سوال: (۷۳۹) کسیکه مادر خود را از خانه بیرون میکند و او را میزند، و دشنام میدهد و بهمهراه او بی ادبی میکند امام شدن آن درست است یانه؟

جواب: چنین شخص سخت ظالم، فاسق و بدکار است مصداق خسر الدینا و الاخره است هیچگاه لائق امام شدن نیست و نه لائق پیروی و مقتداء شدن هست.^(۴) و مصداق: ضَلُّوا وَاَضَلُّوا و این شعر مولانای روم قدس سره در الشامی ای بسا ابلیس آدم روی هست پس بهر دستی نباید او دست. فقط (زیرا در قرآن بصراحت است که: فَلَا تَقُلْ لَهُمَا اَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَكُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا، الآية، ظفیر)

امامت شخصیکه از حکومت برطانیه مکتوب گرفته باشد: سوال: (۷۴۰) شخصی بهمهراه انگریزها ملاقات نموده و از طرف حکومت برطانیه برایش مکتوب آمده و او را به صفت عسکر

(۱) قال رسول الله ﷺ خمس لا يعلم الا الله ثم قرأ ان الله عنده علم الساعة الخ (مشکوٰۃ کتاب الایمان ص ۹۲. ظفیر)

(۲) العتاب من اللبب کم لا ذلبل له (مشکوٰۃ باب التوبه ص ۲۰۶). ظفیر

(۳) ولا غیر الا لعل به ای بالالعل علی الاصح كما فی البحر عن المجتبی وحرر العلنی واین الشحنة انه بعد بدل جهده دائما حتما کلامی فلا یؤم الا مله ولا تصح صلاته اذا امکنه الالفاء بمن یحسنه او ترک جهده او وحده قدر القرض مما لا تلغ فیه هذا هو الصحیح المختار فی حکم الالعل وکذا من لا یقدر علی التلفظ بحرف من الحروف او لا یقدر علی اخراج الفاء الا بتکرار (ردالمحتار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۴ - ۵۴۵ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۸۱) ظفیر

(۴) ان کراهة تقديمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظفیر

جدید نیز مقرر کرده لکن دردل به خلافت اسلامی ہمدردی دارد آیا چنین آدم مسلمان نیست؟
ونماز خواندن در پس او چطور است؟

جواب: درین صورت خلاصہ جواب این است کہ تکفیر کردن این شخص مناسب نیست و اگر او از گذشتہ ہا توبہ کند و از صمیم دل و برآستی بہمراہ اسلام و اہل اسلام ہمدردی نماید و ہیج گونه ہمکاری اہل ظلم را در ظلم شان نہ کند، امامت و غیرہ آن درست است و نماز در پشت او درست است ^(۱) فقط.

امامت فاسق متہم: سوال: (۷۴۱) خسر یک دختر بد نیت است، میخواست شرف سنوی (زن پسر) خود را خراب نماید دختر قصہ میکند کہ بعد از شستن سرتبان قمیص خود را کشیدہ بودم کہ خسرم از راہ دیوال بالا شدہ وبہ خانہ آمد من غالمغال (شور) کردم وی گریخت (فرار) کرد کدام کار دیگر نہ شد پس آیا در عقب اونماز میشود یا نہ؟ وزن از نکاح شوہرش بیرون شد یا نہ؟ ہمراہ چنین پدر پسر کدام روش را بکند؟ بیوا توجروا!!

جواب: ہر گاہ کدام کار موجب حرمت مضاہرہ نہ شدہ طبق بیان زن این زن بالای شوہرش حرام نہ شدہ لکن چنین شخص فاسق متہم باید امام نشود اگر چہ نماز در پشت او میشود ولی امام ساختن او مناسب نیست زیرا کہ از شرارت او معلوم شد و حالا برای پسر روا نیست کہ ہمراہ پدر کدام گستاخی کند لکن اگر نگہداری جداگانہ زن خود را کردہ میتواند بکند ^(۲) فقط.

امامت قاریک نماز: سوال: (۷۴۲) برای امام مسجد از سوی وقف تنخواہ ماہ پانزدہ روپیہ حاصل میشود لکن وی ہمیش برای نماز صبح حاضر نمیشود بخاطر یک تا ہشت بجہ خواب میباشد آیا این شخص فاسق است و نماز در پس وی مکروہ است یا نہ؟

جواب: بسبب خواب و غیرہ نکردن امامت یک وقت گرفتن تنخواہ ممنوع نیست و نہ این کار سبب کراہت امامت شدہ میتواند بمثلیکہ در حدیث شریف ہست: لا تفریط فی النوم انما التفریط فی البقظۃ، الحدیث ^(۳) البتہ اگر تارک بودن نماز صبح تحقق یابد وی فاسق است نماز در پس او مکروہ ^(۴) است لکن او بگوید کہ من نماز میخوانم تکذیب اوجائز نیست فقط.

(۱) التائب من الذنب کمن لا ذنب له (مشکوٰۃ باب التوبہ والاستغفار ص ۲۰۶). ظہیر

(۲) ان کراۃ الفاسق کراۃ تحریم زود المختار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ ویکرہ لتذہیب العید الخ والعاسق لانہ لا یتم لاسر دہیہ الخ وان تقدروا جاز للقولہ ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر (مدایہ باب الامامۃ ج ۱). ظہیر

(۳) مشکوٰۃ. باب تعجیل الصلوٰۃ ص ۶۱. ظہیر

امامت گویندۀ مشرک به صاحب ہدایہ: سوال: (۷۴۳) شخصی کہ صاحب ہدایہ را مشرک

و ہدایہ را منطق فلسفہ، و صاحب مذهب را بدعتی میگوید و برای او باین لقب خط مینویسد کہ:

السلام علیکم من اتبع بہدایہ محمد ﷺ در پشت سر چنین شخص نماز جائز است یا نہ؟

جواب: این شخص فاسق ہست، نماز در پس او مکروہ تحریمی است: کما حرر بہ فی الشامی:

أن امامة الفاسق مکروہ تحریمًا ^(۱) فقط.

امامت لنگ: سوال: (۷۴۴) شخص لنگ است، بدون عصا گشتہ نہ میتواند، سیدہ استاد شد

نمیتواند در پشت چنین شخص نماز خواندن جائز است یاخیر؟

جواب: نماز در پس او صحیح است، لکن بہتر این است کہ اگر کدام شخص دیگری کہ لائق

امامت بود موجود باشد و لنگ نہ باشد وی امام ساختہ شود: و کذا یکرہ خلف اعرج یقوم ببعض

قدمہ فالافتاء بغیرہ اول الخ شامی ^(۲) فقط.

امامت شخص متہم: سوال: (۷۴۵) مادر زید چند مرتبہ این سخن راگفتہ کہ شوہرم ہمراہ زن

زید محبت مینماید وزید بالکل بہ گفتار مادر اعتبار نہ میکند درین صورت حکم چیست؟ و آیا

زید امام جور کردہ میشود یا نہ؟

جواب: بہ گفتار ما در زید زن زید بالای او حرام ^(۳) نہ شد و نہ باید بہ چنین راہوری یقین کرد

^(۴) و امام ساختن زید صحیح است.

امامت مبتلا بہ بواسیر: سوال: (۷۴۶) کسیکہ مرض بواسیر داشتہ باشد و گاہ گاہ از او خون

می چکد در پشت چنین شخص خواندن نماز درست است یا نہ؟

جواب: در وثیکہ خون ازوی نمیآید و وضویش بود نماز در پشت او صحیح خواہد بود فقط.

امامت مخالفت سخن حق: سوال: (۷۴۷) دو گروہ مدعی اہل حدیث است از تقریباً چہار

ہج سال بہ این سود دریک سخن اختلاف کردہ اند درین گروہ ہا یکی آن نرم مطیع اسلام

(۱) و تارکھا (ای الصلوٰۃ) عمداً مجاہدہ ای تکامل فاسق والدرد المختار علی ہاشم ردالمحتار کتاب الصلوٰۃ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۵۲. ط.

(۲) ای ان کراہتہ کراہتہ تحریم (رد المحتار) باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰. ظہیر

(۳) ردالمحتار. باب الامامۃ ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. ظہیر

(۴) تزوج بکرا فورجہا لہا و قالت ابوک لفتی ان صدقہا بانت بلا مہر والا لا، والدرد المختار علی ہاشم رد المحتار، فصل فی المحرمات

ج ۲ ص ۳۸۴، ط.س. ج ۳ ص ۳۲. ظہیر

(۵) منها الشہادۃ فی الزنا، یعتبر لہا اربعۃ من الرجال (ہدایہ کتاب الشہادات ص ۱۳۸ ج ۱). ظہیر

واهل اسلام است وگروه دوم سخت عنادی و سنگدل هست و تابعداری سخن حق را نمیکند برای اینها حکم چیست؟ و امامت اینها چطور است؟

جواب: اشکارا است که گروه ضدیکه بخاطر نفسیت متابعت سخن حق را نه میکند و باطل اند و عاصی و فاسق اند و امامت آنها مکروه^(۱) است باقی مانند سخن مکمل با معلوم شدن مکمل واقعه شده میتواند فقط.

امامت ترتیل کننده در قرآن: سوال: (۷۴۸) در کام زید به خاطر مرض سوراخ پیدا شده و ادای حرفها از آن مکمل نمیشود، و به ترتیل خوانده نمیتواند، آیا به موجودیت خواننده خوب از زید امامت زید درست خواهد بود؟ و نماز در پشت او صحیح است یا نه؟

جواب: نماز در پشت او نیز خوانده میشود تا وقتی که کدام غلطی میکنند نماز نباشد، لکن بهتر این است که کدام شخص دیگر که خوب خواندن میکند و قرآن شریف را به ترتیل و تجوید میخواند امام ساخته شود^(۲) فقط.

امامت جنازه کننده شیعه ها: سوال: (۷۴۹) شخصیکه امام مسجد جامع است و در تکفین و تجهیز و جنازه شیعه ها مکمل شریک میباشد و مردم را تشویق میکند حکمش چیست؟

جواب: چنین شخص عاصی و فاسق است امام کردن او و نماز خواندن در عقب او مکروه^(۳) است فقط.

امامت مسلمان جدید: سوال: (۷۵۰) در پشت مسلمان جدید خواندن نماز جائز است یا خیر؟

جواب: جائز است.^(۴)

امامت معذور: سوال: (۷۵۱) سه چهار شخص عذر دارند، لائق امامت نیستند در چنین حالت جدا جدا نماز خواند و یا کسی از میان آنها امامت خواهد کرد؟

جواب: امام معذورها معذور شده میتواند^(۵) فقط.

(۱) و بکروه امامه عبد الح و فاسق (الدرا المختار) بل مشی فی شرح المنية ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفر

(۲) والاحق بالامامة تقدیمه بل نفسا الاعلم باحكام الصلوة بشرط اجتنابه للمواضح الطاهرة وحفظه قدر فرض و قبل واجب و قبل سنة ثم الاحسن تلاوة وتجويد للقرأة (الدرا المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۰ - ۵۲۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷ - ۵۵۸) ط

(۳) و بکروه امامه عبد الح و فاسق (رد مختار) ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفر

(۴) والاحق بالامامة الح الاعلم باحكام الصلوة الح (الدرا المختار علی هامش رد المحتار ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر =

انتخاب امام: سوال: (۷۵۲) (۱) مسجدی به نام جولاهه شهرت دارد، جولاهه امام را دور کردند و حافظ قوم خود را خواستند و امامش کردند آیا مسلمانان دیگر درین مسجد حق دارد؟

امامت استعمال کننده افیوم: سوال: (۷۵۳) (۲) امامی از مسائل خبر دارد، قرآن شریف را در نماز بقراءة میخواند و الفاظ را بطور مکمل اداء میکند ولی تریاق یعنی افیوم میخورد، نماز خواندن در پس او جائز است یا نه؟

امامت خواننده غلط: سوال: (۷۵۴) (۳) امام از مسئله خبر ندارد، قرآن شریف را غلط میخواند کالا میدوزد و میفروشد آیا در عقب او نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: (۱) به رأی مقتدیها یک جماعت آنها بسیار است امام مقرر شده میتواند اما بهر حال باید امام لائق باشد ازهر قوم که باشد^(۱).

جواب: (۲) در پشت سر افیوم خور نماز مکروه است، وی را نه باید امام ساخت.^(۲)

جواب: (۳) بسبب ساختن کالا در امامت وی هیچ نقصان نیست. اما اگر قرآن شریف را غلط میخواند که بواسطه آن در نماز نقص و یا فساد میآید پس او امام کرده نشود^(۳) فقط.

امامت کسیکه نکاح زن شوهر دار را می بندد (بسته میکند): سوال: (۷۵۵) (۱) سه سال میشود که شوهر یک زن به خدمت عسکری رفته است و سه ماه قبل خط او رسیده بود حالا معلوم نیست که او زنده است و یا مرده سخن دیگر اینکه زن حامله پنج ماه است، یک شخص نکاح او را بسته کرده به همراه آن که مردم او را منع میکرد در پشت چنین شخص خواندن نماز جائز است یا نه؟

امامت شخصی که نکاح زن با شوهر را با شخص دیگری بسته کند: سوال: (۷۵۶) (۲) شخصی نکاح زنی را بسته کرد که شوهرش به جنگ رفته بود و این شخص مذکور گفت که هرگاه شوهر این زن بیاید این را برایش میسپارم، و چنین شد تا ششماه در خانه شوهر جدید بود

(۵) ولا طاهر بمعذور الخ و صح لوتوضا علی الانقطاع و صلی کذلک کالتداء بمقتضی امن خروج الدم و کالتداء امرأة بمطهرها و صی بمنته و معذور بمطهر (در مختار) ای ان اتحد عذرهما و اختلف لم یجز الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸، ۵۵۸). ط.

(۱) اوالخبار الی القوم فان اختلفوا اعتبر اکثرهم ولو قدموا غیر الارلی اساءوا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.

(۲) و کذا تکرره خلف الامر و سبقه و فلولج و ابرص شاع برعه و شارب الخمر و اکل الرما و سمام و مرءا متنع (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲) ظفر

(۳) ولا غیر الا نفع به ای بالانفع علی الاصح (ایضا ص ۵۴۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۸۱) ظفر

بعد از آن شوهر اول آمده وزن خود را برد در پشت بسته کننده چنین نکاح جائز است یا نه؟

جواب: (۱) درین حال نکاح دوم زن شرعا درست نیست و کسیکه به همراه علم نکاح دوم را بسته کرد فاسق است، در پشت او خواندن نماز مکروه است.

جواب: (۲) در پشت چنین نکاح کننده و نکاح بسته کننده نیز خواندن نماز مکروه است، این کار حرام است و مرتکب آن فاسق و مردود الشهادة است فقط.

امامت متعلاج: سوال: (۷۵۷) (۱) اگر امام محله عیادت و معالجه مصروف مانده و به آن اهتمام نماید در ضمن آن بعضی نساء مریضه را هنگام درد ناف دست به ناف نهاده عزائم و افسونها بدهد در پس این چنین مبتدع نماز جائز است یا نه؟

امامت امام مبتدع: سوال: (۷۵۸) (۲) در کشمیر بعضی جهال شیوع ساخته اند که بوقت ختنه اذان میگویند و این را از قبیل سنن پندارند اگر امام محله این بدعات را ترویج دهد خلف وی نماز قمر درست است یا مکروه؟

جواب: (۱) فقهاء نهادن دست طیب رابه خاطر علاج بالای اعضاء اجنبه درست داشته اند ولیکن جواز عزائم و افسونها یافت نه شده ^(۱) پس این چنین امام فاسق باشد و امامت او مکروه باشد و تفرورش بر امامت تا وقتیکه او توبه از بدعات نکند جائز نیست. ^(۲)

جواب: (۲) بوقت ختنه اذان گفتن مشروع نیست و سنت پنداشتن آن نادانی است، و امامتش مکروه است ^(۳) فقط.

امامت بدعتی: سوال: (۷۵۹) کسیکه در بدعت شریک میشود و یا کوشش میکند که خود را برهنه کرده بازی کند امامت وی چگونه است؟

جواب: امامت چنین شخص مکروه ^(۴) است.

امامت گسیکه در عروس آوری (شانبجی) سورنا ارمونه میبندد: سوال: (۷۶۰) اگر کدام

(۱) ولا يجوز النظر اليه بشهوة اي الا لحاجة كغسل الخ و كذا مرید شرأها اومداواها الى موضع المرض بقدر الضرورة (رد المحتار باب شروط الصلاة سفر المودة ص ۳۷۷ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۰۷ طبر)

(۲) ويكره امامة عبد الخ ومبتدع اي صاحب بدعة (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ طبر)

(۳) ويكره امامة عبد الخ ولائق الخ ومبتدع اي صاحب بدعة وهي اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول ﷺ لا بمعاذة بل بنوع شبهة (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ح ۱ ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ طبر)

(۴) ايضاً ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ طبر

امام در عروسی (توی) پسر خود ارمونیه و سورتا میرد و این عذر را بیان میکند کہ فامیل دختر گفته اند کہ اگر ارمونیه اوردی نکاح را خواهیم داد این عذر شرعا جائز است یا نہ؟ و در پس او نماز جائز است یا نہ؟

جواب: این عذر شرعا مسموع نیست، و بردن ارمونیه بہ سبب این عذر درست نیست اگر امام مذکور چنین کردہ باشد فاسق است و در پس او نماز مکروه است ^(۱) فقط.

امامت خادم مسجد: سوال: (۷۶۱) بکر خدمتگار مسجد است وقتی امام نباشد نماز میدہد آیا در پس او نماز میشود یا نہ؟

جواب: در پس وی نماز صحیح است فقط (بشرطیکہ وی لائق امامت باشد یعنی از مسائل باخبر باشد و قرأت صحیح بگوید، ظفیر)

نماز عالم در پس ناظرہ خوان: سوال: (۷۶۲) امام مسجد کہ ناظرہ خوان بسیار نمازخوان است در وقت شام ساز میداد کہ یک عالم آمد و بزور بالای امام نماز را شکستند و خودش نماز داد حکم شرعی درین حالت چیست؟

جواب: این کار مولوی صاحب نہایت قبیح و معصیت است، وی سخت گنہگار شد، هیچ کدام سببی چنان معلوم نہ میشود کہ نماز فرض امام و مقتدیا شکستندہ شود، ممکن وی گمان داشتہ باشد کہ در پس ناظرہ خوان نماز عالم نہ میشود در حالیکہ این غلط است. ^(۲)

امامت شمس العلماء: سوال: (۷۶۳) امامت کسیکہ از طرف دولت برایش خطاب شمس العلماء حاصل شود جائز است یا نہ؟

جواب: با اساس اصل: صلوا خلف کل بر و فاجر، نماز در پس او میشود لکن بخاطر تنبیہ مقرری کردن چنین امام مناسب نیست.

امامت خللی انداز در نکاح بیوہ: سوال: (۷۶۴) وقتی زن بیوہ بہ نکاح کردن خوش باشد

(۱) و کرہ کل لقولہ ﷺ کلہ لہو المسلم حرام الا ثلاثہ ملاعبہ اہلہ و نادیہ لفرسہ و متاصلہ بفرسہ (در مختار) قوله کرہ کل لہو ای کل لعب و لعب الخ شامل لنفس الفعل واستماعہ کالرقص والسخریۃ والنصیق و ضرب الاتار من الطيور والربط والرباب والقانون والرمار والسنج والبرق فانہا کلہا مکروہۃ لانہا زی الکفار واستماع ضرب الدف والمزمار وغیرہ ذلک حراما وان سمع بلفظہ بکون معلوما و یجب ان یجہد ان لا یسمع لہستانی (رد المختار کتاب الحظر والاباحۃ فصل فی البیع ص ۳۴۷-۳۴۸ ج ۵ ط. س. ح. ۱ ص ۵۵۹ ظفیر

(۲) واعلم ان صاحب البیت و منہ امام المسجد الراجب اولی بالامامۃ من غیرہ مطلقا (در مختار) ای وار کان غیرہ من الحاضرين من هو اعلم و اقرا منہ (رد المختار باب الامامۃ ص ۵۲۲ ج ۱، ط. س. ح. ۱ ص ۵۵۹ ظفیر

ویک شخص در نکاح وی خلل میانمازد در پس او نماز میشود یا نه؟

جواب: زن بیوه وقتی در سیال خود نکاح میخواهد نباید ولی و یا غیر ولی او را از نکاح منع کند زیرا بدون سبب شرعی منع کردن کدام زن از نکاح گناه است فقط، اصرار برین کار فسق است لهذا امامت او مکروه است، ^(۱) در قرآن کریم آمده: **وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ**، **الآیة، ظفیر**).

امامت گیرنده رخت: سوال: (۷۶۵) یک گروه از اهل اسلام که اشکارا نماز نه میخواند و عبادت سری میکند و اشیاء نیشه آور را استعمال میکند این گروه جلسه نمود و از اکابر منطقه معافی خواست، همه مردم بامعافی خواستن آنها دعوت آنها را قبول کردند و در عروسی شرکت نمودند، آنها اعتراف کردند که ما نماز نیز خواهیم خواند و برای امام یکجوره کالا داد آیا امام مقصر است یا نه؟ و در پس او نماز جائز است یا نه؟

جواب: هرگاه این گروه از اهل اسلام است و وعده نماز را کرده و نماز را شروع کرد و وعده ادای همه فرائض مذهبی را داده اند پس شرکت در عروسی ^(۲) او درست است و خوردن نان او جائز است و کدام امام صاحبیکه در آنجانان خورده و جوړه کالا را گرفته مقصر نیست نماز در پس او جائز است فقط.

امامت تقاعد گیرنده ازدولت: سوال: (۷۶۶) امامت شخصیکه از حکومت تقاعد میگردد جائز است یا خیر؟

جواب: امامت او صحیح و نماز در پس او درست است. ^(۳)

امامت نقل کنندۀ دوکان به نمایش گاه: سوال: (۷۶۷) شخصی دوکان را به نمایشگاه نقل کرد در پس او نماز جائز است یا نه؟

جواب: در پس چنین شخص نماز صحیح است. ^(۴)

(۱) ویکره امامة عبد الخ وفاق (المرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰۰۵۵۹ ظفیر

(۲) التائب من الذنب کمن لا ذنب له (مشکوٰۃ باب التوبه) ظفیر

(۳) در قبول کردن معارضه از طرف دولت کدام جرم شرعی نیست، درین وقت نیز هرگاه که ری مدت مأموریت خود را تکمیل کرده باشد یعنی مستحق تقاعد گشته باشد: و راجع تعمیر کتیبه و حمل خمر دمی بنفسه اودان به باجر الخ (در مختار) قال فی الخایة ولو آخر نفسه لیمحل فی الکتبة ویصیرها لایاس به لانه لا مصلیة فی عین العمل (رد المحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی البیع ص ۳۴۵ ح ۵، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۱، ظفیر

(۴) باعین شدن تالیری به امامت نه می آید این کدام عیب ظاهر و اشکار نیست که باعث کراهت شود و الله اعلم. ظفیر

امامت غیر مقلد: سوال: (۷۶۸) (۱) زید امام است ومقتدیان وقتی درهر جماعت تکبیر میگویند امام وقتی استاد میشود که درتکبیر حی علی الفلاح ویا الله اکبر گفته شود وقیل از این همه تکبیر را نشسته میشود (ویک مقتدی هم چنین میکند بهمراه امام بلند میشود وقتی تکبیر بپایان رسید امام الله اکبر میگوید.

ترک نمودن ثنا از سوی امام چگونه است: سوال: (۷۶۹) (۲) گاه گاه امام سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ را نه خوانده فوراً به الحمد لله شروع میکند.

اقتداء به امامیکه یک رکعت وتر میخواند: سوال: (۷۷۰) (۳) یک امام وتر را یک رکعت میخواند نماز خواندن درپس اوچطور است؟

جواب: فقهاء نوشته اند که: در آداب نماز هست که وقتی درتکبیر حی علی الفلاح بگوید درین وقت امام ومقتدیان استاده شوند وهرگاه قد قامت الصلاة بگوید درآن وقت امام نماز را شروع کند واگر بعد از پایان یافتن تکبیر شروع کند باکی ندارد. ^(۱)
جواب: (۲) این کار خلاف سنت است.

جواب: (۳) امام ساختن این شخص خوب نیست وی غیر مقلد معلوم میشود، حتی الوسع درپس اونماز نخوانید شخصی دیگری که عالم متقی وحنفی باشد لا امام بسازید. ^(۲)

شوهر در تراویح به زن اقتداء کند یانه: سوال: (۷۷۱) زن زید حافظه است اگر در رمضان شریف شوهر وپسر ودخترانش به وی اقتداء کند درفرض وتراویح جائز است یا نه واگر زن حافظه تنها تراویح میخواند قرائت را به جهر بخواند یا نه؟

جواب: ولا یصح اقتداء رجل بالمرأة وخشی وصبی مطلقاً الخ درمختار ^(۳) ویکره جماعة النساء ولو فی التراویح ^(۴) درمختار. ولا تجهر فی الجهریة بل لو قیل فی الفساد بجهرها لامکن بناءً علی ان صوتها عورة شامی ص ۳۴۹ ج ۱، ازین روایات معلوم شد که اقتداء شوهر به زن صحیح

(۱) والهام لامام ومزمع حين قبل حی علی الفلاح الخ ان كان الامام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف يعنى اليه الامام على الاظهر وان دخل من لدام قاموا حين يقع بصرهم عليه الخ وشروع الامام في الصلوة مذ قبل له قامت الصلوة ولو اخر حتى اتهموا لا بأس به اجماعاً وهو قول الثاني والثلاثة ورواعل المذاهب الخ (الدرالمختار على هامش ودرالمختار آداب الصلوة ص ۴۴۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹) ظفیر

(۲) وسننها رفع اليهين للتحريمه الخ والشاء والنهوء والتسمية (ايضا سن الصلاة ج ۱ ص ۴۴۳، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۴ - ۴۷۵) ظفیر
(۳) وكذا تكره خلف امرء الخ زاد ابن ملك ومحافل (الدرالمختار على هامش ودرالمختار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۶، ط.س. ج ۱ ص ۵۲۲) ظفیر

(۴) الدرالمختار على هامش ودرالمختار باب الامامة ص ۵۳۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۶ - ۵۷۷، ظفیر

(۱) نیست.

امامت بازیگر شطرنج: سوال: (۷۷۲) حافظیکه بازی شطرنج را میکند که نمازش نیز قضا

میشود امامت او جائز است یا نه؟

جواب: امامت وی مکروه است. (۲)**امامت عضو پارلمان: سوال:** (۷۷۳) چنده دادن و عضو شدن در پارلمان تیار شد از جناب

دولت چطور است و عضو شدن آن چه گونه است و کدام مردمیکه اعضای آن شده اند حکم آنها

چیست و درپس آنها نماز میشود یا نه؟

جواب: چنده دادن و عضو شدن و کوشش برای آن درست نیست آنها درحقیقت کوشش دارند

که شوکت اسلام و خلافت اسلامی را دور کنند حال چنین مردم بسیار خطرناک است و امام

ساختن آنها مکروه است (۳) فقط.

امامت عنین: سوال: (۷۷۴) در پس عنین یعنی نامرد نماز درست است یا نه؟**جواب:** در پس عنین نماز درست است. (۴)**امامت مصلح: سوال:** (۷۷۵) شخصی حنفی، قاری، مفتی، شریف، پابند روزه با خبر از

مسائل ضروری است پیشه وی درین وقت اصلاح سازی است و چیزیکه به اصلاح سازی حاصل

مینماید به آن تربیه فامیل خود را مینماید، آیا شرعاً این پیشه جائز است یا نه؟ و امامت چنین انسان

جائز است یا نه؟

جواب: پیشه مذکوره حلال است و امامت ولی درست بدین سبب در امامت وی هیچ کراهت

نیست.

امامت شخصیکه دختر رفاصه است: سوال: (۷۷۶) شیخ سخاوت پابند نماز و روزه است

و دختر او پیشه سازنده گی (رفا صه) را میکند و سخاوت به همراه او بود و باش میکند امامتش جائز

است یا نه؟

جواب: اگر در چنین حال مردم از امامت وی کراهت داشته باشند امام شدن او مکروه است (۵).

(۱) الفهرست المختار علی هاشم و الدمشق باب الامامة ص ۵۳۹ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۷۶ - ۵۷۷. ظفر

(۲) و در مختار فصل تالیف الصلوة تحت فقه و تعلق بغيرها الح ص ۴۷۱ ح ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۰۴. ظفر

(۳) و الاجتماع علی الائمه و العدول (قرآن پاک) و بکرة تقديم الفاسق ايضا لضعفه فی الامور الدينية (غنية المستملی ص ۳۵۱. ظفر

(۴) یا عنین شایع تائیدی به امامت نه می. بد این کدام عیب ظاهر و آشکار نیست که باعث کراهت شود و الله اعلم. ظفر =

امامت دشنام دهنده: سوال: (۷۷۷) شخصی به اولاد خود دشنام مادر و خواهر میدهد و بچه

های حرامی و اولاد حرامی برای آنها میگوید، و میگوید در نقطه تو لوق است یک دخترش جوان

است و بالای وی هیچ پرده نمیکند، چنین شخص چه حکم دارد امامتش چطور است؟

جواب: اکثر کارهای این شخص خلاف شریعت و حرام و معصیت است، لهذا حکم فسق بالای

وی زده میشود وی فاسق است، و نماز درپس او مکروه تحریمی است ^(۱) فقط.

امامت کسیکه توانائی سجده کردن را ندارد چطور است؟ سوال: (۷۷۸) شخصیکه

از سجده کردن عاجز باشد و بقیه همه ارکان رکوع، قومه و غیره را بخوبی اداء می کند و به استاده

گی نماز میخواند آیا درپس او نماز درست است یا نه؟

جواب: نماز مردمانیکه سجده کرده میتوانند درپس او صحیح نیست، دردمختار آمده: والعبرة

للعجز عن السجود حتی لو عجز عنه وقدر علی الركوع أو ما الخ. ^(۲)

امامت کسیکه خواسته غلط را قبول نمیکند: سوال: (۷۷۹) اگر استاد به شاگرد بگوید که

بیوه استاد خود که فی الحال در نکاح تو است طلاق بده ورنه عاق هستی اگر شاگرد طلاق نه

داد این سبب عاق شدن او میشود یا نه؟ و در پس او نماز جائز است یا نه؟ و عاق کردن در لست

است یا نه؟

جواب: این دلیل عاق شدن شاگرد نه میشود و به این سبب عاق کردن شاگرد صحیح نیست

و اگر بدین سبب استادی و عاق کرد در حقیقت او عاق نیست ^(۳) و نماز درپس او صحیح و درست

است فقط.

امامت قاتل زن بدروش: سوال: (۷۸۰) یک نفر بغضاتر روش بد زن خود رکشت و بازده

سال بندی شد نماز درپس چنین شخص درست است یا نه؟

جواب: گشتن برایش جائز نه بود و بسبب این گشتاروی فاسق و مرتکب گناه کبیره است، ^(۴) توبه

(۵) قال رسول الله ﷺ الطلاق ایض المباحات (مشکوٰۃ کتاب الطلاق) طلاق دادن بدون سبب فعل ماحض است اتباع آن جائز نیست. ظهیر

(۱) و بکره امامه عبد الخ و لاسق (در مختار) بل مشی فی شرح المسیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم ورد بحر - الامامة ص ۵۲۳ ح ۱

ط. ص. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) حدیث نبوی است: سباب المسلم لسوق و قتاله کفر. رواه مسلم. ظهیر

(۲) و المختار باب الامامة ص ۵۱۲ ج ۱، ط. ص. ج ۱ ص ۵۷۹. ظهیر

(۳) قال رسول الله ﷺ الطلاق ایض المباحات (مشکوٰۃ کتاب الطلاق) طلاق دادن بدون سبب فعل ماحض است اتباع آن جائز نیست. ظهیر

(۴) وعن معاوية قال قال رسول الله ﷺ كل ذنب عسی الله ان يعفوه الا الرجل يموت كافرا. والرجل یقتل مؤمنا متعمدا (کتاب

الترغیب والترهیب کتاب الحدود لابن حجر ص ۲۲۲) ظهیر

کردن واز وارثان زن عفوہ خواستن به عہدہ وی لازم است اگر توبہ نمود وورثہ حق خود را معاف کردند امامت او صحیح است ^(۱) فقط.

امامت صاحب عقائد غلط: سوال: (۷۸۱) یک شخص امام مسجد است ووی بعد از نماز خفن از دهن یک قوال بنگی وچرسی چنین تعریفات حضرت عبد القادر جیلانی را میشنود کہ: یک دفعہ حضرت پیر عبد القادر جیلانی در وقت سوال کردن نکیر ومنکر در قبر از یک مرید او بہ من ربکہ؟ نکیر ومنکر رابندی ساخته بود. ویک مرتبہ ارواح بسیار مردہ ہا را از ملک الموت در حالی بود کہ از آسمان چہارم میگذشت واین قوالہ ہمہ این خواندن را بہ اواز بلند بہ لہجہ خطاب در مسجد مینماید وبخصوص برای سجادہ نشین میگوید وامام مسجد ذرہ آنرا منع نہ میکند بلکہ آنرا تائید میکند کہ ہمہ این چیزها صحیح است وبرای عاشق خو بالکل رواست آیا درپس چنین امام نماز جائز است؟ ومنع کننده این کار منکر اولیاء است یا نہ؟

جواب: چنین امامیکہ قصہ ہای دروغین وبی اساس رامی شنود وآنرا تحسین میکند وانرا تائید مینماید فاسق است، لایق امام کردن نیست ودرپس او خواندن نماز مکروہ ^(۲) است. (ومنع کننده چنین قصہ ہای باطل وخواندن آن برحق هست ووی رامنکر اولیاء وعد عقیدہ شمردن فسق ومعصیت وافتراء ودروغ واضح است). فقط

امامت دو کاندار: سوال: (۷۸۲) چشم دکاندار در وقت فروش سودا بہ مردہا وزنہا میافند امامت وی جائز است یا نہ؟

جواب: امامت او جائز است ^(۳) فقط.

امامت غلط خوان: سوال: (۷۸۳) شخص امامت هست مگر الفاظ را صحیح نمیخواند وتمیز لفظ استادہ وافتادہ را کردہ نہ میتواند در میان ہاء وحاء ہیچ فرق کردہ نمیتواند درپس چنین امام نماز یک حافظ درست است یا نہ؟

جواب: اقتداء حافظ صحیح خوان درپس شخصی کہ اداء صحیح نہ میکند ودرمیان ہاء وحاء وتا

(۱) قال رسول الله ﷺ: العاتب من الذنب کم لا ذنب لہ (مشکوٰۃ باب الاستغفار والوبہ فصل ثالث ص ۲۰۶) ظہیر

(۲) انسان بہ انداختن چشم فاسق نہ میشود اول نہ این دلیل کہ بحاطر ضرورت روا است ثانیاً اییکہ روی دستر داخل نیست معاف است البتہ تیز دیدن منع است حضور اکرم بہ علی (رض) فرمودہ بود: یا علی لا تبص النظر فان لک الاولی ولست لک الآخرۃ (مشکوٰۃ باب النظر الی المحظورہ ص ۳۶۹) در رابطہ بہ ستر علماء مینویسند: وللحرۃ لو خشی جمیع بدنہا الخ علا الوجه والکفمن الخ.

(۳) بیہند: ودالمختار الشامی باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ظہیر

وطاء فرق کرده نمیتواند^(۱) صحیح نه میشود.

امامت موجبی (گهنة دوزی) وغسال: سوال: (۷۸۴) کدام کراهیت در امام موجبی وغسال

هست یانه؟

جواب: نماز خواندن درپس موجبی وغسال درست است و تنها بدین دلیل کدام کراهت در امامت اونیست البته اگر کدام دلیل دیگر کراهت موجود باشد نماز درپس او مکروه خواهد بود، و بهتر شخص برای امامت کسی است که از مسائل نماز خیر بوده و قرآن شریف را درست بخواند و صالح باشد.^(۲)

امامت کسیکه در پشت نماز نمیخواند: سوال: (۷۸۵) اگر یک شخص بدون اجازه امام

مسجد جماعت میدهد البته باشاره کدام شخص و او اکثراً درپس کسی نماز نه میخواند هرگاه جماعت را استاده ببیند یا پس میرود و یا در وضوء آنقدر خود را مصروف میسازد که جماعت از او بگذرد نماز خواندن درپس او چطور است؟

جواب: نماز درپس او درست است و این کار وی بدو شرعاً قبیح است که در پشت کسی نماز نه میخواند^(۳) فقط.

امامت کسیکه فیصله جمعیت علماء هند را غلط میگوید: سوال: (۷۸۶) کسیکه فیصله

متفقہ جمعیت علماء هند را دروغ می پندارد و علماء را که بالای فتوای مذکور مهر زده اند و کسانی که این فتوی را حق میدانند کافر میگوید در مکتب انگلیسی معلم است درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: این شخص فاسق و نماز در پس وی مکروه تحریمی است و امام ساختن چنین شخص حرام است زیرا در آن تعظیم او است و تعظیم فاسق حرام است، کذا حقه فی الشامی ان الصلاة خلف الفاسق مکروه بکراهة التحریم^(۴).

امامت ختنه کننده: سوال: (۷۸۷) کسیکه اطفال را سنت و ختنه میکند امامتش چطور است؟

(۱) الا غیر الالغ علی الاصح الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۴ ح ۱ ، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۷) طغیر

(۲) الا حق بالامامة تقدما بل نصبا بالعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للنواحيش الظاهرة وحفظه قدر فرض وقبل واحد وقبل سنة وهو الاظهر (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۴۱) طغیر

(۳) فتنن اولجب لمرته تظهر فی الاثم بتركها مرة (ایضاً ص ۵۱۸ ح ۱ ، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۴) طغیر

(۴) ببیند: رد المحتار شامی باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ طغیر

جواب: جائز است فقط ^(۱).

امامت عالم معذور: سوال: (۷۸۸) در پس عالم معذوری که مقتدیها کراحت میکنند به

موجودیت امام تندرست خواندن نماز صحیح است یا نه؟

جواب: در دُرُمختار است که: ولا ظاهر بمعذور الخ ولا قادر علی الركوع وسجود بعاجز عنهما

^(۲) الخ ازین عبارت معلوم شد که نماز غیر معذور در پس معذور صحیح نیست، و امامت کسیکه

مقتدیان آنرا بد میدانند مکروه است ^(۳) در مشکوٰۃ شریف آمده است: ثلاثة لا تقبل صلاتهم من

تقدم وهم له كارهون، الحديث. ^(۴)

امامت عالم سیاح: سوال: (۷۸۹) کدام علماء سیاحی که از رُطن دیگر می‌آیند، عقیده آنها

مکمل معلوم نه می‌باشد حتی بعض درمیان آنها مجرمان مشهور نیز می‌باشد و امامت میکنند وقتی

امام مقرر در حضور آنها امامت کند درین حالت بی عزتی خود را می‌پندارند در حالیکه خطبه

رانیز درست خوانده نه می‌توانند امامت چنین سیاح مجهول درست است یا نه؟

جواب: گفتار و فکر این سیاح غلط و باطل است و کسیکه خطبه را غلط می‌خواند و از مسائل نماز

پوره خبر نداشته باشد و اطمینان صحیح العقیده بودن وی نباشد امام ساختن وی مناسب نیست

بلکه شخص عالم و تابعدار شریعت را امام سازید فقط.

امامت شخصی که مخالف انگلیش را کافر می‌پندارد: سوال: (۷۹۰) زید در مکتب دولتی

کورس را نشان می‌دهد و میگوید: کسیکه ماموریت من را حرام می‌پندارد من در عقیده خود او را

کافر میدانم درین صورت نماز در پس زید درست است یا حرام؟

جواب: ماموریت در مکتب انگلیسی اگر بکدام درجه در بعض صورتها جائز هم است لکن

در قبیح بودن آن هیچ سختی نیست لهذا زید که حرام گوینده گان غلامی انگریزه‌ها را کافر می‌پندارد

سخت در غلطی است وی عاصی و فاسق است لهذا در پس او نماز مکروه است و او را امام کردن

(۱) ابن کاز روا است به سبب آن هیچ عیب عائد نه میشود: وقيل في غتان الكبير اذا امكنه ان يحن نفسه لعل الخ والظاهر في الكبير انه يحن (در مختار) ای پخته غیره (در المختار کتاب الحظر والاباحه باب الاستبراء ص ۳۲۷ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۳۸۲) ظهير

(۲) الدر المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸ - ۵۷۹، ظهير

(۳) ولو ام فوماً وهم له كارهون ان الكراهة لفساد اولائهم احق بالامامة منه كره له فذلك تحريماً لحدث ابی داود ولا يقبل الله صلاة من نكده فوماً بهم له كارهون (در المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظهير

ب. لا امة فصل ثانی. ص ۱۰۰. ظهير

حرام است^(۱) فقط.

امامت نادان ومبتدع: سوال: (۷۹۱) (۱) یک شخص با ملا جمال الدین بیعت نموده تنها یک پاره عم (۳۰) را خوانده وبگفتار جمال الدین نماز را در وقت ضیق میخواند حتی نماز جمعه را درین شب وروز به سه بجه میخواند ونماز خفتن را به یازده بجه ومیگوید که پیش از نماز خفتن خواب کردن فرض است، وزن خود را طلاق کرده وبه سه صد روپیه آنرا فروخته.

سوال: (۷۹۲) (۲) حافظ مولا بخش به اردو، فارسی، ومسائل خوب خبر دارد واکثر ازخاطر کاروبار یک در وقت نماز ازوی قضاء میشود قصداً نماز را قضاء نه میکند، درین هردو درپس کدام یک نماز جائز است؟

جواب: (۱) شخصیکه مرید ملا جمال الدین است ودر نمازها تأخیر مینماید وقبل از نماز خفتن خواب رافرض میداند وکارهای دیگر خلاف شریعت رامیکند جاهل ومبتدع وفاسق است خواندن نماز درپس اومکروه است وامام کردن وی ناجائز وحرام است^(۲) وشخص دوم که حافظ قران وازمسائل باخبر ونماز رابه پابندی ادا میکند اگر این شخص قضاء نمازهای فوت شده رابخواند در پس وی بدون کراهت درست است درمقابل بهامرد اول ملا بخش را امام ساختن مناسب است^(۳) فقط.

جواب: (۲) بر مولا بخش لازم است که اگر اتفاقاً کدام وقت کدام نمازی ازوی ترک میشود حتماً قضاء آنرا بگرداند زیرا بالکل تارک قصدی یک وقت نماز نیز فاسق است^(۴) ودر عقب اونماز مکروه است فقط.

امامت کسیکه درخانه شرابی سکونت میکند: سوال: (۷۹۳) امامیکه درخانه شرابی سکونت میکند درپس وی نماز تجائز است یانه؟

(۱) وبکراه امامه عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح النیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظهیر

(۲) وبکراه امامه عبد الخ وفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح النیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم. (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظهیر

(۳) والاحل بالامامة نصاً بل تقدیماً الاعلام باحكام الصلوة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفراش الظاهرة الخ (الدرا المحتار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۱ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظهیر

(۴) اذا الطاهر بالاحل کبره لا تزول بالقضاء بل بالتوبة (الدرا المحتار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفرائض ص ۶۷۶ ج ۱ ط.س. ج ۲ ص ۶۲) ظهیر

جواب: جائز است. ^(۱) فقط

امامانیکه نمبر وار نماز میدهند و نمازهای وسطی رانه میخوانند: سوال: (۷۹۴) چهار

برادر در یک مسجد نمبر وار نماز میدهند به نمبر خود نماز میدهد و نماز بعدی را ترک مینماید

در پس اینها نماز جائز است یا نه؟

جواب: مکروه است ^(۲) فقط.

امامت کسیکه به نام انگلیسها و ایصال ثواب آنها قوآن شریف کل میخوانند: سوال:

(۷۹۵) زید امام مسجد جامع و واعظ است وی بخاطر جارج و قیصر هند قرآن کریم را تلاوت

کرد و به او بخشید و در خطبه برای وی دعا کرد و وقتی درباره دعا برای سلطان المعظم به او گفته

شود فتوای علماء را میخواهد و بالای اهل خلافت تبراً میکند و عوام را تحریک میکند که کمیته

خلافت کدام سخن دینی نیست، نماز خواندن در پس امامیکه نان خانه سازنده گان را میخورد

جائز است یا نه؟

جواب: چنین آدم فاسق است و لایق امام کردن نیست و باید از امامت و وعظ کردن دور و منع

شود، ترک موالات شرعی فرض است و همدردی خلافت بالای مسلمانان در هر حال لازم

و واجب است. کوتاهی کردن درین کار حرام و گناه است و امامیکه طعام خانه سازنده گان

(رقاصان) را میخورد وی نیز لایق امام شدن نیست ^(۳) فقط.

امامت مخالفت کننده فتوی: سوال: (۷۹۶) امام مسجد جامع به خلاف فتوای همه علماء

کرام و خلاف رضایت همه مسلمانها در مسجد جامع بخاطر خوش نمودن دشمنان اسلام روشنی

کرد که به این کار بدنامی همه مسلمانان شهر شد.

(۲) قبل از خطبه به منبر بالا شده دشنام فحش و گنده گفت.

(۱) تنها به سکونت در خانه شرابی فسق لازم نه میشود فقهاء میبوسند: و جاز تعمیر کتبه و حمل حجر ذمی بفسه اودایه باجر لا عصرها لقیام المعصیه بهمیه و جاز اجاره بیت الخ والدیر المختار علی هاشم ردالمحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی البیع ص ۳۴۵ ج ۵ ، ط.س. ج ۶

ص ۳۹۱ ظهیر

(۲) تارک نماز عاصی و فاسق است: و تارکها عمداً محانة ای نکاسا فاسق والدیر المختار علی هاشم رد المحتار کتاب الصلوة ج ۱ ، ط.س.

ج ۱ ص ۳۵۲ و فقهاء در رابطه به امامت فاسق صراحت کرده اند که: ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامت ص ۵۲۳

ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظهیر

(۳) و بکروه امامه عدد الخ و فاسق (ردمختار) بل منی فی شرح المسبة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ،

ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظهیر

(۳) درپیش روی همه نماز خوانان تنها بخاطر برائت خود بیانیة قسمیه خواند و آن بالکل غلط و دورغ ثابت شد درپس چنین امام نماز جائز است یا نه؟ دور کردن او و مقرر کردن امام دیگر ضروری است یا نه؟

جواب: چنین شخص لایق امام شدن نیست بلکه لیاقت دور کردن را دارد نماز درپس وی مکروه است پس دور کردن او و مقرر کردن امام ضالح و عالم برمسائل شریعت ضرور است ^(۱) لکن اگر وی از حرکات خراب خود باز نه آید و توبه کند وی به امامتش باقیمانده شود ^(۲) فقط.

امامت شخصیکه حمایت کننده شرک و بدعت باشد: سوال (۷۹۷) کدام قاضی شهر که به طبعیت خود نماز میدهد و قمیص پیرهن (کتبان) خود را از زانوهای خود بلند کرده و کوت را استعمال میکند و گدّه باشد و برخلاف اسلام برای شرک و بدعت کردن خودش گفتار میکند، درپس وی نماز جائز است یا خیر؟

جواب: امام کردن چنین شخص حرام است و نماز درپس او مکرره تحریمی است. کذا فی رد المحتار ^(۳) فقط.

امامت کسیکه یک بازویش قطعه شده و گور باشد: سوال: (۷۹۸) شخصیکه یک بازویش نباشد و هم کور باشد امامتش جائز است یا نه؟

جواب: نماز درپس او میشود لکن امام دیگر که بینا باشد و هردو پا و دستانش صحیح باشد و از مسائل نماز خبر و نیک باشد بهتر است. ^(۴) فقط

امامت کسیکه زنی تی تی میکند: سوال: (۷۹۹) زن زید پیش امام از سوراخهای خانه خود سوی راه روان راه عام میبندد و درباره منع کردن آن امام مذکور میگوید که کدام زن هست که در وقت دول و سرنا از دروازه خود سیل (دیدن) نه میکند؟ درپس چنین امام نماز همگی میشود یا خیر؟ و یا نماز مردمانیکه واقعه مذکور را به چشم خود دیده اند جائز خواهد بود یا مکروه؟

(۱) و بکروه امامة عبد الخ و فاسق (رد المحتار) علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ظفر

(۲) قال رسول الله ﷺ: التائب من الذنب کمن لا ذنب له (مشکوّة باب التوبة والاستغفار ص ۳۰۶ ظفر

(۳) و بکروه امامة عبد الخ و فاسق الخ و مبدع (رد المحتار) بل مشی فی شرح المسیة ان کراهة تقديسه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ظفر

(۴) و بکروه تزنيها امامة عبد الخ و اعنی (رد المحتار) قال فیه کراهة امامة الاعنی فی المحيط و غیره بان لا یكون افضل القوم فان کان افضلهم لهدی اولی الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰، و کذا نکره خلف امرد و مفلوح (رد المحتار) و کذا الک عرج بقوم بعض لعمه الخ و کذا اجزم الخ و من له يد واحدة الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ ظفر

جواب: نماز همه گئی درپس اومیشود لکن باید درین کار امام احتیاط کند وزن خود را ازین کار ناروا بند کند و اگر بعد از منع کردن زن قبول نکرد گناه بالای او است شوهر بری الذمه هست ^(۱) فقط.

امامت گنبدیکه چادر نماز میپوشد: سوال: (۸۰۰) با پوشیدن چادر نماز و کلاه دو گنبد و قمیص بلند امامت کردن در مسجد درست است یا نه؟

جواب: اگر ستر عورت مکمل بود نماز میشود لکن بهتر این است که بالباس شرعی و دستار نماز بدهد ^(۲) فقط.

اگر در مسجد منزل زیر پای امام خالی باشد: سوال: (۸۰۱) در زیر مسجد یک دوجای است و جای استاده شدن امام پر نیست بلکه خالی است درین کدام حرج است یا نه؟

جواب: اگر جای امام از طرف پائین خالی باشد در پر کردن این جای خالی کدام حرج نیست فقط.

امامت جذامی: سوال: (۸۰۲) امامی از مسائل شرعی کماحقه خبر دارد امام ساختن وی روا است یا نه؟

جواب: نماز درپس وی وقتی میشود که خون و غیره اش جاری نباشد و وی در حکم معذور نه شده باشد و راه آن امام ساختن وی خوب نیست و باید در رفتن به مسجد نیز احتیاط کرد: کذا حقه فی کتب الفقه قال فی الشامی: و کذا القصاب و السماک و المجدوم و الابروص و اولی باللاحاق ای بالقوم و غیره و قال سمنون لا اری الجمعة علیها و اصبح بالحديث ^(۳) فقط.

امامت زناکار و جلباز: سوال: (۸۰۳) زید دختر کاکای خود هنده را که بکسی دیگری عروسی شده تحریک (شیطانت) کرد و چند روزی آنرا نگهداری کرد پس یک سند را بنام شوهر هنده گرفت و طلاق نامه را نوشته و با فریب انگشت شوهر هنده را بالای آن زد درپس چنین شخص نماز جائز است یا نه؟ در حالیکه مردم دیگر قابل امامت موجود است؟

(۱) بهین خاطر برای زنها روا نیست که به غیر محرم سبل کد و شوهر مراقب زن است، اوشاد نبوی است: و الرجل راع علی اهل بینه و هو مسئول عن رعیته (مشکوٰۃ کتاب الاماره ص ۳۳۰) و الله اعلم. ظفیر

(۲) و الراج ستر عورته الخ و هی للرجل ماتحت سرته الی ماتحت رقبته (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ۳۷۴ ج ۱، طس. ج ۱ ص ۴۰۴) و المستحب ان یصلی الرجل فی لفة الثوب ازار و قمیص و عمامة و لو صلی فی ثوب واحد و شوحا به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصر جاز من غیر کراهة مع تسبیر وجود الطاهر الزائد و لکن فیه ترک الاستحباب. (غنیة المستملی ص ۳۲۷) ظفیر

(۳) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و ما یکره فی المسجد ص ۶۱۹، طس. ج ۱ ص ۶۶۱. ظفیر

جواب: اگر کدام خیانت زید ثابت شود و بدون سبب کوشش جدائی میان هردو را کرده بود^(۱) درحال موجود وی قابل امامت شدن نیست و پس اونماز مکروه است کدام شخص صالح وعالم را امام کند. فقط

امام نکاح خوان حرام: سحوال (۸۰۴) زید سه نکاح را که ممانعت آن از قرآن شریف است بسته نمود دو نکاح درداخل عدت و یک نکاح از خویشی (خواهر همسر) خود را درحالیکه خواهر دوم اش درنکاح موجود بود بسته نمود درپس چنین شخص نماز جائز است یا نه؟

جواب: چنین شخص نادان لیاقت جور شدن امام بودن را ندارد وی راباید ازامامت دور کرد ونماز درپس او مکروه است زیرا وی فاسق هست وامامت فاسق مکروه است کذا فی الشامی: ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم^(۲) فقط

امامت دروغ گوی و فرب دهنده: سوال: (۸۰۵) مولوی عبد الحق دریک جلسه اعلان نمود که من ماموریت مکتب منطقه کپوته رارها کردم وبعد ازان استعفاء نیز داد، و ملک لعل خان صاحب وی را بصفت مفتی امورشرعیه مقرر کردبه تنخواه ماهوار سی روپیه (۳۰) سه چهار روز بعد وی استعفاء خودرا پس گرفت حالا مسلمانها بهمراه وی کدام سلوک بکنند؟ ودر پس وی نماز بخوانند یا نه؟

جواب: درین شک نیست که وی این بد را کرد که ماموریت مذکور را ترک کرد بعداً پس گرفت درمقتدا وامام ساختن چنین شخص توهین مسلمانها وهمه است وی را امام ناسازید فقط.

تفصیل امامت گور: سوال: (۸۰۶) مسئله یکه درباب الصلاة ص ۱۱۲ شرح وقایه درباره ممانعت نماز درپس کور نوشته شده شرح میخواهد زیرا در اکثر مسجدها حفاظ قران امامهای گور اند درپس آنها نماز جائز است یا نه؟

جواب: در دُر مختار هست: ویکره تنزیها امامة عبد واعرابی وفاسق وأعمی إلا أن یکون الفاسق أعلم الفاسق^(۳) الخ حاصل این است که نماز درپس گور وغیره مکروه تنزیهی است یعنی خلاف

(۱) قوله فاسق من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من يرتكب الكبائر الخ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰. اربع من كن فيه كان منافقا خالصا ومن كانت فيه خصلة منهن كانت فيه خصلة من النفاق حتى يدعها اذا ائتمن خان الحديث (مشكوة باب الكبائر ص ۱۷). ظفیر

(۲) بل متى فی شرح النية ان كراهة تقدیمه ای الفاسق) كراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظفیر

اولی هست، و بهتر نیست لیکن اگر گور از مسائل نماز باخبر و محتاط بود باز کراهت هیچ نیست چنانچه رسول الله ﷺ یک صحابی ابن ام مکتوم را که کور بود بصف امام مقرر کرده بود ^(۱) فقط.

شخصی که در وقت را در یک مسجد و سه وقت را در مسجد دیگر امامت میکند: (۸۰۷)

امامیکه سه وقت در یک مسجد نماز میدهد و دو وقت را در مسجد دیگر آیا جائز است یا نه؟

جواب: درین کار هیچ سبب منع کردن نیست فقط.

امامت بالغلاہ و بحث در آن. سوال: (۸۰۸) یک بزرگ (پیر) در یک کتاب الامامة العمامة

والصلاة بالمروجة به بسیار قوت ثابت کرده که به همراه گُلاه نماز نمیشود و هیچ یک از صحابه و تابعین و تبع تابعین به همراه گُلاه نماز نخوانده و حضرت مولانا گنگوہی در فتاویٰ نوشته است که اگر جماعت نیز به همراه گُلاه خوانده شود مکروه نیست آیا واقعاً نماز همراه گُلاه خلاف سنت هست؟

جواب: امامت به همراه دستار افضل واحسن و مستحب است لکن بدون دستار و تنها به همراه گُلاه مکروه نیست: کما فی شرح المنية الكبير: والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقميص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحد متوشحاً به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصورة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزايد ^(۲) الخ، ازین عبارت روشن هست که بدون دستار تنها به همراه گُلاه نماز خواندن و امامت کردن مکروه نیست اگر چه بهتر این هست که به همراه دستار شود.

امامت کسیکه بدون طلاق دادن زن را ترک شده نگهداری میکند: (۸۰۹) شخصی که زن

خود را بدون طلاق رها میکند و سخن او را نه میگرد حکم آن چیست؟ در پس چنین شخص نماز میشود یا نه؟

جواب: نگاه کردن زن کالمعلقة (مانند آویزان) که نه وی را طلاق میدهند نه از وی خبر گیری میگیرد

(۳) ان کراهة تقلیدیه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۱) قید کراهة امامة الاعمی فی المحيط وغیره بان لا یكون الفضل القوم فان کان الفضلهم فهو ارلی آھ الخ لکن رد فی الاعمی بن خاص وهو استخلاصه ﷺ لابن ام مکتوم و عنان ﷺ علی المدینة وکانا اعیین لانه لم یبق من الرجال من هو اصلح منهما وهذا هو المناسب لاطلاهم والقصارهم علی استثناء الاعمی (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۲) غیة المستملی ص ۲۴۷ طبر

حرام و ناروا است، قال الله تعالی: فلا تمیلوا کل المیل فتذورها کالمعلقة^(۱) الاية، پس این شخص عاصی و ظالم است و امامتش مکروه است یعنی خواندن نماز در پس وی مکروه است.^(۲)

امامت شخصیکه رسول الله ﷺ را غیب دان میندازد: سوال (۸۱۰) زید جناب سرور کائنات را غیب دان می پندارد و به این آیت و حدیث شریف و غیره استدلال میکند که میفرماید: ویکون الرسول علیکم شهیداً، وایت علم الاولین و الآخرین، در پس چنین شخص نماز جائز است یا نه؟ و اگر از ترس فتنه نماز در پس وی خواند اعاده اش واجب است یا نه؟

جواب: در شرح فقه اکبر است: ثم اعلم ان الانبياء علیهم السلام لم يعلم المغیبات من الاشياء الا ما اعلمهم الله تعالی احياناً و ذکر الحنفية تصريحاً بالتکفير باعتقاد ان النبی ﷺ يعلم الغیب لمعارضة قوله تعالی: قل لا يعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله، کذا فی المسایرة، ص ۱۸۵ شرح فقه الاکبر. پس معلوم شد که عقیده زید باطل و غلط هست و استدلالش درست نیست و در مقابل نصوص صریحه، و قطعیه شنیده نمیشود و نماز در پس وی مناسب نیست و مناسب است که درین رابطه بسیار احتیاط شود و اگر بکدام سبب در پس او نماز خوانده باشد آنرا اعاده کند.^(۳) فقط

امامت کسیکه عروسی دختر خود را نمیکند و بچه هایش ناروا است: سوال: (۸۱۱) زید دختر بالغ خود را در خانه نشانده به نکاح نه میدهد و دو پسر او به زنا پیدا شده پشت زید خواندن نماز جائز است یا نه؟

جواب: اگر زید بدون عذر چنین کرده باشد گنهگار است پس وی نماز مکروه^(۴) است.

امامت تقیض کننده در تولد: سوال: (۸۱۲) کسیکه وزن را کم میکند و دروغ میگوید و اسناد سودی را نیز مینوسد در پس چنین شخص نماز جائز است یا نه؟

جواب: چنین شخص لیاقت امام شدن را ندارد و در حالت مذکور نماز در پس وی مکروه^(۵)

(۱) سورة النساء و کوع ۱۹. ظہیر

(۲) ان کراهة تقديمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظہیر

(۳) ویکره امامة عبد الخ و مبدع ای صاحب بدعة رهی اعتقاد خلاف المعروف علی الرسول لا معاندة بل بنوع شبهة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ - ۵۶۹) ظہیر

(۴) ویکره امامة عبد الخ و فاسق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہیر

(۵) ویکره امامة عبد الخ و فاسق (درمختار) قوله فاسق معنی الفسق و هو الخروج عن الاستقامة و لعل المراد به من يرتكب الکثیر کثارت العبر و الزانی الخ بل معنی فی شرح النية ان کراهة تقديمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہیر

است پس بر مردم محله و مسجد لازم هست که وی را دور کنند و کسیرا که لایق امامت باشد امام^(۱) بسازند. فقط

اقتداء امام زانی: سوال: (۸۱۳) امام مسجد در وقت زنا کردن گرفتار شد وی در احکام شرعی خلاف اجماع فتوای اجتهادی میدهد نماز خواندن در پس او یا عمل کردن به فتوای وی جائز است یا نه؟

جواب: چنین شخصیکه فاسق است و خلاف اجماع و خلاف قول امامیکه وی مقلد او هست فتوی میدهد و به مسائل غیر مفتی بها فتوی میدهد لایق امام ساختن نیست وی امام جور نه شود و معزولش کنند^(۲). فقط.

امام ساختن کسیکه در مرده هند و اشتراک میکند چطور است: سوال: (۸۱۴) (۱) شخصیکه مرده هند را مشافعت میکند در پس وی نماز جائز است یا نه؟

(۲) اینکه مرد مذکور در جواب منع کردن ازین کار میگوید: این رسم از مدت دوامدار به همراه هندوها روان است که آنها در مرده های ما اشتراک میکنند و ما در مرده های آنها اشتراک مینمایم این کار شرعاً جائز است یا نه؟

جواب: (۱) نماز در پس وی صحیح است.

جواب: (۲) فقهائ عبادت مریضان و تعزیت کافران را اجازه داده اند^(۳) پس بدلیل ضرورت و یا به نیت خلاص کردن بدل رفتن به همراه مرده های آنها نیز جائز هست، بخصوص که این ضرورت بکدام دلیل دیگر نیز باشد فقط.

امامت تیمم کننده: سوال: (۸۱۵) امامت صاحب تیمم جائز است یا نه؟

جواب: اگر شخصی بدلیل عذر یک تیمم را جواز میدهد تیمم نماید نماز در پس او درست است و امام شدن او جائز است چنانچه در کتب فقه نوشته اند که تیمم طهارت مطلقه کامله است.^(۴)

(۱) نعم اخرج الحاكم فی مستدرکه مرفوعا ان سرکم ان یبلی الله صلوکم فلیؤکم عیارکم لانهم ولدکم لیمنا ینکم وبن ربکم اه (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲) ظفر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاق (رد المحتار) قوله فاسق معنی الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی الخ بل معنی فی شرح المنية ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظفر

(۳) ولی کتب الشافعية وبعزی المسلم بالکافر اعظم الله اجرک وصبرک (رد المحتار. باب صلوۃ الجنازة ص ۸۴۳ قبل مطلب فی زیادة القور. ط.س. ج ۲ ص ۲۴۲) ظفر

امامت نو مادہ: سوال: (۸۱۶) اگر تر مادۂ عالم باعمل ونهایت دیندار باشد ودیگران همه نادانان باشند پس نرمادہ امام جور کرده شود ویا کسی دیگر؟ ہر گاہ عالم باعمل باشد وباقی همه نادان اند امامت وی جائز است: کما قالوا فی ولد الزنا والامرد ہذا (ای الکراہۃ) اذا وجد غیرہم والا فلا، درمختار (۱). قال اللہ تعالیٰ: اِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ (۲) فقط.

امامت شخصیکہ بنام زنی. خط کسی دیگر بر آید: سوال: (۸۱۷) زید وبکر برادران اند زید عروسی نمودہ ہردو برادر درمسافری مامورین ودر وقت رخصتی درخانہ زن زید زندہ گئی میکنند، زید دڑیک کتاب یک خط را دید کہ بنام زن زید بود وبالای آن امضای بکر نیست، وقتی زید درین رابطہ اززن خود پرسان کرد وی بقسم لا علمی آشکار نمود درین حالت برادر وزن زید شرعاً مجرمان اند یا نہ؟ واگر زید امام باشد درپس وی نماز صحیح است یا نہ؟

جواب: درین حالت بالای زن وبرادر زید کدام جرم ثابت نیست وامامت زید درست است وپس وی نماز صحیح است فقط.

امامتیکہ از شاہدی راستین شانہ خالی میکنند: سوال: (۸۱۸) یک امام مسجد نکاح یک شخص را بستہ کرد، پساتر درمیان خویشاوندان خانم وشوہر اختلاف آمد ودعوہ شروع شد وقیکہ ضرورت بہ شاہد شد امام صاحب پُت ومخفی شد وبہ زن گفت کہ تو چنین بگو کہ نکاح من نہ شدہ وبسبب عدم وجود قاضی وشاہد آن شخص دعوا را از دست داد برای این امام شرعاً چہ حکم است؟ وپس وی نماز جائز است یا نہ؟

جواب: چنین شخصیکہ قصداً حق را مخفی میسازد فاسق هست، (۳) لیاقت امام کردن رانداورد ونمازد درپس وی مکروہ است. کذا فی الشامی: وصرح فیہ ان کراہت تقدیمہ کراہۃ تحریم (۴) فقط.

امامت منکرین حدیث: سوال: (۸۱۹) درپس گروہیکہ از حدیث منکر باشد در پس وی نماز درست است یا نہ؟

(۴) وضح القضاء معوضی لا ماء معہ یتیم (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۵۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۸۸) ظہیر

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ظہیر

(۲) سورة المائدة وکوع ۵. ظہیر

(۳) ومعنی اخر شاہد الحسبۃ شہادۃ بلاعذر فسق (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الشہادۃ ص ۵۱۴ ج ۱، ط.س. ج ۵ ص ۴۶۳) ظہیر

(۴) رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰. ظہیر

جواب: گروه قادیانی که منکر حدیث است کافر است نماز درست است یا نه؟

جواب: گروه قادیانی که منکر حدیث است کافر است نماز درپس این گروه درست نیست و گروه غیر مقلد که خود را اهل حدیث میگویند آنها نیز درحقیقت اهل حدیث نیستند در پس آنها نیز نماز مکروه است مقرر کردن امام عالم سنی حنفی ضرور است ^(۱) فقط. (امامت گروه منکرین حدیث نیز درست نیست علماء فتوای کافر شدن آنها راداده اند).

مامیکه بالایش شبۀ زنا باشد: **سوال:** (۸۲۰) یک شخص امام مسجد هست وی همراه خوشوی خود زنا کرده درحالیکه از چهار سال به این سوبیوه هست، ورحمل نیز برداشت، اگرچہ شهادت زنا ثابت نیست لکن بسبب ستر در آنجا کسی دیگر داخل شده نمیتوانست زن وی نابالغ بود و شک پوره دو سال این کار بد بالایش هست چنین شخص قابل امامت هست یا نه؟

جواب: هرگاه درباره امام مذکور چنین شبهه است امام ساختن وی مناسب نیست وبر وی نیز لازم است که امام نه شود: لقوله ﷺ: من أم قوما وهم له كارهون ^(۲) فقط.

کسیکه به غلطی نماز را به جنابت داد: سوال: (۸۲۱) زید محتمل به خطائی نماز خواند و به خطائی خود پشیمان هست و تائب هست حالا زید قابل امامت باقیماند یا نه؟

جواب: قضائی این نماز را بگرداند وبعد از توبه گناه وی معاف شده وی قابل امامت هست ^(۳) (ارشاد نبوی هست: التائب من الذنب کم لا ذنب له، مشکوة باب الاستغفار ص ۳۰۶، ظفیر).

بالای امامیکه عیبهای ذیل باشد امامتش درست است یا نه: سوال: (۸۲۲) (۱) زید بخاطر سایه و چون مسجد از دست مرد حرام رقاصه های مسلکی چنده میگیرد؟

سوال: (۹۲۳) (۲) زید مذکور بخاطر چند پول و طمع اشیاء ناچیز رقاصه ها را برای پُر کردن تاخچه وسطی وقت نماز صبح برای پُر کردن تاخچه داخلی محراب در داخل مسجد اجازه میدهد و بیکاره های آنها وهمچنان پاهای برهنه وبدون طهارت به پایمال نمودن فرش وصفه های نماز به منبر میرسند؟

(۱) راجعاً الی ان کان هوی لا یکنفر صاحبه تجوز الصلوة خلفه مع الکراهة والا فلا هکذا فی التبین والاعلامه وهو الصحیح هکذا فی البدائع (عالمگیری کشوری باب الامامة ص ۸۳ ج ۱، ط. م. ج ۱ ص ۸۴) ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۹. ظفیر

(۳) کما یلزم اخبار القوم اذا اهمم وهو محدث واجب اولاده شرط اورکن الخ (الدر المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۵۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۹) ظفیر

سوال: (۹۲۴) (۳) زید مذکور جوان هست و در اطاق خصوصی وی اکثر زنان جوان مسلمان و بسیار از زنان جوان هندو برای دم و تعویذ میانند و علاوه از دیگر خواہشات زنانه تشنه اولاد نیز میباشند و در میان هندوها یک مسئله (گرفت) هست یعنی اگر شوهر کدام زن نامرد باشد و به پیدا کردن اولاد قادر نباشد این زن بوسیله کدام شخص استقرار حمل کرده میتواند.

سوال: (۸۲۵) (۴) زید زن منکوحه شخصی دیگر را بدون اجازه به بهانه خدمت درخانه خود انداخته وزن را اجازه نه میدهد که به نزد همسرش برود درین صورتها مقرر کردن زید بصفت امام مسجد و نماز درپس وی و به او نکاح بستن کردن جائز است یا نه؟

جواب: درین صورتها حرکات قسمی ثبت شده که به سبب آن امامت زید مکروه تحریمی^(۱) بالای خود زید لازم است که هرگاه مقتدیا بسبب کارهای قبیح وی به امامت وی خوش نیستند امام نه شود: کما فی الدر المختار: ولو ام قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیہ او لانہم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریماً لحديث ابی داؤد: ولا یقبل الله صلوة من تقدم قوماً وهم له کارهون^(۲) الخ و آشکار هست که زید به سبب این کارهای بد فاسق است، و پس فاسق نماز مکروه تحریمی است و دور کردن او واجب است چنانچه درشامی است که در امام ساختن فاسق تعظیم وی و تعظیم فاسق حرام است: و اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایتم الامر دینه و بان فی تقدیمه للامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانتہ شرعاً الی ان قال فهو کالمبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا قال ولذا لم تجز الصلوة خلفه اصلاً عند مالک وروایة عن احمد الخ^(۳) شامی ص ۳۷۶ جلد اول. فقط (این صفحات دراصل کتابیکه حضرت مفتی صاحب کدام جا انداخته آن شامی مطبوعه مجتبیانی دهلی است و در حاشیه اش مطبوعه مصری دار الخلافة العثمانیة است. ظفر).

امامت گسیکه موهای بانین از ناف رانه میتواند: سوال (۸۲۵) اگر شخصی بخاطر ناتوانی موهای زیر ناف را تراشیده له میتوالد درپس وی نماز میشود یا نه؟

جواب: نمایش صحیح است و درپس وی نماز میشود^(۴) فقط.

(۱) ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفر)

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفر

(۳) رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰، ظفر

(۴) اگر عذر معقول نباشد هر جمعه پاک کردن ضرور است و زیاد از چهل روز ترک کردن آن مکروه تحریمی است: و مستحب حلق =

امامت مرد لنگ: سوال: (۸۲۶) اگر مرد لنگ عالم باشد و مرد دیگری از مسائل نماز خبرداشته باشد درین حالت امامت این عالم لنگ جائز است یا نه؟ صاحب هدایه امام لنگ را مکروه گفته بهمراه آن که نبی ﷺ عبدالله بن ام مکتوم را امام ساخته بود، بسبب این نفرت مردم آنرا مکروه فرموده اند؟

جواب: لنگی که به بعض قدم (یعنی به برخی حصه پای) استاد میشود امامتش مکروه تنزیهی نوشته شده که اگر غیر اعرج عالم که از مسائل نماز باخبر باشد موجود بود وی بهتر است درشامی آمده است: و کذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالافتداء بغیره اولی^(۱) اگر کدام عالم مسائل دیگر موجود نه باشد و عالم لنگ موجود باشد پس همان بهتر است برای امامت چنانچه فقهاء درباره گور نیز چنین نوشته کرده اند، شامی: قید کراهه امامه الاعمی فی المحيط وغیره بان لایکون افضل القوم فان کان الفضلهم فهو اولی^(۲) و همچنان نفرت قوم وقتی موجب کراهت است که در امام کدام عیب شرعی یعنی فسق وغیره باشد، در دُر مختار آمده: ولوام قوماً وهم له کارهون ان الکراهه لفساد فیہ اولانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریماً لحديث ابی داود وان هو احق لا والکراهه علیهم^(۳) الخ. فقط

امامت کسیکه قاتل حیات بعد الوفات اولیاء نیست: سوال: (۸۲۷) کدام شخصیکه عقیده داشته باشد که اولیاء کرام بعد از وفات زنده نه میمانند و طلب کنندگان امداد از آنها را مشرک میگوید درپس چنین شخص نماز جائز است یا نه؟

جواب: کرامات و تصرفات اولیاء الله بعد از مرگ نیز ثابت^(۴) هست وی را مشرک گفتن غلط است، البته این ضرور است که ماسوا الله از هیچکس کمک نه میخواهد بمثلیکه در: اَيَّاكَ نَعْبُدُ

« عاتنه وتطيف بدنه بالاغتسال لی کل اسبوع مرة والاطفل یوم الجمعة و جاز لی کل خمسة عشر و کره لکره و راء الاربعین (در مختار) ای تحریماً للول المصنوع ولاخذر لهما و راء الاربعین و سئل الوعد انه (رد المختار. کتاب الحظر والاباحه فصل لی البیع ص ۳۵۸ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۶۰۶) ظفر

(۱) رد المختار باب الامامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ . ظفر

(۲) رد المختار باب الامامت ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . ظفر

(۳) المغر المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ . ظفر

(۴) و قبل بقاء الکرامة بعد الموت لعدم الانزاعل عن الولاية بالموت و قبل لا لظاهر نحو اذا مات ابن آدم انقطع عمله الخ و يجوز التوسل الی الله تعالی والاستغاثة بالانبياء و الصالحین بعد موتهم لان المعجزة و الکرامة لا تنقطع بموتهم و عن الرملی ایضاً بعدم انقطاع الکرامة بالموت و عن امام الحرمین و لا ینکر الکرامة و لو بعد الموت الا رافضی. (الریقة ج ۱ ص ۲۷۰) . ظفر

وَاَيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ^(۱) مذکور است فقط.

امامت امامیکه مال مسجد را بالای خود مصرف میکنند چطور هست: سوال: (۸۲۸)

در زمانه طاعون مردم به امام مسجد کالا ورخت و پول نقد آوردند تا بالای مسجد مصرف کند مگر امام آنرا بالای مسجد مصرف نه کرد به اهداف خود مصرف کرد برای این امام چه حکم است و لایق امامت هست یا نه؟

جواب: این خیانت اشکار است ضمانت به عهده وی هست و اگر این امام توبه نکند، وضمانت را ادا نکند لایق امامت ساختن نیست^(۲) فقط.

امامت ساعت ساز و دروغ گو: سوال: (۸۲۹) یک مولوی صاحب به یک حافظی که امام

مسجد وساعت ساز هست ساعت خود را داد که در آن فتر نو و جدید را بیاندازد و یک روپیه قیمت آن رانیز به او داد حافظ مذکور همان فتر سابق را در آن ترمیم کرد و فتر جدید نه انداخت به این سبب ساعت استاد شد بعداً به ساعت ساز دیگر یک روپیه داد و به آن فتر انداخت این حافظ چه حکم دارد نماز درپس وی میشود یا نه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است^(۳) فقط.

امامت امامیکه بالایش تهمت بدون ثبوت بسته شود: سوال: (۸۳۰) بنام مهتم صاحب

اینجا کدام شخص خط روان کرد و بالای پیش امام تهمت زده شده که همراه دختر منکوحه اولی خود نکاح کرده ارسال کننده خط نام و آدرس خود را نوشته کرده است، بدون این مکتوب هیچ ثبوت و شاهد نیست، و امام مذکور ازین معامله صفا انکار میکند پس شرعاً با اعتبار کردن به چنین خط درپس امام مذکور خواندن نماز ست یا نه؟

جواب: چنین مکتوب مجهول را اعتباری نیست و هرگاه امام مذکور از واقعه مذکور انکار میکند تنها بر اساس این نوشته غیر ثابت امام صاحب موصوف به فعل مذکور متهم کرده نمیشود و وی را از امامت معزول کرده نمیتواند و او را از خیرات و مبرات محروم کرده نمیتواند قال تعالی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ، الآية.^(۴) فقط

(۱) سورة الفاتحة . ظهير

(۲) ان كراهة تقديمه اى الفاسق كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظهير

(۳) ويكره امامة عبد الخ وفاق (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظهير

(۴) سورة الاحزاب ۲. ظهير

امامت گسیکه شریعت را به صفت قبول نه می‌کند: سوال: (۸۳۱) شخصیکه ملا باشد و واعظ باشد بهمه آن جنجال‌های خود را به قانون شریعت فیصله نه میکند و وقتی عوام از وی پرسانی کنند میگوید: که من حاضر به فیصله به شریعت هستم و در همین وقت میگوید که اگر شریعت را حکم بگردانم نقصان من است، حکم ایمان بنین شخص چیست؟ و همراه او رابطه گرفتن و امداد گرفتن وی چطور است؟

جواب: الله تعالی: فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ لَمْ لَا يَجِدُوا فِيْ اَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، ^(۱) الآیة، پس کدام شخص که به حکم شریعت راضی نباشد و در دلش انرا قبول نه کند خبر مؤمن نه بودن آنرا جناب باری تعالی داده است و در جای دیگر قبول نه میکند و در مقابل آن فیصله محکمه را که خلاف شریعت است ناطق میداند فاسق و ظالم است و خوف کفر وی است لهذا مرد مذکور لیاقت ^(۲) امام و سر پرستی را ندارد و اگر چنین شخص تائب نشود ارتباط و اختلاط اوحرام است و قطع ارتباط بهمه او واجب است، و کمک بهمه یک عاصی و فاسق در معصیت است، قال تعالی: وَتَعَاوَنُوا عَلٰی الْبِرِّ وَالتَّقْوٰی وَلَا تَعَاوَنُوا عَلٰی الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ.

امامت و سرپرستی گسیکه رواج رابه شریعت ترجیح میدهد: سوال: (۸۳۲) شخصیکه بهمه عالم و اهل حدیث شدن از میراث پدر به خواهران خود سهم نه میدهد و میگوید که: ما پابند رواج هستیم و بهمین خاطر ما اسهام شرعی را تقسیم نه میکنیم بلکه به اشاره وی برادر نادانش در محکمه شرح نموده که زنان ناقص العقل اند و بهمین سبب برای آنها هیچ سهم و میراث نیست چنانچه الله تعالی فرموده: وَلَا تَوْرَثُوا السُّفَهَاءَ اَمْ اَوْلٰكُمْ، حتی با پرسش یک عالم که اگر توبه این گمان بمیرید آیا این راه نجات است؟ جواب میدهد که مابه جهنم برویم خیر و اگر این کار رانه میکنیم امامت و سرپرستی مسجد چنین شخص و یا همراه وی دوستی کردن چطور هست؟

جواب: سهم زن نصف سهم مرد از نص قطعی ثابت است كما قال الله تعالی: يُؤْتِيْكُمُ اللّٰهُ فِیْ اَوَّلٰدِكُمْ لِلَّذِیْكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثٰی، ^(۳) انکار کردن از سهم زن انکار کردن از نص قطعی است که

(۱) سورة النساء، رکوع ۹، ظفر

(۲) ان کراهة تفهیمه فی الفاسق کراهة تحریم (والمختار باب الامامة ص ۵۲۳ ح ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) ظفر

(۳) سورة النساء، رکوع ۲، ظفر

کفر است استدلال کردن به آیت: وَلَا تَزُولُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الْآيَةُ، سخت نادانی و گمراهی است و مقابله نص قطعی است بذریعۀ گمان شخصی و باطل و این سخن وی که به جهنم برویم الخ کفر آشکار است، در شرح فقه اکبر آمده: ومن قال لمن يامر بالمعروف وينهى عن المنكر ماذا اعرف العلم او ما ذا اعرف الله اني وضعت نفسي للجحيم او قال اعددت نفسي للجحيم الخ کفر ای لانه اهان الشريعة او ايس من الرحمة فكلاهما كفر. ^(۱) شرح فقه اکبر، پس بهمراه مرد مذکور ارتباط داشتن و خروشی کردن همراهش و امام و سرپرست ساختن همه و همه حرام و ناجائز است فقط.

نماز درپس کوتاه کننده ریش: سوال: (۸۳۳) ریش زید بُریده شده یک یادو انگشت مانده چهار انگشت پوره نیست درپس او نماز روا است یا نه؟

جواب: در درمختار آمده است که کم کردن ریش از چهار انگشت حرام است: واما قطعها وهی دونها فلم یجد احد ^(۲) الخ هم چنان در درمختار است: ولذا یحرم علی رجل قطع لحيه، در پس مرد ذکر شده نماز مکروه است اگر چه به حکم: صلوا خلف کل بر وفاجر، در پس او نماز میشود لیکن امام ساختن چنین شخص مناسب نیست: لأن فی امامته تعظیمه وتعظیم الفاسق حرام شامی. ^(۳) فقط

امامت شخصیکه به همراهی مرزائی ارتباط داشته باشد: سوال: (۸۳۴) اگر شخصی مرزائی همراهی امام در مسجد در اطاق بشیند و در میان نمازخوانان نفاق پُره و جنبه میاندازد و امام که به سخنان او عمل میکنند و به منع کردن نماز گذاران نیز منع نه شده چنین امام لایق امام بودن است یا نه؟

جواب: به امام مذکور واضح گفته شود که اگر تو همراهی مرزائی رابطه داشته باشد و آنرا حمایت کردی تو از امامت دور خواهد شد اگر او باز هم منع نه شد وی از اقامت دور کرده شود این مرزائی را در حجرۀ مسجد نگهداری نه کنید فوراً کشیده ^(۴) شود. فقط

(۱) شرح فقه اکبر قبل فصل فی الکفر صریحه و کتابه ص ۲۱۵ . ظفر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. کتاب الصوم. باب ما یفسد الصوم مطلب فی الاخذ من اللحية ص ۱۲۵ ج ۲ ، ط.س. ج ۲ ص

۴۱۸ . ظفر

(۳) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . ظفر

(۴) زیرا وی بسبب کارهای خودش فاسق است و امامت فاسق مکروه تحریمی است: و کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (ردالمحتار ۱۰۰)

امامت گر: سوال: (۸۳۵) کسیکه کر باشد وبالکل نه میشود امامت وی چطور است؟

جواب: امامت او درست است. فقط

هنگام بالای امام شبه شود: سوال: (۸۳۶) (۱) وقتی برای مسلمانان درباره امام شکوک

وشبهات پیدا شود چنین امام دور شود و یا نگاه شود؟

امامت گسیکه بسبب اوپره وجنبه جور میشود: سوال: (۸۳۷) (۲) وقتی که بسبب یک امام

درمیان مسلمانها پره وجنبه وجنگ ها پیدا میشود باقیماندن وی در امامت بهتر است یا نه؟

جواب: (۱) برای چنین شخص امامت کردن مناسب نیست دور شدن وی از امامت مناسب

است، امامت وی مکروه است لحديث: من أم قوما وهم له كارهون ^(۱) الحديث.

جواب: (۲) دور کردن چنین شخص از امامت بهتر است ^(۲) زیرا که منشاء امامت محکم ساختن

ریشه اتفاق واتحاد ذات البینی است واین منشأ دروی گم میشود: ومن حکمها نظام الالفة وتعلم

الجاهل من العالم. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۱۵ ج ۱. ظفیر)

مقصد از ادنی حال: سوال: (۸۳۸) باید امام از مقتدی ادنی حالا نباشد، اگر امام ادنی حالا

هست اقتداء صحیح نیست؟ ومقصد از ادنی حالا چیست؟

جواب: مقصد این است که مثلا امام نفل میخواند، ومقتدی فرض میخواند نماز فرض خوان

در پس نفل خوان درست نیست، مقصد آن نیست که پرسند نوشته است، درین صورت نماز هر

دو درست است، از امام هم واز مقتدی هم مثلا اگر امام عالم نباشد، ومقتدی عالم باشد ^(۳) یا به

سر امام دستار نیست وبرسر مقتدی دستار هست به این قسم نماز همگی درست است. فقط

امامت حافظیکه پابند نماز است وشامیانہ (مهمانخانه) خود را به گرایه میدهد درست

است یا نه؟ سوال: (۸۳۹) زید حافظ وپابند پنج وقت نماز است یعنی بهر صورت از باشنده گان

آنجا بهتر است ووی شامیانہ خود را به هندوها ومسلمانها به گرایه میدهد، ودران موقع برای فعال

کردن آن (روشن کردن) نیز میروند نماز در پس وی جائز است یا نه؟

= باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۲) ولوم قوما وهم له كارهون ان الكراهة لفساد فعل اولائهم اسفل بالامامة منه كره الخ وايضا ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. واگر کدام چیز دیگر نباشد همین سخن کافی است که بسبب وی درمیان مسلمانها اعتلال است که بسیار به است. ظفیر

(۳) ومنه امام المسجد الراتب الاولى بالامامة من غيره مطلقا (درمختار) ای وان كان غيره من المعاصرين من هو اعلم واقراء منه (رد المحتار) باب

الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفیر

جواب: برای بعض محافل ناروا مثلا به کرایه دادن شامیانه بخاطر ساز وبازی کردن، ودر آنجا رفتن وروشن کردن آن اعانت علی المعصیه هست که به موجب حکم خداوند عزوجل: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ (۱) حرام است به این سبب نماز درپس وی مکروه است (۲) اگر کدام شخص صالح دیگر موجود باشدی وی امام ساخته شود ورنه درپس این حافظ نماز بخواند زیرا نماز درپس وی بهتر است از نماز تنها، درمختار (۳) فقط.

امامت کسیکه اشتباه بول خورد داشته باشد: سوال: (۸۴۰) برای زید اکثر بدون فهمیدن قطره های شاشه (پیشاب) میآید مگر زید هروقت شکی میباشد که شاید قطره آمده باشد ووی بعد از استنجاء کردن به آب خود رابه کالا خشک میکند باز به کلوخ خود را خشک میکند باز وضوء کرده لنگ میزند به این ترتیب ازوی قطره کم میاید، وهرگاه قطره کم آید باز تنها به کلوخ صفایش میکند وضوء میسازد ونماز میخواند بعد از قطره به آن صفائی نمیکند درین حالت نماز زید میشود یانه؟ و او امام نیز هست امامت وی درست است ودر آینده درست خواهد بود یانه؟ **جواب:** درین حالت نماز وی میشود امامت وی نیز صحیح است، ودر آینده هم در امامت او هیچ حرج نیست (۴) فقط.

امامت کسیکه حضرت محمد ﷺ را اولاد مشرک بگوید درست است یانه؟ سوال: (۸۴۱) یک شخص اشکارا میگوید که آنحضرت ﷺ اولاد بت پرست، و مشرک ودرخانه مشرک تولد شده، درپس چنین شخص نماز جائز است یانه؟

جواب: این موضوع دریک حدیث شریف آمده: حال پدر خود وپدر آنحضرت ﷺ پرسید؟ آنحضرت ﷺ به وی فرمود: ان ابی و اباک فی النار (۵) یعنی پدر من و تو در دوزخ اند، ودر روایت این هم مروی است که حضور پاک ﷺ فرمود که من برای والدۀ خود طلب اجازه

(۱) سورة المائدة رکوع ۱. ظفر

(۲) ویکروه امامة عبد الخ وفاق (درمختار باب الامامة، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظفر

(۳) وفي النهر عن المحيط صلى خلف فاسق ارممعد نال فضل الجماعة (درمختار) المادان الصفرة خلفهما اولی من الافراد (ردالمحتار، باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۲) ظفر

(۴) ثم اعلم ان الجمع بين الماء والحجر الفضل ويلي في الفضل الاقتصار على الماء ويلي الاقتصار على الحجر وتحصل السنة بالكل وان تفاوت الفضل (ردالمحتار فصل في الاستنجاء ص ۳۱۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۳۳۷) ظفر

(۵) رد المحتار باب نکاح الکافر مطلب فی الکلام علی ابی النبی ﷺ ص ۵۳۰ ج ۲) ظفر

استغفار کردم الله تعالی اجازه نداد، و اجازه زیارت قبرش را خواستم برایم داد. ^(۱) ظاهر این روایات همین است که والدین آنحضرت علیه السلام درحالت کفر وفات کرده اند، درین باره علماء چیز تفسیر و تحقیق نیز فرموده اند بحث کرده اند، و بعضی روایات را چنین نقل کرده اند که دوباره زنده شدن و ایمان آوردن والدین آنحضرت علیه السلام را از آنها ثابت کرده اند، بهر حال بحث کردن درین موضوع را علماء منع کرده اند، پس سکوت درین موضوع اسلم است ^(۲) فقط.

امامت کسیکه به گرفتن اجوره مسئله شرعی را تعلیم میدهد: سوال: (۸۴۲) امام مسجد به تعلیم دادن مسئله شرعی اجوره میگیرد نماز درپس وی چه حکم دارد؟

جواب: نماز درپس او مکروه است، چنین شخص لائق امام ساختن نیست تا وقتیکه توبه نه کرده باشد ^(۳) فقط.

امامت مخالفت کننده بدعت: سوال: (۸۴۳) زید متبع سنت، و شخص صالح، امام یک قوم، و حافظ قرآن است، قوم دریک موقع بالای زید فشار آورد که دوره قرآن مجید کند، و مرتکب رواجهای دیگر نیز شود هرگاه زید رنجدید جمیات ذیل را گفت که کسیکه سخن گشتاندن قرآن مجید را کشیده او را اینطور و آنطور یعنی برایش دشنام داد، مقتدیها نماز خواندن را درپس وی ترک کردند، خیر و خیرات را بالایش بند کردند شرعا حکم این چیست؟

جواب: این آشکار هست که غرض زید از یاد کردن جمله مذکور مذمت کردن ایجاد کننده رواج مذکور است و وی را بد رد گفتن است این رسم قرآن خوانی، و اجوره گرفتن و دادن به آن بدون شک ناجائز و خلاف شریعت است، لهذا زید بسبب گفتار مذکور درباره رواج ذکر شده مرتکب کدام گناه فاسق و یا فاجر نشده، زیرا نه کردن رواجهای خلاف سنت عین پیروی از سنت است که موجب اجر و ثواب هست، لهذا وی حالا نیز لایق امامت هست، اجتناب کردن مقتدیها از نماز خواندن درپس وی مناسب نیست و تحقیق و تذلیل کردن وی حرام و ناجائز هست

(۱) ردالمحتار باب نکاح الکافر مطلب فی الکلام علی ابوی النبی علیه السلام ص ۳۰ ج ۲. ظفر

(۲) الا ترى ان نبينا صلی الله علیه و آله قد اکرمه الله تعالی بپناه ابویه له حتی انا به الخ (ردالمحتار باب المرتد مطلب فی احیاء ابوی النبی علیه السلام ص ۴۰۰ ج ۳، ط. س. ج ۴ ص ۲۴۱) از روایات ذکر شده فوق ثابت شد که کدام شخص کلمات مذکور را میگوید اما پیش درست است اگر چه سکوتش بهتر است در شرح فیه اکبر آمد که: ووالله رسول الله صلی الله علیه و آله ماتا علی الکفر (ص ۱۳۰). ظفر

(۳) لان اخذ الاجرة علی بیان حکم الشرعی لایحل لعننا وناهیحل علی الکتابه لانا غیر واجبة علیه. والله اعلم (رد المحتار کتاب القاضی

مطلب فی حکم الهدیه للمنفی ص ۴۳۲ ج ۴، ط. س. ج ۵ ص ۳۷۴). ظفر

ودور کردن وی از امامت به این سبب درست نیست و منع کردن حقوق وی درست نیست^(۱) فقط.

کسیکه میگوید: بدن آنحضرت ﷺ در شب معراج به بدن خدا پیوست شد: سوال:

(۸۴۴) شخصی میگوید که در وقت معراج بدن آنحضرت ﷺ و بدن خداوند تعالی بالکل یک شد نماز درپس وی جائز است یا نه؟

جواب: گفتار این شخص غلط و خلاف عقیده اهل سنت و اهل اسلام هست، لهذا درپس وی نماز خوانید^(۲) فقط.

امامت کسیکه در عروسی اولاً خود دُولک میزند: سوال: (۸۴۵) زید در خوشنودی و نکاح

بسر پانزده بیست روز پیش دُو لک میزد و رواجهای دیگر را نیز انجام داد، وزید افیون نیز میخورد پس وی نماز جائز هست یا نه؟

جواب: درین صورت زید فاسق است، درپس وی نماز مکروه است، و او تا وقتی که توبه نکند لائق امامت نیست^(۳) فقط.

امامت کسیکه جور کننده تصویر و مجسمه باشد: سوال: (۸۴۶) یک امام مسجد عکسها،

و مجسمه ها و غیره را میسازد نماز درپس وی میشود یا نه؟

جواب: درپس چنین امام نماز مکروه است.^(۴)

امامت خواب شونده در نما: سوال: (۸۴۷) یک امام مرض خواب دارد اکثر اوقات خواب

میباشد حتی در حالت نماز نیز خواب میباشد به فتح دادن دیگر به هوش میاید تعویذ و چاشت نیز میکند و قرآن شریف نیز خوب نمیخواند و دروغ و غیره میگوید و غیره و غیره درپس چنین شخص نماز میشود یا نه؟ و وی قابل امام بودن هست یا نه؟

(۱) ولوام وهم کارهون الکراهة لفساد قلبه الخ کره له ذلك الخ وان هوا حق لا والکراهة علیهم (الدور المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وبتدع ای صاحب بدعة وهی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول لا بمعاذلة بل بوع نسبة (الدور المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰، ظفر

(۳) ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) من الفسق وهو الخروج عن الاستقامة ولعل المراد به من يرتکب الکبائر الخ رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفر

(۴) عن عبدالله بن مسعود قال سمعت رسول الله ﷺ يقول: أشد الناس عذاباً عند الله المصورون متفق علیه، (مشکوة باب التماوير ص ۳۸۵)، ویکره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار باب الإمامة ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظفر

جواب: به خوابیدن در نماز نماز فاسد نمیشود و در نماز کدام خلل واقع نمیشود، البته اگر در قرآن چنان غلطی نماید که شکنده نماز باشد نمازش فاسد میشود و اینجا خواب و بیداری یکسان است، همچنان چاشت و تعویض کردن به ایت های قرآن شریف درست است در آن کدام گناه نیست به این سبب در امامت وی کدام کراهت نیست و نماز درپس او درست است، البته خوی دروغ و بسته کردن دروغ موجب فسق و معصیت است، اگر توبه نکند نماز درشی وی مکروه است اگر چنین شخص توبه نکند لایق امام شدن نیست^(۱) فقط.

امامت در ناپاکی: سوال: (۸۴۸) اگر کسی در حال ناپاک بودن امامت کرده باشد و وی شمار مقتدیه و نمازهای یاد نداشت بالای وی علاوه از گشتاندن نماز قضائی خودش درباره، مقتدیهها چه تدبیر کردن ضرور است؟

جواب: اگر هیچ چیز یادش نبود و تعین مقتدیه و نمازها نیست واضح است که اطلاع دادن برایش مشکل است درین صورت بالای مقتدیهها هیچ مؤاخذه نیست چون برای آنها علم فاسد شدن نماز نشده و بالای آنها اعاده نیز واجب نیست کما فی الشامی: و اما صلواتهم فانها وان لم تصح ایضا لکن لا یلزمهم اعادتها لعدم علمهم^(۲) پس شخص مذکور نمازها را بگرداند و ازین گناه استغفار بخواهد و توبه بکند از گناهی که به دادن نماز به ناپاکی از وی سرزده و برای مقتدیهها نیز استغفار خوب است فقط.

امامت شیمتة تبرائی: سوال: (۸۴۹) شخصی است که مذهب شیعه دارد و حدیث شریف و فقه را قبول ندارد و اصحاب کبار را توهین میکند حتی دشنام میدهد آنها در مجالس شیعه ها مرثیه میخواند درپس چنین شخص اقتداء کردن در تراویح و نمازهای پنجگانه جائز است یا نه؟

جواب: درپس چنین شخص در تراویح و فرائض اقتداء نشود، لکن کدام و فقیه تو به نماید در آن وقت اقتداء درپس وی درست است، و اگر بار بار این حرکت از وی اشکار شد و تجربه ثابت ساخت که عقیده وی همان است که بعد از رمضان شریف میکند درین صورت هیچگاه امام کرده

(۱) وان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ح ۱ ص ۵۵۹). ظفر

(۲) رد المحتار. و اذا ظهر حدث امامه و کذا کل مقصد فی رأی مقصد یظلت فیزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة و فسادا کما یلزم الامام احوار القوم اذا أهمهم وهو محدث او جب او فاشد شرط او رکع (الرد المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۵۳، ط. س

ج ۱ ص ۵۹۱) صلی حسنة الخ مع امام الخ فمن تبقی مخالفة امامه فی الجهة الخ له نجر مخالفة الخ ومن لم یعلم ذلك لصلاته صحیحة (ایضا باب صفة الصلوة ج ۱ ص ۴۰۶، ط. س. ح ۱ ص ۴۳۶) ظفر

نشود تا وقتی که تثبیت توبه را ششین وی نشود^(۱):

امامت گوینده سجده به غیر الله: سوال: (۸۵۰) عقیده زید این هست که سجده سهو بدون الله به چیز دیگر قبر باشد یا چیز دیگری حرام است شرک نیست اگر به معبود شمرده شود شرک خواهد بود، اگر شرک میبود به حضرت آدم و حضرت یوسف علیه السلام سجده کرده نمیشد آیا درین باره مشرک شد یا نه؟ در پس کسیکه این عقیده داشته باشد نماز جائز است یا نه؟

جواب: در درمختار و شامی منقول است که غیر الله را تعظیماً و عبادۀ سجده کردن حرام و کفر است پس معلوم شد که تعظیماً سجده کردن هم در عبادت داخل است و سجده تعظیم عین سجده عبادت است که بالاتفاق کفر است البته در سجده تحیه که بجای سیام میباشد اختلاف است که هست یا نه لکن در حرمت و گناه کبیره بودن آن اختلاف نیست و سجده حضرت آدم و حضرت یوسف علیه السلام در شریعت ما منسوخ شده است پس نماز در پس زید مذکور صحیح نیست. در درمختار است: وهل یکفر ان علی وجه العبادۃ والتعظیم کفر وان علی وجه التحیه لا وصار اثماً مرتکباً للکبیره. انتهى^(۲) ملخصاً، وفي الشامی ذکر الصدر الشہید انه لا یکفر بهذا السجود لانه یرید به التحیه وقال شمس الانمة السرخسی ان کان لغیر الله تعالی علی وجه التعظیم کفر قال القهستانی وفي الظہیریۃ یکفر بالسجدة مطلقاً. شامی^(۳) جلد ۵. باز بعد ازین شامی این تحقیق را فرموده است: کدام سجده که ملائک برای آدم کرده بودند به این حدیث منسوخ شده (لو امرت احداً ان یسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها)^(۴) الخ. باز نوشته است: وکان جائزاً فیما مضی کمافی قصۃ یوسف علیه السلام قال ابومنصور الماتریدی: وفيه دلیل علی نسخ الكتاب

(۱) ویکره امامه عبد الخ و فاسق الخ و صمد الخ ای صاحب بدعة و هی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول (در مختار) اما الفاسق فقد علوا کراهة تقدیمه بانه لا ینهم لامر دینه و بان فی تقدیمه للامامة تعظیمه و قد وجب علیهم اهانتہ شرعاً الخ بل مشی فی شرح الصبیح ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المختار باب الامامة ص ۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰) قال المرغبانی تلح لا تجوز الصلوة خلف الراعی (عالمگیری کشوری باب الامامة ص ۸۳ ج ۱ ط.م. ج ۱ ص ۸۴) ظفر

(۲) المرالمختار علی هامش رد المختار کتاب الحظر والاباحۃ باب الاستبراء ص ۳۲۷-۳۲۸ ج ۵ ط.س. ج ۶ ص ۳۸۳. ظفر

(۳) رد المختار باب ایضاً ص ۳۲۸ ج ۵ ط.س. ج ۶ ص ۳۸۳. ظفر

(۴) اختلافاً فی سجدة الملائکة قبل کان لله تعالی و الترجع الی آدم للشریف کاستقبال الکمة و قبل بل لادم علی وجه التحیه و الاکرام نم نسخ بطوله رحمہ لو امرت احداً ان یسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها (رد المختار کتاب الحظر والاباحۃ باب الاستبراء ص ۳۲۸ ج ۵ ط.س. ج ۶ ص ۳۸۳-۳۸۴) ظفر

بالمسنة الح شامی (۱) پس به این عبارت همه شبهات رفع شد فقط.

امامت طفلیکه پرورشش درخانه رفاصه شده باشد: سوال: (۸۵۱) پدر و مادر یک طفل

فوت کرد روی درخانه رفاصه کلان شد و قرآن مجید رانیز خوانده وی امامت کرده میتواند یانه؟

جواب: همان بچه که درخانه رفاصه کلان شده بود اگرقرآن مجید راخوانده بوده است وازمسائل

نماز خبردارد امامت وی بدون کراهت درست (۲) است.

امامت کسیکه زن سود خور دارد: سوال: (۸۵۲) زن کسیکه شودخور باشد واوبه آن

میفهمد وی امام شده میتواند یانه؟

جواب: اگرشوهر زن خود را ازین کار منع میکند در امامت شوهر کدام کراهت (۳) نیست.

امامت کهنه دوزیکه درطفولیت مسلمان شده درست است یانه: سوال: (۸۵۳) یک بچه

از اصل موجبی بود وعمرش با وبالایک سال بود که یک سید او را خرید وبه طریقه مسلمانی او

را پرورش کرد حالا همان بچه بالغ هست وبه طریقه قائم ومستحکم است نماز درپس وی جائز

است یانه؟

جواب: این شخص امامت کرده میتواند ودر پس وی نماز (۴) صحیح است فقط.

امامت کسیکه مقتدیهای خودرا منافقین میگوید درست است یانه: سوال: (۸۵۴) پیش

امامیکه به مسلمانان وبه مقتدیها خودمنافقین میگوید واین رانیز میگویدکه درین شب ورورز به

سبب منافقت دلهای همه مسلمانها کج شده برای آنها ضرورت سیده کردن صف نیست حکم

این امام چیست.

جواب: این کار نادانی کلان این امام است وی سخت گنهگار است دور کردن چنین امام

ضروراست نماز درپس وی مکروه (۵) است.

هروگاه در خفتن رمضان جماعت را یکی وتراویح رادبگری بدهد این جائز است یانه:

سوال: (۸۵۵) زید جماعت نماز فرض را داد وعمر در تراویح پیش شد ووتررا نیز داد این جائز

(۱) رد المحتار کتاب الحظر والاباحه والاستبراء وغیره ص ۳۳۸ ج ۵. ظفر

(۲) رد المحتار کتاب الحظر والاباحه والاستبراء وغیره ص ۳۳۸ ج ۵. ظفر

(۳) زیر ادران باز هیچ عیب نیست. ۱۲. ظفر.

(۴) قال الله تعالی ولا تزوروا زورا ووزا اخرى. (القرآن). ظفر

(۵) وبکروه تقدیم العبد الح وفسق (هدایه باب الامامة ص ۱۱۰ ح ۱). ظفر

است یا نہ؟

جواب: بہ ہر صورت جائز است جماعت دہندہ تراویح امامت و ترا نیز کردہ می تواند بشرطیکہ بالغ باشد زیرا کہ درس نابالغ نہ تراویح درست است ونہ وتر درست است (۱).

در تکبیرات انتقالی جہر واجب است یا سنت: سوال: (۸۵۶) گفتن جہری تکبیرات انتقال بالای امام واجب است یا سنت؟ اگر امام سہواً نیم تکبیر را بہ جہر بگوید آیا سجدہ سہواً لازم خواهد شد؟

جواب: سنت است بہ ترک کردن آن سجدہ سہو لازم نمیشود (۲) فقط.

دریس بی ادبی کنندہ مسجد نماز جائز است یا نہ: سوال: (۸۵۷) یک شخص امام مسجد است بالای وی تہمت خیانت وغیرہ است شخصی بہ امام مذکور گفت کہ تو مراعات نیظافت وغیرہ مسجد را بکن امام گفت کہ من اینجا شامہ میکنم لہذا دریس چنین شخص نماز جائز است یا نہ؟

جواب: چنین شخص لایق امام ساختن نیست دور ساختن او ضرور است وامام عالم صالح دیگر کہ صفتہای امامت در وی موجود باشد مقرر شود این سخن امام مذکور کہ من اینجا شامہ میکنم سخن کفر است زیرا درین توهین مسجد است (۳) لہذا اگر ازین توبہ نکرده باشد نماز در پس وی جائز نیست (۴) کارہای باقیماندہ کہ بہ خیانت ارتباط دارد بواسطہ انہای فاسق شد بہ این سبب امامت وی مکروہ (۵) است بہر حال دور کردن امام مذکور واجب است در حالت مذکور مؤذن ساختن وی نیز درست نیست فقط.

امامت زانی توبہ کنندہ جائز است یا نہ: سوال: (۸۵۸) یک شخص از مدت زمانی امام

(۱) ولا یصح القضاء وجب بامرأة وحیثی وصی مطلقاً ولولی جائزۃ ونقل علی الاصح (در مختار) والمختار انه لا یجز فی الصلوۃ کلہا (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۳۹ وح ۵۴۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۶ - ۵۷۷). ظہیر

(۲) وسننہا ترک السنۃ لا یوجب فساداً ولا سہواً بل اساءۃ لو عامداً الخ رفع الیدین للتحريم الخ وجہر الامام بالتکبیر بقدر حاجۃ للاعلام بالدخول والانتقال وکذا بالصبح والسلام (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفۃ الصلوۃ مطلب فی سنن الصلاۃ ص ۴۴۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۴ - ۴۷۵). ظہیر

(۳) وفي نسخة الفتاوی من استخلف بالقرآن او بالمسجد او بنحوہ مما یضہی فی الشرع کفر (شرح لفہ اکبر ص ۲۰۵).

(۴) اگر کسی حکماً کافر شود امامت او جائز نیست ولیدہ الخ بان لا یكون بدعۃ تکفرہ فان کانت تکفرہ فالصلاۃ خلفہ لا تجوز (البحر الرائق باب الامامۃ ص ۳۷۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۴۹). ظہیر

(۵) ان کراهۃ تقدیمہ (ای الفاسق) کراهۃ تحریم (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱). ظہیر

مسجد هست و همراه اینکه (زن پسر) خود را بطه ناجائز دارد و وی را همراه خود گرفته به جای دیگر رفت زن را شوهرش آورد و امام مذکور نیز امد حالا درباره امامت وی چه حکم است؟

جواب: اگر این شخص از کارهای خراب سابقه خود توبه کرد و اکثریت نماز خوانان به امامت وی خوش بودند امام ساختن وی درست است و کدام کراهت در امامت وی نیست (۱) فقط.

آیا امامت مرد ریش سفید مکروه است: سوال: (۸۵۹) شخصی از چهل سال به این سوامامت میکند لکن حالا از سه چهار سال در دید (نظر) وی فرق آمده اما پاک و ناپاکی را خودش دیده میتواند مردم اعتراض میکنند که نماز در پس چنین شخص مکروه است این صحیح است یا نه؟

جواب: در صورت ذکر شده در پس امام مذکور نماز مکروه نیست بدون کراهت نماز صحیح است فقط.

نماز حنفی در پس شافعی جائز است یا نه: سوال: (۸۶۰) اقتداء حنفی در پس شافعی المذهب صحیح است یا نه؟ و اگر شافعی المذهب مراعات حنفی را در نجاست و صوء و غیره نمیکند باز چه حکم است؟

جواب: نماز حنفی در پس شافعی المذهب صحیح است لکن بالای این امام لازم است که درباره نجاست و وضوء و غیره رعایت حنفی را بکند اگر وی چنین نمیکند برای حنفی نماز خواندن در پس او روا است اگر بصورت یقین ثابت شود که ازین امام کار ناقض وضوء و غیره به اعتقاد حنفی سرزده باز در پس او نماز حنفی نه میشود (۲) فقط.

امامت کر شل و چغلی کننده جائز هست یا نه: سوال: (۸۶۱) خواندن نماز در پس کر کور سخن چنین شل و کسمیکه زنش ستر نمیکند جائز است یا نه؟ و در پس دروغگوی نماز جائز است یا نه؟

جواب: در پس یکچشمه نماز مکروه نیست اگر کور از نجاست خود داری نمیکرد و غیر محتاط بود و اعلم قوم نبود نماز در پس وی مکروه است و اگر اعلم و افضل بود مکروه نیست و نماز

(۱) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب كمن لا ذنب له (مشکوٰۃ باب التوبه والاستغفار ص ۲۰۶ طبر).

(۲) و کذا لکره حلف امرء الح و محالف کشافی لکن فی وتر البحر ان یثنی المراءع لم یکره اوعدها لم یصححها وان شک کره (الدر المختار) و بحث المحشی انه علم ان راعی فی الغروض والواجبات والسن فلا کرهه وان علم ترکها فی الثلاثة لم یصح وان لم یدر شیئا کره الح (رد المختار باب الامامت ص ۵۲۶ ج ۱، ط. س. ح ص ۵۶۲ - ۵۶۳). طبر

درپس شخص جذامی وشل و سخن چنین مکروه است و کسیکه زنش پرده نمیکند و وی اورا منع نمیکند و به بی پرده گی وی خوش باشد نماز در پس وی مکروه است اگر وی اهل خانه خود را از بی پرده گی منع میکند و آنرا بد میبند نماز در پس وی بدون کراهت صحیح است و نماز در پس دروغگوی مکروه است (۱) فقط.

امامت زانی درست است یا نه: سوال: (۸۶۲) یک شخص به همراه زن بچه سکه خود زنا میکند و به زن پسر خود به خوشحالی اجاره زنابه همراه مود آن دیگر رامیدهد درپس وی نماز درست است یا نه؟ بوسه کردن دختر بالغ خودش چطور است؟

جواب: اگر وی توبه نکرد نماز درپس وی مکروه است بوسه کردن دختر بالغ خود از محبت و دلسوزی درست است و از راه شوق حرام است و موجب حرمت مصاهرت است و در صورت اول اجتناب از آن احوط است فقط.

امامت دارنده عقیده غلط چطور است: سوال: (۸۶۳) در بعض جاها رواج است که هرگاه عروسی (توی) سومش باشد و سخن رشته شود پدر و مادر دختر میگویند که نخست به گودی عروسی شود و این گودی در زیر چوکات روبرویی در وازه دفن شود این کار رابخاطری میکند که نکاح سوم بدبخت میباشد اگر چنین نکند دختر خواهد مرد این عقیده چگونگی و امامیه چنین عقیده داشته درپس وی نماز جائز است یا نه؟

جواب: این کار درست نیست داشتن چنین عقیده جائز نیست و کدام امامیه که این عقیده داشته نماز وی جائز نیست امام ساختن وی مناسب نیست نماز در پس وی مکروه است (۱) فقط.

امامت حافظ ناسنت درست است یا نه: سوال: (۸۶۴) (۱) عمر حافظ قرآن تقریباً (۲۵) ساله است وی سنت نشده مردم به امامت وی اعتراض میکنند آیا برای وی ختنه (یعنی سنت) و امامت وی درست است یا نه؟

(۱) و بکروه امامه عبد الح و فاسق و اعمی و نحو الاعشی الا ان یكون غیر الفاسق اعلم القوم فهو اولی الخ و کذا تکره خلف امر و سفیه و معولج و ابرص شاع برصه و شارب الخمر و اکل الربوا و عمام (در مختار) قوله لاسق من الفسق وهو الحروج عن الاستقامة ولو کان المراد من یرتکب الکبائر قوله غیر الفاسق نیج لی ذلک صاحب الحر حیث قید کراهة امامة الاعشى فی المحيط و غیره بان لا یكون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولی اهل قوله و معولج الخ و کذلک اعرج بقوم ببعض قدمه فالانقضاء بعیره اولی و کذا اجزم (ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ح ۱ و ص ۵۲۵ ح ۱، ط. س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). طبر

(۱) و بکروه امامه عبد الح و مستعد ای صاحب بدعة (در مختار) ای محرمه (ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ح ۱، ط. س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). طبر

امامت بسر کننده دستار سبز ویا نارنجی درست است یا نه: سوال: (۸۶۵) (۲) برای امامان

بسته کردن دستار سبز ویا نارنجی جائز است یا نه؟

جواب: (۱) برای اوست کردنش ضرور است زیرا این از شعائر (۱) اسلام است و امامت وی درست است.

جواب: (۲) ممانعت رنگ سبز ویا نارنجی شرعی نیست لهذا نماز درپس وی میشود البته دستار رنگ نارنجی خوب نیست (۲) فقط.

کسیکه اما قانونی رابه زور دور کند وخودش دعوه امامتی را کند نماز درپس وی جائز

است یا نه: سوال: (۸۶۶) یک مولوی صاحب ازیست سال به شنواندن قرآن کریم می آمد از سه سال آمدن رامنع کرده بود گویا مفقود الاثر بود مامردم ششماه قبل از رمضان یک مولوی صاحب ملازم ساخته بودیم درپسروغ رمضان مولوی صاحب سابق آمده مولوی صاحب دوم را از جای نماز دور کرد واورالت کرد وحق وی راخودش گرفت وبه اوهیچ چیز نداد فیصله شرعی درین باره چیست؟

جواب: کدام کسیکه ازسه سال به این سونه امده بود وصاحب دیگر تعین شده بود برای وی جائز نبود که امام جدید را که نماز خوانان ومردم محله تعین کرده بود از امامت منع کند وازجای نماز دور کند این کاروی حرام وناجائز هست ولت کردنش ظلم آشکار است (به این کار) وی فاسق شد وچیزی که برای امام دوم جمع میشود وی را دران هیچ حق نیست این ظلما آشکار امام سابق است که انرا حق خود میداند (۳) فقط.

امامت واذان یک شخص چگونه است: سوال: (۸۶۷) اذان دادن واقامت کردن یک شخص

مشروع است ویا مکروه؟

جواب: آنرا فقهاء الفضل گفته اند چنانچه در درمختار هست: الافضل کون الامام هرامؤذن الخ

(۱) وقيل في عتاق الكبير اذا مكته ان يحتن نفسه فعل والا لم يفعل والا لا يمكنه النكاح او شراء الجارية والظاهر في الكبير انه يحتن ويكنى
لفظ الاكثر المبر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الحظر والاباحه باب الاستبراء ص ۳۳۷ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۸۲. ظهير

(۲) وكره ليس المصغر والمزعر والاحمر والاصفر للرجال مفاده انه لا يكره لئسا ولا لباس بساتر الالوان (درمختار) ففي جامع الفتاوى قال ابوحنيفة والشافعي ومالك يجوز ليس المصغر ولا ل جماعة من العلماء مكروه بكرامة التزهيبة (رد المحتار كتاب الحظر والاباحه فصل في
اللبس ص ۳۱۴ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۵۸. ظهير

(۳) والعبارة الى القوم فان احتسبوا اعتبر اكثرهم الخ وامام الراتب اولي (المرد المحتار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱ ،

ط.س. ج ۱ ص ۵۵۸ - ۵۵۹. ظهير

(۱) فقط.

امامت شخصیکه تهدید قتل میدهد چگونه است: سوال: (۸۶۸) امام مسجد میگوید هر که بخاطر نماز خواندن به این مسجد بیاید وی را خواهم کشت امامت چنین شخص جائز است یا نه؟

جواب: چنین امام فاسق است دور کردن وی ضرور است و نماز در پس وی مکروه (۲) است.

امامت شخصیکه یک انگشت بریده شده باشد چطور است: سوال: (۸۶۹) اینجا یک طالب العلم است و از علم خوب خبر دارد و یک انگشت (کلک) دست راستش نیست و مردم نیز از وی خوش هستند امامت وی درست است یا نه؟

جواب: امامت وی درست است (۳) فقط.

امامت کسیکه برای ظالم دعاخیر میکند درست است یا نه: سوال: (۸۷۰) کدام هندو که بالای رعیت خود ظلم و ستم میکند هرگاه وی مریض شود و کدام مسلمان بخاطر طمع دنیا برای وی دعاء خیر و ختم جلالی میکند و دعاء شفاء میکند برای وی چه حکم است نماز در پس وی جائز است یا نه؟

جواب: دعاء خیر برای ظالم و کمک کردن ظالم در ظلم حرام و گناه کبیره است: و عن اوس بن شریحیل انه سمع رسول الله ﷺ لا یقول: من مشی مع ظالم لیقویه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام رواه البیهقی (۴) پس شخصیکه قصداً و به اراده خود برای ظالم دعاء خیر میخواهد و درین ظلم وی را کمک میکند فاسق است نماز در پس وی مکروه است (۵) الا ان یتوب فقط.

امامت معذور برای غیر معذور درست است یا نه: سوال: (۸۷۱) امام یک مسجد مرض بواسیر دارد هر وقت از وی آب بدوی روان می باشد مقتدیهایش تندرست اند برخی از آنها قرآن کریم را صحیح میگویند و از مسائل نماز خوب خبر دارد در پس چنین امام معذور نماز میشود یا نه؟

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاذان ص ۳۷۲ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۴۰۱ ظفر

(۲) ان کراهة تلذیمه (ای الفاسق) کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ح ۱ ص ۵۶۰) ظفر.

(۳) نبودن انگشت شریعتاً کدام عیبی نیست که بسبب آن در امامت کدام فساد یا کراهت پدید آید - ۱۲ ظفر

(۴) مشکوٰۃ باب الظلم فصل ثالث ص ۴۳۶. ظفر

(۵) و بکراهة امامة عبد الغی و فاسق (رد مختار) و ان کراهة تلذیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۰) ظفر

جواب: امام مذکور شرعاً معذور است و در در مختار و دیگر کتابهای فقه تصریح است که نماز غیر معذور درپس معذور نمیشود لهذا وی را امام نسازید (۱) و در میان مردمان تندرست کسیکه از مسائل نماز خبر باشد و قرآن شریف را صحیح میگوید او را امام سازند فقط.

امامیکه مرده جذامی را بیرون کند و امر سوختاندنش را بدهد امامت وی درست است

پایه: سوال: (۸۷۲) به فتویٰ دادن یک قاضی در ریاست جسد یک جذامی مسلمان دوماه بعد از دفن شدن در رابطه به این حکم چیست؟ و حکم قاضیکه فتویٰ جواز را داده و حواله در مختار و عالمگیری را میدهد چیست؟ نماز درپس وی مناسب است و یا بهمراه وی مقاطعه شود فقط؟

جواب: سوختاندن جسد مسلمان جائز نیست بالکل حرام است قاضیکه امر سوختاندن مسلمان جذامی را داده جاهل و فاسق است در هیچ کتاب سوختاندن مرده نوشته نشده این حواله را وی غلط داده چون مرد ذکر شده بدعتی هم است و فاسق هم به این سبب نماز درپس وی مکروه است امام ساختن وی حرام است زیرا در امام ساختن وی تعظیم است و تعظیم بدعتی و فاسق حرام است در حدیث شریف است که:

من و قر صاحب بدعة فقد اعان علی هدم الاسلام (۲) یعنی کسیکه تعظیم بدعتی و عزت وی را بکند وی در بر انداختن اسلام کمک کرد و العیاذ بالله تعالی بالای قاضی ذکر شده لازم است که توبه کند و اگر توبه نکرد سلام و کلام بهمراهش ترک کردن مناسب است چنین شخص لیاقت قاضی شدن و مقتدا را ندارد فقط.

اما ساختن دزد چه طور است: سوال: (۸۷۳) پیش امام شطرنجی مسجد را دزد دیده بود و بعد از گذشتاندن جزاء باز آمد نماز درپس وی جائز است یا نه؟

جواب: امام ساختن چنین شخص فاسق مکروه است و نماز درپس وی مکروه تحریمی است و معزول کردن وی و مقرر کردن امام عالم قاری و صالح ضرور است (۳) فقط.

امامت کسیکه قادر به جماع نیست درست است یا نه: سوال: (۸۷۴) منحن امام شده

(۱) ولا یصلی الطاهر خلف من هو فی معنی المستحاضة (مذهب باب الامامة ص ۱۱۳ ج ۱). ظفر

(۲) مشکوٰۃ کتاب الاعتصام بالکتاب والسنة فصل ثالث ص ۳۱.

(۳) و بکروه امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) بل منی فی شرح المصیبة علی ان کراهة تقدیمه ای العاصی کراهة تحریم زود السحار - الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. ص. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ انروح الحاكم فی مستدرک ان سرکم ان یقل الله صلاکم فلیزکم حارکم فانیم و قد کم

لما بینکم و بینکم هم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱). ظفر

نمی‌تواند لکن اگر کدام شخص بسبب پیداشدن مرضها از قابلیت جماع برآید امام شده می‌تواند درحالی‌که همین شخص درمسجد صاحب فضل و کمال است؟

جواب: امامت عتین یعنی نامرد درست است حکم عتین مانند ختنی نیست، لهذا امامت معذور ذکر شده صحیح است (۱) فقط.

کسیکه موی سفید را میکند امامت وی جائز است یا نه: سوال: (۸۷۵) زید امام مسجد

است و موی سفیدریش خود را میکند نماز درپس وی چه حکم دارد؟

جواب: این کار خوب نیست بلکه مکروه است و نماز درعقب وی صحیح است مگر چنین کردن مناسب نیست فقط.

امامت شخصی‌که دست راستش به نرمی گوش نمیرسد جائز است یا نه: سوال: (۸۷۶)

دست راستم به نرمی گوش نمیرسد درچنین حالت امامت من درنمازهای پنجگانه جمعه و غیره جائز است یا نه؟

جواب: درین صورت امامت پرسنده درنمازهای پنجگانه و جمعه و غیره بدون کراهت صحیح است و هیچ دلیل کراهت امامت نیست زیرا که فقهاء رحمهم الله تعالی نوشته‌ان که آ بهامین رادر وقت تحریمه به نرمی گوشها بچسپاند این دراصل بخاطر بدست آوردن محاذات است چنانچه از روایات ثابت میشود پس اگر به سبب کدام عذر دستهایش به نرمی گوش چسپانده نمیشود و محاذات آبهامین یعنی انگشتان کلان) بهمراه گوشها حاصل شود سنت اداخواهد شد در درمختار هست: و رفع یدیه ماسابا بهامیه شحمتی اذنیه هوالمراء بالمحاذاة لانها لا یتیتمن لابلذک الخ قوله: هوالمراء بالمحاذاة ای الواقعة فی کتب ظاهر الروایة و بعض روایات الاحادیث کما بسطه فی الحلیة و وفق بینه و بین روایات الرفع الی المنکبین بان الثانی اذکانت الیدان فی الشیاب للبرد کما قاله الطحاوی اخذاً من بعض الروایات و تبعه صاحب الهدایة و غیره و اعتمد ابن الهمام التوفیق بانه عند محاذاة الیدین للمنکبین من الرسغ تحصل المحاذاة للاذنین بالابهامین و هو صریح روایة ابی داود و شامی (۲) جلد اول و صاحب هدایه تنها محاذات را گرفته یعنی در وقت

(۱) امامت ختنی که به این خاطر درست نیست که احتمال زن بودن وی میباشد و الحنفی البالغ لصح امامته للافنی مطلقاً فقط لا لرجل و لا لسله لاحتمال انوثته و ذکره الطنطدی (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۰ ح ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۷) او به غیر کمی ددی قسم هیچ احتمال به وی. رافه اعلم. ظهر

(۲) قال رسول الله ﷺ لا تتنقروا الشیب فانه ما من سلم يشب شبیه فی الاسلام الا کان له نوراً يوم القيامة رواه ابو داود و کتاب الترغیب =

تکبیر تحریمہ ابہامین انگشت کلان رابہ گوشہا برابر نماید: ویرفع یدیه حتی یحاذی بابہامیہ شحمتی اذنیہ (۱) ہدایہ ودر دلیل آن این حدیث را پیش کرده ولنا روایۃ وائل بن حجر (رض) والبراء (رض) وانس ان النبی ﷺ کان اذا کبر رفع یدیه حذاء اذنیہ الخ (۲) ہدایہ۔ ازین ثابت شد کہ بنزد احناف اصل این است کہ ابہامین رابہ گوشہا برابر کند پس اگر بسبب دوام عذر دست بہ نرمی گوشہا نرسد محاذات حاصل وسنت اداء شود فقط۔

امامت نگاہ کنندہ زن بدون نکاح درست است یا نہ: سوال: (۸۷۷) زید وندہ نامحرم

دریک حویلی مانند اقرباء زندہ گئی میکنند ودر وقت پرش از نکاح زید میگوید کہ ما در میان خود ایجاب وقبول کردہ ایم ویکجا شدن شان ثابت است چنین شخص قابل امامت است یا نہ؟

جواب: ایجاب وقبول اگر در حضور دو شاهد شود نکاح منعقد میشود زن و مرد خودشان در حضور دو شاهد ایجاب وقبول نماید وکدام شخص سوم بستہ کنندہ نکاح نباشد باز ہم نکاح میشود پس اگر زید میگوید کہ ما خود ایجاب وقبول را در موجودیت دوشاهد کردہ ایم نکاح آنها ثابت است ایشان زن وشوہر شمرده میشوند وتہمت نگہداری زن بی نکاح بالایش روا نیست ونماز درپس وی صحیح است شامی (۲) جلد ثانی فقط۔

امامت بچہ جائز زن نومسلمان شدہ درست است: سوال: (۸۷۸) زید بہمراہ زن نومسلمان

شدہ ہندہ مطابق شریعت حقہ نکاح کرد از شکم زن مذکورہ یک بچہ تولد شد وی ہر گاہ بعد از بلوغ از احکام شرعیہ خوب خبر شود نماز دادہ میتواند یا نہ؟ اگر امامت وی جائز باشد کسیکہ برایش ناجائز میگوید وی گنہگار است یا نہ؟

جواب: امامت وی بدون کراہت صحیح است کسیکہ میگوید کہ در پس وی نماز جائز نیست وی بر غلط است مسئلہ برایش معلوم نیست (۱) فقط۔

= والترہیب لابن حجر ص ۱۹۹۔ ظہیر

(۱) رد المحتار باب صفۃ الصلوۃ لفصل تالیف الصلوۃ ص ۴۵۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۲ - ۴۸۳۔ ظہیر

(۲) ہدایہ باب صفۃ الصلوۃ ص ۹۴ ج ۱۔ ظہیر

(۳) وینعتقد متلبسا بابہایب من احدهما وقبول الآخر الخ وشرط کل من العاقدین لفظ الآخر لیتحقق رضاہما وشرط حضور شاهدین حرمین

مکلفین سامعین قولہما معا علی الاصح (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب النکاح ص ۳۶۱ ج ۲، ط.س. ج ۳ ص ۹)۔ ظہیر

(۴) والاصح بالامامة تقدیما بل نصاب الاعلم باحکام الصلوۃ فقط صحة ولسا د بشرط اجتنابہ للتواخش الطاهرة وحفظہ قدر فرض وقیل واجب

وقیل سنة (رد المحتار) ای وان کان غیر متحر فی بلعۃ العلوم وهو اولی من المتحر (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص

امامت کسیکه ناشانہ موی میماند جائز است یا نه: سوال: (۸۷۹) موهای کسیکه ناشانہ

ہا باشد امامت وی جائز است یا نه؟ بکر میگوید کہ امامت چنین شخصی جائز نیست؟

جواب: گفتار بکر غلط است امامت زید بہ این دلیل مکروه نیست زیرا احیاناً موهای مبارک آنحضرت ﷺ بہ شانہ ہا میرسید چنانچہ امام نووی (رح) میفرماید: ووجه اختلاف الروایات فی قدر شعره اختلاف الاوقات فاذا غفل عن تقصیرھا بلغت المنكب واذا قصرھا كانت الى انصاف الاذنین (۱) فقط.

امامت کسیکہ از زخمش آب زرد میاید جائز است یا نه: سوال: (۸۸۰) (۱) دریک

بخشی از مقعد یک شخص دانہ است وازان آب وریم میاید وگاہ بندھم میشود این شخص بگونه مستقل امام مسجد شدہ میتواند یا نہ؟

امامت کسیکہ حال پدرش معلوم نباشد درست است یا نه: سوال: (۸۸۱) کدام شخص کہ

حال پدرش معلوم نہ بود کہ کی بود ایا وی مستقل امام مسجد شدہ میتواند یا نہ؟

جواب: (۱) درحالیکہ ریم وآب وغیرہ ازوی جاری میشود درآن حالت نماز خواندن در پس وی صحیح نیست ودرحالتیکہ بند باشد درآن وقت نماز درپس وی صحیح است ودرینجا قول امام معتبر است (۲).

جواب: (۲) اگر وی خودش لایق امام شدن هست مثلاً از مسائل نماز خبر است قرائت راصحیح میگوید واز فسق وفجور اجتناب میکند وی امام ساختہ میشود در شامی تصریح است کہ اگر ولد لڑنا خودش صالح وعالم باشد امامت وی بدون کراہت صحیح است (۳) فقط.

اقتداء شافعی المذهب: سوال: (۸۸۲) اقتداء شافعی المذهب درپس امام حنفی المذهب

درست است یا نہ؟ شخص اقتداء شافعی المذهب رادرپس حنفی ناجائز میگوید وعبارات ذیل رادلایل عدم جواز حوالہ دادہ است ویک رسالہ را بہ ذریعہ پوستہ روان کردہ کہ بسبب آن درمیان شان تفرقہ افتیدہ آن عبارت از این است: قال شیخنا ابن حجر الہیثمی تبعاً لشیخنا الزکریا

(۱) شرح نووی للمسلم باب صفة شعره ۲۲۸ ج ۲ . طہر

(۲) ولا یصلی الطاهر خلف من فی معنی المستحاضة (ہدایہ باب الامامة ص ۱۱۳ ج ۱) . طہر

(۳) ولد الزنا هذا ان وجد غیرهم والا فلا کراہة (درمختار) ولو عدت ای علة الکراہة بان کان الاعرابی فصل من الحصری. والعد من الحر. وولد الربا من ولد الرشدة والاعمی من البصر فالحكم بالنصد الح ولعل رحمه ان تغیر الجماعۃ بتقدمہ بزول ادا کان افضل من غیرہ بل التغیر یکون فی تقدیم غیرہ (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ و ص ۵۲۵ ج ۱ . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ - ۵۶۲) . طہر

الانصارى وكذا لو كان الامام لا يعتقد وجوب بعض الاركان او الشروط وان اتى بها لانه بها النفلية وهو المبطل عندنا كما فى فتح المعين الخ؟

جواب: در مذهب حنفی درین باره تحقیق این است که اقتداء حنفی المذهب درپس شافعی المذهب جائز است (۱) و در نزد شوافع نیز همین معتبر معلوم میشود که نزد آنها نیز اقتداء شافعی در پس امام حنفی صحیح است کدام روایاتی را که این شخص منکر روان کرده این گونه روایات در مذهب حنفی نیز است مگر آن معتبر نیست و این روایات نیز از همین قبیل معلوم میشود زیرا که عمل علماء حرمین خلاف آن هست در آن جا یکسان اقتداء شوافع درپس احناف بلا انکار میکنند بقیه روایات هر گونه که باشد اعتبار قول محققین (رض) را است پس به چنین روایات تردید اقتداء شافعی درپس امام حنفی مناسب نیست تفصیل مکمل به مطالعه کتابهای مذهب شافعی معلوم شده میتواند که بسیاری درینجا موجود نیست و فرصت مطالعه نیز نیست (۲) فقط.

اقتداء شوهر: سوال: (۸۸۳) یک زن به تنهایی نماز فرض را در پس شوهر خود خوانده میتواند یانه؟

جواب: اگر زن درپس شوهر خود اقتداء میکند نمازش صحیح است برابر استاده شدن به وی مناسب نیست پستر استاده شود اگر جدانیت می بست باز هم راضی یکجا استاد یابستر هر گونه نماز صحیح است در درمختار است و اما الواحدة فتأخر وفيه اما اذا كان معهن واحد ممن ذكرى اخته وزوجته او امهن فى المسجد لا يكره بحر (۳) فقط.

به همراه تنهایی و دستمال نماز درست است یانه: سوال: (۸۸۴) وقتی امام یک لنگ بزنند

و یک دستمال از بدن خود تاو کند امامتش درست است یانه؟

جواب: درست است (۴) فقط.

(۱) وكذا نكره خلف امره (الى قوله) وزاد بن مالك ومخالف كشافى لكن فى وتر البحر ان نيل المراجعة لم يكره (در مختار) واما الاقتداء بالمخالف فى الفروع كالشافعى فيحوز مالهم يعلم منه مايفسد الصلاة على اعتقاد المقدى عليه الاجماع انما اختلف فى الكراهة (رد المحتار) مطلب فى الاقتداء بشافعى ص ۵۲۶ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۲ - ۵۶۳.

(۲) البذر المختار ص ۸۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۶، ظهير

(۳) والمستحب ان يمسى الرجل فى لثة التواب ازار وقبض وعمامة ولو صلى فى لوب واحد متوشحا به جميع بدنه كما يفعله القصار فى المقصورة جاز من غير كراهة مع تسبیر وجود الطاهر الزائد ولكن ليه ترك الاستحباب (رعية المستمل فضل الذى يكره فى الصلوة ص ۳۳۷، ظهير عفره

۱. ويكره امامة عبد الخ وفاسق (در مختار) بل متى فى شرح المسبة ان كراهة تقديمه (الى الفاسق) كراهة تحريم (رد المحتار) باب الامامة =

امامت جور کننده دندان ساخته گی: سوال: (۸۸۵) یک شخصی امام مسجد است دندان وی مصنوعی است به همراه دندان های مصنوعی خواندن قرآن کریم و کردن امامت درست است یا نه؟

جواب: درست است فقط زیرا ساختن دندان را فقهاء درست نوشته کرده اند گرچه ازقره باشد حتی امام محمد رح شالند دندان طلارا درست گفته اند: اذا جدع انفه او اذنه اوسقط سنه فاراد ان يتخذ سنا اخر فعند الامام يتخذ ذالك من الفضة فقط. وعند محمد رحمه الله من الذهب ايضاً ردالمحتار كتاب الحظر والاباحة فصل في اللبس صفحه ۳۱۸ جلد ۵.

امامت چل باز درست است یا نه: سوال: (۸۸۶) من شخصی راطلا دادم بابرایم غوری بسازد خلاصه این که وی طلا راماند وازمس برایم غوری داد و او امام است لهذا نماز درپس وی جائز است یا نه؟

جواب: این شخص فاسق است نماز درپس وی مکروه است دور کردن وی از امامت مناسب (۱)

است ویا این که توبه کند فقط.

امامت کسیکه بخاطر دفع کردن ظلم دروغ بگوید چگونه است: سوال: (۸۸۷) خلاصه این که زید بالای عمر دعوای دروغ درمحکمه دائرکرد درحالیکه زید به کدام سبب مجبور شده بود عمر رابه چلی زده بود مگر دعوایه عنوان وطریقه دیگر کرده بود وکیل عمر ازطرف عمر قطعاً انکار کرد زیرا به اقرار نمودن اندیشه جزاء دادن بود ایا درین صورت نماز درپس عمر جائز است یا نه؟

جواب: در درمختار است که برای دفع کردن ظلم دروغ گفتن جائز است الکذب مباح لاحیاء حق ودفع الظلم والمراد التعرض (۲) الخ لهذا درین صورت امامت عمر صحیح است ونماز درپس وی بدون کراهت صحیح است فقط.

زنها درخانه نزدیک به امام مسجد اقتداء کرده میتوانند: سوال: (۸۸۸) درخانه نزدیک مسجد زنها نماز جمعه وعیدها رابه تکبیر امام اداء کرده میتوانند یا نه؟

= ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰. ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۷ ج ۵، ط. س. ج ۶ ص ۳۶۲. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی البیع ص ۳۷۷ ج ۵، ط. س. ج ۶ ص ۳۶۲. ظفیر

جواب: اداء کرده میتواند (۱) فقط.

امام شدن کسیکه پاهایش قطع شده باشد چگونه است: سوال: (۸۸۹) مرد وپای یک

شخص تازانو قطع شده که به سبب آن رکوع وجلسه کماحقه اداء کرده نمیتواند قرآن شریف

را صیخ میگوید وپایند نماز روزه است امامت چنین شخص درست است یا نه؟

جواب: نماز درپس وی صحیح است لکن بهتر است که امام دیگر مقرر شود کسیکه دشت

وپایش تندرست رسالم باشد روی عالم وصالح وبه صفات امامت متصف باشد درشامی آمده:

و کذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالافتداء بغیره اولی تاتار خانیه و کذا اجزم (۲) الخ ازین معلوم شد

که امامت قطع شده پاهای در درجه اول مکروه است اگر چه نماز درپس وی میشود لکن بهتر این

است که امام دیگر را مقرر کنند فقط.

نماز درپس شهادت دهنده راستین درست است یا نه: سوال: (۸۹۰) شخصیکه به سبب

کدام ضرورت شهادت راستین میدهد نماز درپس وی درست است یا مکروه؟

جواب: شاهدی دادن راستین موجب ثواب است ودر بعضی مواقع ضرورت میشود لهذا نماز

درپس وی بدون کراهت درست است فقط.

امامت فایده گیرنده به آیات قرانی: سوال: (۸۹۱) (۱) امامت چنان شخص درست است

یا نه؟ که به عمل آیات قرانی یعنی دم ودرود میکند واجوره میگیرد.

امامت توبه کننده از عمل سفله (بیکاره): سوال: (۸۹۲) (۲) شخصی عمل سفله میکند باز

توبه راستین بکند امامت وی درست است یا نه؟

جواب: (۱) درست است.

جواب: (۲) بعد از توبه امامت وی درست است (۳) فقط.

(۱) و الحال لا یمنع الافتداء إن لم یسبه حال إمامه بسماع أو رؤية، ولو من باب مشکک یمنع الوصول فی الاصح ولم یختلف المكان حقيقة

کمسجد و بیت فی الاصح ولو اتقنی من سطح داره المتصلة بالمسجد لم یجز لکن تعقیبه فی الشربلالية، ونقل عن البرهان وغيره أن

الصحيح اعتبار الاشياء فقط. ودرمختار ای ولا عبرة باحتلاف المكان الخ والذي یصح هذا الاختیار ما روينا ان رسول الله ﷺ كان یسلی

فی حجرة عائشة ؓ والناس یصلون بصلاته الخ و رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۸ رص ۵۵۰ ح ۱ ج ۱ ط.س. ص ۵۸۹-۵۸۸ طبر

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۵ ح ۱ ج ۱ ط.س. ص ۵۶۲ طبر

(۳) اجوره گرفت به دم آیت قرآنی جاتر است: لان المتفدين المانعين للاستیجار مطلقا جوروا الرقبة بالاجارة ولو بالقرآن كما ذكر الطحاوی

لها ليست عبارة محضة بل من التداوی و رد المحتار. كتاب الاجارة مطلب فی الاستیجار علی الطاعات ص ۴۸ ح ۵ ط.س. ص ۱ ص

للاس ح ۶ ص ۵۵ طبر

امامت کسیکے جنازہ خدمتگار را می‌کنند جائز است یا نه: سوال: (۸۹۳) شخصی جنازہ

خدمہ رامی‌کند وقتی درخانہ خدمتگار طفل تولد شود درگوش وی اذان میدہد آیاچنین شخص

قابل امامت شدہ می‌تواند و برای چنین شخص شریعت چگونه جزاء پشنہاد کردہ اند؟

جواب: اگر این خدمتگاران مسلمان باشند نماز جنازہ انہا ضرور یست اذان دادن ذرگوش طفل

انہا مشروع است لہذا بالای این شیخ اعتراضی نیست (۱) و اگر این خدمتگار کافر باشد و کلمہ

اسلام رانمی‌گوید باز این کار ناجائز (۲) است بالای امام توبہ کردن لازم است ازین کار و بعد

ازتوبہ امام باقیماندہ نمی‌تواند فقط.

وقتی امام در اوقات مکروہ جماعت میدہد مقتدیہا چہ کنند: سوال: (۸۹۴) مربوط بہ

درگاہ یک مسجد است سجادہ نشین آن در آخر وقت مکروہ نماز میخواند و امام و مؤذن

نیز مطابق خواہش وی کار می‌کنند آیا مردم محلہ حق دارند کہ نماز را در وقت اول بخوانند و اورا

دور کنند و امام دیگر تعین کنند این کار درست است یا نہ؟

جواب: اولاً واضح باد کہ خواندن نماز هر وقت بہ نزد احناف سنت و مستحب نیست بلکہ در نماز

صبح اسفار مستحب است همچنان در نماز پیشین تابستان تاخیر منت است.

و تاخیر کردن نماز خفتن تابخش سوم شب مستحب (۳) است و این ہم واضح باد کہ وقت

مکروہ در عصر است کہ وقت عصر را آنقدر تاخیر کند کہ در آفتاب تغیر وزرزدی بیاید در سائر

نماز های باقیماندہ وقت کامل است وقت مکروہ در آن ہانیست البتہ تاخیر کردن نماز خفتن بہ

دلیل دیگر کہ تقلیل جماعت است مکروہ (۴) است غرض اینکہ تاخیر کردن ہر نماز مکروہ

نیست حتی مؤخر کردن نماز عصر تا قبل غروب آفتاب و خواندن نماز خفتن بعد از نصف شب

مکروہ است پس ازین جواب اشکار است کہ اگر سجادہ و امام صاحب چنین نمی‌کنند کہ نماز

عصر را نزدیک بہ غروب میخواند و نماز خفتن را بعد از نصف شب میخوانند تنہا بہ سبب تاخیر

(۱) قال رسول اللہ ﷺ التائب من الذنب کمن لا ذنب لہ (مشکوٰۃ باب الاستغفار فصل ثالث ص ۲۰۶) . ظہیر

(۲) وہی فرض علی کل مسلم مات خلا اربعۃ الیغ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صلوة الجائز ص ۸۱۴ ج ۱ . ط.س. ج ۲ ص

۲۱۰) . ظہیر

(۳) و یستحب الاسفار بالفجر والابراد بالظہر فی الصیف وتقدمہ فی الشتاء و تاخیر العصر عالم تغیر الشمس فی الصیف والشتاء و یستحب تعجیل المغرب و تاخیر العشاء الی ما قبل ثلث اللیل (مدایہ مختصر ص ۷۸ ج ۱).

(۴) و تاخیر عشاء (الی قولہ) فان اخرھا الی مازاد علی النصف کرہ لتقلیل الجماعة اما الیہ فباح و اخر العصر الی اصفرار ذکاء (الدر المختار

کتاب الصلاة ، ط.س. ج ۱ ص ۳۶۸) . ظہیر

کردن نماز صبح و پیشین خفتن عصر مخالفت وی کرده نشود امام پیشینه موقوف کرده شود البتہ حتی الوسع در نزد احناف کدام اوقاتی کہ مستحب است رعایت آن کرده شود لکن اگر یک نماز در اوقات مکروهہ نمیشود باز مخالفت و جنگ کردن درست نیست فقط.

امامت پیستدار: سوال: (۸۹۵) کدام شخصیکہ از مسائل خبرسید باشد و پرهیزگار باشد لکن در میان انگشتان وی بالای دویاسہ آنگشت داغ پیس (مرض برص) باشد نماز درپس وی جائز است یا نہ؟

جواب: نماز درپس امام ذکر شدہ بدون کراہت درست است بہ این اندازہ داغهای پیس در امامت مذکور هیچ کدام کراہت نمایند کذا فی الشامی (۱) فقط.

امامت قادیانی درست نیست: سوال: (۸۹۶) نماز درپس گروه قادیانی جائز است یا نہ؟

جواب: درست نیست زیرا فتوی (۲) بہ کفر آنها است فقط.

عالم اقتداء جاہل را کرده میتواند یا نہ: سوال: (۸۹۷) اگر یک جاہل نماز میداد و یک عالم یا عالم مسائل بہ قدر ضرورت آمد این عالم درپس وی اقتداء کند یا نہ؟ اگر اقتداء کرد در نمازش کدام نقص آمد یا نہ؟

جواب: اقتداء نماید در نماز کدام نقص نیست (۳) فقط.

امامت کسیکہ تنها بہ آب استنجا میکند چگونه است: سوال: (۸۹۸) اگر کسی عادتاً کلوخ استعمال نمیکند شاشہ میکند حشفہ رامیشوید بس بہ این طریق طہارت وی قابل اعتبار نیست و ہمین شخص نماز میدہد حالا وقتی شخص محتاط آمد درپس وی اقتداء کند یا نہ اگر اقتداء نہ میکند آیا خودش جدا فرض بخواند و یا انتظار بہ فراغت وی استاد شود و قتیکہ جماعت خلاص شود در انجا و در آنوقت بخواند؟

جواب: اقتداء کند و هیچ و ہم نکند (۴) فقط.

(۱) و کذا بکثرہ حلف امر الدیوبند و ابرص شاع برصہ (در مختار) و الظاهر ان العلة الفرة ولذا ليد ابرص بالشروع ليكون ظاهراً رد المختار باب الامامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ۵۶۲. ظہیر

(۲) وان انکر بعض ما علم من الذين ضرورة كفر بها الخ لايصح الاقتداء به اصلاً والرد المختار على هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۲۴ ج ۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۱. ظہیر

(۳) فانما يخرج الحروف يخرجها على الصحة لا يكره ان يكون امام (عالمگیری مصری ص ۸۱ ج ۱ ، ط. م. ج ۱ ص ۸۶).

(۴) البقین لا یزول بالثکب (الاشباه والنظائر القاعدة الثالثة ص ۷۵) ثم اعلم ان الجمع بين الماء والحجر الفصل وبه في الفصل الانقصار على الماء وبه في الانقصار على الحجر وتحصل السه بالكل وان تفاوت الفصل (رد المختار فصل في الاستنجاء ص ۳۱۳ ج ۱ ، ط. س. ج ۱ =

اقتداء صاحب ترتیب درپس کسیکہ نمازهایش فوت میشود: سوال: (۸۹۹) اقتداء صاحب

ترتیب درپس آن امام میشود کہ نمازش فوت میشود یا نہ؟

جواب: ہر گاہ امام صاحب ترتیب نیست نمازش صحیح است پس درپس وی نماز صاحب ترتیب نیز صحیح است زیرا کہ نماز مقتدی تابع نماز امام است صحت او فساداً^(۱) (بہ اعتبار صحت ہم وباعتبار فساد نیز) فقط.

اقتداء مسبوق: سوال: (۹۰۰) یک شخص دونماز وقتی شریک شد کہ یک رکعت گذشتہ

بود بعد از جماعت آدم ذکر نماز باقیماندہ را پورہ می کرد کہ درین وقت دومرد دیگر وضوء کرد و درپس ہمین شخص نیت کردہ استاد شد شخص سابق رکعت خود را پورہ کردہ کدام دونفر کہ پسان آمدہ بود یک رکعت آنها باقی ماند بعد ازین یک یادونفر وضوء کردہ درپس وی استاد شدند ہمین گونہ پنج دفعہ شامل شد بہ این طریقہ اقتداء درست شد یا نہ؟

جواب: از شخصی کہ یک یادو رکعت فوت شود و پسان بیاید در جماعت شامل شود وی رامسبوق گویند کدام رتبت کہ بعد از گشتاندن سلام امام برای تکمیل نمودن نماز خود بخیزد اقتداء کردن کسی درپس وی درست نیست نماز این مقتدیا نمیشود همچنان تا آخر سلسلہ نماز مردمان نمیشود کہ میآمدند و شامل میشوند چنانچہ در در مختار دربارہ حال مسبوق است: لایحوز اقتداء بہ^(۱) فقط.

بسیب ترک واجب کہ شخصی اعادہ واجب رامیکنند اقتداء وی را کسی دیگر کردہ

نمیتواند: سوال: (۹۰۱) بہ سبب ترک واجب اگر کدام شخص جدید در جماعت دوم شریک

شود کہ بہ عہدہ اش فرضیت باقی است یا مسبوق جماعت اول کہ قبل از شریک شدن در جماعت اول ترکی واجب شدہ بود و نماز خود را تکمیل کند و در جماعت دوم شریک شود و یا بعد از شرکت در جماعت اول از امام ترک واجب شود و بعداً نماز را پورہ کرد و در جماعت دوم شامل شد درین ہر سہ صورت نماز چہ کسی میشود و کدام درجہ خواہد بود و از چہ کسی نمیشود و یک شکل این است کہ مسبوق مشغول است نماز را تکمیل میکند و جماعت دوم

= ص ۳۳۸، ظہیر

(۱) فلا یلزم الترتیب اذا حاق الوقت المستحب حقیقۃ الخ و نسبت الفائتہ لانہ عذر اوقات سقۃ اعتقاداً لدخولها فی حد التکرار المقتضی

للخرج (رد المحتار علی ہامش و رد المحتار باب قضاء الفوات من ۶۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۷)، ظہیر

(۲) الدر المختار علی ہامش و رد المحتار مطلب فی المسبوق واللاحق من ۵۵۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۷، ظہیر

شروع شد شریک شدن وی به آنها مناسب است یا نه؟

جواب: صحیح این است که دوباره نماز خواندن به سبب ترک واجب جبیره است برای نماز اول یعنی فرضیت پیش اداء شود و پس کدام شخص جدید که در جماعت دوم شریک میشود نماز فرض وی نمیشود این سخن رامحقق ابن ہمام اختیار کرده و همین صحیح است پس برای مسبوق ضرور است که نماز خود را پوره کند در جماعت دوم شریک شود اگر نماز اول را شکست و در جماعت دوم شریک شد نماز وی نمیشود در درمختار است والمختار انه جابر للاول لأن الفرض لا یتکرر الخ فقط.

نماز فرض خوان در پس تراویح خوان درست نیست: سوال: (۹۰۲) (۱) زید دعوی دارد که وقتی نماز تراویح خوانده میشود و بکر پسان رسید نماز خفتن را تنها نخواند بلکه در پس امام بخواند در کدام حالت که امام است خود بکر نیت نماز فرض خفتن را کرده در جماعت شامل شود فرض بکر میشود؟

اقتداء نماز خوان پیشین در پس نماز خوان عصر شده نمیتواند: سوال: (۹۰۳) زید دعوی دارد که وقتی جماعت نماز عصر میشود و بکر که هنوز نماز پیشین روز را نخوانده پستر آمد و به همراه امام به نیت نماز پیشین شامل شود نماز پیشین وی خواهد شد نماز عصر را بلسان بخواند.

جواب: (۱) دعوی زید غلط است در پس تراویح خوان فرض اداء نمیشود (۱) فقط.

جواب: (۲) این دعوی زید نیز مخلط است نماز دیگر خوان در پس پیشین خوان نمیشود (۱).

امامت کسیکه مولود مروجہ وقوالی و عرس را میکند درست است یا نه اگر مجبوریست

باشد باز چه کرده شود: سوال: (۹۰۴) کدام شخصیکه مولود رواجی را میکند و در آنجا ساز و سرود میکند و در عرس و غیره نیز شرکت میکند وقوالی را میشوند نماز در پس وی میشود یا نه؟ اگر نمیشود و در دور کردن وی فتنه بود درین صورت چه حکم است؟

جواب: نماز نمیشود لکن اگر در دور کردن او فتنه نبود وی از امامت دور کرده شود و اگر فتنه بود در پس وی نماز بخواندن زیرا نماز خواندن در پس وی به جماعت بهتر است از نماز خواندن

(۱) لا یصح القضاء رجل بامر الخ ولا مفترض بمقتل (المر المختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۴۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص

(۱) مثل هذا (حاشیہ ۱) ظہیر

تھا کذا فی الشامی (۱) وغیرہا فقط.

اگر درپس را فضی نماز خواند نمازش میشود یا نہ: سوال: (۹۰۵) آیا درپس رافضی یعنی

شیعہ کسیکہ بہ اصحاب ثلاثہ ابوبکر، عمر، عثمان رضی اللہ عنہ بدمیگوید و حضرت علی رضی اللہ عنہ را خرب میگوید نماز میشود؟ اگر کسی خواندہ باز اعادہ اش ضرور است یا نہ؟

جواب: درپس رافضی بد گویندہ بہ شیخین نماز صحیح نیست درپس وی نماز نخوانید و اگر خواندہ باشد اعادہ اش (۲) ضرور است فقط.

امامت بچہ عمر و اگر وی در قرآن غلطی میکند چطور است: سوال: (۹۰۶) یکہ بچہ کم

عمر بدون ریش و پروت بہ امامت یک مسجد تعین شدہ وی در حال قیام بہ بسیار بی اعتنائی بہ طرف آسمان مبیند و اکثراً در تجوید ساختہ خودش (نعوذ باللہ منہ) اللہ اکبر میگوید اکثر مسلمانان ناخیر امامت وی را جائز می شمارند و درپس وی نماز میخوانند و کدام شخص کہ بہ دلیل مذکور اقتداء وی را مکروه میدانند و از آن انکار میکند و در خانہ خود و یادہر مسجد بعد از نماز جماعت نماز خواندن جداگانہ را ترجیح میدہد مردم او را گنہگار جماعت میندازد و بہمراہش ترک تکلم وغیرہ میکنند امامت امام مذکور این کار مقتدیہا و انکار منکر جائز است و یا چطور؟ اقتداء کنندہ گانہ بر حق اند و یا مرد مانیکہ اقتداء نمیکند؟

جواب: در درمختار است و کذا تکرہ خلف امرد و سفیہ الخ و در شامی است: الظاہر انہا تریبہی الخ حاصل این است کہ نماز درپس امرد مکروه تنزیہی یعنی خلاف اولی است نماز میشود لکن اگر کدام غلطی ناقص نماز از وی سرزند نماز نمیشود (۳) مردیکہ درپس امرد (یعنی بچہ بی ریش) مذکور نماز را جائز میدانند و میخوانند نماز را انہا بر حق اند نماز درپس وی صحیح است البتہ مذکورن بالای حمزہ اول اللہ مفسد صلوة است درپس چنین امام نماز نمیشود (۴) لکن اگر وی این مدرا ترک میکند واللہ اکبر را بہ طریقہ صحیح میگوید یعنی بالحذف نماز صحیح

(۱) وفي النہر عن المحیط صلی خلف لاسق ارمیدع نال فضل الجماعة (در مختار) الا ان الصلاة خلفہما اولی من الافراد لکن لا یبال کما یقال خلف تلقی (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲).

(۲) و میندع لا یکلہا بها الخ وان انکر بعض ما علم من الدین ضرورة کفر بها کفرہ ان اللہ تعالیٰ جسم کالاجسام وانکارہ صحبۃ الصدیق فلا یصح الاقتداء بہ اصلاً (الدر المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷، ظہر صدیقی).

(۳) رد المحتار باب الامامة مطلب فی امامة امرد ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹، ظہر.

(۴) اذا اراد الشروع فی الصلوة کبر الخ بالحذف اذا مباحذہ المہذبین مفسد وتعمدہ کفر (الدر المحتار علی هامش در المحتار فصل فی تألیف الصلوة ص ۱) ظہر.

است پس اگر نسبت مذکورہ بہ سوی این امام صحیح باشد باز کہ تارکین نماز درپس این امام مذکور برحق الد بالای آنها طعن شدہ نمیتواند و اگرچنان نباشد باز اقتداء کنندہ گان درپس این امام برحق الد بسبب امرد بودن امام ترک نمودن جماعت درست نیست (۱) لفظ.

اقتداء استاد درپس شخصی فتنہ درست است یا نہ: سوال: (۹۰۷) یک شخص بہ این طریقہ امامت نماز رامیکند کہ امام نشسته میباشد ومقتدیاها استاد میباشد؟

جواب: نماز شخصی استاده درپس نشسته درست است چنانچہ در درمختار است وقائم بقاعد یرکع ویسجد لانه اخر صلوتہ کان قاعد اوهم قیام (۲) الخ پس اگر امام معذور باشد کہ استاد شدہ نمیتوانست برای وی جماعت دادن بہ نشست درست است ودرپس وی نماز استاد گذاران درست است وصحیح است.

نماز درپس غیرمقلد درست است یا نہ: سوال: (۹۰۸) شخصیکہ غیرمقلد باشد مگر بہ اماما دین بدنمیگوید نماز درپس وی درست است یا نہ؟

جواب: اگر عقائدوی نیز موافق اهل السنۃ والجماعۃ باشد بہ سلف بدنمیگوید نماز درپس وی صحیح (۳) است.

امامت وشاہدی کسیکہ مردہ راغسل میدہد درست است یا نہ: سوال: (۹۰۹) شخصیکہ پیشہ شستن مردہ ہارا میکند نماز خواندن درپس وی وشاہدی وی شرعاً جائز است یا نہ اگر جائز باشد پس مطلب فتاویٰ خیرہ کہ امامت مردہ شوی را مکروہ گفتہ وشاہدی او را غیر معتبر نوشتہ چہ خواہد بود؟

جواب: درجواز وعدم جواز گرفتن اجورہ بہ دادن غسل فردہ اختلاف است ددرمختار: والا فضل ان یغسل المیت مجاناً فان ابغی الفاسل الاجر جاز ان کان تمہ غیرہ الخ وفيہ تفصیل ذکرہ الشامی (۴) وعبارۃ الفتح: ولايجوز الاستیجار علی غسل المیت ويجوز علی الحمل والدفن

(۱) هرگا بہ سبب فاسق ومبتدع حکم ترک نمودن جماعت نیست پس بسبب امام شدن امرد چطور درست است؟ علی خلف فاسق اومبتدع قال لفضل الجماعۃ (در مختار) الا ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد الخ (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲).

ظہیر الدین غفر لہ

(۲) البر والصغار علی ہاش ودمختار باب الامامۃ ص ۵۵۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۸۸. ظہیر

(۳) و اگر برای آنها بدرد میگردد بہ این سبب وی فاسق گشتانندہ خواہد شد. سباب المسلم فسوق (الحديث) اودفاسق امامت مکروہ تحریمی دی: وان کراہۃ تقلیدہ ای الفاسق کراہۃ تحریم (ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظہیر

(۴) ودمختار باب صلاۃ الجنائز ض ۸۰۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۲ ص ۱۹۹. ظہیر

واجزہ بعضہم فی الفصل ایضاً الخ شامی پس مجوزین قائل جواز امامت بدون کراہت و قبول شہادت هستند و غیر مجوزین قائل کراہت امامت و عدم قبول شہادت هستند پس قول صاحب فتاویٰ خیرہ یعنی قول بہ عدم جواز هست.

امامت کسیکہ زن طلاق شدہ بہ طلاق مثلث را بدون حلالہ نگاه میکند درست است

یافہ: سوال: (۹۱۰) پیش امام مسجد زن خود راسہ چہار بار طلاق داد و از خانہ بیرون کرد باز بدون حلالہ در خانہ نگہداری کرد نماز در پس وی جائز است یا نہ؟

جواب: بدون حلالہ نگہداری مطلقہ ثلاثہ وزن ساختن آن حرام است این شخص فاسق وزانی است نماز در پس وی مکروہ (۱) است.

کسیکہ اسپہای رختی تیار کند و از بہ تماشا گذاشتن وی پیسہ کمائی میکند امامت وی

چگونہ است: سوال: (۹۱۱) یک شخص اسپہای رختی رامیر قصاند و بروی خیز میزند و بہ آن پیسہ کمائی میکند نماز در پس وی جائز است یا نہ؟

جواب: نماز در پس وی مکروہ است و این شخص فاسق و مبتدع (۲) است.

امامت تعزیه پرست چگونہ است: سوال: (۹۱۲) امام مسجد شخصیت کہ بسیار تعزیه پرستی

میکند و مردم را نیز بہ ان ترغیب میدہد و کسیکہ بالای ان نذر می اندازد آنرا در مصرف خود میآورد یک عکس را آورده و میگوید کہ این عکسی امام حسین است و از مردم پول و پیسہ میگیرد و زیات آنرا بالای انہا میکند نماز در پس وی جائز است یا نہ؟

جواب: این شخص فاسق و بدعتی است امام ساختن وی حرام است و نماز در پس وی مکروہ تحریمی است اگر چنین شخص امام باشد و توبہ نکند دور کردن وی از امامت ضرور (۳) است.

امامت حافظ نابینا درست است یا نہ: سوال: (۹۱۳) حافظ نابینا کہ قرآن شریف راصحیح

تلاوت میکند و از مسائل شرعی خوب خبر دارد مگر علاوہ از ختم تراویح مردم قریہ از اقتداء بہ وی در نماز های پنجگاہ جمعہ و غیرہ انکار میکنند و میگویند کہ نماز در پس نابینا درست نیست

(۱) و بکرہ امامہ عبد الخ اوعرابی الخ. اوفاسق الخ (در مختار) من الفاسق وهو الخروج عن الاستقامۃ ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کتارب العصر والزانی واکل الربو اونیحو ذالک (ردالمحتار باب الامامۃ. ص ۵۲۳ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظہیر

(۲) و بکرہ امامہ عبد اوعرابی و فاسق و مبتدع (ردالمحتار علی هامش ردالمحتار ص ۵۲۳ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظہیر

(۳) و اما الفاسق فقد علوا کراہۃ تقدیمہ بالہ لا یمتن لامر ذہ الخ بل منی فی شرح المنہ علی ان کراہۃ تقدیمہ کراہۃ تحریم (ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظہیر

ایا نماز درپس این حافظ درست است یا نه؟

جواب: در امامت حافظ نابینا نیکه از مسائل شرعی خبر دار و صالح و محتاط است هیچ کراحت نیست بدون کراحت نماز درپس وی صحیح است حتی در شامی تحقیق کرده که امامت چنین نابینا بهتر است از بینا نیکه اوصاف ذکر شده نداشته باشد و از امامت عبدالله ابن ام مکتوم نابینا از احادیث ثابت است کہ در وقت سفر خود رسول الله ﷺ وی را امام مردم مدینه تعین کرده بود رکفی بہ حجة (۱).

امامت فائده گیرنده از زمین گروی چگونه است: سوال: (۹۱۴) قاضی امام مسجد زمین گروی را گرفته و منافع انرا میخورد این منافع درسود داخل است یا نه؟ و اقتداء کردن درپس چنین شخص جائز است یا نه؟

جواب: برای مرتبه گرفتن زمین گروی صحیح نیست زیرا درسود داخل است و امام ساختن چنین شخص ممنوع است اگر چه نماز درپس وی به همراه کراحت صحیح است لکن امام ساختن دائمی وی ضرور نیست. کذا فی الشامی (۲).

در موجودیت شیخ سید کسی دیگری امام شده میتواند یا نه و امامت تاجر جائز است یا نه: سوال: (۹۱۵) در موجودیت شیخ سید امام ساختن کهن سال چگونه است؟ و دو کاندیدای یک شریف و پرهیزگار است امامت کرده میتواند یا نه؟

جواب: نماز درپس همه گئی میشود خصوصیت شیخ و سید نیست نماز شیخ و سید درپس غیر شخص و شیخ میشود برای امام لائق شدن به امامت ضرور است درین کدام قید نیست کدام شخص از مسائل نماز باخبر و پرهیزگار باشد و زیاده حق امامت را دارد سید باشد یا دو کاندیدار و کسبه کار کهن سال باشد و یا (۳) جوان باشد.

امامت کسیکه مریض ثعلبه باشد جائز است یا نه: سوال: (۹۱۶) امام مرض قطره (چکک)

(۱) قید کرامت امامت الاعصی فی المحيط وغیره بان لا یكون الفضل القوم فان کان الفضل لهم فهو اولی الخ لکن ورد فی الاعصی نص خاص مر استعلامه لابن ام مکتوم وعبان علی المدینه وکانا اعمین لانه لم یبق من الرجال من هو اصلح منهما الخ (رد المحتار باب الامامة ص

۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶، ظفر

(۲) ویکره امامه عبد الخ وفاضل (در مختار) المراد به ان بر یکب الکتاب کشارب الخمر والزانی وأ کل الربا ونحو ذلک (رد المحتار ص

۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰، ظفر

(۳) والاسن بالامامة لفقهاء بل نصاً الا علم باحكام الصلوة لفظ صحه ولساناً والرد المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱

ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷، ظفر

دارد بعض اوقات نیت رامیشکناند وضوء میکند استنجاء را صفا هرگاه شخص بهتر از وی باشد حکم امامت وی چیست؟

جواب: اگر وی معذور شرعی نباشد گاه گاه برایش قطره میآید درحالتیکه برایش قطره نمیآید نماز درپس وی درست (۱) است فقط.

امامت شکرانه خور درست است یا نه: سوال: (۹۱۷) کدام شخصیکه چیزهای شکرانه را میخورد نماز درپس وی جائز است یا نه؟ وقاضی ساخته شود یا نه؟

جواب: چنان شخصیکه پابند شریعت نباشد ودریدعات مبتلا باشد واز شکرانه (چیزهای نذر) پرهیز نمیکند لائق امام ساختن نیست (۲) وقاضی نیز ساخته نشود.

نماز درعقب افیونی جائز است یا نه: سوال: (۹۱۸) کدام شخصیکه غیرمشرع پابند نماز وروزه نباشد وافیونی باشد نماز درپس وی جائز است یا نه؟

جواب: نماز در پس چنین امام مکروه است زیرا وی فاسق است وامامت فاسق مکروه تحریمی (۳) است.

امامت قاتل و قیما رباز چطور است: سوال: (۹۱۹) یک شخص شخص دیگر را بقتل رساند ویا به ذریعه دیگری وی را کشت وعادی قمار هم بود از چندی شنیده میشود که قمار وغیره را

ترک نموده امام ساختن چنین شخص وخواندن نماز درپس وی جائز است یا مکروه؟

جواب: این مسئله مسلمه است که (التائب من الذنب کمن لا ذنب له) هرگاه مرتکب گناه کبیره توبه کرد ولسق از وی مرتفع (یعنی دور) شود امامت وی بدون کراهت درست است.

امامت گیرنده قرضهای سودی ووفانه کننده به وعده درست است یا نه: سوال: (۹۲۰) زیدقرضدار است وقرض به دوقسم است بهمراه سود وبدون سود هرگونه وعده میکند وبه یکی

هم وفانمیکند درین صورت نماز درپس زید درست است یا نه؟

(۱) ولاظاهر بمعلوم هذا ان قارن الرضوء الحدث او طراً عليه بعده وصح لوترضا على الانلطاع. ايضاً ص ۵۶۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸. ظهير

(۲) ولاظاهر بمعلوم هذا ان قارن الرضوء الحدث او طراً عليه بعده وصح لوترضا على الانلطاع. ايضاً ص ۵۶۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸. ظهير

(۳) ويكره امامة عبد (ألى قوله) ويستدع اى صاحب بدعة (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة مطلب البدعة خمسة السام . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظهير

جواب: نماز درپس وی صحیح است لا کن اگر فرضه سودی میگیرد گنہگار است درین حالت نماز درپس وی مکروه (۱) است.

امامت مقیم به زنا که کسی شایده نباشد چگونه است: سوال: (۹۲۱) زید در یک مسجد امام است و عموم مردم مشهوره نموده اند که زید بهمهراه هنده زنا کرده شهادت عین هیچ کس نمیدهد یکی از دیگر شنیده ها را میگوید درین صورت نماز خواندن درپس زید درست است یا نه؟ و کسایکه تهمت کرده اند درباره آنها چه ارشاد است؟

جواب: بدو کدام ثبوت بستن چنین تهمت بالای زید حرام و ناجائز است تهمت کنندگان گنہگاران و عاصیان هستند آنها توبه کنند (۲) امامت زید درست است بدون اندیشه درپس وی نماز بخوانید.

نماز درپس تعزیه پرست مشرک درست است یا نه: سوال: (۹۲۲) درپس مشرک تعزیه پرست و بیرغ پرست نماز درست است یا نه؟ و ذبح وی حلال است یا نه؟ هرگاه به گفتن بسم الله افه اکبر ذبح میکند؟

جواب: در حدیث شریف هست که: صلوا خلف کل بر وفاجر (الحدیث (۳) لهذا چون تعزیه پرست کلیه و حقیقه مشرک نیست به این خاطر اگر درپس وی نماز خوانده شود نماز میشود اگر چه احتیاط درین است که نماز اعاده شود حتی الوسع درپس اینها نماز خوانده (۴) نشود همین حکم ذبیحه آنها است که حلال است احتیاط درین است که به آنها حلاله نشود.

امامت زانی و لوطی درست است یا نه: سوال: (۹۲۳) شخصی امام است و زناهم میکند و همراہ بچه ها کار بدنیز میکند درباره وی چه حکم است؟ آیا امامت وی جائز است یا نه؟

جواب: این شخص که زانی و لوطی باشد لائق امامت نیست فاسق و عاصی است اگر توبه کرد

(۱) و بکروه امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) اما الفاسق فقد علوا کراهه تقدیمه الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهه تقدیمه کراهه تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ص ۱ ج ۱ ص ۵۶۰). ظفر.

(۲) القذف هولاء الرمی و شرما الرمی بالزنا وهو من الکبائر بالاجماع و الدر المختار علی هامش و ردالمحتار باب حد القذف ص ۲۳۰ ج ۳ ، ط.س. ج ۱ ص ۱۳). ظفر.

(۳) مشکوٰۃ باب الاستغفار و العرة فصل ثالث. صفحه ۲۰۹. ظفر.

(۴) و بکروه امامه عبد الخ (الی قوله) و معتد ای صاحب بدعة (الدر المختار علی هامش و ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظفر.

لیہا ورنہ امام ساخته نشود زیرا نماز درپس وی مکروه (۱) است.

نماز درپس عین دوست است یا نہ و میان نامرد پیدائشی و عارضی فرق چیست یا نہ:

سوال: (۹۲۴) درپس عین نماز درست است یا نہ و در میان نامرد مادرزادی و عارضی کدام فرق

است یا نہ؟

جواب: نماز درپس نامرد سست بدون کراہت درست است پیدائشی باشد و یا بہ سبب کدام عارضی نامرد شدہ باشد.

چیزیکہ امام میخواند تلاوت خواهد کرد و یا موافق ہدایت مقتدی و امامت صاحب سازو

سرود مکروه است یا نہ: سوال: (۹۲۵) تابعداری مقتدی لازم است یا از امام و امام کدام قرائت

را کہ میخواند خواهد خواند و یا بہ موافق فرمایش مقتدی.

خواہد خواند اگر امام سازو سرود میشوند و شہادت دروغ میدہد نماز درپس وی مکروه است

یا نہ؟

جواب: در حدیث شریف است: (الامام ضامن) پس نماز متبوع امام است و مقتدیا تابع امام است

و امام در قرائت لحاظ مقتدیا را بکند (۲) اگر امام سازو سرود میشوند و شہادی بہ دروغ میدہد

فاسق و در پس وی نماز مکروه است اما نماز میشود چنانچہ در حدیث شریف است: صلوا خلف

کل بر و فاجر و فقہاء نوشته اند کہ دور کردن امام فاسق ضرور است (۳) زیرا کہ در نماز خواندن

درپس امام صالح ثواب زیاد است.

اقتداء امام خلاف مسلک: سوال: (۹۲۶) زید در جماعت شریک شد این معلوم نبود کہ

مذہب امام چیست؟ و در نماز معلوم شد کہ مذہب امام خلاف زید است حالا زید نماز بخواند

و یا بشکند؟

جواب: اگر مذہب زید مثلاً حنفی است و مذہب امام ثابت شد کہ شافعی است یا مالکی نماز زید

(۱) و اما الفاسق فقد علوا کراہة تقدیمہ (الی قولہ) بل مشی فی شرح الصبۃ علی ان کراہة تقدیمہ کراہة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظہیر

(۲) قال رسول اللہ ﷺ: اذا صلى احدكم للناس فليخفف فان فيهم الضعيف والكبير واذا صلى نفسه فليطول ماشاء (رد المحتار عن الصحیحین باب الامامة ص ۵۲۷ ج ۱). ظہیر

(۳) و اما الفاسق فقد علوا کراہة تقدیمہ (الی قولہ) بل مشی فی شرح الصبۃ علی ان کراہة تقدیمہ کراہة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظہیر

در پس وی صحیح است؟ ضرورت شکستادن نیست بلکه شکستادن در چنین حال ممنوع (۱) است.

امامت حافظ محتاط نابینا درست است: سوال: (۹۲۷) زید نابینا و محتاط و از مسائل نماز روزه نسبت به سائر قوم به گونه خوب خبر دارد و حافظ قرآن است و قوم در شناخت مسائل دین و در تلاوت کردن از وی کمتر اند در چنین صورت امام ساختن این نابینا افضل است یا نه؟
جواب: در چنین حالت امام ساختن نابینا بهتر است کمافی الشافی عن البحر: قید کراهه امامه الاعمی فی المحيط و غیره بان لا یكون الفضل القوم فان کان الفضلهم فهو اولی (۲).

امامت آن شخصی چگونه است که به زنی تلقین بی حیائی میکند: سوال: (۹۲۸)
 امامت زید که احوال ذیل را دارد چگونه است زنی را تحریک میکند و بسوی بی حیائی آنها را دعوت میکند و به مسلمانها دشنام میدهد و اهانت شریعت را میکند چه حکم دارد؟

جواب: احتراز کردن از صحبت و از نشستن به همراه چنین مبتدعین واجب و لازم است امام ساختن وی ممنوع و ناجائز است هرگز وی را امام نه سازید زیرا امام ساختن فاسق حرام (۳) است.

امامت غلطی کننده غلطیکه مفسد صلاة است درست است یا نه: سوال: (۹۲۹)
 شخصی که در نماز چنان غلطی میکند که بذریعه آن نماز فاسد میشود در پس وی نماز صحیح است یا نه؟ و امام ساختن وی چگونه است؟

جواب: اگر در نماز چنان غلطی کند که بذریعه آن نماز فاسد میشود نماز در پس وی صحیح نیست بهتر است چنان شخص امام ساخته شود که قرآن شریف را صحیح میخواند و از مسائل نماز خبر باشد و پابند شریعت باشد زیرا نماز در پس فاسق مکروه است و در غلط خواندن قرآن شریف تفصیل ذیل است: اگر چنان غلطی کند که مفسد صلاة باشد وی امام نسازید نماز در پس وی صحیح نیست و اگر چنان غلطی نمیکند که مفسد صلاة باشد نماز میشود اما بهتر نیست.

امامت تعویل دهنده پول در بانک: سوال: (۹۳۰) کدام شخصیکه در بانک پول داخل میکند امامت وی نیز درست است یا نه؟

(۱) ان لیکن المراجعة لم یکره (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۳).

(۲) رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج ۱، ط.س.

(۳) بل منی فی شرح المنية علی ان کراهة تعدیه کراهة تحریم لما ذکرنا (رد المحتار ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظفر

جواب: امامت وی نیز مکروه (۱) است اما درین زمانه که دزدی راهزنی عام است وبدون بانک ذریعه نگهداری پیسه نیست) سپردن به بانک به غرض حفاظت مال درست است وامامت وی نیز درست است. والله اعلم.

امامت بدون دستار: سوال (۹۳۱) مشهور است که امام بدون دستار نماز بدهد مکروه است این صحیح است یا غلط؟

جواب: نماز بدون دستار مکروه نمیشود لکن بهمراه دستار بهتر وافضل است. ثواب بهمراهش زیاد میشود (۲).

امامت قادیانی درست است یا نه: سوال: (۹۳۲) کدام مردم که مریدان مرزا قادیانی باشند ویای وی را خوب می شمارند امامت آنها جائز است یا نه؟ واعاده نمازهای خوانده شده درپس آنها واجب است یا چطور؟

جواب: جائز نیست (۳).

امامت ساختن کسیکه خلفاء ثلاثه راجاهل میگویند چگونه است: سوال: (۹۳۳) بکر میگویند که خلفاء ثلاثه جاهلان بودند آنها چه فیصله میکردند؟ والفاظ غیره میگویند امامت چنین شخص چگونگی است؟

جواب: دارنده چنین عقیده وگرنده الفاظ نازیبا سخت عاصی وفاسق است ظالم وجاهل است قابل امامت نیست والتفصیل فی الکتب کدام وافضی که خلفاء ثلاثه رادشام میدهند بنزد بعض فقهاء کافر است وفاسق بالاتفاق است نقل فی البزازیة عن الخلاصة ان الرافضی اذا کان یسب الشیخین ویلعنهما فیه کافر ردالمحتار باب المرتد صفحه ۴۰۵ جلد ۳.

امامت اشتراک کننده درمیله ها درست است یا نه: سوال: (۹۳۴) (۱) یک شخص درمیله ها وعرسهاشریک میشود قوالی ودول را میشوند ودرمسجد امامت هم میکند آیا درپس وی نماز

(۱) وكذا تكوه خلف امرء، رد المحتار (الی قوله) وأكل الربا وتعامه فی (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱ . ۵۶۲). ظفر

(۲) والمستحب ان یصلی الرجل فی لفة الثوب ازار وقميص وعمامة ووصلی فی ثوب واحد متوشحاً به جميع بدنه الخ جاز من غیر كراهة (غنیة المستملی ص ۳۳۷). ظفر

(۳) وان انكر بعض ما علم من الدين ضرورة كفر بها فلا یصح الاقتداء به اصلاً (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۴ ج ۱ . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۱). ظفر

درست است یا نه؟

در پس تواننده ریش تراویح درست است یا نه: سوال: (۹۳۵) یک شخص ریش را

میتراشد و بایند نماز و روزه نیست و تراویح میدهد آیا تراویح در پس وی درست است یا نه؟

جواب: نماز در پس این شخص مکروه است و از تصریح شامی معلوم میشود که مکروه تحریمی است این رانیزه شامی تصریح کرده که دور کردن چنین شخص واجب (۱) است.**جواب:** (۲) این شخص فاسق است و امامت فاسق چنانچه در فرائض مکروه تحریمی است در تراویح نیز مکروه است.**امامت بی احترامی کننده مسجد و گواهی دهنده دروغ درست است یا نه: سوال:**

(۹۳۶) یک شخص قاضی است و اسب خود را در احاطه مسجد میچراند و وقتاً فوقتاً اسب وی در حوض مسجد آب مینوشد و در صحن مسجد شاشه میکند و سرگین میکند به همراه منع کردن این قاضی همراه مسلمانها ضد میکند و منع نمیشود به همراه خبر شدن در استعمال مال حلال و حرام دریغ نمبور زد در دعواها گواهی بدروغ میدهد چنین شخص قابل قاضی شدن هست یا نه؟ نماز در پس وی جائز است یا نه؟

جواب: این شخص فاسق است نماز در پس وی مکروه تحریمی است دور کردن این امام لازم است و وی لائق قاضی ساختن نیست.**امامت کسیکه به عروسی (توی) کردن دختر خود آماده نباشد چطور است: سوال:**

(۹۳۷) یک شخص امام مسجد است و دخترش بالغ و جوان است وی عروسی آنها نمیکند و میگوید که من وی را هرگز عروس نمیکم اگر چه وی به همراه شخصی بگریزد نماز در پس وی جائز است یا نه؟

جواب: در مشکوٰۃ شریف از ابوسعید رضی الله عنه و ابن عباس رضی الله عنهما منقول است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده (من ولد له ولد فلیحسن اسمه وادبه واذ بلغ فلیزوجہ فان بلغ ولم یزوجہ فاصاب اثماً فانما

(۱) از بی حرمتی مسجد آنحضرت صلی الله علیه و آله به شدن منع فرموده، یک امام بکدها به سوی قبله نف کرده بود آنحضرت صلی الله علیه و آله حکم دور کردن وی از امامت را داد. عن السائب بن خلاد - وهو رجل من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أن رجلاً لم يؤمراً بمصل في الليلة رسول الله صلى الله عليه وسلم يظفر لقال رسول الله صلى الله عليه وسلم حين فرغ: " لا يصلی لکم ". فإراد بعد ذلك أن يصلی لهم فسمعوه وأخبروه بقرول رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكر ذلك لرسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: نعم وحسبته أنه قال: " إنك آذيت الله رسولاً. رواه أبو داود (مشکوٰۃ باب المساجد فصل ثالث ص ۷۱) همچنان بالای گواهی دروغ بسیار رویدها آمده. ظہیر الدین غفرلہ

ائمہ علی ابیہ (۱)، در روایات دیگر عمر بن الخطاب (رضی اللہ عنہ) و انس ابن مالک (رضی اللہ عنہ) از رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وسلم) روایت میکند کہ آنها فرمودہ اند در تواتر نوشتہ شدہ کہ دختر کسی دوازده سالہ شد و نکاح وی رابستہ نکرد و مرتکب گناہ شد این گناہ بالای پدرش (۲) هست ازین احادیث ثابت شد کہ ہر گاہ دختر بالغ شد و موقع مناسب نکاح بدست آید ضروری است کہ در توی عروسی کرون وی تأخیر نشود و چنین ارادہ کردن کہ ہرگز نکاح آنرا نخواہم بست بدانست و خلاف حکم خدا و رسول (صلی اللہ علیہ وسلم) است لازم است ازین ارادہ باز آید و نکاح وی رابستہ کند خصوصاً برای امام مسجد زیاد ضرورت توجہ متابعت شریعت است و ازین خیال بدتوبہ کردن ضروری است نماز درس وی صحیح است.

اگر خائن و بینماز امامت عیدھا رامیکند چه حکم است: سوال: (۹۳۸) زید پابند و عادی

پنج وقت نماز نیست شاید کدام وقت بخواند؟ مگر بہ سبب حق مرور و ثبت نیاکانہ نماز عیدرا میدہد و تلاوت غلط نیز میکند و دیندار نیست در امانت خیانت میگند درس چنین امام نماز خواندن چگونہ است موقوف ساختن چنین امام بالای نماز گذاران واجب است یا نہ؟

جواب: در حدیث شریف است: صلو خلف کل بر وفاجر درس ہرنیک و بد نماز بخوانید عقیدہ اہل السنۃ والجماعۃ و مسلک امام ابوحنیفہ (رح) است کہ نماز درس فاسق و فاجر میشود البتہ نماز درس فاسق مکروہ است لکن اگر درنخواندن نماز درس وی فتنہ بود درس وی بخوانید فتنہ پیدا نکنید قال اللہ تعالی: وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۳).

کسیکہ گوشش خلاص شدن از فشار ناروارا میکند امامتش چگونہ است: سوال: (۹۳۹)

بالای امام مسجد دعوای دروغ درج کردہ شدہ و مولوی صاحب امام مسجد بخاطر نجات دادن عزت خود این عرض را کرد کہ من ازاد کردن پول درج شدہ قاصر ہستم درین صورت درس مولو یصاحب نماز درست است یا نہ؟

جواب: در حدیث شریف است: صلوا خلف کل بر وفاجر نماز بخوانید درس ہرنیک و بد پس نماز درس این امام صحیح است اینقدر هست کہ نماز درس گواہی دہندہ دروغ مکروہ است

(۱) مشکوٰۃ کتاب النکاح باب الولی فی النکاح ص ۲۷۱. ظہیر

(۲) عن عمر بن الخطاب و انس بن مالک، عن رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وسلم) بقول: فی الزواۃ مکتوب: من بلغت ابنتہ اثنتی عشرة سۃ فلم یزوجھا فاصابت إثمًا لائم ذلک علیہ، واما الہی فی شعب الایمان (مشکوٰۃ باب الولی فی النکاح ص ۲۷۱). ظہیر

(۳) سورۃ البقرہ رکوع ۲۶. ظہیر

دروغ گفتن بخاطر نجات یافتن از ظلم درست است این شخص تاولیکه مظلوم است فاسق نباشد و نماز درپس وی مکروه نخواهد بود فقهاء مینویسند الکذب مباح لاحیاء حقه ودفع الظلم عن نفسه الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی البیع ۳۷۷ جلد ۵ ظفیر.

امامت بسته کننده نکاح زن غیر مطلقه جائز است یانه: سوال: (۹۴۰) یک شخص که علاوه از داشتن عهده قضاء امام نیز است بهمهرا زن منکوحه که نه شوهر به وی طلاق داده و نه کدام ثبوت دیگر بود تنها بدلیل نوشتن پدر ومادر دختر دریک پرزه که نوشته بود: (دروغ ضرور می بینم) به همراه شخص دیگر نکاح وی رابسته گرد آیآچنین که در معاملات مذهبی چندان معلومات ندارد ویا قصداً چنین جرات میکند وبدون کدام تشویق ویا ثبوت گواهی از احکام شریعت چنین خلاف میکند آیآچنین شخص لائق امامت است؟

جواب: اگر درواقع امام مذکور نکاح منکوحه غیراً بدون طلاق شوهر به قصد بهمهرا شخص دیگر شخص دیگر بست وی فاسق است مرتکب کبیره (۱) شد لهذا نماز درپس وی مکروه تحریمی است واین شخص لائق امامت نیست تاولیکه توبه نکند (۲).

حکم امامت رشوت خور ودروغگوی چیست: سوال: (۹۴۱) زید رشوت به درجه اخیر میگردد وکذاب است بسیار محافظ نماز های پنجگانه نیست بدون سبب انرا ترک میکند ودوباره بزرگان دین کلمات بی ادبی میگویند دوباره امامت وی چه حکم است؟

جواب: قال فی رد المحتار واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتّم بامر دینه وبان فی تقدیمه لامامة تعظیمه وقد وجب علیهم اهانتة شرعاً ولایخفی انه اذا کان اعلم من غیره لاتزول العلة فان لایؤمن ان یصلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبتدع تکره امامته لکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا وقال: لذا لم یجز الصلاة خلفه اصلا عند مالک (رح) وروایة عن احمد (رح) (۳) الخ جلد اول شامی صفحہ ۳۷۶ باب الامامة (ثابت شد

(۱) واما نکاح منکوحه الغیر ومعتدنه الخ لم یقل احد بجوازه (ردالمحتار باب المهر ص ۱۸۲ ج ۲). ظفیر

(۲) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ. واجب علیهم اهانتة شرعاً (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ -

۵۶۰). ظفیر الدین

(۳) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ. واجب علیهم اهانتة شرعاً (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ -

۵۶۰). ظفیر

کہ امامت وی مکروه تحریمی است.

درموجو دیت استاد امامت شاگرد درست است یا نه: سوال: (۹۴۲) دیگر را امام بسازد و این بچه بخاطر تعلیم دین برود و علم حاصل کند و باز پس بیاید و آن امام ثانی گناہ های کبیرہ بشمار را کرده باشد مردم وی را دور کرد مگر کدام جا نرفت و نماز میداد حالا مردم میخواهند کہ به سبب استحقاق اول و فسق ثانی امام رامعزول نمایند و همین بچه صاحب علم را امام خود بسازند اگر معزول بگویند کہ این بچه شاگرد من است کہ بجای من استاد میشود و نماز میدهد نمازوی جائز نخواهد بود این چطور است؟ اگر معزول ازین بچه عالم چیز میسائل شرعیہ را یاد کرد شاگردش میگردد یا نه؟

جواب: قوم اختیار دارد کہ امام دوم رامعزول کنند و بچه امام سابق را کہ حالا بالغ شده و عالم است امام بسازند درین کار بالای قوم کدام مواخذہ نیست بلکہ این کار برایش مستحسن است استحقاق این بچه اگرچہ بخاطر پدرش نیست لکن به سبب علم وی را امام ساخته (۱) میتوانند و آن قول معزول غلط است و از کسیکہ مسائل شرعیہ تعلیم کرده شود وی استاذ است.

امامت زانی و بدعتی جائز نیست: سوال: (۹۴۳) امام مسجد رفتن به عرس طواف کردن ازقبر و گفتن کلمات شرکیہ و احلال میداند بہ این سبب نماز خوانان از وی نا راض هستند آیا امام بااختیار چنین شخص جائز است یا نه؟ و وزن غیر منکوحہ مشرک را نیز نگاه میکند؟

جواب: سخن بدون تحقیق اعتبار ندارد لکن شریک شدن در عرس و غیرہ و طواف کردن ازقبرها و بوسہ کردن آنها کار حرام و بدعت است خصوصا طواف کردن قبر کفر است زیرا کہ این عبادت مخصوص بیت اللہ است لہذا ناخشنودی نماز گذاران بہ جا و بموقع است درین حالت امام ساختن وی جائز نیست نماز درپس وی نخواهد (۲) شد.

امامت کسیکہ بزہا راذیح میکند: سوال: (۹۴۴) یک شخص امام مسجد و از مسائل نماز خبر است لکن بزہا و غیرہ و احلال (ذبیح) میکند بعض مردم درباره امامت وی بسبب ذایح شدن

(۱) والاحق بالامامة تقدیماً بل نصباً الاعلم باحكام الصلوة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفراش الظاهرة (المر المختار علی هامش

ردالمحتار باب الامامة ص ۲۰ ۱ ج . ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظفر

(۲) ولا یصح القبر ولا یقبله فان ذلک من عادة الصاری الخ (عالمگیری کتاب الکراهیة الباب السادس ص ۳۶۲ ج ۵ . ط.م. ج ۵ ص ۳۵۱) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه الخ بل منی لی شرح النبیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص

۵۲۳ ج ۱ . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظفر

اعتراض میکنند امامت چنین امام جائز است یا نه؟

جواب: ذبح شدن وی مانع امام شدن وی نمیشود (۱) برای امامت مستحق زیاد علم با احکام الصلاة است کما فی کتب الفقه: هرگاه مرد ذکر شده از مسائل نماز و روزه خبر دارد امامت وی جائز است اگر علم زیاد از وی نبود افضل و بهتر است و ذبح شدن وی موجب کراهیت امامت نیست کدام اسباب کراهیت امامت را که فقهاء نوشته اند ذابح شدن را کسی نوشته نکرده.

امامت تاجر عالم و حافظ جائز است یا نه: سوال: (۹۴۵) آیا در پس عالم و حافظیکه پیشه تجارت را میکند نماز خواهد شد؟

جواب: این عالم و حافظ تجارت و پیشه نماز داده میتواند و نماز در پس وی صحیح است و در نماز های لرض و جمعه امام شده میتواند (۲).

نماز در پس فقیر درست است یا نه: سوال: (۹۴۶) یک مرد باسواد نماز هم میخواند و از قوم فقیر است و جانور ها را حلال میکند و مال زکوة و سربایه رامیخورد خدمت مسجد را نیز میکند مردم اینجا برای نام مسلمان هستند اکثر رسمهای هندو هارا میکنند اگر در پس این شخص همان مردم نماز بخوانند جائز است یا نه؟

جواب: نماز در پس این شخص درست است نماز بدهد و همین جاهلان را بفهماند که آهسته رواجهای کفار را ترک کنند (۳).

امامت داماد شیعه ها: سوال: (۹۴۷) شخصی که در شیعه ها عروسی کرده باشد نماز در پس وی جائز است یا نه؟

جواب: اگر وی سنی باشد و مبتدع و فاسق نباشد نماز در پس وی میشود.

امامت مرتبه خوان و صاحب تعزیه چطور است: سوال: (۹۴۸) کسی که در محرم در پیش

روی تعزیه می نشیند و مرتبه خوانی میکند نماز سنی ها در پس وی میشود یا نه؟

جواب: نماز در پس وی مکروه است چنین فاسق و مبتدع امام ساخته نشود (۴).

(۱) زیرا ذبح جائز است عواء با اجروه باشد و بایدون اجروه لهذا این پیشه درست است و بهوز الاستیجار علی الذکاة لان المقصود منها قطع الوردج دون المانة الروح الخ (عالمگیری مصری کتایب لاجاره باب السادس مفترقات. صفحه ۴۳۸ - جلد - ۴) ظهیر.

(۲) تجارت پیشه جائز است ارشاد ربانی است: احل الله البيع وحرم الربوا (بقره - ۳۸. ظهیر)

(۳) و الا حلال بالامامة الاعلم باحکام الصلاة لفظ صحت و لساناً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة (المر المختار علی هامش و الداماد باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷). ظهیر

۴۵) کسیکے تنہا بہ گفتار زن نکاح بستہ کند امامت وی درست است یا نہ: سوال: (۹۴۹)

اگر کدام شخص بہ این حلقہ زن کہ: من بیوہ ہستم بدون تحقیق کردن نکاح را بستہ کند نماز درپس وی درست است یا نہ؟

جواب: درست است زیرا درین رابطہ اعتبار کردن بہ قول زن جائز است (۱)۔

امامت قرض گیرندہ با سو درست است یا نہ: سوال: (۹۵۰) شخصی کہ امام باشد وبخاطر

تجارت و کار و بار دیگر بہ سود پیسہ میگیرد نماز درپس وی درست است یا نہ؟

جواب: گیرندہ پول بہ سود موافق حدیث مستحق لعنت وفاسق است وامامت فاسق مکروہ

تحریمی است کما حققہ فی الشامی (۲) باب الامامہ جلد اول فقط۔

نماز فاضل درپس مفضول درست است یا نہ: سوال: (۹۵۱) اگر میان دونفر مخالفت شخصی

بود نماز مفضول در عقب فاضل میشود یا نہ؟

جواب: نماز صحیح است و ضرورت بہ اعادہ نیست۔

حق امامت برای کیست: سوال: (۹۵۲) اگر کدام شخص حق خود را بالای مسجد ثابت میکند

و میگوید کہ از هفت سال بہ این سو در قبضہ من ہست پدر و برادر من درین مسجد نماز میداد

بعد از آنها من نماز میدہم لہذا بدون من برای هیچ کس حق نیست آیا واقعاً این امام درین مسجد

حق دارد نماز درپس این امام جائز است یا نہ؟

جواب: تعین نمودن امام دراختیار بانی وموسس است، یادار اختیار مردم محلہ یک امام هیچ حق

وراثت را ندارد و اگر آن بانی نباشد این دعوی وی غلط است کہ پدر و برادر من درین مسجد

گذشتہ بودند البتہ اگر مردم بہ محلہ بہ امامت وی راضی باشند ووی لائق امامت باشد امامت

وی صحیح است و نماز درپس وی دوست (۳) است۔

(۱) ویکرہ امامہ عبد الخ وصدع ای صاحب بدعہ وہی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول لا یکفر بها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامہ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۹ - ۵۶۰) ظہیر۔

(۲) وحل نکاح من قالت طفلتی زوجتی وانقضت عدتی اوکت امہ لفلان واعتفی ان وقع فی قلبہ عدلہا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب المحظر والاباحہ فصل فی البیع ص ۳۷۱ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۱۲۰) ظہیر۔

(۳) وکذا بکفرہ خلف امرئ الخ واکل الربوا ونماز ومراء منقطع (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامہ ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲) ظہیر۔

(۴) ولایۃ الاذان والایمان لابی المسجد مطلقا وکذا الامامہ لو عدلا (درمختار) ولی الاشیاء اولاد البانی وعشرہ اولی من غیرہم اہد وسجینی فی الولف ان القوم اذا ہینوا مولانا واماما وکان اصالح مما نصبہ البانی لہو اولی زرد المحتار ص ۳۷۲ ج ۱ باب الاذان، ط.س. ج ۱ =

امامت فتنہ انگیز درست است یا نہ: سوال: (۹۵۳) شخص مفسد کہ در میان مسلمانها جنگ جور میکند و مسئلہ غلط نشان میدہد امام نساختنش جائز است یا نہ؟
جواب: چنین مفسد امام جور نشود (۱).

امام کسیکہ نہ مقلد ونہ غیر مقلد باشد چطور است: سوال: (۹۵۴) زید خود را حنفی میگوید در بعض اوقات بہمراہ غیر مقلدہا یکجا میشود و معتقدہا فاتحہ خلف الامام و بسیار مسائل غیر مقلدہا است مقصد اینکہ نہ مکمل حنفی است ونہ غیر مقلد و از ہشت دہ سال بہ این سو در خانہ وی یک بچہ نوجوان سکونت دارد وزن وی ازین بچہ جوان ستر نمی بیشتر کند و مردم وی را بہمراہ زن متہم میسازند امام ساختن چنین شخص جائز است یا نہ؟
جواب: این شخص لائق امام ساختن نیست وی امام تعین نشود (۲) فقط.

امامت دروغگو درست است یا نہ: سوال: (۹۵۵) کسی خود را ملا میگوید و میگوید کہ من حاجی ہستم بعد از تحقیق ثابت شد کہ وی حج نکرده چون بنام مسجد چندیہ وصول مینماید میخورد ازین کارها بالای وی توبہ نیز کشیدہ شدہ بودن باز ہم منع نہ شد و مردم را میگوید کہ نماز جمعہ را در پس من بخوانید آیا در پس چنین دروغ گو نماز صحیح است یا نہ؟
جواب: چنان شخصیکہ در کارهای دین آشکارا دروغ میگوید و بہ دروغ بنام مسجد چندیہ جمع میکند و خودش میخورد فاسق کذاب است پنج وقت نماز و نماز جمعہ در پس وی مکروہ است یعنی نماز میشود مگر عمداً امام ساختن چنین شخص روا نیست (۳) فقط.

امامت بی خبر از مسائل و بی دین چگونه است: سوال: (۹۵۶) شخصی در مسجد ما امام است لکن کدام شخص دیندار نیست ونہ از مسائل وضوء، نماز امامت معلومات کامل دارد ونہ قرآن شریف را صحیح میخواند و در نماز میان امیر و غریب فرق مینماید یعنی در انتظار امیران تاوقت میکند و غریبہا را حقیر میشمارد و دکان تمباکو ہم دارد از ہمین سبب کالایش خراب میباشد

= ص ۵۰۰ ظہیر

(۱) زیرا وی فاسق شد و امامت فاسق مکروہ است و بکرہ امامت عبد الخ و فاسق (الذر المختار علی ہاشم و الذم المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہیر.

(۲) زیرا وی فاسق شد و امامت فاسق مکروہ است و بکرہ امامت عبد الخ و فاسق (در مختار) لعل المراد بہ من یرکب الکثیر کشارب الخمر والزانی و اکل الربوا اوتنہ ذالک (رد المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہیر

(۳) (رد المختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہیر

امام ساختن چنین شخص درست است یا نه؟

جواب: در حدیث شریف است صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث (۱) یعنی درپس هر نیک و بد نماز بخوانید از تصریحات فقهاء واضح میشود که درپس هر نیک و بد نماز میشود لکن بهترین شخص برای امامت آن است که از مسائل نماز خبر داشته باشد و قرآن شریف را صحیح بخواند از منہیات شرع منع باشد و متقی و پرهیزگار (۲) باشد پس حتی الوسع چنین امام را بگیرد و تاقوتیکه چنین اقام پیدا نشود درپس همین امام موجوده نماز بخواند ۱۴ زیرا که نماز درپس وی نیز میشود و کدام افعال و اقوال که خلاف شرع از وی صادر شده بالایش از آنها توبه بکشید فقط.

امامت امامیکه جا ہلانہ جواب: میدہد چطور است: سوال: (۹۵۷) و تیکہ ماصبح زید را گفتیم کہ امشب چرا دروازه ہارا باز نکردی در غصہ جواب داد کہ نماز خواندن بہ مسجد منحصر نیست در خانہ میخواندی وقتی بہ زید آن حدیث را شنو اندیم کہ در آن ارشاد است کہ رسول اللہ ﷺ فرمودہ: کہ اگر فکر امت خود را نمیداشتیم من امر میکردم خانہ های کسانی را کہ بہمراہ تندرستی در خانہ نماز میخوانند و در مسجد نماز نمیخوانند آتش بزنید زید گفت کہ چنین احادیث بسیار است من آنرا نمیشنوم نماز درپس چنین شخص درست است یا نہ؟

جواب: زید جاہلانہ است چنین شخص لائق امام ساختن نیست اگر تو بہ نکرد درپس وی نماز نخوانید (۳).

امامت خود غرض چطور است: سوال: (۹۵۸) زید بہمراہ کسیکہ کارش حاصل میشود تواضع میکند و بہمراہ کسیکہ کارش از وی نمیشود یعنی فائدہ گرفتہ نمیشود حسد مینکند خواندن نماز درپس چنین شخص چگونہ است؟

جواب: چنین شخص لائق امام ساختن نیست (۴).

امامت زانی دوست است یا نہ: سوال: (۹۵۹) امام مسجد زن منکر و حہ یک شخص را اگر بختاند

(۱) حنیۃ المسلمی ص ۳۵۱ . ظہیر

(۲) والا حق بالامامۃ لطلبہا بل نصبہ الاعلام باحکام الصلوۃ لفظ صحتہ و لسادا بشرط اجتنابہ للفرائح الظاہرۃ و حفظہ لدر فرض (الدر المختار علی ہاشم و الدامحار باب الامامۃ ص ۵۲۰ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۷). ظہیر

(۳) التائب من الذنب کمن لا ذنب لہ (مشکوٰۃ باب التوبۃ ص ۲۰۶). ظہیر

(۴) امام را لازم است کہ متقی و پرهیزگار باشد والا حق بالامامۃ لطلبہا الخ و الدامحار باب الامامۃ - صفحہ ۵۱۸ - جلد ۱ - ۰۱

وبہمراہش زنا کرد و ولد زنا نیز از وی تولد شد بہمین اساس مردم وی را بسیار بد و مکروه میندازند برای چنین شخص امامت کردن جائز است یا نہ؟

جواب: در درمختار است: ولوام قوما وهم له کارہون ان الکراہ لفسا در فیہ اولاً نہم احق منه بالامامۃ کرہ ذلک تحریماً لحديث ابی داود: لا یقبل اللہ صلوة من تقدم قوما وهم له کارہون الخ ازین عبارت واضح شد کہ در صورت مسئلہ امام شدن زانی بدکار مکروه تحریمی است و وی را هیچ حق در امامت نیست.

امامت کسیکہ دختر خود را بہ شیعہ عروسی کرد چطور است: سوال: (۹۶۰) زید حنفی قصداً دختر خود را بہ شیعہ توی کرد و در مجلسهای شیعہ ہا شریک میشود حکم امامت وی چگونہ است؟

جواب: این کاروی بد است و شامل شدن در مجالس روافض شیوہ رفض است امام کردن چنین شخص مناسب نیست (۱).

دریس قائل بہ فاتحہ خلف الامام نماز میشود یا نہ: سوال: (۹۶۱) کدام شخصیکہ قائل بہ خواندن فاتحہ خلف الامام باشد نماز خواندن احناف در پس وی شرعاً ممنوع است اکثر علماء احناف و صرفیان کرام کہ قائل قرائت خلف الامام بودند اقتداء آنها نیز جائز بود یا نہ؟

جواب: شوافع نیز در پس امام فاتحہ میگیرند و آنرا ضروری میندازند اقتداء آنها را هیچ حنفی منع نمیکند جنگ همه بالای نکردن تقلید است چون گروه غیر مقلد یا چنین بگو کہ گروه خطاب کنندہ مشرک بہ مقلدین امامان بہ اعتبار عقائد از طریق اهل السنۃ والجماعۃ بر طرف بہ نظر میاید وطن گفتن بہ همه سلف صالح خصوصاً بہ امام ہمام ابوحنیفہ کہ یقیناً در بشارت وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ الْآیۃ داخل است وظیفہ دینی خود گشتانده بہ این سبب علماء احناف احوط میدانند کہ غیر مقلد امام ساخته نشود کاش این شخص شافعی المذہب میشد و قرائت خلف الامام میکرد و با مجتہد جور شدن در خطاء (۲)

(۱) و بکروہ امامۃ عبد اللہ و فاسق (در مختار) فاسق من الفسق و هو العروج عن الاستقامۃ و فعل المراد بہ من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی واکل الربا ونحو ذلک اللہ ولی المراج فال اصحابنا لا یبغی ان یلحدی بالفاسق الخ اما الفاسق قلد علوا کراہۃ تقدیمہ بانہ لا یمت لامر دینہ و بان فی تقدیمہ للامامۃ تعظیمہ وقد وجب علیہم اہانتہ شرعاً الخ بل منی فی شرح السنۃ علی ان کراہۃ تقدیمہ کراہۃ تحریم لما ذکرنا (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۵ ج ۱ ط ۱ ص ۱۶ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہر

(۲) زاد ابن ملک و مخالف کشاف فی لکن فی وتر البحر ان یقرن المراجاعۃ لم بکروہ (المر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ =

نمی‌آید و هیچ اعتراض و احتراز نمی‌بود فقط.

امامت بدعتی تعزیه دار درست است یا نه: سوال: (۹۶۲) یک شخص بدعتی و تعزیه دار هست و همین شخص گوشت آن بزی را که بالای قبر بطور نذرانه هموار شده باشد بدون تکلفا می‌خورد چنین شخص را امام مسجد بسازیم یا نه؟ و نماز در پس وی می‌شود یا نه؟

جواب: امام ساختن چنین بدعتی و تعزیه پرست درست نیست زیرا نماز خواندن در پس وی مکروه تحریمی است و در شامی هست که در امام ساختن فاسق تعظیم وی است و تعظیم فاسق حرام است ظاهر است که بدعتی فاسق است (۱) فقط.

امامت کسیکه تنه‌ای آب استنجاء میکند چطور است: سوال: (۹۶۳) اگر یک شخص به کلوخ خود را خشک نمی‌کند تنه‌ای آب استنجاء میکند در امامت وی چه حکم است؟

جواب: امامت وی صحیح است در کتابهای فقه است که تنها به آب و یاب به کلوخ استنجاء کردن سنت استنجاء حاصل می‌شود لکن افضل و بهتر این است که به کلوخ و آب هر دو استنجاء کنید در شامی هست ثم اعلم ان الجمع بین الماء والحجر افضل ویلیه فی الفضل الاقتصار علی الماء ویلیه الاقتصار علی الحجر وتحصیل الشک بالکل الخ (۱) فقط.

امامت قطه باز جائز است یا نه: سوال: (۹۶۴) اگر امام مسجد به همراه قطه بازان نشته باشد و باطریقه بازی را برای آنها نشان می‌دهد حکم چیست؟ و امامت وی چطور است؟

جواب: در درمختار است (و کره تحریم اللعّب بالنرد و کذا الشطرنج الخ) (۲) پس هرگاه بازی شطرنج حرام شد تعلیم دادن و نشان دادن وی ظاهر است که حرام هست نشستن به همراه این بازیگران و دیدن به او نیز حرام است پس امامت وی مکروه (۱) است.

امامت فحشی گرو و نفال درست است یا نه: سوال: (۹۶۵) زید هر وقت فحش و بحث بیجا

= ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۴ ظفر.

(۱) و بکره امامه عبد الخ و الفاسق الخ و مبدع ای صاحب بدعت (درمختار) و اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لا یمکن لامر دینه الخ و قد رجب اهائنه شرعا الخ بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰)، ظفر.

(۲) و رد المحتار فصل فی الاستنجاء ص ۳۱۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۳۸، ظفر.

(۳) الدر المختار علی هامش و رد المحتار کتاب الحظر و الاباحه فصل فی البیع ص ۳۴۷ ج ۵، ط.س. ج ۱ ص ۳۹۴، ظفر.

(۴) و بکره امامه عبد الخ و الفاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه ای الفاسق کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰)، ظفر.

میکند حتی گاه گاه در داخل مسجد الفاظ فحش استعمال میکند دشنام و غیبت نیز میکند و ساز نیتهای نماز گذاران رامیکند که بواسطه آن خنده نماز خوانان میآید و بعضی وقت در نماز خنده میکند آیا این شخص قابل امامت است یا نه؟

جواب: نماز درپس وی اداء میشود لقوله بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (صلوا خلف کل بر و فاجر) لکن برای امامت شخصی اولی و الیق است که بهمراه اعلم و اقربا بودن صالح و متقی باشد زیرا اگر چه نماز در فاسق صحیح است مگر مکروه تحریمی است در شامی هست: که امام ساختن فاسق ممنوع است زیرا در امام ساختن وی تعظیم او است و تعظیم فاسق ممنوع است^(۱) فقط.

حکم امامت بدعتی چیست: سوال: (۹۶۶) شخصیکه بالکل نادان باشد بدون چند سورة قرآن شریف چیزی را خوانده نمیتواند و قبر پرستی را خوب میندازد و رسول الله ﷺ را عالم الغیب حافظ و ناظر میگوید حتی علی الاعلان میگوید که میان الله و رسول هیچ فرق نیست در رقص و غیره شامل میشود امام ساختن وی جائز است و یا چه حکم است؟

جواب: چنین شخص لائق امام ساختن نیست امام کردن وی حرام است دور کردن وی از امامت لازم است بالای همه مسلمانان لازم است که اتفاق کنند و او را از امامت دور کنند^(۲) و شخص عالم و متقی دیگر را امام سازند فقط.

امامت ریش قراش جائز است یا نه: سوال: (۹۶۷) مسلمانها نیکه ریش ها را میتراشند و یا از یک قبضه کم میکنند نماز

درپس آنها جائز است یا نه؟

جواب: مسلمانهاییکه ریش هارا میتراشند و از یک مشت کم میکنند فاسقان اند نماز درپس آنها مکروه^(۳) است.

(۱) و بکرة امامة عبد الخ و فاسق الخ و مبدع ای صاحب بدعة (در مختار) و اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لا یهم الامر دینه و بان فی تقدیمه للإمامة تعظیمه و قد رجب علیهم اهانة شرعاً و لا یخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فانه لا یؤمن ان یسلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبدع نکرة امامته بکل حال، بل مشی فی شرح المنبة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا قال و لهذا لم تجز الصلاة خلفه اصلاً عند مالک و رواية عن احمد (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ح ۱ ص ۵۶۰). ظفر

(۲) و بکرة امامة عبد الخ و فاسق الخ و مبدع ای صاحب بدعة (در مختار) و اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لا یهم الامر دینه و بان فی تقدیمه للإمامة تعظیمه و قد رجب علیهم اهانة شرعاً و لا یخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فانه لا یؤمن ان یسلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبدع نکرة امامته بکل حال، بل مشی فی شرح المنبة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا قال و لهذا لم تجز الصلاة خلفه اصلاً عند مالک و رواية عن احمد (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط. س. ح ۱ ص ۵۶۰) ظفر

امامت اختیار کننده تہذیب ہندو: سوال: (۹۶۸) اگر کلام مسلمان مزدوری ہندوہارا چنان میکند کہ ہندوہا را در عبارت بہ مرتبہ بت میرساند وقوارہ خودرا مانند قوارہ ہندوہا جور میکند بخاطر اینکہ ہندوہا وی را از مزدوری دور نکنند نماز در پس چنین شخص جائز است یا نہ؟
جواب: مسلمانیکہ چنین کار میکند فاسق ہست و گنہگار شدید است وخوب پنداشتہ گان این کار نیز فاسق است ولائق امام ساختن نیستند (۱) فقط.

امامت تعزیرہ دار واستعمال کننده رنگ سیاہ: سوال: (۹۶۹) نماز درپس تعزیرہ دار واستعمال کننده رنگ سیاہ چہ حکم دارد؟

جواب: تعزیرہ دار فاسق ہست نماز درپس وی نمیشود و رنگ سیاہ رابعض فقہاء جائز فرمودہ اند وبرخی مکروہ و ہمین قول صحیح (۲) است لہذا امام ساختن استعمال کننده رنگ سیاہ خوب نیست اگر چہ نماز میشود.

درخانہ کسیکہ رواجہای غلط میشود و آنها منع نمیکند و امامت آنها: سوال: (۹۷۰)
 درخانہ ہای بسیار مردم د عروسی وشادی زنہای خانہ تبل میزنند بیت میخوانند وزنہای خانہ دیگر بہ خانہ اش میآید ویکجا بیت میخوانند مردہا آنها را ازین کار منع نمیکند نماز خواندن درپس آنها چطور است؟ بسیار مردم پروگرام گل شکرہ (یک قسم گل) دوازدہ ہم وفات (مولود) وتاریخ سیزدہم ہشتم ہزدہ ہم را بد بخت میشارند درین تاریخہای شادی وعروسی نمیکند حکم نماز درپس چنین مردم چہ ہست؟

جواب: مرد مانیکہ زنہای خود را از کارہای مذکور منع نمیکند آنها گنہگار ہستند امام ساختن خوب نیست اگرچہ نماز میشود مرد مانیکہ تاریخہای ذکر شدہ را بد بخت میشارند ودرین تاریخہا نکاح وغیرہ نمیکند این سخن ہی اصل ہست ہمہ روزہا وتاریخہا مبارک است ودارندہ چنین عقیدہ لائق بہ امام ساختن نیست (۳) فقط.

(۱) ولا یاس بطلب التلب واحد اطراف اللحية والسنة فيها القبحه الخ ولذا قال يحرم على الرجل قطع لحيته والدر المختار على هامش رد المختار. کتاب الحظر والایاحۃ ص ۳۵۹ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۱۰۷، ظہیر

(۲) ویکرہ امامت عبد الخ ومبتدع ای صاحب بدعة والدر المختار على هامش ردالمختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰، ظہیر الدین

(۳) ويستحب للرجل حشاش شعره ولحيته ولو في غير حرب في الاصح والاصح انه تستحب والصلوة لم يبق له ويكره بالسواد وليل لا والدر المختار على هامش ردالمختار كتاب الحظر والایاحۃ باب في البيع ص ۳۷۲ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۴۶۲، ظہیر

(۳) ویکرہ امامت عبد الخ وفاسق (ومختار) وکراهة تقديمه کراهة تحریم والدر المختار. ردالمختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. =

امامت بدکار وفاسق مکروه تحریمی است: سوال: (۹۷۱) کسیکه ولد الزنا وفاسق باشد وبهمراه بچه هابه کار ناروا گرفتار باشد بدعتی جاهل باشد وحاصل مسجد راخودش خورده باشد وغیره حکم امامت چنین شخص چیست؟

جواب: این شخصیکه چنین الحال دارد که در سوال ذکرشد فاسق است لائق امام ساختن نیست نماز درپس فاسق مکروه تحریمی است ودرشامی نقل کرده که درامام ساختن فاسق تعظیم وی است وتعظیم فاسق حرام است حتی واجب الایمانه است لهذا فاسق امام ساخته نشود بخصوص امام دائمی هیچ گاه چنین شخص مقرر نشود (۱) فقط.

امامت مجبوراً ادا کننده سود بخاطر خلاصی قرض بدر درست است یانه: سوال: (۹۷۲) پدرم چیزی زمین رابه نزد هندو (بنریا) گروکرده بود پدرم وفات شد ونزدم پول خلاص کردن آن زمین نیست مجبور هستم بخاطر مجبورت سود میدهم بالای من کدام مواخذ است یانه؟ ودرپس من نماز درست است یانه؟

جواب: چون تومجبور هستی بالای تومواخذ نیست نماز درپس نوبدون کراهت صحیح است (۲) فقط.

امامت گوسه بیست دوساله مکروه است یانه: سوال: (۹۷۳) ایک شخص عاقل وبالع صاحب عمر بیست ودوسال وازمسائل وغیره خوب خبردارد لکن تاحال ریش وبروش نه برآمده امامت وی درست است یانه؟ یک شخص میگوید که اذان واقامت وی نیز درست نیست وی درجمله زنهاشمار است دراحادیث صحاح سه مذکور است که اگرتابسیار عمرریش وبروش وی نیراید قابل امت شده نمیتواند یابرای آن کدام اندازه مقدر است؟ بینوا توجروا؟

جواب: گفتار این شخص غلط است در پس مرد بی ریش وبی بروت هرگاه عمروی بیست وبیست دوسال باشد واز مسائل نماز نیز خبر باشد نماز بدون کراهت درست است (شامی جلد اول ص ۳۷۸ درباب الامامة سئل العلامة الشیخ عبدالرحمن بن عیسی المرشدی عن شخص بلغ من السن عشرين سنة وتجاوز حدا لا نبات ولم ينبت عذارة الى ان قال فهل حكمه في الامامة كما

الرجال الکاملین ام لا به اجاب سئل العلامة الشیخ احمد بن یونس الخ عن مثل هذه المسئلة فاجاب بالجواز من غیر کراهة وناهیک به قدوة (۱) فقط.

امامة کسیکه از مسائل خبر نباشد درست است یا نه: سوال: (۹۷۴)

اگر امام چنان شخص باشد که از احکام نماز پوره خبر نباشد حتی مفسدت نماز رانیز نمیداند در موجودیت وی کسی دیگر نماز بدهد این گفتار امام مسجد برای مقتدی ها که بدون اجازه من نماز نمیشود چه حکم دارد نماز درپس چنین شخص درست است یا نه؟

جواب: این قول وی غلط است: که اجازه من نبود نماز نه شد برای امامت نماز اعلم بمسائل الصلاة زیاد افضل وحقدار است لکن نماز درپس غیرعالم هم صحیح است، بشرطیکه از وی کدام کار ناقض نماز سرنژده باشد (۲) فقط.

بهمراه کسیکه ملوث باشد اقتداء وی درست است یا نه: سوال: (۹۷۵) اگر امام چنان

شخص باشد که از احکام نماز پوره خبر نباشد حتی مفسدت نماز رانیز نمیداند درموجودیت وی کسی دیگر نماز بدهد این گفتار امام مسجد برای مقتدیها که بدون اجازه من نمیشود چه حکم دارد نماز درپس چنین شخص درست است یا نه؟

جواب: این قول وی غلط است که اجازه من نبود نماز نه شد برای امامت نماز اعلم بمسائل الصلاة زیاد افضل وحقدار است نماز درپس غیرعالم هم صحیح است بشرطیکه از وی کدام کارناقض نماز سرنژده باشد (۳) فقط.

بهمراه کسیکه ملوث باشد اقتداء وی درست است یا نه: سوال: (۹۷۵) کریم وگلود وبعه

بودند کریم بهمراه گلو اغلام (بعه بازی) نمود نماز کریم درپس گلو کسیکه امام مسجد است جائز است یا نه؟

جواب: نماز کریم درپشت گلو صحیح است.

نماز دستار دارها در پی اما بی دستار صحیح است یا نه: سوال: (۹۷۶) اگر همه یابعض

(۱) ودمختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ . ظفر

(۲) واعلم أن صاحب البیت وعله إمام المسجد الراتب أولى بالامامة من غیره مطلقا إلا أن یكون معه سلطان أو قاض یقدم علیه لعموم ولائهم. وصرح الحدادی بتقدم الوالی علی الراتب (الدور المختار علی هامش ودمختار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹). ظفر

(۳) واللاحق بالامامة تقدیمه بل نصباً الاعلم باحکام الصلوة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفراش الطاهرة الخ (ایضاً ص ۵۲۰) ظفر

مقتدییها بعمامه وامام بدون عمامه بابالعکس نماز گذارند در آن کدام نقص الفتد بینو الاحادیث الصحیحة توجروا بالنعماء العظیمة؟

جواب: در آن نماز هیچ نقص نیست در هردو صورت لحدیث کلکم یجد ثوبین وفی شرح المنیة والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلاثة الواب ازار وقمیص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحد متوشحاً به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی القصرة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزاید ولكن فیہ ترک الاستحباب الخ صفحہ ۳۳۷. فقط والله اعلم

امامت خائن وفاسق درست است یا نه: سوال: (۹۷۷) امامت شخصیکه یقین ولدالزنا بودنش کامل باشد فاسق وفاجر وجاهل وبدعتی نیز باشد ودر محکمہ نیز خائن ثابت شده باشد امامت وی جائز است یا نه؟

جواب: امامت چنان ولد الزناء که حالش بگونه است که در سوال درج است مکروه است وچون علاوه از ولد الزنا شدن فاسق نیز است امامت وی مکروه تحریمی است وچنین امام لائق معزول کردن است چنانچه علامہ شامی تحریر نموده است واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانهم لا یهتم لامردینه وبنان فی تقدیمه للامامة تعظیمة وقدوجب علیهم اهانتہ شرعاً الخ (۱) صفحہ ۴۱۴ مصری جلد اول شامی وفی الدر المختار وولد الزنا الخ قوله وولد الزنا اذالیس له اب یربیه ویودبه ویعلمه فیقلب علیه الجهل بحرا ولنفرة الناس عنه شامی (۲) صفحہ ۴۱۵ جلد ۱ فقط.

کدام نمازی را که در امامت بدعتی خواند آیا اعاده آن ضروری است: سوال: (۹۷۸) حضرت اقدس مولانا اشرف علی صاحب نوشته اند که نماز درپس بدعتی میشود وضرورت اعاده نیست مگر حضرت مولانا رشید احمد صاحب نور الله مرقلده تحریر فرموده اند که مکروه تحریمی وواجب اعاده است پس در صورت آمدن اختلاف کرام طرز عمل بکار گرفته شود؟

جواب: در در مختار است: والنهر عن المحيط: صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة الخ ودر شامی است: قوله: نال فضل الجماعة افاد ان الصلاة خلفهما اولی من الا لفراذ لاکن لا ینال کما ینال خلف ثقی ورع (۳) الخ اذین عبارت واضح میشود که نماز درپس بدعتی میشود حتی

(۱) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ جلد ۱. ۱۲ ظفر.

(۲) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۲. ظفر

(۳) ردالمحتار. باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۲. ظفر

بہتر است از نماز تنها باقی چون درمیان بدعتی و بدعتی فرق است بعض بدعتها بہ حد کفر و شرک رسیدہ می باشد اگر درپس چنین بدعتی نماز خواندید اعادہ وی ضرور است و ہمین صورت تطبیق شدہ می تابد و پاکسیکہ حکم اعادہ را دادہ آن احتیاط خواهد بود و یا اختلاف روایات و در بدعت فی العقیدہ نیز درجات تفاوت دارد تا وقتی کہ معلوم نشدہ باشد کہ عقیدہ وی بہ حد کفر رسیدہ است تا آن وقت حکم فساد نماز درپس وی دادہ نمی شود کذا فی الدر المختار (۱) فقط.

امامت کسیکہ نماز جمعہ را در ہندوستان جائز نمی دانند درست است یا نہ: سوال: (۹۷۹)

یکہ شخص امام مسجد است و عقیدہ دارد کہ بسبب اینکہ شرط بادشاہ و نائب آن مفقود است در ہندوستان جمعہ نمی شود و ہمہ نماز گذاران عقیدہ دارند کہ جمعہ می شود پس نماز چنین نماز گذاران درپس چنین امام می شود یا نہ؟

جواب: صحیح این است کہ در شہرہای ہندوستان جمع صحیح است فقہاء نوشتہ کردہ اند کہ شرط بادشاہ مسلمان ساقط ہست (۲) پس عقیدہ امام مذکور غلط است و بہ داشتن چنین عقیدہ وی کدام فرقی در جمعہ نماید زیرا این عقیدہ وی غلط است لہذا نماز این مقتدیہا کہ قائل فرضیت نماز جمعہ اند درپس امام مذکور صحیح است فقط.

بعد از توبہ کردن از دروغ امامت درست است یا نہ: سوال: (۹۸۰) زید بہ مردم دروغ میگفت و چل و نیرنگ میکرد حالا توبہ کردہ است و مردم وی را امام ساختہ است آیا نماز درپس وی درست است یا نہ؟

جواب: در حدیث شریف است: (التائب من الذنب کمن لا ذنب لہ (۳) بعد از توبہ کردن نماز درپس وی بدون کراہت درست است.

امامت آواز خوان حرفوی درست است یا نہ: سوال: (۹۸۱) اقتداء درپس مطرب (یعنی سازندہ) درست است یا نہ؟ یعنی اگر مرثیہ خوان (مدحہ خوان) امامت میکند شرعاً جائز است یا نہ؟

(۱) وان انکر بعض ما علم من الدین ضرورۃ کفر بہا الخ فلا یصح الاقتداء بہ اصلاً والدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۴ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱. ظہیر

(۲) فلو الولاۃ کفار ايجز للمسلمین إقامة الجمعة (رد المحتار باب الجمعة ص ۷۵۴ ج ۱). ظہیر

(۳) مشکوٰۃ باب التوبہ والاستغفار ص ۲۰۶ فصل ثالث. ظہیر

جواب: اگر وی از پیشہ حرام (غناء و مزامیرها) توبہ کرده باشد نماز درپس وی بدون کراہت درست است ورنہ مکروہ است (۱).

امامت توبہ کنندہ از رقص و سرود درست است یا نہ: سوال: (۹۸۲) یک امام مسجد است اکثر بہ رقصی سرود می‌رود اگر چنین شخص توبہ کند خواندن نماز درپس وی از کراہت خالی خواهد بود یا نہ؟

جواب: امام مذکور فاسق ہست نماز درپس فاسق مکروہ است اگر توبہ کند کراہت دور خواهد شد: لان التائب من الذنب کمن لا ذنب له (۲) فقط.

امامت تلاوت کنندہ غلط درست است یا نہ: سوال: (۹۸۳) زید امام مسجد است وی حافظ نیست حرکات را آنقدر دراز میکند کہ الف و واو نیز بہ طریقہ خوب ظاہر میشود و ہر گاہ بجای آن اناشود معنی بدل خواهد شد و بطور صفا بجای یضربون یدریون میگوید یکدفعہ تطلع راتضلی خواند و میان، ث، و ص، و س، بسیار کم فرق میکند و کوشش درست کردن آنها رانمیکند در نماز خواندن درپس چنین شخص کدام کراہت ہست یا نہ؟

جواب: در نماز خواندن درپس چنین تلاوت کنندہ دیگر تعین شود (۳)

امامت اجورہ گیرندہ جائز است یا نہ: سوال: (۹۸۴) کدام شخصیکہ تنہا بہ زیاد شدن و کم شدن تنخواہ نماز میدہد امامت وی چطور است؟

جواب: بہ جواز گرفتن اجورہ بہ امام فتویٰ است بہمین خاطر بالای وی هیچ اعتراض (۴) نیست. فقط

امامت غیر مقلد جائز است یا نہ: سوال: (۹۸۵) اگر غیر مقلد امام شود درین حالت صاحب مذهب حنیفہ اقتداء نماز کند روا باشد یا نہ؟

جواب: فقہاء تصریح فرمودہ اند کہ اگر مخالف مذهب امام شود پس اگر مراعات خلاف کند

(۱) ویکوہ امامہ عبد الخ و فاسق (درمختار) و لعل المراد بہ ای بالفاسق من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی وأکل الربا ونحو ذالک (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰)، ظہیر

(۲) مشکوٰۃ باب التوبہ والاستغفار فصل ثالث ص ۲۰۶، ظہیر

(۳) ولا غیر الا لایحی بہ ای بالایحی علی الاصح الخ للایلام الامتہ ولا یتمتع صلاتہ اذا امکنہ الاقتداء بمن یحسنہ (درمختار باب الامامۃ ط.س. ج ۱ ص ۵۸۱ - ۵۸۲)، ظہیر

(۴) و یفنی بضمینہا (ای الاجارۃ) لتعلیم القرآن والفقہ والامامۃ والدرر المختار علی هامش رد المحتار باب الاجارۃ الفاسدۃ ص ۴۶ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۵۵، ظہیر

نماز خلف اوصحیح است و اگر مراعات خلاف نکند پس اگر مرتکب مفسد (۱) صلاة شود نماز خلف او درست نیست و اگر مرتکب مفسد نشود مکروه است قال فی الدر المختار و کذا تکره خلف امر اسفیه الی ان قال: وتفصیله فی الشامی بهر حال احتیاط در ترک اقتداء است خصوصاً و قتیکه امام غیر مقلد باشد که از ارتکاب مفسدات و مکروهات امن نیست فقط.

امامت و نماز خانه سمائی انگریزها درست است یا نه: سوال: (۹۸۶) خانه سامان انگریزها کسیکه نان پخته میکند و پختن و خوردن گوشت خنزیر در آن میباشد و شراب راتقسیم میکنند هرگاه این مردم چنین کار را میکند آیا نماز و غیره اینها قبول میشود یا نه؟

سوال: (۲) اگر کدام شخص در آنها قابل نماز دادن باشد نماز وی جائز است یا نه؟

جواب: (۱) چون این مردم در اسلام داخلند نماز روزه اینها قبول هست و از گناه توبه کنند.

جواب: (۲) امام ساختن چنین شخص مکروه است نماز در پس وی بهمراه کراهت درست است (۲) فقط.

امامت گوینده کافر به بزرگان دین درست است یا نه: سوال: (۹۸۷) شخصی که به حضرات بزرگان دین کافر میگوید و کسیکه برایشان کافر نمیگوید وی رانیز کافر میگوید نماز در پس وی درست است یا نه؟

جواب: در حدیث شریف هست: من عادی لی ولیا فقد آذنته بالحرب (۳) او کما قال ﷺ یعنی کسیکه به همراه دوست و ولی من دشمنی کرد برای وی اطلاع جنگ خود را میدهم یعنی بمقابله وی بهمراه من است پس آشکار است که مقابله کدام مردود به همان خداوند (ج) باشد جای وی کجا است بدون جهنم و قال ﷺ سباب السلم فسوق و قتاله کفر (۴) الحدیث پس نماز در پس چنان مردود که علماء ربانی و اولیاء الله راتوهین میکند و آنها را کافر میگوید درست نیست (۵) فقط.

(۱) وزاد ابن ملک و مخالف کشاف لی و فی البحر ان یقین المراعاة لم یکره او علمها لم یصح وان شک کره و الدر المختار علی هاشم رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۶ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. ظفر

(۲) و بکره امامة عبد الخ و لاق (الدر المختار علی هاشم رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰. ظفر

(۳) مشکوٰۃ باب ذکر الله عز وجل ص ۱۹۷. ظفر

(۴) مشکوٰۃ باب حفظ اللسان و البیة و الشیم ص ۴۱۱. ظفر

(۵) و بکره امامة عبد الخ و لاق (رد المحتار) بل قال فی شرح المنیة کراهة تلذیمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰. ظفر

امامت حقیر و رسوا درست است یا نه: سوال: (۹۸۸) زید در به درنان میخاهد وبه مزدوری

مرده هارا میشوید و زنش به بی پرده گی میگردد چنین شخص امامت کرده میتواند یانه؟

جواب: نماز در پس وی میشود لکن امامت چنین شخص در موجودیت اشخاص صالح بهتر

نیست (۱) فقط.

امامت متهم: سوال: (۹۸۹) یک شخص حافظ قران هست مکر بالای وی چند تهمت بسته

میشود که در خانه وی زن بی نکاح غیر مذهب است لکن حافظ صاحب نکاح خود را بهمراه وی

آشکار میسازد و مسلمان ساختن وی رانیز اظهار میدارد مگر ثبوت کامل آن نیست امامت وی

صحیح است یا نه؟

جواب: چون بالای مسلمان گمان خوب لازم است و بدگمانی مناسب نیست قال الله تعالی: اِنْ

بَعْضَ الظَّنِّ اَنْتُمْ (۲) اثم لهذا هرگاه این امام صاحب دعوای مسلمان ساختن و نکاح کردن این زن

رامیکند اعتبار کردن به آن ضروری است و تهمت گناه بالایش زده نشود و اعتبار امامت وی

صحیح است فقط.

امامت گیرنده سود به حيله و بهانه درست است یا نه: سوال: (۹۹۰) مسمی احسان علی

القاضی و پیش امام موضع مرشد آباد هست و پنج شش سال میشود که مسمی احسان علی

باتمسک به اسناد تحریری به این طریقه گرفتن سود را شروع کرد که اسناد رابه نام پسر

و نواسه خود نوشت و از بعض بعض سود را نیز بدست آورد وقتی از وی سوال شد جواب داد که

من این کار و انمیکنم بلکه بچه هایم این کار را میکنند این حيله برای نام است احسان علی قابل

امام شدن هست یا نه؟

جواب: مسمی احسان علی درین صورت لائق امام ساختن نیست اگر وی تائب نشود دور کرده

شود و امام صالح دیگر تعین کرده شود (۳) فقط.

امامت تطبیق کننده قانون: سوال: (۹۹۱) حکیم محمد فخر عالم متبع شریعت و پاینده روزه

و نماز هست ملا و حافظ نیز هست برای مدتی کار زراعت و تیکه داری رانیز کرد که به سبب آن

(۱) ولو ام قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد لیه اولانهم اسحق بالامامة منه کوه له ذالک تحریما لحدث ابی داود الخ (المختار علی هاشم و الدالمختار باب الامامة ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظفر.

(۲) سورة الحجرات: ۲ . ظفر

(۳) و کذا نکره حلف امرد الخ و اکمل الروما (درمختار باب الامامة . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲) ظفر.

قرضدار شد نخست چیزی - ائداد را فروخت و قرضدار اداء کردن چون به این زمین ادا کردن ناممکن پنداشته شد از ترس مخالفین خود جائداد خود را در محکمہ پیش کرد و انسامونت شد پس درباره امامت حکیم محمد فخر عالم چه حکم است؟

جواب: امامت حکیم محمد فخر عالم درست است و حقیقت انسامونت برای من معلوم نیست اگر این کار متضمن معصیت نباشد و حقوق حقداران تلف نشده باشد به این سبب کدام کراہت در امامت وی نیست فقط.

امامت کسیکه ریش اش نه باشد: سوال: (۹۹۲) عمر کسیکه بیست و سه سال باشد حالا

ریش و بروت وی بر آمدن شروع کرده اند امامت وی جائز هست یا نه؟

جواب: نماز درپس وی صحیح هست کذا فی الشامی (۱) و غیره فقط.

به نارضایت بدون دلیل یک شخص بالای امامت کدام اثر نمیآید: سوال: (۹۹۳) بهمراه

ملایک شخص جنگ کرده بود و این معلوم نیست که تجاوز از چه کسی بود حالاهمان امام در مسجد محله امام شده است و همه مردم منطقه به امامت وی خوش هستند تنها شخصیکه بهمراهش جنگ شده ناخوش است شنیده ام که نماز درپس این امام نمیشود؟

جواب: اگر در سبب نارضایت این شخص کدام قصور امام نباشد و در امام کدام نقص شرعی نباشد لهذا نارضایت این شخص اعتبار ندارد نماز درپس این امام بدون کراہت صحیح است (۱) فقط.

امامت جرممانه کننده ناروا: سوال: (۹۹۴) یک مسلمان زن غیر مسلمہ موجی را مسلمان

ساخت و بهمراهش نکاح کرد به این کار یک شخص که نامش قاضی وزیر شاه است وی را زیرادری جدا کرد و چلم و اب را بالایش بند کرد و نکاح آنرا ناجائز میدانند و وزیر شاه پنج رویه جادر و پنج رویه حوض را نیز گرفت از امامت چنین شخص شرعاً چه حکم است؟ نماز درپس وی میشود یا نه؟

جواب: این معامله وزیر شاه که همراه این مسلمان وزن نو مسلمان کرده و وی را از برادری جدا

(۱) سُبُلُ الْإِمَامَةِ الْعَمَّ عَنْ شَخْصٍ بَلَغَ مِنَ السِّنِّ عَشْرِينَ سَنَةً وَتَجَاوَزَ حَدَّ الْإِبَائِثِ وَلَمْ يَهْتِ عِدَارُهُ ، فَهَلْ يَخْرُجُ بِذَلِكَ عَنْ حَدِّ الْأَمْرِيَّةِ ، وَعَصْرًا قَدْ نَبَتْ لَهُ شِعْرَاتٌ فِي ذَقْنِهِ تَوْزُنُ بَانَةِ لَيْسَ مِنْ مُسْتَدْرِئِ اللَّحْيِ فَهَلْ حُكْمُهُ فِي الْإِمَامَةِ كَالرَّجَالِ الْكَامِلِينَ أَمْ لَا الْحُجَّابُ بِالْحَرَّازِ (ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۲) .

(۲) فَإِنْ اختلفوا اعتبروا أكثرهم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۲ ج ۱ ، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۸ - ۵۵۹) .

کرد خلاف شریعت هست و حرام و ناجائز است و مسلمان شدن این مسلمہ جدید و نکاح کردن همراهش شرعاً و درست و صحیح است ناجائز تعین قاضی به آن غلط است و جهالت شدید است گرفتن چادر و حوض حرام و باطل است (۱) چنین شخص قابل امامت نیست نماز درپس وی مکروه است و دور کردن وی از امامت ضرور است (۲) فقط.

امامت زن: سوال: (۹۹۵) یک شخص امام مسجد دختر یک دهقان را گریختاند و به همراه وی نکاح کرد وزن اولی خود خود را به قتل رساند چند وقت پس امام مذکور یک دختر عروسی نه شده را گریختاند و بجای دیگر برد پسان وارثان آن دختر را از وی جدا کردند و درجای دیگر نکاح کرد حالا بعضی مسلمانها این عقیده را امام خود ساخته در چنین صورت امام ساختن وی مناسب است یا نه؟

جواب: هرگاه امام ذکر شده از کارهای و گناهای خود توبه نکرده باشد امام ساختن وی مکروه تحریمی است و نماز درپس وی مکروه (۳) است اگر وی توبه کرده باشد گناه وی معاف است و امامت وی درست است بحکم: التائب من الذنب کمن (۴) لا ذنب له فقط.

امامت خورنده دعوت زنهای رفاصه درست است یا نه: سوال: (۹۹۶) کسیکه دعوت زنهای رفاصه حرفوی را میخورد امام ساختن وی چگونه است؟
جواب: مکروه هست (۵) فقط.

امامت باغبان درست است: سوال (۹۹۷) یک شخص پر هیز گار صاحب علم و امام مسجد هست، چندروز باغبانی نیز کرده وی از امامت دور شده میتواند یا نه؟
جواب: به سبب باغبانی دور شده نمیتواند فقط.

(۱) لا یأخذ الخالی فی الملعب بحر وفیه عن البزازیة وقیل یجوز معناه ان یمسک مدۃ لیزجر لم یعبده له الخ وفی المجتبى انه کان فی ابتداء الاسلام لم یسج (در مختار) والمحصل ان الملعب عدم التعزیر بأخذ المال (رد المحتار باب التعزیر مطلب فی التعزیر بأخذ المال ص ۲۴۶ ج ۳، ط.س. ج ۴ ص ۶۱)، ظفر

(۲) ویکره امامة عبد الخ وفاضل (در مختار) بل منی فی شرح المنیة ان کراهة لقدمه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰)، ظفر

(۳) ویکره امامة عبد الخ من الفسق وهو المخرج عن الاستقامة ولعل المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والمرانی الخ (رد المحتار باب الجماعة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰)، ظفر

(۴) مشکوٰۃ باب الاستغفار والترغی ص ۲۰۶، ظفر

(۵) ویکره امامة عبد الخ وفاضل (در مختار باب الامامة، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰)، ظفر

امامت صاحب بواسیر غارضی: سوال: (۹۹۸) برای بنده مرض بواسیر هست که بالای مخرج هروقت رطوبت میباشد چون مخرج از نظر غائب میباشد بدین سبب معلوم نیست که (نم) میراید یا نه درین صورت معذور شمرده میشود یا نه وامامتش درست خواهد بود یا نه؟

جواب: دردمختار هست: ثم المراد بالخروج من السبیلین مجرد الظهور^(۱) ازین معلوم میشود که وجود رطوبت بالای مخرج برای معذور بودن کافی هست زیرا موجودیت رطوبت بالای مخرج ناقص هست درینجا ضرورت به سیلان نیست شرط سیلان در غیر سبیلین هست و عند الحیفة شخص معذور امام طاهر شده نمیتواند (ولا طاهر بمعذور^(۲)) فقط.

امامت فقیر چویان جانوران: سوال: (۹۹۹) شخصی از قوم فقیر هست و در مسجد سکونت دارد و امامت میکند و جانور را میچراند وزن وی دایه گئی میکند و این شخص سراسیه نیز میگردد درین حالت امامت وی جائز است یا نه؟

جواب: نماز درپس این شخص میشود به چراندن جانور و یابه سبب دایه شدن زن او در امامت او هیچ کراهت نیست دادن سراسیه و پوستهای قربانی در عوض امامت و گرفتن آن برای وی درست نیست و اگر به سبب غربت و احتیاج وی برایش داده میشود بدون در نظر داشت امامت گنجایش دارد فقط.

از امامیکه دل صفاء نباشد نماز درپس وی جائز است یا نه: سوال: (۱۰۰۰) زید درپس روی جماعت مسلمانها اقرار کرد که دل من به امام مسجد صفاء نیست درچنین حالت نماز زید درپس این امام میشود یا نه؟

جواب: نماز زید درپس این امام صحیح است فقط.

اقتداء غیر مقلد درست است یا نه: سوال: (۱۰۰۱) درمنطقه مایک ملادهقان است و نماز هم میدهد لکن صاحب این عقیده هست که مولود شریف کردن و زیارت کردن بزرگان دین و روز یازدهم را و نذر و نیاز را بدعت میگوید و مردم را به گفتن آمین بالجهر و کردن رفع الدین را ترغیب میدهد و نماز عیدها را به دوازده تکبیر میدهد درپس چنین شخص نماز اهل السنة والجماعة میشود یا نه؟

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار مطلب نوازل الرضو، ص ۱۲۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۱۳۵. ظهیر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۴۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸. ظهیر

جواب: منعقد ساختن میلاد شریف و یازدهم و غیره رسمهای مروجہ را کردن بدعت است پرهیز کردن ازین کارها ضرور است و رفع الیدین و گفتن دوازده تکبیر درعیدها مذهب امام شافعی است احناف رفع الیدین راست نمیگویند و درمذهب آنها بدون تکبیر تحریمہ درہیچ وقت دیگر رفع الیدین نیست و تکبیرات زوائد درہر رکعت سه سه است در درمختار است وہی صلاۃ تکبیرات فی کل رکعة ولو زاد تابعہ الی ستة عشر لانه ماثور (۱) الخ پس برای احناف رفع الیدین کردن مناسب نیست و تکبیرات زوائد درعیدها سه (۳) دفع کردن مناسب است و رواجہای دیگر مانند محفل میلاد و غیرہ و اترک کردن ضرور است حقیقت اصلی این است کہ این مولوی صاحب دھقان غالباً غیر مقلد است کہ ترغیب رفع الیدین میدهہ قبول کردن این سخن وی مناسب نیست و امام ساختن وی نیز مناسب نیست (۲).

امام ساختن مشتبہ و بدنام چطور است: سوال: (۱۰۰۲) امامیکہ تنها سکونت میکند و اکثر بہمراہش در تنہائی بجہ ہای بی ریش یافت شدہ است و دربارہ وی در منطقہ شہرت بد اخلاقی نیز باشد نماز درپس وی بدون کراہت درست است یا نہ در موجودیت شخص نیک دیگر کہ عفیف (یعنی پاک دامن) باشد مانند این شخص بہ نماز دادن مناسب است یا نہ؟

جواب: در چنین حالت نماز دادن این امام مکروہ است زیرا کراہت مقتدیاہ از امامت وی بسبب خرابی امام است لہذا نماز دادن چنین امام مناسب نیست و شخص دیگر کہ عفیف و صالح است امام شدن وی مناسب است: قال فی الدر المختار: ولو ام قوماً و ہم لہ کارہون ان الکراہۃ لفساد فیہ اولاً نہم احق بالامامۃ کرہ لہ ذلک تحریماً لحديث ابی داود: لا یقبل اللہ صلاۃ من تقدم قوماً و ہم لہ کارہون (۳) الخ.

امام بیست جائز است یا نہ: سوال: (۱۰۰۳) زید یک شخص باسواد حنفی محتاط باخبر از دینیات و امام مسجد است بعض احباب بہ این سبب نماز را درپس وی ترک کردہ اند کہ در بدن وی چند دانہ برص است کہ علاج اش را میکند و حاضرین موجود قریہ را در نماز خواندن درپس وی ہیچ نفرت و کراہت نیست نماز درپس چنین شخص جائز است یا مکروہ اگر مکروہ باشد

(۱) الدر المختار علی ہاشم رد المحتار باب الیدین ص ۷۷۹ ج ۱، ط. س. ج ۲ ص ۱۷۲ - ۱۷۳، طغیر

(۲) تکرہ علف امرد الخ و محافل کشاف لی لکن فی وتر البحر ان یقن المراغاة لم یکرہ اوعدها لم یصح وان شک کرہ (الدر المختار علی

ہاشم رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۶ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۲ - ۵۶۳، طغیر

(۳) الدر المختار علی ہاشم رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۲ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹، طغیر

کراہت تنزیہی هست یا تحریمی و سبب کراہت چیست؟

جواب: نماز درپس این امام بدون کراہت درست است زیرا نماز درپس پیست را در انحالت فقہاء مکروه تنزیہی نوشته اند کہ برص ان ظاهر و باہر باشد یعنی علائم برص زیاد باشد علامتی کہ بہ سبب آنها تنفر مقتدیہا باشد و ہر گاہ نہ برص چنان آشکار باشد ونہ مقتدیہا تنفر داشته باشند باز هیچ کراہت در امامت وی نیست در درمختار هست و کذا تکرہ خلف امرود و سفیہ و مفلوج و البرص شاع برصہ الخ قال فی الشامی قولہ: و کذا تکرہ خلف امرود الخ الظاہر انہا تنزیہیہ (۱) الخ.

معذور و امامت وی چہ حکم دارد: سوال: (۱۰۰۴) اگر کدام شخص در امراض گوناگون مبتلا باشد و از حکیم و داکتر علاج کردن کدام فائدہ نکرد بعد از آن این شخص بخاطر بیرون کردن مادہ فاسد بدن بہ مشورہ حکیم دردست و باداغ زد و در آن از درخت نیم یک مرہم جور کرد و ماند و بواسطہ آن زخم پیدا شد و ہمیش از آن رطوبت پیدامیشد کہ بہ سبب آن در اکثر مرضها تخفیف میشود این شخص شرعاً معذور هست یا نہ؟ و نماز درپس وی جائز است یا نہ؟

جواب: معذور شرعی آنست کہ برا یش در ہمہ وقت نماز چنان موقع پیدا شود کہ بدون این عذر وی وضوء کند و نماز اداء کند پس بالای کبیکہ این حالت آمدہ باشد وی معذور هست باز تا وقتیکہ وی درین عذر مبتلا باشد کہ هیچ وقت نماز ازین عذر خالی نباشد وی معذور خواهد بود در درمختار هست ان استوعب عذرہ تمام وقت الصلاة المفروضة بان لایسجدی جمیع وقتها زماناً یوضاء و یصلی فیہ خالیاً عن الحدیث الخ و ہذا شرط العذر فی حق الابتداء و فی حق البقاء کافی وجودہ فی جزء من الوقت (۲) و لومرة الخ پس اگر بہ شخص مذکور این نوبت آمدہ باشد کہ ہر وقت زخم وی جاری باشد و در تمام وقت نماز برایش اینقدر موقع پیدا نشود کہ بہ وضوء کند و بدون این عذر نماز بخواند وی معذور شد حالاتاً و قتیکہ این زخم وی جاری باشد یعنی دو وقت نماز برخی از وقت از وی مواد جاری می باشد وی عذرر خواهد بود و معذور امام غیر معذورها شدہ نمیتواند (۳).

(۱) رد المحتار باب الإمامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط. س. ج. ص ۵۶۲ . ظفر

(۲) رد المحتار باب الإمامت ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط. س. ج. ص ۵۶۲ . ظفر

(۳) و ظاہر بمعذور (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامت. صفحہ ۵۴۱. جلد ۱. ظفر.

اما مت غیر مقلد کہ تقلید ائمہ اربعہ را کفر و شرک میگوید چه گونه است: سوال:

(۱۰۰۵) زید غیر مقلد تقلید ائمہ اربعہ را کفر و مشرک میگوید این گفتار زید صحیح است یا

غلط؟ و نماز درپس وی صحیح است یا نه؟

جواب: گفتار این غیر مقلد غلط هست گمراهی و خطا نش اشکار هست نماز درپس چنین غیر مقلد صحیح نیست (۱).

امامت شخص گمانی چگونه است: سوال: (۱۰۰۶) شخص آنقدر واهی است کہ همراه

کسی مصافحه نمیکند وقتی کدام مسلمان برایش چیزی میدهد بہ دست خود نگیرد و برای وی میگوید کہ در زمین بمان بازار زمین بلند میکند بیعت کردن از چنین شخص و امام ساختن وی چگونه است؟

امامت فقیر دهنده قومیت: سوال: (۱۰۰۷) (۲) امام یک مسجد ذات خود را تغیر داده

امامت و بیعت چنین شخص درست است یا نه؟

امامت بسته کننده گلبار چہرہ ها: سوال: (۱۰۰۸) (۳) درخانه یکشخصی بچہ شد و بالای

دیوارهای خود گلہارا بستہ کرد حکم امامت و بیعت وی چیست؟

جواب: (۱) چنین شخص گمانی کہ دروی هیچ فکر اتباع شریعت نیست لایق بیعت کردن و پیر

و مقتدا ساختن نیست و امام ساختن وی نیز مناسب نیست اگر وی نماز داد اگر کدام کار ناقص نماز از وی صا درنشده باشد نماز شد (۲).

جواب: (۲) چنین شخص لائق امام ساختن و پیر ساختن (۳) نیست.

جواب: (۳) چنین شخص نیز لائق امامت و بیعت نیست (۴) فقط.

(۱) چنین شخص فاسق هست و امامت فاسق مکروه تحریمی است ارشاد نبوی هست کہ سباب المسلم فسوق وقتاله کفر (مشکوٰۃ) اما الفاسق لقد عللوا کراهة تقديمه لانهم لا یؤمنہ وبان فی تقديمه للامامة تعظیمة و قدرجب علیہم اہانتہ شرعاً الخ بل منی فی شرح المنہ علی ان کراهة تقديمه کراهة تحريم ویکره امامة عبد الخ و مبدع الخ ولا یکفر بها حتی الخوارج الخ وان انکر بعض ماعلم الدین ضرور کفر بها الخ فلا یصح الانشاء به اصلاً (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة صفحہ ۵۲۳ - وصلعہ ۵۲۴ - جلد ۱ - ظہیر).

(۲) والا یحی با لامامة الخ الا علم بالحکام الصلاة لفظ صحة وفساد بشرط اجتنابه للفواحش الظاهر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة صفحہ ۵۱۸ - جلد ۱ - ظہیر).

(۳) ویکره امامة عبد الخ و فاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹). ظہیر

(۴) ویکره امامة عبد الخ و مبدع الخ ولا یکفر بها حتی الخوارج الخ وان انکر بعض ما علم من الدین بالضرورة کفر بها الخ فلا یصح الانشاء به اصلاً (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ - ۵۲۴ ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظہیر.

امامت ساختن رافضی چگونه هست: سوال: (۱۰۰۹)

یک شخص امام مسجد و کور هست پدر و مادر وی شیعه خالص اند برای شکم خود خود را اهل سنہ آشکار میکند و نماز می‌دهد امامت یا جنازه و نکاح و غیره چنین شخص جائز است یا نه؟
جواب: اگر وی در حقیقت صاحب مذهب اهل السنہ والجماعة باشد و رافضی نباشد نماز در پس وی صحیح هست و نکاح خوانی وی صحیح هست و این سخن حتماً تحقیق شود که وی رافضی که نیست؟ اگر رافضی باشد نماز در پس وی درست (۱) نیست فقط.

امامت فراموش کننده قرآن و تارک جماعت چگونه هست: سوال: (۱۰۱۰) یک شخص قرآن شریف را حفظ کرد یک دوسال در مسجد نیز شنواید حالا که آمد فراموش کرده و بایند جماعت نیز نیست امام ساختن وی چگونه هست؟ شخص دیگری که عالم و بایند جماعت هست و قرآن شریف را به گونه که ناظره خوان میخواند همان گونه میخواند حکم امامت وی چیست؟
جواب: بعد از یاد کردن قرآن شریف فراموش کردن آن گناه کبیره هست و اصرار کردن به ترک جماعت نیز معصیت کبیره هست نماز در پس چنین شخص مکروه است.

(حضرت عبدالله بن مسعود فرموده اند: ولوانکم صلیتم فی بیوتکم کمایصلی هذا المتخلف فی بیتہ لترکتہ سنۃ نبیکم ولو لترکتہ سنۃ نبیکم لضللتہم فتح القدر صفحہ ۳۰۱ جلد ۱ ظفر) و امامت شخص دیگر که بایند شریعت هست و قرآن کریم راصحیح میخواند بهتر هست (۲) فقط.

امامت شخصی دروغگو چه حکم دارد: سوال: (۱۰۱۱) کسیکه پنجاه روپیه بگیرد و نکاح زن حامله را بسته کند و در محکمه بدروغ قسم بخورد نماز در پس وی چه حکم دارد؟
جواب: چنین شخص فاسق هست و نماز در پس وی مکروه هست نماز میشود مگر کراهت هست (۳) فقط.

امامت پیره دار بیوقوف ثوٹ پاک جائز هست یا نه: سوال: (۱۰۱۲) در گجرات و بمبئی بعض

(۱) والاصل بالامامة لطلبهما الخ الاعلم باحكام الصلوة لفظ صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة والذم المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷. ظفر

(۲) والاصل بالامامة لطلبهما بل نصبا الاعلم باحكام الصلوة لفظ صحة وفسادا بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة والذم المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۰ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷. ظفر

(۳) بکرمه امامه عبد الخ و لاسق و مبعده ای صاحب بدعة الذم المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ظفر.

مردم این را ذریعہ بدست آوردن پیسہ گشتانده اند کہ بالای پنج دہ جوب دراز بانس پنجه های آہن رانصب کرده اند ورخت های گونا گون رنگہ را بہ آن بستہ کردہ اند ودرخانہ مانده اند ومیگیرند کہ این نشانہا (بیرقہای) حضرت غوث پاک است وقتیکہ در زمان مرض وبائی مردم بالای فقیرہا ومسکینہا نان راہموار میکنند این نشان ہارا میطلبند ودر زیر آن بز را حلال (ذبح) میکند غرض اینکہ بسیار تعظیم وتکریم این نشانہا میشود وکسیکہ این نشانہا را نگہدار میکند وی را خلیفہ میگیرند دربارہ چنین شخص چہ حکم ہست؟ وی از دائرہ اسلام بیرون ہست یا نہ؟ نماز خواندن درپس وی ودست دادن بہ وی ورقت وآمد بہمرا ہش چگونہ است؟

جواب: درین ش نیست کہ این رواجہای جاہلیت ہست وکارہای شرک وبدعت ہست وعملی کنندہ این کارہارا مبتدع وفاسق گویند درکافر گفتن احتیاط کردہ شود ونماز درپس انہا نخوانید وسلام ومصافحہ را بہمراہ چنین بدعتیہا ترک کنید وروابط تان را بہمراہ انہا قطع کنید واگر غرض حلال کنندہ بزد در زیراین نشانہا نزدیک شدن بہ صاحب این بیرقہا باشد ترس کفر ہست واین ذبیحہ حرام ہست. فقط

امام ساختن اختیار کنندہ حیثیت مالکانہ ناجائز بالای ملکیت مسجد چگونہ ہست:

سوال: (۱۰۱۳) دو دکان وابستہ بہ یک مسجد ہست امام بالای انہا تصرف مالکانہ میخواہد ومسلمانان (یعنی مقتدیہا) میخوانند کہ کرایہ دکانہا درترمیم وکارہای ضروری مسجدمانند فرش وغیرہ خرج شود وامام صاحب بہ این کار درہیج صورت راضی نمیشود اگر امام بہ شلہ گی (اصرار) خود قائم بماند وی را درامامت قائم بمانیم ویا امام دیگر منتخب کنیم؟

جواب: بدون شک مصرف کردن کرایہ دوکانہا درترمیم وضروریات مسجد لازم است وضرورت رضائیت وا جازہ امام مذکور نیست واگر امام مذکور بہ قول وفعل خود اصرار میورزد از امامت دور کردہ شود وامام صالح دیگر مقرر کردہ شود (۱) فقط.

امامت گیرندہ پول بالای توی (عروسی) دختر خود جائز ہست یا نہ: سوال: (۱۰۱۴)

شخصی درعروسی (توی) دختر خود از پدر ومادر بچہ دوصد روپیہ گرفت اگرچنین شخص امامت میکند جائز است یا نہ؟ حالاتو بہ میکند مگر روپیہ ہارا بس نمیدہد بدون دادن روپیہ تنہا

(۱) وبکہ امامتہ عبد وفاسق (درمختار) بل منی فی شرح المیئۃ کراہۃ تقدیمہ کراہۃ تحریم (رد المحتار باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۲۳ .

به توبه کردن وی لائق امامت شده میتواند یانه؟

جواب: در درمختار گرفتن چیزی پول از پدر و مادر شوهر و یا از خود دا ماد برای پدر و مادر عروس را رشوت و حرام نوشته (۱) اند پس مسترد کردن این روپیه واجب هست و توبه همین هست که پیسه را مسترد کند و اگر پیسه را مسترد نکرد فاسق باقی خواهد بود و امامت فاسق مکروه هست و فاسق لائق امامت ساختن نیست اگرچه در پس وی و در پس معاونین وی نماز میشود لقله (۲) (صلوا خلف کل بر وفاجر) الحدیث مکروه میشود کذا فی الدر المختار والشامی (۳) فقط.

کسیکه دعوت کننده رسمها و رواجها را میخورد حکم امامت وی چیست: سوال:

(۱۰۱۵) زید که عالم سند یافته هست و در جای ما امام مسجد جامع نیز هست در چنان محفل عروسی اشتراک کرد که در آن اتش بازی و ارمونیه انگریزی و غیره ممنوعات شرعیه بود و نان و غیره را خورد شریعت مبارک در نماز خواندن در پس چنین شخص چه حکم میکند و توبه کردن بالا وی ضرور هست یانه؟

جواب: درین باره در درمختار این تفصیل را کرده اند اگر قبل و رفتن و شریک شدن در چنین عروسی و ولیمه خبر نداشت که در آنجا چنین کارهای ناروا هست اگر وی شخص مقتدا بود برای وی در آن جاماندن و شریک شدن مناسب نیست و اگر مقتدانه بود در دل بد بشمارد و نار و غیره را بخورد و اگر پیش از رفتن برایش بابت شود هرگز شریک نشود (۴) پس در صورت مسنون بالای امام مذکور توبه کردن لازم است بعد از توبه کردن نماز در پس وی بدون کراهت صحیح است جاء فی الحدیث: (التائب من الذنب کمن لا ذنب له الخ) فقط.

امامت استعمال کننده افیون به طور علاج: سوال: (۱۰۱۶) عمر به سبب کوتاه نفسی

افیون میخورد بهمین سبب گاهی در نماز تکان میخورد وی قابل امامت هست یانه و نماز در پس

(۱) ومن السحت ما یاخذ الصهر من الختن سبب بنه بطیب نفسه حتی لوکان بطلبه یرجع الختن به مجتبی: زاد المحتار حظر و اباحت ص

۱۷۴ ج ۵، ط.س. ج ۶ ص ۴۲۴، ظفر

(۲) ویکره امامه عبد و فاسق (درمختار) بل مشی فی شرح المصیة کراهة لقله نقدیه کراهة تحریم (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳.

ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰، ظفر

(۳) ولودعی الی دعوة فالواجب ان یحبه الخ اذا لم یکن هناك معصية ولا بدعة الخ و الامتناع اسلم فی زمانه، ان اذا علم یقینا یانه لیس یحبها بدعة ولا معصية الخ لا یجب لاخوة الفاسق المعلن (عالمگیری کتاب الکراهية الباب الثانی عشر ص ۳۰۵ ح ۵، ط.م ج ۱ ص ۳۴۳، ظفر

وی میشود یانه؟

جواب: نماز که درپس وی میشود به شرطیکه کدام کار ناقض نماز از وی سرزنزیدن لاکن اگر کدام شخص دیگر اولی بالامامة موجود باشد ام ساختن همین شخص دیگر مناسب است فقط.

دروقت شدن شهوت امام شدن چطور هست: سوال: (۱۰۱۷) من مجرد هستم دربرخی روزها زور شهوت میباشد ودرنماز نیز خیالات میآیند وقطره های مذی ازمین میچکد درچنین حالت خواندن نماز وامام شدن جائز هست یانه؟ وچون توقع به نکاح شدنم درکدام جانبست بهمین سبب اراده دارم که چنان دوا بخورم که بواسطه آن ماده شهوت خاتمه یابد این جائز هست یا نه؟

جواب: درحدیث شریف این مضمون آمده که کدام شخص سامان وطاقیت نکاح را دارد وی نکاح کند وکسیکه اسباب نکاح را ندارد وبیکدام جانکاحش نمیشود وی روزه بگیرد زیرا روزه گرفتن برای وی وجاء یعنی بند کننده شهوت (۱) است وآنحضرت (ﷺ) از نامرد شدن منع فرموده اند وآنرا حرام گفته اند چنین ازاده کردن هرگز مناست (۲) نیست اگر شمابه این حدیث عمل کنید امید است که الله تعالی ازغیب وسائل نکاح را نیز وافر سازد میدهد یزدان مراد متقی قال الله تعالی: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. (الایة (۳).

ترجمه: وکسیکه از الله ترسد الله برایش کشایش میفرماید و نماز درحالت چکیدن قطره مذی نمیشود،

امام ساختن چنین شخص مناسب نیست (۴) البته وقتیکه به گرفتن روزه شهوت کم شود ومذی نماید درآن وقت امام شود فقط.

(۱) مشکوٰۃ باب التوبة والاستغفار فصل ثالث . ظهیر

(۲) عن عبدالله بن مسعود قال : قال رسول الله ﷺ : يا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج لانه اغض للبصر واحصن للفرج ومن لم يستطع فعليه بالصوم لانه له وجاء . متفق عليه (مشکوٰۃ کتاب النکاح فصل اول ص ۲۶۷). ظهیر

(۳) عن ابي هريرة ؓ قال قلت يا رسول الله اني رجل شاب وانا اخاف على نفسي الفت ولا اجد ما اتزوج به النساء كانه يستاذن لي الاخصاء قال: فسكت عني ثم قلت مثل ذلك فسكت عني ثم قلت مثل ذلك فقال لبي ﷺ : يا ابا هريرة جف القلم بما أنت لاق فاخص علي ذلك أو ذر . رواه البخاري (مشکوٰۃ باب الايمان بالقدر ص ۲۰). ظهیر

(۴) يابر اصفن مذی وضوء دفعه دوم برای نماز فرض هست وهرگاه وضوء بالی نمازت نماز چطور جائز خواهد بود؟ لا عند مذی (ای لا بفرض العسل عند خروج مذی) او ودی بل الوضوء مه ای بل یجب الوضوء مه (زنگوری ودالمحاضر مبحث غسل ص ۱۵۳ ح ۱. ط.س. ج ۱ ص ۱۶۵) داودس دنوافضر به سلسله کی صراحت دی: المعانی النافضة للوضوء کل ما یخرج من السیلین الخ (هدایه فصل نوافض وضوء ص ۳۳ ح ۱). ظهیر

امامت کسیکے از بجلک ها ازار راپائین میدارد: سوال: (۱۰۱۸) اگر ازار امام از بجلک هاپائین باشد نماز وی چگونہ است؟

جواب: اگر قصداً پائین میدارد نماز درپس وی مکروه هست (۱) فقط.

امامت خورنده جھینگار چطور هست: سوال: (۱۰۱۹) اینجا یک شخص امام است واستاد من هم هست وی جھن گامی خورد (جھنگ یک قسم کرم دریایی است که مردم آنرا ماهی میندارند وهندوها آنرا میخورند) (مترجم بحوالہ نسیم اللغات صفحہ ۳۶۳) اگر دیوارہ آن بهمراش بحث میکنیم بسبب استاد بودن شرمم میآید نارضائیت وی را نمیخواهم دریاس این شخص نماز میشود یانه؟

جواب: واضح باد کہ در مسئلہ دین از کسی شرم کردن مناسب نیست وفکر نارضائیت وخفہ شدن وی مناسب نیست وکسیکے مرتکب کار حرام است فاسق هست نماز درپس وی مکروه تحریمی هست باقیماند اینکه شما در سوال این را واضح نکردید کہ مقصد شما از جھنگاماهی است ویاجھنگا نیکہ درخانہ ها میباشد آنکہ درحشرات الارض وخبائث هست خوردن آن خوحرام هست (۲) وکدام جھنگا دریایی هست کدامی را کہ ماهی جھنگا میگویند اگر آن از اقسام ماهی باشد باز درست (۳) است واگر از اقسام ماهی نباشد باز حرام است تحقیق کردن این سخن ضرور هست فقط.

امامت جوان مسلمان جدیدکہ ختنہ نشده باشد چطور است: سوال: (۱۰۲۰) کدام شخصیکہ در عمر جوانی اسلام آورده باشد ومسلمان شده باشد ختنہ (یعنی سنت) کردن برای وی لازم است یانه وپیش از ختنہ کردن نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: ختنہ کردن مسلم جدید موافق سنت نبویہ علی صاحبها الصلاۃ والتحیۃ لازم هست زیرا ختنہ کردن از شعائر اسلام هست وھرگاہ خودش ختنہ کرده نمیتواند بہ سبب ضرورت ختنہ

(۱) قال رسول الله ﷺ ما اسفل من الکمین من الازار لی النار رواه البخاری (مشکوٰۃ کتاب اللباس ص ۳۷۳) کله چی داناجاز سو نوجی شوک ددی مرتکب سی هغه فاسق سو ار فاسق امامت مکرده دی. ویکره امامة عبد الخ وفاسق (درمختار باب الامامة . ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظہیر

(۲) ولا یحل ذوات الخ ولا الحشرات هی صغار ذواب الارض والبر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الذبائح ص ۲۲۵ ج ۵ . ط.س. ج ۶ ص ۳۰۴. ظہیر

(۳) وهل الجراد الخ وانواع السمک بلا ذکاة (ایضاً ص ۲۲۸ ج ۵ . ط.س. ج ۶ ص ۳۰۷) ظہیر

کردن بواسطه ختان درست هست و به سبب ضرورت دیدن ختان به جای ختنه درست هست: کما فی الدر المختار کتاب الحظر والاباحه ينظر الطيب الى موضع مرضها بقدر الضرورة اذا لضرورات تقدر بقدرها وكذا نظر قابلة وختان الخ قوله وختان كذا حزم في الهداية والحانية وغيرهما (١) الخ شامی و تارقی ختنه کردن نیز در پس وی نماز صحیح هست فقط.

امامت کسیکه بایند نماز و روزه نباشد وظلم میکند درست هست یا نه: سوال: (۱۰۲۱)

شخصیکه قطعاً بایند نماز و روزه نباشد بسیار دروغ میگوید و عادت ظلم و تجاوز را دارد زانی باشد و بزرگان دین را بد میگوید به همراه همه این کارهای بد خود را اولی و انمود میکند نماز خواندن در پس وی جائز هست یا نه؟

جواب: ارشاد حق تعالی هست: اِنْ اَوْلَیَّوْهُ اِلَّا الْمُتَّقُونَ (٢) و فرموده اند اَلَا اِنَّ اَوْلَیَّاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۶۲) اَلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا یَتَّقُوْنَ (٣) ازین آیت ها

معلوم میشود که ولی الله آن شخص هست که متقی باشد شخص بد عملی ولی نیست و دعوی وی دروغ هست کدام شخصیکه نافرمان حق باشد وی دشمن الله هست و مرید شدن وی درست نیست و امام ساختن وی مکروه هست (٤) فقط.

امامت تجلیل کننده (دها) و شیر پرست: سوال: (۱۰۲۲) امامت شیر پرست و اداء کننده

رواجها چگونه هست علاوه از آن وی در قرائت نیز اکثر غلطی میکند؟

جواب: قال فی الدر المختار: ویکره تنزیها امامة عبد الخ و اعرابی و فاسق الخ و مبتدع ای صاحب بدعة لایکفر بها الخ و ان کفر بها فلا یصح الاقتداء به اصلاً الخ و فی الشامی: و اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقدیمه بانه لایهتم لامردینه و لان فی تقدیمه للامامة تعظیمه و قد وجب علیهم اهانتہ شرعاً و لایخفی انه اذا کان اعلم من غیره لا تزول العلة فانه لایؤمن ان یصلی بهم بغیر طهارة فهو کالمبتدع تکره امامته بکلی حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا الخ صفحه ۳۷۶ شامی (٥) ..

(۱) ردالمحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی النظر والنس من ۳۲۵ - ۳۲۶ ج ۵ ، ط.س. ج ۶ ص ۳۷۰ . ظفر

(۲) سورة الانفال رکوع ۴ . ظفر

(۳) سورة یونس رکوع ۷ . ظفر

(۴) ویکره امامة عبد الخ و فاسق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ج ۵۲۳ ح ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) . ظفر

(۵) رد المحتار باب الامامة ج ۵۲۳ ح ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ . ظفر

جلداول ازین عبارت واضح شد که نماز درپس فاسق و مبتدع مکروه تحریمی هست ووی لائق امام ساختن نیست و مرد ذکرشده مبتدع هم هست و فاسق هم است و علاوه از آن قرآن شریف رانیز غلط میخواند لہذاوی به هیچصورت لائق امام ساختن نیست فقط.

دراز کردن رکوع و سجده چطور هست: سوال: (۱۹۲۳) پیش امام صاحب وقتی برای نماز صبح رامیدهد در رکوع و سجده آنقدر دیر میکند که مقتدیا پنجاه ثلث (۵۰ یا ۶۰) دفعه تسبیح میگویند وقتی به وی شکایت دیر کردن شود وی میگوید که این قدر دیر کردن در نماز باعث بسیار اجر و ثواب هست در میان ما اکثر مردم دنیا دار و صاحب گار و بار هستند و بعضی مریتها وضعیف اند درین صورت چه حکم هست؟

جواب: در در مختار هست: ویکره تحریمات تطویل الصلاة علی القوم زائد اعلی قدر السنة فی قراءة و اذا کار رضی القوم اولاً لا یتلاق الامر بالتخفیف و هو مافی الصحیحین اذا صلی احدکم للناس فلیخفف فان فیهم الضعیف و السقیم و الکبیر و اذا صلی لنفسه فلیطول ماشاء (۱) الخ شامی. ازین ثابت شد که این اندازه دراز کردن رکوع و سجده مکروه تحریمی است و این کاروی ناجائز هست و این دلیل نادانی وی هست چنین شخص امام ساخته نشود زیرا دریک حدیث چنین شخص را فتان فرموده اند (یعنی فتنه افکن) پس بالای امام مراعات مقتدیا ضرور است و در قرائت و رکوع و سجده تخفیف لازم هست فقط.

در امامت لنگ که کدام خرابی نیست: سوال: (۱۵۲۴) یک عالم باعمل به (با) لنگ هست امارت و آمد کرده میتواند به این خاطر که امام یک مسجد هست مردم میگویند که نماز درپس وی درست نیست درین صورت چه حکم هست؟

جواب: نماز درپس لنگ میشود لکن اگر امام دیگر تعین شود بهتر است. کما فی الشامی و گذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالافتداء بغیره اولی الخ (۲) فقط.

امامت پیروی کننده تنها یک امام جائز هست یانه: سوال: (۱۰۲۵) مرد میکه تنها تابع یک امام هستند و از متابعت سه امام باقیمانده انکار میکند نماز درپس وی جائز هست یانه؟

جواب: مقلدین تنها از یک امام پیروی میکنند و بالای انها تقلید کردن تنها یک امام لازم هست

(۱) رد المحتار باب الإمامة جلد اول ص ۵۲۷، ط س ح ۱ ص ۵۶۴. طبر

(۲) رد المحتار باب الإمامة جلد اول ص ۵۲۵، ح ۱، ط س ح ۱ ص ۵۶۲. طبر

مثلاً مرد میکه مقلد امام ابوحنیفه سابق الائمه رحمهم الله هستند آنها تنها متابعت امام ابوحنیفه را خواهند کرد و پیروی امام شافعی و غیره رحمهم الله را نخواهند کرد (۱) فقط.

امامت بسته گنبد نكاح غير مطلقه: سوال: (۱۰۲۶) یک زن از خانه همسر خود بیرون شد و قادیان زمانی به همراه شخص بیگانه روابط ناجائز داشت باز زید مردوزن همراه عمر روابط ناروا برقرار کرد و حامله شد عمر خواست به همراه زن نکاح کند و مولوی صاحب از شوهر زن طالب طلاق شد چون وی طلاق نداد بدون طلاق نکاح زن رابسته کرد بالای مولوی نکاح خوان و شریکان وی چه حکم هست؟ اقتداء چنین مولوی درست هست یا نه؟

جواب: بدون طلاق دادن شوهر اول نکاح این زن نکاح به همراه عمر ناجائز و باطل هست و مردیکه فتوا دهنده گان جواز هستند و معاونین این نکاح هستند آنها فاسق و عاصیان هستند توبه کنند و اعلان کنند که این نکاح نشده و جدائی بیاورند بدون توبه چنین مولوی لائق اقتداء نیست (۲) فقط در قرآن کریم در کدام جا که ذکر محرمات هست: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ الْأَيَّةُ دَر آنجا زنان عروسی شده رانیز شمار کرده اند. وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ظفیر.

امامت قرآن خوانهای مختلف یکی برای دیگر: سوال: (۱۰۲۷) مردم بی سواد ولایت بهار بجای ذال، راء، ضاد، جیم، میگویند یعنی ذاکر راجا کر وزور را جور و ضمد را جماد و ظاهر را جاهر میگویند و همجنان بجای ثاء، شین، صاد، بمین، و بجای خاء، کاء و بجای عین الف و بجای غین، گاف میگویند و در نماز الفاظ قرآن شریف رانیز همین گونه اداء میکنند و عوام با سواد ذال، ضاد، طاء، رابه زاء ادا میکنند، و ثاء و صاد رابه سین و عین را به الف به مثلیکه اردو گفته میشود و به همین قسم در نماز قرآن شریف رانیز میخوانند و فتحه و ضمه و کسره را انقدر کش میکنند که به الف و یاواو نزدیک شود پس نماز مردم با سواد در پس مردم بی سواد درست خواهد بود یا نه؟ علی هذا مرد میکه از تجوید خبر دارند حروف رازمخارج و اعراب رابه گونه صحیح ادا میکنند نماز آنها در پس دو قسم فوق درست خواهد بود یا نه؟ در جائیکه امام قسم دوم باشد و از مسائل نماز روزه خبر داشته باشد و در پس قسم سوم به سبب اختلاف مذهب به همان گونه که در میان اهل

(۱) وان الحكم المطلق باطل بالاجماع (در مختار) والتلفيق باطل لفصلته منتبهة اهـ (رد المحتار مقدمه مطلب فی حکم التقليد الخ ص ... ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۷۴). ظفیر

(۲) و بکبره امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) اما الفاسق للذ عللوا کراهة لتلذیبه الخ بل مشی فی شرح المنية علی ان کراهة لتلذیبه کراهة حرم (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظفیر

حدیث وغیرمقلدین اختلاف هست یا نماز خواندن اہل بدعت وعدم بدعت راجائز نمیشمارد پس جمع وجماعت شخص سوم درپس این امام جائز هست یا نه و کدام شخصیکہ حروف را از مخارج اداء نمیکند برای وی در مقابلہ بہ کسیکہ این حروف را ادا کرده میتواند این را گفته میتوا نیم یا نہ؟ کہ قرآن راصحیح نمیخواند؟

جواب: دردر مختارہست: ولا غیر الالغ علی الاصح کما فی البحر عن المجتبی وحرر الحلبی وابن الشحنہ انہ بعد بذل جہدہ دائماً حتماً کالامی لا یؤزم الامثلہ ولا تنصح صلاتہ اذا امکنہ الاقتداء بمن یحسنہ او ترک جہدہ او وجد قدر الفرض مما لا لئغ فیہ هذا هو الصصح المختار فی حکم الالغ وکذا من لا یقدر علی التلفظ بحرف من الحروف ولا یقدر علی اخراج الفاء الابتکار (۱) الخ قال فی الشامی فی شرح قوله وکذا من لا یقدر الخ وذلک کالرحمن الرحیم والشیطان الرحیم والامین وایاک نابدوا وایاک نستین السرات انامت فکل ذلک حکمہ مامر من بذل الجہد دائماً والا فلاتصح الصلاة (۲) بہ الخ شامی و فیہ قوله فلا یؤزم الامثلہ یحتمل ان یراد المثلیۃ فی مطلق اللغ فیصح اقتداء من یدل الرء المہملۃ غیباً وهذا هو الظاهر کاختلاف العذر فلیراجع (۳) وفی الدر المختار ایضاً ولا حافظ ایه من القرآن بغیر حافظ لها وهو لا می ولا امی باخرس الخ قوله بغیر حافظ شمل من یحفظها او اکثر منها لکن بلحن مفسد للمغنی لما فی البحر الامی عندنا من لا یحسن القراءة المفروضة الخ قوله ولا امی باخرس اما اقتداء اخرس باخرس او امی بامی (۴) فصصح پس ازیں تحقیقات روشن شد کہ غلط خوانندہ ہای قسم اول ودوم امیان ہستند ونماز امی درپس امی صحیح ہست لاکن کدام تحقیقی را کہ شامی در (فلا یؤزم الامثلہ) نقل کردہ درآن این را اشکار کردہ کہ نماز یک قسم درپس قسم دیگر صحیح نمیشاد واما اطلاق صحت نماز امی درپس مقتضی صحت است کدام مردم کہ قرآن شریف راصحیح ہمراہ قاعدہ عمومی تجوید میخوانند آشکار ہست کہ نمازها انها درپس دو قسم اول صحیح نخواہد بود ودر مراتب ادا کردن حروف از مخارج مجود درجہ اعلیٰ ہست بخاطر یکہ ہر حرف را از مخارج خود بیرون میکند ومردمان دیگر اگر چہ قرآن شریف را صحیح میخوانند لاکن ازیں درجہ قاصر اند وصحیح

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۴۴ . ط.س. ج ۱ ص ۵۸۱ - ۵۸۲ . ظفر

(۲) رد المحتار باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۴۵ . ط.س. ج ۱ ص ۵۸۲ . ظفر

(۳) رد المحتار باب الامامۃ مطلب فی الالغ ج ۱ ص ۵۴۴ - ۵۴۵ . ط.س. ج ۱ ص ۵۸۲ . ظفر

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامۃ ج ۱ ص ۵۴۲ . ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹ . ظفر

خواننده گان این درجه کم را گفته نمیتوانیم که آنها قرآن شریف را غلط میخوانند البته صاحب تجوید برایش جید نگوید و نه این را گفته میتوانیم که این مردم خواننده گان درست مانندان تغیر دهنده گان حروف اند کسان یکہ ظاء وضاد وازاء یا ذال میگویند وطاء راء میگویند کمال تجوید کہ همانا اداء کردن حروف بصورت کامل از مخارج آنست از محسنات هست (یعنی کارهای بهتر هست) فقط.

امامت گوینده آمین بالجهر: سوال: (۱۰۲۸) نماز حنیفها در پس گوینده گان آمین بالجهر

درست هست یانه؟

جواب: درینجا تفصیل هست عموماً گفته نمیتوانیم کہ صحیح نیست و نه اینکه صحیح است خلاصه اینکه حتی الواسع غیر مقلدین امام کرده نشوند زیرا کہ به سبب فساد بعض عقائد غیر مقلدین احتمال فساد نماز هست و اگر اتفاقاً در پس آنها نماز خواند به حکم صلیوا خلف کل بر و فاجر الحدیث نماز شد فقط.

امامت صاحب رفع الیدین: سوال: (۱۰۲۹) اگر حنفی در پس آن امام نماز خواند کہ آمین

بالجهر میگوید و رفع الیدین میکند نمازش صحیح شد یانه؟

جواب: نماز شد بشرطیکہ کدام کار شکننده نماز از وی اشکار نشده باشد (۱) فقط.

امامت بالجهر درست هست یانه: سوال: (۱۰۳۰) مسلمانهای حنفی از امام پسران کردند

کہ ایا ماحنیفها نیز آمین بالجهر گفته میتوانیم یانه؟ امام صاحب فرموده کہ آری گفته میتوانید ایا ما گفته میتوانیم؟

جواب: این امام درست نیست بلکه آهسته گفتن آمین ضرور هست چنانچه از آیت: ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً. (۲)

واز حدیث اخفاء آمین ثابت (۱) هست و تاویل آمین بالجهر کرده شده کہ یابہ غرض تعلیم است کمائیت عنه عليه السلام الجهر بالقراءة فی بعض الصلوات التي یقرأ فیها سرّاً و یا محمول هست بر ابتداء فقط.

(۱) و بکرمه سید عبد الح و مخالف کشاف می لکن فی وتر البحر ان یتقی المراعاة لم یکره او عدها لم یصح وان شک کره (المراعات علی مامش و الدامحان باب الامامة مطلب فی الاقتداء بشافعی ونحوه ص ۵۲۶ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۳). طبر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۷ طبر

امام ساختن امامیکہ از تبلیغ حتی ممانعت میکند چطور است: سوال: (۱۰۳۱) یک واعظ به موجب قرآن وحديث وعظ میکند شخصی دیگر به امام مسجد میگوید که چنین واعظ نکن زیرا توهمه مسائل را شکار میگوئی به این کار برای ما هیچ چیز حاصل نمیشود چیزی حقوق ملاما را منع میکند واعظ را از مردمان دیگر منع میکند مسائل بهشتی زیور را قبول ندارد درپس چنین شخصی نماز خواندن جائز هست یا نه؟

جواب: بالای وعظ کننده بیان کردن مسائل شریعت وافق کتابهای فقه ضرور است به سبب بدرد گفتن و شنودن و گفتن کسی بندشدن از بیان مسائل حقه ضروریه مفتی بها روانیست و کدام شخصیکه به خاطر غرض دنیاوی واعظ حقانی مسائل حقه ضروریه مفتی بههارا از بیان کردن بند میکند درخطا هست عاصی است امام ساختن وی مکروه است و نماز درپس وی مکروه میشود چنین امام مخالف شریعت قابل دور کردن (۱) هست و کتاب بهشتی زیور تزییف شده عالم معتبر هست مسائل وی که مفتی بها هست درمعتبر بودن آن هیچ شک نیست و هیچ عالم حقانی به صورت عموم درمسائل وی اعتراض کرده نمیتواند باقی کدام مسئله که در آن سهواً خلاف راجح یا غیر مفتی بها نوشته شده است تصحیح انرا خود مولف علام مشغول هست میکند فقط.

امامت ظالم: سوال: (۱۰۳۲) زید و عمر ازیک فامیل اند درمیان هردو دشمنی دنیوی زیاد شده هست عمر ناتوان هست و زید پره و جنبه دارد به این خاطر چیزی که میخواهد میکند یک روز در مسجد عمر نماز میخواند و زید به همراهی رفقاء خود دروازه را محاصره کرد وقتی سه عمر فارغ شد و به فرش آمد زید به دشنام گفتن به عمر شروع کرد عمر ازد یوار خیز کرد و گریخت (فرار) زید درپس وی رقیقها (اندیوال) خود را دواند و او را گرفت و کوب شروع شد زید ریش عمر را کند از همان روز عمر از ترس به این مسجد به نماز نمیروید و درخانه نماز میخواند و یکا کدام وقت به کدام مسجد دیگر میروید و نماز بخواند نماز عمر درپس زید درست هست یا نه؟ و امامت زید چگونه هست؟

جواب: ظلم و ستم زید آشکار هست به این سبب وی فاسق هست لائق امام ساختن نیست بهمراه

(۱) عن وال بن حجر رحمہ اللہ قال قال علی بن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم لما فرأ غیر المظبوط علیہم ولا الضالین قال لأمین واعظی بها صولہ رواہ احمد. (آثار السنن، باب ترک الجہر بالثمین جلد اول ص ۹۶). ظہیر

(۲) ویکرہ امامہ عبد الخ و لاسق (فرمخبر) بل مشی فی شرح المعنی ان کراہۃ تقدیمہ ای الفاسق کراہۃ تحریم (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظہیر

ہمہ این کارها نماز عمر درپس زید صحیح هست لکن درپس امام فاسق نماز همه مقتدیها مکروه میشود و نماز عمر نیز مکروه خواهد^(۱) بود برای عمر بغاظر ہمین ترس نہ آمدن بہ مسجد و ترک نمودن جماعت این مسجد درست هست لکن حتی الوسع شریک شدن در جماعت مسجد دیگر ضرور هست و این عذر ترک کردن مطلق جماعتیہ شدہ نمیتواند البتہ اگر در بیرون رفتن نیز ترس زدن و دشنام خوردن وغیرہ باشد و اندیشہ فساد باشد برای عمر نماز خواندن درخانہ درست هست فقط.

درموجو دیت خوانندہ صحیح امامت خوانندہ غلط: سوال: (۱۰۳۳) امام یک مسجد قرآن شریف را غلط میخواند نماز درپس وی درست هست یا نہ؟ و حافظ دیگر موجود هست امامت امام غلط خوان درست هست یا قاری؟ امام غلط خوان بواسطہ آلم تر کُفّ: تراویح میدہد و حافظ درہمین مسجد درجای دیگر خواندن قرآن شریف را شروع کرد دریک وقت کدام یک از ہر دو جماعت صحیح شد کدام شخصیکہ در تراویح از شنیدن قرآن انکار میکند چطور است؟

جواب: برای امامت مطابق تفسیر فقہاء بہتر اعلم واقراء وغیرہ^(۲) هست و کدام شخصیکہ در نماز چنان غلطی کند کہ شکنندہ نماز باشد نماز صحیح نخواہد بود و اگر آن غلطی ناقص نماز نباشد نماز صحیح است لکن این ضرور است کہ غلط خوان امام ساختہ نشود زیرا کہ ممکن هست از وی کدام غلطی شکنندہ نماز واقع شود^(۳) و تراویح دادن بہ الم ترکیف درست هست درپس مسجد بہ موجودیت جماعت اول جماعت دوم درست نیست^(۴) و تخفیف قرائت بہ خاطر مراعات مقتدیها مامور بہ است بناء علیہ اگر در میان مقتدیها قوت شنیدن ہمہ قرآن

(۱) ویکرہ امامتہ عبد الخ و فاسق (در مختار) اما الفاسق لقد علوا کراہتہ تقدیمہ الخ بل مشی فی شرح المنیۃ علی ان کراہتہ تقدیمہ کراہتہ تحریم (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰) ظہیر.

(۲) والا حق بالامامۃ تقدیمہ بل نصب الاعلم باحكام الصلوۃ فقط صحۃ و ساد الخ لم الاحسن تلاوة و تجویذا للقرآءۃ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۲ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۵۷) ظہیر.

(۳) ولا غیر الا لعل بہ ای بالبالغ علی الاصح الخ فلا یزوم الا ملہ ولا تصح صلاتہ اذا امکنہ الافتداء بمن یحسنہ (در مختار) ولی الظہیریۃ وامامۃ الا لعل لغيرہ تجوز و قبل لا الخ و ظاہرہ اعتماد ہم الصحۃ الخ یعنی لہ ان لا یزوم غیرہ (رد المحتار باب الامامۃ ص ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۸۱ - ۵۸۲) ظہیر.

(۴) ولو صلی التراويح مرتین فی مسجد واحد بکرہ کذا فی فتاویٰ لاضہان (عالمگیری مصری باب التراويح ص ۱۰۹ ج ۱ ط. م. ج ۱ ص ۱۱۶) ظہیر.

شریف نباشد تراویح را به الم ترکیف بکند و بالای خواننده گان تراویح به الم ترکیف طعن کرده نشود (۱) فقط.

امامت زنا کار که توبه کرده باشد: سوال: (۱۰۳۴) شخصی زن نکاح شده یک شخص دیگر را گریختاند و تا دو سال بدون نکاح نگاهش کرد باز شوهرش مرد بعد از عدت آن شخص این زن را نکاح کرد و توبه کرد امامت و اذان وی جائز هست یا نه؟ و بالای کسیکه این شبه باشد که وی زانی است و شاهدان بالایش نباشد امامت وی جائز هست یا نه؟

جواب: اگر این زن بعد از وفات شوهر عدت را پوره کرد یعنی چهار ماه و ده روز را و بعد از آن این شخص همراهش نکاح کرد و نکاح صحیح شد و این شخص به سبب گریختاندن زن شخص دیگر فاسق شد زنا ثابت باشد یا نه باشد فاسق شدن وی مسلم شد حالا اگر وی از صدق دل توبه کند و در آینده از چنین کارها منع شود و پشیمان شود امامتش صحیح هست؟ و نماز درپس وی بدون کراهت درست و اذان کردن وی جائز هست (۲) فقط.

بسیب شبه اعاده جماعت و شریک شدن در آن: سوال: (۱۰۳۵) در نماز به امام شبه پیدا شد که کدام فرض یا واجب ترک شد امام دوباره نماز داد کدام مقتدیها یکپس شامل شده اند نماز آنها شده است یا نه؟ و یا اینکه به امام محض شبه شود و فرض و واجب ترک نشده باشد و بسیب شبه نماز را شکستند کدام مقتدیها یکپس شامل شدند نماز آنها شد یا نه؟

جواب: اگر به سبب شبه نماز گشتانده شدن نماز شامل شده گان دیگر نشد بالای آنها بار دیگر خواندن نماز لازم (۳) است.

تاخیر نمودن در قومه رکعت دوم: سوال: (۱۰۳۶) امام حنفی در قومه رکعت دوم نماز صبح آنقدر تاخیر میکند که مقتدیهای شافعی تقریباً دعاء قنوتر اخلاص میکنند آیا این عمل جائز هست و باعث خرابی نماز مقتدیهای حنفی نخواهد شد اگر باشد نماز خواندن درپس چنین شخص را

(۱) و اختار بعضهم فی کل رکعة و بعضهم سورة الفیل ای الدعاة منها لم یهدوا و هذا احسن (رد المحتار مبحث التراویح ، ط.س. ج ۲ ص ۴۷). ظفر الدین

(۲) قال رسول الله ﷺ التائب من الذنب کمن لا ذنب له ، (مشکوٰۃ باب الاستغفار و التوبه ص ۲۰۹). ظفر

(۳) ولها واجبات لا یفسد بترکیها و تعاد وجوبا الخ و المختار انه جابر للاول لان القرض لا یتکرر (دومختار) قوله المختار انه ای الفعل الثاني جابر للاول بمنزلة الجبر بسجود السهو و بالاول یمخرج عن المهددة وان کان علی وجه الکراهة علی الاصح کذا فی شرح الاکمل علی اصول البردوی (رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۲۴۴ - ۲۴۶ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۵۶ - ۴۵۸ ، مطلب واجبات الصلوة). ظفر

ترک کند یا نه؟

جواب: برای امام مراعات مقتدی شافعی مستحب است تا وقتی که موافق مذهب خود ارتکاب کدام کار مکروه نشود و در صورت مذکوره برای امام در قومه آنقدر تاخیر کردن که آنقدر تاخیر سجده من القومه لازم شود که موجب سجده سهو شود درست نیست. لهذا چنین کار امام بسبب رعایت مقتدیها درست نیست نماز مقتدیهای حنفی صحیح هست البته در بعضی صورتها احتمال نقصان نماز هست لهذا بهتر این است که اگر امام این کار را ترک نکند حنفیها به وی اقتداء نکنند در درمختار هست که:

لاکن یندب للخروج من الخلاف لاسیما للامام لکن بشرط عدم لزوم ارتکاب مکروه مذهب (۱)
الخ فقط.

امامت بدعتی و متکبر: سوال: (۱۰۳۷) زید به سبب تکبر و حماقت خود را با کدامن وصفی درجه اول وعابد وزاهد میندازد و به میله ها میرود و شنیدن ساز را حلال میگوید و تان خانه سود خور را میخورد و این را نیز میگوید که برای من بذریعه خواب و یابہ مراقبه معلوم میشود که فلان شخص منافق هست خیرات سوم دهم و غیره را درست میگوید و گرفتن پوستهای قربانی را در حق امامت خود جائز میگوید و زکات سراسیه و غیره را میگیرد در حالیکه خودش صاحب نصاب هست امامت چنین شخص چطور است؟ و اگر کسی در پس او نماز نخواند گنهکار نخواهد بود؟
جواب: امامت چنین شخص مکروه هست زیرا که وی مبتدع و جاهل است نماز به همراه کراهیت میشود اگر در پس وی نماز نمیخوانید هیچ گناه نیست بلکه بهتر این هست که در پس وی نماز نخوانید (۲) فقط.

پابند بودن امام به شریعت لازم هست: سوال: (۱۰۳۸) صاحبان نیکه امت مسجد را میکنند آنها پابند شریعت باشند یا از رواج؟

جواب: برای آنها موافقت به شریعت لازم هست کدام رسم و رواجیکه خلاف شریعت باشد پابندی آن حرام هفتمست اگر امام پابندی رواج خلاف شریعت را میکند و شریعت را ترک میکند

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار نوافض الوجوه ص ۱۳۹ ج ۱ . ط.س. ج ۱ ص ۱۶۷ . ظفر

(۲) و بکرة امامة عبد الخ و لاس الخ و مبتدع (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱ . ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ -

وی لائق امامت نیست دور کردن وی ضرور است (۱) فقط.

امامت مستور الحال: سوال: (۱۰۳۹) زید که شخص مشبه الحال هست که درباره وی به هیچ کس معلومات نیست که وی در اصل باشند کدام جاهست وجه ذات وی هست؟ و چقدر علمش هست و مزاج کدام سلوک هست به همراه آن وقتی از خود وی پرسان شود مثلاً اینکه تو در کدام جات تحصیل کرده ای؟ در جواب آن وی مدرسه اسلامی

دیوبند را نام میگیرد لکن بواسطه تحقیقات این سخن غلط و دروغ وثابت شده پس اگر چنین شخص برای نماز جای عید و جمعه و غیره تعین شود آیا این جائز هست؟

جواب: اگر این شخص در ظاهر صالح و نماز گذار و از مسائل خبر باشد اگر چه در هر جات تعلیم کرده باشد نماز در پس وی درست هست و در حدیث شریف هست صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث یعنی در پس هر نیک و بد نماز بخوانید مطلب این هست که نماز در پس او همراه کراهیت میشود اگر چه اولی بالامات عالم پرهیزگار و غیره هست غرض اینکه در نماز خواندن در پس وی هیچ حرج نیست (۲) فقط.

اقتداء مسبوق درست نیست: سوال: (۱۰۴۰) یک شخص در رکعت دوم یا سوم جماعت شریک شد بعد از خلاص شدن جماعت همین مسبوق نماز باقیمانده را تکمیل میکرد که بسان مردم دیگر آمدند و در حالت لاعلمی در پس مسبوق نیت بسته کرد و این را گفت که تکبیر را بلند بگو ما هم به همراهت شریک شدیم به همین طریقه نماز را پوره کرد نماز آنها شد یا نه؟

جواب: اقتداء دیگران در پس وی صحیح نیست نماز مقتدیها نشد کما فی الدر المختار لایجوز الاقتداء به الخ المسبوق صفحه ۴۰۱ جلد اول (۳) فقط.

لنگی که استاد شده نمیتواند اقتداء وی چگونه هست: سوال: (۱۰۴۱) یک شخص لنگ هست استاد شده نمیتواند به نشسته نماز میخواند اگر وی امام شود نماز مقتدیها که از وی بهتر اند و استاده نماز میخواند خواهد شد یا نه؟

(۱) ویکره امامه عبد الخ و فاسق الخ و متدع (الدر المختار علی هامش رد المحتار: باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظهیر

(۲) الاحق بالامامة تقدیم بل نصاً الاعلم باحكام الصلوة لفظ صفة وفساداً بشرط اجتنابه للعراش الظاهرة وحفظه قدر فرض الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۳۰، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۷). ظهیر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق ص ۵۵۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹ ظهیر

جواب: نماز اسنادہ درپس نشته دوست هست (۱) لکن ازچنین لنگ امام دیگر بهتر است کسیکه لنگ (۲) نباشد.

وقتی درپهلوی صحیح خوان که غلط خوان بیاید و نماز را شروع کند چه هست: سوال:

(۱۰۴۲) کسیکه ناخوان کسیکه الفاظ قرآن شریف را بطور صحیح ادا کرده نمیتواند نماز فرض را ادا میکند اگر یک صحیح خوانند دیگر درهمین جا جدا زوی نماز را شروع کند نماز درپس هردو درست هست یا نه؟ کسیکه قرآنکریم را صحیح خوانده نمیتواند درپس وی نماز خواند صحیح میشود یا نه؟

جواب: حکم چنین شخصی مانند امی هست که وی امام صحیح خوان شده نمیتواند در موجودیت صحیح خوان نماز وی صحیح نمیشود وحرر الحلبي وابن الشحنة انه بعد بذل جهده دائماً حتماً کالامی فلا يوم الا مثله ولا تصح صلاته اذا امکنه الاقتداء بمن يحسنه الخ هذا هو الصحيح المختار فی حکم الالغ وكذا من لايقدر علی التلفظ بحرف من الحروف اولا يقدر علی اخراج الفاء الا بتكرار الخ درمختار (۳) فقط.

امامت تلقی کننده حق مسجد: سوال: (۱۰۴۳) شخصیکه امامت وخدمت دیگر میکند اماحق

تلقی مسجدرا میکند و خودش میخورد وی قابل امامت هست یا نه؟

جواب: کسیکه بدون استحقاق دست آورد مسجد را درمصرف خود میاورد وی فاسق هست امامت وی مکروه است (۴) فقط.

امامت بد قواره (بد شکل) چیست؟ روی وزکوة خور: سوال: (۱۰۴۴) یک شخص کورچه

کرد هست لست دوکانداران را نیز مینویسد زکوة میگیرد درنماز یکپا رابلند میدارد چیستکی روی و بد شکل هست مقتدیها در پس وی نماز نمیخواند درین صورت نماز در پس این شخص جائز است یا نه؟

جواب: در سخنان ذکر شده هیچ سخن چنان ذکر نشده که مطلقاً موجب عدم جواز امامت ویا

(۱) وصح الفداء معوضی لا عام معه بمجموع الخ ولفظ بقاعدیرکع ورسجد لانه ۱۰۴۲ آخر صلاته لافعا وهم لزام والذو المختار علی هاشم ودامختار باب الامامة ص ۵۵۱ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۸۸. ظفر

(۲) وكذا لک اعرج يقوم بعض قدمه فالالقاء بغير اولی (والمختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. ظفر

(۳) الذو المختار علی هاشم ودامختار باب الامامة مطلب فی الالغ ص ۵۴۴ - ۵۴۵ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۸۲. ظفر

(۴) ویکره امامة عبد الخ ولفظ والذو المختار علی هاشم ودامختار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰. ظفر

کراہت امامت باشد البتہ اگر باوجود صاحب نصاب بودن زکوٰۃ میگیرد این بد ہست اگر وی
 لنگی باشد کہ بالای بعض قدم استاد میشود امامت وی رامکروہ نوشتہ اند و اگر کدام کار دیگر
 فسق درین امام باشد ویای مبدع باشد امامت وی مکروہ (۱) ہست باقی نماز وی بہر صورت
 میشود لقولہ **بِسْمِ اللّٰہِ صَلَّوْا خَلْفَ کُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ الْحَدِیثُ الْخَفِیُّ**.

درپس بندی نماز میشود یا نہ: سوال: (۱۰۴۵) اگر کدام مسلمان حنفی اسیر (بندی) باشد
 درپس بند نماز جائز است یا نہ؟

جواب: نماز درپس اسیر حنفی درست ہست بندی شدن مانع از امامت نیست فقط.

درپس نابینائی شامدی دہندہ بہ دروغ نماز میشود یا نہ: سوال: (۱۰۴۶) یک نابینا بخاطر
 جمع دنیا بہ دروغ شامدی میدہد و بین طہارت و نجاست فرق نمیکنند نماز خواندن درپس چنین
 نابینا جائز است یا نہ؟

جواب: ہر گاہ این نابینا محطاط نباشد و بسبب مرتکب شدن کبائر فاسق شد امامت وی مکروہ
 است (۲) فقط.

خواندن نماز درپس اولاد ولد الزنا درست ہست یا نہ: سوال: (۱۰۴۷) شخص حرامی بود
 نکاح وی مطابق فرمان قرآن و حدیث صورت گرفت و از نطفہ وی کہ کدام اولاد شد درپس آنها
 نماز درست باشد یا نہ؟

جواب: اگر اولاد وی صالح و عالم باشد نماز درپس آنها بدون کراہت درست ہست بلکہ
 افضل و بہتر ہست و درپس خود والد الحرام نیز بدون کراہت درست ہست بشرطیکہ خودش
 صالح باشد: قَالَ اللّٰہُ تَعَالٰی: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰی لَّمْ یَلِیْ رِبْکُمْ. (الایۃ (۳) فقط.

اقتداء عینین جائز ہست یا نہ: سوال: (۱۰۴۸) نماز غیر عینین درپس عینین (یعنی نامرد)
 درست ہست یا نہ؟

جواب: نماز غیر عینین درپس عینین درست ہست زیرا فقہاء در کدام جا امامت عینین را ناجائز
 و مکروہ ننوشتہ اند و امامت کدام مردمی را کہ ناجائز و مکروہ نوشتہ اند عینین را در انہالہ شمرده

(۱) ویکوہ امامہ عبد الخ و فاسق الخ و مبدع و درمختار و کذا لک اخرج بقوم بعض قومہ لالاقتداء بغیرہ اولی (رد المحتار باب الامامۃ ص
 ۵۲۵ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). ظفر

(۲) ویکوہ امامہ عبد الخ و فاسق الخ و مبدع و درمختار علی ہامش و رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱). ظفر

(۳) سورۃ بنی اسرائیل و کروج ۲. ظفر

اند بنیید درمختار وهدایه وغیره را فقط.

امامت شاگرد دیکه مخالفت استاذ خود را میکند درست است یانه: سوال: (۱۰۴۹) زید

امام یک مسجد هست ویک آغالا لا (شوهر خواهرش) هست که زید ازوی دوچهار سبق عربی خوانده درمیان زید و آغالا لایش درباره کارهای خانه گئی جنگ بمیان آمد آغا لایش میگوید که من استاد تویم تومقابله من را کردی نماز درپس توجائز نیست زیرا که هرگاه درمیان استاد و شاگرد مخالفت باشد درپس شاگرد نماز نمیشود این صحیح است یانه؟

جواب: این سخن غلط هست که اگر درمیان استاد و شاگرد اختلاف باشد درپس شاگرد نماز جائز نباشد البته بدون سبب مخالفت و عداوت و توهین کردن معصیت هست و درشامی هست: وقال الزند و لیسى حق العالم على الجاهل و حق الاستاذ على التلميذ و احد على السوء الخ و حق الزوج على الزوجة اكثر من هذا (۱) الخ حاصل آن این هست که حق عالم بالای جاهل و حق استاد بالای شاگرد یکسان هست و حق شوهر بالای زنش ازین زیاد هست فقط.

نماز درپس قائل علم غیب و معتقد احمد رضا درست هست یانه: سوال: (۱۰۵۰) کدام

شخص که قائل علم غیب به غیرالله باشد و به احمد رضا عقیده دارد و یامرید وی باشد نماز درپس وی جائز هست یانه؟

جواب: این شخص مبتدع هست نماز درپس وی مکروه تحریمی هست کما فی الشامی (واما الفاسق فقد عللوا کراهة تقديمه بانه لا یهتم لامردیه و بانه فی تقديمه للامامة تعظیمه و قدوجب علیهم اهانتہ شرعاً و لا یخفی انه اذا کان اعلم من غره لا تنزل العلة الخ فهو کما المبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح النية على ان کراهة تقديمه کراهة تحریم لما ذکرنا (۲) الخ صفحه ۳۷۶ شامی جلد اول) لکن اگر درنخواندن نماز درپس وی اندیشه فتنه باشد و یا جماعت فوت میشد درپس وی نماز بخوانند چنانچه در درمختار هست: هذا ان وجد غیرهم والا فلا کراهة (بحر) و فی النهر عن المحيط صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة الخ و در شامی هست قوله نال فضل الجماعة ماد ان الصلاة خلفهما اولی (۳) من الانفراد الخ فقط.

(۱) رد المحتار مسائل شئی ص ۶۶۰ ج ۵ تحت قوله وهم اولو الامر علی الاصح . ط.س. ج ۶ ص ۷۵۶ . ظفر

(۲) رد المحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۳ . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . ظفر

(۳) رد المحتار باب الامامة جلد اول ص ۵۲۵ . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ . ظفر

عقیده متعلق به روح نبوت و امامت وی: سوال: (۱۰۵۱) امام یک مسجد میگوید که روح پرفروش فخر عالم (رحمۃ اللہ علیہ) در روضۃ انور ویا در مقام نزدیک به خداوند (جَلَّ جلالہٗ) هست لکن وی به خانه کدام مسلمان ویا در وقت ذکر میلاد مبارک حاضر نمیشود ودر رابطه به عموم مسلمانان نیز وی میگوید که ارواح انها در مقام علین درج و مقام آنها عالم برزخ هست و آنها به آمدن به خانه ها چه کار دارند؟ و در دلیل این آیت رابیش میکند: **اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ الَّتِي عَلِمَ وَطَلَبَ كَرْدَنَ** استمداد از قبور اولیاء را ناجائز میگوید و میگوید که اللہ تعالی میفرماید که اهل قبور توان شنیدن را ندارند و ما انت بمسمع من فی القبور و فقیه در جوابش گفته شود که یک شخص در خدمت حضرت عائشۃ (رض) عرض نمود که انحضرت (رحمۃ اللہ علیہا) سماع الموتی را فرموده امام صاحب این جواب میدهد که حضرت عائشہ (رض) به آن شخص فرمود که تو بالای رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وسلم) دروغ میگوئی و این حدیث از بخاری هست کدام امامیکه چنین عقیده داشته باشد نماز در پس وی جائزه هست یانه؟

جواب: عقیده امام مذکور درباره روح مبارک انحضرت (رحمۃ اللہ علیہ) و ارواح مومنین و استمداد از قبرها نیز درست نیست بدون شکل بی بی عائشہ از سماع الموتی انکار کرده است و تاویل ما انتم باسمع منهم رابه ما انتم باعلم منهم فرموده اند و از همین آیت ها **إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلُوا مَدِيرِينَ** استدلال فرموده اند و همین مذهب مشهور (۱) امام ابو حنیفہ (رحمۃ اللہ علیہ) هست غرض اینکه نماز در پس امام مذکور صحیح هست کدام کراهت و غیره در آن نیست فقط.

امامت ممانعت کننده به عقیده غلط: سوال: (۱۰۵۲) امام صاحب میگوید که کدام شخص که چنین عقیده دارد که من تنها به کردن محفل میلاد بخشیده خواهم شد و نماز و زکاة و غیره را اداء نخواهم کرد این عقیده باطل هست بلکه اللہ (جَلَّ جلالہٗ) ترک کننده فرائض را در دوزخ میندازد این سخن درست هست یانه؟ نماز در پس صاحب چنین عقیده درست هست؟

جواب: این قول امام مذکور صحیح است ترک نمودن فرائض نماز و زکاة و روزه و امید داشتن

(۱) قال ابن ہمام فی شرح الہدایۃ اعلم ان اکثر مشائخ الحنفیۃ علی ان الميت لا یسمع علی ما صرحوا به فی کتاب الایمان الخ مردود من عائشۃ (رض) قالت کیف یقول رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وسلم) ذلك والله تعالی یقول وما انت بمسمع من فی القبور انک لا تسمع الموتی الخ (مرقاۃ شرح مشکوٰۃ باب فی حکم الاساری ص ۲۴۶ ج ۲) . طبر

مغفرت و بخشش به منعقد ساختن مجلس میلاد خیال باقی و عقیده فاسد هست باقیماند بطور یقین گفتن که مغفرت وی نخواهد شد صحیح نیست چنانچه الله تعالی فرموده اند: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا** (۱) بدون کفر و شرک مغفرت هم گناه ها میشود اگر الله تعالی بخواند آری (بلی) قاعده این هست که تارک فرائض و مرتکب کبائره قدر گناه ها در دوزخ انداخته میشود و در آخرت نجات خواهد یافت لکن اگر الله کسی رامفت میبخشد بخشیده میتواند و خلاف و عید شده میتواند هکذا فی الکتاب المعتبرة فقط.

امامت لا مذهب: سوال: (۱۰۵۳) یک شخص به همراه ذکر شدن مذهب برایش (مجموعه مولود) تصنیف مولنا اشرف علی صاحب (رح) را نشان دادیم که آیت ها و احادیث در آن موجود هست شخص مذکور درباره کتاب ذکر شده چند دفعه این الفاظ را گفت من بالای این کتاب شاش میکنم اشکارا این الفاظ را گفت نماز در پس چنین شخص درست هست یانه؟ و این شخص گنہگار است یا کافر و کسیکه هندوها و مسلمانها را یکسان میندازد درباره وی چه حکم هست؟ **جواب:** این شخص فاسق و عاصی هست و لولا احتمال التأویل لحکم بکفره نماز در پس چنین لازم مذهب درست نیست و شخصی که هندوها و مسلمانها را یک برابر میندازد نیز گنہگار است و اگر کفر و اسلام را یکبرابر میندازد کافر هست غرض اینکه از صبحت چنین شخص خود داری ضرور هست (۲) فقط.

در پس قائل فاتیحه خلف الامام نماز میشود یانه: سوال: (۱۰۵۴) محمود عامل فاتحه خلف الامام هست و همیشه فاعل رفع الیدین و آمین بالجهر است آیا به عمل چنین شخص در نماز اهل جماعت کدام حرج میشود و یانه؟

(۱۰۵۴) (۲) هرگاه عامل فاتحه خلف الامام و رفع الیدین و آمین بالجهر خودش جماعت میدهد آیا در نماز اهل جماعت از نظر قرآن و حدیث کدام حرج میشود یانه؟

جواب: (۱) تنها به این عمل در نماز اهل جماعت هیچ حرج و ضرور نمیشود لکن چون درین

(۱) سورة النساء، رکوع ۷، ظہیر

(۲) وان انکر بعض معلم من الدین ضرورة کفر بها الخ للاصح الاقتداء به اصلا (الدر المختار علی هامش و الدالمختار باب الامامة ص ۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۱ - ۵۶۲). ظہیر

زمانه عاملین این کار اکثراً مرد مانی اند که مقلد امامان دین تیمم نیستند و تنها موافق خواهشات خود به معنای احادیث خود را میفهمانند و به آن عمل میکنند بهمین خاطر در اکثر احکام نمبر مخالفت میاید به این سبب حرج و ضرر (۱) میشود فقط.

جواب: (۲) امامت چنین شخصی فی نفسه جائز هست لکن بخاطر بعض دلائل خارجی برایش ناجائز گفته (۳) میشود فقط.

امام کردن غیر مقلد چطور هست؟ سوال: (۱۰۵۵) محمود در موجودیت حدیث نبوی عامل به مسائل اجتهادی نیست لکن در عدم موجودیت حدیث قائل مسائل اجتهادی است پس امامت چنین شخص جائز هست یا نه.

جواب: امامت چنین شخصی فی نفسه جائز هست مگر چون بعض افعال مردمیکه تقلید اله اربعه را نمیکند و بگمان خود خود آنها دعوا داران عمل کردن به حدیث اند چنان است که مفسد نماز میگردد مثلاً آنها وضوء رابه کلوخ خشک نمیکند و درین زمانه آمدن قطر عموماً یقینی شده است بهمین سبب از راهای این مردم اکثر ناپاک میباشند به این سبب از امامت آنها احتراز شود.

در صورت فاسق شدن امام جماعت جدا کرده شود یا نه: سوال: (۱۰۵۶) در کدام شهریکه تنه یک مسجد باشد و امام آن فاسق باشد پس مردم حنفی جماعت خود را جدا قائم کنند و یا در پس وی نماز بخوانند؟ شرعاً چه حکم است؟

جواب: از تفریق کردن جماعت بهتر این است که در پس وی نماز خوانده شود چنانچه در در مختار از نهر نقل کرده: ولی النهر عن المحيط صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة (۴) و جماعت دیگر کردن بدهست فقط.

امامت شخصیکه در میان زنیا غیر معروف مینشینند: سوال: (۱۰۵۷) کدام شخصیکه امام باشد و در میان زنهای غیر می نشیند نماز خواندن در پس وی چگونه است؟

(۱) و کذا مکره خلف امرد الخ و مخالف کشائی لکن فی وتر البحر ان یقن المراجعة لم یکره از عهدنا لم یصح وان شک کره (الدور المختار علی هامش و الدامختار باب الامامة مطلب فی الانثناء بشافعی و نحوه ص ۵۲۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظفر

(۲) (ایضا). ظفر

(۳) الدور المختار علی هامش و الدامختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱. علامه شامی لیکلی دی: الا ان الصلاة خلفهما اولی من الانفراد لکن لا نبال کماتال خلف نفی و روح لحدیث من صلی خلف عالم نفی کانتا صلی خلف نبی (و الدامختار ایضاً، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظفر

جواب: نماز درپس چنان امام کہ در میان زنان غیر محرم می‌شنید یعنی فاسق هست مکروه (۱) هست در رابطه به غیر محرم نوشته اند: فان خاف الشهوة او شک امتنع نظره الی وجهها فحل النظر مقید بعدم الشهوة و هذا فی زمانهم و اما فی زماننا فمنع من الشبابة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الحظر والاباحه فصل فی النظر والمس ۳۶۲ جلد ۵ ظفر).

امامت باغبان و سیاه رنگ و غیره: سوال: (۱۰۵۸) کدام امام کہ تنخوا دار باشد جولای باغبان یا سقاو یا نانابای باشد نماز درپس چنین مردم جائز است یا نه؟

جواب: نماز درپس امام تنخوا درآ بدون کراهت درست هست و نماز درپس جولای دلاک و سقاو و باغبان و غیره کہ از مرقوم باشد کہ صالح و متقی باشد و از مسائل نماز خبر داشته باشد بدون کراهت جائز هست بلکه آنها از سید و شیخ کہ فاسق باشد بهتر هست کما قال تعالی: **إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ. الْآیَةُ (۱) فقط.**

امامت شخصی دروغگو: سوال: (۱۰۵۹) زید قاضی شهر بود و نماز جمعه ها و عیدها را میداد در درون شهر در نزدیک مکان زیدیک قبرستان بود و پیوسته به آن کرد (زمین) یک هندو احاطه کردن آنرا میخواست زید چون عضو گمرک هست اجازه تعمیر را داد این هندو بعد از حاصل شدن اجازه آن قبرستان کند و خواست همراه زمین ها شاملش کند و زید بهمراه آن کہ از قبرستان خبر داشت اجازه تعمیر را داد سخن به محکمه رسید در آنجا زید شهادت بدروغ این سخن را داد کہ درین جا قبرستان نیست غرض اینکه بالکل از قبرستان انکار کرد و بهمین سبب همان قبرستان بدست هندو رسید درین صورت امام کردن زید و نکاح بستن به وی درست است یا نه؟

جواب: درین صورت زید فاسق شد امام ساختن وی و نکاح خوانی وی و مقتدا پنداشتن وی درست نیست و نماز درپس وی مکروه تحریمی هست (۲) فقط.

امامت کسیکه دست راستش خشک باشد و همه کارها را به دست چپ میکند: سوال: (۱۰۶۰) اگر کسی شخصی را دیدیمنی (دست راستش) خشک شده بالکل بی کار باشد و کلوا

(۱) و بکرم امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) بل منی فی شرح النبیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰، ظفر

(۲) سورة الحجرات. ظفر

(۳) و بکرم امامه عبد الخ و فاسق (در مختار) بل منی فی شرح النبیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰، ظفر

واستنجاء مضمضه واستنشاق وضوء واکل شرب وغیره افعال حمیده وحبیه رابه یدیسرا (دست چپ) مینماید وطالع ناظرین ازومتفر میباشد این چنین شخص قابل امامت هست یانه؟
جواب: امامت چنین شخص مکروه تنزیهی یعنی خلاف اولی است اگر مقتدیان ازومتفر کنند فی الشامی: وکذا اعرج یقوم ببعض قدمه فالافتداء بغیر اولی: وکذا الجزم ومحبوب وحاقق ومن له ید واحدة الخ والظاهر ان العلة النفرة الخ (۱).

امام شدن گوینده کلمات بد چطور هست: سوال: (۱۰۶۱) اگر کدام مسلمان حافظ قران پابند روزه و نماز درپیش روی چند مسلمان به اواز بلند نام بگیرد وبگوید که اگر خدای تعالی به سبب فلان مولوی مردود برایم جنت میدهد من هرگز قبول نخواهم کرد بلکه درعرض این خبیث خواستار جهنم ستم ومولوی موصوف که لفظ مردود برایش گفته شده چنان به همه صفتها موصوف شده که نصف مردم دنیا انرا خوش دارد وبهمراه آن اعتقاد هم دارند این شخص مرتکب کدام گناه شد و نماز درپس وی درست است یانه؟

جواب: معصیت شدن وی ظاهر هست درچنین کلمات ترس کفر هست بدون توبه کردن از نماز خواندن درپس وی احتراز کرده شود اگر وی ملا باشد مصداق این حدیث گردد: ان من شرالشر شرار العلماء (۲) که ازمه بدتر شریر علماء هستند) کسی را که حضرت محمد (ﷺ) بدتر فرموده برای وی بد تر گفتن بیجا نیست فقط.

نماز غیر معذورین درپس معذور درست نیست: سوال: (۱۰۶۲) برای زید عوارض باداست و نماز خودرا مکمل کرده نمیتواند وقتی سنت را به وضوء بخواند فرض وغیره را کرده نمیتواند اگر کدام شخص دیگر لائق آن نباشد که امامت کند زید امام شده میتواند یانه؟
جواب: اگر وی بدرجه معذور رسیده باشد امامت وی برای غیر معذورها صحیح نیست اولاً تعریف معذور این هست که درتمام وقت نماز برایش آنقدر وقت پیدا نشود که وضوء کند و نماز فرض را بدون این حدث ادا کرده بتواند پس اگر وی چنین شده باشد نماز غیر معذورین درپس (۳) وی نمیشود فقط.

(۱) مشکوٰۃ کتاب العلم ص ۳۷ فصل ثالث. طبر

(۲) ولاظاهر بمعذور (الدراالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸). طبر

(۳) ولاظاهر بمعذور (الدراالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۸). طبر

امامت وکیل اصطلاحی درست است یا نه: سوال: (۱۰۶۳) یک شخص مولوی پابند نماز و روزہ است مگر پیشہ وی وکالت هست پیروی ہر نوع دعویٰ راست و دروغ رامیکند علاوه از آن در قرائت حروف را ادا کردہ نمیتواند حتی در بعض جاہا مراعات حرف استادہ و افتیدہ نہ میشود بجای صاد سین و بجای ضاء دال اداء میکند چنین شخص لائق امامت هست یا نہ؟

جواب: شخص مذکور لائق امامت نیست زیرا کہ برای امامت اولاً واقف شدن از مسائل نماز و خواندن قرآن شریف صحیح ضرور است ثانیاً صالح و متقی شدن امام بہتر است پس این شخص کہ مرتکب افعال خلاف شرع است تائید باطل رامیکند و قرآن شریف راصحیح نمیخواند لائق امام ساختن (۱) نیست.

امامت پیر فاسق جائز است یا نہ: سوال: (۱۰۶۴) یک پیر امام مسجد هست روزی یک مقتدی از وی پرسید کہ امروز بکدام کار رفتہ بودی جواب داد کہ امروز ختم قرآن یک خوگ بود در آنجا ختم قرآن خواندم و آن خوگ دیگر خوگان را جمع کرد و اونیز ختم قرآن خواندن و صاحبان آن ختم عین خوگ هست و صاحبان ختم بغیر من خوگان اند این چنین پیر چہ حکم دارد؟ و نماز خلف وی جائز هست یا چہ؟

جواب: این چنین پیریاوہ گولائق مقتدا بودن و امام شدن نیست نماز خلف چنین کس مکروہ است و حسب تصریح فقہاء آن کراہت تحریمی است لان فی جعلہ اماماً تعظیمہ و تعظیم الفاسق حرام پس باید کہ آن امام رامعزول کنند و کسی دیگر صالح واقف مسائل نماز را امام مقرر کنند (۲) فقط.

امامت گسیکہ در میلاد شریک نمیشود: سوال: (۱۰۶۵) چند روز میشود یک نفر از فرقہ و ہابیہ در مسجد حنفیہ اہل السنۃ والجماعۃ امام هست اتفاقاً حسناً کہ درین مسجد دوعالم واعظ شریف آوردند و در وعظ حمد و ثناء حضرت محمد (ﷺ) را بیان کردند امام مسجد خواندن نماز را در پس آنها ترک کرد در همان شب یک شخص در جای خود بالای مولوی صاحبان

(۱) والا حق بالامامۃ تقدیمہ بل نصاً بالاعلم باحکام الصلوۃ فقط صحتہ و فساداً بشرط اجتنابہ للفواحش الظاہرۃ و حفظہ لدر مرض و قبل واجب و قبل سنۃ ثم الاحسن تلاوۃ و تجویداً للقرآنۃ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۲۰ ج ۱ ، طس. ج ۱ ص ۵۵۷) .
طبر الدین عفرلہ

(۲) واما الفاسق فقد علنا کراہتہ تقدیمہ بانہ لا یلزم الامر دینہ و بان فی تقدیمہ للامامۃ تعظیمہ وقد وجب اعانۃ شرعاً الخ بل منی فی شرح المسبۃ علی ان کراہتہ تقدیمہ کراہتہ ترہیم لما ذکرنا (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۲۳ ج ۱ ، طس. ج ۱ ص ۵۶۰) . ضمیر

مہمان مجلس مولود شریف رامنقہ کرد امام مسجد در آن شامل نشد و پدر امام مذکور فاتحہ خواندن بالای رابہ مینداشت درین صورت نماز درپس چنین امام جائز است یا نہ؟

جواب: این درست است کہ درین شب و روز در مجلس میلاد شریف بسیار سخنان ناجائز شامل است مثلاً بیان شدن روایات موضوع و ضعیف و یا خاص بودن قیام در وقت ذکر ولادت آنحضرت (ﷺ) کہ ثابت نیست و همین گونه بسیار کارهای ناجائز در آن است بہمین سبب شرکت در آن جائز نیست کداملی کہ از فتاویٰ حضرت مولنا گنگوہی قدس سرہ و حضرت مولنا احمدعلی سہارنپوری ظاہر است فتوائیکہ چاپ و شائع شدہ آنرا حتماً ببینید و فاتحہ بہ نان نیز بدون دلیل است در هیچ جانبوت آن نیست اگر بہ این سببها امام مسجد پابندروی از فاتحہ خوانی و شرکت در مجلس میلاد اجتناب کردہ باشد پس این کار موجب طعن نیست فقط.

امامت عرس کنندہ و بینندہ سینما: سوال: (۱۰۶۶) کدام عالم کہ بہ سینما و عرس وغیرہ میرود نماز درپس وی میشود یا نہ؟

جواب: نماز درپس وی مکروہ (۱) است فقط.

امامت گیرندہ قرض سودی و ارتباط دارندہ بہ شیعہ ہا: سوال: (۱۰۶۷) شخص قرض سودی میگیرد و کدام معاملہ کہ در میان سنیہا و شیعہ ہا مییابد بہر شکل باشد بہ شیعہ ہا کمک میکند و مخالفت سنیہا را میکند امام ساختن چنین شخص و نماز خواندن درپس وی چطور است؟

جواب: چنین شخص لائق امام نیست و نماز درپس وی مکروہ (۲) است.

امامت قولاً و عملاً مظاہرہ کنندہ خلاف ریش: سوال: (۱۰۶۸) یک مولوی صاحب امام و خطیب مسجد است محدث و طیب است و ریش را وریش را کوتاہ میدارد و در اثبات مدعا میگوید کہ داشتن ریش از یک حدیث صحیح واجب العمل ثابت نیست و کوتاہ کردن اضافہ از قبضہ حرام چہ میکند کہ مکروہ تحریمی ہم نیست و گاہ و گاہ درجوش و جذبہ میگوید کہ من سردار دوستہای ریش تراش ہستم تراشدیدن ریش و یا کوتاہ کردن آن حرام است یا مکروہ قبضہ از کدام حدیث ثابت است یا نہ؟ و امامت چنین شخص درست است یا نہ؟

(۱) و کمرہ امامۃ العبد و الاعرابی و العاصی و المتبدع (کنز) و الفاسق لامر دینہ (البحر الرائق باب الامامة ص ۳۶۹ ج ۱ . ط.س. ح ۱ ص ۳۴۸ . ظہیر.

(۲) و کمرہ تقدیم العدة الخ و الفاسق لانه لا یہتم لامردینہ (ہدایہ باب الامامة ص ج ۱). ظہیر

جواب: در حدیث صحیح امر دراز کردن و نگهداشت ریش است چنانچه در حدیث مسلم است (عشر من الفطرة: قص الشارب، وأغفاء اللحية^(۱)) الحدیث ازین حدیث حرمت کوتاه کردن ریش ثابت شد فقهاء تراشیدن ریش و کم از قبضه کوتاه کردن را حرام نوشته کرده اند کما فی الدرالمختار ولذا یحرم علی الرجل قطع اللحية الخ والسنة فیها القبضة^(۲) الخ پس ازین ثابت شد که کوتاه کردن ریش کم از قبض یا تراشیدن آن حرام است و این گفتار این شخص که ماندن ریش از هیچ حدیث صحیح ثابت نیست و تراشیدن و کوتاه کردن کم از قبضه حرام یا مکروه نیست بالکل غلط است و امامت این شخص مکروه تحریمی است زیرا وی فاسق هست و امامت فاسق مکروه تحریمی است کذا فی الشامی^(۳) فقط.

هر گاه امام به وقت متعین نرسید چه کرده شود: سوال: (۱۰۶۹) در کدام جا که امام مقرر است و وقت نماز نیز تعیین شده اگر امام بگدام سبب بر وقت نیاید چه کرده شود؟

جواب: در چنین حالت تا کدام اندازه که مناسب است و مقتدیهای حاضر وقت داشته باشد انتظار امام کرده شود هرگاه برای حاضرین تکلف باشد انتظار نه کردن هم درست است و گنجایش انتظار تا وقتی هست که وقت مکروه نشود^(۴) فقط.

غیر مقلد چگونه است و امامت از آنجا جائز هست یا نه: سوال: (۱۰۷۰) مردمیکه آمین بالجهر میگویند و رفع الیدین میکنند و دست ها را بالای سینه مینندند و در امامان تقلید کسی را نمیکند اینها چگونه هستند؟

جواب: برای عامی تقلید یک امام ضرور است ورنه به چلاندن رای خود و بسبب راعدارای خواهشات اکثر گمراه میشود چنانچه احوال غیر مقلدین زمانه موجود دیده میشود علماء بزرگ بزرگ نیز از تقلید مجتهدین متنی نشله اند ائمه حدیث ائمه فقه را ببینید که همه و همه مقلدین گذشته اند ما میبینیم که غیر مقلدین به زبان دعوای عمل بالحدیث و القرآن را میکنند لکن چنان

(۱) قال رسول الله ﷺ: افروا اللحى (مشكوة باب الرجل ص ۳۸۰). ظفر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار كتاب الحظر والاباحة فصل فی البيع ج ۵ ص ۳۵۹، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۷.

(۳) واما الفاسق فقد علوا كراهة تقديمه الخ بل متى في شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰). ظفر

(۴) ورجس بينهم بقدر ما يحضر الملازمون مراعى الوقت التدب الا في المغرب الخ والدر المختار على هامش رد المحتار باب الاذان ص ۱، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۹. ظفر

متع میباشند که پروای مخالفت اجماع رانیز (۱) نمیکند محرمات شرعیه را برای خود حلال میازند در (۲) عقائد سخیهای خلاف اسلاف میکشند بعض متعه (۳) را جائز میدانند بعض نکاح بهمراه زیا از چهار زن (۴) را در یک وقت جائز میگویند بعض مطلقه ثلاثه را کلمه (۵) واحده دانسته نکاح و رجعت بدون حلاله رابه آن جائز میدانند بدرد گفتن به سلف صالح شعار آنها است چنین مردم در اهل السنة والجماعت داخل نیستند و نماز در پس آنها مکروه تحریمی است البته غیر مقلدین که اختلاف انها تنها در مسائل فرعی باشد آنها در اهل السنة والجماعة داخل اند و نماز در پس آنها به شرط مراعاة فی مواقع الاختلاف درست و صحیح است والله تعالی اعلم.

امامت زیر پاکننده حق بطریق ناروا درست است یانه: سوال: (۱۰۷۱) زید امام یک مسجد است و جبراً میخواهد حق همسایه خود را بگیرد و دروازه حویلی خود را پیش و پس میکند و صحن خود را زیاد میخواهد و برای اثبات قبض دروغ قسم میخورد آیا این قسم درست است یانه؟ و نماز در پس وی درست است یانه؟

جواب: از صورت سوال ثابت شد که زید به دروغ قسم خورده و حق بکرا قبضه کرده و مبتدع نیز هست امامت چنین شخص مکروه تحریمی است کما فی الشامی فهو کالمبتدع تکره امامته بکل حال بل مثنی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم لما ذکرنا (۱) فقط والله تعالی اعلم.

کسیکه مسلمان جدید را به شرکت در نماز عید نمیگذارد چطور است امامت وی جائز است یانه: سوال: (۱۰۷۲) علماء دین چه میفرمایند در اقتداء و نسبت کفر و اسلام چنان شخص که مسلمان جدید و غریب سند یافته را بهست و ردیل میپندارد و در روز عید از جماعت مسلمانان وی را بیرون میکند و درین این جمع به نماز نمیانندش حتی در همه مسجدها به نماز نمیانندش؟

(۱) ببیند عرف الجاری صف ۴ اجماع چیزی نیست و هدیه المهدی ص ۸۲ ج ۱ و ص ۸۳ ، و بدور الالهة اودلیل الطالب وروحه ندیه و غیرها من کتب اهل الحديث.

(۲) اجماع چیزی نیست و هدیه المهدی ص ۸۲ ج ۱ و ص ۸۳ ، و بدور الالهة اودلیل الطالب وروحه ندیه و غیرها من کتب اهل الحديث.

(۳) بخاطر این مظالم کردن جزء اول هدایه المهدی لازم است ۱۲.

(۴) ببیند: مقاصد الامامة اورساله عقائد لافند مصنفه اهل حديث و اخبار اشاعة السنة و غیرها و هدیه المهدی ص ۱۱۲ ج ۱. ظفر

(۵) ببیند: ظفر الألاخی بما یجب لی القضاء علی الناس ص ۱۴۱ مؤلفه نواب صدیق حسن خاں صاحب نغلا عن وبل الغمام للشوکانی.

(۶) ببیند عرف الجادی ص ۱۲۳ و غیرها. کتب اهل حديث.

سوال: (۲) مرد میکه تعصبا بخاطر خراب کردن رونق عیدگاه شاهی درمسجد گورستان نماز میخواند در رابطه به اقتداء چنین حضرات چه حکم است؟ و اگر دریک شهر دردوجای نماز عید خوانده میشود یکی درمسجد قبرستان که پیش امام آن صاحب قیلا ذکر شده است و دیگرها درعیدگاه میشود که امام صاحب آن دائم السكر وبدون طلاق وعدت درحالت حمل به طمع اجوره (مزدوری) عادی ومجوزه بسته کردن نکاح زن باشخص دیگر باشد درچنین موقع بخاطر اسباب فوق الذکر و دیگر به غرض رفع فساد و دیگر به این گمان که هیچ آفت نرسد گوشه تنهایی را به همراه جماعت خود در جای سوم شهر نماز میخواند این نماز جائز است یا نه و این نماز وی او این خطبه نماز سوم درباره ریاست رئیس بد وضری است و یا محمود و نیک بخت و برای منحوس ومضر گوینده به این نماز درشریعت چه حکم است؟

جواب: (۱) تحقیر وتذلیل کردن و کشیدن هر مسلمان از مسجد خواه قدیم الاسلام باشد یا جدید الاسلام حرام و نارواست مرتکب چنین کارهای فاسق است نماز درپس وی مکروه است.

جواب: (۲) ترک کردن عیدگاه و خواندن نماز عید درمسجد قبرستان (گورستان) مکروه است و در میان خود از نفاق وشقاق واختلاف پرهیز کردن لازم است از کار یکه سبب اختلاف در میان مسلمانها میشود خود داری کردن لازم است در حدیث شریف است صلوا خلف کل بیر وفاجر نماز درپس فاسق اگر چه مکروه است از انداختن تفرقه این خواب است که درپس فاسق نماز بخوانید زیرا فتنه و فساد درستخت بودن زیاد است (۱) قال الله تعالى: وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۲) فقط.

اهمیت قبضه کننده حقیقهای دیگران جائز است یا نه: سوال: (۱۰۷۳) درین باره علماء دین چه میفرمایند که یک شخص جاهل مطلق است زمین شخص نزدیک خود را به زور و رویه ها چوب و مردها قبضه کرده هروقت آماده جنگ و مرگ است بدمعاشها کرده جزا یافته حکومت انگلیسی است دربندیخانه ها زنده را گذاشته در زمین دیگر حویلی جوهره کرده حالا آن مردم که وفات کردند اولاد های آنها به همین طریق هستند یعنی همه زور خود را نشان میدهند وزیر

(۱) وفي النهي عن المحيط على خلف فاسق او سبذع نال لفضل الجماعة اهـ (در مختار) الله ان الصلاة خلفهما اولي من الانفراد لكن لا يبال كما يبال خلف نقي روح اهـ ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ رد المحتار.

(۲) بقره. ۲۴، ظهير. وفي الممكورة ص ۱۴۰ ج ۱ الى الجماعة في صلوة العيد سنة وان كان يسمهم المسجد الجامع على هذا عامة المشايخ. جميل الرحمن.

دستی نیز میکند در همین مردم زنا نیز میشود بنام سردار حافظ مشهور است مگر در حقیقت حافظ نیست و میگوید که بایند شریعت هستم اما بالای کدام زمینیکه والد و غیره وی جاجوره کرده بود بهمان گونه قابض هست و بظلم کمر بسته نماز در پس وی از نگاه شریعت جائز است یا نه؟ و حکم شرعی آن چیست؟

جواب: کدام شخص که بناحق زمین کسی را قبضه میکند و بالای آن خانه جوره کرده و قابض است شرعاً گنهگار و فاسق است امامت وی مکروه است کسی صالح مسلمان که از مسائل نماز خبر باشد امام ساخته شود فقط و الله تعالی اعلم (ویکره الی قوله: و فاسق الخ (در مختار) المراد به من یرتکب الکبائر کشارب الخمر والزانی واکل الربا ونحو ذلک کذا فی البرجندی استعمل فی المعراج قال اصحابنا لا ینبغی ان یقتدی بالفاسق الا فی الجمعة لانه فی غیرها یجد اماما غیره اه (رد المختار صفحه ۵۲۳ جلد ۱. ان کراهة تقدیم کراهة تحریم لما ذکرنا اه (شرح المنیة).

کسیکه ارکان نماز را نمیشناسد لائق امامت هست یا نه: سوال: (۱۰۷۴) (۱) یک شخص حافظ قرآن است و کسب تجارت میکند لکن ارکان نماز را نمیشناسد چنین شخص لائق امام میشود یا نه.

شرائط امام شدن چیست: سوال: (۱۰۷۵) برای امام موجودیت کدام کارها ضرور است به کارهائیکه وی لائق امام شدن میشود؟

جواب: (۱-۲) بهتر این است که امام مسائل نماز را بشناسد قرآن شریف و اصحیح و عمده بخواند صالح و پرهیزگار باشد اگر بهمهرا این کارها حافظ قرآن هم باشد بسیار خوب است لکن این سخن مقدم است که مسائل نماز را بداند بخاطر اینکه در نماز چنان غلطی نکند که نماز فاسد و مکروه می شود فقط و الا حق بالامامة الاعلم باحکام الصلاة ثم الاحسن تلاوة للقرءاء ثم الاورع ثم الاسن ثم الاحسن خللاً ثم الاحسن وجهاً ثم الاشراف نسباً الخ (تنویر الابصار صفحه ۵۲).

امامت فکیده از زن طلاق شده جائز است یا نه: سوال: (۱۰۷۶) یک شخص امام مسجد است و به زن خود طلاق داد مگر تاحال در خانه نگاهش میکند و بعد از طلاق از وی پسر هم تولد شد مقتدیها میگیرند که نماز مادر پس وی میشود گناه طلاق دادن به امام شد مگر یک روز یک شخص از جماعت جدا شده گفت که نماز من در پس وی نمیشود امام صاحب گفت که وی کافر است پسران این سخن را! میگویم که در پس این امام نماز میشود یا نه؟ وی که برایش کافر

گفت حکم ان چیست؟

جواب: اگر این امام همسر خود را طلاق رجعی داده باشد رجوع کردن بدون نکاح جائز است و اگر طلاق بائن یا طلاق مغلط داده باشد نگهداری این زن بدون تجدید نکاح یا (حلاله) درست نیست و اگر امام چنین کرده باشد نماز درپس وی مکروه خواهد بود زیرا وی فاسق است قابل دور کردن است کافر گفتن امام به یک مقتدی گناه کبیره است توبه کردن بروی لازم است فقط والله اعلم. کتبہ عزیز الرحمن. ویکره الی قوله: وخلف فاسق الخ فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم ذکرنا الخ (رد المحتار) صفحه ۵۲۴) جلد ۱ مهدی عن ابی ذر قال قال رسول الله ﷺ لا یرمی رجلاً بالفسق ولا یکفر الا اردتدت علیه ان لم یکن صاحبه كذلك رواه البخاری (مشکوة باب حفظ اللسان) جمیل).

به سبب مصلحت اجتماعی امام ساختن خارجی درست است یا نه: سوال: (۱۰۷۷) چه میفرمایند علماء دین درین مسئله که در مسلمانان اینجا به سبب حمله کفا و نصاری همه فرقه های اسلامی مانند خوارج شیعه شوافع و احناف به این سخن اتفاق آمده که ماهمه یکجا به اشتراک هم درپس یک شخص که سلطان و از خوارج است نماز عیدها و اداء خواهیم کرد به همین گونه علماء شوافع و شیعه فتوی داده اند امضاها کرده اند و نماز خواندن درپس این سلطان را منظور کرده اند چون در اینجا عالم حنفی نیست بدین سبب از علماء احناف برسان میکنیم که احناف در آن شریک باشند یا نه؟

جواب: خوارج اهل بدعت اند و اقتداء کردن در نماز درپس مبتدع مکروه تحریمی است در درمختار است که فهو (الفاسق) کا المبتدع تکره امامته بکل حال بل مشی فی شرح المنیة علی ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم.

شامی صفحه ۵۲۳ (جلد ۱) لکن در دو حالت جائز است یکی اینکه امام دیگر که امامتش شروع (و غیر مکروه) باشد پیدا نشود و این هم در حکم پیدانشدن است که در مقرر کردن امام دیگر فتنه باشد قال فی الدر المختار: هذا ان وجد غیرهم والا فلا کراهة در مختار (۵۲۵ جلد ۱) حالت دیگر این است که آن امام شرعاً واجب الاطاعة باشد مثلاً سلطان مسلمین نافذ الامر باشد وی حتماً مردم را حکم کند که درپس من نماز بخوانید لَوْجَبَ طاعة اولی الامر (مسلم) در حالت کراهت نیز از خواندن نماز تنها درپس آنها بهتر است قال فی الدر المختار فان امکن الصلاة

خلف غیرہم فهو افضل والا فلاقتداء اولی من الانفراد شامی (۵۲۳ جلد ۱) اشرف علی) بیشک در صورت حکم نمودن سلطان ضرور است چنانچہ مفاد نصوص ذکر شدہ است فقط واللہ اعلم.

بعد از توبہ کردن امامت گنہگار چگونه است: سوال: (۱۵۷۸) یک شخص بسیار گنہگار است لکن وی توبہ میکند امامت وی درست است یا نہ؟

جواب: در چنین حالت وی کہ وی توبہ کند امامت وی درست است و خوارک خانہ وی درست است فقط لقولہ رحمہ اللہ التائب من الذنب کمن لا ذنب له رواہ ابن ماجہ مشکوٰۃ صف ۶ ۲۰) جمیل الرحمن) و اخرجه لفسق وخيانة بعد مرة تاب الى الله واقام بينة انه صار اهلا كذلك فانه يبيده عالمگیری مصری جلد ۲ صفحہ ۲۳۶).

امامت جذامی وسود خور: سوال: (۱۰۷۹) امامت جذامی وسود خور جائز است یا نہ؟

جواب: امامت جذامی وسود خور مکروه است اگر نماز بدهد فرض اداء خواهد شد. کذا فی کتب (۱) الفقه فقط. اصغر حسین عفی عنہ الجواب صحیح. عزیز الرحمن عفی عنہ.

امامت کسیکہ گاوہای دزدی را ذبح میکنند چطور است: سوال: (۱۰۸۰) زن یک شخص بدون پردہ درہرجا میگردد و خودش نیز حیوانات دزدی را ذبح میکند علاوہ از آن امامت ہم میکند امامت چنین شخص شرعاً چہ حکم دارد؟

جواب: امامت چنین شخص مکروه تحریمی است (۱) فقط. کتبہ رشید احمد عفی عنہ، الجواب صحیح عزیز الرحمن عفی عنہ مفتی مدرسہ عربیہ دیوبند).

امامت کسیکہ پاککی و ناپاکی اشی مشتبه است: سوال: (۱۰۸۱) در یک مسجد لاوارث کہ در آن هیچ گونه آمدن نیست یک شخص کہ بیست ودوسال عمر دارد نماز میدہد بہ وی عارضہ شدید جریان است وقطرہ نیز ازوی میآید درنماز و بیرون ازنماز وحافظ نیز نیست واندکی قرآن بہ یادش است پاککی و ناپاکی وی درست نیست مسائل نیز خوب بیادش نیست وفتیکہ وی بہ سفر میرود نماز گذاران کم میشود ومردم امامت وی را ترک نمیکنند بعض مردم بہ امامت وی خوش نیستند مگر گمان این است کہ نماز گذار باز بہ این مسجد نخواهند آمد زیرا کہ آنها

(۱) وکذا نکرہ خلف امرد وسلفه ومفلوذج وابرض شاع برصه وشارب الخمر وأکل الزبوا. شامی ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. جمیل الرحمن غفر له

(۲) قال فی الدر المختار ونکرہ امامة عبد ولفسق. وقال فی شرح المنية على ان كراهة تقديمه كراهة تحریم لما ذكرنا ص ۵۲۳ ج ۱. احمد علی معبد، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹.

این رامیگیرند که اگر بجای او امام دیگر مقرر شود مایان درینجا بالکل نماز نخواهیم خواند فقط والسلام خیر ختام.

جواب: چنین شخص را که پاکی و ناپاکی وی اشتباهی باشد و از مسائل نیز واقف باشد امام ساختن مناسب نیست و برای خودش نیز امام شدن مناسب نیست بلکه وقتی که گمان آمدن قطره و غیره در نماز غالب باشد اصلاً وبالکل جائز نیست و کدام مردمیکه عذاب را به عهده خود میگیرد و به امام ساختن وی اصرار میورزند سخنان آنها را هیچ اعتباری نیست زیرا گفتار آنها خلاف حکم شریعت است و اگر به امام شدن چنین شخص بسیار بودن نماز گذار و ندادن نماز کمبود نماز گذار میآید به این کار کدام حکم شرعی تطبیق نمیشود و وی مستحق امامت شده نمیتواند زیرا این ناخبری مردمان است هکذا يفهم من کتاب الشریعة المحمدية (۱) علی صاحبها و الله تعالی اعلم کتبہ الفقیر اصغر حسین عنه الجواب صحیح بنده عزیز الرحمن عفی عنه

امامت ولد الزنا: سوال: (۱۰۸۲) یک شخص که مادر پس بدون نکاح باشد و پدرش عقیده دارد که کنیز بدون نکاح مباح است باز پسانتر بهمراه آن نکاح کند و در آنجا بدون وی کدام صاحب علم دیگر نباشد که امامت کرده بتواند امامت چنین شخص که سعادت مند و به هرگونه لائق باشد درست است یا نه؟

جواب: امام ساختن شخص ذکر شده بهتر است چون وی در قوم اعلم و افضل باشد هیچ خرابی در امامت وی نیست قال فی الدر المختار باب الإمامة والاحق بالامامة الاعلم باحكام الصلاة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة الخ قال الشامي قوله بشرط اجتنابه الخ كذا فی الدراية عن المجتبی وعبارة الكافي وغيره الاعلم بالسنة اولاً لا ان يطعن علیه فی دینه (۲) الخ فقط رشید احمد الجواب صحیح قال فی الشامي عن البحر وغيره: ولوعدمت ای علة الكراهة بان كان الاعرابی عن الحضری والعبد من الحر ولد الزنا من ولد الرشدة والاعمی من الي البصیر (۳)

(۱) والاحق بالامامة تقدیماً بل نصّاً الاعلم باحكام الصلاة فقط صحة وفساداً بشرط اجتنابه الفواحش الظاهرة الخ فمختار علی هامش الشامي ص ۵۲۰ ج ۱ وبقیة تعلیل گرامه امامة الفاسق قال فی الجوهره ص ۵۸۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ ، لانه لا یهتم بامر دینه والاعلی لانه لا یجیب التیاسة وما فی الدر المختار فی بیان گرامه امامة المعالف ان ینف المرافاة لم یکره اوعدها لم یصح وان شک کره ص ۵۲۶ علی الشامي ، جمیل الرحمن ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ .

(۲) ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . طغیر

(۳) ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۲۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۰ . طغیر

فالحکم بالضد الخ.

تشریف فاسق وفاجر وامامتش: سوال: (۱۰۸۳) (۱) فاسق وفاجر کی راگوینده نماز درپس

چنین شخص میشود یانه؟

ہر گاہ بدون امام معین شدہ دیگر امام شود ونماز را شروع کند وامام بیاید وی چہ

کند: سوال: (۱۰۸۴) (۲) اگر امام محلہ بہ سبب کدام عذر درمسجد نباشد ونماز گذاران

کسی دیگر را امام سازند ونماز را شروع کند باز امام بیاید وی درجماعت شریک شود یانه؟

ونماز این مردم خواهد شد یانه؟

نماز درپس ہر مسلمان جائز است: سوال: (۱۰۸۵) (۳) آیا نماز درپس ہر مسلمان میشود

در امامت اعتبار بہ ذات است یا بہ علم: سوال: (۱۰۸۶) (۴) برای امامت لحاظ ذات است

یا از علم؟

جواب: (۱) فاسق کسی راگویند کہ تارک او امر شریعت باشد ومرتکب منہیات باشد خواہ

از بعض ویا از اکثر ویا از ہمہ و مراد از فاجر نیز همین است وامامت چنین شخص مکروہ تحریمی

است نماز درپس وی میشود اما مکروہ میشود (۱) فقط

جواب: (۲) در صورت مسئلہ نماز ہمہ مقتدیا درپس امام دیگر درست شد برای ذکر شدہ

شریک شدن درجماعت ضرور است

(جواب: (۳) نماز درپس ہر شخص درست است اگر چہ اعلم ومتقی شدن ضرور وبہتر است

(جواب: (۴) مقدم در امامت لحاظ علم است موجودیت علم از ضروریات است فقط رشید

احمد۔ الاجوبۃ صحیحۃ۔

امامت شخصی فیئینی ویک چشمہ درست است یانه: سوال: (۱۰۸۷) (۱) امام از چشم کور

است درہر روز سہ جورہ کالا را تبدیل میکند این روش وی چگونه است؟ ونماز درپس وی جائز

است یانه؟

امامت دیوانہ: سوال: (۱۰۸۸) (۲) شخصی کہ گاہ گاہ دیوانہ میشود امامتش درست است یا

(۱) کورہ امامۃ الفاسق والفسق لغة خروج عن الاستقامة وهو معنى قولهم خروج الشئ عن الشئ على وجه الفساد وشرعاً خروج عن طاعة الله تعالى بارتكاب كبيرة قال القهستاني اى او اصرار على صفة (فتجب امامته شرعاً للايعظم بتقديمه للامامة تبع فيه الزبلى ومفاده كون الكرامة فى الفاسق تحرمة. طحطاوى على مرآى الفلاح، قال فى الدرا المختار واللاحق بالامامة تقديمها بل نسباً الاعلم باحكام الصلوة فقط حجة ولساداً بشرط اجتنابه للمواش الظاهرة ص ۵۲۰ ط. س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰ ظہر

نه؟

جواب: (۱) لازم است کہ پیش امام عالم صالح و پرهیز گار باشد در امام موجود از روی مسئوال کدام سخن ثابت نشد کہ در پس وی نماز ناجائز باشد یک چشمه شدن امام سبب کراہت امامت نیست علی هذا روش وی نیز مطلقا موجب عدم جواز امامت نیست.

جواب: (۲) جنون و دیوانه گی اگر چنان باشد کہ هیچ وقت ہوش بسرش نمیآید و در ہمین حالت نماز میدہد نماز در پس وی درست نیست و اگر در وقت نماز دادن در ہوش خود باشد نماز در پس وی صحیح است کما فی الدر المختار و کذا لایصح الاقتداء بمجنون مطبق او منقطع فی غیر حالۃ والافتاء الخ قال الشامی: اما فی حالة الافاقة فیصح کما فی البحر عن الخلاصة شامی جلد اول صفحہ ۶۰۴.

امامت کل درست است یا نہ: سوال: (۱۰۸۹) نماز در پس کل درست است یا نہ و کدام حدیث در کراہت نماز در پس کل (کجکل) است یا نہ؟

جواب: نماز در پس کل (کجکل) جائز است وقتی کہ وی خوب باشد و بسرش زخم نباشد نماز در پس وی بدون کراہت درست است هیچ حدیث مکروه بودن نماز در پس کل نیست فقط.

زن امام شدہ میتواند یا نہ: سوال: (۱۰۹۵) (۱) در نمازهای پنجگانه و تراویح زن امام زنها شدہ میتواند یا نہ؟

یک امام دردوجا امام شدہ میتواند یا نہ: سوال: (۱۰۹۱) (۲) یک امام دردوجا خطبہ و نماز جمعہ رداہہ میتواند یا نہ؟

جواب: (۱) اگر امام زن باشد ہر نماز مکروه است و فی العالمگیریہ صفحہ ۸۰ جلد ۱ ویکرہ امامۃ المرأة للنساء فی الصلوات کلہا من الفرائض والنوافل الخ جمیل الرحمن) **جواب:** (۲) در جای دیگر بہ دفعہ دوم نماز داده نمیتواند فقط. دستخط

(فی الدر المختار باب الامامۃ لایصح الاقتداء الی قوله ولا مفترض بمستفل الخ و فی الشامی صفحہ ۶۰۸ فی باب الجمعۃ الخطبہ والصلوة کشی واحد لکونہما شرطا ومشروطا الخ جمیل الرحمن).

امامت ولد الزنا غیر صالح: سوال: (۱۰۹۲) امامت ولد الزناء غیر صالح و غیر عالم جائز است یا نہ؟

جواب: امامت چنین ولد الزناء اگر چہ جائز خواہد بود مگر از کراہت خالی نخواہد بود هذا ان

واحد غیرہم والا فلا کراہۃ الخ درمختار علی الشامی صفحہ ۵۲۵ و ہمیں قول مفتی بہ است.

در پرسی شیعتہ نماز میشود یا نہ: سوال: (۱۰۹۲) نماز اہل السنۃ درپس شیعتہ میشود یا نہ؟

نام اہل السنۃ والجماعۃ از کدام وقت گذاشتہ شدہ: سوال: (۱۰۹۴) (۲) نام این فرقہ از چہ

وقت اہل السنۃ والجماعۃ گذاشتہ شدہ وجہ تسمیہ اش چیست؟

کسیکہ نہ شیعتہ ونہ اہل السنۃ باشد امامت وی چطور است: سوال: (۱۰۹۵) (۳)

شخصی کہ نہ شیعتہ باشد ونہ اہل السنۃ نماز اہل السنۃ درپس وی جائز است یا نہ؟

کسیکہ تعزیہ مرثیہ میکند آیا وی اہل سنت است: سوال: (۱۰۹۶) (۴) کسیکہ تعزیہ

میشوند و یا از خانہ کسیکہ تعزیہ میراید و یاد خانہ کسیکہ تعزیہ باشد و یا کسیکہ در خانہ اش

مصیبت میشود (عزا داری) وی در اہل السنۃ داخل اند یا نہ؟ یا اہل شیعتہ اند.

ساخت و باخت بہمراہش درست است یا نہ: سوال: (۱۰۹۷) (۵) بالای اہل السنۃ والجماعۃ

پرویز کردن از شیعتہ لازم است و یا بہمراہش رفت و آمد برقرار دارد؟

جواب: (۱) نماز سنی درپس شیعتہ نمیشود زیرا بعض عقائد آنہا چنان میباشد کہ موجب کفر

است لہذا درین صورت صحیح نشدن نماز سخن یقینی است و اگر شیعتہ غالی نباشد نہ ہم

احتیاط لازم است زیرا عقیدہ چیزی مخفی (پت) است و هیچ یک شیعتہ از بد زدگفتن شیعتین کہ

عند البعض کفر است و قذف عائشہ کہ بالاتفاق کفر است خالی نمیشد قال الشامی: ینبغی تقييد

الکفر بالانکار لخلافہ بما اذا لم یکن عن شہۃ الخ باب الامامۃ.

جواب: (۲) این گروه را بہ این خاطر اہل السنۃ والجماعۃ میگویند کہ این گروه اہل حق متبع

سنت رسول اللہ است و طریقہ صحابہ را محکم گرفته است قال النبی ﷺ ان اللہ تعالیٰ بغرس

فی هذا الدین غرساً يستعملهم فی طاعة لا یبالون من خذلهم ومن لا یضرهم حتی یأتی امر اللہ ﷻ

او كما قال رواہ ابن ماجہ عن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ.

جواب: (۳) از اقتداء چنین شخص خودداری کردن ضروری است ہر کسی را کہ پروای حفاظت

دین خود نیست فاسق است قال النبی ﷺ الامام ضامن والمؤذن مؤتمن رواہ الترمذی.

جواب: (۴) این ہمہ کارہارا کہ کدام شخص میکند شعار روافض است قال النبی ﷺ من

تشبہ بقوم فهو منهم کدام شخص کہ گفتن و شنیدن مرثیہ و راجائز میدانند و بیرون کردن تعزیہ را

خوب میندازد و در آن شریک میشود سنی نیست بدعتی است و شریک و همفکر روافض است

نقط والله تعالی اعلم.

جواب: (۵) بهمراه روافض رفت و آمد کردن روا نیست. قال الله تعالی: فَلَا تَقْعُدُوا بَعْدَ الذِّكْرِی مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ.

ثاوی دامن دستمال را عمامه گفته خواهید شد یا نه: سوال: (۱۰۹۸) (۱) عمامه (یعنی دستار) که هفت یا یازده گز میباشد درین شب روز اما مها که کدام دستمال و غیره را در وقت امامت دور میدهند این را چطور عمامه خواهیم گفت؟

زن کدام اما که ساری بسته میکند امامت وی جائز است یا نه: سوال: (۱۰۹۹) (۲) زن امام ساری بسته میکند و لباسیکه زنان هندوها استعمال میکند نماز درپس چنین امام چطور میشود؟

جواب: (۱) شارع علیه السلام تحدید هفت و یا یازده گز را نکرده است و در عرف که چیزی را عمامه میگویند بالای آن اطلاق عمامه کرده خواهد شد.

جواب: (۲) به این کار در امامت پیش امام هیچ کراهت نیست فقط والله اعلم.

امامت طلب کننده امداد از غوث الاعظم درست است یا نه: سوال: (۱۱۰۰) شخصیکه اشعار آتی را میخواند امام ساختن وی چطور است؟ امداد کن، امداد کن، از درد و غم آزاد کن در دین و دنیا شاد کن یا غوث الاعظم دستگیر الخ؟

جواب: امام ساختن چنین شخص مناسب نیست بلکه متقی و متبع سنت را امام ساختن ضرور است فقط قال الله تعالی: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أُمَّاؤُكُمْ فَادْعُوهُمْ وَقَالَ تَعَالَى: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. جمیل الرحمن در اشعار استمداد از غیر الله است که حرام است و مرتکب حرام فاسق مبتدع است و امامت وی مکروه تحریمی است.

امامت گسیکه بسبب فسق وی مرد ناراضی باشند چه حکم دارد: سوال: (۱۱۰۱) از پیش امامیکه اکثر مردم به سبب فساد و جعل خوری و حسد و مغرور و غیبتی شدن ناراض باشند و بسبب آن بعض تارکین جمعه و بعضی تارکین مسجد شدند امام ساختن وی برای همیش جائز است یا نه؟ **جواب:** چنان شخصیکه به سبب فسق و معصیت مردم از وی ناراض باشند برای دائم امام کرده نشود و نماز درپس وی مکروه است چنین شخص واجب العزل است وی معزول کرده شود فقط: والله تعالی اعلم. کتبه عزیز الرحمن مفتی مدرسه دارالعلوم دیوبند (رجل ام قوماً وهم له

کارمون ان كانت الكراهة لفساد فيه اولانهم احق بالامامة يكره له ذلك فتاوى عالمگیریة صفحه ۸۳ جلد ۱ بیان الامامة جمیل الرحمن.

امامت تارک جماعت جائز است یا نه؟ سوال: (۱۱۰۲) خینه مهندی جائز است یا نه؟ وامامت تاری جماعت جائز است یا نه؟

جواب: خضاب (خینه) مهندی جائز است وبدون عذر ترك جماعت معصیت است امامت تارك جماعت مكروه است (وفصل فی المحيط بین الخضاب بالسواد الى قوله ومذهبا ان الصبغ بالحناء والوسمة حسن كمافی الخانية شامی ۳۳۹ جلد ۱ الجماعة سنة الى قوله وقيل: واجبة وعليه العامة (درمختار) فی الاجناس لاتقبل شهادته اذا تركها استخفافا او مجانة شامی ۵۷۹ جلد ۱ باب الامامة ويكره امامة الفاسق الخ (كبرى).

امامت نکاح کنندہ منگوحہ مرد بیگانه درست است یا نه؟ سوال: (۱۱۰۳) یک مردزن غیر مطلقه شوهر دار رانکاح کرده این نکاح شد یا نه؟ وكدام اولادیکه ازوی تولدشده وی چه حکم دارد؟ وامامتش جائز است یا نه؟

جواب: نکاح کردن بهمراه زن غیر مطلقه حرام وباطل است اولادش ولد الزنا وامامتش مکروه است لقوله تعالى: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ الى قوله عزوجل: وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ الآية ولى الكبيرى للحبى صفحه ۴۷۹: قدموا افساقاً يائمون بناء على ان كراهة تقديمه كراهة تحريم جميل الرحمن.

امامت کسیکه دروی این اوصاف باشد چیست؟ سوال: (۱۱۰۴) کدام شخصیکه غیر مقلد باشد کسیکه خودرا درین شب وروز اهل حدیث میگوید وحافظ کلا الله نباشد بلکه کلام پاک را غلط میگوید واکثراً به سبب مصروفیت درکار وبار دنیای پابندی اوقات نمازرا کرده نمیتواند نماز درپس چنین شخص میشود یا نه؟ وامام ساختن چنین شخص درست است یا نه؟ بخصوص رقیکه شخص دیگر که حافظ کلام الله وظاهر از همه این سخنها صاف به نظر میخورد نیز موجود باشد کدام یک امام مقرر شود؟ وديگر اینکه اگر امام سابقه به سبب ناخبری مقتديها ام القوم باشد زیرا که وی هميش خودرا حنفی المذهب آشکار میکرد واز همه این کارها پرهیز میکرد مگر حالا از چند روز به این طرف بگمان احکام امامت خودرا غیر مقلد تبارز داد وبالای امامان دیگر سب وشتن را شروع کرد وافعال فوق الذکر ازوی صادر شد که بسبب آن درجمیعت

اسلامی تفرقه و فساد شروع شد و باوجود کراہت اکثر مقتدیان قوم مصروف امامت خود است تا اینکه نمبر دعوا در محکمہ عالیہ رسمی آمد بہمراہ آن این را ہم میگوید کہ بدون اجازہ من نکدام شخص مقرر شدہ میتواند ونہ کدام شخص حتی ہمہ یا اکثر نماز گذاران نیز من را دور کردہ نمیتواند آیا در آیندہ اختیار مقرر نمودن امام در قبضہ امام اول رفت؟

جواب: در امامت این غیر مقلد یک چند خرابی است کہ موجب کراہت امامت است لہذا دور کردن وی و مقرر کردن امام دیگر لازم است و امام سابق غیر مقلد را در امامت هیچ حقی نیست عزل وی لازم است قال فی الدر المختار ولو لم یوما وہم لہ کارہون ان الکراہۃ لفساد فیہ اولانہم احق بالامامۃ منہ کرہ لہ ذلک تحریمًا لحديث ابی داود: لا یقبل اللہ صلوۃ من تقدم قوما وہم لہ کارہون (۱) و فی الشامی باب الامامۃ ایضاً (الدر المختار علی هامش رد المختار رباب الامامۃ صفحہ ۵۲۲ - جلد ۱ - ظفیر) غرض اینکہ شخص ذکر شدہ بہ سبب محرّمات وعدم تقلید و بدرد گفتن بہ امامان دین کہ شعار غیر مقلدین است فاسق است (۲) و مبتدع و امامت این ہردو مکروہ است و از حدیث ماسبقہ ابوداود معلوم شد کہ کدام شخص کہ با وجود کراہت مقتدیاہ و بد پنداشتن آنها امام باشد و بہ آن اصرار میورزد و جبرا امام شدن میخواہد اگر کراہت کردن مقتدیاہ بسبب خرابی و فساد امام باشند امام کردن چنین شخص مکروہ تحریمی است و از عبارت شامی ثابت شد کہ دور کردن فاسق ضرور است: قال فی الشامی و بان فی تقدیمہ للامامۃ تعظیمہ وقد وجب علیہم اہانتہ شرعاً (۳) الخ شامی صفحہ ۵۸۵ باب الامامۃ کتبہ عزیز الرحمن.

فہاز حنفی دیرس شافعی جائز است یا نہ: سوال: (۱۱۰۵) اکثر امامان اینجانب بسم اللہ را بہمراہ قرائت بہ آواز بلند میخوانند و رفع الیدین میکنند بعضی نماز گذاران آمین بالجہر میگویند دیرس چنین مردم نماز میشود یعنی از حنفی؟ و در پس الحمد را نیز میگوید؟

جواب: در مذہب امام شافعی خواندن بسم اللہ بہمراہ فاتحہ و سورہ بہ جہر است بہمین خاطر آنها چنین خواہند کرد بنزد حنفیہا نیست همچنان رفع الیدین و قراءۃ فاتحہ خلف الامام مذہب

(۱) رد المختار علی هامش رد المختار باب الامامۃ صفحہ ۵۲۲ - جلد ۱ - ظفیر.

(۲) قال رسول اللہ ﷺ: سباب المسلم فسوق وقالة کفر. رواہ مسلم، (مشکوۃ باب حفظ اللسان). ظفیر

(۳) ومن لم یاجزہ ومخالف کتھا فی لکن فی وتر البحر ان یقرن المراتب لم یکرہ اوعلمہا لم یصح وان شک کرہ (درمختار) اما الالتناء بالمخالۃ فی القروع کالتسالی لہجوز ما لم یعلم منہ ما یفسد الصلوۃ علی اعتقاد المندی علیہ الاسماع الخ (رد المحتار باب الامامۃ ج ۱

ع. ۵۲۶. ط.س. ج ۱ ص ۵۲۶ - ۵۲۷). ظفیر

امام شافعی است این مردم کہ چنین میکنند شافعی المذہب خواهند بودن بالای آنها لازم است کہ بہ جہر نگویند تادر نماز نماز گذاران دیگر خلل نہ آید بسبب ناخبری آنها چنین میکنند فقط. (اگر مراعات مسائل ضروری را میکنند پس بدون کراہت اقتدایش جائز است (۱) ظہیر.

امامت نافرمان مادر و پدر: سوال: (۱۱۰۶) کدام شخصی کہ نافرمان مادر و پدر خود باشد نماز درپس وی درست است یا نہ؟ ودر فائدہ دستش (مز دوری دست خود) چیزی بہ پدر و مادرش میرسد یا نہ؟ واگر مادر و پدر فقیران باشند اولاد مقدم است یا مادر و پدر؟

جواب: امامت وی مکروه است (۲) بسبب فاسق شدن و بستہ کردن نکاح و ذبیحہ (یعنی جلالہ) وی درست است زیرا وی مسلمان است واگر پدر وی محتاج باشند نفقہ و خرج آنها بالای بچہ واجب است، بہ اہل و عیال خود ہم بدهد و بہ پدر و مادر خود نیز بدهد نفقہ ہمہ بالای وی لازم است و تحجب علی موسر (الی قولہ) النفقہ لاصولہ الفقراء ولوقادین علی الکسب (۳) الخ (رد المحتار) واللہ تعالی اعلم.

نماز مقلد درپس غیر مقلد: سوال: (۱۱۰۷) نماز مقتدی مقلد درپس غیر مقلد میشود یا نہ؟ **جواب:** اگر امام غیر مقلد مراعات این سخن رامیکند کہ آن کارہای را در نماز نہ میکند کہ بسبب آن نماز حنفی فاسد یا مکروه میشود متعصب نباشد اقتداء وی درست است در کتابہای فقہ حنفی این تفصیل درج است در درمختار است: ان یقین المراجعة لم یکرہ الخ (درمختار صفحہ ۵۶۶). فقط

امامت گواہی دہندہ بہ دروغ: سوال: (۱۱۰۸) نماز درپس شاہدی دہندہ بہ دروغ درست است یا مکروه و نماز میشود یا نہ؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است و تکیہ توبہ کرد باز درست است بدون کراہت نماز درپس وی در ہر حال میشود لکن بدون توبہ کردن مکروه (۴).

امامت ولد الزنا و نابالغ: سوال: (۱۱۰۹) امامت ولد الزنا هل ہی جائزۃ ام لا؟

سوال: (۲) وامامت صبی لم یبلغ الحلم فی الفرائض والنوافل جائز ام لا؟

(۱) ویکرہ تقدیم الفاسق ایتّٰ لتساهله فی الامور الدینیة (غنیة المستملی ص ۳۵۱). ظہیر

(۲) الدر المحتار علی هامش رد المحتار. باب النفقة ص ۹۳۱ - ۹۳۳ ج ۲. ط.س. ج ۳ ص ۶۲۱. ظہیر

(۳) ویکرہ امامت عبد واعرشی و فاسق مختصراً (درمختار، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظہیر

(۴) ویکرہ امامت عبد واعرشی و فاسق مختصراً (درمختار، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹) ظہیر

جواب: (۱) ان كان صالحاً عالمًا ورعاً تجوز امامته بل هو أولى من غيره واذا لم يكن موصوفاً بالأوصاف المذكورة لا تجوز كلها حقه في الشامي وغيره (۱).

جواب: (۲) لا تجوز امامة الصبي الذي لم يبلغ الحلم مطلقاً لافي الفرائض ولا في التوافل التراويح وغيره على الصحيح من المذهب (۲) فقط.

امامت لنگ: سوال: (۱۱۴۰) امامت لنگ و قد بخش چه حکم دارد؟ مکروه است یا چطور؟

جواب: اگر چنان لنگ باشد که پوره استاد شده نیتواند امامت وی را مکروه تنزیهی (یعنی خلاف اولی نوشته اند و در امامت قصیر یعنی قد بخش (کوتاه قد) کدام کراهت نیست و کذا اعرج یقوم ببعض قدمه فلا اقتداء بغيره اولی الخ (۳) شامی.

امامت آدم صاحب سوزگ: سوال: (۱۱۱۱) یک ادم را مرض سوزاک است داغ برایش بدون وقفه میآید نماز در پس چنین امام میشود یا نه؟

جواب: اگر این شخص به اندازه عذر رسیده باشد و معذور شده باشد که هروقت برایش داغ میآید و هیچ وقت نماز ازان خالی نباشد نماز غیر معذورها در پس وی نمیشود وی امام ساخته نشود (۴) فقط.

امامت گسیکه در روز شکی روزه نمیگیرد: سوال: (۱۱۱۲) در یک جابه تاریخ یک کم سی

(۲۹) اه اشکار نشد مردم (۵) احتیاطاً روزه گرفتند در وقت چاشت خود پیش امام روزه را شکستند و روزه مردم رانیز شکستند در شام ماه کلان بود همه یقین کردند که ماه به یک کم سی (۲۹) بر آمد است همچنان در اطراف دیگر به تاریخ یک کم سی (۲۹) ماه دیده شد قضاء این روزه است یا نه و افطار کننده روزه گنهگار شد یا نه؟ برای امام چه حکم است؟ امامت وی درست است یا نه؟

(۱) سید شامی ص ۵۲۵ ج ۱ ولی غیبة المسلمی و بکرة تقديم ولد الزنا بناء على ان الغالب فيه الجهل (الی قوله) حتى لو تحقق فيه عدم الجهل لا بکرة تقديمه (ص ۳۵۱) . ظهیر

(۲) ولا یصح القضاء رجل باسراء الخ و صبی مطلقاً ولو فی جباة و نقل علی الاصح (و لم یختار) انه لا یجوز فی الصلوة کلها (و لا یختار) باب الامامة ص ۵۴۰ - ۵۴۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۶. ظهیر

(۳) و لا یختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. ظهیر

(۴) و کذا لا یصح القضاء بمجنون مطبق (الی قوله) و لا ظاهر بمملوک (والتر المختار علی هامش رد المختار باب الامامة ص ۵۴۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۷. ظهیر

(۵) ولا یصح يوم الشک (الی قوله) و یظهر غیرهم بعد الزوال به یفتی (و لم یختار کتاب الصوم، ط.س. ج ۱ ص ۳۸۱). ظهیر

جواب: درین صورت بالای این امام وبالاتر کفایت کننده گان دیگر هیچ گناه نه شد امامت وی درست است قضاء این روزه لازم خواهد شد.

امامت بجه باز بعد از توبه: سوال: (۱۱۱۳) عبد الغنی نام در بجه بازی مشهور بود حالا وی از صدق دل توبه کرده است نماز در پس وی جائز است یا نه؟
جواب: بعد از توبه بدون تردد وبدون کراهت در پس عبد الغنی نماز درست است کدام شبه کردن ضرور (۱) نیست.

امامت غیر مقلد: سوال: (۱۱۱۴) (۱) نماز در پس غیر مقلدین درست است یا نه؟

امامت قادیانی: سوال: (۱۱۱۵) (۲) نماز در پس قادیانیها چطور است؟

جواب: نماز در پس غیر مقلدین متعصبین مناسب نیست (۱).

جواب: (۲) نماز خواندن در پس قادیانیها روا نیست (۲).

امامت نابالغ در تراویح: سوال: (۱۱۱۶) بجه نابالغ در تراویح امام شده میتواند یا نه؟ و در پس نابالغ تراویح درست است یا نه؟

جواب: مذهبی مفتی به احناف (رح) این است که تراویح در پس نابالغ درست نیست (۱).

امامت کسیکه بالایش تهمت غلط بسته شود درست است: سوال: (۱۱۱۷) (۱) یک شخص شریف که بسیار خوب قرآن شریف میخواند خلاصه اینکه همه مردم شهری را قابل امامت میدانند تنها یک شخص بالایش این اتهام رامیبندد که وی عمل بیکار رامیخواند ودوهندو را شاهد ساخته است که بیشک وی او را درکاره میخواند واین امام از آن بالکل انکار میکند

(۱) الثابت من الدلب کمن لا ذنب له (مشکوٰۃ ص ۲۰۶) ظفر.

(۲) در درمختار است که: وکلا نکره خلف امره (الی قوله) وزاد ابن الملک ومخالف. در شامی در سلسله افتداء مخالف مذکور است: وخالفهم العلامة الشيخ ابراهيم البیرو بناء علی کراهة الافتداء بهم لعدم مراعاتهم فی الواجبات والسنن (شامی ص ۵۲۷ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۴) ظفر، وان انکر بعض ما علم من الدین الضرورة کثر بها (الی قوله) فلا یصح الافتداء به اصلا (شامی ص ۵۲۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۱) ظفر.

(۳) در درمختار است که: وکلا نکره خلف امره (الی قوله) وزاد ابن الملک ومخالف. در شامی در سلسله افتداء مخالف مذکور است: وخالفهم العلامة الشيخ ابراهيم البیرو بناء علی کراهة الافتداء بهم لعدم مراعاتهم فی الواجبات والسنن (شامی ص ۵۲۷ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۴) ظفر، وان انکر بعض ما علم من الدین الضرورة کثر بها (الی قوله) فلا یصح الافتداء به اصلا (شامی ص ۵۲۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۱) ظفر.

(۴) لا یصح افتداء رجل بامرأة وصی مطلقا ولو فی جنازة وفل علی الاصح (درمختار) ولی رد المحتار قال فی الہدایة وی التراویح والسبب المظلة جوزه مشایخ بلخ ولم یجوز مشایخنا (الی قوله) والمختار انه لا یجوز فی الصلوة کلا ص ۵۴۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۶) ظفر.

حالا فرمائید کہ جزاء شخصی کہ بالای چنین امام نیک کہ تمام مردم شهر اورا خوب میدانند تہمت میندد چیست؟

امامت گسیکہ دریایش باشد چگونه است: سوال: (۱۱۱۸) (۲) درہای یک شخص کجی است و امام مسجد است لکن قرآن شریف را خوب میخواند درپس چنین امام نماز خواندن درست است یا نہ؟

امامت صاحب داغ سفید در زیر ناف درست است یا نہ: سوال: (۱۱۱۹) (۳) اگر در زیر ناف یک شخص داغهای سفید باشد نماز خواندن درپس وی چگونه است؟
جواب: (۱) ہر گاہ ثبوت این اتہا میکہ بالای امام بستہ شدہ نباشد امامت وی بدون کراہت صحیح است. تہمت کنندہ بدروغ عاصی و فاسق است توبہ کند.

جواب: (۳) در شامی است: و کذا اعرج يقوم ببعض قدمه فالأقضاء بغرة أولى تاتار خانيه (۱) ازین روایت معلوم شد کہ در خواندن نماز درپس لنگ ہیچ حرج نیست.
جواب: (۳) درپس وی نماز بدون کراہت درست است زیرا کہ فقہاء امامت ابرص را کہ مکررہ نوشتہ اند مشروط بہ این کہ برص وی ظاہر باشد و این داغها ظاہر نیست و کذا یکرہ خلف امرد و سفیہ و مفلوج و ابرص شاع برصہ (۲) الخ.

بہ سبب ترک واجب کہ اعادہ کدام نمازها میشود گسیکہ در جماعت اول شریک نبود نماز خوانندہ میتواند یا نہ؟ سوال: (۱۱۲۰) بہ ترک نمودن واجب نماز میشود یا نہ؟ اگر اعادہ آنرا میکند کدام شخصی کہ در نماز اول شریک نبود اقتداء کند یا نہ اگر اقتداء کند نماز درست است یا نہ؟ *

جواب: این نماز ناقص اداء شدہ اعادہ آن واجب است اگر اقتداء وی برای مفترض (فرض) کنندہ درست نیست نماز آن مقتدیہا کہ قبلاً نماز نہ خواندہ بود صحیح (۳) نخواہد بود.
وقتی بہ امام مریض شبہ قطرہ باشد وی چہ کند: سوال: (۱۱۲۱) شخصی از مجبوریت امامت میکند زیرا در آنجا کدام شخص دیگر نیست کہ امامت بکنند؛ ہر گاہ برای این شخص در

(۱) ردالمحتار باب الإمامة بعد مطلب فی امامة الامرد ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. ظہیر

(۲) ردالمحتار باب الإمامة بعد مطلب فی امامة الامرد ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲. ظہیر

(۳) ولہا واجبات لا تفسد بترکها و تعاد وجوبها الخ و المختار انہ جابر للاول لان الفرض لا یکرر والذکر المختار علی ہاش ردالمحتار باب منفہ للمردہ ص ۱۲۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۰. ظہیر

نماز قطرہ (چکک) بیاید امامت را پورہ کند یا نماز را اعادہ کند و امام مرض قطرہ دارد؟

جواب: تاریکچہ یقین بیرون شدن قطرہ نباشد نماز را پورہ کند و سنت و نفل ہمہ را بخواند (۱).

امامت ظالم و خائن درست است یا نہ: سوال: (۱۱۲۲) زید از عمریک حویلی را بہ یازدہ

صد روپیہ خرید و بخاطر مصلحت از فروشنده این اقرار را گرفت کہ قیمت آن دوازده صد نوشته شود و همینطور شد مگر بعد از نوشتن ہر گاہ روپیہ بدست وی آمد و مشتری فسخہ کردن روپیہ اضافہ را خواست معاہدہ را فسخ کرد و از ادا کردن روپیہ اضافہ کہ بہ سبب آن فروشنده مذکور در ہمہ شہر بدنام شد و بد دیانت و غدار مشہور شد انکار کرد علاوہ از آن شب و روز در تجا و زات و غیرہ معاہدات مخالف شرع منہمک میباشد آیا چنین شخص مستحق امامت مسجد و یامدیریت مدارس اسلامی کہ منصب بلند است ہست یا نہ؟ بہمراہ آن اگر وی بہ یک چنین منصب بر اقرار گذشتہ شود بدگمانی مردم پیدا میشود و در اعانت این مدرسہ نقصان واقع میشود؟

جواب: باز پس گرفتن پول اضافہ از قیمت معین ظلم صریح و خیانت است و خائن و ظالم قابل امام ساختن و منہمک ساختن نیست ہکذا فی کتب الفقہ و اما الفاسق فقد عللوا کراہتہ تقدیمہ بانہ لایہتم لامردینہ و بان فی تقدیمہ للامامۃ تعظیمہ و قد وجب علیہم اہانتہ شرعا الخ رد المحتار المعروف بالشامی (۲) و ایضا فی کتاب الوقف منہ جلد ۳ عن الاسعاف ولایولی الا آمین قادر بنفسہ اوبنائتہ لأن الولاية مقيدة بشرط النظر وليس من النظر توية الخائن لانه يخل بالمقصود (۳).

نماز دریس یک چشمہ درست است یا نہ: سوال: (۱۱۲۳) زید حافظ قرآن و یک چشمہ

است نماز دریس وی درست است یا نہ؟ اگر کدام شخص در علم از وی زیاد باشد آیا برای وی نیز یک چشمہ جماعت دادہ میتواند؟

جواب: حافظ یک چشمہ مانند بنیای دو چشمہ است دریس وی نماز صاحب علم اضافہ از وی و یا صاحب علم مانند وی بدون کراہت درست است سبب مکروہ بودن امامت نابینا را فقہا این نوشته اند کہ سبب نبودن چشمہا برای وی خود داری نمودن از نجاست مشکل است (والاعمی لانه لا يتوقى النجاسة هداية باب الامامة صفحة ۱۱۰ جلد ۱) کارمرد یک چشمہ بہ واسطہ یک

(۱) البین لا یزول بالشک (الاشیاء والنظائر القاعدة الثالثة ص ۷۵) . ظفر

(۲) اما الفاسق فقد عللوا کراہتہ تقدیمہ الخ (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳ . ط.س. ح ۱ ص ۵۶۲) . ظفر

(۳) رد المحتار کتاب الوقف . مطلب فی شروط التولی . ص ۵۲۳ ح ۳ . ط.س. ح ۴ ص ۳۸۰ . ظفر

چشم چنان روان میباید که مانند کار بینا روان میباید (ظفیر)

امامت گسیکه به مزدوری کا غذات سودی را مینوسید چگونه است: سوال: (۱۱۲۴)

یک شخص به همراه سود خور میباید و در مقابل اجوره کاغذات سودی را مینوسید آیا نماز در پس چنین شخص درست است؟

جواب: سودخور و نویسنده فاسی اند و در پس فاسق نماز مکروه است به این خاطر خواندن نماز در پس وی مکروه (۱) است که انحضرت (ﷺ) بالای نویسنده کاغذات سودی نیز لعنت فرموده و او را دران گر و شمار نموده است عن جابر قال لعن رسول الله (ﷺ) اکل الربوا او موکله و کاتبه و شاهدیه و قال هم سواء رواه مسلم مشکوة باب الربوا. صفحه ۲۴۴.

نماز فرض گذار در پس نفل گذار نه میشود: سوال: (۱۱۲۵) اگر یک امام در دو جا نماز

میدهد یعنی در دو شهر درست است یا نه؟

جواب: هرگاه این امام در جای دوم نماز داد نماز نه شد زیرا اگر نماز اول موافق قاعده شریعت شده باشد کدام نمازی را که وی دوباره خواند آن نفل است و در پس نفل خوان فرض و واجب درست نیست پس کدام مردمیکه در دفعه دوم در پس وی نماز خواندند نماز آنها (۲) نه شد.

اگر امام نیت اقتداء هیچ کس را هم نه کند نماز مقتدی میشود: سوال: (۱۱۲۶) زید

در یکجا امام است و بکر دربان همینجا است و در میان زید و بکر اختلاف است بکر در پس زید نماز میخواند لکن بسبب عداوت زید نیت اقتداء وی را نمیکند درین صورت نماز بکر میشود یا نه؟

جواب: نماز بکر صحیح است زیرا که اگر امام نیت امامت مقتدیهارا بکند یا نه کند بهر حال نماز مقتدیه (۳) میشود.

هرگاه ماهر فن تجوید نباشد امامت وی درست است یا نه: سوال: (۱۱۲۷) اگر امام قران

شریف را که صحیح میخواندن در فن تجوید مکمل ماهر نباشد نماز در پس وی میشود یا نه؟

جواب: در نماز کدام نقصان نیاید.

(۱) اما الفاسق فقد عللوا کراهة تقديمه إلح (رد المحتار باب الامامة ج ۱ ص ۵۲۳، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۲). ظفیر

(۲) ولا مقرر صحت نقل (رد المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۲، ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۷۹). ظفیر

(۳) ولا يشترط لصحة الاقتداء نية امامة المقتدى (رد المحتار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلوة ص ۳۹۴، ج ۱، ظفیر)

نماز حنفی درپس غیر مقلد میشود یانه: سوال: (۱۱۲۸) نماز حنیفها درپس غیر مقلد جائز

است یانه؟

جواب: درین جا چیزی تفصیل است که درینجا گنجانش نوشتن آن نیست و نه ضرورتش است زیرا کتابها و رسائل درین رابطه موجود است کوتاه اینکه درنماز خواندن درپس غیر مقلدها احتیاط لازم است.

امامت ولد الزناء دیندار درست است یانه: سوال: (۱۱۲۹) اقتداء و امامت شخص ولد الزناء (که ازارگان اسلام مکمل واقف باشد و پرهیزگا ربا عمل باشد) شرعاً جائز است یانه؟

جواب: امامت بدون کراهت درست است (۱).

امامت امامیکه در روزهای عید به همراه سرود و باجه می رود و سود خور نیز هست چگونه است: سوال: (۱۱۳۰) قاضی صاحب و قتیکه برای امامت نماز عید می رود و از خانه خود میراید دولک جی به زدن دول پیش پیش قاضی صاحب به عیدگاه می رود همچنان بعد از نماز به خانه می آید (می رود) این عمل ثواب است یا گناه و قاضی جهراً و آشکاراً سود میگیرد و قرآن شریف را نیز غلط میخواند؟

جواب: این کار قاضی که دول میزند درست نیست و نماز درپس سود خور مکروه تحریمی است (۲) فقط

امامت کسیکه به پدر دشنام میدهد درست است یانه: سوال: (۱۱۳۱) شخصی پدر خود را دوبد دهد و همیشه دشنام دهد غرض بسیار سیاست میکند و دروغ میگوید موافق کتاب چه حکم دارد؟ و این شخص را اقتداء جائز است یانه؟

جواب: ایذاء دادن پدر گناه کبیره است و معصیت سخت است اگر توبه نکند و از پدر معافی نخواهد نماز درپس وی مکروه است که او فاسق است: قال الله تعالی: فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۳).

(۱) و بکرة تنزيها امامة عبد الخ و اعرابي الخ و ولد الزنا (در مختار) لكن ما في البحر صرح به في الاختيار حيث قال ولو عدت علة الكراهة بان كان الاعرابي الفضل من الحضري والعبد من الحر و ولد الزنا من الرشدة والاعنى من الصير فالحكم بالصد (رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰). طعير

(۲) و كذا نكرة خلف امرد الخ و شارب الخمر و اكل الربا و سام و مراء و متصع (الدر المختار عمى هامش و رد المحتار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲). طعير

(۳) سورة نبي اسرائيل: و كوع ۳. طعير

امامت مسافر یکہ سہ رکعت خواندہ باشد اقتداء وی درست است یا نه: سوال: (۱۱۳۲)

امام مسافر سہ رکعت خواند در رکعت چہارم مقتدی شامل شدوی سہ رکعت باقیماندہ را بہ کدام طریقہ خواہدخواند؟

جواب: چون امام مسافر است برایش مناسب بود کہ دو رکعت میخواند اگر وی چہار رکعت سہواً بخواند دو رکعت اخیری نقل شد لذا اقتداء وی برای مفترض در رکعت چہارم درست نیست (۱) و نماز نشد فقط.

امامت شنونیدہ ساز و سرود: سوال: (۱۱۳۳) اذ اذهب الامام الى مجلس الفجرة وسمع المنزا

میر والرف والرقص وغرہا من انواع اللہو واللعب هل يجوز الصلوة خلفه ام لا؟

جواب: تجوز مع الکراہۃ اما الجواز فللقولہ ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر الحدیث واما الکراہۃ فلان فی تقدیم الفاسق تعظیم وقد وجب علیہم تحقرہ کذا فی الشامی (۲) فقط.

امامت سوالگران حرفوی: سوال: (۱۱۳۴) فقیرانیکہ حرف خیر خواست را دارند خواندن

نماز در پس آنها جائز است یا نہ؟

جواب: سوالگر فقیر حرفوی اکثراً مرتکب کار حرام میشود زیرا سوال کردن برای آنها درست نیست بسیار از آنهاغنی ومالدار میباشند وبسیاری از آنها قوی وتندرست میباشند کہ کارمحنت کرده میتوانند وخوار کہ همراهش موجود میباشد درین صورت چون فقیر خالاش آن باشد کہ ذکر شد شرعاً فاسق شد ونماز در پس فاسق مکروه میشود (۳) فقط.

امامت تعلیم دہندہ قصدی مسئلہ غلط: سوال: (۱۱۳۵) (۱) اگر امام بہ امید پوست

قربانی مسئلہ را غلط میگوید حکمش چیست؟

امامت امام تنخوادار: سوال: (۱۱۳۶) (۲) امامانیکہ بہ گرفتن تنخوا نماز میدہند واگر تنخوا

برایش حاصل نشود امامت نمیکند نماز در پس آنها جائز است یا نہ؟

جواب: (۱) درعوض امامت دادن قیمت پوست قربانی درست نیست اگر امام مسئلہ را غلط

نشان میدہد گناہ بالایش است نماز در پس وی مکروه است: وبکرہ امامۃ عبد واعرابی وفاسق)

(۱) رکذا لا یصح علی ثناء بمجون الخ ولا مفترض مستقل ومفترض آخر لان اتحاد الصالحین شرط عندنا والبر المختار علی ہامش رد المختار باب الامامة ص ۵۴۲ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۷۸، طعیر

(۲) بینہ ردالمحتار باب الامامة ص ۵۲۳ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۲، طعیر

(۳) وبکرہ امامۃ عبد واعرابی وفاسق الخ مختصراً (ردمختار)، ط.س. ح ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰، طعیر

ومختار مختصر صفحه ۵۲۳ جلد ۱) ظفر.

جواب: (۲) نماز آنها میشود مگر برای آنها گرفتن این در فشار امامت درست نیست.

امامت دیوث: سوال: (۱۱۳۷) زن زید به سبب زنا حامله شد و یک پسرش تولد شد طلاق دادن به چنین زن ضرور است یا نه؟ زید میگوید که اگر الله عز وجله مرا به جهنم میاندازد هم من به وی طلاق نخواهم داد دیوث گفتن به چنین شخص جائز است یا نه؟ و باید دیوث گوینده کدام جرم است یا نه وزن بهمان گونه در حرام کاری مبتلا است نماز در پس این شخص میشود یا نه؟ اگر امام در جای بلند باشد ومقتدیها در جای پائین باشند نماز صحیح خواهد بود یا نه؟

جواب: طلاق دادن ضروری و واجب نیست وكذا فی الدر المختار چنین گفتن برای مناسب نیست این گفتار حرام است نه گنهگار است ونماز در پس وی صحیح است لکن اگر وی به کارزن خودراضی است نماز در پس وی مکروه (۱) است وانگر بسیار بلند باشد مکروه است ورنه درست است (۲) فقط.

امامت زانی: سوال: (۱۱۳۸) یک شخص نکاح دختر نابالغ خود را در حضور دوشاهد بهمراه شخص دیگر بسته کردن پسر کاکای دختر وی را به رفتن به پیش شوهر وی نماند وبهمراه خود نگاهش میکند برای این شخص چه حکم است؟ و یک ملا میگوید که امامت این شخص جائز است کسیکه زن دوم را در خانه خود نگاه داشته ومیگوید که فرعون ملعون به جنت خواهد رفت وقبل از این آدم یک کم دوه آدم گذشته است وجماعت در شهرهای عیسائیان جائز است وسياه کردن زن مباح است درباره این شخص چه حکم است؟

جواب: این شخص کسیکه این زن را نگهداشته وبه رفتن به پیش شوهرش نمیمانند ظالم وفاسق است وامامت وی مکروه است وكذا فی الشامی وغیره من الكتب الفقهیه واین ملائکه عقائد خلاف عقائد اهل السنة والجماعة را ظاهر میسازد ضال ومضل است وبه اقوال او اعتبای نیست اعتقاد داشتن به وی حرام است قال رحمه الله یكون فی اخر الزمان دجالون كذابون یاتونكم من الاحادیث بمالم تسمعوا انتم ولا ابائكم فایاكم وایاهم لا یضلونكم ولا یفتنونكم رواه (۳) مسلم وفی حدیث

(۱) ویکره امامه عید واعرابی وفاسق الخ مختصراً (الدر المختار باب الامامة، ط.س. ج. ۱ ص ۵۵۹ - ۵۶۰).

(۲) والفراد الامام علی اله كان للنبی وقدر الارتفاع بذراع ولا یاس بما دونه (در مختار) قوله للنبی وهو ما أخرجه الحاكم انه رحمه الله نهی ان یترجم الامام لفرق ویفی الناس خلفه (ردالمحتار ص ۶۰۴ ج ۱، ط.س. ج. ۱ ص ۶۴۶). ظفر

(۳) مشکوٰۃ باب الاعتصام بالناسه فصل اول ص ۲۸. ظفر

البخاری ومسلم حتی اذالم یبق عالم اتخذ الناس رؤساء جهالاً فسلوا فافتوا بغير علم فضلو او اضلو فقط والله تعالی اعلم.

بسیب امام فاسق جماعت دوم: سوال: (۱۱۳۹) درمسجد یک فاسق نماز می دهد در آن مسجد خواندن جماعت دوم جائز است یا نه؟

جواب: قال فی الدر المختار: صلی خلف فاسق او متدع نال فضل الحساعة قال الشامی: قوله نال فضل الجماعة: افاد ان الصلوة خلفهما اولی من الانفراد (۱) درین مسجد جماعت دوم در امت نیست نماز خواندن درپس همین امام لازم است زیرا که نماز خواندن درپس وی بهتر است انرا تنها خواندن جماعت دوم درمسجد محله روانیست فقط.

نماز درپس امام تنخوادار رواست است یا نه: سوال: (۱۱۴۰) (۱) تنخوا گرفتن بالای امامت جائز است یا نه؟ و کدام امام که تنها تنخوا میگیرد نماز درپس وی درست است یا مکروه (۲) است؟

درمیان امام معین ومقتدی عالم کدام مستحق امامت است: سوال: (۱۱۴۱) (۲) دریک مسجد امام معین است ویک عالم نیز موجود است خواندن نماز درپس کی مناسب است؟ و نماز عالم درپس امام مقرر شده صحیح است یا نه؟

جواب: (۱) گرفتن تنخوا به امامت درست است چنانچه درکتابهای فقه مصرح (۲) است پس درنماز خواندن درپس تنخوا دار هیچ کراهت نیست و هیچ تردد کردن مناسب نیست.

جواب: (۲) نماز خواندن درپس امام معین بهتر است و نماز عالم درپس امام معین صحیح است دردرمختار است امام المسجد الراتب اولی بالامامة من غیره مطلقا ای وان کان غیره من الحاضرين من هو اعلم والقراء منه (شامی صفحه ۵۲۲ - جلد - ۱ -

هرگاه جای نماز نجس باشد در نماز خواندن بالای آن این تفصیل است که اگر جای سجده وقدمها پاک باشد نماز صحیح است ورنه نیست ودرجای دستها وزانوها خلاف است که نماز فاسد میشود یا نه؟ پس اگر بدون این جا کدام جای دیگر جای نماز نجس باشد نماز میشود ودرین

(۱) مشکوٰۃ کتاب العلم فصل اول ص ۳۳ . ظہیر

(۲) بیبد ودمختار باب الامامة ص ۵۲۵ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۲ . ظہیر

(۳) ولا لاجل الطاعات (الی قوله) ونفی البرم بمصحتها لتعليم القرآن والفقه والامامة والادان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مطلب فی الاستصحاب علی الطائفة - ط.س. ج ۶ ص ۵۵) . ظہیر

صورت هیچ اعتراض نیست در درمختار باب الشروط است که:

وطهارة مکانہ ای مواضع قدمیہ واحدہما ان رفع الاخری وموضع سجودہ اتفاقاً فی الاصح لاموضع یدیه و رکبتہ علی الظاہر الخ ودرشامی است: وفي البحر واختار ابواللیث ان صلوتہ تفسد وصحیحہ فی العیون (۱) فقط.

شخصی تنہا نماز میخواند و دیگری مقتدی وی گشت و استاد شد:

سوال: (۱۱۴۲) شخصی تنہا در مسجد نماز میخواند شخص دیگر در میان آمدہ نیت بستہ کردہ ومقتدی شد وشخص اول بہ امامت نماز فرض واداء کرد درین صورت امامت وی واقتداء آن دیگر درست شد یا نہ؟

جواب: درین صورت نماز شد وامامت اقتداء جائز شد (۲).

نماز فرض خوان درپس نفل خوان: سوال: (۱۱۴۳) اگر امام نفل میخواند ومقتدی فرض اگر درپس وی فرض رابخواند فرض مقتدی ادا خواهد شد یا نہ؟

جواب: درین صورت فرض مقتدی نمیشود در درمختار است واتحاد مکانہا و (۳) صلوتہما فقط.

امامت کسیکہ در نماز حرکت میکند: سوال: (۱۱۴۴) (۱) امامیکہ در نماز شور میخورد وحرکت میکند آیا نماز درپس وی جائز است؟ اگر درعادت وی داخل باشد درین صورت چه حکم است؟

امامت غسال وسوالگرو: سوال: (۱۱۴۵) (۲) کسیکہ مردہ شوی ویک چشمہ لنگ وسوالگرو باشد قاضی ویا امام مقرر کردن چنین شخص چگونه است؟ ودختر خود را بہمراہ شادی (توی) شدن اذ رفتن بہ نزد شوہرش منع میکند وآن دختر او را رہ میبشد وآوارہ بودن دختر بہ اشارہ وی باشد امام ساختن وی درست است یا نہ؟

جواب: (۱) کسیکہ در نماز حرکت میکند درپس وی نماز نخواند.

(۱) رد المحتار باب شروط الصلوة ص ۳۷۴ ج ۱. ظہیر

(۲) ای من صلی مع واحدة الفاتحة عن یمنہ (غیبة المستملی ص ۴۸۵) ویقف الواحد ولو یمنیاً معاذی ای مساویاً لیمن امامہ علی المذهب الخ (الرد المحتار علی هامش رد المحتار ص ۵۳۰ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶. ظ

(۳) البدل المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۱۴ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۷۴. ولا مفروض بمنفصل وبمفترض فرضاً آخر لان اتحاد الصلائين شرط عدل (الرد المحتار علی هامش رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۲ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۷۹. ظہیر

جواب: (۲) شستن مرده هاگناه نیست نماز درپس وی صحیح است امامت یک چشمه درست است و امامت لنگ خلاف اولی است و نماز درپس سواگر مکروه است. و شخصیکه دختر خود را به شوهرش روان نمیکند و بدون سبب حصارش میکند و به آواره گشتن دختر راضی و خوش حال میباشد وی فاسق و بدکار است امامتش مکروه است فقط و الله تعالی اعلم ۸۳۰ رجب سنه ۳۲ هجری.

امامت ولد الزنا: سوال: (۱۱۴۶) حکم امامت حرامی چیست؟ خصوصا درچنان حالتیکه درمسجد ده نماز خوان است و در آنها یکی حرامی است و همان حرامی عالم و از مسائل بانخبر است (۹) نوباقیمانده جاهلانه اند درین صورت جاهل از شریعت نماز بدهد یا حرامی؟ مشهور است که نماز درپس حرامی درست نیست؟

جواب: نماز درپس حرامی درست است و ستنیکه درمردم مشهور است غلط است و درصورت مسئله امام ساختن وی بدون کراهت درست و جائز است زیرا ازهمه زیاد ازمسائل نماز خبردار و فقهاء دلیل کراهت را این نوشته فرموده اند که کسی پدر شفقت کننده حرامی نمیشد لهذا وی جاهل میباشد ثابت شد که اگر جاهل نباشد بدون کراهت جائز است حتی درین صورت ازهمه حقدار نیز است امام ساختن وی مناسب است کمافی الدر المختار: الاحق بالامامة اعلمهم باحکام الصلوة نصبا واما و قال فی الهدایة یکره تقدیم الفاسق وولد الزناء لانه لیس له آب لیس فقه فیغلب علیها الجهل و فی الشامی و لو عدت ای علة الکراهة بان کان الاعرابی افضل من الحضری و العبد من الحر و ولد الزناء من ولد الرشدة و لاعمی من البصیر فا الحکم بالظن (۱).

ابن گفتار چطور است که بن به شما نماز شما را میدهم: سوال: (۱۱۳۷) امام مسجد یک روز نماز شام رانه خواند مردم ازوی پرسید جواب داد که من نماز خودرنه میخوانم به شما نماز شمارا میدهم این لفظ در کفر داخل است یا نه؟ و نماز درپس وی درست است یا نه؟

جواب: (۱) این درحکم کفر نیست نماز درپس چنین امام اگر چه درست است لکن مکروه تحریمی است واجب است که وی رامعزول کنید و کدام شخص دیگر را امام سازید زیرا به سبب این کلمه حکم فاسق به وی داده خواهدشد.

جواب: (۲) درنظر کسی که نقص باشد اما ازنجاسات دور میشود نماز درپس وی بدون کراهت

درست است و اگر از نجاست دور شده نمیتواند مکروه است در درمختار است و یکره امامه العبد و نحوه الاعمی در مختار (۱) فقط.

امامت ریش قرش: سوال: (۱۱۴۸) (۱) در یک شهر مدرسه انگلیسی است که در آن علاوه از تعلیم درس دینیات نیز تعلیم داده میشود لکن به قانون رسمی (سرکاری) عمل میشود مثلاً درین شب و روز وقت مدرسه اذنه (۱۰) بجه روز تاسه (۳) بجه روز است و درمیان به ساعت یک بجه رخصتی بیست (۲۰) دقیقه میباشد. و درین وقت آنها جمع میشوند و به جماعت نماز اداء میکنند اگر به کدام سبب بالای طلبه ها ناوقت شود قطع نظر از نقصان از جانب مکتب از وی جواب خواسته میشود به این سبب اگر ناوقت میشود و امام موجود نباشد پس کدام طالب العلم که ریش میتراشد لکن حافظ قران و پاینده روزه و نماز است و درمیان طلبه های دیگر بلندی دارد امام ساختن وی جائز است یا نه؟ اگر جائز نباشد برای بجه ها خواندن نماز تنها رفتن به مدرسه مناسب است یا نه؟

درموجودیت امام معین امامت شخصی دیگر بدون اجازه وی: سوال: (۱۱۴۹) (۲) اگر کدام گروه از مسلمان به یک مسجد برود در وقت معین و یاپسان درموجودیت و یاعدم موجودیت امام به سبب کدام ضرورت دو گروه خود از همه کلان سال را امام بسازد و به جماعت نماز را ادا کند آیا امام مسجد یا کسی دیگر راحق هست که آنها رامنع کند و یا این حق برایش نیست؟

جواب: (۱) اگر این امام مسجد و نماز گذارانه آمده باشند برای بجه ها مناسب نیست که در مسجد جماعت کنند البته اگر بیرون از مسجد کدام جاباشد در آنجا جدا جماعت کنند و دو گروه خود کسیکه لائق امامت باشد او را امام سازند نماز در پس ریش تراش مکروه میشود و ثواب نیز کم است قال فی الجوهرة ص ۸۵ فان تقدموا جاز لقوله ﷺ صلوا خلف کل بر وفاجر. جمیل الرحمن

جواب: (۲) بدون امام معین مسجد برای شخص دیگر درموجودیت و عدم موجودیت امام مسجد مناسب نیست که بدون اجازه امام مسجد امام شود و جماعت بدهد اگر به جماعت امام معین و نماز گذاران وقت باشد این مردم خودشان جماعت را بیرون از مسجد در کدام جای مانند دالان

حویلی یا جنگل بخوانند و اگر در مسجد جماعت بخوانند نیز خواهد شدن برای آنها چنین جماعت خواندن مناسب نیست انتظار جماعت و نماز گذاران را بکنند ورنه جدا جماعت کنند غرض اینکه بدون امام مقرر مردم محله برای مردم محله دیگر مناسب نیست که پیش از جماعت مردم محله جماعت کنند و اگر کردند مردم محله باز جماعت کرده میخوانند و ثواب جماعت اول به همین ها حاصل میشود آن جماعتی که اول شده اعتبار آن نخواهد بود هکذا فی کتب الفقه فقط دلیل قول الدر المختار: ویکره تکرار الجماعة باذان واقامة فی مسجد محله الخ قال الشامی تحت قوله باذان واقامة الخ یکره تکرار الجماعة فی مسجد محله باذان واقامة الا اذا صلی بهما فی غیر اهلہ او اهلہ لاکن بمخالفة الاذان (الی ان قال) والمراد بمسجد المحلة ماله امام وجماعة معلومون الخ شامی. صفحہ ۵۱۶. جلد ۱.

پس از اذان در جماعت تاخیر شود یا فوراً خوانده شود: سوال: (۱۱۵۰) بعد از اذان جماعت فوراً استاد شود و یا انتظار کرده شود؟

جواب: در تاخیر کردن جماعت و لحاظ و سعت و قلت وقت کرده شود و مراعات نماز گذاران کرده شود چطور که مصلحت و موقع باشد همان طور کرده شود برای این در شریعت کدام دقائق تعین نیست که این قدر دقیقه بعد از اذان جماعت کردن مناسب است بعضی وقتها وسیع است در آن موافق آن عمل شود و بعضی وقتها تنگ است در آن موافق آن عمل شود (۱) فقط.

هرگاه به همراه زن کسی دیگری یک شخص نکاح کند امامت وی چطور است: سوال:

(۱۱۵۱) امام یک مسجد به همراه یک زنی نکاح کرده که منکوحه بیگانه است و او برایش طلاق نداده امامت وی درست است یا نه؟ بپنوا تو جروا؟

جواب: امامت چنین شخص به سبب فاسق شدن مکروه تحریمی است. فقط (کتبه رشید احمد الجواب صحیح (عزیز الرحمن عفی عنه) و دلیل ما قال فی الدر المختار و کره امامة عبد و فاسق و قال فی الدر المختار قال فی شرح النعنة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم در مختار ص ۵۲۳ جلد ۱ و در عالمگیری است لایحوز للرجل ان یتزوج زوجة غیره و كذلك المعتدة ص ۳۸۰ ج ۱.

(۱) و یفعل بین الاذان والاقامة کسفاً و رکعتین أو أربع یقرأ فی کل رکعة نحواً من عشر آیات. کذا فی الزیلعی والوصل بین الاذان والاقامة مکروه بالاتفق، ثم قال: وأما إذا کان فی السجود فالمستحب ان یفعل بهما سجدةً یسکت قلباً بمقدار ما یتسکّن من قراءة ثلاث آیات یقرأ فی التاری عالمگیری ص ۵۳ ج ۱ مطبوعه مصر، ط. م. ج ۱ ص ۵۷. جمیل الرحمن

در رابطه به امامت عالم ولد الزنا فیصله بفرمائید: سوال: (۱۱۵۲) گفتار است که امامت ولد الزنا صالح و عالم جائز و اولی و صحیح است بکر میگوید که مکروه است بهمراه هردو دلائل موجود است کدام یک قول صحیح است؟

جواب: سخن زیدحق است یعنی اگر ولد الزنا صالح و عالم باشد نماز درپس وی نماز بدون کراهت جائز است ک. مافی الشامی: ولوعدمت ای علة کراهته بان الاعرابی الفضل من الحضری والعبد من الحر وولد الزنا من ولد الرشدة والاعمی من البصیر فالحكم بالزند شامی جلد اول صفحہ ۵۲۳ کتبہ عزیز الرحمن عفی عنہ مفتی مدرسه عربیہ دیوبند (مهر).

دارنده صفات ذیل قابل تولیت است یانه: سوال: (۱۱۵۳) (۱) زید مؤمن کامل و نهایت متبع شریعت محمدیہ علی صاحبها الصلوٰۃ والسلام است فارغ التحصیل مدرسه عالیہ عربیہ دیوبند است و بہ نظر علماء مشہور مانند حضرت تھانوی مولنا عبدالرحیم صاحب رای پوری وغیرہ علمیت و صلاحیت وی قابل افتاء و اعتماد است و از حضرت الحاج امداد اللہ صاحب رحمۃ اللہ علیہ غایبانہ بیعت نموده و پس از وفات حضرت ممدوح (رح) از حضرت مولنا گنگوہی تجدید بیعت کرد و بعد از وفات وی رح از حضرت شاه عبدالرحیم صاحب رای پوری تجدید بیعت کرد و در زید مذکور جذبہ تبلیغ اسلام ہدایت خلق اللہ و اصلاح کامل احوال مومنان عوام است و مطابق بہ همین عامل است زید مذکور طبیب نیز است و مذہباً و معاشاً در مسجد جامع کلان کیرانہ امامت میکند امامت عیدہا نیز بہ وی حوالہ است مطابق ضرورت در شہر و قریہ ہا جواب اعتراض ہا و یورش ہای مخالفین اسلام را میدہد در سال چہار پنج دفعہ بعد از ایالتن رخصتی برای شش روز بخاطر ضروریات خود و حاجات اشخاص دیگر بہ خارج نیز میروہ و از خدمت ہای سپردہ شدہ بہ وی بعد از اجازہ زبانی (شفاهی) یا تحریری غیر حاضری میکند دربارہ چنین شخص سخنان ذیل قابل دریافت است:

(۱) پس از اجازہ زبانی یا تحریری زید مذکور غیر حاضری نماید بہ این سبب زید مذکور را کہ امام مسجد کیرانہ است تنبیہ کنندگان خلاف شان و فحش و آمادہ کنندہ گان مردم فحش بہ بدگوئی و معطل نہ کنندہ گان امامت بہ زمانہ معتدبہ کہ بہ سبب آن تفریقہ بین المسلمین پیدا نشود شرعاً قابل تولیت وقف است یانہ؟ و مسلمان کامل است یانہ؟

در کسیکہ سخنان ذیل باشد وی امام شدہ میتواند یانہ: سوال: (۱۱۵۴) (۲) اگر کدہ

کسی باخبر مذهبی یابی خبر بهمراه زید بسبب غرض شخصی و عداوت و غیره درمیان مردم بهم یابسیار زبانی یا تحریری این اعتراض را بکنند که زید حق تنخواه! روزهای غیر حاضری را ندارد درحائیکه وی بعد از گرفتن اجازه غیر حاضر شده است هدف معترض در این اعتراض این است که عوام از زید دلسرد شوند و گمان کنند که زید باوجود امام شدن روزی خود را حرام میسازد پس اگر زید به سپک داشتن خودنه بلکه به توهین پنداشتن کل اهل اسلام و اسلام این جواب را بدهد به تورابه این چه ارتباط است که من روزی صلی حاصل مینایم یا ناجائز و حرام من خودم این کار را خوب میشناسم باز به ادب این را بگویند که توبه حرر و حرام روز خود بین کما قال تعالی: وَلَئِنَّا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ، به اساس این جواب زید قابل امامت باقیماند یا نه؟ و در ایمان و اسلام وی کدامی نقص آمد یا نه؟

تصفیه این جنگ چیست: سوال: (۱۱۵۵) (۳) در کدام جائیکه زید مذکور امام واعظ و مفتی است در آنجا در سنه ۱۹۱۱ بطور منظم یک تنظیم (گور کشه) (بند کردن گوشت) قائم شده است که اثر کوشش وی از هندوها تجاوز کرده و به بعض مسلمانها نیز رسیده که آتیهاب حیثیت عهده (وظیفه) دار شدن و کوشش بقاء و دوام آن را و بر آورده شدن مقاصد را میکند و قباحث خوردن گوشت و مضمر شدن آنرا برای صحت بیان میکند و چون قوم هندو خوردن گوشت را مذهباً معیوب و تنظیم بند نکردن گوشت راعقیده مذهبی میندازد بهمین خاطر با شرکت دو (۲ و ۳) مسلمان به سبب ممتاز وباحث شدن وی ضرر شدید محسوس میشود و به این حرکت درمیان خود مسلمانان نمبر مناظره ها و مباحث آمده به گمان دور کردن این تفرقه رای بعض اهل دالش و دردمند به این شد که بحضرت تھانوی مد ظله استفتاء نوشته شود و جواب خواسته شود بخاطر اینکه فیصله شرعی و ناطق پنداشته شود و از خوبی و پدی این تنظیم باخبر شود فتوی خلاف این حرکت صادر و فرموده شد چون علماء حقانی درین فتوی این را تصریح کرده بودند که شرکت کننده در تنظیم بند کردن گوشت نزدیک به کفر است و بالای آنها توبه کردن ازین عمل به سرعت فرض است بهمین خاطر زید مذکور در جمعة الوداع رمضان در دوران وعظ و به خواشه بعض حضرات دردمند و واقع بین و با اعتبار به غرض آگاهی مسلمانان بی خبر توای حضرت تھانوی را شنوند و این اعلان را نمود که این رای شخصی من نیست بلکه فتوای عالم معتمد حضرت مولنا اشرف علی تھانوی است بعضی مردم که فهم یاد آوری این رابه معاونان

واعضاء محترم تنظیم بند کردن گوشت کردند آنها بسیار پریشان شدند و از مولوی عبدالله تونکی در جواب فتاوی سابقه پس از تغیر و تبدیل کردن عبارت استفتاء یک فتاوی خواستند و درباره زید مذکور و شان حضرت تھانوی الفاظ نازیبا گفت و خود را به حق ثابت کرد و بالای این مردم تهمت کفر رابست از مولانا عبدالله صاحب تونکی سوال کردن به این انداز و حاصل نمودن جواب پسران درباره مستفتی و مردمان هم خیال آنها است که این ها چگونه مردم اند؟ و زید مذکور و حضرت تھانوی چگونه اند؟ پس ازین جار و جنجال در رابطه به امامت زید شرعاً چه حکم است؟ و برای مخالفین علاوه از اهل فتنه شدن حکم شرعی چیست؟

جواب: زید که متصف به صفات مذکوره است بدون شک و شبه شرعاً باخصوصیت مستحق امامت است و امامت وی باعث فضیلت و مطابق ارشاد حضرت محمد ﷺ است و انحراف نمودن از امامت چنین شخص و ظاهر نمودن ناخوشنودی و درپس ضرر رساندن به وی درحالیکه وی به کارهای ذکر شده متصف است کار دینداران نیست کماورد فی الہدایہ: (من صلی خلف عالم تقی فکانما صلی خلف نبی) نماز درپس امام عالم بسیار نزدیک است به قبولیت لقوله علیہ السلام: ان سرکم ان تقبل صلوٰتکم فلیؤمکم علماء فانہم وفدکم فیما بینکم و بین ربکم رواہ الطبرانی و اخرج الحاکم و الیہقی و نحوه) و امامت وی خیر کثیر است قال فی شرح المنیہ و من کراہۃ تقدیم الفاسق علی مایاتی ان العالم اولی بالتقدیم اذا کان یجتنب الفواحش و ان کان غیرہ اورع منہ ذکرہ فی المحيط و قال فی شرعاً الاسلام (فی فصل فی فضیلة الصلوٰۃ مع الجماعة) و یوم الناس اعلمہم بالسنة امام مذکور (زید) ہرگاہ بعد از اطلاع میرود این کار را غیر حاضری تعبیر کردن سخت جہالت است و علاوہ از آن بہ وی علی الاعلان گفتار خلاف شان و فحش کار مردم دیندار کامل نیست مردمیکہ چنین حرکت میکنند آنها خلاف واقعیت اند و بدگفتن بدون سبب برای عالم و گستاخی کردن درشان وی برآستی فسق است و فسق سر پرست (متولی) موجب عزل است و ان الناظر اذا فسق استحق العزل. شامی صفحہ ۲۲۳ جلد ۳) در کتابہای فقہ درباره شخصیکہ عالم را بد رد میگوید و دشنام (دو) میدہد و عیدہای شدید آمدہ. قال فی شرح الفقہ الاکبر لملاعلی قازی: من ابغض عالماً من غیر سبب ظاہر خیف علیہ الکفر قلت الظاہر انه یکفر لانه اذا ابغض العالم من غیر سبب دنیوی او اخروی فیکون بغضہ لعلم الشریعة الخ شرح فقہ اکبر فصل فی العلم والعلماء صفحہ ۲۱۳) و بہ سبب ضرورت خارج رفتن و بجای چند روز غیر

حاضر بودن در انجام وظیفه امامت موجب ندادن تنخواه نیست قال فی الشامی عن القنیة: امام یتربک الامامة لزيارة اقرائه فی الرسائل اسبوعاً اولهوه اولمصیبة اولاستراحة لالباس به ومثله عفو فی العادة والشرع شامی صفحہ ۵۶۴ جلد ۳. غرض اینکه ازین عبارت به وجه خوب واضح است کہ اگر بدون اجازه ہم برای چند روز امام به کدام جا برود درست است و تنخواه مذت غیر حاضری حلال است به این شرط کہ این غیر حاضری بدون عذر شرعی درہمہ سال برای یک ہفتہ باشد کما قال فی الشامی: وهذا مبني على القول بان خروجه اقل من خمسة عشر يوما بلاعذر شرعی لايسقط معلومه وقد ذكر في الاشياء في قاعدة العادة محكمة عبارت القنیة هذه وحملها على انه يسامح اسبوعاً فی کل شهر الى ان. قال ان الظاهران المراد فی کل سنة شامی صفحہ ۵۶۴ جلد ۳ غرض اینکه از عباراتی کہ از کتابهای مستند فقہ گرفته شدہ است این سخن به قسم خوب ظاهر شد کہ شریعت درین مسئلہ وسعت فرمودہ پس بالای امر شرعی موسع بدانم کردن ومتهم کردن کسی درست نیست لهذا اگر امام در کل سال یک ہفتہ بدون عذر شرعی وبدون اجازه متولی وغیرہ نیز غیر حاضر شود معاف است و گرفتن تنخواہ غیر حاضری این مدت نیز درست است واگر بہ سبب کدام عذر شرعی غیر حاضر شود ویا رخصت بگیرد بہ مثلیکہ در سوال ذکر است تعین یک ہفتہ نیز نیست (رخصتی زیاد نیز گرفته میتواند عارف)

(۲) برای زید چنین جواب دادن مناسب نبود جواب یکہ از آن بی پروائی از حاصل کردن روزی حلال وظاہراً عدم رغبت ثابت میشود زیرا حاصل کردن روزی حلال خوراک حلال و خود داری از حرام بہ نص قطعی مامور بہ است قال الله تعالى: ض يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. الآية سورة مؤمنون پارہ ۱۸ رکوع ۴- قال المفسرون آزاد بالطيبات الحلال (خازن جلد ۵) پس جواب اعتراض مذکور چنین دادن مناسب نہ بود کہ تورا بہ این چه ارتباط است الخ رابطہ ہر مسلمان بہ امر با المعروف ضرور ہست وحال نیت بہ حق تعالی شانہ معلوم است پس جواب دادن اعتراض مذکور این مناسب بود کہ من روزی حلال میخورم و تنخواہ حلال میگیرم چنین تنخواہ گرفتن شرعاً حرام نیست اهتمام کردن در حاصل نمودن روزہ حلال برای من وشما و ہمہ لازم است زید بہ سبب این جواب کافر یا فاسق نہ شد کہ مستحق معزول کردن از امامت شود وامامت وی جائز باقی نماند.

(۳) اشتراک در گور کشا (تنظیم بند کردن گار) کہ از بعض مسلمانها صادر شدہ آنها قابل خبر

هستند و چیزی را که درین رابطه حضرت مولنا اشرف علی صاحب سلمه تحریر فرموده اند حق و عین ایمان است و این تحریر فرمودن حضرت مولنا سلمه (که حالت وی به کفر نزدیک است) مبنی به مزید احتیاط است احتیاطیکه معمول جاری علماء ربانین هست: کما قال فی شرح الفقه الاکبر: وقد ذکرنا ان المسئلة المتعلقة بالکفر اذا کان لها تسع وتسعون احتمالاً للکفر واحتمال واحد فالاولی للمفتی والقاضی ان يعمل بالاحتمال الثانی لأن الخطأ فی البقاء الف کافر اهون من الخطأ فی اثناء مسلم واحد شرح فقه الاکبر للملا علی قاری مجتبی صفحه ۱۹۹ و در رابطه به توبه که حضرت مولنا سلمه تحریر فرموده (که به چالاکی بزودی) توبه کردن بالایش فرض است مطابق کتابهای فقه و شریعت محمدیه علی صاحبها الف الف سلام و تحیه است کما قال فی الدر المختار: (عن شرح الوهبانیه) (ما یكون کفراً اتفاقاً یبطل العمل والنکاح واولاده اولاد الزنا وما فیہ خلاف) یومر بالاستغفار والتوبه وتجديد النکاح درمختار علی الشامی صفحه ۴۱۴ جلد ۳) لکن افسوس به حضراتیکه ازین فیصله ناطق بالحق منحرف شدند و درپس آن حضرات بدر گفتن را شروع کردند اما تاوان کی را کردند عاقبت خود را خراب کردند کما ورد فی الحدیث الشریف: من قال لاخیه یا کافر فقد بها احدهما (رواه البخاری ومسلم) و در باره بدر گفتن به علماء کدام عبارتی که از شرح فقه اکبر تحریر کرده شد قابل دقت است بخصوص درپس تکفیر کردن چنین عالماً حقانی بر باد کردن دین و ایمان خود است که از آن افسوس به حال این مردم است و ترس خرابی خاتمه است ازین گمان رجوع کند ورنه مصداق خسر الدنیا و الآخره خواهد شد کما ورد فی الحدیث القدسی: من عادى لی ولیا فقد اذنت بالحرب واللّه لا یحب الفساد و فی البحر الرائق: و یکفر بقوله المسلم یا کافر؟ عند البعض رد المختار للفتوی انه یکفر ان اعتقده کافراً الا ان اراد شتمه انتهی صفحه ۱۳۳ جلد ۵ و کدام مردم که تکفیر اهل حق را میکنند همان تکفیر بالای آنها باز میگردد (قال فی شرح الفقه الاکبر: ومن قال یا کافر فسکت المخاطب کان الفقیه ابوبکر البلخی یقول یکفر هذ القاذف ای الشاتم شرح فقه اکبر مجتبیانی صفحه ۲۳۲ و شرکت در تنظیم بند کردن گاو (گور کشا) در حقیقت اعانت کفر است و فکر برپادی و تحقیر اسلام است قال الله تعالی: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ الْاِیةِ سُوْرَةُ الْمَائِدَةِ باره ۶ رکوع ۵. اشتراک نمودن در آن و مذمت خوردن و ثابت کردن ضرر آن خطرناک و بی باکی شدید است قال فی شرح الفقه الاکبر (ولو شبه نفسه با اليهود والنصارى ای سورة اوسوة

علی طریق المزاج والهزل ای ولولعلی هذا لمنوال کفر (شرح فقہ اکبر مجتہائی صفحہ ۲۲۸) وفيه ايضا عن الخلاصة من قالی: احسنت لما هو قبیح شرعاً اوجودت کفر شرح فقہ اکبر صفحہ ۲۲۳) قال الله تبارک وتعالی:

وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ ۚ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ. الآية. وقال الله تعالی: وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ. وبیشک حضرت مولنا اشرف علی صاحب سلمہ درعلماء ربانی است نمونہ اسلاف است اللہ پرست حق گواست هر قدر کہ ستایش وی شود کم است ودر آیه: وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ الآية. داخل است ومصدق آن است محبت کننده گان به وی انشاء اللہ به کامیابی رسندہ گانند وحالت بغض کننده گان خطر ناک است قال الشيخ ولی الله الدهلوی رحمه الله تعالی فی القول الجمیل (فی علامات العالم الربانی) ومنهامو اسات الفقراء فطالب العلم بقدر الامکان فان لم یقدرو کان له اخوان موافقون حرضهم وحنهم علی المواسات فاذا وجدت هذه الصفات مجتمعة فی شخص واحد فلاحشکن انه وارث الانبیاء والمرسلین وانه الذی یعدی فی الملکوت عظیما وانه الذی یدعونه خلق الله حتی الحیتان فی جوف الماء کما ورد فی الحدیث فلازمه لایفوتنک فانه الکبریت کبریت الاحمر (شفاء العلیل ترجمہ قول الجمیل صفحہ ۱۰۴) باقیماند این سخن کہ عالم تکفیر این حضرات را کرده این سخن قابل توجه نیست واعلم ان من انتصب منصب الهدایة والدعوة الی الله ما اخل فی شی من هذه الامور فان فیہ ثلثة حتی یسد ها الخ بهرحال امام مذکور یقینا قابل امامت است وصفات وحالات وی کہ درسوال ذکرشده آن موافق عقائد اهل السنة والجماعة است وپیروی شریعت است اگر در واقع درین شخص این صفات هست درعالم ربانی شدن وی چه شبه است؟ ومتابع و اقتداء وی ضروری است فقط والله تعالی اعلم وعلمه اتم.

نماز درپس قیته باز (قاضی) جائز است یا نه: سوال: (۱۱۵۶) یک شخص بدون برد وباخت

یا قیته بازی میکند نماز درپس وی جائز است یا نه؟

جواب: نماز درپس وی مکروه است زیرا کہ قیته کردن بدون برد وباخت نیز ممنوع ومکروه است ازچنین لہو ولعب احتراز بالای مسلمانان لازم است فقط والله تعالی اعلم مفتی مدرسه وکره تحریم اللعاب بالتردد کذا لشطرنج واباحه الشافعی وابو یوسف وفی روایة وهذا اذالم یقامر ولم یداوم ولم یخل لواجب والا فحرام با الاجماع اه (درمختار) حالت قیته مانند شطرنج است، دلیلہ

قال فی الدر المختار: وكره كل لهو. لقوله عليه السلام كل لهو المسلم حرام الا ثلاثة: ملا عابته اهله وتاديه لفرسه ومناصلة بقوسه وقال فی الدر المختار: كل لعب عبث فالثلاثة بمعنى واحد كما فی شرح التاويلات شدن هوا نماز داد حكم آن چیست؟

سوال: (۱۱۵۷) يك شخص مريض خارج شدن هوا است بسیار دفعه درناخیری نیز ازوی هواخارج میشود درچنین حالت وی تاسه ماه امامت نمود واز آن قبل نیزگاه گاه نیز نماز میداد بسان هرگاه مکمل ثابت شد که معذور است نماز دادن را ترک نمود دوچنین صورت برای امام ومقتدیها چه حکم است؟ اگر یمه گفته امام انها نمازهای خودرانه گردانند بالای آنها چه حکم است؟ ونمازها یکه وی گاه گاه داده است حکم آنها چیست؟

جواب: اگر این ثابت یقین نه باشد که کدام نماز ها راوی داده است که درآن هوا بیرون شده یعنی یقین خارج شدن هوا درآن هانیست وبه یادش نیست نماز همه شد کما فی الدر المختار: وصح لوتوضا علی الانقطاع وصلى كذلك فقط والله تعالى اعلم واذا اظهر حدث امامه وكذا كل مفسد فی رای مقتد بطلت فیلزم اعانتها كما يلزم الامام اخبار القوم اذا مهم وهو محدث اوجب او فاقد شرط اوركن وهل عليهم اعادها ان عدلا نعم والا نذبت وقيل لا لفسقه باعتزافه اه (درمختار) نماز درین غیر مقلد درست است یافه: **سوال:** (۱۱۵۸) ماقولکم رحمکم الله فی هذه

المسئلة: اقتداء الحنفی خلف غیرالمقلدین جائز ام لا؟ بینوا توجروا؟

جواب: حامداً ومصلیاً اقول التفصیل عندی ان غیر المقلدین هم اصناف شتی فمنهم من یخلف مع المقلدین فی الفروع الاجتهادية فقط فحكمهم فی جواز الاقتداء بهم للحنفية كا الشافعية حيث يجوز بشرط المراعات فی الخلافیات الصلوتية وفقاً وعند عدم المراعاة خلافاً وبالاولی الفتی الجمهور فان امرالصلاة ماینفی ان یحتاط فیهم ومنهم من یخلف فی الاجماعیات عند اهل السنة كتزویج نکاح مافوق الاربع وتجويز المتعة وتجويز سب السلف وامثال ذلك رحكمهم کاهل البدعة حيث یکره الاقتداء بهم تحریماً عند الاختیار وتربیها عند الاضطرار وحيث يشبه الحال فالاولی ان یقتدی بهم دفعا للفتنة ثم یعید اخذاً بالاحوط ولو كانت الفتنة فی الاقتداء فلا یقتدی صونا للمسلمین عن التخلیط فی الدین والله تعالى اعلم وعنده علم یقین والحق المبین والکاتب حضرت مولانا مولوی اشرف علی صاحب ثانی یوم من ذی الحجة سنة ۱۳۲۹ هجرى من الهجرة المقدسة على صاحبها الف الف سلام وتحية.

فصل رابع : فصل چهارم

صف، اقتداء، ومقام امام ومقتدی

ہرگاہ در صف اول جای نباشد شخص تنها چه کند: سوال: (۱۱۵۹) یک صف مقتدیہا در پس امام است و در آن جای مقتدی دیگر اصلاً نیست حالا کدام شخص بیاید وی در کجا استاد شود؟ در صف دوم جد او یا از صف اول کسی را بگیرد و ہمراہ وی استاد شود اگر از صف اول میگرد از کجا؟ از اول صف و یا از اخیر؟ اگر از اخیر میگیرد در نماز کدام نقصان میآید و یا نہ؟ اگر در صف جا پیدا نشد انتظار کنند کہ کسی دیگری بیاید اگر نہ آمد پس از صف چنان انسان را کش کند کہ بہ مسئلہ میفہمہد اگر چنین شخص بہ نظر نہ آمد جدابہ تنہائی و پستر از صف استاد (۱) شود (انتظر حتی بجای اخر لیقفان خلفہ وان لم یجی حتی رکع الامام یختار اعلم الناس بہذہ المسئلۃ فجذبہ ویقفان خلفہ ولو لم یجد عالماً یقف خلف الصف بحذاء الامام للضرورة کذا فی (۲) الشامی).

اگر در صف بالغ و نابالغ یکجا شود حرج نیست: سوال: (۱۱۶۰) اگر یک بچہ نابالغ بہ طرف راست و یا چپ جماعت بیاید و دو نماز شریک شود و یا آمد ہمراہ مردم بالغ باشد در صف استاد شود ثم الصبیان ظاہرہ تعدد ہم فلو واحداً دخل الصف. (۳)

الصاق کعبین در رکوع وسجود: سوال: (۱۱۶۱) الصاق کعبین در رکوع وسجود سنت است یا چہ؟ آیا الصاق قدمین خود مراد است یا الصاق کعب بہ کعب غیر مراد است؟

جواب: فی الدر المختار: ویسن أن یلصق کعبیہ قال فی الشامی: قال السید ابو السعود وکذا فی السجود (۴) ایضاً الخ پس ظاہر این است کہ کعبین خود را با ہم ملق کنند وممکن است مراد محاذات کعبین باشد و از ارجاع ضمیر در کعبیہ بسوی مصلی احتمال ثالث ساقط شد یعنی ضم کعب خود بہ کعب غیر مراد نخواہد شد فقط.

(۱) وکذا القيام مفرداً، وإن لم یجد فرجاً، بل یجذب أحداً من الصف ذکرہ ابن الکمال، لکن قالوا: فی زماننا: ترکہ اولی، (در مختار) والاصح ما روی ہشام عن محمد انه ینتظر الی الركوع فان جاء رجل والا جذب الیہ رجلاً وادخل فی الصف لم قال فی القیۃ والقیام وحده اولی فی زماننا لعلیہ الجہل علی العوام (رد المحتار باب ما یفسد الصلوۃ، وما یکرہ فیہا ص ۶۰۵ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۶۴۶). ظہیر
(۲) رد المحتار باب الإمامۃ مطلب کراۃ قیام الإمام فی غیر المحراب ص ۵۳۱ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۶۸. ظہیر
(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامۃ ص ۵۳۴ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۵۷۱. ظہیر
(۴) رد المحتار باب صفۃ الصلوۃ بعد الفصل ص ۴۶۱ ج ۱، ط.س. ح ۱ ص ۴۹۳. ظہیر

قبلاً در پهلوی امام صرف یک شخصی باشد باز دیگر مرد بپایند چه خواهند کرد: سوال:

(۱۱۶۲) در جانب راست امام یک مقدی هست پسان چند نفر دیگر آمدند و در پس امام در فاصله مسجد صف جور کردند نماز صحیح شد پانه؟

جواب: وقتی به‌مراه امام درجانب راست یک شخص بود باز دیگر آن آمدند بالای امام و یا مقتدی ترک دادن جای خود نخواهد بود و اگر چنین نه شد و بعضی مقتدیا به فاصله صف استاده شدند نماز به‌مراه گمراه است شامی جلد اول و لوقام واحد بحجب الامام و خلفه صف کرده اجماعاً^(۱) فقط.

مقتدیہا چگونه استاد خواهند شد: سوال: (۱۱۶۳) در نماز مقتدیہا شانه به شانه و بجلک به بجلک یکجا کرده استاد شدند و یا چطور؟

جواب: یکجا استادن و در میان جای خالی نه ماندن سنت است و مقصد از چسپاندن قدم به قدم این است که به یک اندازه و برابر پایا باشد پستر نباشد (۲) فقط.

یگسان بودن در صفت چطور خواهد بود: سوال: (۱۱۶۴) در نماز جماعت بجلک ها یکسان میباشد یا چطور؟

جواب: بودن بجلک در برابر بجلک ضروری است و بودن شانه موازی به شانه ضروری است به این کار صف سیده (مُسْتَقِیْمٌ) خواهد شد در در مختار است: و یسوا منا کبهم (۳) فقط.

صفه‌ای درمیانی را خالی گذاشتن و در عقب استادین چگونه است: سوال: (۱۱۶۵) اگر
بهمراه جماعت نماز خوانده می شد و یک چند شخص یک یا دو صف را در میان ترک نموده
پس از آن استاد شدند نماز آنها می شود یا نه؟

جواب: نماز آنهاست مگر این خلاف سنت است صف هارا پیوسته نگهداشتن ضروری است و در میان جای خالی ماندن روانیست (۴) فقط.

(١) الدر المختار على هامش رد المختار باب الإمامة ص ٥٣٩ ، ط.س. ج ١ ص ٥٩٨ . ط.م.

(٢) ويصف اى يصفهم الامام بان يامرهم بذلك ، لال الشئى وينبى ان يامرهم بان يترعوا ويسدوا الخلل ويسووا مناكهم (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٣١ ج ١ ، ط.ب. ج ١ ص ٥٦٨ ، ظهير

(٣) ويصف اى يصفهم الامام بان يامرهم بذلك ، قال الشنقى ويبنى ان يامرهم بان يترعوا ويسدوا الخلل ويسووا مناكيهم (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ص ٥٣١ ج ١ ، ط.ب. ج ١ ص ٥٩٨ . غفر

(٤) وعلى على رلوف المسجد ان وجد في صممه مكانا كرهه كقبامه في صف خلف صف فيه فرجة (در مختار) هل الكراهة فيه تربية او تحريمه ويرشد الى الثاني قوله ﷺ ومن قطعاه قطعاه الله (رد المختار) باب الامامة مطلب في الصف ص ٥٣٣ ج ١ ط س ج ١ ص ٥٧٠ ط.

در عقب پرده اقتدا کردن درست است یا نه: سوال: (۱۱۶۶) در درون مسجد جماعت

میشود پرده ها آویزان است نماز کسانی که بیرون از پرده ها برای نماز استاد میشود یا نه؟

جواب: نماز آنها نیز صحیح است (۱) فقط.

نابالغ تنها در کجا استاد شود: سوال: (۱۱۶۷) اگر بچه نابالغ تنها باشد ستر از صفهای مردان

جلدا استاد شود و یا در صف مردها شریک شود؟

جواب: بچه تنها به همراه مردها در صف شریک شود کذا فی الشامی (۲).

هرگاه صف بالغان پوره نباشد و بستر صف نابالغ پوره شود شخصی پسان آمده کدام جا

شامل شود: سوال: (۱۱۶۸) جماعت مردها در پس امام کم است و در عقب آن جماعت بچه

های نابالغ بسیار است هرگاه مسبق بالغ میخواهد در صف اول استاد شود به گروپ بچه ها
چطور بگریزد؟

جواب: اگر در پس روی بچه ها برود و یا صف راپاره کرده در صف بالغها یکجا شده میتواند

برود و در صف بالغها شریک شود و اگر ممکن نباشد و در صف بچه ها استاد میشود باز هم
صحیح است (۳).

به فائین دستمال در صف مستحق جای میگذرد یا نه: سوال: (۱۱۶۹) اینجا یک مسجد

است که در آن چند صاحبان زید، بکر، عمر و غیره این روش را جاری کرده اند که پیش از
جماعت هر شخص دستمال و غیره خود را در صف اول میماند و برای وضوء و غیره برود و خود را
به این کار حقدار اینجا میندازد مثلاً: خالد بعد از اذان و قبل از جماعت از خانه و یا حجره خود
آماده با وضوء بیاید و به شوق صف اول حاضر شود این صاحبان برایش یک گونه مانع میشوند
اگر وی لباس و غیره کسی را به جانب راست یا چپ کش میکند و سنت میخواهد وی را غیر مستحق
و تجاوز کننده میگوید آیا زید و عمر و غیره به کار ذکر شده مستحق صف اول است و یا خالد که

(۱) و الحال لا یمنع الاعتداء ان لم یشبه حال امامه بسماع اورویة ولو من باب مشکک یمنع الاصول (الدر المختار) قوله بسماع ای من
الامام اوالمکبر قوله اورویة یعنی ان تكون الرؤیة کالسماع لا فرقی فیها بین ان یری انتظامات الامام الواحد المتطهین (ردالمحتار باب الامامة
ص ۵۴۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۸۶). ظفر

(۲) لم لیصان طاهره تعددهم للو واحد دخل الصف (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱).
ظفر العین غفرله

(۳) للفرعوا ولی الصف الاول لفرجة له عرق الصفوف (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۹). ظفر

امادہ آمدہ و برای صف اول حاضر شدہ؟

جواب: درباب الوتر والنوافل درمختار است: قال فی القتیۃ: له فی المسجد موضع معین یواظب علیہ وقد شغلہ غیرہ قال الاوزاعی له ان یزعجہ ولس له ذلک عندنا اه لان المسجد لیس ملکاً لاحد بحر عن النہایۃ قلت وینبئ تقییدہ بما اذا لم یقم عنہ علی نیۃ العود بلامہلۃ کما لوقام للوضوء مثلاً ولا یسما اذا وضع فیہ لوبہ لتحقق سبق یدہ (۱) الخ ازیں عبارت معلوم شد کہ شخص پیش آمدہ کہ دستمال ماندہ و برای وضوء رفتہ بہ نیت پس آمدن چون قبضہ او پیش شدہ شخص پسان آمدہ دیگر جای وی رانگیرد فقط.

درصف تنگی (ضیقی) پیدا کردن چطور است: سوال: (۱۱۷۰) وقتی درہمین مسجد جماعت استاد میشود بعض مردم بہمراہ آن بکہ درصف اول جا نمیباشد خواہی نخواہی درصف اول داخل میشود واین اشکار است کہ ہرگاہ درصف جای (۲۵) بیست و پنج نفر باشد ودر آن بہ زور زور بیست و ہفت نفر بیاید بہ سبب این زیادت صف بالکل کج شود و نماز گذارش پیش شود علاوہ از آن برای نماز گذاران بسیار تکلیف و تنگی می باشد آیا برای این صاحبان زائد با داخل شدن درصف اول ثواب صف اول حاصل میشود یا نہ؟

جواب: قال فی الدر المختار وینبئ ان یامرہم بان یتراصوا ویسد الخلل ویسوروا منابکھم (۲) الخ حاصل آن واین است کہ امام بہ مقتدیہا حکم کند کہ خوب پیوست استاد شوند ودرمیان دونماز گذار فاصلہ گذارید و شانہ ہای خود را یکسان کنید پس اگر درصف اول گنجایش باشد باز بہ موجب حکم ذکرشد استادان درصف اول و بند کردن فاصلہ درمیانی مستحب و مسنون است و اگر جای نباشد تکلیف دادن برای نماز گذاران صف اول روانیست (۳) فقط.

ہرگاہ بچہ ہا از یک اضافہ باشند درعقب استادہ شوند: سوال: (۱۱۷۱) دونفر جوان

وچہار پنج بچہ ہستند درجماعت استاد شوند بچہ ہا درصف و یادرعقب استاد شود؟

جواب: درین صورت بچہ ہا درپشت سر استاد شوند (۴) فقط.

(۱) ردالمحتار باب ما یفسد الصلوۃ و ما یکرہ فیہا مطلب لیمن سبقت یدہ الی مباح ص ۶۲۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۶۶۲ ، ظہیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۴۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸ ، ظہیر

(۳) قال فی المراجۃ الافضل ان یقف فی الصف الاخر اذا خاف ابداء احد ، قال $\frac{۱}{۲}$ من ترک الصف الاول مخالفاً ان یؤدی مسلماً اضعف لہ اجر الصف الاول وہ اخذ ابوحنیفۃ و محمد (ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۴۲ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۹ ، ظہیر

(۴) یدفع الخ الرجل الخ ثم الصبان ظاہرہ تعددہم (درمختار) و کذا لو کان المقتدی رجلاً وصیاً یضہما حلقہ (رد المحتار باب الامامۃ =

استاد کردن بچه بی ریش درصاف چطور است: سوال: (۱۱۷۲) زید بهمراه یک بچه نابالغ

بی ریش محبت دارد و وی این بچه را بهمراه آنکه بچه های نابالغ دیگر هستند بهمراه خود استاد میکند حکم این چیست؟

جواب: بایکجا استاده کردن بچه وبی ریش و خوش چهره بهمراه خود درصاف بعض فقهاء حکم فساد نماز را فرموده اند اگر چه اصح عدم: فساد صلوٰۃ است ونظر بالشهوة به سوی وی را حرام نوشته اند یکجا استاده کردن چنین بچه بهمراه خود درنماز مناسب نیست (۱) واصل مسئله این است که اگر بچه ها زیاد بودند صف آنها درپشت سرمردها لازم است وانگر تنها یک بچه درجماعت باشد استاد شدن وی حالت درجماعت مردان درست (۲) است لکن صورتی که درسوال درج است درین صورت به هیچ وجه وهیچ حالت استاد کردن این بچه بهمراه خود درست نیست فقط.

بودن نابالغ درصاف اول وبالغ درپشت سواين درست است يانه: سوال: (۱۱۷۳) اگر کدام

مرد بهمراه خود بچه نابالغ را درصاف اول استاد کند ومردان بالغ دیگر درپشت این بچه درصاف دوم استاد شوند درنماز این مردم کراهت خواهد بود يانه؟ وتحریمی خواهد بود يانتزیهی؟ ونماز همه صف خواهد شد ویا از یک خاص؟

جواب: طریقه سنت این است که صف بچه ها درپس بالغان باشد لکن در درمختار است که اگر درابتداء جماعت تنها یک بچه نابالغ باشد وی درصف مردها شامل کرده شود عبارت در مختار این است ثم الصبيان ظاهره تعدد هم فلو واحد ادخل الصف (۳) ودرشامی گفته است که صاحب بحر درین باره از حدیث انس (رضی الله عنه) لفصفت انا والیتیم وراوه الحدیث (۴) استدلال

= جلد اول ص ۵۳۴، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱، ظفر

(۱) ومعاملات الامرء الصبیح المشتهی لیسئها علی الملعب، تضعیف لما فی جامع المحرری ودور الحار من الفساد لانه فی المرأة غیر معلول بالشهوة بل بترک فرض المقام (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۹ ج ۱) ولا يجوز النظر اليه بشهوة كوجه امرء فانه يحرم النظر الي وجهها ووجه الامرء اذا شك فی الشهوة (أيضا باب شروط الصلوة مطلب فی النظر الي وجه الامرء ص ۳۷۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۰۷، ظفر

(۲) بصف الخ الرجال لم الصبيان ظاهره تعدد هم فلو واحد دخل الصف (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱، ظفر

(۳) بصف الخ الرجال لم الصبيان ظاهره تعدد هم فلو واحد دخل الصف (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱، ظفر

(۴) بصف الخ الرجال لم الصبيان ظاهره تعدد هم فلو واحد دخل الصف (الدور المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۴ ج ۱، =

نموده پس ازین حدیث و روایت درمختار معلوم شد که اگر درجماعت یک بجه نابالغ باشد وی درصاف بالغان شامل کرده شود و اگر بجه های نابالغ بسیار باشند آنها درپشت سر بالغان استاد کرده شوند بهر حال این ثابت شد که اگر بجه نابالغ درصاف مردها استاد شود و در دوطرف وی بالغان استاد شدند درنماز این بالغان کدام فساد و کراهت نه آمد فقط.

جماعت زن وشوهر درست است یا نه: سوال: (۱۱۷۴) جماعت زن وشوهر درست است

یا نه؟

جواب: جماعت زن وشوهر به گونه که هردو یکسان استاد باشند چنانچه حکم یک مقتدی شدن است درست نیست درین صورت نماز یکی نیز نخواهد شد (۱) فقط (لاکن اگر قدمهای زن پستر باشد نماز درست است) ظفیر.

هرگاه امام بالای مصلی باشد و مقتدیا بالای فرش باشند این درست است یا نه: سوال: (۱۱۷۵)

(۱۱۷۵) که امام بالای مصلی (جای نماز) استاد میشود نماز میدهد و مقتدیا بالای فرش همینطور باشند جائز است یا نه؟

جواب: جائز است فقط.

اگر امام بالای تخت باشد و مقتدیان بالای فرش باشند حکم چیست: سوال: (۱۱۷۶)

درگرمی و باران دوامدار ازترس گزدم امام برای نماز خفتن و صبح بالای فرش مسجد تخت بیاندازد و نماز بدهد و مقتدیا همین طور بالای فرش میباشند این جائز است یا نه؟

جواب: اگر این تخت به اندازه یک گز بلند باشد مکروه است ورنه جائز است کما فی الدر المختار و انفراد الامام علی الدکان للنهی و قدر الارتفاع بذراع و لا باس بمادونه و قبل مایقع به الامتیاز و هو الوجه (۲) الخ بهر حال چنین نه کردن بهتر است فقط.

استانین مقتدی در در چیست: سوال: (۱۱۷۷) دریک جامع مسجد چند فاصله میان دوستون

است در وقت جماعت در هر دروازه مقتدیا استاد میشوند غرض اینکه مقتدیا یک درمابین ستون

= ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱، ظفیر

(۱) و قال المرأة اذا صلت مع زوجها في البيت ان كان لدها بخلاء لدم الزوج لا تجوز صلاحها بالجماعة وان لدها ما خلف قدم الزوج الا انها طوبى لثقة راس المرأة في السجود قبل راس الزوج حازت صلاحها لان المرأة للقدم ورد المختار باب الامامة ص ۵۳۵ ج ۱، ط.س. ج ۱

ص ۵۷۲، ظفیر

(۲) الدر المختار على هامش رد المختار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ص ۶۰۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۴۶، ظفیر

استاد می‌شوند و نماز جمعه و جماعت را اداء میکنند آنها مستحق هما نقدر ثواب هستند که گویا مانند کسیکه درصاف اول است و نماز می‌خواند و یا از ثواب جماعت محروم شد نماز جماعتش که بهمراه کراهت اداء نشد؟ آیا درشدن نماز احتمال هست؟ اگر بسبب حرارت آفتاب بیرون ازستونها درصحن به اطمینان دل نماز اداء شده نمیتواند و به همین سبب به استاد شدن درمابین ستونها مسجد نماز اداء کرده شود درین صورت حکم چیست؟

جواب: قال الشافعی والاصح ماروی عن ابی حنیفة انه قال: اگره ان يقوم بین السارتین ازین روایت صفا معلوم شد که برای امام استاده شدن درمیان دوستون اجتناب کردن است پس معلوم شد که دون ضرورت استاد شدن درمیان ستونها مکروه است امام نماز میشود و ثواب جماعت نیز برایش حاصل میشود و اگر دریک دروازه مردان بسیار استاد شده میتواند که صف ریزه گک ازان ها جور شود و ضرورت آن باشد درین کراهت نیز به ظاهر نخواهد بود فقط والله تعالی اعلم. کتبہ عزیز الرحمن (والاصطفاف بین الاسطوانتین غیر مکروه لانه صف فی حق کل فریق الخ مبسوط صفحه ۳۶ جلد ۱ جمیل الرحمن).

اگر بسبب منبر درصاف فاصله باقی بماند چه کرده شود: سوال: (۱۱۷۸) درمسجد درصاف اول منبر حائل میباشد به این سبب درصاف اول به اندازه منبر دودست جا خالی میباشد این جدائی باعث کراهت است یا نه؟ و اگر همه صف پستر شود سجده بعض مردم بالای این منبر میشود آیا این صحیح است؟

جواب: این فصل ضروری باعث کراهت نیست و اگر جای سجده به مقدار نیم ذراع بلند باشد این هم درست است و بسبب ضرورت دربلندی زیاد ازین نیز حرج نیست و لوکان موضع سجوده ارفع من مواضع القدمین بمقدار لبنتین منصوبتین جاز وان کان اکثر لا الا لرحمة الخ در مختار، فقط.

اگر مقتدی خودش جانماز هموار میکند حکم چیست: سوال: (۱۱۷۹) تکبیر نماز صبح گفته شد یک شخص برای خود درصاف تنها جای نماز را هموار کرد که ازسطرنجی بود حالآنکه امام و همه نماز گذاران بالای منزل نماز می‌خواندند به همین سبب وی را یک شخص منع گردد درجواب وی او گفت که این جائز است و مصلی را بلند کرده و جدا هموار کرد (جدا نماز خواند هرگاه مصلی را جدا هموار کرد و نماز خواند آیا توهین امام خو نشد؟

جواب: درین هیچ حرج نیست و کدام ضرورت هم نیست، بعض فقهاء احتیاطاً چنین نوشته اند که درجدا نگهداشتن جای نماز خود کدام حرج نیست و درین کار هیچ توهین برای امام نیست و این غلطی و ناواقفیت منع کننده است که بالای وی اعتراض کرد و وی را از جماعت محروم کرد در درمختار است: حمل السجادة فی زماننا اولی احتیاطاً الخ پس بالای چنین کار یکہ بعض علماء آنرا جائز نوشته اند اعتراض و انکار کردن مناسب نیست اگر چه به آن کدام ضرورت وی هم نیست زیرا که منزلهای مسجد (طبقه ها) پاک است آنرا پاک شمردن ضرور است و خود را به برابر عموم نماز گذاران بندا شتن لازم است فقط (۱).

پس از صف جدا استادن و نماز خواندن چگونه است: سوال: (۱۱۸۰) جدا استاده شدن از صف و نماز خواندن درست است یا نه؟ و نماز شد یا نه؟

جواب: نماز شد اما بدون عذر جدا استادن مکروه (۲) است.

بیطاظر پر کردن صف خالی بالای سر گذشتن چگونه است: سوال: (۱۱۸۱) یک شخص در صف جای را خالی گذاشت و پشت سر نشست و شخص دیگر بالای سر وی گذشت و درجای خالی نشست کدام حرج خونست؟

جواب: کدام شخص که جای خالی را دید و بالای شخص دیگر گذشت و درجای خالی نشست بالای وی هیچ گناه نیست و کسیکه به همراه آنکه در پیش جا خالی بود و پشت سر نشستن را اختیار کرد وی کار خلاف کرد (۳) فقط.

برای متنبی کمی بعد تراز امام استاد شدن چگونه است: سوال: (۱۱۸۲) زید امام عید است و تکیه زید نماز عید را میدهد در جانب راست زید یک بلست بعدتر و عمر در جانب چپ زید یک بلست بعدتر و بقیه نماز گذاران به طریقه خوب استاد میشوند نماز میشوند یا نه؟

جواب: درین صورت نماز میشود مگر این هیئت خلاف سنت است و مکروه است در درمختار است فلوتوسط الثین کره تنزیهاً باز پیشتر منوسید: ولوقام واحد بجانب الامام و خلفه صف کره اجماعاً (۴).

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار. باب صفة الصلاة فصل تألیف الصلاة، ج ۱ ص ۴۷۰، ط. م. ج ۱ ص ۵۰۸، ط.

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار. ظفر

(۳) و کذا یکره للمتنبی ان یقوم خلف الصفوف وحده اذا وجد فرجة فی الصفوف (عالمگیری کشوری ص ۱۰۶ ج ۱، ط. م. ج ۱ ص

نابسامانی در راست و چپ امام در صف توازن و در جهر و سر تکبیرهای انتقالات: سوال:

(۱۱۸۳) یک امام به طرف چپ مقتدیهای زیاد میدارد و در طرف راست کم و در نماز دادن حالت این هست که گاهی تکبیرهای انتقالات را بگونه ادا میکند که همه مسجد را مانده که هم محله شور میخورد و گاهی چنان به اهسته گی و نزاکت سلام میگرداند که مقتدیها به آن نیز خبر نشود در چنین حالت شرعاً چه حکم است؟

جواب: در میان استاد شدن امام ضرور است و هر دو طرف یکسان کردن مقتدیها ضرور است استاد کردن مقتدیهای زیاد به طرف چپ خلاف سنت است طریقه سنت این است که کدام وقت جماعت استاد میشود در هر دو طرف یکسان مقتدی باشند (۱) باز چون کسی پسان بیاید و شریک شود برای آنها نیز لحاظ این روش لازم است که حتی الوسع که در هر دو طرف یکسان در جماعت شریک شوند و جهر اضافه از حد و اخفاء اضافه از حد هر دو کار امام خلاف سنت است (۲) فقط.

فاصله میان امام و مقتدی: سوال: (۱۱۸۴) از جای سجده مقتدی تاجای استاده شدن امام چقدر فاصله ضرور است؟

جواب: در میان فاصله بگذارد و کدام تحدید نیست (۳) فقط.

در عیدها به همراه یکسان و کمی بعد تر استاد شدن چطور است: سوال: (۱۱۸۵) یک شخص در نماز عیدها قصداً به همراه امام و به قدری پستر استاد میشود و نماز میخواند در نماز وی

(۱) ولو وجد فرجة في الاول لا الثاني له خرق الثاني لتقصيرهم، وفي الحديث من سد فرجة غفر له (در مختار) ولى الفتية قام لي آخر صف وبنه وبين الصفوف تواضع خالية للداخل أن يمر بين يديه يصل الصفوف لأنه أسقط حرمة نفسه لما يأم المار بين يديه ، دل عليه ما في الفرغوس من ابن عباس عنه صلى الله عليه وسلم : (من نظر إلى فرجة في صف فليست بها بنفسه ، لأن لم يفعل فمر ما فليخط على رقبته فإنه لا حرمة له) - أي فليخط المار على رقبته من ثم يسد الفرجة. اهـ (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۳۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۰) ظفر.

(۲) وينبغي للامام ان يقف بازاء الوسط فان وقف في ممنة الوسط او في يسيره فقد اساء لمخالفة السنة هكذا في التبيين الخ فان تساوت المواضع ففي يمين الامام وهو الاحسن (عالمگیری الباب الخامس في الإمامة فصل خامس ص ۸۳ ج ۱ ، ط.م. ج ۱ ص ۸۹) ظفر.

(۳) وبجهر الامام بتكبيره ركوع وغيره وهو ظاهر الرواية (عالمگیری مصری، الباب الرابع في صفة الصلوة ص ۹۹ ج ۱ ، ط.م. ج ۱ ص ۷۲. وجهر الامام بالتكبير بقدر حاجته للاعلام بالداخل والانطلاق وكذا بالمسبح والسلام (در مختار) قوله بقدر حاجته للاعلام الخ اوكره اهـ قلت هنا اذا لم يفحش الخ و اشار بقوله والانطلاق الى ان المراد بالتكبير هنا ما يشمل تكبير الاحرام وغيره وبه صرح في الضياء (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب سنن الصلاة ص ۴۴۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۵) ظفر.

(۳) والزائد يقف خلفه (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۳۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۷) دومره فاصله دی وی می رکوع اوجدی که دلتلو به رخت کی دی دمقتدی سر دامام سره نه تکریری واض اعلم. ظفر

ونماز مقتدیها کدام خرابی خواهد بود یانه؟

جواب: هرگاه این شخص برابر استاد شونده از امام پستر بود و در نماز مقتدیهای دیگر کدام فساد و خلل نه میآید نماز همه صحیح است لکن بدون کدام ضرورت از قبیل تنگی (ضیقی) جای جدا شدن یک شخص از جماعت و جدا ستاده شدنش برابر به امام مکروه است خوب (۱) نیست.

صف نابالغها در کجا باشد: سوال: (۱۱۸۶) اگر دوسه بالغها باشد و سه چهار بچه نابالغ باشد در یک صف علی الترتیب استاد شوند و یا بالغها در یک صف و بچه ها در صف دیگر دپشت سر استاد شوند؟

جواب: چون بچه های نابالغ بسیار باشند پستر از بالغ ها استاد شوند و در یک صف استاد نشوند (۱) فقط

یکجا کردن پای یک مقتدی به مقتدی دیگر چطور است: سوال: (۱۱۸۷) چسپاندن پایه گونه که مقتدی طرف راست پای چپ خود را به همراه پای راست مقتدی جانب چپ بچسپاند نماز فاسد میشوند یانه؟

جواب: نماز خوبه این کار فاسد نمیشود این کار آنها خلاف سنت است (۲).

صف مکمل بود یک شخص آمد و در پشت سر جدا استاد شد چه حکم است: سوال: (۱۱۸۸) در نماز جماعت صف مکمل پر بود برای یک نماز گذار در صف جای پیدا نشد و جدا استاد شد نماز شد یانه؟ یاوی در جماعت شامل شد یانه؟ اگر برای رلاقت خود از صف شخص دیگر را میخواهد از کدام بپهلو بگیرد؟

جواب: اگر وی جدا پستر استاد شده این خاطر که در صف پیش جای نبود نماز وی بدون کراهت شدن بهتر این است که از صف سابق کسی راکش کرده و همراه خود یکجا استاد کند به

(۱) ویقف الواحد محاذاً ای مساویاً لیمن الإمام، ولا عبرة بالرأس بل بالقدم، فلو صفواً فالاصح ما لم يتقدم أكثر قدم المزمع لا تصد الخ والزائد یقف خلفه ولو قام واحد بجانب الإمام وخلفه صف كره: إجماعاً (الرد المحتار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۲۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶). ظهیر

(۲) ولو اجتمع الرجال والصفیان الخ یقوم الرجال ما یلی الإمام ثم الصفیان (هالگیری مصری باب خامس فصل خامس ص ۸۳ ج ۱، ط. ماجدیه. ج ۱ ص ۸۸ - ۸۹). ظهیر

(۳) وما روی انهم الصغیرا الکتاب الاربعة به الجماعة ای قام کل واحد بجانب الآخر (رد المحتار باب صفة الصلوة بحث التلباس ص ۴۱۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۴). ظهیر

شرطیکہ ترس فاسد شدن نماز کسی نباشد مثلاً اینکه کسی را کہ کش میکند وی ازمسئله خبر باشد وبه کش کردن وی بفهمد کہ برای من پشت سرشدن مناسب است واختیار دارد کہ از کدام حصہ صف بخواهد کش کنند لکن از نزدیک بہتر است ودین زمانہ بہ این سبب کہ عموماً ازمسائل ہی خبراند واگر کش کردن راناسب نداند کش نکند زیرا کہ نماز شخص تنها نیز میشود فقط (۱).

درگاه نابالغ قنیا باشد درصیف بالغان استاد خواهد شد: سوال: (۱۱۸۹) اگر عمر زید سیزدہ سال باشد با استادہ کردن درصیف اول درحالیکہ درصیف دوم کسی دیگر نباشد درنماز کسی خو کدام نقصان نخواهد آمد؟

جواب: درین صورت وقتی این بچہ تنها باشد شامل ساختن وی درصیف اول مناسب است بہ این کار درنماز کسی چیز نقصان نخواهد آمد کذا فی الشامی (۲) فقط.

درکدام جای صف ثواب زیاد است: سوال: (۱۱۹۰) (۱) درصیف باعتبار جانبین درثواب کمبود وزیادت هست یا ثواب یکسان حاصل میشود؟ وکسیکہ رویروی امام استاد باشد برای وی ثواب زیاد حاصل میشود یاچطور؟ ونزدیک بہ امام استادان علماء مناسب است ویا جاهل نیز استاد شدہ میتواند؟ جاهل را اما ازجای نزدیک خیستاندہ میتواندیانہ؟

حکم بدست آوردن جا درمسجد: سوال: (۱۱۹۱) (۲) از قبیل قبضہ کردن جا درمسجد بواسطہ ماندن کالا ودستمال وغیرہ درست است یانہ؟ اگر کسی ازمسجد بلند شود وبرای حوائج ضروری ازمسجد بیرون براید ودرجای خود دستمال رابماند وی مستحق این جا خواهد بود یانہ؟ واگر بہ این جای کمی نشت این شخص بلند کردہ شود یانہ؟

ثواب پیشی آمدن بہ مسجد خواهد بود یانہ: سوال: (۱۱۹۲) (۳) کسیکہ پیش بہ مسجد

(۱) ولقدنا كراهة القيام في صف خلف صف له درجة لله، وكذا القيام منفرداً، وإن لم يجد فرجة، بل يجذب أحداً من الصف. ذكره ابن الكمال. لكن قالوا: في زماننا: تركه أولي، للفا ل في البحر: يكره وحده إلا إذا لم يجد فرجة (والمختار) وألصق ما روى هشام عن محمد أنه ينظر إلى الموضع، فإن جاء رجل ولا جالب إليه رجلاً أو دخل في الصف، لم قل في القبة، والقيام وحده أولى في زماننا لقلة الجهل على العوام إذا جره ففسد صلاته. اه قال في الخبرين قلت: وينبغي التفويض إلى رأي المبتلى، فإن رأى من لا يتأذى لديه أو صدقة راحمه أو عالماً جذبه ولا انفرد. اه قلت: وهو توفيق حسن اختاره ابن رمان في شرح منظوميه (ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها من ٦٠٥ ج ١، ط. س. ج ١ ص ٦٤٦-٦٤٥). ظهير

(۲) لم الصبان ظاهره تعددهم فلز واحد دخل الصف البر المختار على هاشم (ردالمحتار باب الإمامة ص ٥٣٤ ج ١، ط. س. ج ١ ص ٥٧١) ظهير الدين

بیاید برای وی ثواب زیاد حاصل میشود یا برای کی؟

حکم خروج معتکف برای ضرورت از مسجد: سوال: (۱۱۹۳) (۴) اگر معتکف برای حوائج ضروری از مسجد بیرون برود بعد از پس آمدن به جای سابق بنشیند و یا اینکه هر جا که بخواهد نشسته می‌تواند؟

هیچ ثبوت اذان به طرف راست و اقامت به طرف چپ نیست: سوال: (۱۱۹۴) (۵) در اذان دادن به طرف راست و اقامت بطرف چپ ثبوت شرعی است یا نه؟

جواب: (۱) در شامی است: قوله وخیر صفوف الرجال اولها الخ لانه روی فی الاخبان ان الله تعالی اذا انزل الرحمة علی الجماعة یقولها اولاعلی الامام یتجاوز عنه الی من یحذاه فی الصف الاول ثم الی المیمان ثم الی المیاسر ثم الی الصف الثانی الخ باز بعد ازین فرمود: قال فی المعراج: ان الفضل ان یقف فی الصف الآخر اذا خاف ایذاء احد (۱) الخ ازین عبارتها معلوم شد که در صف اول نیز باعتبار جواب در ثواب کمبود و زیادت هست کسیکه او بروی امام است بالای وی نزول رحمت زیاد است البته اگر برای نماز گذاران دیگر تکلیف باشد باز بهتر این است که این جاراترک نماید و بهتر این است که نزدیک علماء صالحین استاد باشند لکن بلند کردن جاهل نیز مناسب نیست و تکلیف دادن به وی مناسب نیست (۲).

جواب: (۲) در شامی است: وینبغی تقییده بما اذا لم یقم عنه علی نية العود بلامهلة كما لو قام للوضوء مثلاً ولا سیما اذا وضع فیه لوبه لتحقق سبق یده (۳) ازین ثابت شد که اگر کدام شخص از اول آمد و در مسجد بالای یکجا نشست و باز به همراه ضرورت وضوء و غیره از آنجا چیست و در آنجا چیست و در آنجا لباس خود را ماندوی مستحق آنجا هست اگر کسی دیگری به اینجا نشست وی او را خیستانده می‌تواند و بهیر از حالت یاد شده ماندن در یکجا و قبضه کردن خوب نیست.

جواب: (۳) کسیکه پیش بیاید برای وی ثواب زیاد حاصل خواهد شد.

جواب: (۴) در مسجد هر جا که بخواهد نشسته می‌تواند.

(۱) بینه رد المحتار مطلب فی جواز الاپار بالقرب ص ۵۳۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۹. ظفر.

(۲) ارشاد نوی است: لینی منکم اولو الاحلام والهی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم (مشکوة ص ۹۸). ظفر.

(۳) رد المحتار باب مایفده الصلوة و ما یکره فیها مطلب فیمین سبقت یده الی ص ۶۲۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۶۲. ظفر.

جواب: (۵) هیچ ثبوت این نیست فقط.

به سبب باران صرف چهار انگشت پشت سر صف درست است یا نه: سوال: (۱۱۹۵) برابر به امام چهار انگشت پستر که یک مقتدی استاد باشد جور کردن صف بسبب عذر باران و یا گرمی در حالیکه صحن فراخ باشد این کار چطور است؟
جواب: درست است (۱) فقط.

هرگاه در درون (داخل) مسجد جای نماز مقتدیا در دروازه ها استاد شوند یا نه: سوال: (۱۱۹۶) اگر داخل مسجد پر شود نماز گذاران باقیمانده در دروازه ها (در میان ستونها) استاد شوند و یا بیرون بالای فرش بهتر چطور است؟

جواب: در دروازه ها استاد خوب نیست هرگاه بیرون در فرش مسجد جا موجود باشد (۲) فقط.
هرگاه صفها کم بر باشد سجده بالای فرش کرده میشود: سوال: (۱۱۹۷) اگر بر مصلی وصف کم باشد که سجده بالایش کرده نمیشد پس پای بالای مصلی باشد یا نه؟

جواب: چه قسم که میخواهد بکند خواه پایش بالای صف و مصلی باشد و سجده اش بر فرش باشد و یا پایشان پائین و سجده اش بالای صف باشد فقط (پاک بودن جای شرط است موجودیت مصلی (جای نماز) ضرور نیست) ظفر.

استاد شدن امام در دروازه یا محراب چطور است چون بمقتدیا اشکار شود: سوال: (۱۱۹۸) ستون و دروازه یک مسجد چنان هست که اگر امام درین هر دو جاها استاد شود و نماز میدهد مقتدیا به وجه و خوب امام خود را دیده میتوانند پس در چنین دو جای نماز خواندن چطور است؟ آیا مکروه تنزیهی است و یا مکروه تحریمی؟

جواب: قال الشامی والاصح ماروی عن ابوحنیفه انه قال: اكره ان يقوم بين الساترين (۳) الخ ازین معلوم شد که استاد شدن امام در میان ستون ها و محراب به گونه که قدمهایش بیرون نباشد

(۱) فلوقاموا علی الخوف والامام علی الارض اوفی المحراب لضیق المكان لم یکره کما لوکان معه بعض القوم لی الاصح وبه جرت العادة فی جمیع المسلمین (در مختار) و ظاهره انه لا یکره ولو بلا عذر (رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و یکره فیها ص ۶۰۵ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۶۶). ظفر

(۲) ولهذا قال فی الولوالیة و غیرها اذا لم یضق المسجد من حلف الامام لا ینبئ له ذالک. (رد المحتار باب ما یفسد الصلوة و یکره فیها ص ۶۰۴ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۶۶۶). ظفر.

(۳) و در المختار باب الامامة ص ۵۳۱ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۶۸. ظفر

مکروه است و مراد از مکروه تنزیہی است کہ حاصل آن خلاف اولی است فقط.

دو نفر نماز میخواند کہ شخص سوم آمد امام پیشی میشود یا مقتدی پس آید: سوال:

(۱۱۹۹) امام و مقتدی فقط در شخص باشند و بهمین خاطر مسأری استاد میشوند حالا شخص

سوم دیگر آمد حالا امام پس و پیش شود و یا مقتدیها پستر شوند؟

جواب: درین حالت اگر امام پیش میرود و یا مقتدیها پستر میشوند هر دو کار جائز است لکن پس

شدن مقتدی بهتر است بہ نسبت پیش شدن امام کما فی الشامی و هواولی من تقدمه لانه متبوع (۱)

الخ. فقط

ایا در جماعت چسباندن پای یک مقتدی یا مقتدی دیگر در قیام ضروری است: سوال:

(۱۲۰۰) غیر مقلدین یکی بادبگر پای خود را میچسباند و از حدیث استنباط میکنند در نزد حنفیہ

چہ حکم است؟

جواب: غیر مقلدین غلط میگیرند تنها حکم محاذات قدمها شانه ها و غیره است همین را حنفیہا

نیز میگویند (۲) فقط.

مخنت در جماعت مردها شامل شده میتواند یانه: سوال: (۱۲۰۱) مخنت (نامردان) باشامل

شدن در جماعت مردها نماز خوانده میتواند یانه؟ چون وی در جماعت شامل شود نماز مسلمانهای

دیگر میشود یانه؟ و کدام رویہ و غیره کہ بہ نیت ثواب در مسجد بدهد در ضروریات مسجد

مصرف شده میتواند یانه؟

جواب: مخنتها در جماعت مردها شامل شده میتواند اما آنها پس از صف مردها (۳) استاد شوند

و باشامل شدن آنها در جماعت نماز مسلمانهای دیگر صحیح است و مصرف کردن رویہ های

آنها در مسجد درست است فقط (۴).

(۱) وفيه إشارة إلى أن الزائد لو جاء بعد الشروع يكوم خلف الإمام ويأخر المقتدي الأول الخ والذي يظهر أنه ينبغي للمقتدي التأخر إذا جاء ثالث الخ فإن المقتدي عن يسار الإمام يشير إليهما بالتأخر ، وهو أولى من تقدمه لأنه متبوع ولأن الاصطفاة خلف الإمام من فعل المتقدمين لا الإمام ، فالأولى لكأنه في مكانه وتأخر المقتدي الخ (رد المحتار باب الإمامة ص ۵۳۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۸۶). طهر

(۲) و ما روی انهم الصقوا الكتاب بالكتاب اريد به الجماعة ای قام كل واحد بجانب الآخر (رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۱۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۴). طهر.

(۳) يصف الرجال الخ الصبيان الخ ثم العائلي، ثم النساء (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۳۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱). طهر.

(۴) اگر لایق باشد از جایز باشد زیرا انها نیز مسلمان اند. ۱۲ طهر.

وقتِ درصِفِ اول جا باشد باقطع کردنِ صِرفِ بتدی به آنجا رفته میتواند یانه:

سوال: (۱۲۰۲) چون جماعت استاد باشد و همه مردم نیت پسته کرده باشند یک شخص وضوء کرده آمد و درصِفِ اول جاء است چنین شخص باقطع کردن صف های کناره درصِفِ اول و یامیانه استاد شده میتواند یانه؟ و گنگهار نخواهد شد؟

جواب: استاد شده میتواند و هیچ گناه در آن نخواهد بود (۱).

یادگشتن از صفِ اطفال پیش رفته میتواند یاخیر: **سوال:** (۱۲۰۳) درصِفِ پیش پنج شش

(۶-۵) نفر است و صف دوم از اطفال است که در آن پانزده یا شانزده بچه است یعنی صف بچه ها صف مردهارا از طرف راست و چپ فرا گرفته حلاکه کدام شخص میاید بدون گذشتن از پیش روی صف اطفال درصِفِ اول شامل شده نمیتواند برای وی چه کردن مناسب است؟

جواب: درین صورت شخص آمده از پیش روی صف طفلها بگذرد و درصِفِ مردها شامل شود (۲) فقط.

مقتدیها در جماعت با چسپاندن شانه ها استاد میشوند یا با چسپاندن پاها: **سوال:**

(۱۲۰۴) مقتدیها در نماز به چسپاندن شانه به شانه که اسباب میشوند یک صاحب میفرماید که چسپاندن پای بابای نیز لازم است آیا در مذهب حنفی حکم این است یانه؟

جواب: در حدیث شریف حضرت پاک ﷺ حکم چسپاندن شانه ها و برابر کردن صف هارا فرموده اند و حکم سیده کردن بجلک ها است ازین غیر مقلدها حکم چسپاندن بجلک به بجلک را پنداشته اند این در ظاهر از آنها غلط فهمی شده و اصل این است که حکم یکجا کردن شانه ها در حدیث صحیح وارد شده لهذا این سنت است هرگاه همه مردان شانه نه هارا بچسپانند بجلک های یکجا شده نمیتواند چنانچه تجربه گوره این است بهمین خاطر از بعض صحابه که الصاق کعب منقول است معنای آن برابر کردن و سیده کردن است یعنی همه مردان صف در یک

(۱) ولو وجد فرجة فی الاول لا لثانی له فرق الثانی لتقصیرهم ولی الحدیث من سدرجة غفرله (در مختار) من لَمْ یَلَمْ فی آخر صف و بینة و بین الصفوف مواضع خالیة للثانی ان یمشی بین یدیه لیس الصفوف لانه اسقط حرمة نفسه فلا یأثم المار بین یدیه ، دل علیه ما فی الفردوس عن ابن عباس عه صلی الله علیه وسلم (من نظر إلی فرجة فی صف فلیس بها بنفسه ، لأن لم یفعل امر ما فلیحیط علی رقبته فانه لا حرمة له) فی فلیحیط المار علی رقبته من لم یسد الفرجة . (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۰) . ظفر

(۲) لوجود فرجة فی الاول لا لثانی وله فرق الثانی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۰) .

راسته باشند نه لیسکه پاها و بجلک ها پس و پیش باشد (۱)

حدود شرعی اقتداء چیست: سوال: (۱۲۰۵) برای اقتداء کدام حدود شرعی مقرر است؟ در صورت های کتبی ذیل کدام یک صورت کدام یک جائز نیست؟ (۱۲۰۶) (۲) امام درجای بلند هست و مقتدیا پائین است خواه بطرف راست خواه بطرف چپ و خواه بستر برای این دو صورت است یکی اینکه به امام نزدیک باشد خواه در میان دیوار و غیره حائل باشد یا نه؟ دوم اینکه از امام دور باشد دیوار حائل باشد یا نه؟

سوال: (۱۲۰۷) (۳) امام درجای پائین هست و مقتدیان بالا هستند این را حسب بال اچهار شکل است: **سوال:** (۱۲۰۸) (۴) بخش فرش بالین اکثر خانه های این منطقه افریقا و از چوب هست و پائین آن تازمین کم و بیش به اندازه قد انسان مجوف یعنی (قد) میباشد در چنین صورتهای مقتدیا در بخش پائین جماعت خانه استاد شده میتواند یا نه؟

سوال: (۱۲۰۹) شخص ساکن پیوسته به مسجد و یا درواز مسجد لاکن چنان که تکبیرات انتقالات و غیره را شنیده میتواند چنین شخص درجای خود اقتداء کرده میتواند یا نه؟ در کدام یک صورت از مریض (بیمار) معذور یا مقیم کدام یک از این صورتهای ازجواز است؟

جواب: (۱-۲) اگر امام تنها درجای بالا یا پائین باشد مکروه است و اگر به همراه امام تعداد مقتدیا باشند باز در هیچ حالت کراهت نیست دور و نزدیک هر دو درست است بشرطیکه صفها پیوسته باشند در درمختار است: کمالو کان مع بعض القوم فی الاصح (۱).

جواب: (۳) درین نیز همین جواب است که اگر به همراه امام بعض مقتدیا باشند در حصه پائین استادن و اقتداء کردن درست است (ببیند حواله ماقبل را، ظفیر). فقط

جواب: (۴) از خانه اقتداء امام را که در مسجد است کرده نمیتواند اما در صورت اتصال صفها

(۱) عن النعمان بن بشیر قال: کان رسول الله ﷺ یسوی صوفیاً حتی کانما یسوی بها اللداح حتی رای أنما قد علقنا عنه ثم خرج یوما فقام حتی کاد أن یکرر فرأی رجلاً یأدبها صدرة من الصف فقال: عباد الله لیسون صوفیاً کم أو لیخافن الله بین وجوهکم. رواه مسلم (مشکوٰۃ باب تسویه الصف ص ۹۷) وعن ابی سعید الانصاری قال کان رسول الله ﷺ یسمح مناکبنا فی الصلاة ویقول استروا (یعنی) وما روی الصفا الکتاب أبید به الجماعة ای قام کل واحد بجانب الآخر (رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۱۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۴) ظفیر.

(۲) الفتر المختار علی هامش رد المحتار باب ما یلحق الصلوة وما یکره فیها ص ۶۰۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۶۴۵) ددی شیعہ مخفی دعا بارت دی: و کره تریع الخ و انفراد الامام علی الدکان لیس و قدر الارتفاع بذراع ولا یاس بها دونه الخ و کره عکسه فی الاصح و هذا کله عند عدم الحفر الخ فلو لأموا علی الرفوف والامام علی الارض او فی المحراب لتعین المکان لم یکره کما لو کان مع بعض القوم بعضاً. ط.س. ج ۱ ص ۶۴۶. ظفیر الدین.

کہ از مسجد ناخانه بطور عادی صفهای مقتدیا باشد درین صورت اقتداء درست است (۱) فقط.

دریس امام چطور مردم استاد شوند: سوال: (۱۲۱۰) درپس امام استاد شدن مقتدیا چگونه

مناسب است؟ کسیکه پیش امد خواه از علم دین خبر باشد یا بی خبر باشد؟

جواب: نزدیک به امام استاد شدن اهل علم و اهل عقل بهتر است لکن اگر نزدیک به امام

مردم نماز گذار دیگر آمده باشند ضرورت دور کردن آنها نیست زیرا به هرحال نماز میشود

(۲) فقط.

مطلب الصاق کعبین چیست: سوال: (۱۲۱۹) الصاق کعبین یعنی مراد چسپاندن بجلک یکپا

بهمراه بجلک پای دیگر است یا در محاذات داشتن است؟ غرض اینکه مراد و مطلب الصاق

کعبین چیست؟

جواب: درباره صفة الصلاة شامی این عبارت نیز موجود است کہ مطلب از آن الصاق کعبین

حاصل میشود: وینفی ان یكون بينهما مقدار اربع اصابع الید لانه اقرب الی الخشوع هکذا روی

عن ابی نصر الدی بوسی انه کان یفعله کذا فی الکبری وماروی انهم الصقوا الکعب بالکعب اريد

به الجماعة ای قال گل واحد بجانب الاخر کذا فی فتاوی سمرقند (۳) پس امکان دارد کہ مراد

از الصاق کعبین در محاذات داشتن یک بجلک به بجلک دیگر باشد به گونه کہ درباره مقتد

یها الصاق کعب بالکعب در آثار صحابه آمده است فقط.

وقتی بهمراه امام یک شخص باشد و دیگر بیاید چه کند: سوال: (۱۲۱۲) اگر بهمراه امام

تنها یک مقتدی نماز میخواند و یکی دیگر بیاید و یا صف جماعت مکمل پر شود و یک نماز خوان

پسان بیاید بالای وی کش کردن یک مقتدی از صف اول لازم است؟ و یا تنها جائز است؟

(۱) و يمنع من الافداء صف النساء الخ وطریق بحری فیہ عجلة الخ او نهر بحری فیہ السفن او حلاء فی الصحراء یسح صغیر فاکثر الا اذا اتصلت الصلوف فیصح مطلقا (ایضا) ط.س. ج ۱ ص ۵۸۴. ظفر

(۲) استاد شدن درپس خوفنا حق کسی است کہ پیش بیاید زیرا کہ امام را در وسط داشتن حکم است قال علیه السلام توسط امام وسدوا اخل رمی استری جانباه یقوم عن یمن الامام ان اسکانه باز رفتی صف پوره شود دیگر را نیز از کش روی امام شروع خواهد شد ولو یجد عالما یقف خلف الصف یحناه للضرورة لکن اگر مردم دیگر اهل عدم را ترجیح بدهد و بجای خود آنها را استاذ نمایند این فعل نر درست است بلکه مطلوب است وان سبق احد الی الصف الاول فدخل رجل اکبر سنا او اهل علم یعنی ان یأخر و یقدمه تعظیما له این عبارت است ربه تفصیل رد المحتار باب الامة مطلب فی جواز الاثار بالقرب صفحه ۵۳۲: جلد ۱. و ابیندوان سبق احد الی الصف الاول فدخل رجل اکبر سنا او اهل علم یعنی ان یأخر و یقدمه تعظیما له این عبارت است ربه تفصیل رد المحتار باب الامة مطلب فی جواز الاثار بالقرب صفحه ۵۳. جلد ۱. را ببیند.

(۳) رد المحتار باب صفة الصلوة بحث قیام ص ۴۱۴ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۴۴۴. ظفر

جواب: اگر بہمراہ امام یک مقتدی باشد باز دیگر بیاید بہتر این است کہ مقتدی پیشین پس شود و ہر دو درپس امام استاد شوند اینجا این شرط را نوشتہ اند کہ اگر اندیشہ فاسد شدن نماز این مقتدی نباشد وی پس شود ورنہ پس نشود ازین ثابت شد کہ ضرورت پس شدن وقتی است کہ این ثابت باشد کہ وی پس خواہد شد و این مسئلہ برایش معلوم باشد ہمین قسم حکم استادن پستر ازصف است اگر کدام شخص بہ پس کردن وی بدون تکلیف پس شود چنین بکند ورنہ جدا تنہا استاد شود چنانکہ تفصیل موضوع درشامی مذکور است۔

فلیراجع والذی یظہر انہ ینفی للمقتدی التاخیر اذاجاء ثالث فان تاخر والا جذبہ الثالث ان لم یغش فساد صلوٰتہ فان اقتدی عن یسار الامام یشیر الیہا بالتاخیر وهو اولی من تقدمہ لانہ متبوع (الی) وهذا کله عند الامکان والاتمین الممكن (۱) الخ۔ ولی الدر المختار ولو صلی علی رفوف المسجد ان وجد فی صحنہ مکانا کرہ کقیامہ فی صف خلف صف فیہ فرجۃ (۲) الخ از عبارت در مختار این واضح است کہ تنہا استادن یک مقتدی در پشت سر صف در وقتی مکروہ است کہ در صف پیش جای باشد مفہوم آن این است کہ اگر صف پیشتر باشد پستر جدا استاد شدہ میتواند بلی بہتر این است کہ یک نفر از صف پس برود و اگر این شخص آمدہ گی یک شخص را از صف پیش کش کند این ہم جائز است بہ این کار نماز فاسد نمیشود فی الشامی: لوجذبہ اخر فتاخر الاصح لا تفسد صلوٰتہ (۳) الخ۔

بہ سبب مجبوریّت در مدرسہ پائین اقتداء درست است یا نہ: سوال: (۱۲۱۳) درمسجد

جامع امام برای نماز دادن استاد شد و ہمہ مسجد از نماز خوانہا پرتشد و یک صف بیرون بالای فرش نیز جور شد باران شروع شد کسانیکہ در پشت سر باقیماندہ آنها بہ سبب باران مسجد را

(۱) ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۳۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸ ، اینکه گفت هذا الامکان والاتمین الممكن مطلب آن اینست کہ اگر جای پس رفتن مقتدی باشد باز خود مقتدی پس شود و اگر جای پس شدن نباشد باز پیش بردن امام مناسب است و اگر گنجایش این نیز باشد مقتدی دیگر بطرف چپ امام استاد شود کمی پستر بہ گونه کہ مقتدی اول استاد است واللہ اعلم ظہر الدین غفرلہ۔

(۲) ردالمحتار مطلب فی کراہۃ لہام الامام فی غیر المحراب ص ۵۳۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸ ، ظہر

(۳) ویقف وسطا (درمختار) ولی مبسوط بکر: السنۃ ان یقوم فی المحراب لیمتدل الطرفان ولو قام فی احد جانبی الصف یکرہ ولو کان المسجد الصغری بحسب الشوری وامتلا المسجد یقوم الامام فی جانب الحائط لیسوی القوم من جانبہ الخ قال رحمہ اللہ توسطوا الامام الخ فی موضع اخر السنۃ ان یقوم الامام ازاء وسط الصف (رد المحتار باب الامامۃ ص ۵۳۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸) وکیفہ ان یقف احدهما بحفانہ والاخر یمینہ الاکان الزائد الثین ولو جاء ثالث وقف عن یسار الاول والرابع عن یمین الثاني والخامس عن یسار الثالث وهكذا اھ (ایضا ص ۵۲۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸)۔ ظہر۔

ترک نموده در مدرسه استاد شدند که در زیر فرش واقع است گویا از مقتدیهای دیگر فاصله آنها آمد نماز آنها شد یانه و در حالت چنین مجبوریست این عذر قابل شنیدن خواهد بود یانه؟

جواب: دردمختار این روایت است که مسجد بسیار کلان که حکم صحرار ادا دارد اگر در آن فاصله یک صف و یا زیاد از آن بایست نماز گذاران پشت سر استاده گان نخواهد شد لکن شامی نقل کرده که این حکم مسجد کلان است و حکم مسجد عادی این نیست در آن در حالت ذکر شده نماز آمردم خواهد شد که در مدرسه ذکر شده نماز خوانده اند و بسیار روایتها را چنان نقل فرموده است که از آن جواز ثابت میشود لهذا در حالت چنین مجبوریست به همین روایات عمل خواهد شد و حکم صحت نماز کرده خواهد شد البته بدون ضرورت چنین کرده نشود و درین احتیاط کرده شود فقط.

آیا جد از پیش روی محراب جماعت کردن مکروه است: سوال: (۱۲۱۴) بالای فرش بیرون مسجد هر جا که میخواید جماعت فرض را اداء کند مثلاً در موسم گرمی بالای فرش مسجد کلان به سوی سایه و در زمستان در آفتاب یک صاحب این را میگوید که اداء کردن جماعت فرض روی محراب بالای فرش و صحن مسجد لازم است و خلاف محاذ محراب اداء کردن جماعت فرض صحیح نیست؟

جواب: در شامی است: السنة ان يقوم فی المحراب ليعتدل الطرفان ولوقام فی احد جانب الصف يكره ولو كان المسجد الصفي بجانب المشتري واما المسجد يقوم الامام فی جانب الحائط ليستوی القوم من جانبه والاصح ماروی عن ابی حنیفه (رح) انه قال اكره ان يقوم بين العبارتين اوفی رواية اوفی ناحية المسجد اوالی ساریة لانه خلاف عمل الامة (۱)

الخ از همه این عبارته معلوم میشود که سنت برای امام استاد شدن در محراب و میان قوم است لهذا اگر بالای فرشی صحن بیرون استاد میشوند نیز روی محراب استاد شود باقی نماز بهرحال میشود لکن طریقه (سنت) همین است که ذکر شد.

(۱) و یقف وسطاً (در مختار) ولی موقوف بکر: السنة ان يقوم فی المحراب ليعتدل الطرفان ولو قام فی احد جانب الصف يكره ولو كان المسجد الصفي بجانب المشتري واما المسجد يقوم الامام فی جانب الحائط ليستوی القوم من جانبه الخ قال رحمه الله توسطوا الامام الخ فی موضع اخر السنة ان يقوم الامام ازاء وسط الصف ورد المختار باب الامامة ص ۵۳۱ ج ۱ . ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸ و کتبته ان یقف احدهما بحداته والاخر یبینه اذا كان الزائد الثین ولوجاء ثالث وقف عن یسار الاول والرابع عن یمن الثاني والخامس عن یسار الثالث وهكذا اید (ایضا ص ۵۳۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸). ظفر

در جماعت صفها بھر دو طرف امام یکسان باشند: سوال: (۱۲۱۵) (۱) مشهور است کہ در جماعت مقتدیان زیاد تر به طرف راست استاد میشوند کدام ثبوت آن هست؟
و یا به هر دو طرف یکسان استاد شوند؟

چون یک طرف صفین زیاد باشد لحاظ کردن مابین صفین مناسب است: سوال: (۱۲۱۶) (۲) اگر صفین مسجد به یک طرف ده دوازده دست زیاد باشد حالا بالای امام باعتبار صفین استاد شدن در میان لازم است و یا لحاظ کردن محراب لازم است؟

اگر بیرون جماعت میشود آیا بند کردن داخل ضروری است: سوال: (۱۲۱۷) (۳) در بسیار جاهای پنجاب دیده شده کہ اگر جماعت در صحن میشود دروازه های داخلی مسجد را بطور لازمی بند میکنند شرعاً ثبوت این ہم است یا نه؟

جواب: (۱) برابر بودن هر دو طرف مقتدیا مناسب است (۱).

جواب: (۲) وقتی بیرون استاد باشند لحاظ میان صفین کرده شود (۲).

جواب: (۳) بند کردن دروازه های داخل درین وقت ضروری نیست.

آفتاب در سایه درستی است یا نه: سوال: (۱۲۱۸) در مسجد یک قریه در سایه نماز خوانده میشود و چون بالای فرش آفتاب میباشد بعض مردم همه فرش را ترک کرده در فاصله چهارده پانزده گز در سایه درختا در نماز شریک میشوند و نیت بسته میکنند درین صورت نماز آنها میشود یا نه؟

جواب: نماز آنها صحیح است (۳) فقط، (اما چنین کار مناسب نیست صفها پیوسته باشد مگر راه نجات از آفتاب ضرور است بخاطر اینکه برای نماز گذاران تکلیف نباشد. ظفیر

اقتداء امامیکه حائض معلوم نباشد درست است یا نه: سوال: (۱۲۱۹) در صفحه ۱۵۳ جلد اول خلاصه الفتاویٰ آمده: ولواقتدی بالامام ولایدری انه مقیم اومسافر لایصح اقتدائه این مسئله معمول بها هست یا چطور؟

(۱) مقصد این است کہ در سایه کدام درختهای اقتداء نماز را به فاصله پانزده گز میکنند اگر در مسجد و یا در فناء (حدود) مسجد باشد نماز درست است فناء المسجد کالمسجد لیمح الاقتداء وان لم یصل الصفوف (الاشیاء والنظائر لن ثانی، کتاب الصلاة ص ۱۹۷). ظفیر

(۲) یعنی ظفیر

(۳) البدو المختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة المسافر ص ۷۴۰، ط.س. ج ۲ ص ۲۹، در نقل کردن عارت تقدیم وتاخیر است و این را بخاطر واضح کردن مطلب کرده است. ۱۲ ظفیر.

جواب: چیزیکہ دردرمختار ازخانیہ وغیرہ نقل کردہ آن موافق این روایت خلاصہ است لاکن جواب آنرا چنین داده اند کہ معلوم شدن حال امام درہمہ نماز ضرور است معلوم شدن ابتدائی شرط نیست بہ ہمین سبب این آگاہی امام کہ من مسافر ام واستحب نوشتہ اند عبارت درمختار این است: وندب للامام ان يقول بعد التسليمين في الاصح اتموا صلوٰتکم فانی مسافر ہذا یخالف الخانیہ وغیرہا ان العلم بحال الامام شرط لکن فی حاشیۃ الہدایۃ للہندی الشرط العلم بحالہ وفي الجملة لافي حال الابتداء الخ.

شرکت بچہ ہای بی ریش درصاف اول: سوال: (۱۲۲۰) درصاف اول استاد شدن بچہ ہای بی ریش چگونہ است؟

جواب: استاد شدن بچہ ہای درپشت سرمردها مناسب است لاکن اگر یک بچہ باشد برایش استاد شدن درصاف مردها درست است دردرمختار است: ثم الصبيان ظاہرہ تعدد ہم فلر واحد ادخل الصف وهكذا فی الشامي (۱).

زن خود یازنہای محرم دربرابر استاد شدہ میتواند یانہ: سوال: (۱۲۲۱) زنہا یکہ ازمحرمات ہستند آنہا یا ہمسر خود کہ در برابر اقتداء کنند نماز مکروہ میشود یانہ؟

جواب: زنہا اگر چہ ازمحرمات باشند درجماعت انہا نیز برابر استادانہ شوند بہ این کار نماز مرد فاسد (۲) میشود.

وقتی امام دردالان باشد ومقتدبہا درصحن باشد آیا این مکروہ است: سوال: (۱۲۲۲)

زید میگوید کہ اگر امام در دروازہ ہای سقف اول بہ محاذات محراب استاد باشد ومقتدبہا درصحن استاد باشند نماز مکروہ خواہد بود زیرا یکجا شدن امام واموم درمقام واحد مناسب است واینجا فرق شتوی وصفی (زمستانی وتابستانی) است بکر میگوید کہ بلا کراہت درست است زیرا صحن مسجد عین مسجد است شتوی اوصیفی کبقعۃ واحدة است ومفہوم عبارت در مختار نیز ہمین است ولم یختلف امکان حقیقۃ کمسجد واز عبارت عالمگیری نیز ہمین فہمیدہ میشود وانما قام علی الحذار الذی بین دارہ وبين المسجد ولا یشبہ حال الامام صح الاقتداء ایضا

(۱) الفہر المختار علی ہاشم ودالمختار باب الامامۃ ص ۵۳۴ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۱، ظہیر

(۲) اذا حالہ ولو بعض واحد امراء ولو امة مشنہاء الخ ولا حائل بہیما الخ فی صلاۃ مطلقۃ مشترکۃ الخ تحریمۃ واداء فسدت صلاۃ لو مکلفا (والا لا، درمختار) لوہ ولو امة الخ ولعلہا ولو امة وعبارتہ فی الخزانہ ولو معرفۃ اوروجہ (ودالمختار باب الامامۃ ص ۵۳۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۲ - ۵۷۳)، ظہیر

جواز الاقتداء لمن فی بیتہ امام المسجد شرعاً حکم چیست؟

جواب: درباب الامامة جلد اول شامی است: والاصح ما روى عن ابو حنيفة رحمه الله انه قال: اكره ان يقوم بين الساترين (۱) الخ پس اگر امام در دروازه به این طور استاد باشد که قدمهایش نیز داخل باشد و مقتدی هابالای فر باشند این مکروه است به گونه که استاد شدن امام در محراب مکروه است و اگر قدم هایش بیرون بالای فرش باشد کراهت مرتفع است و این صحیح است که مسجد مسقف و غیر مسقف یعنی فرش مسجد این همه مسجد است و اگر امام محاذی به محراب در فرش غیر مسقف استاد باشد و مقتدی ها نیز بالای فرش استاد باشند درین کدام کراهت نیست کما هو معمول الائمة فی الصیف پس برای امام در استادان در دروازه در حکم محراب خواهد بود و استاد شدن در درون محراب برای امام مکروه است گرچه اشتباه نباشد مگر درین تشبه به اهل کتاب است و این علت دوم کراهت است و بر مبنای این علت حالی اشتباه و عدم اشتباه امام مساوی است. (۲)

یک شخصی در آخر نماز آمد و در صاف جای نیست وی چه کند: سوال: (۱۲۲۳) چه میفرماید علماء دین درین مسئله که زید وضوء کرد و برای شریک شدن در جماعت رفت و در صاف جا باقی نیست و نزدیک است که امام به هردو طرف سلام بگر داند زید درین حالت چه کند؟

جواب: در پشت سر استاده شده در جماعت شریک شود (۳).

وقتی مقتدیهها تنهاییه یک جانب اما استاد میشوند و به جانب دیگر استاد نمیشوند چه حکم است: سوال: (۱۲۲۴) اگر مقتدیهها به طرف راست امام استاد میشوند و به طرف چپ هیچ کس نباشد علی هذا القیاس همچنان به طرف چپ شود در نماز که کدام قصور نخواهد آمد؟

جواب: امام در میان صف استاد شود این سنت است اگر همه مقتدیهها به یک جانب استاد میشدند نماز صحیح شد مگر بهمراه کراهت السنة ان يقوم فی المحراب لیعدل الطرفان ولو قام فی احد

(۱) ودامختار باب الامامة مطلب فی کراهة الامام فی غیر المحراب من ۵۳۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۴۵. ظفر

(۲) وكره الخ قيام الامام فی المحراب لاسجوده فيه ولقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقاً وان لم يشبه حاجل الامام ان علل بالتشبه وان بالاشباه فلا اشباه فی نفی الكراهة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یكروه فیها ص ۱۰۰۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۱۴۵. ظفر.

(۳) وان لم یصح حتی ركب الامام یختار اعلم الناس بهذه المسئلة فیجذبہ ويقفان علیه ولولم یجد عالماً یقف خلف الصف یحذاء الامام للضرورة، ولو وقف منفرداً بغير عتر تصح صلوة عدنا. شامی ص ۵۳۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸. ظفر

جانبی الصف یکره کذا فی الشامی (۱).

اقتداء امام مسجد در چنان جادریست نیست که در میان آنها راه حائل باشد: سوال:

(۱۲۲۵) در میان مسجد و آنجا که برای مسجد وقف است راه و کوچه رفت و آمد مردان قریه واقع است در مکان مذکور نماز میشود یعنی وقتی به جماعت نماز خوانده میشود کدام نماز خوانی که درین مکان باشد اقتداء آنها به امام مسجد درست است یا نه؟

جواب: اگر در میان این جای و مسجد راه حائل باشد و در راه صف استاد نباشد اقتداء درست نیست لاختلاف المكان کذا فی الشامی (۲) فقط.

استاد شدن امام در میان ستونها چطور است: سوال: (۱۲۲۶) اگر در میان ستونهای مسجد

استاد میشود و نماز میدهد آیابه دلیل مشابهت قیام فی المحراب در نماز کراحت خواهد بود یا نه؟
جواب: در شامی است: فی معراج الدرایه من باب الامام الاصح ماروی عن ابی حنیفه انه قال: اکره للامام ان يقوم بین السارتین (۳) الخ ازین ثابت شد که استاد شدن در میان دو ستون مکروه است فقط.

زن غیر بهمراه برقع (جادری) اقتداء کرده میتواند یانه: سوال: (۱۲۲۷) (۱) بهمراه

همسر خود به جماعت نماز خواندن درست است یا نه؟

سوال: (۱۲۲۸) (۲) زن غیر بهمراه برقع اقتداء کرده میتواند یانه؟

جواب: (۱) درست است فی الدر المختار اما اذا كانا معهن واحده ممن ذکر او امهnen فی المسجد لایکره (۴) لکن وی راپشت سر استاد کند و بهمراه خود یکجا استاده اش نه کند (۵).

جواب: (۲) اگر کدام زن محرم هم باشد مانند زن خود، یا خواهر و غیره پس غیر (یعنی پرده) زن

(۱) ردالمحتار المختار باب الامامة ص ۵۳۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸. ظفر.

(۲) ولوالفدی من سطح داره المتصلة بالمسجد لم یجز لاختلاف المكان. ددی شحه مخکی دی: وینع من الاقتداء الخ فی طریق تجری لبه عجلة الخ او نهر تجری لبه السفن الخ او غلاء فی الصحراء الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۸۶) ظفر.

(۳) ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۸. ظفر.

(۴) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة ص ۵۴۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶. ظفر.

(۵) المرأة اذا صلت مع زوجها فی البیت ان كان قد معها بعضه قدم الزوج لا تجوز صلاتهما بالجماعة وان كان قد معها خلف قدم الزوج الا انها طويلة تقع رأس المرأة فی السجود قبل رأس الزوج جازت صلاتهما لان العبرة بالقدم (ردالمحتار باب الامامة ص ۵۳۵ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۷۳) ظفر.

نیز بہمراہ برقع اقتداء کردہ می‌تواند (۱) فقط.

سیدہ گردن صفحا چطور است: سوال: (۱۲۲۹) سیدہ کردن صفحا چطور است؟

جواب: سیدہ کردن صفحا سنت است بسیار تاکید آن آمده است (۲) فقط.

مقتدی رکوع وسجود را یکجا بہمراہ امام خواهد کرد وبابہمراہ توقف: سوال: (۱۲۳۰)

مقتدی یکجا بہ ہمراہ امام ہنیت خود را از رکوع بہ سجده وغیرہ بدل میکند وباعد از امام یعنی

وقتیکہ امام از قومه بہ سجده رفت مقتدی نیز بہ ہمراہ امام سجده خواهد کرد وباسان تر یعنی

برای مقتدی معطل شدن ضرور است یاخیر؟

جواب: برای مقتدی توقف ضرور است بخاطر اینکه تکبیر وغیرہ مقتدی پیش از تکبیر وغیرہ

امام نشود (۳) کماہر المشاہد فقط.

بایکجا استاد شدن بہمراہ امام نماز میشود یا نہ: سوال: (۱۲۳۱) یک شخص آن طرف

صف شد و برابر بہ امام استاد شد درین صورت نماز میشود یاخیر؟

جواب: نماز آن شخص نیز میشود کہ برابر بہ امام استاد باشد بہ شرطیکہ از امام پیش نشود

قدمہا پستر باشند بدون ضرورت چنین کردن خوب نیست کہ از صف بیرون شدہ وجدا برابر

بہ استاد شود (۴) فقط.

اقتداء در مکان دیگر درست است یا نہ: سوال: (۱۲۳۲) در احاطہ مسجد جامع دوکانہا است

وبالایش مدرسہ است ومدرسہ پیوستہ بہ صفہ مسجد است ویک کلکین دومحاذات مسجد

ہست درین صورت بہ سبب باران وگرمی کہ کسی صفہ مسجد میکند و(بالا) در مدرسہ نماز

میخواند اقتداء آنها صحیح است یا نہ؟

جواب: در شامی بعد از نقل کلام طویل واختلافات در تحقیق این مسئلہ نوشتہ اند: ویو البدائع

حیث قال: لو کان علی سطح بجنب المسجد متصل بہ لیس بینہما طریق فاعتدی بہ صح اول عندنا

(۱) کما نکرہ امامۃ الرجل لہن فی بیت لیس معہم رجل غیرہ ولا محرم منہ کاخۃ نوزوجتہ اوتہ، اما اذا کان معہن واحد من ذکر اوامہن فی المسجد لایکرہ والدیر المختار علی ہامش ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۲۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۶. ظہیر

(۲) قال رسول اللہ ﷺ: سوا صلوکم فان تسویۃ الصفوف من امامۃ الصلوۃ ولی رواہ عباد اللہ لیسون صلوکم اولی الخالفن اللہ بین وجوہکم (مشکوۃ باب تسویۃ الصفوف فصل اول ص ۹۸). ظہیر

(۳) قال النبی ﷺ، انما جعل الامام لیزوم بہ (مسلم). ظہیر.

(۴) ولولہام واحد بجنب الامام وعلفہ صف کرہ اجماعا (ردمختار) ای للمؤتم لیس علی الامام منہا شیء ویخلص من الکراہۃ بالفقہری الی علف لم یکن حیفا علی طاهر الخ ردالمحتار باب الامامۃ ص ۵۳۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۷. ظہیر

لانه اذا كان متصلاً به صار تبعاً لسطح السجد (۱) الخ ازين روايت واضح شد كه در صورت مسئله در مدرسه مذكوره اقتداء نماز خوانان صحيح است فقط.

بعد از نماز دادن به امام معلوم شد كه ضرورت غسل بود حالا چه كند: سوال: (۱۲۳۳) به يك امام بعد از دادن نماز صحيح ثابت شد كه به وي ضرورت شكل بود حالا وقت برآمده بود حالا چه كردن لازم است؟

جواب: بعد از غسل كردن خودش نيز نماز بخواند و برای هر كدام از مقتديانش گر خبر داده ميتواند خبر بدهد كه آنها نيز اعاده نماز را بكنند (۲).

فصل خامس

پيروی امام ومساائل ديگر

مقتديان بعد از پوره كردن درود دعاء سلام بگرداند يافوراً بهمهراه امام: سوال: (۱۲۳۴) در قعه اخير مقتدی ها يكجا بهمهراه امام سلام بگرداند و يا مقتديها با پوره كردن باقيمانده درود و دعاء خود سلام بگرداند؟

جواب: بهمهراه بگر داند البته اگر از كدام مقتدی چیزی از تشهد يعنى التحيات باقى بماند بعد از مكمل كردن آن سلام بگرداند در شامى است: والحاصل ان متابعة الامام فى الفرائض والواجب من تاخير واجبة فان عارضها واجب لا ينفى ان يقوت بل يادى به ثم يتابعه كما لو قام الامام قبل از المقتدى التشهد فانه يتمه ثم يقول الخ بخلاف ما اذا عارضا سنة (۲) الخ.

بد دعا كردن امام به مخالف خود چطور است: سوال: (۱۲۳۵) امام يك مسجد بعد از نماز فرض در دعاء بر مينای مخالف دعوائى شخصى خود به فريق ثانى بد دعا (دعايد) ميكند و بالای مقتديها آمين ميگويد اين فعل وى چگونه است؟ و اين شخص اولی بالای است يانه؟

جواب: اگر دعاهاى ماثوره را اين قسم بگويد كه دران بالا جمال برای دشمنان دعاء بد باشد در آن كدام حرج نيست و بانام گرفتن خاص على الاعلان وبالجهر دعا كردن خوزب نيست بالای

(۱) رد المحتار باب الامامة ص ۵۴۹ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۸۶ . ظهير

(۲) اذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في رأي مقتد بطلت له لزوم اعادتها لتضمنها صلاة المؤمن صحة وفسادا كما يلزم الامام اخبار القوم اذا اهمم وهد محدث اوجب الخ (التر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة قبل المواضع التي تنفس صلاة الامام دون المؤمن ص ۵۵۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱). ظهير

(۳) رد المحتار باب صحة الصلاة مطلب مهم في تحقيق التابعة للامام ص ۴۳۹ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۷۹ ط

مقتدیها لازم است کہ بہ آن آمین نگوید و چنین شخص کہ مردم از وی نفرت میکنند احق بالامامت نیست بلکہ در کتابہای فقہ است کہ اگر بسبب افعال بدیک امام نماز گذار از امامت وی کراہت میکند امام شدن وی مکروہ است و نماز درس وی مکروہ است لحدیث ابی داود: لا یقبل اللہ صلوة من تقدم قوماً وهم له کارهون الحدیث کذا فی الدر المختار (۱) فقط.

دوامام دریک مسجد: سوال: (۱۲۳۶) در حالت جنگ دریک مسجد بودن دوامام جائز است یا نہ؟

جواب: اگر دو امام برای این باشد کہ بعض مردم را یک امام نماز بدهد و باز ہمین نمازرا امام دیگر برای مردم دیگر بدهد این مکروہ است (۲) فقط (و اگر منشأ این باشد کہ هر دو امام را توظیف باشند کہ گاهی یکش نماز خواهد داد و گاهی بہ سبب ضرورت آن دیگر گنجایش این هست. ظفیر).

نماز دولباسی ناپاک: سوال: (۱۲۳۷) زید کالای ناپاک خود را بخاطر پاک کردن بہ یک شخص داد وقتی آنرا پاک کردہ آوردش زید آنرا پوشید و نماز خفتن را داد بعد از فارغ شدن دید کہ کالاهمانگونہ ناپاک است لکن بخاطر شرم هیچ نہ گفت یک چند سال بعد در فکر زید آمد کہ نماز فلان وقت باطل شدہ بود و در آن مقتدیها نیز بسیار بودند حالا برای زید چہ کردن لازم است؟

جواب: اگر آن پلیدی از شستن باقیمانده باشد و در مقدار مانع عن الصلوة بود اعادہ همان ضروری (۳) است و کدام مقتدیها کہ بہ یادش میآید اطلاع کردن بہ آنها ضرور است، فقط.

امامت حالت ناپاکی و احکام متعلق بہ آن: سوال: (۱۲۳۸) بالای یک شخص غسل واجب بود و امام شد و نماز داد بعد از گذشت چیزی وقت بہ یادش آمد و قضاء نماز را گشتاند و بہ مقتدیها اطلاع نداد نماز مقتدیها شد یا خیر؟

(۱) الدر المختار علی هامش رد المختار باب الامامت ص ۵۲۲ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۵۹. ظفیر

(۲) و لو صلی بعض اهل المسجد بالامامة و جماعة لم دخل المؤذن والامام و بلیة الجماعة فالجماعة المستحبة لهم و الکراهة للاولی (عالمگیری الباب الثانی فی الاذان ص ۵۱ ج ۱، ط. ماجدیه. ج ۱ ص ۵۴). ظفیر

(۳) النجاسة انکانت غلیظة و هی اکثر من قدر الدرهم فلعنہا لفریضه و الصلوة فیها باطلة (عالمگیری کشوری ص ۵۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۶)

(۴) کما یلزم الامام اخبار القوم اذا مهم و هو محدث اوجب اولاد شرط اوزکن و هل علیهم اعدائنا ان عدلا نعم والا نذبت (الدر المختار مجتبی. باب الامامة ص ۸۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱). ظفیر

جواب: قال فی الدر المختار: كما يلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجب اوقافه شرط اوركن وهل عليهم اعادتها ان عدلا؟ نعم (۱) الخ پس معلوم شد كه برای امام درجین حالت لازم است كه به مقتديها اطلاع بدهد وبعد از اطلاع بالای آنها اعاده این نماز لازم است و اگر اطلاع نشد مقتديان معذور اند بالای آنها كدام مواخذ (گرفت) نیست فقط.

دوباره شهید متابعت امام: سوال: (۱۲۳۹) اگر امام در قعده اولی پیش از فراغ شدن مقتدی از شهید استاد شود بالای مقتدی بعد از تکمیل کردن شهید استا شدن لازم است و در قنوت وتر اگر امام قبل از پوره شدن قنوت به ركوع برود متابعت وی ضرور است وجه فرق درین دو صورت چیست؟

جواب: وجه فرق اینست كه هر قدر دعاء قنوت شد واجب اداء شد و تشهد همه واجب است و این فرق را علامه شامی در تحقیق متابعت و باب الوتر نیز كرده ركع الامام قبل فراغ المقتدی من القنوت قطعه و تابعه (در مختار) قوله قطعة و تابعه لان المراد بالقنوت ههنا الدعاء الصادق علی القليل والكثير وما اتى به كاف فی سقوط الواجب و تكميله مندوب (۲) الخ و فی بحث المتابعة فان عارضها واجب لا یبغی ان یفوته بل یاتی به ثم یتابع كما لو قام الامام قبل ان یتم المقتدی التشهد فانه یتمه ثم یقوم (الی ان قال) فكان تاخیر احد الواجبین مع الاتیان بهما اولی من ترك احدهما باكلية (۳) الخ فقط.

امامیكه به سبب ترك كردن قعده اخير اعاده نماز را كود همگی در آن شریك شده میتوانند: سوال: (۱۲۴۰) (۱) امام قعده اخیر را نه كرد پس از ادا كردن پنج ركعت سلام گشتاند بهمین خاطر اعاده نماز است حال كسانيكه در نماز اول شریك نبودند درین شریك شده میتوانند یا نه؟

قعده اخیر را هم كرد مگر به سبب ترك كردن واجب اعاده میكند درین برای عموم مردم شركت درست است یا خیر: سوال: (۱۲۴۱) (۲) اگر امام بعد از قعده اخیر ركعت پنجم (۵) را خواند و بدون سجده سهو سلام گشتاند و نماز را اعاده كند حالا چنان شخص شریك شده میتواند كه پیش شریك نبود؟

(۱) الدر المختار باب الامامة ص ۸۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱، ظفر

(۲) رد المحتار باب الوتر ص ۹۲۷ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۱۰، ظفر

(۳) رد المحتار باب صفة الصلوة ص ۴۳۹ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۰، ظفر

(۳) **جواب:** (۱) درین صورت نماز وی میشود زیرا این خواشکار است که با ترک کردن قعدہ اخیر فرض آن جماعت اداء نشده بود و اعادہ نماز بالای آنها ضروری است حالا دراین اعادہ اگر کسی دیگر شریک شود مانند فرض آنها فرض وی نیز اداء (۱) خواهد شد.

(۲) **جواب:** درین صورت نماز وی صحیح خواهد بود زیرا درین صورت فرض این جماعت اگر چه ناقص است صحیح است اما در دفعہ اول ادا شد لهذا حالا این نماز دوم نفل خواهد بود و اقتداء فرض خوان در پس نفل خوان صحیح نیست (۲) فقط.

گمک بچہ های یتیم امام: سوال: (۱۲۴۲) یک امام در مسجد قریہ بہ اتفاق اهل قریہ تعین شد تابسیار زمان امامت میکرد تقدیرات الہی بود در حال امامت وفات کرد و چند بچہ یتیم از وی ماند حالا این بچہ های یتیم شرعاً مستحق کدام وظیفہ کہ از طرف بیت المال و یا مردم محلہ بہ پدر آنها دادہ میشد هستند یا نہ؟

جواب: اقول وبالله التوفیق: حکم بیت المال همان است کہ ذکر شد کہ امداد این اطفال را از وظیفہ پدر آنها بکنند و مردم قریہ کہ کدام امداد مرحوم را زاز چندی خود میکردند بالای آنها امداد یتیم ها نیز لازم است و مطابق توان خود امداد آنها را بکنند اگر چه برای آنها ضرورت امام جدید نیز خواهد بود و غالباً انتظام تنخواہ وی رانیز خواهند کرد اگر کدام امام بدون تنخواہ پیدا نشود باز ہم امداد یتیم های مذکور را بالای خود لازم بدانند و کار ثواب بپندارند و ثواب اخر وی (۳) را حاصل کنند.

وضوء امام در نماز شکست و کسی رانہ گفت اعادہ این نماز بالای هریک ضروری است:

سوال: (۱۲۴۳) اگر وضوء امام شکست و درین وقت وی بہ مردم نہ گفت بلکه بعد از رفتن نماز گزاران خودش اعادہ کرد آیا از جانب مقتدیا نیز اعادہ شد؟

جواب: همه مقتدیا و امام اعادہ آنرا بکنند تنها بہ اعادہ امام نماز مقتدیا نخواهد (۴) شد.

(۱) ولو سها عن القعود الاول الخ مالم يلمد ها بسجدة الخ وان قعدھا بسجدة عامداً اوسامياً اوسامياً انحط تحول فرضه فلا يرفع الجبهة عند محمد وبه يفتي (الدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ص ۶۹۸ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۸۳). ظهير

(۲) ولها واجبات لا تنفس بفرکھا و تداو وجوب الخ و کذا کل صلاة ادبت مع کراهة التحريم تجب اعادتها والمختار انه جابر للاول لان الفرض لا يكرر (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب في واجبات الصلاة ص ۴۴۴ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۵۶). ظهير

(۳) قال رسول الله ﷺ من مسح رأس یتیم لم یسحه الا الله کان له بكل شعرة یمر علیها یده حسنة ومن احسن الی یتیمه اوتینم عده کنت انا وهو الی الجنة کما بین وقرن ابن اصبه رواء احمد (مشکوٰۃ باب الشفقة ص ۴۲۳). ظهير

(۴) رانا ظهر حديث امام وکل مفسد فی رأى مقفد بطلت فليزوم اعادتها لتضمنها صلاة الموت. صحة وفساد (الدر المختار على هامش =

اگر بہ کدام سبب نماز جماعت باطل شد تنها اعادہ امام از جانب ہمہ کافی نخواهد بود: سوال: (۱۲۴۴) امام نماز جماعت را داد سہراً قربات را غلط خواند ویابی وضوء ویابی

غسل بود درین صورتها بعد ازخبر شدن بہ غلطی اعادہ این نماز تنها بہ ذمہ امام است ویاہر ذمہ مقتدیا نیز است؟

جواب: در درمختار هست: واذا ظهر حدث امامہ وكذا كل مفسد فی رای مقتد بطلت فلیزم اعادتها الخ کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب (۱) (درمختار) ازین عبارت واضح است کہ اگر نماز امام نشد نماز مقتدیا نیز نمیشود با لای ہمہ اعادہ لازم است.

اگر مقتدی قبل از امام سلام بگرداند چه حکم است: سوال: (۱۲۴۵) در کتاب تذکرۃ الرشید است: کہ اگر مقتدی پیش از امام سلام گشتناند و فارغ شد نماز مقتدی فاسد خواهد شد واز شامی عالمگیری بحرائق وغیرہ معلوم میشود کہ نماز مقتدی بہمراہ کراہت خواهد شد این مسئلہ مصرحاً تحریر فرمودہ شود؟

جواب: این مسئلہ کہ شما آنرا از تذکرۃ الرشید نقل کردہ اید فرع وجوب متابعت امام است زیرا کہ معنای متابعت این است کہ بہمراہ امام ارکان و واجبات را ادا کند ویاہسانتر ازوی ادا کند پیش ادا نکند یعنی تقدیم ممنوع است چنانچہ در شامی در تحقیق متابعت نقل فرمودہ است: نعم تكون التابعة فرضاً بمعنى ان ياتي بالفرض مع امامه او بعده كما لو ركع امامه فركع معه مقارنة او معاقباً الى ان قال: والحاصل ان التابعة في ثلاثة انواع مقارنة لفعل الامام مثل ان يقارن احرامه لاحرامه وركوعه لركوعه وسلامه لسلامه الخ چون درین دو قول است کہ مقتدی کلام وقت از اقتداء امام بیرون میشود در درمختار این را مذهب مشہور نوشتہ کہ کدام وقت امام سلام گفت اقتداء پایان یافت پس موافق بہ این قول در تلفظ سلام تقدیم کردن مناسب نیست ورنہ نماز فاسد خواہد شد و قول دوم این است کہ بہ سلام دوم اقتداء خلاص میشود موافق بہ این قول یکجا گفتن ویاہسانتر گفتن السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ از امام ضرور است اگر پیش خلاص کرد نماز مقتدی موافق بہ این قول فاسد خواہد شد (۲) پس در تذکرہ الرشید احتیاطاً این قول را

= ردالمحتار باب الامامة ص ۳۵۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱. طعیر

(۱) بین الدو المختار مجتہابی باب الامامة ص ۸۶ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱. طعیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب مهم فی تحقیق متابعة الامام ص ۴۳۹ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۰. طعیر

اختیار فرموده باشند: وتنقضی قدوة بالاول قبل علیکم علی المشهور عندنا وعلیه الشافعية خلافاً للکملة (درمختار) حیث صحح ان التحریمة انما تنقطع بالسلام الثاني (۱) شامی. واگر کدام عبادت دیگر در پیش روی شما باشد مارا از آن مطلع سازید فقط.

قطع کردن تنخواه (معاش) به غیر حاضری امام: سوال: (۱۲۴۶) درباره امام صاحب مسجد جامع بمبئی متولیان مسجد این روشن رائج داشته اند که به نماز کدام وقت نباید انرا حساب کرده و تنخواه آن وقت را از وی قطع کنند آیا عند الشرع این جائز است. **جواب:** چنین کردن جائز نیست و این کار خلاف عرف و شرع هردو است (۲) فقط.

فصل السادس

احکام مدرک لاحق مسبوق

مقتدیهها به در رکعت سوم نشستند و امام استاد بود نماز میخواند: سوال: (۱۲۴۷) زید نابینا است و خالد بینا است و هر دو در جماعت شامل شدند وقتی امام رکعت سوم را خواند و استاد شد این هر دو فهمیدند که رکعت چهارم است و در قعدہ نشستند و قیام رکوع رکعت چهارم را کرد در آن وقت اینها فهمیدند که ما غلط شدیم درین وقت خیستند و قیام کرده رکوع کردند و بهمراه امام در سجده شامل شدند و در قیام و رکوع بهمراه امام شامل نشدند برای اینها چه حکم است؟

جواب: اگر زید و خالد جدا رکوع کردند و باز در سجده بهمراه امام شامل شدند باز بعد از اخلاص شدن نماز امام رکعتهای باقی مانده خود را پوره کردند نماز آنها شد (۳) فقط.

امامت مسبوق: سوال: (۱۲۴۸) امامت مسبوق درست است یا نه مثلاً زید نماز میداد بکر در رکعت دوم یا سوم شریک شد چون زید از نماز فارغ شد بکر برای پوره کردن نماز باقی مانده

(۱) بردالمختار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلاة. صفحه ۳۶ و ۳۷. جلد ۱. ۱۲. ظفر.

(۲) وهل یأخذ امام الطائفة کعبه و رمضان لم اره وینهی الحافه باطله القاضي و اختلفوا فیها و الاصح انه یأخذ لانها للاستراحة. اشاعه من قاعدة العادة محكمة (الدر المختار علی هامش و الدالمختار کتاب الوضوء ص ۵۲۵ ج ۳، ط.س. ح ۴ ص ۳۷۲) وفي القیة من باب الامامة امام یترک الامامة لزیارة الربانہ فی الرسائل اسیرعا او نحوه و المصیبة بالاستراحة لایاس به و مثله غیر فی العادة و الشرع (رد المحتار. کتاب الوضوء مطلب فی القیة التي مستحق بها الغزل عن الوضوء وما لا یستحق ص ۵۶۴ ج ۳، ط.س. ح ۴ ص ۴۴۰). ظفر

(۳) اذا کبر مع الامام ثم نام حتی صلی الامام رکعة ثم اتیه فانه یصلی الركعة الاولى وان کان الامام یصلی الركعة الثانية ولو لم یشتعل بقضاء ما سبقه الامام ولكن یتابع الامام اولاً ثم قضی ما سبقه الامام بعد تسليم الامام جازت صلواته عندنا (عالمگیری مصری فی المصوب اللاحق ص ۸۷ ج ۱، ط.م. ح ۱۲ ص ۹۲). ظفر.

استاد شد و خالد آمد و درپشت سر وی نماز را شروع کرد نماز خالد درست است یا نه؟

جواب: اقتداء مسبوق درست نیست وی در حال انفراد بعد از فارغ شدن امام امام دیگران شده نمیتواند بر کمافی الدر المختار لایحوز الاقتداء به (۱) فقط.

لاحق چگونه نماز را پوره کند: سوال: (۱۲۴۹) علماء دین چه میفرمایند درین مسئله که چون یک شخص دور رکعت عصر را به همراه امام خواند وضوء شکست فوراً بخاطر وضوء رفت بعد از وضوء در قعده اخیر به همراه امام یکجا شد حالا وی دو رکعت اخیر را چگونه خواهد خواند و اگر وی در رکعت سوم یکجا شد چگونه پوره خواهد کرد؟

جواب: حکم این بود که وقتی وی بعد از فارغ شدن از وضوء آمده بود نخست آن دور رکعت را بدون قرائت میکرد که به سبب بی وضوء شدن از وی فوت شد بود باز اگر امام در نماز میبود به همراه آن شامل میشد و ارکان باقیمانده را پوره میکرد لکن چنان کرد که بعد از وضوء کردن به همراه امام یکجا شد حالا بعد از سلام گشتاندن امام این دور رکعت را بدون قرائت پوره کند و این صورت را فقهاء مکروه نوشته اند و درین گنہگار میشود در صفحه ۵۵۶ در مختار است واللاحق من فاتته الركعات كلها وبعضها لكن بعد اقتداء بعذر كقوله او زحمة وسبق حدث الخ وحكمه كموتم فلا ياتی بقراءة ويبدء الخ بقضاء ما فاتته عكس المسبوق ثم يتابع امامه (الی قوله) ولو عكس صح والم الخ و همین حکم شریک شدن در رکعت سوم است (۲) فقط کتبہ عزیز الرحمن.

اگر امام لاحق را خلیفه بسازد وی نماز را چگونه پوره خواهد کرد: سوال: (۱۲۵۰) اگر

امام را در نماز حدث لاحق شود و مقتدی لاحق را خلیفه سازد این خلیفه نماز را چگونه تمام کند؟

جواب: اگر امام را حدث لاحق شود و لاحق را خلیفه سازد او بعد از تمام صلوة قوم مدرک را خلیفه سازد که سلام دهد و لاحق نماز خود را تمام کند و استخلف لاحقاً الی قوله: مضی علی صلاة الامام اخر ما علیه حتی انتهى الی موضع السلام واستخلف من سلم بهم جاز عندنا فتاوی عالمگیری صفحه ۹۵ جلد ۱) و لکثوری محمد جمیل الرحمن).

وقتی امام سوره ناس را خوانده باشد مقتدی مسبوق کدام سوره خواهد خواند: سوال:

(۱۲۵۱) یک شخص در نماز شام در رکعت دوم آمد و شامل شد و امام در رکعت دوم سوره قل

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص ۵۵۸ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۷ طبر

(۲) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الإمامة ص فی احکام المسروق المدرك واللاحق ص ۵۵۹ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۴ طبر

أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ راخواند حالا برای این مقتدی بعد از پوره شدن جماعت خواندن کدام سورت لازم است؟

جواب: درین صورت این مقتدی اختیار دارد که کدام سورت را که بخواند بخواند (از همه قرآن شریف اختیار دارد) (۱) زیرا که در رابطه به قرات رکعتهای ازدست رفته در حکم ابتداء است) ظفیر. مسبوق نماز باقی خود را چگونه پوره کند: سوال: (۱۲۵۲) اگر امام مقیم باشد و مقتدی در نماز چهار رکعتی در رکعت آخری شریک شد پس مقتدی بعد از گشتاندن سلام امام در سه رکعت چه خواهد گفت؟ آیا هر سه رکعت را بدون قرات به خاموشی به پایان میرساند و یا دور رکعت رابه الحمد و سوره و یک رکعت را تنهابه الحمد میخواند؟

جواب: کدام شخصی که یک رکعت را به همراه امام گیر میکند مسبوق است اگر نماز چهار رکعتی بود باقی رابه این گونه خواهد خواند که در دور رکعت فاتحه را بخواند و سوره را نیز به همراهش یکجا کند و در یک رکعت تنها فاتحه را بخواند و المسبوق من سبقه الامام بها اوبعضها وهو منفرد حق یشی ویتعوذ الخ (درمختار) و یقرأ لانه یقضى اول صلاته فی حق القراءة کما یأتی حتی لو ترک القراءة لفسدت (۲) کذا فی الشامی (وفی الفیض عن المستصفی لو ادرکه فی رکعة الرباعی یقضى رکعتین بفاتحة وسورة ثم یشهد ثم باقی بالثالثة بفاتحة خاصة عندابی حنیفه وقالوا رکعة بفاتحة وسورة وتشهد ثم رکعتین اولاً هما بفاتحة وسورة وثانیتهما بفاتحة خاصة اه (۳) ظفیر. وقتی امام مسافر باشد مسبوق چطور نماز خود را تمام خواهد کرد: سوال: (۱۲۵۳) مقیم در وقت پیشین به مسافر اقتداء کرد و یک رکعت را گیر کرد مسافر وقتی دو رکعت را خواند و سلام گشتاند حالا آن مقیم که مسبوق است سه رکعت را چگونه ادا کند یعنی درین رکعتها الحمد و سوره بگوید یا چطور؟

جواب: از روایت درمختار و شامی معلوم میشود که این شخص لاحق و مسبوق است نخستین دو رکعت را بدون قرات اداء کند (۴) فقط.

(۱) والمسبوق من سبقه الامام بها اوبعضها وهو منفرد لهما یقضیه الخ ویقضى اول صلاته لی حق قراءة وأخرها لی حق تشهد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۵۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۶) ظفیر.

(۲) والمسبوق من سبقه الامام بها اوبعضها وهو منفرد لهما یقضیه الخ ویقضى اول صلاته لی حق قراءة وأخرها لی حق تشهد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۵۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۶) ظفیر.

(۳) رد المحتار باب الإمامة ص ۵۵۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۷. ظفیر

(۴) واللاحق من فاتته الركعات كلها لو بعضها لكن بعد اذاته بملء كفلة وزحمة وسبق حدث ومقیم انتم بمسافر الخ وحکمه کمزوم الخ =

وقتی کدام مقتدی درحال خواندن قرائت امام شریک شود برایش خواندن ثنا لازم

نیست: سوال: (۱۲۵۴) دو جماعت بعد از شروع کردن امام به قرائت اگر کسی شریک شود

بالای وی گفتن ثنا لازم است یا نه؟

جواب: بالای وی گفتن ثنا لازم (۱) نیست.

کسیکه در رکوع شریک شود برای وی ثنا نیست: سوال: (۱۲۵۵) کدام شخص که در

رکوع شریک شد ثنا از وی ساقط شد یا نه؟

جواب: ثناء از وی ساقط شد (۲) فقط.

مسبوق در سلام سجده سهو به اما اقتداء نه کند اما سجده کند: سوال: (۱۲۵۶) وقتی امام

برای سجده سهو سلام میگرداند مسبوق بهمراه امام سلام بگرداند یا بدون سلام گشتاند در

سجده سهو شریک شود؟

جواب: مسبوق بهمراه امام سلام نه گرداندن در سجده سهو شریک باشد در درمختار است:

والمسبوق یسجد مع امامه قال فی الشامی: قید بالسجود لانه لایتابعه فی السلام بل یسجد معه

وینشده فاذا سلم الامام قام الی القضاء (۳) فقط.

کمی قبل از سلام شریک شونده تشهد را پوره کند یا بعد از سلام فوراً استداد شود: سوال:

(۱۲۵۷) امام گرداننده سلام به جانب راست بود که مسبوق آمد و شامل شد حالا مسبوق تشهد

= پیدا بقضاء ما فاته عکس المسبوق، ثم یتابع إمامه إن أمکنه إدراکه، وإلا تابعه، ثم علی ما نام فیہ بلا قراءة، ثم ما سبق فیہا إن کان مسبوفاً ایضاً، ولو عکس صح وائم، لترك الترتیب (درمختار) قوله ثم ما سبق فیہا إلخ أي ثم علی ما سبق فیہا قراءة، إن کان مسبوفاً ایضاً، بأن القدی فی أثناء صلاة الإمام ثم نام مثلاً. وهذا بیان للفیس الرابع وهو المسبوق اللّاحق، وحکمہ أنه یصلی إذا استقیظ مثلاً ما نام فیہ ثم یتابع الإمام فیما أدرك ثم یفشی ما فاتہ. ۱. هـ. بیانه انه لو سبق برکعة من فوات الأربع ونام فی رکعتین یصلی أولاً ما نام فیہ ثم ما أدركه مع الإمام ثم ما سبق به یفشی رکعة مما نام فیہ مع الإمام ویفقد متابعة له لأنها تانیة إمامه ثم یصلی الأخری معاً نام فیہ، ویفقد لأنها تانیة ثم یصلی الی انیة فیها، ویفقد متابعة لإمامه لأنها رابعة، ولكن ذلك بغير قراءة لأنه مفقود ثم یصلی الركعة الی سبقت بها بقراءة العاتجة وسورة والناسل أن اللّاحق یصلی علی ترتیب صلاة الإمام، والمسبوق یفشی ما سبق به بعد فراغ الإمام، ودالمختار باب الإمامة مطلب فی احکام المسبوق والصبرک واللاحق ص ۵۵۶ - ۵۵۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۴ ظفر.

(۱) وقرأ سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الإمام فی القراءة سواء کان مسبوفاً او مفترکاً وسواء کان امامه یجهر بالقراءة أو لا، فإنه لا یاتی به لما فی النهر عن الصغری أدرك الإمام فی القيام یعنی ما لم یبدأ القراءة (والدر المختار علی هامش ودالمختار باب صفة الصلاة ص ۵۵۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۸). ظفر

(۲) وقرأ سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الإمام فی القراءة الخ فلا یاتی به ولو أدركه راکعاً او ساجداً ان کبر وأیه انه یدرکه الی به (ایضاً)، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۸). ظفر

(۳) ودالمختار باب سجود السهو ص ۶۹۶ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۸۲. ظفر

خود را تمام کرده میخیزد یا بعد از سلام فوراً استاده میشود در امداد الفتاویٰ حضرت مولنا اشرف علی صاحب تحریر فرموده اند که مسبوق بعد از تمام کردن تشهد میخیزد؟

جواب: این شخص بعد از تمام کردن تشهد بخیزد همانگونه که حضرت مولنا اشرف علی صاحب در امداد الفتاویٰ نوشته اند (۱) فقط.

وقتی مسبوق به فراموشی بهمراه امام سلام بگرداند باز بعد از بیاد آمدن استاد شود

بالای وی سجده سهو است: سوال: (۱۲۵۸) مسبوق بهمراه امام سلام گشتاند باز بیادش آمد که بر ذمه او که یک رکعت است و برخاست درین صورت بالای ذمه مسبوق سجده سهو لازم است فی الدر المختار: ولو سلم ساهیا بعد امامه لزمه السهو والا لا الخ (درمختار) قوله: والا لا ای وان سلم معه اوقبله لایلزم لانه مقتد فی هاتین الحالتین الی ان قال قلت یشیر الی ان الغالب لزوم السجود لان الاغلب (۲) عدا لمعیه الخ شامی جلد اول صفحه ۴۰۲ - فقط.

باباطل شدن نماز اما نماز مسبوق هم باطل است: سوال: (۱۲۵۹) امام در نماز پیشین قعده

اخیر را بالکل نه کرد و به فراموشی رکعت پنجم را نیز اداء کرد حالا از مسبوقیکه یک رکعت رفته بود و به این گمان که قعده اخیر من خور رکعت پنجم امام است اقتداء امام را شکست امام برای رکعت ششم خیست و او چهار رکعت خورا خوانده سلام گشتاند. حالا مسبوق میگوید که بخاطر چهار رکعت من اداء شد که من قعده اخیر را ترک نه نموده ام و امام قعده اخیر را ترک نمود نماز وی نقل شد و بسبب شکستاندن اقتداء نقل صحیح شد یا نه؟ در چنین حالت برای مسبوق شکستاندن اقتداء جائز است یا نه؟

جواب: هرگاه در نماز امام به نکردن قعده اخیر نشد و فرضیت آن باطل شد نماز مسبوق نیز باطل شد یعنی فرضیت آن داء نشد و بالای اوباز نماز خواندن لازم است (۳) فقط.

(۱) بخلاف سلامه اولیامه کاتفة قبل إتمام المؤتم تشهد فانه لا یتابعه بل یتعمه لوجوبه ولم یتم جاز (درمختار) وشمل باطلا ما لو ائقدی به اناء الشهد الاول او الاخر فحين لمع قام امامه وسلم وعقضاء انه یتم الشهد ثم یقوم ولم اذره صریحاً ثم رأیت فی الذخیرة قالاً عن ابی الیث المختار یندی انه یتم الشهد وان لم یفعل اجزاء انه زرد المختار باب صفة الصلاة ص ۴۶۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۹۶. ظفر

(۲) ردالمحتار باب الامامة مطلب احکام المسبوق ص ۵۹۰ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۹۹. ظفر

(۳) من لرفضها الی لاصح بدینها التحریمة الخ مها القمود الاخير (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص ۴۱۷ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۴۴۲) ردا ظفر حدث امامه رکذا کل مفسد فی رأى مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث او جنب او فاقه شرط او رکن (ایضاً باب الامامة ص ۳۵۳ ج ۱ ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱. ظفر

اگر مسبوق در رکعت زاید اقتداء کرد نمازش باطل است: سوال: (۱۲۶۰) درقعه اخیر

نماز شام یک شخص شامل شد و فهمید که این قعه اخیر است مگر امام سهو شد که شاید این قعه اولی است: امام به این گمان بخاطر تمام کردن نماز خود استاد شد امام سجده سهو نیز کرد چون رکعت آخر بود رکعت زاید امام یارکعت نفل بود حالا کدام شخص که درقعه اخیر جماعت شامل شده بود وی یک رکعت را باجماعت خواند حالا این شخص سه رکعت را ادا خواهد کرد یا دو رکعت را؟ اگر حکم اداء کردن سه رکعت باشد این توضیح شود که در کدام رکعت قعه کرده شود و در کدام رکعت نه؟ و اگر کدام شخص درین رکعت زائد شامل شد که نمیدانست که کدام یک رکعت است برای وی چه حکم است؟

جواب: اگر این مسبوق در رکعت زاید که نفل بود تابع امام خود باقی مانده بود نمازش فاسد شد آنرا بشکند و از سر نو (جدید) نماز بخواند و قام امامه فی الخامسة فتابعه ان بعد القعود تفسد (۱) الخ درمختار و کدام شخص که درین رکعت نفل زائد شریک شود فرض وی نیز نخواهد شد وی دوباره نماز بخواند فقط.

وی مسبوق به فراموشی سلام گشتاند و دعاء کرد باز بیادش آمد چه کند: سوال:

(۱۲۶۱) شخصی درچنان وقت در نماز شامل شد که یک رکعت خوانده شده بود وی به همراه امام سلام دور داد باز دست هارابلند کرده بزبان عربی دعا کرد باز بیادش آمد که یک یادور رکعت توخو باقی است برای وی چه حکم است؟

جواب: اگر وی بدون کدام کلام و سخن کردن خیمت اگر چه سلام گشتاند و دستها را بلند کرده دعا نیز خواسته نمازش شد در آخر سجده سهو کند (۲) فقط.

مسبوق در قعه اخیر امام تنها التحیات بگوید: سوال: (۱۲۶۲) اگر مسبوق در رکعت

دوم نماز عصر یا شام شریک شود در پس امام در قعه اولی تنها التحیات و در قعه دوم التحیات درود زعاء ماثوره را خواهند خواند یا نه؟

جواب: خواندن ضرور نیست بلکه التحیات را چنان آهسته آهسته بخواند که تا سلام گشتاندن امام

(۱) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة مطلب فی احکام السبوق اهـ ص ۵۶۰ ج ۱ قبل باب الاستحلاف. ظفر

(۲) لوسلم سابقاً ان بعد امامه لزومه السهو والا لا الدر المختار علی هامش رد المحتار. قبل باب الاستحلاف ص ۵۶۰ ج ۱. ط. ص. ج ۱ ص

خلاص شود و اگر پیش تمام شدوی اختیار دارد اگر خواسته باشد چپ نشسته باشد و اگر خوش باشد کلمه تشهد را بگوید و اگر خوش باشد التحیات را دوباره بگوید (۱).

مسبوق همراه امام التحیات بگوید: سوال: (۱۲۶۳) اگر مسبوق در رکعت سوم نماز شام شریک شود در قعدہ اخیر بہمراہ امام التحیات و در دودعاء بگوید یاخیر؟
جواب: خواندن التحیات لازم است نہ کہ درود و دعا (۲) فقط.

بعد از سلام گفتن امام اقتداء درست نیست: سوال: (۱۲۶۴) در وقت گشتاندن سلام اول امام یک شخص بہ تمام شدن السلام و دوم بہ تمام شدن (السلام علیکم) و سوم بہ خلاص شدن السلام علیکم ورحۃ اللہ شامل شد ثواب جماعت بہ اینہا حاصل شد یا نہ؟ و این شخص در جماعت شریک شد یا نہ؟

جواب: دردمختار است: و تنقضى قذوة بالاول قبل علیکم (۳) الخ ازین معلوم شد کہ وقتی امام لفظ السلام را گفت بعد از ان اقتداء درست نیست و این شخص بہمراہ امام شامل نشد نماز خود را جدا بخواند و تحریمہ را تنہا بگوید و نماز را شروع کند و خود را مقتدی امام نہ شمارد (۴) فقط.
در نماز جہری مسبوق قرائت جہری خواہد کرد یا سہری: سوال: (۱۲۶۵) در کدام نماز کہ قرائت جہری است در آن اگر کسی بعد از داشتن یک یا دو رکعت شریک شد بعد از گشتاندن سلام امام رکعت فوت شدہ را بہ قرائت جہری اداء خواہد کرد یا نہ؟

جواب: برای وی در نماز جہری جہراً و اہستہ خواندن ہر دو بہتر است و آہستہ خواندن نیز درست است و اگر جہر میکند بہ ادنی جہر اکفا کند زیرا وی در قضاء ماسبق منفرد است و برای منفرد در جہر و سہر اختیار مییابد و یخیر المنفرد فی الجہر و هو افضل و یکتفی بادانہ ان ادی (۵) الخ

(۱) ومن جعلها انه قبل انه اذفرغ (المسبوق) من التشهد قبل سلام الامام بكره من اوله وقبل بكرر كلمة الشهادة وقبل يسكت وقبل يتي بالصلاة والدعاء والصحيح ان يرسل ليرغ من التشهد عند سلام الامام (غنية المستعني ص ۴۱) ظهير.

(۲) ومن جعلها انه قبل انه اذفرغ (المسبوق) من التشهد قبل سلام الامام بكره من اوله وقبل بكرر كلمة الشهادة وقبل يسكت وقبل يتي بالصلاة والدعاء والصحيح ان يرسل ليرغ من التشهد عند سلام الامام (غنية المستعني ص ۴۱) ظهير.

(۳) الدر المختار على هامش رد المحتار. مطلب واجبات الصلاة ص ۴۳۶ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۴۶۸. ظهير.

(۴) قوله وتنقضى قذوة بالاول اي بالسلام الاول قال في الجبسي الامام اذفرغ من صلاته فلما قال السلام جاء رجل واقفدي به قبل ان يقول عليكم لا يصبر داخلا في صلاته لان هذا سلام (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلاة ص ۴۳۶ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۴۶۸).

ظهير الدين

(۵) الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فصل في القرآنت ص ۴۹۸ ج ۱. ط.س. ج ۱ ص ۵۳۳. ظهير.

مختار فقط.

دریافت کننده یک رکعت در نماز چهار رکعتی قرائت را در کدام جای سه رکعت

باقیمانده بخواند: سوال: (۱۲۶۶) مقتدی در نماز چهار رکعتی یک رکعت را به همراه جماعت

گیر کرد بعد از سلام امام که وی سه رکعت را میخواند قرائت را در کدام یک آن خواهد خواند؟

جواب: در احکام مسبوق در المختار آمده: و یقضی اول صلوته فی حق القراءة و آخرها فی حق التشهد الخ ازین روایت معلوم شد که مسبوق در صورت مسنوله بعد از سلام امام در دو رکعت اول قرائت بخواند و در یک رکعت آخرتها الحمد بگوید فقط (وفی رد المحتار عن المستصفی: لو ادرکه فی رکعة الرباعی یقضی رکعتین بفاتحة و سورة ثم یتشهد ثم یتبای با الثالثة بفاتحة خاصة عنذابی حنیفه و قال رکعة بفاتحة و سورة و تشهد ثم رکعتین اولهما بفاتحة و سورة و ثانیتهما بفاتحة خاصة ه (ظفر)).

مقتدیهای مقیم در مسافر نماز باقیمانده را چگونه تمام کند: سوال: (۱۲۶۷) (۱)

امام مسافر و مقتدی مقیم است اگر مقتدی مذکور به همراه امام مذکور در رکعت اول نماز چهار رکعتی شریک شده باشد چگونه نماز را تمام کند:

سوال: (۱۲۶۸) (۲) و کسیکه در رکعت دوم شریک شده باشد نماز را چگونه تمام کند؟

سوال: (۱۲۶۹) (۳) و کسیکه در التحیات یکجا شده باشد مقتدی نماز خود را چگونه بخواند؟

جواب: (۱) نوت: جواب اول این را مفتی عنایت الهی نوشته بود جواب مفتی عنایت الهی در صورت اول مقتدی لاحق است بعد از تمام کردن نماز به همراه امام دو رکعت باقیمانده را بدون قرائت بخواند.

جواب: (۲-۳) در دو صورت اخیر مقتدی مسبوق است در صورت دوم بع د از سلام امام استاد شده در رکعت اول فاتحه الکتاب بخواند و در صورت دوم مقتدی در هر چهار رکعت مسبوق است لهذا بعد از سلام امام دو دو رکعت اول الحمد و سوره بخواند و در اخیر رکعت سوم تنها الحمد بخواند فقط حرره عنایت الهی و املا خلیل احمد.

جواب: (از حضرت مفتی صاحب دارالعلوم) مطابق تفصیل کتابهای فقه جواب اول صحیح است.

جواب سوال دوم و سوم: این است که در هر دو صورت مقتدی لاحق و مسبوق است و حکم چنین مقتدی این که اول دو رکعت را بدون قرائت ادا کند که در آن لاحق است و بعد از آن رکعت

را کند که در آن مسبوق است پس در صورت دوم نخست دورکعت را بدون قرائت ادا کند و باز دورکعت را بهمرا قرائت ادا کند و مقیم اتم بمسافر قوله و مقیم ای فهو لاحق بالنظر للاخیرین وقد یکون مسبوقاً ایضاً کما اذا فاتہ اول صلوٰۃ امامہ المسافر شامی (۱) و حکمہ کمؤتم فلا یتای بقراءة الخ و پیدا بقضاء ما فات عکس المسبوق الخ قوله ثم ماسبق به بها الخ ای ثم صلی اللاحق ماسبق به بقراءة وان کان مسبوقاً ایضاً (۲) الخ شامی در رکعت دوم و سوم مقتدی مقیم و مطلق مسبوق گردانیدن خلاف تصریحات فقهاء است و هم رکعتها را بهمرا قرائت ادا کردن نیز خلاف قاعده مقررہ فقهاء است.

کدام لاحق که وضویش بشکند در وضوء مسواک زده میتواند یانه: سوال: (۱۲۷۰) وقتی

در نماز وضوء بشکند و لاحق اراده وضوء را بکند درین وضوء مسواک زده میتواند یانه؟

جواب: زده میتواند (۳) فقط (واذا ساغ له البناء توجهاً فوراً بكل سببه (درمختار) ای من سنن الوضوء لان ذلك من باب اکماله فکان من توابعه فيحتمل كما يحتمل الاصل (بدائع) (رد المحتار: باب الاستخلاف صفحہ ۵۶۶ و ۵۶۷ جلد ۱ ظفیر.

مسبوقی به فراموشی سلام گشتاند وقتی متوجه کرده شد رکعت باقی را تمام کرد

نمازشی شد: سوال: (۱۲۷۱) یک مسبوق سهوا بهمرا امام سلام گشتاند مقتدی برای مسبوق

گفت که تو یک رکعت دیگر را بخوان به این گفتار بیاد مسبوق آمد و مسبوق ارام خست و رکعت را خواند نماز وی جائز است یانه؟

جواب: نماز وی صحیح شد هذا هو الاصح (۱) فقط (مگر برای سجده سهوه کردن مناسب

است) احتیاط در همین است (۲) ظفیر.

(۱) رد المحتار: باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق الخ ص ۵۵۶ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۹۴ ظفیر.

(۲) رد المحتار: باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق الخ ص ۵۵۶ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۵۹۴ ظفیر.

(۳) و منها السواک ای من سنن الوضوء (عالمگیری مصری سنن وضو ص ۷) ظفیر.

(۴) حتی لو امتنع امر غیره لقلیل له تقدم تقدم و ادخل فرجة الصف فوسع له لشدت بل یحکم ساعة لم یقدم براته (درمختار قوله و ادخل فرجة الخ المعتمد فيه عدم الفساد (رد المحتار) باب ما یفسد الصلوٰۃ و ما یکره فیها ص ۵۸۱ ج ۱ ط. س. ج ۱ ص ۹۲۲) ازین معلوم شد که بعد از گفتار مقتدی یک لمحہ معطل شود باز بخیزد و تمام کند و اگر بمجرد گفتار خست نیز بقول معتمد نماز فاسد نمیشود بلکه ادا شد و الله اعلم ظفیر مفتاحی.

(۵) و لو سلم ساهوا ان بعد امامه لزعم السهو والا، لا (درمختار) آی و ان سلم معه أو قبله لا یلزمه لانه مقتدی فی هاتین الحالتین وفي شرح المنية عن المحیط ان سلم فی الآخرة مقارناً لسلامه قلنا سهو علیه لانه مقتدی به، و بعده یلزم لانه منفرد ه ثم قال: فقلی هذا برأء بالمعية حقیقتها وهو نادر الزوابع. ۱. قلت: یثیر إلى آء الغالب لزوم السجود لان الغالب عدم المعية، وهذا مما یغفل عنه کثیر من الناس فلیتبه له (رد =

اگر لاحق رکعت از دست رفته خود را مانند مسبوق تمام کند چه حکم است: سوال:

(۱۲۷۲) در رکعت سوم نماز خفتن به استاده استاده خواب شد وقتی امام یک رکعت را تمام کرد

وی از خواب بیدار شد وی بعد از سلام امام مانند مسبوق نماز خوان این نماز درست شد یا نه؟

جواب: نماز شد وبالای وی مانند لاحق بدون قرائت خواندن این رکعت لازم است (۱) فقط.

امامیکه بی وضوء شد و خلیفه گرفت حال وقتی بیاید اقتدا کند یا امام شود: سوال: (۲)

(۱۲۷۳) امام بی وضوء شد کسی دیگری را امام ساخت رفت و وضوء کر و آمد مقتدی شود

و نماز میخواند و یا امام شود؟ و اگر امام وضوء میکرد و خلیفه سلام گشتاند امام چگونه نماز را

تمام کند؟

جواب: مقتدی شده نماز را تمام کند و اگر خلیفه سلام گشتاند نیز نماز باقیمانده را پوره کند

ضرورت از سر خواندن نیست (۲) فقط.

مسبوق اقتداء کننده به امام مسافر چگونه نماز خود را تمام کند: سوال: (۱۲۷۴) (۱)

امام مسافر است درالتحیات رکعت دوم یک شخص مقیم در نماز شریک شد امام دو رکعت

خود را تمام کرد و سلام گشتاند برای مقتدی در همه چهار رکعت تمام کردن نماز به اندازه الحمد

چپ استادن لازم است یا در دور رکعت اخیر بالایش خواندن الحمد لازم است؟

وقتی دو رکعت بهمراه امام از فوت شده باشد وی در آن هردو الحمد و سوره را

بنخواند: سوال: (۱۲۷۵) (۲) امام مقیم است مقتدی مقیم بعد از دو رکعت درالتحیات شریک

شد برای مقتدی در رکعتها باقیمانده خود که بعد از خلاص شدن نماز امام تمام اش خواهد کرد

خواندن الحمد لازم است یا به اندازه الحمد چپ استادن لازم است؟

جواب: (۱) از عبارت درمختار و شامی معلوم میشود که این مقتدی مقیم مسبوق هم است و لاحق

هم است پس دو رکعت اول را بدون قرائت بگوید و دو رکعت اخیر را بهمراه قرائت بخواند

یعنی در آن هردو الحمد و سوره بخواند (۳)

= المختار باب الامامة مطلب فی المسبوق والمبرک واللاحق ص ۵۶۰ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۸، ط.

(۱) واللاحق من فاتته الركعات كلها اربعها لكن بعد اقتدائه بعذر كغفلة الخ وحكمه كمؤتم لافلاهي بقرائت ولاسهو والدر المختار على هامش والمختار باب الامامة مطلب فی احكام المسبوق واللاحق والمبرک ص ۵۵۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۴، ظهير

(۲) ومن سبقه الحدث في الصلوة انصرف فان كان اماما استخلف وتوسا وبني (هداية باب الحدث في الصلوة ص ۱۱۵ ج ۱)، طهير

(۳) واللاحق من فاتته ركعات الخ بعد اقتدائه بعذر الخ مقیم اتهم بمسافر الخ حكمه كمؤتم لافلاهي بقراءة ويبدأ بفضاء ما فاته عكس =

جواب: (۲) خواندن الحمد وسورت هردو لازم است (۱)

اگر در نماز مسبوق رکعت باقی رابه قرائت جهری تمام کرد درست است: سوال:

(۱۲۷۶) من در وقت صبح به مسجد وقتی رسیدم که یک رکعت فرض بهمراه جماعت برابم میسر شد و فتیکه امام سلام گشتانده من رکعت باقیمانده خود را استاده به قرائت جهری تمام کردم درین چیزی حرج خونست؟

جواب: درین هیچ حرج نیست (۲) فقط.

اگر قبل از رکوع شریک شد مسبوق نیست: سوال: (۱۲۷۷) اگر مسبوق در قیام رکعتها

شامل شدن فاتحه را نه خواند رکعتهای وی تمام شد یاخیر؟

جواب: نمازش شد و همان رکعت نیز شد (۳) فقط.

در قعده اولی مقتدی تشهد را پوره نه کرده بود که امام خیست مقتدی چه کند: سوال:

(۱۲۷۸) اگر مسبوق بهمراه امام در قعده اولی شریک شود و به فوراً استاد شدن امام پیروی وی را بکند و یا تشهد را تمام کرده بخیزد؟ اگر تشهد را پوره نکند در نماز فساد میاید یا نه

جواب: بعد از عبارات مذکوره رد المختار و شامی این هم ذکر است که: ثم رأیته فی الذخيرة نافلاً.

عن ابی اللیث: المختار عندی انه یتم التشهد وان لم یفعل اجزاه (۴) الخ ازیں عبارت اخیر (وان لم یفعل اجزاه) معلوم شد که اگر مقتدی تشهد را تمام نکرد و همراه امام خیست نماز صحیح

= المسبوق، ثم یتابع إمامه إن أمکنه إدراکه، وإلا تابعه، ثم صلی ما فیہ بلا لقراءة ثم ما سبق به بها إن کان مسبوفاً ایضاً (در مختار) هذا بیان للقسّم الرابع وهو المسبوق الاّ لاحق الخ ثم یصلی الرکعة الّتی سبق بها بقرائت الفاتحة وسورة (رد المختار باب الإمامة مطلب فی احکام المسبوق واللاحق والمدرک ص ۵۵۶ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۴). ظہیر

(۱) والمسبوق من سبقه الإمام بها أو یضعها وهو منفرد حتى یتبی وتعود ویقرأ الخ لیما یقضیه الخ اول صلاته فی حق لقراءة واخرها فی حق تشهد الخ (الدر المختار علی هامش رد المختار باب الإمامة مطلب فی المسبوق، الخ ص ۵۵۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۶۹). ظہیر

(۲) وبخیر المنفرد فی الجهر الخ کمن سبق برکعة من الجمعة فقام یقضیها بخیر (در مختار) ربهذا الطریق ظہر وجه اقتضاره علی الجمعة وان کان الحکم کذلک لا سبق برکعة من المشاء ونحوه لان المقصود البات الجهر فی القضاء فی وقت المخالفة لا مطلقاً فانهم. (رد المختار فصل فی القرائت ص ۴۹۸ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۳۴) ط

(۳) وحاصله ان الاقتداء لا ینت فی الابداء علی وجه یندرک به الرکعة مع الإمام الا باذراک جزء من القيام او معاً فی حکمه وهو الركوع لوجود المشاركة فی اکثرها فاذا تحقق منه ذلک لا یضره التخلّف بعده (رد المختار باب ادراک التریضة تحت قوله لان المشاركة ص ۶۷۵ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۴۱). ظہیر

(۴) هذا عبارت چنین است: وشمل باطلاله مائل التدی به فی انشاء التشهد الاّ اول او الاخیر فحين فقد قام امامه ارسلم ومقتضاه انه یتم التشهد لم یقول ولم ازه صریحاً ثم رابته فی الذخيرة قال الخ (رد المختار باب صفة الصلاة فصل تألیف الصلوة تحت قوله بحلاف سلام الخ قبل اتمام المزمع التشهد فانه لا یتابعه ص ۴۶۳ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۹۶). ظہیر.

است و درین اختلاف است که کراهت در آن هست یا نه؟ خلاصه این که در صورت تمام نه کردن تشهد نماز میشود هیچکس قائل فساد نماز نیست فقط.

یابنده تنها یک رکعت بهمراه امام چه وقت قاعده خواهد کرد: سوال: (۱۲۷۹) اگر کدام مقتدی در نماز پیشین یا دیگر وقتی شریک شده یک رکعت مانده بود بعد از گشتاندن سلام امام این مقتدی بعد از یک رکعت قعده خواهد کرد و یا بعد از دور رکعت؟
جواب: بعد از یک رکعت قعده کردن لازم است (۱) فقط.

اگر در رکعت سابق مسبوق یک فرض بماند وی چه خواهد کرد: سوال: (۱۲۸۰) اگر از مسبوق در رکعت سابق فرض ماند همه نماز را از سر بخواند یا سجده سهو کند؟
جواب: اگر وی اعاده فرض را نکرد نماز را با زاز سر بخواند (۲) فقط.

مسبوق شامل شونده در مسجد ثناء را چه وقت خواهد خواند: سوال: (۱۲۸۱) شخصی در سجده رکعت دوم نماز شام شریک شد آیا برای وی خواندن ثناء در رکعت سوم مناسب است؟
جواب: برای وی همان وقت یعنی بعد از تکبیر تحریمه خواندن ثناء مناسب است ولو ادراکه را کما اوساجدا ان اکبر رایه انه یدرکه اتی به درمختار (۳) فقط.

مسبوقیکه در رکعت اخیر لاحق شود نماز را چگونه تمام خواهد کرد: سوال: (۱۲۸۲) شخصی مسبوق در نماز چهار گانه خلف امام در رکعت اخیر لاحق شده بعد از سلام امام به چطور نماز باقی را اداء خواهد ساخت؟

جواب: مسبوق مذکور بقیه نماز را بعد از فراغ امام بدین طریق ادا کند که در رکعت اول از سه رکعت بقیه فاتحه و سوره بخواند و این رکعت را تمام کرده قعده اولی بکند بعده قیام کرده رکعت ثانیه رابه فاتحه و سوره تمام کرده رکعت اخیره سومی را از قراءه سوره خالی داشته صرف

(۱) والمسبق من سبقه الامام بها اربعتها وهر مفرد الخ وبقضى اول صلاهی لی حق قراءه واخرها لی حق تشهد لمذکر رکعة من غیر لجر یاتی برکعتین بفاتحة وسورة وتشهد بینهما ویرابة الرباهی بفاتحة لفظ ولا یبعد قبلها (درمختار) ولی الغیض عن المستسلی لادراکه لی رکعة الرباهی بقضى رکعتین بفاتحة وسورة ثم یشهد ثم یاتی بالدالة بفاتحة خاصة عند ابی حنیفة رحمته وقال رکعة بفاتحة وسورة وتشهد ثم رکعتین اولاهما بفاتحة وسورة وثانیتهما بفاتحة خاصة آه وظاهر کلامهم اعتماد قول محمد (رد المحتار باب الامامة مطلب لی المسبق والملاحق ص ۵۵۷ - ۵۵۸ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۶) ظفیر .

(۲) ومن فروضها التی لا تصح بدونها (درمختار) اذ لا شیء من الفروض ما تصح الصلاة بدونها بلا عذر (رد المحتار باب صفة الصلاة ج ۱ ص ۴۱۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۴۲). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ص ۴۵۶ ج ۱، ط. س. ج ۱ ص ۴۸۸. ظفیر

به فاتحه اکثفا کرده ان رکعت راتمام کرده قعده بکند وسلام کند قال فی الدر المختار فی حکم المسبوق: ویقضى اول صلاته فی صلاة حق قراءة واخرها فی حق تشهد فمدرک رکعة من غیر فجر یأتی برکعتین بفاتحة وسورة وتشهد بینهما وبرابعة الرباعی بفاتحة الخ (۱) فقط.

صحت نماز مسبوق موقوف به صحت نماز امام است: سوال: (۱۲۲۸۳) شخصی درالتحیات نماز صبح شامل شد بعد ازسلام گشتانیدن امام وی نماز را تمام کرده فارغ شد وبکدام دلیل نماز امام نشده بود نماز مسبوق شد یانه؟

جواب: درین صورت نماز مسبوق نیز نشد (۲) فقط.

مسبوق چه وقت ثناخواهد گفت: سوال: (۱۲۸۴) مسبوق ثناء وتعوذ را چگونه خواهدخواند؟ **جواب:** برای مسبوق این حکم است که کدام وقت برای خواندن رکعت باقیمانده خود میخیزد درآن وقت ثنا وتعوذ را بگوید وکدام وقت که بهمراه امام شریک شد وامام درآن وقت قرائت جهری میخواند نه گوید واگر قرائت سری بود در آن وقت نیز بگوید (۳) باز وقتیکه برای تمام کردن رکعت خود میخیزد درآنوقت دوباره بگوید.

کذا فی الدر المختار والشامی فقط والله تعالی اعلم.

کسیکه در رکعت دوشریک شود ثناء را خواهد گفت یانه: سوال: (۱۲۸۵) امام یک رکعت را خوانده بود وقتیکه مقتدی بهمراه هشت درجماعت شریک شود سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ الخ را گفتن می تواند یانه؟

جواب: هرگاه مسبوق بعد ازفارغ شدن امام برای ادا کردن رکعت فوت شده خود میخیزد درانوقت سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ الخ بگوید (۱) فقط.

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ص ۴۵۹ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۸۸. ظفر

(۲) اذ اظهر حدث امامه وكذا كل مسلم في رأى مقننهم انهم لم يزلوا يعادونها لضعفها صلاة المؤتم صحة ولسا (در مختار) وشار به الى حديث الإمام جابر المنسب الى المراد بل الظن بمعنى ان صلاة الإمام متضمنة لصلوة المقتدى ولذا اشترط عدم مغيرتها فاذا صحت صلاة الإمام صحت صلاة المقتدى الا لمانع اخر وانما لصدت صلاته لصدت صلاة المقتدى لانه اذا لصد الشيء لصد ما ضمنه (ردالمحتار باب الإمامة ص ۵۵۳ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۱). ظفر

(۳) انه اذا ادرك الإمام في القراءة في الركعة التي يجهر فيها لا يأتي بالثناء (الى قوله) فاذا قام الى قضاء ما سبق يأتي بالثناء يتعوذ للقراءة الخ وفي صلاة المخالفة يأتي به هكذا في الخلاصة (عالمگیری كشوری ص ۹۰ ج ۱). ظفر

(۴) والمسبوق من سبقه الإمام بها اوبعضها وهو منفرد حتى يأتي ويتعوذ (الى قوله) فيما يقضيه الخ حتى يأتي الخ تعريض على قوله مفرد فيما يقضيه بعد فراغ امامه فيأتي بالثناء والتعوذ لانه للقراءة وقرأ لانه يقضى في حق القراءة كما يأتي (ردالمحتار ص ۵۵۷ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۶). ظفر

کسی را کہ دور رکعت شام بہمراہ امام حاصل شود وی در قعدہ بہمراہ اما تنہا التّحیات

میخواند یاد رود وغیرہ ہم: سوال: (۱۲۸۶) اگر ما در شام بہمراہ امام دو رکعت را بگیر کردم

در تشہد اخیر ہمہ چیز خواندہ خواہد شد یا چطور؟ حالانکہ بالای ما خواندن جدای یک رکعت

است و در آن خواندن درود وغیرہ ہرچہ خواہد بود؟

جواب: وقتی کسی بہمراہ امام تشہد میگوید بعد از تنہا خواندن التّحیات خاموش نشنہ باشد

یا زوقتیکہ یک رکعت باقیماندہ را ادا میگوید در آنوقت ہرچہ را بگیرد (۱) فقط.

چون مسبوق بہ فراموشی سلام بگر داند باز بہ یاد دادن بخیزد و نماز را تمام نماید

نمازش شد یا نہ: سوال: (۱۲۸۷) اگر مسبوق بدون ارادہ بہمراہ امام بہ ہردو طرف سلام

بگرداند و مردم شامل نماز برایش بگیرد کہ نماز ماندہ آنرا ادا کن نماز این شخص خواہد شد

یا نہ؟

جواب: این مسبوق اگر بہ یاد دادن و گفتن کسی خیست وبہ یاد دادن وی بیاد خودش نیز آمدہ

وبہ ہمین اساس وی خیست پس با کردن سجده سہو نماز وی شد (۲) و در چنین حالت ہمین

طور کردن مناسب است کہ اگر شخص دیگر بہ یادش داد خودش بہ یاد بیآورد وبہ یاد خود کار

کند بخاطر اینکہ در نمازش کدام خلل نہ آید (۳) فقط.

مسبوق بعد از سلام اول امام استاد میشود یا بعد از دوم: سوال: (۱۲۸۸) مسبوق بخاطر

ادا کردن رکعتہای باقیماندہ بعد از سلام گشتاندن اول امام استاد خواہد شد و یا بعد از گشتاندن

ہر دو سلام؟

جواب: بعد از ہر دو طرف سلام دور دادن استاد شدن بہتر است بخاطر اینکہ اگر بالای امام

سجده سہو باشد بالای وی بازگشتن نخواہد بود (۴) فقط.

(۱) ومن جعلناہ فی اقل اذ فرغ من التشہد لیل سلام الامام بکرہ من اولہ ولیل بکرہ من کلمۃ الشہادۃ ولیل بکث ولیل بانی بالصلوۃ والدعاء والصبح انہ یمرسل لیرفع من التشہد عند سلام الامام (غنیۃ المستملی ص ۱۵۱). ظہیر

(۲) ان تابع والا لا، ولو سلم سابعاً ان بعد امامہ لزیم السہو والا لا (در مختار) وفي شرح المنية عن المحيط إن سلم في الأولى مَقَارَنًا لِسَامِهِ قَدْ سَهَوَ عَلَيْهِ لَأَنَّهُ مُقَدِّمٌ بِهِ ، وَبَعْدَهُ يَلْزَمُ لَأَنَّهُ مُتَفَرِّدٌ هُ كَمْ قَالَ : قُلْتُ هَذَا بِرَأْدٍ بِالْمَعِيَةِ حَقِيقَتُهَا وَهِيَ نَادِرٌ الْوُكُوعُ . ۱ هـ كُنْتُ : يُبْهَرُ إِلَى أَنَّ الْعَالِبَ لَزُورُ السُّعُودِ فَإِنَّ الْأَغْلَبَ عَدَمُ الْمَعِيَةِ (رد المحتار). باب الإمامة ص ۵۶۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۸. ظہیر

(۳) حتى لو اتمعت امره فقبل له تقدم فقدم وادخل فرجة الصف احد فوسع له فسدت بل بيمتد ساعة ثم يتقدم براءة لهستانی (در مختار) المحمد ليه عدم الفساد (رد المحتار باب ما يفسد الصلوة ويكره فيها ص ۵۸۱ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۶۲۲). ظہیر

(۴) وبني ان يصير المسبوق حتى يفهم انه لا سهو على الامام (در مختار) اي لا يقوم بعد التسليم او التسليمين بل ينتظر فراغ الامام =

وقتی مسبوق اقتداء امام مسافر را بکند وی نماز باقی خود را چگونه تمام خواهد کرد:

سوال: (۱۲۸۹) وقتی درپس امام مسافر برای مقتدی یک رکعت حاصل شد یا قاعده حاصل شد نماز باقیمانده را چگونه پوره خواهد کرد؟

جواب: این مقتدی نخست دو رکعت را خالی بخواند باز یک رکعت را به همراه قرائت بخواند یعنی کسیکه یک رکعت را گیر کرده وی بعد از سلام امام یک رکعت را خالی خوانده قاعده بکند باز بخیزد و یک رکعت را خالی بخواند و رکعت آخر را به همراه قرائت تکمیل کند زیرا وی در حکم لاحق مسبوق است: وتفصیله فی الشامی (۱) فقط.

اقتداء مسبوق درست نیست: سوال: (۱۲۹۸) شخصی در رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت شامل شد بعد از خلاص شدن نماز این شخص مثلاً زید نماز خود را تمام میکرد که عمر شروع شد زید را امام خود ساخت و او بعد از تمام کردن نماز خود سلام گشتاند این جماعت درست خواهد بود یا نه؟

جواب: کدام شخص که در رکعت سوم یا چهارم به همراه امام شامل شد و به امام اقتداء کرد وی را مسبوق گویند کدام وقت که وی بخاطر تمام کردن نماز باقیمانده خود استاد شد درپس وی اقتداء کردن هیچ کس درست نیست لایجوز الاقتداء به (۲) فقط.

و تیکه امام به سبب شکستن وضوء مسبوق را خلیفه سازد وی نماز را چگونه تمام

خواهد کرد: سوال: (۱۲۹۱) امام نماز پیشین را میداد کدام شخصیکه درپس وی بود وضوء

= بعد الخ قال فی الحلیة و لیس هذا بملازم بل المقصود ما یفهم ان لا سهو علی الامام ان یوجد له ما یقطع حرمة الصلاة و رد المحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق و اللاحق. ص ۵۵۹ ج ۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۷ و تنقطع التحریمة بتسلیمه واحدة برهان و قد مر (در مختار) ای فی الواجبات حیث قال تنقضی لدورة بالاول قبل علیکم علی المشهور عندنا خلاف للتکملة اه (رد المحتار فصل تألیف الصلاة ص ۴۹۰ ج ۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۲۵) ازین معلوم شد که بعد از سلام نیز خسته میتواند اما بهترین است که بعد از سلام دوم استاد شود. ۱۲ ظفر. ظفر له.

(۱) و مقیم انتم بمسافر و کذا بلا غیر بان سبق امامه فی رکوع و سجود فانه یفرض رکعة و حکمه کمزیم فلایالی بقراءة ولا سیر الخ و یدیه یغضاه ما فانه عکس المسبوق (الدور المختار) و هنا بیان للقسم الرابع وهو المسبوق اللاحق و حکمه انه یصلي إذا استبقت مثلاً ما نام فیه ثم یتابع الإمام فيما أدرك ثم یفرض ما فاتة ! اه . تبانه كما فی شرح المنية و شرح المجمع انه لو سبق برکعة من ذوات الاربع و نام فی رکعتین یصلي اولاً ما نام فیه ثم ما أدركه مع الإمام ثم ما سبق به یصلي رکعة مما نام فیه مع الإمام و یفقد متابعة له لانهما نائبة إمامه ثم یصلي الأخرى مما نام فیه . و یفقد لانهما نائبة ثم یصلي آلی: تبعه فیه . و یفقد متابعة إمامه لانهما رابعة . و کل ذلک بغیر قراءة فانه مقتدی ثم یصلي الركعة آلی سب بها بقراءة الفاتحة و سورة . (رد المحتار باب الامامة مطلب فی المسبوق و اللاحق ص ۵۵۶ - ۵۵۷ ج ۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۴) . ضمیر

(۲) الدور المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة مطلب فی احکام المسبوق و اللاحق ص ۵۵۸ ج ۱ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۷ ظفر

شکست وقتی وی وضوء کرد و آمد امام یک رکعت را خوانده بود وقتی که این شخص آمد و شامل شد وضوء امام شکست وی این شخص و خلیفه خود ساخت و بخاطر وضوء کردن رفت اگر وی نماز مقتدیها را پوره میکند از خودش سه (۳) میشود و اگر نماز خود را پوره میکند از مقتدیها پنج میشود چه کردن ضرور است؟

جواب: مقتدیکه وضوء شکست و برای وضوء کردن رفت و یک رکعت از وی فوت شد وی لاحق است برای وی این حکم است که وقتی وی رکعت اول فوت شده خود را بخواند باز به همراه امام شریک شود پس اگر وی چنین کرد نماز وی همراه امام براب رشد و اگر وی رکعت فوت شده را پیش ادا نکرد و همراه امام شریک شد باز وضوء امام شکست و او این شخص (لاحق) را امام ساخت برای وی لازم است که کدام وقت رکعت چهارم امام تمام شود این شخص کدام مدرک (یعنی گیر کننده همه نماز) را خلیفه سازد کسیکه از اول به همراه امام شریک بود وی سلام خواهد گشتاند این شخص خواهد خیست رکعت فوت شده خود را تمام خواهد کرد (۱). فقط

اگر کسی در رکعت اخیر عصر یا شام شریک شد نماز باقی را چگونه تمام خواهد کرد:

سوال: (۱۲۹۲) اگر کسی در رکعت اخیر عصر یا شام به همراه امام شریک شده رکعتهای باقیمانده را که تنها میکند در هر رکعت التحیات خواهد خواند یا چطور؟

جواب: در نماز شام همچنان خواهد شد که وقتی به همراه امام یک رکعت را گیر کرد در دور رکعت دیگر باقیمانده نشستن والتحیات گفتن خواهد بود و در نماز دیگر (عصر) بعد از سلام امام یک رکعت را کرده قعدہ در میانہ را خواهد کرد باز دو رکعت را خواهد خواند و در اخیر نشستن (۲) خواهد بود.

اگر یک رکعت ریافت رکعت های باقی را چگونه پوره کند وتعوذ والتحیات را در کجا

خواهد خواند: سوال: (۱۲۹۳) جماعت استاد است مقتدی پسان آمد شامل شد امام صاحب

(۱) ولواستخلف الإمام مسبقاً أو لاحقاً أو لمعا وهو مسافر صح والمدرک اولی الخ فلو اتم المسوق صلاة الإمام لمعا مدرکاً للسلام الخ (الذکر المختار علی هامش رد المحتار باب الاستغفار ص ۵۷۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۷). ظہیر

(۲) والمسوق من سبقه الإمام بها أو بعدها وهو مفرد حتى يتي وتعوذ ويقرأ الخ لمعا بقضيه الخ ويقضى أول صلاته من حق قرات وأخبرها في حق تشهد للمدرک رکعت من غير لمعا ياتی بروکعتین بقتاعة وسورة وتشهد بينهما وبرابعة الرباعي بقتاعة فقط الخ (الذکر المختار علی هامش رد المحتار مطلب فی احکام المسوق ص ۵۵۷ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۵۱۶). طہیر

سہ رکعت را خوانده است مقتدی دریک رکعت شامل شد وی نماز باقی را چگونہ خواهد خواند؟ مثلاً در نماز عصر یک رکعت رایت حالا سہ رکعت را چگونہ ادا کند اعوذ را چگونہ و در کدام رکعت بگوید ایدر رکعت دوم التحیات بگوید و یادریکی اعوذ باللہ و در دوم التحیات بگوید یا چگونہ بگوید؟

جواب: شخصی را کہ در نماز چهارگانہ مثلاً در نماز پیشین یا عصر یک رکعت بہمراہ امام دریافت شود این شخص بعد از دور دادن سلام امام رکعتہای باقیماندہ خود را بہ این گونہ ادا کند کہ بخیزد و بعد از خواندن اعوذ و سبحانک اللہم الحمد و سورہ را در این رکعت بخواند و رکوع و سجدہ بکند و بنشیند و التحیات را بگوید زیرا کہ دور رکعت وی شد یکی بہمراہ امام و یکی را خودش خواند و قتی التحیات را گفت بخیزد الحمد و سورہ را بخواند رکوع و سجدہ را بکند این رکعت سوم وی شد فوراً بعد از سجدہ خستہ رکعت چہارم را تنہایہ الحمد بخواند این رکعت چہارم شد و قتی رکوع او سجدہ را بکند بعد از خواندن التحیات درود شریف و دعا سلام بگرداند (۱). فقط

وقتی در رکعت دوشامل شود رکعت اول را چگونہ ادا کند؟ قرائت بخواند یا نہ: سوال:

(۱۲۹۴) (۱) مقتدی در رکعت دوم جماعت بہمراہ امام شد کدام رکعتی را کہ مقتدی بعد از سلام گشتاندن امام میخواند در آن چیزی میگوید یا نہ؟

وقتی در رکعت سوم شریک شد در رکعت باقی قرائت میخواند یا نہ: سوال: (۱۲۹۵)

مقتدی در رکعت سوم شامل شد بہمراہ امام یک رکعت را خواند امام سلام گشتاند و قتی مقتدی میخیزد چہ بگوید یا نہ؟ و در رکعت سوم و چہارم نیز چیزی خواهد گفت یا نہ؟

جواب: (۱) دران الحمد و سورہ بگوید.

جواب: (۲) اگر مقتدی در رکعت سوم بہمراہ امام شامل شد دور رکعت وی فوت شد بعد از گشتاندن سلام امام وی میخیزد و ہر دو رکعت را بہ الحمد و سورہ (۲) بخواند.

(۱) و السورق من سبقہ الإمام بها أو بعضها وهو مفرد حتى يثنى ويعوذ ويلزمه الخ فيما يقضيه الخ ويقضى أول صلاته في حق قرائت وأجرها في حق تشهد فليترك ركعتاً من غير فجر يائي بركعتين بلائحة وسورة وتشهد بينهما وبرابعة الرباعي بلائحة فقط الخ والدور المختار على هاشم والدالمختار مطلب في أحكام المسروق ص ۵۵۷ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۵۹۶. طفر

(۲) و السورق من سبقہ الإمام بها أو بعضها وهو مفرد حتى يثنى ويعوذ ويلزمه الخ فيما يقضيه الخ ويقضى أول صلاته في حق قرائت وأجرها في حق تشهد والدور المختار على هاشم والدالمختار مطلب في أحكام المسروق الخ ص ۵۵۷ ج ۱ ، ط.س. ح ۱ ص ۵۹۶. طفر

اگر کسی در رکعت دوم شریک شد مگر بهمراه امام سلام گشتاند حالا چه کند: سوال:

(۱۲۹۶) شخصی در رکعت دوم بهمراه امام شریک شد وقتی امام سلام گشتاندوی نیز سلام گشتاند؟ پسان به یادش آمد حالابقیه رکعت راخوانده میتواند یانه؟

جواب: اگر مسبوق سهوا بهمراه امام سلام گشتاند خواه به یک طرف ویا به هردو طرف به این گونه که سلام مسبوق کمی بعداز سلام امام واقع شد چنانچه عادت است پس مسبوق خسته میتواند ورکعتهای باقیمانده خودراپوره کرده میتواند نمازش فاسد نه شد (وان سلم ای المسبوق) بعده (ای بعد الامام) لزومه (سجود السهو) لکونه منفردا حینئذ (۱) (بحر شامی).

امام در رکوع بود که یک شخص (ادم) آمد به تکبیر تحریمه در رکوع بروود یا تکبیر

رکوع رانیز بگوید: سوال: (۱۲۹۷) امام در رکوع است که شخصی آمد آباری باگفتن تکبیر تحریمه به رکوع بروود ویا بعد از تکبیر تحریمه باز تکبیر رکوع را بگوید؟

جواب: بعد از گفتن تکبیر تحریمه باز به گفتن تکبیر دوم رفتن به رکوع ضرور است این طریق مسنون است لکن اگر تنها به گفتن تکبیر تحریمه بدون تکبیر دوم به رکوع رفت و همراه امام شریک شدن رکعت برایش حاصل شد و نمازش نیز صحیح (۲) شد.

که در رکوع شریک شود بعد از تحریمه دستها را بسته کرده باز رکوع کند یابدون بستن

دستها به رکوع بروود: سوال: (۱۲۹۸) امام در رکوع یاسجده است یک نفر آمدوی بعد از گفتن تکبیر تحریمه دست ها را بسته کند باز به رکوع یاسجده بروود یابدون بسته کردن دستها بروود؟

جواب: بستن دستها بعد از گفتن تکبیر تحریمه مسنون است اگر دستها را بسته نه کرد و همین طور به رکوع یاسجده رفت نماز صحیح است (۳).

مسبوق سلام گشتاند ودعا کرد باز برایش یاد داد چه کند: سوال: (۱۲۹۹) یک شب دز

جماعت خفتن من در رکعت دوم شریک شدم مگر بهمراه امام به هرطرف سلام گشتاندن نماز

(۱) ردالمحتار باب سجود السهو ص ۲۹۶ ج ۱ ، ط.س. ج ۲ ص ۸۳. ظفر

(۲) وسننای رفع الیدین للتحریمه فی الخلاصه ان اعتاد ترکہ اثم الخ ووضیع یمینه علی یساره الخ وتکبیرہ الركوع (التر المختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص ۴۴ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۴۷۶). ظفر

(۳) وسننای رفع الیدین للتحریمه الخ ووضیع یمینه علی یساره سرته وتکبیرہ الركوع (کنز لمازری انه ﷺ کان یکبر بعد کل رفع وخفض (الحر الرائق. باب صفة الصلوة ص ۳۲۰ ج ۱ ، ط.س. ج ۱ ص ۳۰۲. ظفر.

را خلاص کردم دعا خواستم مگر در همین وقت یک مقتدی دیگر که نماز خود را بهمراه امام تمام کرده بود برایم گفت که بخیز نماز را تکمیل کن اگر من درین حالت میخستم و نمازم را پوره میکردم نماز میشد یا نه؟ و در صورتیکه من سخن وی را قبول نکردم بلکه از سر چهار رکعت فرض را ادا کردم این نماز شد یا نه؟ سبب قبول نه کردن من این شد که در دلم این شبه و گمان پیدا شد که بافتح دادن بیرون از نماز نماز فاسد میشود؟

جواب: اگر بعد از گفتار این شخص چیزی فکر برای خودش به یاد آمده باشد که بیشک یک رکعت من مانده است و به این اساس خسته باشد و بعد از پوره کردن یک رکعت سجده سهو شده باشد نماز شده خواهد بود زیرا این امثال شخص غیر نیست بلکه هرگاه بیا دخودت آمد اشتاد شدن به همین طرف منسوب میشود در درمختار هست:

حتى لو امثل امر غیره فقیل له: تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف احد فوسع له فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأيه: ودر شامی تصحیح عدم فساد را کرده اند.

وقد منا عن رشدنبالی عدم الفساد وتقدم تمام الکلام علیه ^(۱) الخ (شامی جلد اول).

مسبوق در قعده بهمراه امام چه خواهد گفت؟ و به همراه امام سجده سهو خواهد کرد

پایان: سوال: (۱۳۰۰) برای مسبوق همراه امام در قعده خواندن چه چیز مناسب است؟ و اگر امام سجده سهو بکند آیا مسبوق نیز خواهد کرد؟

جواب: وقتی امام در قعده اولی بنشیند وی نیز بنشیند و التحیات بگوید و اگر امام سجده سهو کرد وی نیز بهمراهش سجده سهو بکند اما سلام نه گرداند ^(۲).

الباب السادس فی الحدث فی الصلاة

اگر در دوران نماز وضوء بشکند چه کردن ضرور است

اگر امام در نماز وضوء شود خلیفه گرفتن درست است ضروری نیست: سوال: (۱۳۰۱)

اگر امام در نماز بی وضوء شود در کتابهای فقه نوشته اند که خلیفه گرفتن جائز است چون این مسئله نادر الوقوع (یعنی بسیار کم پیش میآید) اکثر مردم ازین بی خبر اند خلیفه گرفتن برای امام مشکل میباشد در چنین حالت چه کار کردن ضرور است؟

(۱) رد المحتار باب ما یبطل و ما یکبره فیها ص ۳۸۱ ج ۱، ط.س. ج ۱ ص ۴۲۲. ظفر.

(۲) و المسبوق یسجد مع امامه مطلقا سواء کان انسیو قبل الانقضاء او بعد ثم یقضى ماله (در مختار) فید بالسجود لانه لا یتابعه فی السلام بل یسجد معه و یتشهد (رد المحتار باب سجود السهو ص ۶۹۵ - ۵۹۶ ج ۱، ط.س. ج ۲ ص ۸۲ - ۸۳). ظفر.

جواب: در کتابهای فقه در صورت پیش آمدن بی وضوئی گرفتن خلیفه راجائز نوشته اند ضروری نیست و این را نیز نوشته اند که استیفاء (یعنی از سر خواندن نماز مناسب است بخاطر اینکه مردم در غلطی نه افتند پیش از پیش نماز را قطع کنند و کدام عمل منافی به نماز را بکنند (انجام دهد) باز وضوء کند و از سر نماز را شروع^(۱) کند.

مسئله خلیفه شده میتواند: سوال: (۱۳۰۲) چهار مقتدی است و پنجم امام است نماز میدهد و مقتدیه جاهلاً ندیک مقتدی تعلیم یافته نیز آمد و در جماعت شامل شد وضوء امام شکست حالا درین پنج مقتدی کدام یک را امام ساخته شود؟ و کدام یک که تعلیم یافته هست وی دو یایک رکعت رانه یافته است؟

جواب: کدام شخصی خواننده (باسواد) که پسان در جماعت شامل شده وی امام ساخته شود و در وقت سلام چنان شخص رابه جای خود امام سازد که نمازش تمام شده باشد وی سلام بگرداند و این بخیر در کتبهای باقیمانده خود را تمام کند کذا فی الدر المختار^(۲) فقط.

اگر وضوء مقتدی صف پیش بشکندوی چگونه برآید: سوال: (۱۳۰۳) اگر دوسه صد (۲۰۰ یا ۳۰۰ انسان در جماعت بود و در صف پیش از همه وضوء شخصی در میان نماز بشکند وی چگونه برآمده میتواند؟ و امام چگونه بدل میشود؟

جواب: صفهارا پاره کرده برآید و امام از میان مقتدیها کسی دیگر را از دست گرفته بجای خود استاد کند^(۳) فقط. **اگر وضوء امام در حالت سجده بشکند خلیفه چه کند:** سوال: (۱۳۰۴)

اگر وضوء امام در حال سجده بشکند خلیفه چگونه به مصلی بیاید؟

جواب: در صورت خلیفه به مصلی بیاید و از همین سجده شروع کند و کدام امام که در حال سجده بی وضوء شده بالای پیشانی خود دست بماند بخاطر اینکه خلیفه بفهمد که وی وضوئی برای امام در سجده پیش آمده این سجده دوباره کردن لازم است کما فی الدر المختار و لیضع یده

(۱) استخلف ای جای له ذالک ولو فی جازة باشارة اوجر لمحراب (در مختار) و ظاهر المتن ان الاستخلاف الفضل فی حق الكل (رد المحتار). باب الاستخلاف ص ۵۶۲ ج ۱ طبر.

(۲) ولو استخلف الامام مسبقا الخ صح الخ للوهم المسبوق صلاة الامام قدم مترکا لسلام (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الاستخلاف ص ۵۷۱ ج ۱ طبر.

(۳) سبق الامام حدث الخ غیر مانع الخ استخلف ای جاز له ذالک ولو فی جازة باشارة اوجر لمحراب الخ (در مختار) قوله استخلف اشار ان الاستخلاف حق الامام (رد المحتار باب الاستخلاف ص ۵۶۱ - ۵۶۲ ج ۱ طبر.

علی رکبته لترك ركوع على جبهته لسجود^(۱) الخ فقط.

اگر در وقت تلاوت سوره وضوء امام شکست و خلیفه آن سوره را یاد نداشت پس چه

گفت: (۱۳۰۵) امام مثلاً یک سوره میخواند که وضویش شکست حالا کدام مقتدیکه خلیفه شده آن سوره راها دندارد که امام قرائت میکرد حالا خلیفه چه کند؟ وی سوره دیگر را بخواند. رکوع کند این ضروری نیست که همان سوره را بخواند حتی اگر آن امام به قدر واجب قرائت را خوانده باشد خلیفه بعد از رفتن به جای وی فوراً به رکوع رفته میتواند (۲) فقط.

جلد سوم از فتاویٰ دار العلوم تمام شد

تاریخ

الثلاثاء، ۱۰ محرم، ۱۴۳۱



(۱) الفروع المختار علی هامش رد المحتار باب الاستخلاف فی الصلوة ص ۵۶۲ ج ۱ . ظفر

(۲) من سبلة الحدث توضح وبنی أو استخلف لو اماماً (کنز) لانه يستخلف رجلاً مكانه ياخذ يترك الرجل الى المحراب او يشير اليه الخ ولو ترك وكوفا يشير بديه على ركبته او سجوداً يشير بوضعها على جبهته او قراءة يشير بوضعها على فمه الخ هذا اذا لم يعلم الخليفة ذلك اما اذا علم فلا حاجة الى ذلك (البحر الرائق باب الحدث فی الصلوة ص ۳۸۹ - ۳۹۱ ج ۱). ظفر

